

خود آموز ترکی استانبولی

بر اساس روانشناسی یادگیری

مؤلف: مرتضیٰ عبدی

خود آموز ترکی استانبولی

شامل:

مکالمه

دستور زبان

اصطلاح

ضرب المثل

و....

چون بیاموزی زبان دیگری جز مادری

برگشایی روی خود دروازه‌های دیگری

مؤلف : مرتضی عبدی

morteza.abdi@gmail.com

<http://www.facebook.com/morteza.abdi>

دوستان عزیز: توجه داشته باشید که بر طبق قوانین روانشناسی یادگیری؛ در مطالعه بار اول، شما از حافظه کوتاه مدت استفاده می‌کنید که دوام آن حدود ۳۰ ثانیه است و در موارد بسیار برای شخص مفید است. ولی در صورتی که که تمایل دارید مطالب مدت بیشتری در ذهن باقی بماند، باید مطالب را با فاصله و بعد از فراموشی تکرار نمایید. تکرار برای بار دوم باید چند ساعت بعد و بار سوم چند روز بعد و در صورتی که بخواهید مطالب دائمی در حافظه شما باشد باید پس از چند ماه مجدداً مرور کنید، افرادی که مطالب را در ذهن خود تکرار می‌کنند احتیاج کمتری به روخوانی دارند.

فهرست مندرجات

۱	پیش گفتار
۱	چگونه یاد گیرنده موفق باشیم؟
۲	کلام آخر
۳	کلیات زبان ترکی
۵	زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر
۵	زبان گفتار - زبان نگارش
۷	زبان و کلمات بیگانه
۹	ترتیب کلمات (در جمله)
۱۰	درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی
۱۱	الف-جنبه التصاقی یا پیوندی
۱۲	ب- توالی پیوندها
۱۳	ج- هماهنگی اصوات
۱۳	د- کوتاهی مصوت‌ها
۱۳	ه-نبودن علامت جنس
۱۴	و-تنوع و نظم افعال
۱۴	ی-ریتیم (وزن)
۱۵	نتیجه
۱۵	مبحث اصوات
۱۵	اصوات
۱۶	حروف-الفبا
۱۷	زبان ترکی استانبولی و الفبای موجود فارسی
۱۸	الفبای زبان ترکی استانبولی
۲۱	تکیه
۲۱	تقسیم هجایی
۲۲	تمرین تلفظ
۲۵	کشش واکه‌ای
۲۶	اصوات مصوت، اصوات صامت
۲۶	الف- اصوات مصوت:
۲۶	ب- اصوات صامت:
۲۷	گروه بندی اصوات
۲۷	الف-گروه بندی حروف مصوت
۲۸	ب-گروه بندی صامت‌ها
۲۹	هماهنگی و تطابق مصوت‌ها
۳۰	الف) تطابق خشن و ظریف (Kalinlık-incelik uyumu)
۳۵	ب) هماهنگی مصوت‌های راست و گرد (düzlük-yuvarlaklık uyumu)

- ۳۵ زبان ترکی استانبولی زبان کوتاه مصوت
- ۳۶ مصوت ترکیبی
- ۳۷ حذف حروف مصوت (Ünlü düşmesi)
- ۴۱ یکی شدن مصوت (Ünlü birleşmesi)
- ۴۱ حروف صامت
- ۴۶ تغییر حروف صامت (Ünsüz değişimi)
- ۴۷ تغییر نوع اول
- ۴۸ تغییر نوع دوم
- ۵۲ "Y" میانجی
- ۵۳ حالت تشابه (Benzeşme)
- ۵۳ ۱- تشابه کامل (Tüm benzeşme) :
- ۵۴ ۲- تشابه ناقص (Yarı benzeşme) :
- ۵۴ ۳- تشابه پسین (İlerleyici benzeşme) :
- ۵۴ ۴- تشابه پیشین (Gerileyici benzeşme) :
- ۵۵ حالت تبدیل (Aykırılma)
- ۵۵ حالت جا به جای (Göçüşme)
- ۵۵ حذف حروف صامت (Ünsüz düşmesi)
- ۵۶ صامت‌های دو تایی
- ۵۷ مبحث کلمات
- ۵۸ بنیاد صوتی کلمات
- ۵۸ نقش اصوات مصوت در ساختمان هجا
- ۵۹ هجاهای باز، هجاهای بسته
- ۶۰ انواع هجاها
- ۶۰ تکیه
- ۶۱ ساختمان شکلی کلمات
- ۶۱ ریشه
- ۶۴ پیوندها (EKLER)
- ۶۶ اشکال صوتی پیوندها
- ۶۸ پیوندهای توصیفی (Yapım ekleri)
- ۷۰ پیوندهای تصریفی (Çekim ekleri)
- ۷۱ اصل توالی پیوندها
- ۷۲ اصوات کمکی
- ۷۲ اقسام کلمه از نظر مدلول و معنی
- ۷۲ اسم
- ۷۳ اشکال ساختمانی اسم:
- ۷۳ ۱- اسم ساده

- ۷۳ ۲- اسم پیوندی
- ۹۴ ۳- اسامی مرکب
- ۹۶ انواع اسم
- ۹۶ ۱- اسم عام:
- ۹۶ ۲- اسم خاص:
- ۹۶ ۳- اسم ذات:
- ۹۶ ۴- اسم معنی:
- ۹۶ ۵- اسم جمع:
- ۹۷ اشکال تصریفی اسم
- ۹۷ جمع و پیوند جمع
- ۹۸ تملیک و پیوند تملیک
- ۱۰۱ حالت و پیوندهای حالت:
- ۱۰۲ ۱- حالت فاعلی یا آزاد (Yalın hal)
- ۱۰۲ ۲- حالت اضافه یا تعلق (İlgi hali)
- ۱۰۴ ۳- حالت تأثیر یا مفعول مستقیم (Yükleme hali)
- ۱۰۵ ۴- حالت گرایش یا مفعول غیر مستقیم (Yönelme hali)
- ۱۰۶ ۵- حالت تخصیص یا مفعول فیه (Bulunma hali)
- ۱۰۸ ۶- حالت انفکاک یا مفعول عنه (Ayrılma hali)
- ۱۱۰ ۷- حالت واسطه (Vasıta Hâl Eki)
- ۱۱۱ افعال (FİLLER)
- ۱۱۲ افعال پر کاربرد ترکی
- ۱۱۳ اشکال ساختمانی فعل
- ۱۱۳ ۱- افعال ساده:
- ۱۱۳ ۲- افعال پیوندی:
- ۱۱۷ ۳- افعال مرکب:
- ۱۱۹ انواع فعل از نظر مدلول و معنی
- ۱۱۹ ۱- افعال لازم یا ناگذر (Geçişsiz Fiiller)
- ۱۱۹ ۲- افعال متعدی یا گذر (Geçişli Fiiller)
- ۱۲۰ ۳- افعال ارجاع (Dönüşlü Fiiller)
- ۱۲۰ ۴- افعال اجبار (Ettirgen Fiiller)
- ۱۲۱ ۵- افعال سببی (Oldurgan Fiiller)
- ۱۲۲ ۶- افعال مشارکت (işteş fiiller)
- ۱۲۷ پیوند نفی
- ۱۲۸ اشکال تصریفی فعل
- ۱۲۸ پیوندهای وجه و زمان
- ۱۲۹ پیوندهای شخص

- ۱۲۹ اشکال تصریفی فعل مرکب
- ۱۲۹ وجه اخباری مرکب
- ۱۲۹ ماضی بعید
- ۱۳۰ ماضی مطلق
- ۱۳۰ ماضی استمراری
- ۱۳۰ ماضی مستقبل
- ۱۳۱ **وجه وصفی یا صفت فاعلی (Sıfat-fiiller)**
- ۱۳۴ وجه مصدری یا اسم فعلی (İsim-fiiller)
- ۱۳۵ وجه حالت یا قید فعلی (Zarf-fiiller)
- ۱۳۷ صفت (Sıfat)
- ۱۳۸ اشکال ساختمانی صفت
- ۱۴۱ اشکال نسبی صفت:
- ۱۴۹ زوج صفت ها
- ۱۵۰ صفت ترکیبی:
- ۱۵۰ صفت نسبی:
- ۱۵۰ صفت رتبه ای (مقام):
- ۱۵۰ صفت تشبیهی:
- ۱۵۰ صفت وصفی:
- ۱۵۱ رنگ ها
- ۱۵۲ اقسام صفت از نظر مفهوم و مدلول
- ۱۵۲ الف) صفات وصفی:
- ۱۵۲ ب) صفات تعیینی:
- ۱۵۲ ۱- صفت اشاره
- ۱۵۳ ۲- صفات عددی
- ۱۵۵ ۳- صفت پرسشی
- ۱۵۶ ۴- صفتهای مبهم
- ۱۵۷ **شاخص:**
- ۱۵۷ قبل از اسم:
- ۱۵۷ بعد از اسم:
- ۱۵۷ قبل و بعد اسم به همراه هم:
- ۱۵۷ ضمیر (ZAMİR)
- ۱۵۸ انواع ضمایر
- ۱۵۸ ۱- ضمایر شخصی
- ۱۶۰ ۲- ضمیر انعکاسی (Dönüşlülük zamiri)
- ۱۶۰ ۳- ضمایر اشاره (İşaret zamirleri):
- ۱۶۱ ۴- ضمایر پرسشی (Soru Zamiri):

- ۱۶۲ ۵- ضمائر مبهم (Belgisiz Zamir):
- ۱۶۴ ضمائر از نظر ساختار
- ۱۶۴ نحوه صرف مصدر imek (هستن، بودن)
- ۱۶۶ قیدها (Zarflar) :
- ۱۶۶ اقسام قیدها از نظر مدلول و ساختمان کلمه
- ۱۶۶ ۱- قید زمان (Zaman Zarfları) :
- ۱۶۸ ۲- قید مکان (Yer Zarfları):
- ۱۶۹ ۳- قید حالت (Hal Zarfları):
- ۱۷۰ ۴- قید مقدار (Miktar Zarfları) :
- ۱۷۱ ۵- قید ترتیب (Sayı Zarfları) :
- ۱۷۱ ۶- قید علت (Sebep Zarfları):
- ۱۷۲ ۷- قید اشاره (İşaret Zarfları):
- ۱۷۲ ۸- قید پرسش (Soru Zarfları) :
- ۱۷۳ مصدر
- ۱۷۳ مصدر در زبان ترکی:
- ۱۷۵ اضافه شدن پیوند تملیک به مصدر:
- ۱۷۹ مصدر سنگین
- ۱۷۹ طرز بیان تظاهر کردن، وانمود کردن
- ۱۸۰ ادات یا کلمات کمکی
- ۱۸۰ ادات وصل
- ۱۸۳ حرف ربط ربط
- ۱۸۶ انواع حرف ربط
- ۱۸۷ ادات ندا
- ۱۸۸ ۱- نداهای اصلی:
- ۱۸۹ درس ۱
- ۱۸۹ سلام و احوال پرسی و نیازهای اولیه
- ۱۹۰ درود و سلام روز مره و معمولی و اصول سلام کردن
- ۱۹۱ عبارات برای نیازهای اولیه
- ۱۹۲ کلمات خطاب
- ۱۹۳ پرسیدن اسم یکدیگر
- ۱۹۴ lar/ler پیوند جمع
- ۱۹۵ پیوندهای شخصی
- ۱۹۶ Var (هست، هستند، وجود دارد، هستی) ، Yok (نه، نیست، وجود ندارد):
- ۱۹۹ سؤال کردن
- ۲۰۲ Değil
- ۲۰۳ ساخت سؤالی منفی از değil

- ۲۰۵ مثال از گذشته پیوند منفی ساز değil:
- ۲۰۶ ساخت جملات کامل
- ۲۰۶ نکات جالب!
- ۲۰۶ تعداد کلمات ترکی در زبان های دیگر
- ۲۰۷ ضرب المثل
- ۲۰۷ اصطلاحات
- ۲۰۸ درس ۲
- ۲۰۸ پرسیدن اسم اشخاص
- ۲۰۹ پرسش درباره خانواده اشخاص
- ۲۱۰ خانواده
- ۲۱۴ birbir یا birbir (یک دیگر، هم دیگر)
- ۲۱۵ چگونه خود را معرفی کنیم؟
- ۲۱۶ چگونه دیگران را به هم معرفی کنیم؟
- ۲۱۹ İle
- ۲۲۰ مشاغل (حرفه ها)
- ۲۲۰ مشاغل و حرفه های رایج
- ۲۲۱ پیوند هشت شکلی -ci, -çî, -ci, -çı, -cu, -çu, -cü, -çü
- ۲۲۲ مکان های کار
- ۲۲۲ سفر (seyahat)
- ۲۲۲ گمرک (gümrük)
- ۲۲۳ کلمات مفید
- ۲۲۳ اطلاعات جهانگردان (turist bilgileri)
- ۲۲۴ رزرو (rezervasyon)
- ۲۲۵ ثبت برای پرواز (uçuş rezervasyonu)
- ۲۲۶ کلمات مفید
- ۲۲۶ در هواپیما (uçakta)
- ۲۲۷ کلمات مفید
- ۲۲۸ قطار/اتوبوس (tren/otobüs)
- ۲۲۹ کلمات مفید
- ۲۲۹ کشتی/قایق (feribot/gemi)
- ۲۳۰ کلمات مفید
- ۲۳۰ اثاثیه مسافر (bagaj)
- ۲۳۱ ممکن است بشنوید
- ۲۳۲ ضرب المثل
- ۲۳۲ اصطلاحات
- ۲۳۳ درس ۳

- ۲۳۳ پرسیدن سن اشخاص
- ۲۳۴ ماه‌های سال
- ۲۳۴ اعداد اصلی
- ۲۳۶ اعداد ترتیبی
- ۲۳۶ جمع، تفریق، ضرب، تقسیم
- ۲۳۷ واحدهای اندازه‌گیری و نشانه‌ها
- ۲۳۹ پرسیدن محل تولد
- ۲۴۱ پیوند -li/-lı/-lu/-lû
- ۲۴۱ جهات
- ۲۴۳ جاه‌های دیدنی
- ۲۴۳ اطلاعات جهانگردان/ رزرو تور (turizm danışma/tur rezervasyonu)
- ۲۴۵ کلمات مفید
- ۲۴۶ نشانی پرسیدن/ دادن (yol tarifi)
- ۲۴۷ کلمات مفید
- ۲۴۸ در موزه (muzede)
- ۲۴۸ کلمات مفید
- ۲۴۹ عکسبرداری (fotoğraf çekimi)
- ۲۵۰ سرگرمی/سینما/تئاتر (eğlence/sinema/tiyatro)
- ۲۵۱ کلمات مفید
- ۲۵۱ سرگرمی/تفریحات شبانه (eğlence/gece hayatı)
- ۲۵۲ ممکن است بشنوید
- ۲۵۲ زمان حال استمراری (şimdiki zaman)
- ۲۵۴ واژه‌های جدید
- ۲۵۴ dış / dışı (بیرون، خارج)
- ۲۵۴ استفاده به عنوان صفت (dış)
- ۲۵۴ استفاده به عنوان اسم (dışı)
- ۲۵۴ استفاده به عنوان قید مکان (dışarı - بیرون)
- ۲۵۵ استفاده به عنوان دستور (dışarı - بیرون)
- ۲۵۵ iç (داخل، درون)
- ۲۵۵ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۵ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۶ استفاده به عنوان قید مکان (içeri - داخل)
- ۲۵۶ استفاده به عنوان دستور (içeri - داخل)
- ۲۵۶ Yan (کنار، طرف، سمت، نزد، فرعی، غیره مستقیم)
- ۲۵۶ استفاده به عنوان صفت

- ۲۵۶ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۷ taraf (طرف، جهت، سمت، ناحیه، منطقه)
- ۲۵۷ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۷ üst (بالا، رویه، عالی، فوق، ماورا، سر)
- ۲۵۷ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۷ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۸ üzeri (روی، بالا، سر، علاوه بر)
- ۲۵۸ alt (پایین، زیر، پست)
- ۲۵۸ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۸ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۹ otra (وسط، مرکز، میان، میانه، نیمه)
- ۲۵۹ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۹ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۹ art (عقب، قسمت پشتی، پشت، پشت سر)
- ۲۶۰ arka (پشت، عقب)
- ۲۶۰ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۰ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۰ ön (جلو، پیش، آینده)
- ۲۶۰ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۱ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۱ yakın (نزدیک، در مجاورت)
- ۲۶۱ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۱ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۱ استفاده به عنوان قید مکان
- ۲۶۱ ara (بین، رابطه، واسطه، فاصله، وسط)
- ۲۶۲ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۲ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۲ karşı (مقابل، متقابل، ضد، مخالف، روبرو)
- ۲۶۲ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۲ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۳ etaf (اطراف، دور، اکناف، پیرامون)
- ۲۶۳ çevre (اطراف، دور، سرتاسر، پیرامون، محیط، دایره)
- ۲۶۳ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۳ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۴ aşağı (پایین، زیر)
- ۲۶۴ استفاده به عنوان صفت



- ۲۶۴ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۴ استفاده به عنوان قید مکان
- ۲۶۵ yukarı (بالا، مافوق، رو، فوق، رو)
- ۲۶۵ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۵ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۵ peş (پشت، دنبال، عقب سر)
- ۲۶۵ نمونه‌هایی برای مطالعه
- ۲۶۶ ضرب المثل
- ۲۶۶ اصطلاحات
- ۲۶۸ درس ۴
- ۲۶۸ خوش آمد گویی
- ۲۶۹ خواهش‌ها
- ۲۷۰ ابراز اولویت (رجحان)
- ۲۷۱ کاربرد زمان حال ساده (Geniş zaman)
- ۲۷۲ ۱- عمل همیشگی
- ۲۷۲ ۲- رضایت یا میل
- ۲۷۲ ۳- دستور دادن مؤدبانه
- ۲۷۲ ۴- درخواست محترمانه
- ۲۷۲ ۵- موافقت همراه با ادب رضایت خاطر
- ۲۷۳ ۶- آینده مردد
- ۲۷۳ شاخص زمان حال ساده
- ۲۷۳ افعال تک هجایی
- ۲۷۳ فعل‌های چند هجایی
- ۲۷۳ فعل‌های مختوم به مصوت‌ها
- ۲۷۴ استثنای افعال تک هجایی
- ۲۷۵ ضرب المثل‌ها
- ۲۷۶ ya ... ya da (یا ... یا)
- ۲۷۶ نشان دادن سپاسگزاری
- ۲۷۷ تعریف کردن و قدردانی
- ۲۷۸ Ne ... Ne de (نه ... نه) و hem ... hem de (هم ... هم)
- ۲۷۹ gerek ... gerek ya gerekse (هم ... هم یا چه ... چه)
- ۲۷۹ ha ... ha (چه ... چه)
- ۲۷۹ ister ... ister (خواه ... خواه)
- ۲۷۹ olsun... olsun (هم ... هم)
- ۲۷۹ ama (اما، ولی)
- ۲۸۰ -(y)e / -(y)a

- ۲۸۰ Hiç
- ۲۸۰ ابراز رضایت و خرسندی
- ۲۸۱ عبارات مورد نیاز در زمان خداحافظی
- ۲۸۳ بیان ضرورت
- ۲۸۳ تکرار عمل
- ۲۸۳ ضرب المثل
- ۲۸۳ اصطلاحات
- ۲۸۵ درس ۵
- ۲۸۵ تعارفات
- ۲۸۶ واژه‌های مربوط به خانه
- ۲۸۷ واژه‌های دیگر:
- ۲۸۷ واژه‌های مربوط به حمام و دست شویی
- ۲۸۷ سمت‌ها
- ۲۸۷ چند مثال دیگر از جمله‌های تعارف آمیز:
- ۲۸۸ ابراز موافقت/ مخالفت
- ۲۸۸ موافقت:
- ۲۸۹ مخالفت:
- ۲۹۰ از... به (تا)
- ۲۹۰ جملات سوالی که برای بیان عدم موافقت به کار می‌روند.
- ۲۹۰ Hem de; Hiç de:
- ۲۹۱ Duymak:
- ۲۹۱ احساسات
- ۲۹۲ ساعت
- ۲۹۳ واژه‌های مربوط به زمان
- ۲۹۳ اصطلاحات مربوط به ساعت
- ۲۹۴ هتل
- ۲۹۴ رزرو (Rezervasyon)
- ۲۹۶ کلمات مفید
- ۲۹۶ سرویس (servis)
- ۲۹۸ شکایات (şikayetler)
- ۳۰۰ کلمات مفید
- ۳۰۰ پرداخت (ödeme)
- ۳۰۱ امکانات (hizmetler)
- ۳۰۱ اجاره (kiralamak)
- ۳۰۲ کلمات مفید
- ۳۰۲ ممکن است بشنوید

۳۰۳	ضرب المثل
۳۰۳	اصطلاحات
۳۰۵	درس ۶
۳۰۵	ابزار علاقه/بی علاقه
۳۰۶	صفات ظاهری انسان ها
۳۰۶	خصوصیات خلق و خوی
۳۰۷	آرایشگاه
۳۰۹	کلمات مربوط به آرایشگاه
۳۱۰	تصحیح کردن گفتار
۳۱۱	Gene
۳۱۱	Gene de (هنوز، باز هم)
۳۱۱	ابراز اطمینان/عدم اطمینان
۳۱۲	اصطلاحات
۳۱۳	درس ۷
۳۱۳	نشان دادن مسیر/ راه
۳۱۴	حمل و نقل محلی (yerel ulaşım)
۳۱۴	اتوبوس/مترو (otobüs/metro)
۳۱۵	کلمات مفید
۳۱۵	تاکسی (taksi)
۳۱۶	کرایه ماشین (araba kiralama)
۳۱۸	کلمات مفید
۳۱۸	رانندگی/پارک کردن (araba kullanmak/park etmek)
۳۱۹	کلمات مفید
۳۲۰	در ایستگاه بنزین (benzin istasyonunda)
۳۲۱	کلمات مفید
۳۲۱	خرابی ها (arızalar)
۳۲۳	کلمات مفید
۳۲۳	حوادث (kazalar)
۳۲۴	تابلوهای راهنمایی و رانندگی (trafik işaretleri)
۳۲۵	ممکن است بشنوید
۳۲۶	معذرت خواهی و جواب دادن به آن
۳۲۷	چگونه، کاری را از کسی بخواهیم؟
۳۲۸	مؤدبانه کاری را از کسی خواستن
۳۲۸	دستور دادن
۳۲۸	حالت امری
۳۲۹	-süz/-süz/-süz/-süz (بدون، بی)

- ۳۳۰ (sizin/-sızın/-suzun/-süzün) (بدون، بی، بلا)
- ۳۳۰ پیوندهای ملکی «زنجیره‌ای»
- ۳۳۰ (y)erek, -(y)arak- (با انجام دادن چیزی) :
- ۳۳۰ پیشنهاد کمک کردن
- ۳۳۱ وجه آرزو
- ۳۳۲ القاب و خطاب‌ها
- ۳۳۳ اصطلاحات
- ۳۳۵ درس ۸
- ۳۳۵ اظهار تأسف، تعجب، همدردی
- ۳۳۶ واژه‌های مربوط به زمان
- ۳۳۷ اعضای بدن و اصطلاحات مربوط، اصطلاحات پزشکی و سلامتی
- ۳۴۵ علائم بیماری (belirtiler)
- ۳۴۸ کلمات مفید:
- ۳۴۸ مراجعه به پزشک (doktor ziyareti)
- ۳۵۰ کلمات مفید:
- ۳۵۰ دندان پزشک (dişçi) :
- ۳۵۱ حوادث/کمک‌های اولیه (kazalar/ilk yardım) :
- ۳۵۲ داروخانه (eczane)
- ۳۵۴ کلمات مفید:
- ۳۵۵ ممکن است بشنوید:
- ۳۵۶ زمان ماضی مطلق: di'li geçmiş zaman
- ۳۵۸ Hala (هنوز) ، Artık (دیگر)
- ۳۵۸ پیشنهاد دادن توصیه کردن
- ۳۶۰ DEn sonra - (بعد از)
- ۳۶۰ DEn önce - (قبل از)
- ۳۶۰ DEn ewel - (قبل از)
- ۳۶۰ روایت کردن یک حادثه
- ۳۶۱ DEn beri - (از... تاکنون) و Dİr (به مدت)
- ۳۶۱ bile
- ۳۶۲ Henüz
- ۳۶۲ Hiç (هرگز، هیچ)
- ۳۶۲ اصطلاحات اضافی در صحبت‌ها
- ۳۶۲ استفاده از وجه شرطی در ذکر وقایع غیرمنتظره
- ۳۶۳ اصطلاحات
- ۳۶۴ درس ۹

- ۳۶۴ بیان قصد و نیت
- ۳۶۵ خرید
- ۳۶۵ اطلاعات (danışma)
- ۳۶۶ کلمات مفید
- ۳۶۷ سرویس (سرویس)
- ۳۶۹ پوشاک (giyim)
- ۳۷۱ کلمات مفید
- ۳۷۱ لوازم تزئینی (aksesuarlar)
- ۳۷۲ کلمات مفید
- ۳۷۳ کفش (ayakkabı)
- ۳۷۳ کلمات مفید
- ۳۷۴ وسایل الکترونیکی (elektronik aletler)
- ۳۷۶ کلمات مفید
- ۳۷۶ سوغات (hediyelik eşya)
- ۳۷۸ کتابها (kitaplar)
- ۳۷۹ اسباب بازی ها/بازی (oyuncaklar/oyun)
- ۳۸۰ کلمات مفید
- ۳۸۲ توتون/ الکل (tütün ürünleri/alkol)
- ۳۸۳ زیورآلات/ساعت مچی (mücevher/kol saatleri)
- ۳۸۵ کلمات مفید
- ۳۸۵ در سوپر مارکت (süpermarkette)
- ۳۸۷ کلمات مفید
- ۳۸۸ پرداخت (ödeme)
- ۳۸۹ ممکن است بشنوید:
- ۳۹۰ istemek (خواستن)
- ۳۹۰ پوشیدنی ها و زیورآلات
- ۳۹۰ زمان آینده: Gelecek zaman
- ۳۹۱ کاربرد زمان آینده
- ۳۹۱ تبریک و تهنیت
- ۳۹۲ برخی اصطلاحات رایج
- ۳۹۲ اصطلاحات مربوط به can (جانان، دوست، رفیق، روح، جان)
- ۳۹۳ حدس و گمان
- ۳۹۴ پیوند -ki
- ۳۹۵ Ki در نقش حرف ربط
- ۳۹۷ Gibi: (مثل، مانند)

- ۳۹۷ Sanki: (گویا، انگار)
- ۳۹۷ : -(y)İncA
- ۳۹۷ -eli, -eli beri, -eliden beri, -diX -eli (از هنگامی که، از وقتی که، از زمانی که)
- ۳۹۸ madem, madem ki (مادام، مادامی که)
- ۳۹۸ توصیه کردن
- ۳۹۸ عبارت‌های مربوط به مقادیر
- ۳۹۹ اصطلاحات
- ۴۰۰ درس ۱۰
- ۴۰۰ تصمیم گیری
- ۴۰۱ ناتوانی
- ۴۰۱ پیشنهاد انجام کاری
- ۴۰۲ ساختن جمله شرطی با ise
- ۴۰۴ واحدهای شمارشی خوراکی‌ها
- ۴۰۴ ابراز تأسف
- ۴۰۵ غذا و نوشیدنی (yeyicek ve içecek)
- ۴۰۶ میوه‌ها و سبزیجات (meyveler ve sebzeler)
- ۴۰۷ غذای دریایی (deniz ürünleri)
- ۴۰۸ ادویه‌ها و چاشنی‌ها (baharatlar)
- ۴۰۹ گوشت (et)
- ۴۰۹ خواربار (bakkal)
- ۴۱۰ نوشیدنی‌های غیر الکلی (meşrubat)
- ۴۱۱ مشروبات الکلی (alkollu içecek)
- ۴۱۱ در رستوران: اشتها آورها (restoranda: apearitif)
- ۴۱۲ در رستوران: سوپ (restoranda: çorba)
- ۴۱۳ در رستوران: غذای اصلی (restoranda: ana yemekler)
- ۴۱۶ در رستوران: دسر (restoranda: tatlı)
- ۴۱۶ در رستوران: نوشیدنی‌ها (restoranda: içecekler)
- ۴۱۷ در رستوران: رزرو (restoranda: rezervasyon)
- ۴۱۹ کلمات مفید
- ۴۱۹ در رستوران: سفارش غذا (restoranda: yemek siparişi)
- ۴۲۱ در رستوران: سرویس (restoranda: Servis)
- ۴۲۳ کلمات مفید
- ۴۲۴ در رستوران: پرداخت (restoranda: Hesab)
- ۴۲۵ در بار: (Barda)
- ۴۲۵ در رستوران: ممکن است بشنوید: (restoranda: Duyabilecekleriniz)

- ۴۲۶ دعوت
- ۴۲۷ اصطلاحات
- ۴۲۹ درس ۱۱
- ۴۲۹ بیان الزام و اجبار
- ۴۳۰ انجام کار توسط دیگران (جملات سببی)
- ۴۳۱ به خاطر آوردن و فراموش کردن
- ۴۳۱ یادآوری‌ها
- ۴۳۲ پیوند İken- یا (y)ken- (هنگام، زمانی که) مانند:
- ۴۳۳ -a rağmen (به رغم، علیرغم، با وجود این که)
- ۴۳۳ ancak, yalnız (فقط، اما، تنها، ولی، نهایت)
- ۴۳۳ زمان‌های گذشته
- ۴۳۴ اصطلاحات
- ۴۳۵ درس ۱۲
- ۴۳۵ بیان توانایی‌ها
- ۴۳۸ DEn başka- (علاوه بر، به غیر از)
- ۴۳۸ مکالمه تلفنی
- ۴۴۱ کلمات مفید
- ۴۴۲ ممکن است بشنوید
- ۴۴۲ اینترنت
- ۴۴۳ کلمات مفید
- ۴۴۳ فوریت و اضطرار
- ۴۴۳ -mEz ... -Ir- (به محض اینکه) :
- ۴۴۳ -masıyla... bir oldu
- ۴۴۴ نامه نگاری
- ۴۴۴ یک نامه رسمی
- ۴۴۴ یک نامه نیمه رسمی
- ۴۴۴ یک نامه غیر رسمی
- ۴۴۵ لغات نامه رسمی
- ۴۴۵ لغات نامه نیمه رسمی
- ۴۴۵ لغات نامه غیررسمی
- ۴۴۵ اداره پست
- ۴۴۸ کلمات مفید
- ۴۴۸ -mEk üzere- (به منظور، برای)
- ۴۴۸ - (y) İncEyE kadar- (تا، تا زمانی که)
- ۴۴۸ DEn dolayı- (به علت، به خاطر)
- ۴۴۸ استفاده از -ip- برای جلوگیری از تکرار

- درس ۱۳ ۴۵۰
- درباره کسی/ چیزی پرسیدن ۴۵۰
- افعال مجهول ۴۵۱
- «که»: موصولی فاعلی و مفعولی ۴۵۱
- عباراتی که برای «و غیره» به کار می‌روند ۴۵۵
- شکل و مواد ۴۵۷
- قرض گرفتن، قرض دادن، قول دادن ۴۵۷
- اشیاء مفقوده ۴۵۸
- خبر کردن پلیس ۴۵۹
- ممکن است بشنوید ۴۶۰
- DikçeA - (هر بار، هر زمان، بیشتر) ۴۶۱
- diğince ۴۶۲
- dikte ۴۶۲
- Er ... - (ş) Er ... (پیوند توالی) ۴۶۲
- kimse و birisi (کسی) ۴۶۲
- ve (و) ۴۶۲
- درس ۱۴ ۴۶۵
- نقل قول (۱) ۴۶۵
- نقل قول: ۴۶۶
- تأیید یک عمل ۴۶۷
- لغات مربوط به محیط ۴۶۸
- آب و هوا (Hava durumu) ۴۶۹
- کلمات مفید ۴۷۰
- ورزش/اوقات فراغت (spor/boş vakit) ۴۷۰
- اردو زدن (kamp yapmak) ۴۷۰
- کلمات مفید ۴۷۲
- در ساحل (kumsalda) ۴۷۲
- مسابقه اسب دوانی/استادیوم (at yarışları/stadium) ۴۷۵
- کلمات مفید ۴۷۶
- تنیس/گلف (tenis/golf) ۴۷۶
- ممکن است بشنوید ۴۷۶
- زمان ماضی نقلی: geçmiş zaman -miş'li ۴۷۷
- کاربرد زمان ماضی نقلی: ۴۷۸
- روایات ۴۷۸
- واژه‌های روایت فوق ۴۷۹
- درس ۱۵ ۴۸۰

- نقل قول (۲) ۴۸۰
- نقل قول جملات امری ۴۸۰
- نقل قول جملات سؤالی ۴۸۱
- نقل قول سؤالی با ne, zaman ,nasıl ,nerede ,kimin ,kim و ۴۸۱
- Söylemek و Demek : ۴۸۲
- اظهار تناقض در جملات ۴۸۲
- نکات بیشتری در مورد Diye ۴۸۴
- بانک ۴۸۴
- واریز/برداشت (para yatırmak/para çekmek) ۴۸۴
- کلمات مفید ۴۸۵
- مبادله ارز (döviz bozdurmak) ۴۸۵
- کلمات مفید ۴۸۶
- ممکن است بشنوید ۴۸۶
- ترجمه متون پیچیده ۴۸۶
- نمودار صرف افعال ۵۰۰

تقدیم به:

همه‌ی کسانی که برای یاد دادن عشق می‌ورزند و همچون شمع‌ی برای روشن ساختن جامعه

می‌سوزند.

به نام خدا

پیش گفتار

خویشتن را با تکیه بر یک کتاب وارد دنیای مکالمات یک زبان بیگانه نمودن امری پیچیده است و به تلاش پیگیری و روش صحیح نیاز دارد. در مواردی کافی است برای جوابگویی برخی نیازها به حفظ کردن یک سری عبارات و اصطلاحات بسنده کنیم؛ مثلاً سلام دادن و احوال پرسی، تشکر کردن و خداحافظی. برای سفارش دادن کالا و خدمات می‌توانیم از یک چهارچوب یا ساختار ثابت استفاده کنیم و کلمات مورد نظر را در آن جا دهیم. اما به زودی ضرورت این نکته را احساس خواهیم کرد که برای تبادل ایده‌ها و نظرها باید دامنه واژگان خود را گسترش داده و با قواعد گرامری و ساختار زبان آشنایی حاصل نماییم تا بتوانیم اندیشه‌های خود را با جملات معقول بیان کرده و به نوبه‌ی خود گفته شخص مقابل رو درک کنیم. به این منظور، دانستن قواعد گرامری و به خاطر سپردن لغات به تنهایی کافی نیستند. ما باید زبان را آن طور که در عمل استفاده می‌شود یاد بگیریم. مثلاً تشخیص بدهیم در کجا باید مؤدبانه صحبت کرد، کی، کجا، و چگونه کلمات صمیمی و رسمی بکار ببریم و با توجه به مخاطب خود نوع کلام را معین بسازیم. به طور خلاصه، ما به عنوان فراگیران زبان موقعیت‌هایی را در ذهن به وجود آوریم که نیاز به زبان را در ما بر انگیزد و برای برقراری ارتباط موثر، منبعی پربار از عبارت متداول، گنجینه لغات و قواعد گرامری در مغز خود تعبیه کنیم. لزوم تفاهم بین‌المللی امروز بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌شود و ترکیه نه تنها به خاطر آهنگ رشد شتابانی که از خود نشان می‌دهد بلکه به مناسبت نقش آن به منزله پل ارتباطی بین اروپا، خاورمیانه، غرب و مرکز آسیا حائز اهمیت است. کتابی که پیش رو دارید وسیله ارزشمندی در گشودن باب آشنایی با ملت ترک و خصایص زبانی آن‌ها است.

چگونه یاد گیرنده موفق‌ی باشیم؟

شما در صورتی طعم شیرین موفقیت در یادگیری را خواهید چشید که از کاربرد زبان مطلع باشید، با ساختار آن یعنی دستور زبان، تلفظ، واژه‌ها و موارد استفاده آن آشنا شوید. برای این کار وجود انگیزه‌ای قوی لازم است. در راستای فراگیری زبان هرگز از اشتباه گفتن، نوشتن، و خواندن نهراسید، قوای درونی خود را به خاطر ترس از ریسک کردن خاموش نکنید. سعی کنید حتی‌الامکان با دیگران ارتباط کلامی ایجاد کنید. می‌دانیم که اساس یادگیری زبان و درست سخن گفتن و درست نوشتن، تمرین و ممارست است نه آموختن دستور زبان؛ کسی زبان را درست می‌آموزد که بسیار بشنود، بسیار سخن بگوید، بسیار بخواند و بسیار بنویسد و البته در همه‌ی آن‌ها دقت بگمارد و در این راه تا آنجا که می‌تواند سماجت به خرج دهد. بسیاری از نویسندگان معروف که امروزه ما در استقراء قواعد دستور از آثار آنان مثال می‌آوریم، دستور نخوانده بوده‌اند و دستور نمی‌دانسته‌اند. اما با تمرین و ممارست و دقت و غور در آثار نویسندگان دیگر و طبیعت زبان که در محاورت اکثریت مردم تجلی می‌کند، روح زبان را دریافته و آن را به درستی به کار برده‌اند. این سخنان درست است؛ اما بدان معنی نیست که دانش آموزان و دانشجویان نیازی به فراگیری دستور ندارند؛ زیرا برای شناخت درست و علمی زبان و برای جلوگیری از نابسامانی و گزینش‌های نابجای واژه‌ها و عمل کرد درست در واژه سازی در مقابل مفاهیم جدید که وارد جامعه می‌شوند یا در جامعه پدید می‌آیند و نیز در مدارس و سازمان‌های انتشاراتی

برای توجیه و روشننگری تصحیحاتی که در نوشته و مقاله‌ها و کتاب‌ها به عمل می‌آید و نیز برای سهولت یادگیری زبان‌های بیگانه، آموختن دستور، اگر ضرورت نداشته باشد، سودمند است، و سودمندی آن در حدی است که ما را وادار می‌کند دستور یاد بگیریم و درست هم یاد بگیریم؛ به همین خاطر در این کتاب سعی شده است در کنار کلمات، اصطلاحات و مکالمات، به نکات دستوری زبان ترکی استانبولی نیز تا حد امکان اشاره شود.

کلام آخر

طبیعتاً هیچ اثری عاری از سهو و خطا نمی‌باشد. به یقین دوستان، دستورنویسان دانشمند و استادان زبان شناس در آن، کاستی‌ها و لغزش‌های فراوان خواهند یافت. امید است در آنچه از این دست می‌یابند با اغماض ننگرند و خطا پوشی نکنند؛ بلکه اشتباهات را گوشزد نگارنده کنند تا اگر عمر و فرصت و توفیقی باشد در ویرایش‌های بعدی در رفع آن‌ها بکوشد و کتاب را به اصلاح آرَد. باشد که از این راه بتواند گامی اگرچه خُرد در گسترش و اعتلای زبان ترکی بردارد. شایان ذکر است در تهیه و تدوین این مختصر، مأخذ متعدد و مختلفی که مستقیماً مربوط به موضوع بوده و یا در روشن شدن آن می‌توانست مفید واقع شود، مورد مراجعه و بررسی قرار گرفته است. در میان این مأخذ علاوه بر زبان زنده‌ی خلق، از آثار مشروح آکادمیک گرفته تا ساده‌ترین چیزها و خودآموزهای درسی وجود داشته است. با وجود این، کتاب حاضر، به طوری که از اسم آن نیز بر می‌آید، در صورتی که بتواند چشم انداز درستی در موضوع مورد بحث به خواننده‌ی عزیز بدهد و مبنایی برای پژوهش‌های جامع‌تر بعدی باشد، نگارنده کوششی را که از این رهگذر متحمل شده است، مأجور خواهد یافت. و به عنوان کلام آخر از تمام دوستان و عزیزانی که مرا در تهیه و تنظیم این کتاب یاری نموده‌اند کمال سپاس گذاری را دارم.

مرتضی عبدی

بهمن ۱۳۹۱

Morteza.abdi@gmail.com



کلیات زبان ترکی

زبان ترکی یکی از بارزترین و شاخص‌ترین زبان‌های دنیا از جهت صرف افعال متفاوت و کاربرد آن‌ها در زبان‌های مختلف و همچنین وجود واژه‌ها و اصطلاحات و لغات منحصر به فرد برای بیان احساسات، عملکرد و سایر موارد زبانی در سطح جهان بعد از عربی یکی از کامل‌ترین زبان‌ها به شمار می‌رود. از طرف دیگر تداخل واژه‌ها و کلمات عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه در طول زمان باعث شده که این زبان از نظر غنای کلمه‌ای و واژه‌ای در سطح قابل توجهی قرار بگیرد. بالغ بر شصت میلیون نفر در کشور ترکیه، گروه کثیری از ملت‌های بلغارستان، صربستان، رومانی، یونان، قبرس و کشورهای خاورمیانه و بیش از دو میلیون نفر افراد ساکن در آلمان، هلند، بلژیک، بریتانیا و استرالیا به زبان ترکی صحبت می‌کنند. زبان ترکی در ریشه به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ اوغوزی و قپچاگی که زبان رایج اوغوزی دارای یک ریشه در ساختار جمله و به کار بردن کلمات دارد که به طور کلی لهجه‌های مختلف ترکی شامل قسمت غرب آسیای میانه، آذربایجان، ترکیه و قاقائوزهای رومانی و بلغارستان می‌شود، در این گروه جای دارد. بقیه لهجه‌های ترکی ریشه در ترکی قپچاگی دارند. این تمایز دلیلی بر عدم وجود ارتباط زبانی بین ملت‌های مختلف ترک نیست و غالب ترک‌زبان‌ها بیش از ۷۰ درصد از واژه‌های یکدیگر را می‌دانند و می‌توانند ارتباط زبانی برقرار کنند. به طوری که امروزه یک فرد ترک‌زبان و مخصوصاً آشنا به لهجه‌ها و زبان ترکی در صورت سفر به آمریکا و حضور در میان سرخ پوستان ملون جان می‌تواند به سهولت با آن‌ها ارتباط برقرار کند. زبان ترکی استانبولی نیز یکی از اعضای خانواده زبان «ترک» است که خود زیر مجموعه زبان «آلتیک» است که از جمله آن می‌توان به مغول، منچو و تنگو اشاره کرد. زبان ترکی استانبولی به همراه آذربایجانی (آذری)، ترکمنی و گگاوز، شاخه غربی خانواده زبان «ترک» را تشکیل می‌دهد.

۱۲۵ میلیون تن در سراسر جهان به زبان ترکی گویش می‌کنند که بیشتر آن‌ها در کمربند وسیعی، از بالکان گرفته تا ترکیه، قفقاز و شمال ایران (محل زبان آذربایجانی) تا آسیای میانه، قزاقستان و جنوب سیبری (محل زبان‌های ازبک، قزاق، ترکمن و قرقیز) و نیز در ولکا (محل زبان تاتار) پراکنده کند. اهالی سیبری به یکی از زبان‌های ترک موسوم به «یاکوت» تکلم می‌کنند. در حقیقت همان‌طور که «ژاکلین کورن فیلت» نویسنده کتاب «ترکی و زبان‌های ترک» در سال ۱۹۹۰ خاطر نشان کرده است بیشتر از یک نفر از هر ۱۰ شهروند شوروی سابق، یک زبان مادری ترک دارد. علاوه بر این‌ها، باید به شمار انبوهی از جمعیت ترک زبان در شمال غربی چین اشاره که به زبان‌های «یوگور» و «قزاق» صحبت می‌کنند.

ساختار گرامری زبان ترکی با اکثر زبان‌های اروپایی کمی متفاوت است. البته این زبان بسیار منسجم و نظاممند است و همین امر موجب سهولت در فراگیری آن می‌شود، مشروط بر آنکه نوآموز از همان وهله نخست با مهم‌ترین ویژگی‌های ساختی آن آشنایی یابد. به عبارت دیگر این زبان دارای قواعد مختص به خود بوده که از بسیاری از جهات

با سایر زبان‌های دیگر تشابهات زیادی داشته و در برخی از موارد از تفاوت‌های اندکی برخوردار است که این تفاوت از نقصان فنون علمی این زبان ناشی نمی‌شود؛ بلکه تفاوت‌های موجود به وجود نواقص‌های گرامری و یا قواعدی زبان‌های دیگر برمی‌گردد. مکس مولر شرق شناس و زبان شناس معروف آلمانی درباره دستور زبان ترکی چنین می‌گوید:

“It is a real pleasure to read a Turkish grammar... The ingenious manner in which the numerous grammatical forms are brought out, the regularity which pervades the system of declension and conjugation, the transparency and intelligibility of the whole structure, must strike all who have a sense of that wonderful **power of the human mind which has displayed itself in language**”



ترجمه:

خواندن دستور زبان ترکی واقعاً لذت بخش است... روش مبتکرانه‌ای است که در آن گونه‌های بی‌شمار گرامری به وجود آمده‌اند. منظم و با قاعده بودن آن باعث شده سیستم صرف کلمات و ترکیب در آن فراوان باشد و شفافیت و قابل فهم بودن کل ساختار آن به ذهن همه‌ی کسانی که احساسی دارند، خطور می‌کند که **قدرت ذهن بشر، خود را در زبان نشان داده است.**

زبان ترکی در سیر تاریخی خود به اقتضای موقعیت جغرافیایی این خطه، از یک طرف با عناصر دیگر زبان ترکی قدیم و در درجه اول با زبان قپچاق، که به وسیله قبایل ترک زبان به این نواحی منتقل می‌شده الفت یافته و از طرف دیگر با زبان‌ها فارسی و کردی در جنوب و مغرب و زبان‌های گرجی و ارمنی و روسی در شمال و شمال غربی مجاورت و آمیزش پیدا کرده است. با اینکه این الفت و آمیزش، موجب تأثیر لفظی متقابل این زبان‌ها در همدیگر گردیده با این همه زبان ترکی مانند هر زبان زنده دیگر، سیر تکاملی خود را بر اساس مشخصات ذاتی ویژه خود ادامه داده و ضمن این که زبان ادبی آن در ادوار مختلف، به علل تاریخی، تحت تأثیر و جاذبه زبان فارسی و از مجرای زبان فارسی در معرض نفوذ لغات و کلمات عربی قرار گرفته و از این رهگذر مقدار نسبتاً زیادی لغات مأنوس و نامأنوس فارسی و عربی در زبان ادبی آن راه یافته، معهذا سیر تکاملی زبان در اساس بر طبق مشخصات ذاتی آن دوام داشته و علاوه بر میراث ادبی کلاسیک، ادبیات فلکلوریک غنی و سرشاری از خود به جا گذاشته که یکی از شکوفاترین ادبیات فلکلوریک بوده تأثیر آن در ادبیات خلق اقوام و ملل هم‌جوار مشهود و نمایان است.

دورنمای کلی و اجمالی فوق ایجاب می‌کند قبل از طرح مباحث اصلی دستور زبان ترکی به نکات و مسائل عمومی چندی به اختصار اشاره شود. اشاره به این نکات به آن جهت مفید و ضروری به نظر می‌رسد که افق دید ما را برای بررسی مباحث اصلی آماده‌تر خواهد ساخت.

این مسائل عبارتند از: ۱- زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر ۲- زبان گفتار و نگارش ۳- زبان و کلمات بیگانه ۴- ترتیب کلمات (در جمله) ۵- درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی.

زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر

زبان پدیده اجتماعی ویژه‌ای است که به عنوان عامل الفت و وسیله مبادله اندیشه‌ها و مقاصد و آرا مابین افراد اجتماع عمل می‌کند. زبان حاصل زندگی جمعی انسان‌ها بوده و به مانند سایر نهادها و اشکال اجتماعی پا به پای تکامل جوامع بشری در تغییر و تحول است.

جریان تغییر و تحول تاریخی زبان در عین حال که تحت تأثیر قوانین عمومی تکامل اجتماع انجام می‌پذیرد، خصوصیت‌های ویژه‌ای برای خود دارد که ناشی از خصلت‌های اجتماعی زبان است. وجه تمایز بارز زبان از سایر اشکال و نمودهای اجتماعی در آن است که اولاً زبان در مقام مقایسه با آن‌ها عاملی پایدارتر و ثابت‌تر است؛ و به همین لحاظ هم تغییر و تحول آن نسبت به نمودهای دیگر به آرامی و تدریج انجام می‌گیرد و ثانیاً زبان بر خلاف پدیده‌های اجتماعی دیگر که معمولاً به قسمتی از زندگی اجتماعی و در مرحله معینی از تاریخ تکامل جامعه تعلق دارند، با تمام فعالیت‌های تجربی و فکری و حسی انسان در تمام ادوار تاریخی ارتباط دارد، جامعه رشد می‌یابد و پا به پای تکامل جامعه، دانش و هنر و فن و اقتصاد و سایر شئون زندگی نیز رشد و توسعه می‌پذیرند و این رشد و تکامل، مستقیماً در زبان منعکس می‌گردد و قالب‌گیری می‌شود.

زبان در دوران تغییر و تکامل تدریجی و ممتد ویژه خود، مانند هر پدیده تحول پذیر دیگری از قوانین و قواعد خاصی پیروی می‌کند که قوانین درونی یا ذاتی زبان خوانده می‌شود. این قوانین و قواعد که با خود زبان به وجود آمده و در بطن آن جان می‌گیرند پا به پای تکامل زبان نضج و استحکام گرفته و بر کلیه تحولات و تبدلاتی که در زبان رخ می‌دهد، نظارت می‌کنند.

قوانین ذاتی هر زبان، با پیدایش اشکال صوتی و لغات بنیادی آن زبان به وجود می‌آیند و در خارج از دایره آگاهی یا عدم آگاهی اشخاص بر وجود چنین قواعد و قوانین عمل می‌کنند. کما اینکه وقوف دانش بشری بر وجود چنین قوانین در ادوار خیلی بعد اتفاق افتاده، در حالی که قوانین ذاتی زبان از روزی که زبان به عنوان وسیله محاوره و تبادل افکار و مقاصد به کار رفته وجود داشته است.

پیش از آنکه تکامل دانش بشری وجود قوانین ذاتی زبان را معلوم کند و در صدد ارزیابی تحولات زبان بر اساس این قوانین بر آید و در حقیقت تا پیش از پیدایش زبان‌شناسی علمی، چنین تصویری وجود داشت که زبان‌ها صورتی ثابت و لایتغیر دارند و سعی عمده علمای صرف و نحو و لغت معطوف بر این می‌شد که صورت ثابت و به اصلاح «دست نخورده» زبان را ثبت کنند و هرگونه عدول از آن را دلیل کفر و نادانی شمارند و کسانی را که ملزم به رعایت آن صور و اشکال نشوند، عامی و فرومایه خوانند. پیدایش زبان‌شناسی علمی، این امکان را به وجود آورد که زبان نه به عنوان یک پدیده ثابت و متحجر، بلکه به عنوان نمود اجتماعی ویژه تحول پذیر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

زبان گفتار – زبان نگارش

هر زبان به مثابه عامل الفت و وسیله تفاهم مابین افراد اجتماع، معمولاً دو جناح متمایز دارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها برای تفهیم احساس و اندیشه و مقصد خود، معمولاً از دو طریق استفاده می‌کنند: یکی طریق سخن گفتن، که از آن به عنوان زبان گفتار یا محاوره می‌توان نام برد و دیگری از راه نوشتن، که به آن نیز زبان نگارش یا کتابت می‌توان نام داد. بدین ترتیب هر زبان، به مثابه عامل الفت اجتماعی، دو جناح متمایز پیدا می‌کند. یکی زبان گفتار و دیگری زبان نگارش. البته باید متذکر بود که این دوگانه گی میان زبان گفتار و نگارش جنبه نسبی داشته و تنها از لحاظ حدود و نحوه عمل آن‌ها در نظر است و گرنه هر زبان نگارش در اصل از یک زبان گفتار به وجود آمده الزاماً متکی به آن است. زبان گفتار یا زبان محاوره، همان زبانی است که اجماع مردم در محاورات و مکالمات روزمره خود به کار می‌برند. زبان تکلم هر قوم زبان طبیعی آن قوم است و به همین لحاظ از آن به عنوان زبان مادری و زبان خلق نیز نام برده می‌شود. زبان تکلم، به حکم قوانین ذاتی و به اقتضای شرایط تاریخی در ادوار مختلف تاریخ میان شاخه‌های مختلف یک قوم و ساکنان هم زبان یک سرزمین خصوصیات صوتی و شیوه‌های تلفظ و مفاهیم کمابیش ویژه‌ای پیدا می‌کند و از این رهگذر، لهجه‌ها و شیوه‌های مختلف زبان تکلم به میان می‌آید.

لهجه‌ها و شیوه‌های گوناگون زبان تکلم، در مرحله معینی از تحول اجتماعی هر قوم که بر آن می‌توان دوران پراکنده گی نام داد به وجود می‌آید و برای مدت کم و بیش طولانی که دوران استقرار روش فئودالی در جامعه را در بر می‌گیرد. منظره عمومی زبان گفتار آن قوم را به وجود می‌آورند. با القای رژیم فئودالی و دگرگون شدن چهره عمومی جامعه، لهجه‌ها و شیوه‌های مختلف زبان نیز جای خود را با یک زبان عمومی و مشترک گفتار عوض می‌کنند.

زبان نگارش یا کتابت زبانی است که انسان از آن برای ثبت و ضبط احساسات، اندیشه‌ها و نتایج مشاهدات و تجارب خود و انتقال آن به افراد هم زمان دوردست و به نسل‌های آینده استفاده می‌کند. زبان نگارش هر قوم، زبان مدنیت و فرهنگ و ادبیات آن قوم محسوب است؛ و از این لحاظ به آن زبان ادبی نیز می‌گویند.

زبان نگارش در هر قوم، در درجه اول مورد استفاده کسانی قرار می‌گیرد که خواندن و نوشتن بلد باشند و بنابراین در میان توده‌های انبوه هر قوم که در طول تاریخ از این نعمت محروم می‌مانند احساس‌ها و اندیشه‌ها و تجارب از مجرای زبان گفتار از سینه به سینه و از نسل به نسل انتقال یافته و از مجموع آن ادبیات شفاهی یا زبانی خلق به وجود می‌آید. زبان ادبی هر قوم، بر اساس یکی از شیوه‌های تکلم همان قوم بنیاد می‌گیرد. از میان شیوه‌ها و طرز تکلم‌های مختلف، یک شیوه تکلم تحت تأثیر علل مختلف که در رأس آن مرکزیت و پیشرفته گی عمومی ناحیه رواج آن طرز تکلم نسبت به نواحی دیگر قرار دارد، موقعیت زبان نگارش را کسب می‌کند.

بدین ترتیب، هر زبان در عین حال که می‌تواند در قلمرو تکلم خود دارای لهجه‌ها و شیوه‌های تکلم متنوع باشد، معمولاً بیش از یک زبان ادبی نخواهد داشت. این زبان ادبی ضمن اینکه به یکی از لهجه‌های تکلم بیشتر از سایر لهجه‌ها نزدیک‌تر خواهد بود ولی هرگز صد در صد عین آن نخواهد بود. زیرا زبان ادبی، اولاً بعد از ایجاد و ثبات، ضوابط و قواعد و اسلوب‌های بدیعی و فنی ویژه‌ای پیدا خواهد کرد که لهجه در دوران حیات خود از آن بی نصیب است. دیگر اینکه زبان ادبی در خارج از حدود گنجایش لهجه تکلم که بر اساس آن استوار گشته است، کلمات و تعبیرات دیگری نیز از سایر لهجه‌ها و شیوه‌های خویشاوند و همچنین زبان‌های بیگانه می‌پذیرد. به طوری که ممکن است حتی تحت شرایط تاریخی معین، مورد استیلای یک یا حتی چند زبان اجنبی قرار گیرد و به صورت یک زبان کاملاً ساختگی درآید.

تفاوت و دوگانگی زبان نگارش با لهجه‌ها و شیوه‌ها گفتار، با نوسانات کم و بیش در تمام دورانی که جامعه در شرایط از هم گسیختگی و عقب‌ماندگی فئودالی به سر می‌برد ادامه می‌یابد. در این شرایط، زبان ادبی در دایره‌های اجتماعی محدودی رواج دارد و اکثریت بزرگ مردم به علت عدم آشنایی با خواندن و نوشتن از به کار بردن آن محرومند. زبان ادبی در اختیار افراد و قشرهایی قرار دارد که خود را در یک موقعیت برتر و فراتر می‌شمارند و از لهجه‌ها به عنوان زبان «عامیانه» و با خفت و حقارت نام می‌برند و آثاری را که احیاناً در لهجه‌ها به وجود می‌آید بی‌مقدار می‌شمارند. ولی با تکامل تاریخی جامعه و دگرگون شدن چهره اجتماع و در شرایط تعمیم فرهنگ و گسترش مطبوعات، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و اینترنت، زبان ادبی از خدمت قشرهای محدود جامعه رها شده در خدمت اکثریت مردم جامعه گمارده می‌شود و بنابراین، در کمیت و کیفیت آن تحولات اساسی رخ می‌دهند.

این تحولات اساسی، بیش از هر چیز، در زمینه نزدیک شدن زبان عامه به زبان ادبی خود نمایی می‌کند. زبان ادبی به ناگزیر حالت گرایش آشتی‌جویانه بی‌سابقه‌ای به زبان عامه نشان می‌دهد و برای ایجاد زبان گسترش یافته و تعمیم پذیرفته‌ای که حوائج نگارش و تکلم اکثریت بزرگ مردم را بر آورد، به کوشش بر می‌خیزد. حاصل این کوشش، سر انجام به صورت پیدایش زبان نگارش و تکلم عمومی و واحد که در فرق و دوگانگی دو جناح زبان به مرور از میان بر می‌خیزد، جلوه گر می‌گردد.

زبان و کلمات بیگانه

دانش زبان‌شناسی، حتی مدت‌ها پیش از آنکه به شکل دانش مستقل و مدونی در آید، این موضوع را به تلویح و تصریح پذیرفته است که هیچ یک از زبان‌های موجود روی زمین زبان «سره و تمیز» نبوده و نمی‌تواند هم باشد. لغات و کلماتی که در نتیجه روابط و تأثیر متقابل زبان‌ها مبادله می‌شوند، نه تنها در جرگه لغات ترکیبی زبان وارد می‌گردد، بلکه ممکن است به بنیاد لغوی زبان نیز راه یابند.

ملل و اقوامی که از دیر باز در جهان پا به عرصه هستی گذاشته‌اند، در عین حال که هر یک مراحل تاریخ اجتماعی و مدنی خود را به شکل خاصی پیموده‌اند، هیچ وقت به حالت انزوا و تجرید نریسته، بلکه در حال ارتباط و مراوده با اقوام و ملل دیگر به سر برده‌اند. همین مسئله ارتباط و مراوده اجتناب‌ناپذیر ملل و اقوام، به تنهایی می‌تواند دلیل کافی برای تأثیر متقابل زبان‌های آن‌ها در یکدیگر باشد. در صورتی که در تاریخ هر قومی، در سیر مراحل رخدادهای گوناگونی از قبیل انفکاک، اختلاط، سلطه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و نقل و انتقال کانون‌های مدنیت و فرهنگ از یک نقطه به نقطه دیگر وجود داشته و در نتیجه بر حدود و میزان این تأثیر بیش از پیش افزوده است.

از این دیدگاه، دخول لغات بیگانه در زبان هر قوم و ملتی از یک طرف امری اجتناب‌ناپذیر و از طرف دیگر متناسب با سیر و تحول تاریخی و مدنی و در نتیجه با میزان تکامل و وسعت زبان آن قوم خواهد بود.

اصولاً، اصالت یک زبان بیش از آنکه در قبول یا عدم قبول این یا آن کلمه بیگانه باشد، در استحکام ساختمان و چوب بست لغات بنیادی و پا برجایی و استواری قواعد داخلی آن است و تنها با از هم پاشیدن ساختمان لغات بنیادی و فسخ قوانین درونی است که زبان اصالت خود را از دست می‌دهد و چه بسا از بین می‌رود.

زبان، در سیر عادی و طبیعی خود، وقتی ناگزیر به قبول لغات بیگانه می‌گردد که با پدیده‌ها و مفاهیم تازه‌ای روبه‌رو می‌شود و نمی‌تواند با پیوند و اشتیاق و ترکیب از الفاظ و عناصر موجود خود، مدلول و وجه تسمیه‌ای بر آن‌ها معلوم کند، در این صورت زبان لغت مربوط را از زبان‌های دیگر به عاریت می‌گیرد و منتها اثر این عاریت را معمولاً با مجزا ساختن لغت مورد نظر از وابستگی‌های گرامری زبان اصلی و تعدیل و تغییر آن بر اساس قوانین صوتی و شکلی خود از بین می‌برد. به عبارت دیگر زبان لغت بیگانه را به صورت مجرد و به مثابه ماده خام پذیرفته و آن را وادار به پذیرش قواعد گرامری خود می‌کند. لغتی که به این شکل وارد زبان می‌شود، با قواعد خاص زبان تطبیق یافته و به اصطلاح قبول تابعیت می‌کند و بنابراین خللی هم بر استقلال زبان وارد نمی‌سازد.

علاوه بر حالت اجباری و اجتناب ناپذیر فوق، لغات بیگانه ممکن است به اشکال دیگر نیز وارد زبان شوند و این امر احتمال دارد در ادوار مختلف حیات زبان، به اقتضای اوضاع و عوامل خاص روی دهد. در چنین مواردی به خصوص اگر لغت خارجی با مشخصات گرامری خود وارد زبان شده و این مشخصات را در داخل زبان نیز حفظ کند، استقلال زبان را مخدوش ساخته و در زبان حقوق کلنی برای خود تحصیل می‌کنند.

این اتفاق در دورانی که زبان ادبی و زبان عامه به طور سوا از هم به سیر تاریخی خود ادامه می‌دهند، اکثراً برای زبان ادبی رخ می‌دهد و با اینکه غالباً با تصور و ادعای غنی کردن زبان توأم است، نتیجه آن درست در خلاف جهت این تصور و ادعا خواهد بود. زیرا این کلمات و لغاتی که بدون هیچ گونه لزوم و ضرورتی وارد زبان شده‌اند، مانند گیاهان هرزه آن را احاطه خواهند کرد و مانع از رشد و تحول طبیعی زبان خواهند بود.

البته وقتی جامعه به مرحله‌ای از تکامل می‌رسد که مسئله ایجاد زبان واحد عمومی مطرح می‌شود، زبان به حکم وظایف جدیدی که به عهده‌اش محول می‌گردد، آمادگی قطعی‌تری برای رها ساختن خود از قید کلمات و لغات ناموزون و مغایر با موازین داخلی خود ابراز می‌دارد. در همین مرحله است که یک عده از ادبا و دانشمندان و مجامع نیز با اندیشه تصفیه زبان از وجود لغات نامتجانس تماس پیدا می‌کنند. ولی کوشش این افراد و جوامع، وقتی مفید و مثمر خواهد بود که اقداماتشان در جهت درک و رعایت قواعد و موازین داخلی زبان بوده و متکی بر بدایع و زیبایی‌های زنده خلق باشد. در همین راستا در زمان حکومت عثمانی در دوران‌های مختلف برای از میان برداشتن اختلاف ژرفی که بین زبان مردم و زبان «ادبی» طبقات مرفه و بالای جامعه پدید آمده بود کوشش‌هایی صورت گرفت. این کوشش‌ها برای آن بود که زبان عثمانی از تعبیرات، اصطلاحات و لغات نامأنوس پاک گردد و رو به سادگی نهد. نخستین کوششی که در این راستا انجام گرفت مربوط به دوران اصلاحات (۱۸۷۸-۱۸۳۹ میلادی) است که در تاریخ ترکیه از آن به عنوان «دوران تنظیمات» یاد می‌شود. با اینکه در این دوره برای پاک سازی و ساده کردن زبان عثمانی گام‌های مهمی برداشته شد، اما این روند ناتمام ماند. از سوی دیگر با «غرب گرایی» همه گیری که در این دوره پا به میدان نهاده بود، لغات بسیاری از زبان‌های اروپایی، به ویژه فرانسوی، به زبان عثمانی راه یافت.

مرحله دوم در ساده کردن زبان عثمانی با قیام «ترک‌های جوان» آغاز شد (۱۹۰۸ میلادی). در این مرحله نیز کوشش‌هایی که در جهت نزدیک کردن زبان عثمانی به زبان مردم صورت می‌گرفت بی نتیجه ماند و بدین ترتیب مسائلی که قرن‌ها گریبان گیر زبان ترکی شده بود همچنان حل نشده باقی ماند.

آغاز دوران جمهوری نقطه عطفی در پیشرفت و تکامل زبان ترکی بود. بعد از آنکه در سال ۱۹۲۳ رژیم سلطنتی به جمهوری تغییر یافت، اصطلاحات اساسی در زبان نیز شروع شد. ای اصطلاحات که تحت عنوان «انقلاب زبان» انجام گرفت از جمله منجر به تغییر الفبای ترکی از عربی به لاتین و تغییر نام زبان از «عثمانی» به «ترکی» شد. در سال ۱۹۳۲ مرکزی به نام «نهاد زبان ترک»، که نوعی فرهنگستان زبان است، تاسیس شد که وظیفه‌اش انجام اصطلاحات در زبان، ساختن واژه‌های نوین و پاک کردن زبان ترکی از لغات و اصطلاحات بیگانه است. این نهاد با استخراج واژگان از کتیبه‌ها و یادمان‌های باستانی ترکی، زبان‌های خویشاوند و زبان‌ها و لهجه‌های مختلف ترکی اقدام به یافتن معادل‌های ترکی برای لغات بیگانه، و در صورت لزوم ساختن واژه‌های نوین بر اساس واژه‌های قدیمی و گاه مهجور ترکی کرد.

البته در کار اصلاح زبان برخی زیاده روی‌ها نیز صورت گرفت، از جمله جایگزینی کلمات جدید به جای کلمات مأخوذه که در زبان مردم پذیرفته شده بود، ساختن کلمات مجعول و غیره. از سوی دیگر مداخله غیر ضروری در فرایند طبیعی تکامل زبان برای دست یافتن به موفقیت در کوتاه‌ترین مدت باعث ایجاد مشکلاتی شد. از جمله این مشکلات پدید آمدن نوعی اختلاف زبانی بین نسل‌ها بود. البته این مشکل امروزه بر اثر عواملی چون گذشت چندین دهه از شروع اصلاحات، تربیت چندین نسل با اصول نوین، پیشرفت و رواج وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو - تلویزیون، اینترنت) و... تا حد بسیار زیادی حل شده است.

ترتیب کلمات (در جمله)

زبان‌ها از نظر ساخت، ترتیب کلمات و یا جمله بندی بر اساس سه عنصر فاعل (S)، فعل (V) و مفعول (O) به سه الگوی متفاوت دسته بندی می‌کنند. ساخت SVO در زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی، ساخت SOV در فارسی، ترکی، ژاپنی و کره‌ای و ساخت VSO در عبری و ولزی معمول است.

ترتیب جمله که برجسته‌ترین جنبه دستوری زبان تلقی می‌شود در ساخت جملات معنا دار نقش بنیادین دارد. برای اثبات این ادعا به دو جمله معنا دار و بی معنی زیر توجه نمایید:

«شما در جستجوی چه چیز هستید؟»

«چیز در هستید چه شما جستجوی؟»

به هم ریختن ترتیب کلمات در مثال دوم، جمله را از نظر دستور زبان فارسی ثقیل و نامقبول کرده است. اما همیشه این‌طور نیست که الگوها، خشک و تغییر ناپذیر باشند و یا اینکه بی بند و باری بر آن‌ها حاکم باشد و بتوان با آزادی کامل، ترتیب جملات را بهم ریخت. بلکه در محدوده‌ای قابلیت انعطاف و انطباق دارند. مثلاً همان‌طور که گفتیم الگوی متعارف ساخت جمله در زبان فارسی به صورت SOV (فاعل+مفعول+فعل) است مثلاً «احمد شیشه را شکست». احمد فاعل، شیشه مفعول و شکست فعل است این الگو را تحت شرایطی که فضای گویشی و نوشتاری مشخص می‌کند می‌توان به OSV (مفعول+فاعل+فعل) تغییر داد: «شیشه را احمد شکست».

الگوی SOV در زبان ترکی و فارسی نسبت به دیگر الگوهای زبانی انعطاف و دگرگونی بیشتری دارد یا به عبارتی، تغییر پذیر تر است. مثلاً گوینده ترک یا فارس زبان می‌تواند به آسانی با جا به جایی کلمات جمله، توجه خواننده را به مضمون اصلی جمله و یا به کلمه‌ای که نیازمند تاکید بیشتر است، معطوف کند. این از آنجا ناشی می‌شود که اولین کلمه جمله می‌تواند حامل مضمون اصلی جمله باشد و کلمه‌ای که بلافاصله بعد از فعل واقع می‌شود همانی است که گوینده بر آن تاکید می‌ورزد.

از ترکی مثال بزنیم: Ahmet elmayı yedi (احمد سیب را خورد) مضمون ساده و اصلی جمله این است که احمد اقدام به خوردن سیب کرده است و یا می‌تواند موید این نکته باشد که احمد سیب را خورد و نه موز را. اگر جمله را به Elmayı Ahmet yedi تغییر دهیم تاکید بر احمد است نه کس دیگر؛ و همین‌طور دو ساخت دیگر نیز می‌توان برای جمله فوق متصور شد:

Elmayı	yedi	Ahmet
Ahmet	yedi	elmayı

که البته گزینش هر یک از جملات فوق‌الذکر بستگی به سبک و شرایط دارد. به طور کل در زبان‌های هند و اروپایی عنصر اصلی (مبتدا و خبر) در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مربوط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند ساختمان جمله ناقص می‌شود. ولی در ترکی ترکیب عناصر کاملاً برعکس است یعنی باید ابتدا عناصر فرعی و ثانوی تنظیم و گفته شود، عنصر اصلی یا فعل هم در آخر قرار می‌گیرد. مثال از فارسی: من به استانبول رفتم تا دوستم را ببینم که اخیراً از فرانسه آمده و در آنجا شش سال طب خوانده است. همین مثال در ترکی:

Altı yıl tıp okuduktan sonra Fransa'dan yeni gelen dostumu görmek için İstanbul'a gittim.

جفری لوئیس در دستور خود اجزای جمله‌ی ترکی را به ترتیب زیر می‌شمارد:

۱-فاعل ۲-قید زمان ۳-قید مکان ۴-مفعول غیر صریح ۵-مفعول صریح ۶-قید و هر کلمه‌ای که معنی فعل را تغییر دهد ۷-فعل

هر چیز معین بر غیر معین مقدم است، یعنی اگر مفعول صریح معین باشد بر مفعول غیر صریح غیر معین مقدم می‌شود. مثال جمله ترکی مرتب چنین است:

Ressam geçen gün müzede izleyicilere resimlerini kendisi gösterdi.

نقاش روز گذشته در موزه تابلوهایش را به حضار، خودش نشان داد.

بعلاوه هر عنصری از جمله که به آن اهمیت بیشتری داده شود نزدیک فعل قرار می‌گیرد.

درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی

منظور از ویژگی‌های عمومی، آن دسته از جنبه‌ها و خصوصیت‌ها است که به طور مشترک در ساختمان لفظی و گرامری زبان‌هایی که از یک اصل و ریشه منشعب گشته و جبراً اعضای یک گروه خویشاوند محسوب می‌شوند، خودنمایی

می‌کند. بررسی و ارزیابی این ویژگی‌ها، یکی از مسائل اساسی دستور زبان تطبیقی است و در عین حال جنبه‌های مترادف و متباین یک گروه خویشاوند را با گروه دیگر مشخص می‌سازد.

ویژگی‌های عمومی موجود در زبان‌های ترکی را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

الف - جنبه التصاقی یا پیوندی

اولین خصوصیت بارز و چشمگیری که در ترکیب ساختمانی کلمات و الفاظ زبان‌های ترکی به نظر می‌رسد، جنبه التصاقی یا پیوندی این زبان‌هاست. زبان‌های شناخته روی زمین از دیدگاه شکل ساختمانی کلمات و الفاظ به سه دسته تقسیم می‌شوند: زبان‌های تک هجایی، زبان‌های التصاقی یا پیوندی و زبان‌های تحلیلی.

در زبان‌های تک هجایی، کلمات از یک هجا به وجود می‌آیند و جمله از تسلسل یک رشته کلمات تک هجایی تشکیل می‌شوند و معنی آن در همان رشته تسلسل کلمات مفهوم می‌گردد. جریان تصریف و حالت پذیری که در زبان‌های دیگر به صورت افزودن پیوند و پیشوند و میان وند بر ریشه کلمات حاصل می‌شوند، در زبان‌های تک هجایی وجود ندارد. در این دسته از زبان‌ها کلمات اصولاً فاقد جنبه و استعداد ترکیب و تصریف هستند و جریان حالت پذیری در این زبان‌ها با دخالت کلمه دیگر عملی می‌گردد. زبان‌های چینی و تبتی و ژاپنی جزو این دسته از زبان‌ها هستند.

در زبان‌های التصاقی یا پیوندی، علاوه بر ریشه کلمات که از یک یا چند هجا تشکیل می‌یابند، ادات پیوندی وجود دارد. این پیوندها در زبان دو وظیفه مشخص انجام می‌دهند: یک دسته از آن‌ها با پیوستن به آخر ریشه‌ها کلماتی با مفاهیم مستقل و جداگانه به وجود می‌آورند و بدین وسیله بر میزان ذخیره کلمات بر زبان می‌افزایند و دسته دیگر، ضمن الحاق به آخر کلمات و الفاظ تصریف و حالت پذیری آن‌ها را در کلام میسر می‌سازند. در این دسته از زبان‌ها، رادیکال کلمه ثابت و تغییر ناپذیر بوده و به سهولت از ادات پیوندی قابل تشخیص است. این زبان‌ها ممکن است پیشوندی یا پیوندی باشند. یعنی امکان دارد پیوندها به اول یا آخر ریشه‌ها الحاق شوند. به عنوان مثال کلمه *ellerimde* (در دست‌های من) مرکب است از یک ریشه یعنی *el* (دست)، یک پیوند جمع *-ler*، یک پیوند ملکی برای اول شخص مفرد *-im*، و پیوندی برای محل یا مکان یعنی *-de* (در). زبان‌های اورال - آلتی و از آن میان زبان‌های گروه ترکی، منجمله زبان ترکی استانبولی جزو زبان‌های التصاقی پیوندی هستند. یعنی در این گروه زبان‌ها پیوندها عموماً به آخر ریشه‌ها و کلمات افزوده می‌شوند.

زبان‌های تحلیلی نیز از الحاق پیوندها و پیشوندها به اول و آخر ریشه‌های یک یا چند هجایی تشکیل می‌شوند. منتها در جریان ترکیب و تصریف غالباً در ساختمان خود ریشه نیز دگرگونی‌هایی روی می‌دهد. بعضاً صوت یا اصواتی در داخل ریشه برای خود جا باز می‌کنند و در مواردی نیز شکل اولیه کلمه از هم می‌گسلد و چوب بست آن فرو می‌ریزد. در بعضی از زبان‌ها این در هم ریختگی به یک دگرگونی کامل مبدل می‌شود و هیچ اثر و نشانه‌ای از ریشه اصلی به جای نمی‌ماند. زبان‌های هند و اروپایی و زبان‌های سامی و از این میان زبان‌های فارسی و عربی جزو این دسته از زبان‌ها هستند.

البته، به طوری که در بالا نیز اشاره شد، در این نوع زبان‌ها تغییرات و دگرگونی‌های حاصله یکسان و همانند نبوده و در زبان به صورت خاصی نمودار می‌شود. مثلاً در زبان فارسی ریشه اسامی عموماً تغییر پیدا نمی‌کند و اسما تصریف

نمی‌شود، در عوض ریشه‌های فعلی به صور مختلف دگرگون می‌شوند در حالی که در زبان عربی ریشه‌های افعال و اسما هر دو دچار تبدلات می‌گردند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

ترکی	انگلیسی	فارسی
bulut	cloud	ابر
bulut-lar	clouds	ابرها
bulut-lar-ım	my clouds	ابرهای من
bulut-lar-ım-da	in my clouds	در ابرهای من
bulut-lar-ım-da-ki	the one in my clouds	آن کس یا چیزی که در ابرهایم هست
bulut-lar-ım-da-ki-ler	the ones in my clouds	آن کس یا چیزهایی که در ابرهایم هست

ترکی	انگلیسی	فارسی
gittim	I went	رفتم
giderim	I go	می‌روم
gitmişim	I have gone	رفته‌ام
gideceğim	I will go	خواهم رفت
gidiyordum	I was going	داشتم می‌رفتم
gidiyorum	I am going	دارم می‌روم

ب- توالی پیوندها

یکی دیگر از جنبه‌های تمایز زبان‌های ترکی، اصل توالی منطقی پیوندها در این زبان‌هاست. به موجب این اصل، در زبان‌های ترکی از انواع پیوندها آنچه وظیفه ماهوی داشته و در معنی خود کلمه ایجاد تصرف کند، در فاصله نزدیک‌تر به ریشه و آنچه نقش خارجی داشته و برای ایجاد همبستگی میان اجزای مختلف کلام به کار رود، در فاصله دورتری از ریشه قرار می‌گیرد.

در زبان‌های ترکی، پیوندها به دو نوع عمده توصیفی و تصریفی قسمت می‌شوند. پیوندهای توصیفی به لحاظ اینکه نقش خود در داخل کلمه و در زمینه مفهوم جدید بخشیدن بر آن ایفا می‌کنند، از پیوندهای تصریفی که وظیفه ارتباط کلمه را با سایر اجزای کلام فراهم می‌سازند، بر ریشه نزدیک‌ترند. مسئله توالی پیوندها به حدود ریشه‌های توصیفی و توصیفی محدود نموده در میان اشکال هر یک از این دو نوع نیز رعایت می‌شوند.

ج- هماهنگی اصوات

خصوصیت بارز دیگر زبان‌های ترکی، هماهنگی و تطابق گروهی اصوات در این دسته از زبان‌هاست. اصوات یا آواها در زبان به عنوان عناصر بسیط تشکیل دهنده کلام دارای اهمیت و نقش اساسی هستند ولی چیزی که هست، اصوات در تشکیل کلمات و کلمات در انتخاب اصوات آزادی مطلق ندارند و هر کلمه نمی‌تواند مواضع صوتی خود را دل‌خواهی به هر صوتی بسپارد در نتیجه در زبان‌های هر گروه، غالباً وجود یک نوع نظم و ترتیب و انضباط آوایی به چشم می‌خورد که از آن بنام ویژگی‌های صوتی آن گروه نام می‌برند و معمولاً هر تغییر و تبدیل صوتی در زبان از این نظم و ترتیب پیروی می‌کند. این امر در زبان‌های ترکی به شکل هماهنگی گروهی اصوات تظاهر می‌کند که از جنبه‌های خاص این زبان بوده و منظره صوتی ویژه‌ای به کلمات و الفاظ آن‌ها می‌بخشد.

به عنوان یک اصل، کلمات ترکی فقط می‌توانند حاوی حروف مصوت پیشین (E, İ, Ü, Ö) و یا پسین (A, O, U, I) باشند (مانند torun نوه و tören مراسم) و این حروف موجود در ریشه است که نوع حروف مصوت بعد خود را تعیین می‌کنند. مثلاً به حروف مصوتی که به دو ریشه el (دست) و at (اسب) پیوند شده‌اند توجه کنید: eller (دست‌ها)، ellerim (دست‌های من)، atlar (اسب‌ها)، atlarım (اسب‌های من)، atlarım (به اسب‌های من).

د- کوتاهی مصوت‌ها

خصوصیت عمومی دیگر زبان‌های ترکی، کش دار نبودن اصوات مصوت رایج در این زبان‌ها است. منظور از کوتاه یا کشیده بودن یک صوت مصوت، فرق بین فاصله زمانی مابین شروع و پایان تلفظ آن است. به عبارت دیگر، وقتی یک مصوت به شکل انفجاری از حنجره خارج شود، شکل کوتاه و هرگاه به صورت کش دار ادا شود شکل کشیده آن را خواهد داشت. اصوات مصوت در هر زبان ممکن است از نوع کوتاه یا کشیده و یا ترکیبی از این دو باشند و حتی امکان دارد یک یا چند مصوت در یک زبان واجد هر دو شکل کوتاه و کشیده آن باشند. زبان‌های ترکی از نظر عمومی زبان‌های کوتاه مصوت به شمار می‌روند و با اینکه در برخی از کلمات اصیل به علت رخدادهای صوتی و همچنین در یک رشته از لغات دخیل به اشکال کشیده مصوت‌ها می‌توان برخورد، با وجود این، خصوصیت کوتاهی مصوت‌ها از وجوه تمایز این زبان‌ها بوده و یکی از لوازم بومی شدن لغات بیگانه این است که مصوت‌های کشیده آن‌ها به مصوت‌های کوتاه و متعارف تبدیل شوند.

ه- نبودن علامت جنس

زبان‌های ترکی، از نوع زبان‌های فاقد علامت جنس و حرف تعریف هستند. منظور از جنس در هر زبان تمایز شکلی اسامی مذکر و مؤنث از یکدیگر است. در گروهی از زبان‌ها، اسامی به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند و در برخی از آن‌ها حالت خنثی نیز وجود دارد. تعیین جنسیت کلمات در این نوع زبان‌ها معمولاً با افزودن پیوند یا پیشوندهای مخصوص جنس به آخر یا اول کلمات و یا با آوردن حرف تعریف در جلو اسامی مشخص می‌گردد. در زبان‌های ترکی جنسیت گرامری وجود نداشته و جنس هر اسم از مدلول آن معلوم می‌شود.

و-تنوع و نظم افعال

زبان‌های ترکی از نظر وسعت و تنوع افعال از زبان‌های غنی محسوب می‌شوند. در این زبان‌ها افعال حالت انعطاف و استعداد فوق‌العاده‌ای به تصریف و پذیرش و مفاهیم و متنوع ابراز می‌دارند. جالب اینجاست که این انعطاف پذیری عموماً مبتنی بر نظم و قاعده است به طوری که زبان‌های ترکی از نظر تصریف افعال از با قاعده‌ترین زبان‌ها محسوب می‌گردند.

ی-ریم (وزن)

زبان ترکی (همچون اسپانیایی و فرانسوی) یک زبان هجایی یا متکی بر سیلاب است. به عبارت دیگر الگوی ریتمی یا وزن حاکم بر اصوات و تلفظ‌ها، ادا کردن مجموعه هجاها با آهنگی یکنواخت و فاصله برابر است. یعنی تک تک هجاها به طور واضح و با فاصله مساوی نسبت به هم بر زبان جاری می‌شود:

A-teş-ol-ma-yan-ye-r-den-du-man-çık-maz. (از جایی که آتش نباشد دود بلند نمی‌شود). همان‌طور که ملاحظه می‌کنید جمله فوق را تقسیم هجایی کرده‌ایم و غرض نمایش این نکته این است که هجاها را باید جداگانه با طنین یکنواخت و واضح بیان کرد. اصولاً بسیاری از کلمات عربی و فارسی در زمان امپراتوری عثمانی به زبان ترکی استانبولی رخنه کرده‌اند و قطعاً تلفظ برخی از کلمات عاری از این تأثیر پذیری نبوده است از این نظر یادگیری آن برای فارسی زبانان مشکلی ایجاد نمی‌کند.

زبان‌های وابسته به یک گروه خویشاوند، ضمن دارا بودن جنبه‌ها و ویژگی‌های عمومی مشترک هر یک ویژگی‌های خاص خود را نیز دارند. این ویژگی‌ها که در حقیقت جهات و جنبه‌های متفاوت یک زبان از سایر زبان‌های هم گروه است، در تمام ساختمان زبان از اصوات بسیط گرفته تا جملات مرکب می‌تواند خود نمایی کند. ویژگی‌های خصوصی هر زبان را که در جریان تحول تاریخی زبان و تحت تأثیر مجموعه عوامل به وجود می‌آیند قبل از هر چیز باید در گرایش و تمایل طبیعی خود زبان جستجو کرد. نسبت دادن دگرگونی‌های تاریخی زبان صرفاً به تأثیر عوامل خارجی و نادیده گرفتن گرایش طبیعی زبان به معنی دست کم گرفتن خصلت دینامیکی زبان بوده و بیش از آنکه ما را به نتایج درست و منطقی هدایت کند به استنتاج‌های اشتباه آمیز غیر علمی می‌کشانند.

به عنوان مثال می‌توان یاد آور شد که اصوات خ و ق از اصواتی هستند که به طور فعال در کلمات زبان ترکی آذری شرکت می‌کنند ولی این حروف در ترکی استانبولی مخرج آوایی ندارند. حال اگر چنین تصور کنیم که این مخارج صوتی در ترکی آذری صرفاً در نتیجه مجاورت با این یا آن زبان ایجاد شده نظر خطایی را توجیه کرده‌ایم.

توضیح ویژگی‌های خصوصی هر زبان وقتی به شکل برجسته نمایان می‌شود که بر اساس مقایسه و تطبیق انجام گیرد. به این معنی که زبان مورد نظر با یک یا چند تا از زبان‌های هم گروه سنجیده شود تا در ضمن ویژگی‌های اخص آن بهتر نمایان گردد.

نتیجه

زبان ترکی یکی از با قاعده‌ترین زبان‌ها است و از نظر لغات مخصوصاً افعال بسیار غنی است. وجود قانون هماهنگی اصوات، کلمات ترکی را موزون و آهنگ دار نموده و به آن‌ها نظم و ترتیب خاص داده است. در ترکی علاوه بر اسامی ذات لغات زیادی برای مفاهیم مجرد وجود دارد. بعلاوه لغات مترادفی با اختلاف جزئی در معنی موجود است که میدان قلم فرسایی را وسیع‌تر و قلم نویسند را تیزتر و دقیق‌تر می‌سازد.

افعال ترکی به قدری وسیع و متنوعند که در کمتر زبانی نظیر آن‌ها می‌توان یافت. گاهی با یک فعل ترکی اندیشه و مفهومی را می‌توان بیان نمود که در زبان فارسی و زبان‌های دیگر نیاز به جمله و جملاتی پیدا می‌کند. از طرفی وجود پیوندهای سازنده سبب شده که قابلیت لغت سازی برای بیان مفاهیم مختلف و تغییرات فعلی بسیار زیاد باشد. نحو و ترکیب کلام در ترکی با زبان‌های هند و اروپایی متفاوت است. عنصر اصلی جمله یعنی فعل اصلی در آخر جمله قرار دارد. زبان‌های هند و اروپایی عنصر اصلی جمله در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مرتبط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند سازمان جمله ناقص می‌شود، ولی در ترکی کاملاً بر عکس است یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود و قسمت اصلی در آخر قرار گیرد. بعد از اشاره به ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی، جا داشت به مواردی از ویژگی‌های اخص زبان ترکی استانبولی نیز اشاره می‌شد. ولی چون طرح این موضوع ما را به راه دوری از مقایسه و تطبیق می‌کشاند و از مقصد اصلی منحرف می‌سازد بهتر آنکه به فرصت فراخ‌تر و موقعیت مناسب‌تری موکول گردد.

مبحث اصوات

اصوات

کلام که برای بیان مقاصد و اندیشه‌ها در کار است، از تلفیق کلمات به وجود می‌آید و کلمات از ترکیب اصوات تشکیل می‌شوند صوت یا آوا که در عرف زبان شناسی از آن به عنوان فونم نام می‌برند، به معنی صوت به طور مطلق نبوده، بلکه به صدایی اطلاق می‌شود که با کیفیت و آهنگی خاص، به هنگام سخن گفتن، از جهاز صوتی انسان خارج می‌شود.

بنابراین، اصوات عناصر بسیطی هستند که در حکم مصالح اولیه و ابزار اصلی کلام بوده و بی آنکه به خودی خود دارای معنی و مفهومی باشند، ندرتاً به تنهایی و عموماً به صورت ترکیب و تلفیق اشکالی به وجود می‌آورند که دارای معنی یا وظیفه مشخص در کلام بوده و کلمه را خواننده می‌شوند. قدرت جهاز صوتی انسان در ایجاد اصوات محدود بوده و از این لحاظ تعداد اصواتی که در زبان‌های مختلف به کار می‌رود محدود و مشخص و در قسمت عمده مشابه است. تعداد اصوات رایج در اکثریت بزرگ زبان‌های امروزه رقمی است مابین ۲۵ الی ۳۵.

در واقع، آنچه که زبان‌های ملل و اقوام مختلف را از هم متمایز می‌کند، اختلاف در تعداد و انواع اصوات نبوده بلکه اختلاف در اشکال و معانی کلمات است. با وجود این، هر زبان ممکن است آواهای ویژه خود را نیز داشته باشد که خاص همان زبان بوده و در زبان یا زبان‌های دیگر در کار نباشد. از این لحاظ وقتی زبان کلمات و لغاتی را از یک زبان

بیگانه می‌پذیرد که خود یک یا چند صوت را آن را فاقد است، ناگزیر آوا یا آواهای ناآشنا را به اصوات قریب المخرجی تبدیل می‌کند که خود در اختیار دارد.

اصوات ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، که مخصوص زبان عربی بوده و دارای مخرج آوایی خاصی هستند، در زبان فارسی نظیر اصوات قریب المخرج «ه، س، ز، ت، ء، غ» تلفظ می‌شوند و همچنین اصوات «پ، گ، چ، ژ» که از اصوات ویژه فارسی بوده و در زبان عربی متداول نیستند، به آواهای قریب المخرجی از نوع ب، ق، ج، مبدل می‌شوند. **در ترکی استانبول نیز اصوات خ و ق وجود ندارند (البته در بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ترکیه این اصوات به کثرت مورد استفاده قرار می‌گیرند) و این دو صوت به ناچار به اصوات قریب المخرج «ه، ک» مبدل می‌شوند.**

حروف-الفبا

اصوات عناصر و ابزار اصلی زبان تکلم هستند. برای نمایاندن آواها در زبان نگارش، علامات و اشاراتی به کار می‌رود که حروف خوانده می‌شوند. حروف در واقع اشکال ثبت و ضبط زبان هستند. مجموعه حروف یک زبان را که به ترتیب خاصی تنظیم می‌شود، الفبای آن زبان می‌خوانند. از همین مختصر، می‌توان نتیجه گرفت که در هر زبان اصوات جنبه طبیعی و ذاتی داشته، ولی حروف جنبه اعتباری و قراردادی دارند. به عبارت دیگر، اصوات زبان را به صورت خلق الساعه نمی‌توان تغییر و تبدیل نمود، و چنین امری در درجه اول مستلزم گرایش طبیعی و سیر تاریخی کمابیش طولانی خود زبان و در درجه دوم آمیزش و تأثیر متقابل زبان با زبان‌های دیگر خواهد بود. ولی برای هر زبان ممکن است در ادوار مختلف الفباهایی با اشکال و اسلوب و گرافیک‌های مختلف بکار رود.

الفباهایی که امروزه مورد استفاده ملل و اقوام مختلف هستند و از آن‌ها به غلط یا صحیح، عموماً به عنوان الفبای ملی نام می‌برند، غالباً اقتباسی و تقلیدی است و اگر غیر از این می‌بود، می‌بایست اکثر ملل و اقوام حالا هم در کتابت از همان اشکال و حروف هیروگلیف و میخی و سانسکریت استفاده می‌کردند.

اساساً، تکیه بر روی جنبه ملی الفبا، و تلاش بر بزرگ جلوه دادن ارزش تاریخی آن در حفظ سنن ملی و مدنی و عدم توجه به ناسازگاری و ناهماهنگی آن با اصوات و قوانین طبیعی زبان به منزله فراموش کردن و نادیده گرفتن نقش فرهنگی و اجتماعی الفباست.

باید بر این نکته توجه داشت که همچنان که اصوات ابزار زبان تکلم هستند، حروف و الفبا نیز قبل از هر چیز، ابزار زبان نگارش محسوب می‌گردند. بنابراین، بهترین و کامل‌ترین الفبا برای زبان مفروض الفبایی خواهد بود که در برابر هر صوت از زبان تکلم، علامت و نگاشتاری مشخص داشته و با ساختمان طبیعی زبان هماهنگ باشد، تا بتواند کلمات و عبارات و جملات را آنچنان که از دهان خارج می‌شود، ضبط کند.

البته، هیچ الفبایی را نمی‌توان سراغ داشت که بتواند هنگام نگارش اصوات را به طور صد در صد منعکس کند. ولی اصالت نسبی الفبا در آن خواهد بود که این فاصله را در حداقل نگاه دارد. الفباهای موجود در روی زمین از نظر درجه نسبی نزدیکی و هماهنگی با اصوات و موازین زبان‌ها در یک سطح نیستند، بعضی از الفباها مثلاً الفبای زبان ارمنی و تا حدود زیادی الفباهای زبان روسی و آلمانی با اصوات این زبان‌ها هماهنگی نزدیکی دارند. در بعضی دیگر، از جمله زبان‌های انگلیسی و فرانسه شکل لفظی کلمات با شکل املائی آن‌ها فرق کلی پیدا می‌کند. در این زبان‌ها کلمات یک

شکل نگارش و یک شکل تلفظ دارند. حروف در موارد زیادی صدای اصلی خود را از دست می‌دهند و صدای دیگری را بیان می‌کنند و یا اساساً به تلفظ در نمی‌آیند. برای درست نوشتن این زبان‌ها باید شکل املائی خاص هر کلمه را جداگانه فرا گرفت.

مشکل عدم هماهنگی اصوات با حروف در الفبای فارسی، از جهت دیگری خودنمایی می‌کند و آن وجود حروفی است که در زبان فارسی مخرج آوایی نداشته و به همراه کلمات عربی وارد این زبان گشته‌اند. البته این حروف در زبان عربی هر یک مخرج آوایی ویژه خود را دارند و بنابراین، تکلیف گوینده و شنونده و خواننده و نویسنده در گفتن و شنیدن و خواندن و نوشتن آن‌ها روشن است. ولی این حروف، همان‌طور که در بالا اشاره شد، در زبان فارسی مخرج صوتی خود را از دست داده و با مخرج صوتی مشابهی که در زبان فارسی دارد، ادا می‌شوند و به این ترتیب، اگر در زبان‌هایی از نوع انگلیسی و فرانسه، یک حرف نماینده چند صدا است، در زبان فارسی، به علت وجود اصوات دخیل، عکس این حالت رخ می‌دهد. یعنی یک صدا معرف چند حرف می‌گردد و تعیین و تشخیص موضع حروف مشابه در کلمات منوط بر این است که شخص اشتقاق و ریشه کلمات را بداند. به عبارت روشن‌تر، درست نوشتن زبان فارسی مستلزم این است که شخص بر کلیات دستور زبان عربی نیز آگاهی داشته باشد.

زبان ترکی استانبولی و الفبای موجود فارسی

الفبای موجود فارسی، که رسم‌الخط آن به علاوه هشت فرزند ناتنی از عربی گرفته شده است، برای نوشتن زبان ترکی استانبولی ناقص و نارسا است. این الفبا، همان مشکلات و نارسایی‌هایی را که از قبیل تشابه شکلی حروف، خارج بودن حرکات از متن حروف، وجود حروف متحدالمخرج و مختلف الشکل، دگرگونی شکل و آوای حروف در مواضع مختلف کلمه، تقسیم حروف به متصل و منفصل، نقطه دار و بی نقطه و غیرذلک در نگارش زبان فارسی دارد و اینجا از کثرت وضوح نیازی به توضیح مجدد آن‌ها نیست؛ در نگارش زبان ترکی استانبولی نیز، همان اشکالات و نارسایی‌ها به علاوه مشکلات و موانع دیگری که ناشی از خصوصیات و قواعد خاص این زبان است، به میان می‌آورد.

نا هماهنگی میان حروف فارسی و خصوصیات و قواعد صوتی زبان ترکی استانبولی، به پایه ایست که کار کسانی را که از دیر باز کوشیده‌اند قواعدی برای نگارش این زبان با رسم‌الخط فارسی پیدا کنند، با عدم موفقیت روبرو ساخته است. از میان علل اخصی که باعث دشواری نوشتن زبان ترکی استانبولی با حروف فارسی می‌شود، می‌توان از دو مورد اساسی زیر نام برد:

۱. تعداد اصوات مصوت در زبان ترکی استانبولی بیشتر از اصوات مصوت زبان فارسی است و لااقل سه مصوت مستقل، یعنی ñ, ö, ı در زبان ترکی استانبولی هست که نشان دادن آن در نگارش با الفبای فارسی بسیار دشوار و اشتباه انگیز است. مثلاً ما مفهوم کلمه‌های آرد، جلو و ده را در ترکی استانبولی ناگزیریم به شکل «اون» بنویسیم. در صورتی که با الفبای صوتی املائی این سه کلمه به ترتیب un (آرد)، ön (جلو)، on (ده) است.

۲. زبان ترکی استانبولی قوانین صوتی خاص خود را دارد و کلماتی را که از زبان‌های دیگر می‌پذیرد، مشمول همین قوانین می‌گرداند. کلمات بهار، متاع، انصاف و خطا در ترکی استانبول به شکل bahar, matah, insaf و hata (بهار، اینساف، ماتاه و هاتا) تلفظ می‌شوند. حال اگر ما هنگام نگارش مقید به حفظ املائی کلمه باشیم همچنان که

چنین قیدی در نوشتن کلمات عربی رایج در زبان فارسی وجود دارد قوانین فونتیک زبان را نقض کرده‌ایم و اگر هر کلمه را به شکلی که تلفظ می‌شود بنویسیم، به قول فقهای لغت، مرتکب غلط فاحش گشته‌ایم. با توجه بر همین مشکلات و نارسایی‌ها است که ملل و اقوام ترک زبان که مدت‌ها در نگارش از الفبای عربی استفاده می‌کردند؛ در نیمه اول قرن بیستم، به تدریج الفباهای خود را تغییر دادند و انجمن زبان ترکی در ترکیه الفبایی بر اساس نگاشته‌ی لاتین و در جمهوری‌های ترک زبان شوروی الفبایی بر اساس نگاشته‌ی اسلاو رایج گردید و این مشکل بزرگ ناهماهنگی الفبا و اصوات از میان برداشته شده است.

الفبای زبان ترکی استانبولی

الفبای ترکی استانبولی که به موجب قانون شماره ۱۳۵۳ در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۲۸ به تصویب رسیده، شامل ۲۹ حرف است که هر کدام از این حروف اعم از صامت و یا مصوت دارای اشکال و صداهای متفاوت و منحصر به فردی بوده و از این رو فراگیری و یاد گرفتن این حروف و متعاقب آن قرائت کلمات با این حروف بسیار سهل و آسان است. از آنجایی که از تدوین الفبای جدید زبان ترکی استانبولی، زمان زیادی نمی‌گذرد و این که به ازای هر حرف یک صدا و به ازای هر صدا یک حرف وجود دارد این زبان همانطور که نوشته می‌شود خوانده می‌شود و بالعکس. از ۲۹ حروف مختلف این زبان ۸ تای از آن‌ها صدادار (مصوت) هستند که این دسته خود به دو گروه تقسیم می‌گردند: گروه حروف‌های صدادار خشن یا پسین و گروه حروف صدادار پیشین و یا ظریف.



آتا ترک و تدریس نمادین ۲۹ حرف جدید ترکی در شهر سینوپ ۱۹۲۸ میلادی.

دلیل تقسیم بندی حروف‌های صدادار به دو گروه خشن یا پسین و ظریف یا پیشین به نوع بیان و تلفظ آن‌ها مربوط می‌شود. یعنی صداهایی که از ته دهان و از حلقوم و با کمک تنفس انسان بیرون داده می‌شود و به گوش می‌رسند به صداهای خشن شناخته می‌شوند و صداهایی که در نیمه ابتدایی دهان و با حرکت لب‌ها و دهان و دندان ادا می‌شوند به حروف صدا دار ظریف معروف هستند؛ لذا به نهایت می‌توان حروف صدادار زبان ترکی استانبولی را بدین ترتیب نام برد:

حروف صدادار خشن عبارتند از: A , I , O , U

حروف صدادار ظریف عبارتند از: E , İ , Ö , Ü



ناگفته نماند که برخی از مصوت‌ها در زبان ترکی استانبولی (عموماً صداهاى ظریف) در هیچ یک از زبان‌های دنیا وجود نداشته (به غیر از زبان‌های آلمانی و فرانسه و زبان‌های ترکی با لهجه‌های مختلف) ادای آن را بسیار مشکل می‌نماید. ولی با کمی تمرین و دقت توجه بیان این صداها نیز راحت‌تر خواهد بود. در پایین نام حروف و شکل آن‌ها و شاخص‌های تلفظی آورده شده است:

نام	شاخص	شکل	نام	شاخص	شکل	نام	شاخص	شکل
آ	اَ	A a	ع	ی، ئ	I i	ر	ر	R r
ب	ب	B b	ای	ای	İ i	س	س	S s
ج	ج	C c	ژ	ژ	J j	ش	ش	Ş ş
چ	چ	Ç ç	ک	ک	K k	ت	ت	T t
د	د	D d	ل	ل	L l	او	او	U u
اِ، اَ، اِ	E e	M m	م	م	M m	اوو	و	Ü ü
ف	ف	F f	ن	ن	N n	و	و	V v
ق، گ	ق	G g	اُ	او	O o	ی	ی	Y y
غ	غ	Ğ ğ	اؤو	وو	Ö ö	ز	ز	Z z
ح	ح	H h	پ	پ	P p			

A B C Ç D E F G Ğ H İ İ J K L M N O Ö P R S Ş T U Ü V Y Z

لازم به ذکر است که در زبان ترکی استانبولی حروف (ق-گ) به یک شکل، یعنی به حالت (G) نوشته می‌شود و حرف (Ğ) هیچ گاه در اول کلمات نمی‌آید. این حرف به اسم (ق نرم) نیز شناخته شده است که تقریباً صدای (غ) در فارسی را نیز می‌دهد. مثل اوغلو = oğlu به معنای پسرش و در مواردی فقط صدای حرف صدا دار ما قبل خودش را کشیده‌تر می‌کند.

حرف I نیز در زبان فارسی صدایی شبیه به (ع و یا ای) دارد از نوع صداهای خشن محسوب شده و از ته حلقوم و با فشار نفس درون سینه بیرون داده می‌شود. مانند: (رعد و برق) ییلدیریم = Yıldırım

موضوع دیگر در قواعد زبان ترکی استانبولی، تبعیت صداها از یکدیگر است. یعنی صدای نخست هر کلمه‌ای از هر نوعی اعم از خشن و یا ظریف باشد تا آخر کلمه صداهای متعاقب نیز از آن نوع خواهد بود. به طور مثال وقتی می‌نویسیم: Gör-ü-nüz (ببینید) دو صدای ü در وسط و ü در آخر، هر دو از صدای نخست کلمه، یعنی ö تبعیت می‌نمایند. یعنی بدین ترتیب گفته می‌شود اگر صدای نخست کلمه‌ای خشن باشد بقیه صداها نیز خشن خواهند بود؛ و اگر صدای نخست کلمه‌ای ظریف باشد تمامی صداهای متعاقب آن نیز ظریف خواهد بود. (البته در اسامی برخی اماکن و شخصیت‌ها که از زبان دیگری به زبان ترکی وارد شده و یا ریشه بیگانه‌ای دارند و از زبان فارسی و یا عربی و غیره وارد شده‌اند از این قاعده مستثنی هستند که در مباحث پیش رو توضیح داده خواهد شد. در پایین نمونه‌ای از این کلمات را می‌توانید مشاهده کنید.)

hale	role	saate	harbe	حالت تأثیر «به»:
به حال	به نقش	به ساعت	به جنگ	
halde	rolde	saatte	harpte	حالت تخصیص «در»:
در حال	در نقش	در ساعت	در جنگ	
halden	rolde	saatten	harpten	حالت انفکاک «از»:
از حال	از نقش	از ساعت	از جنگ	
hali	rolü	saati	harbi	حالت گرایش «را»:
حال را	نقش را	ساعت را	جنگ را	
halle	rolle	saatle	harple	حالت واسطه «با»:
با حال	با نقش	با ساعت	با جنگ	
halim	rolüm	saatim	harbim	اضافه ملکی:
حال من	نقش من	ساعت من	جنگ من	
haller	roller	saatler	harpler	جمع:
احوال	نقش‌ها	ساعت‌ها	جنگ‌ها	
halleri	rolleri	saatleri	harpleri	جمع حرف اضافه «را»:
احوال را	نقش‌ها را	ساعت‌ها را	جنگ‌ها را	

قاعده کلی بدین گونه است که همیشه صدای خش a به دنبالش 1 می‌آورد و صدای o حرف صدادار u را به دنبال خود می‌کشد. این قاعده در صداهای ظریف نیز صادق است و صدای e حرف صدادار i و ö مصوت ü را به دنبال دارد به مثال‌های زیر توجه کنید:

gitti رفت isterim می‌خواهم

severim	دوست می‌دارم	geldi	آمد
aldım	خریدم، گرفتم	kaçtı	فرار کرد
verdim	دادم	güldü	خندید
öptüm	بوسیدم	gördü	دید

پیوندهایی که در زبان ترکی استانبولی بکار برده می‌شوند نیز بدین گونه بوده و صداهاى آنها از صدای کلمه ریشه تبعیت خواهد کرد. مثلاً:

sevdi-mi ?	آیا دوست داشت؟	güldü -mü ?	آیا خندید؟
gördü-mü ?	آیا دید؟	aldı-mı ?	آیا گرفت/خرید؟

تکیه

تکیه اکثر کلماتی که بیشتر از یک هجا دارند روی هجای آخر است. البته این قاعده استثناهایی نیز می‌پذیرد. این استثناها را با حروف بزرگ مشخص کردیم به طور کل (مانند زبان فارسی) محل تکیه در کلمات یک جمله بستگی به مقصد گوینده دارد. مثال:

AhMET elmayı yedi.	احمد (و نه کسی دیگر) سیب را خورد.
Ahmet elmaYİ yedi.	احمد سیب (و نه چیز دیگر را) خورد.
Ahmet elmayı yeDİ.	احمد سیب را خورد (نه این که آن را پرت کند).

تقسیم هجایی

در زبان ترکی استانبولی، هجاها یا سیلاب‌ها به طور واضح، مجزا و با طنین یکنواخت بر زبان جاری می‌شوند از این رو به زبان هجایی لقب گرفته است.

الگوی تقسیم هجایی در یک عبارت ترکی بدون هر گونه مکثی به طور اتوماتیک و منظم و بدون توجه به تقسیم بندی کلمات صورت می‌پذیرد:

İyi günler efendim	İ-yi- gün-ler- e-fen-dim	روز به خیر آقا/خانم.
NAsılsınız?	NA-sıl-sı-nız?	حال شما چطور است؟
İyiyim Teşekkür ederim.	İ-yi-yim Te-şek-kür e-de-rim.	خوبم متشکرم.
Siz nasılsınız?	Siz-na-sıl-sı-nız?	شما چطورید؟
Ben de iyiyim.	Ben-de- i-yi-yim.	من هم خوبم.

تمرین تلفظ

ü ü / / معادل این صوت در فارسی وجود ندارد. برای تلفظ آن باید لب را گرد کرد. ادای این صوت دقیقاً به شکل همتای آلمانی خود است مانند کلمه müde (خسته). همچنین تلفظ صوت u در فرانسوی مانند rue (خیابان).

üzüm	انگور	dün	دیروز
üç	سه	sütçü	شیر فروش
gün	روز	dünya	دنیا
bütün	تمام	BÜSbütün	مطلقاً، به طور کامل
ütü	اتو	ümit	امید

İ i / /

bin	هزار	kişi	شخص، نفر
dil	زبان	bizim	مال ما
diş	دندان	TAKsi	تاکسی

ö ö / / کشیده / معادل این صوت در فارسی وجود ندارد. برای تلفظ آن باید لب را گرد کرد. مانند کلمه körper (بدن) در آلمانی.

göl	دریاچه	öp	بیوس
kör	کور	kömür	زغال
sörf	موج ساحل	ölçmek	وزن کردن
ön	جلو	börek	نوعی غذا
köşe	گوشه	köy	دهکده

E e / / صدای کسره دارد اما گاهی اوقات صدای «آ» فتحه و گاهی اوقات نیز صدایی ما بین کسره و فتحه به شکل

کوتاه مانند تلفظ کلمه air در انگلیسی به خود می‌گیرد.

benim (بنیم)	مال من، منم	beş (بش)	پنج
cevap (جواب)	جواب	deniz (دینیز)	دریا
ben (بن)	من	sen (سن)	تو
ne? (نه)	چه؟	gel (گل)	بیا
evde (اود)	در خانه	türkçe (تورکچه)	ترکی

چگونگی تلفظ e، یعنی اینکه «آ» یا «ا» و یا ما بین این دو تلفظ شود، تابع قانون خاصی نیست. البته این نکته را نیز باید ذکر کنیم که تلفظ مصوت e چه به صورت «آ» و چه به صورت «ا» تغییر معنایی در کلمه ایجاد نمی‌کند (مثلاً

کلمه güzel به معنای زیبا چه به صورت «گۆزل» و چه به صورت «گؤزل» تلفظ کنید معنای آن عوض نمی‌شود). با این همه برای تلفظ هر چه دقیق‌تر و متعارف‌تر کلمات، دانستن نکات زیر خالی از فایده نیست:

۱. مواردی که مصوت e به صورت «ا» تلفظ می‌شود:

الف) در ابتدای کلمات؛ مانند:

ev	خانه	eş	همسر
ek	پیوند، ضمیمه	elçi	فرستاده، سفیر
eylül	سپتامبر	ekim	اکتبر
geniş	وسیع، گسترده	temiz	تمیز
keçi	بز	seyirici	تماشاگر، بیننده
yeşil	سبز	geçici	گذرا
senin	مال تو	sevgi	محبت، عشق

ج) در تمام هجاهای کلمات مأخوذ از زبان‌های اروپایی مانند:

elektrik	برق	bisiklet	دوچرخه
enerji	انرژی	elektron	الکترون
telefon	تلفن		

البته بعضی از کلمات از این قاعده مستثنی هستند به عنوان مثال کلمه mersi (مرسی) به صورت «مَرسی» تلفظ

می‌شود و یا کلمه üniversite (دانشگاه) که به شکل «اونیورسیتِه» ادا می‌گردد.

۲. مواردی که مصوت e به صورت «ا» تلفظ می‌شود:

معمولاً این حالت زمانی رخ می‌دهد که مصوت e قبل از صامت‌های l, m, n و r قرار گیرد و مصوت دیگری بلافاصله بعد از این صامت‌ها نیامده باشد مانند:

her	هر	kent	شهر
germek	چیزی را از دو طرف سفت کشیدن	pergel	پرگار

الف) هجای میانی و پایانی کلمات اصیل ترکی و کلمات مأخوذ از عربی و فارسی مانند:

erkek	مرد، نر	öğrenci	دانشجو، دانش آموز
şeref	شرف	sefa	صفا

ب) در اکثر کلمات تک هجایی مختوم به حرف صامت مانند:

ben	من	şen	شاد
sen	تو	sert	زبر، خشن

بدە ver بیا gel

۳. مواردی که مصوت e مابین «آ» و «ا» تلفظ می‌شود:

این حالت در آخر کلمات رخ می‌دهد مانند:

پیش، قبل önce در روستا köyde

به ترکیه türkiyeye با ile

توجه داشته باشید e در معدودی از کلمات زمانی که قبل از صامت‌های l، m و n قرار می‌گیرد ممکن است هم به صورت «آ» و هم به صورت «ا» تلفظ شود. بنابراین بعضی از گویندگان کلمات elbise (لباس)، kendi (خود) و hem (هم) را به صورت «آ» و بعضی دیگر به صورت «ا» تلفظ می‌کنند.

در کلماتی مانند gezegende «گَزِگَنده» به معنای در سیاره و perende «پَرَنده» به معنای معلق، وارونه هر سه حالت بالا را مشاهده می‌کنیم.

/A a/

çay	چای	hafta	هفته
baş	سر	hap	حب، قرص
cevap	جواب	bal	عسل
ama	اما	yağ	روغن
havuz	حوض	ya	یا

/O o/

oda	اتاق	on	ده
boş	خالی	son	آخر
o	او	dost	دوست
çok	زیاد	okul	مدرسه

/U u/ او کوتاه/

buçuk	نیم	bulut	ابر
çocuk	بچه	dul	بیوه
bu	این	duş	دوش
su	آب	kum	ماش، شن، ریگ

I 1 /ئ/ مشابه همزه فارسی است مانند تلفظ کلمه again در انگلیسی.

kısa	کوتاه	yakın	نزدیک
kış	زمستان	yıl	سال

AYni همان kız دختر

کشش واکه‌ای

اساساً کلیه حروف مصوت در ترکی کوتاه هستند. اما اگر بعد از حروف مصوت، حروف صامت، قرار نگیرد یعنی حرف مصوت در موقعیت هجایی باز باشد و یا اگر خود حروف مصوت تشکیل سیلاب دهد تا حد قابل توجهی کشیده‌تر تلفظ می‌شود. کشیده شدن، حروف مصوت تحت شرایط زیر امکان پذیر است:

۱- قرار گرفتن ğ بعد حرف صدادار در اول و آخر هجا:

sağ	راست
iğne	سوزن
tığ	قلاب تور دوزی
buğday	گندم

۲- وجود a و i در برخی از کلمات عاریه‌ای از زبان‌های عربی و فارسی به صورت مصوت کشیده وجود دارد و معمولاً نشانه /^h/ بر روی آن‌ها قرار می‌گیرد.

âmâ	نابینا، کور	zekî	باهوش
-----	-------------	------	-------

در برخی کلمات a ممکن است در یک متن یکسان به صورت کوتاه و کشیده ظاهر شود که این امر موجب تغییر معنایی می‌گردد:

adet	عدد	âdet	عادت
ama	اما، ولی	âmâ	نابینا، کور
dahi	حتی	dahî	تیز هوش
hala	عمه	hâlâ	هنوز، حالا، اکنون، در حال حاضر
alem	علم، بیرق، پرچم	âlem	عالم، گیتی

تغییر معنایی برای i کوتاه و کشیده نیز وجود دارد. اما تعداد این گونه کلمات بسیار محدود است.

tarihi	تاریخ را یا تاریخش	tarihî	تاریخی
ilmi	علم را یا علمش	ilmî	علمی

Osmanlı tarihi (تاریخ عثمانی)

۳- بجز o, ö و i، پنج حرف مصوت دیگر نیز می‌توانند کشیده ادا شوند. اگر چه نشانه‌ی کشیدن در شکل نگارشی این حروف دیده نمی‌شود:

memur	کارمند دولت، مأمور
mide	معدّه
tane	عدد-دانه

güya
munis

گویا
مونس

اصوات مصوت، اصوات صامت

اصوات رایج در زبان ترکی استانبولی مانند اصوات زبان‌های دیگر به دو دسته صدادار (مصوت) و بی صدا (صامت) تقسیم می‌شوند.

الف – اصوات مصوت:

اصواتی هستند که هنگام تلفظ آن‌ها جریان هوا بدون برخورد با هیچ مانعی از جهاز صوتی خارج می‌شود. در حین ادای این اصوات، مجرای صوتی کاملاً باز بوده و تنها میزان باز و بسته بودن نسبی آن فرق می‌کند. در تلفظ اصوات صدادار، زبان و لب‌ها حالات مختلفی به خود می‌گیرند. زبان در بیخ و وسط و نوک انحنای پیدا می‌کند و لب‌ها شکل افقی یا گرد به خود می‌گیرند. ولی هیچ‌یک از این تغییرات، مسیر مجرای صوتی را مسدود نمی‌کند و جریان هوا به راحتی از آن خارج می‌شود. از تغییراتی که در وضع زبان و لب‌ها و حفره دهان ایجاد می‌شود، انواع اصوات صدادار تعیین می‌گردند. از مجموع اصوات زبان ترکی استانبولی، هشت حرف زیر صدادار هستند:

ü و u و ö و o و ı و i و e و a

به این ترتیب زبان ترکی استانبولی، از نظر تعداد حروف مصوت از زبان‌های پر مایه بشمار می‌رود.

ب – اصوات صامت:

پس از کسر هشت صوت بالا از مجموع اصوات، بقیه یعنی ۲۱ صوت دیگر جزو اصوات بی صدا هستند. اصوات بی صدا آوایی هستند که در تلفظ آن‌ها جریان هوایی که از جهاز صوتی خارج می‌شود، در مسیر خود به مانع بر می‌خورد. این موانع به صورت تنگ شدن مجرای صوتی، برخورد و تماس نوک زبان به قسمت‌های مختلف سقف دهان و یا بیخ دندان‌ها، باز و بسته شدن لب‌ها و از این قبیل رخ می‌دهد و همین تغییرات انواع اصوات بی صدا را مشخص می‌سازد. در هر زبان، تعداد اصوات صامت بر اصوات مصوت فزونی دارد. ولی اصوات مصوت از نظر سهولت و عدم ممانعتی که در جریان تلفظ آن‌ها وجود دارد، از جهات چندی متمایز هستند. مهم‌ترین این جهات تمایز به قرار زیر است:

۱. اصوات مصوت، در تلفیق کلمات و واحدهای کلام، نقش عناصر ترکیب دهنده را ایفا می‌کنند. یعنی بدون دخالت و پادرمیانی آن‌ها اصوات صامت رأسان توانایی تلفیق و امتزاج با یکدیگر را ندارند. مثلاً در کلمه Barış (آشتی) اگر دخالت مصوت‌های a و ı نباشد صامت‌های موجود به صورت b r ş به تلفظ در می‌آیند.

۲. اصوات مصوت می‌توانند رأساً و به طور مستقیم هجا تشکیل دهند. در صورتی که اصوات صامت از این مزیت بی‌نصیبند و برای اینکه بتوانند هجا تشکیل دهند، حتماً باید با مصوت تلفیق شوند.

۳. اصوات مصوت به لحاظ آزاد بودن مجرای صوتی در تلفظ آن‌ها، می‌توانند به نحو دلخواه کشش پیدا کنند. بدین جهت، این دسته از اصوات علاوه بر اینکه در زبان‌های مختلف درجات کشش متفاوت دارند، در هر یک از زبان‌ها نیز

ممکن است هر مصوت، هم شکل کوتاه و هم شکل کشیده داشته باشد. در حالی که صامت‌ها از این جنبه نیز عاری هستند.

گروه بندی اصوات

در زبان ترکی استانبولی، هر یک از دو دسته اصوات مصوت و صامت، بر حسب میزان شرکت اعضای مختلف جهاز صوتی در تلفظ آن‌ها، چند نوع گروه بندی دارند. مسئله گروه بندی اصوات بر مبنای تغییرات مخرج آوایی در هر زبان ممکن است پیش آید. ولی این مسئله در دستور زبان زبان‌های ترکی و منجمله زبان ترکی استانبولی حائز اهمیت خاص است.

اصوات مصوت و صامت در زبان ترکی استانبولی به شکل زیر گروه بندی می‌شوند:

الف- گروه بندی حروف مصوت

مصوت‌ها از نظر تغییرات حاصله در حالت و وضعیت جهاز صوتی به شکل زیر گروه بندی می‌شوند :

۱- مصوت‌های پسین یا خشن، مصوت‌های پیشین یا ظریف

هنگام تلفظ مصوت‌ها، زبان در قسمت پسین یا پیشین به طرف کام انحنای پیدا می‌کند. بر حسب اینکه این انحنای در قسمت پسین یا پیشین صورت گیرد، مصوت‌ها به دو دسته خشن یا ظریف و یا پسین یا پیشین تقسیم می‌شوند. از اصوات هشت‌گانه مصوت، چهار صوت *a, ı, o, u* مصوت‌های پسین یا خشن و چهار صوت *e, ı, ö, ü* مصوت‌های پیشین یا ظریف هستند.

۲- مصوت‌های باز، مصوت‌های نیمه بسته، مصوت‌های بسته

از نظر میزان باز و بسته بودن حفره دهان در موقع تلفظ، اصوات مصوت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند : مصوت‌هایی که هنگام ادای آن‌ها دهان با فراخی بیشتری گشوده می‌شود، مصوت‌های باز و مصوت‌هایی که در ادای آن‌ها گشودگی دهان کمتر باشد، مصوت‌های بسته و مصوت‌هایی که بین این حالت قرار می‌گیرند، مصوت‌های نیمه باز نامیده می‌شوند. در این تقسیم بندی مصوت *a* جزو مصوت باز، مصوت‌های *e, o, ö* جزو مصوت‌های نیمه باز و مصوت‌های *ı, ı, ü, ü* جزو مصوت‌های بسته محسوب می‌شوند.

۳- مصوت‌های گرد، مصوت‌های راست

مصوت‌ها از نظر حالتی که لب‌ها به هنگام تلفظ به خود می‌گیرند، به دو دسته گرد و غیر گرد تقسیم می‌شوند. مصوت‌های که در تلفظ آن‌ها لب‌ها به صورت موازی باز می‌شوند، مصوت‌های غیر گرد و مصوت‌هایی که در تلفظ آن‌ها لب‌ها به حالت گرد در می‌آیند، مصوت‌های گرد خوانده می‌شوند. از این نظر مصوت‌های *a, e, ı, ı* جزو مصوت‌های راست و مصوت‌های *o, ö, u, ü* جزو گروه گرد منظور می‌شوند.

به طور کل حروف مصوت را بسته به محل تولید آن‌ها در دهان همان طور که در قبل اشاره شد به «پیشین یا ظریف» و «پسین یا خشن» بر حسب وضعیت زبان به «بسته»، «نیمه باز» و «باز» و بر حسب شکل لب‌ها به «گرد» یا «راست» طبقه بندی می‌کنند. این طبقه بندی در مبحث مربوط به قوانین هماهنگی حروف مصوت توضیح داده خواهند شد.

شکل لب‌ها	وضعیت زبان	ارتفاع زبان	
گرد	پیشین	بسته	ü
راست	پیشین	بسته	i
گرد	پیشین	نیمه باز	ö
راست	پیشین	نیمه باز	e
راست	پسین	باز	a
گرد	پسین	نیمه باز	o
راست	پسین	بسته	ı
گرد	پسین	بسته	u

ب- گروه بندی صامت‌ها

در زبان ترکی استانبولی ۲۱ صامت وجود دارد:

b, c, ç, d, f, g, ğ, h, j, k, l, m, n, p, r, s, ş, t, v, y, z

صامت‌ها از نظر طنین صوتی، مخرج آوایی و درجه تماس اعضای جهاز صوتی به شکل زیر گروه بندی می‌شوند:

۱- صامت‌های طنین دار (titreşimli ünsüz)، صامت‌های گنگ (Ötümsüz ya da sert ünsüz)

اصوات طنین دار عبارتند از:

b, c, d, g, ğ, j, l, m, n, r, v, y, z

اصوات گنگ عبارتند از:

ç, f, h, k, p, s, ş, t

در میان عده‌ای از اصوات این دو گروه تقارن آوایی وجود دارد. صامت‌های متقارن عبارتند از:

(f v) و (ş s) و (j z) و (k g) و (t d) و (ç c) و (p b)

در زبان ترکی استانبولی مورد مصرف اصوات طنین دار بیش از اصوات گنگ است.

۲- اصوات صامت از نظر کیفیت حدوث به طریق زیر تقسیم بندی می‌شوند:

۱. صامت‌های جفت لبی که از فشار دو لب بر روی یکدیگر تولید می‌شوند عبارتند از:

b, m, p

۲. صامت‌های لب و دندان که از برخورد لب زیرین با دندان‌های قدامی بالا تولید می‌شوند عبارتند از:

f, v

۳. صامت‌های پیشین کامی که از برخورد نوک زبان به قسمت قدمی کام و یا بیخ دندان‌های فوقانی تولید می‌شوند. عبارتند از:

d, l, n, r, s, t, z, c, ç, j, ş

۴. صامت‌های میان کامی که از برخورد قسمت وسطی زبان به وسط سقف دهان تولید می‌شوند و عبارتند از:

g, k, y

۵. صامت پسین کامی که از برخورد قسمت پسین زبان به قسمت پسین کام تولید می‌شود که تنها حرف ğ است این صامت مانند حرف y یک حرف شبه مصوت به حساب می‌آید.

۶. صامت‌های حلقی، که تنها حرف h است.

۳- اصوات صامت از نظر نحوه بسته شدن مجرای صوتی در حین تکلم به گروه‌های زیر تقسیم بندی می‌شوند:

صامت‌های انفجاری:

t, p, k, g, d, c, b

صامت‌های اصطکاکی:

z, v, ş, s, j, h, ğ, f

صامت‌های شبه مصوت:

y, r, n, m, l

اصوات دسته آخر را بدان جهت شبه مصوت می‌گویند که آهنگ صوتی آن‌ها به اصوات مصوت نزدیک‌تر است. در میان این‌ها صدای y بیشتر از سایرین به مصوت‌ها شباهت دارد.

از نظر کیفیت حدوث	گنگ (خشن)		طنین دار (نرم)	
	کشیده	کوتاه	کشیده	کوتاه
لب	f	p	m, v	b
دندان	s, ş	ç, t	j, l, n, r, z	c, d
کام	-	k	ğ, y	g
حلق	h	-	-	-

هماهنگی و تطابق مصوت‌ها

اصل هماهنگی و تطابق گروهی اصوات صدادار، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های صوتی زبان ترکی استانبولی است. بموجب این اصل، اصوات مصوتی که در ساختمان صوتی کلمات شرکت می‌کنند، به نحوی از انحا با هم تقارن و تجانس گروهی دارند. این اصل یکی از خصوصیات متمایز و بارز زبان‌های ترکی، منجمله ترکی استانبولی بوده و منظره صوتی خاصی به این زبانها می‌بخشد که زبان‌های دیگر فاقد آن هستند. اصل هماهنگی و تجانس گروهی

مصوت‌ها، تمام ساختمان کلمه، اعم از ریشه و پیوند و همچنین سلسله زنجیری پیوندها را که ممکن است به اقتضای موقعیت کلمه در کلام به آخر آن افزوده شود، در بر می‌گیرد. به موجب این اصل، نخستین حرف مصوت کلمه از هر گروه باشد، حروف صدادار بعدی نیز از همان گروه خواهند بود و صوت مصوت غیرمتجانس را در میان آن راه نخواهد بود. هماهنگی اصوات مصوت به اقتضای گروه بندی اصوات مصوت به خشن و ظریف و راست و گرد، دو حالت پیدا می‌کند:

تطابق خشن و نازک، تطابق راست و گرد.

(الف) تطابق خشن و ظریف (Kalinlik-incelik uyumu)

به طور کل تطابق مصوت‌های خشن و ظریف که از آن به عنوان قانون تطابق عمومی نیز نام می‌برند، عبارت از هماهنگی و تجانس مصوت‌های خشن و ظریف در یک کلمه با یکدیگر است. به موجب این اصل، اصوات صدادار یک کلمه باید یا تماماً از نوع خشن و یا از نوع ظریف باشند. کلمه خواه در حالت بسیط باشد مانند *ayrı* (جدا)، *oyun* (بازی)، *dilek* (آرزو)، *güzel* (زیبا) و خواه در حالت ترکیب با پیوندها مانند *Ayrılık* (جدایی)، *oyuncu* (بازیگر)، *dileklerimiz* (آرزوهای ما)، *güzellik* (زیبایی)، این خصوصیت را حفظ می‌کند.

از نظر اصل هماهنگی خشن و ظریف، ریشه‌ها و پیوندها در کلمات ترکی استانبولی به دو نوع خشن مصوت و ظریف مصوت تقسیم می‌شوند. منتها با در نظر گرفتن اینکه ریشه‌ها عناصر اصلی و ثابت کلمات بوده و ساختمان صوتی آن‌ها در آغاز بر اساس مصوت‌های خشن یا ظریف بنیاد گردیده است، این تقسیم بندی در مورد آن‌ها از نظر ذاتی صدق می‌کند. به این معنی که هر ریشه بر حسب اینکه بر اساس مصوت‌های خشن یا ظریف بنیاد شده باشد، بیش از یک شکل معین ندارد. ولی پیوندها عناصر الحاقی و متغیر بوده و شکل مصوت‌های آن‌ها به مقتضای مصوت ریشه تعیین می‌گردد و بدین جهت هم، هر پیوند بر حسب اینکه به ریشه خشن یا ظریف پیوند یابد، شکل صوتی سبب یا نازک خواهد داشت.

در زبان ترکی استانبولی مانند هر زبان دیگر، علاوه بر ریشه‌ها و لغات اصیل، یک رشته الفاظ و کلمات دخیل نیز رایج است. الفاظ و کلمات دخیل در برابر قانون هماهنگی خشن و ظریف وضع یکسانی ندارند. یک عده از این کلمات مانند *kemer* (کمربند)، *eser* (اثر)، *seher* (سحر)، *şeker* (شکر)، *bereket* (برکت) و غیره از نظر ساختمان صوتی با قانون هماهنگی مطابقت دارند. عده دیگری از کلمات دخیل، در زبان اصلی مصوت‌های خشن و ظریف را یکجا در ترکیب صوتی خود دارند و منتها بعد از دخول در زبان ترکی استانبولی در نتیجه تبدلاتی که از نظر قبول تابعیت زبان در اصوات مصوت آن‌ها رخ داده هماهنگی صوتی پیدا کرده‌اند مانند *rahat* (راحت)، *sandık* (صندوق)، *adam* (آدم، مرد)، *hata* (خطا)، *zaman* (زمان)، *müdür* (مدیر)، *mümkün* (ممکن) و غیره و بالاخره عده دیگری از کلمات نیز هستند که ساختمان صوتی آن‌ها تقریباً دست نخورده و از تأثیر قانون هماهنگی برکنار مانده‌اند. در این قبیل کلمات، نوع خشن یا ظریف پیوند از روی آخرین مصوت کلمه دخیل تعیین می‌گردد.

اصل هماهنگی خشن و ظریف که یکی از پا برجاسترین قوانین زبان‌های ترکی استانبولی بوده و از بارزترین ویژگی‌های این زبان‌ها است، در زبان ترکی استانبولی به نسبت سایر زبان‌های هم گروه، با وسعت و استحکام بیشتری اجرا می‌شوند.

قانون هماهنگی حروف مصوت، تمامی ساختمان صوتی زبان ترکی را فراگرفته است و توزیع حروف مصوت در کلمه از این قانون تبعیت می‌کند. هر یک از هشت حرف مصوت ترکی می‌تواند در هجای اول کلمه ظاهر شود. به پیروی از اصل کلی، اولین حرف مصوت کلمه قبل از حرف / حروف صامت، نوع حروف صامت، نوع حروف مصوت بعدی را معین می‌کند:

i	ü	ı	u	مصوت‌های مقدم
e	ö	a	o	
ı	ü	ı	u	مصوت‌های تابع

i ü	ı u	مصوت‌های مقدم
e ö	a o	
e	a	مصوت‌های تابع

بنابراین با بررسی همه موارد متوجه می‌شویم که برای هر حرف مصوت در هجای اول، فقط دو حرف مصوت می‌توانند در هجای بعد آن قرار گیرند.

مصوت‌های مقدم	مصوت‌های تابع
i	e,i
e	e,i
ü	e,ü
ö	e,ü
ı	a,ı
a	a,ı
u	a,u
o	a,u

مثال با حروف مصوت پیشین:

etek	دامن	örtü	رومیزی
ülke	کشور	ütü	اتو
Ekim	اکتبر	ipek	ابریشم
iyi	خوب	ögle	ظهر

مثال با حروف مصوت پسین:

ABla	آبجی، خواهر بزرگ	akıl	عقل
ufak	کوچک	okul	مدرسه
ucuz	ارزان	sokak	کوچه
ışık	نور	sıra	نوبت، ردیف

نکته: در بعضی از کلمات اصیل ترکی این قانون صدق نمی کند؛ مثال:

avuç	مشت، کف دست	savurmak	باد دادن، فحش گفتن
avurt	طرفین دهان، فک	kavun	خریزه
kavurmak	سرخ کردن، تف دادن	karpuz	هندوانه
kavuşmak	بهم رسیدن، واصل شدن	tavuk	مرغ
yağmur	باران	kabuk	پوست، رویه، غلاف
çamur	گل		

اما به هنگام اضافه شدن پیوندها به این کلمات، پیوندها از این قانون تبعیت کرده و تابع آخرین مصوت کلمه می شوند. اکنون روشن است که هر مصوت تابع می تواند باز (a یا e) یا بسته (u, ı, ü, i) باشد و این به محیط آواشناسی کلمه بستگی دارد. در پایین دو مثال از پیوند جمع -lar و -ler می آوریم که چگونه از آخرین حرف صدادار کلمه تبعیت می کند:

çocuk	بچه	çocuklar	بچه ها
sene	سال	seneler	سال ها

پیوند چهار شکلی -li, -lu, -lı, -li- دارا بودن یا داشتن را نشان می دهد:

şeker	شکر	şekerli	شکر دار، شیرین
akıl	عقل	akıllı	عاقل
süt	شیر	sütlü	شیردار
tuz	نمک	tuzlu	شور، نمک دار

استثنائاتی بر قوانین هماهنگی حروف مصوت

بسیاری از کلمات ترکی با قوانین هماهنگی حروف مصوت مطابقت نمی کنند. برخی از این کلمات ریشه اروپایی دارند و برخی نیز از عربی و فارسی به عاریه گرفته شده اند، اما حروف مصوت پیوندهایی که به این قبیل کلمات افزوده می شوند باز هم تحت تأثیر حروف مصوت ما قبل خود هستند مثال برای پیوند جمع -lar و -ler :

memur	کارمند دولت	memurlar	کارمندان دولت
-------	-------------	----------	---------------

anne	مادر	anneler	مادران
imza	امضاء	imzalar	امضاها
metod	روش	metodlar	روش‌ها
otomobil	اتومبیل	otomobiller	اتومبیل‌ها
komPOSto	کمپوت	komPOStolar	کمپوت‌ها

به طور کل کلماتی که با قانون هماهنگی اصوات مطابقت ندارند را می‌توان در ۷ بخش دسته بندی کرد:

۱- کلماتی که ریشه خارجی دارند:

kitap	کتاب	dünya	دنیا
sandalye	صندلی	kafi	کافی
Ahmet	احمد	mecburiyet	مجبورت
beraber	با هم دیگر، به اتفاق	cumhuriyet	جمهوریت
hakikat	حقیقت	kalem	قلم، مداد
lale	لاله	penaltı	پنالتی
fasulye	لوبیا	lobi	لابی
alkol	الکل	daktilo	تایپیست، ماشین نویس
akordeon	آکاردئون	rötar	تاخیر، دیرکرد
radio	رادیو	tiyatro	تئاتر
otobüs	اتوبوس	televizyon	تلویزیون
horoz	خروس، چخماق تفنگ	kamyon	کامیون

۲- محدود کلمات ترکی که دچار تغییرات شدند:

anne (ana)	مادر	hani (kanı)	کو؟ چه شد؟ کجاست؟
elma (alma)	سیب	hangi (kangı)	کدام؟
kardeş (kardaş)	برادر یا خواهر	şışman (şışman)	چاق
inanmak (inanmak)	باور کردن	dahi (dakı)	حتی، نیز

۳- کلمات مرکب:

çiçektozu	گرد گل	güneybatı	جنوب غربی
çokbilmiş	زیرک، حقه باز، مکار	babayiğit	مرد دلیر، جسور، دلاور
doğumevi	زایشگاه	sabretmek	صبر کردن

خود آموز ترکی استانبولی -----facebook.com/morteza.abdi

bugün	امروز	karagöz	سیاه چشم
keçiboyunuz	ملخ	günaydın	روز به خیر
amperölçer	آمپرسنج	bilgisayar	کامپیوتر
sanatsever	هنر دوست	aslanpençesi	پنجه شیر

۴- کلمات و ریشه‌های افعال، وقتی با پیوندهای -gil, -mtrak, -leyin, -yor, -ki, -ken, که هیچ گاه تغییر نمی‌کنند همراه می‌شوند دیگر از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کنند:

okurken	چیز یا کس موجود در مدرسه	okuldaki	ضمن خواندن، در حالی که می‌خواند
uyurken	وقت صبح، سر صبح	sabahleyin	ضمن خوابیدن، در حالی که می‌خوابد
çeviriyor	ترش مزه، میخوش	ekşimtrak	دارد ترجمه می‌کند، دارد بر می‌گرداند
seviniyor	چیز یا کس در میز	masadaki	خوشحال می‌شود
halamgil	عمه من و خانواده‌اش (عمم این‌ها)		

پیوند چهار شکلی -teş, -taş, -deş, -daş- که پیوند همراهی و مصاحبت است نیز معمولاً از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کند:

ülküdaş	هم عیار، هم میزان	denktaş	هم وطن
gönüldaş	هم خدمت، هم کار	emektaş	هم دل، هم فکر
meslektaş	شغل همکار، هم حرفه، هم شغل		

لازم به ذکر است که در پیوند زمان حال و گذشته استمراری یعنی -İyor- حرف İ به پیروی از حروف مصوت قبل از خود تغییر می‌کند اما O در همه حال ثابت می‌ماند. به عبارت دیگر تابع حروف مصوت قبل از خود نیست

iTiyor	او می‌خواند	oKUyor	او فشار می‌دهد
aÇıyor	او رانندگی می‌کند	süRÜyor	او باز می‌کند

۵- حرف ربط ki در بعضی کلمات به صورت قالب و یک پارچه به کار می‌رود در این حالت خارج از کلماتی مانند dünkü (مال دیروز، مربوط به دیروز، دیروزی)، bugünkü (مال امروز، مربوط به امروز، امروزی) این نوع از کلمات از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کنند و همیشه به شکل ki بکار می‌رود:

halbuki	گویا، مثل اینکه	sanki	در صورتی که، در حالتی که، با وجودی که
mademki	بعدی	sonraki	مادامی که، تا زمانی که، حالا که، وقتی که
oysaki			با وجودی که، در صورتی که

۶- کلمات با ریشه بیگانه زمانی که به صامت l ختم می‌شوند، هنگام قبول پیوند از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کنند:

hal-i-ni	حالت راه، حالش را	intikal-i	انتقال راه، انتقالش
helal-i	حلال راه، حالش	amiral-e	به آدمیرال
ihimal-e	به احتمال	petrol-den	از نفت
gol-ü	گل (در فوتبال) را		

۷- در بعضی از کلمات با ریشه خارجی که آخرین مصوت آن‌ها به مصوت a نرم ختم می‌شود نیز، قانون هماهنگی اصوات رعایت نمی‌شود:

kanaat-e	به قناعت	liyakat-li	با لیاقت
harf-i	حرف راه، حرفش	dikkat-e	به دقت
harb-i	جنگ راه، جنگش	şefkat-li	مهربان، با شفقت
kalp-ler	قلب‌ها	bahs-ler	مباحث

۸- پیشوندها و پسوندهایی که از زبان‌های دیگر وارد ترکی شده‌اند:

-en	tamamen	تماماً
-izm	Şamanizm	پیروی از عقاید جادوگران و کاهنان دوران اولیه تمدن بشر
anti-	antidemokratik	ضد دموکراتیک
bi-	bihaber	بی خبر

ب) هماهنگی مصوت‌های راست و گرد (düzlük-yuvarlaklık uyumu)

علاوه بر تجانس و هماهنگی خشن و ظریف، یک نوع تطابق و توالی دیگر نیز در اصوات مصوت کلمات ترکی استانبولی به چشم می‌خورد که مربوط به هماهنگی مصوت‌های راست و گرد است و از آن نیز به عنوان تطابق خاص می‌توان نام برد. البته این قانون از نظر قدمت و عمومیت مانند قانون هماهنگی خشن و ظریف نیست و با اینکه در زبان ادبی در حدود ریشه‌ها کما بیش رعایت می‌شده، در پیوندها چندان مراعات نگشته و حکومت پابرجایی نداشته است و تنها بعد از آنکه گرامر زبان ترکی استانبولی به صورت متدیک تدوین یافته و الفبای آن تغییر پیدا کرده، در زبان ادبی بموقع اجرا در آمده است.

به موجب این قانون در زبان ترکی استانبولی، خواه در ریشه‌ها و خواه در پیوندها، بعد از مصوت‌های راست (a, e, ı, i) ، مصوت‌های راست و بعد از مصوت‌های گرد (o, ö, u, ü) ، تنها مصوت‌های گرد بسته (u, ü) و یا مصوت‌های راست باز (a, e) می‌آیند.

زبان ترکی استانبولی زبان کوتاه مصوت

زبان ترکی استانبولی، در اساس زبان کوتاه مصوت است. در کلمات اصیل این زبان، به استثنای موارد معدود که ناشی از رخدادهای صوتی است، مصوت‌ها اعم از اینکه رأساً و به صورت منفرد و یا به حالت امتزاج با یک صامت هجا تشکیل دهند، همواره دارای شکل کوتاه متعارف هستند و تغییری که در میزان کشش صوتی آن‌ها در مواضع مختلف کلمه روی می‌دهد، نامحسوس است.

در زبان ترکی استانبولی، مصوت‌های کشیده به مقدار فراوان در کلمات دخیل به چشم می‌خورند. هر چند در قسمتی از این کلمات، مصوت‌ها شکل کشیده خود را از دست داده و از نظر صوتی استحاله یافته‌اند، با وجود این، کلمات و لغاتی هستند که کشش مصوت‌های خود را با خود دارند.

اصولاً در زبان‌های فارسی و عربی مصوت‌ها از لحاظ درجه کشش با مصوت‌های زبان ترکی استانبولی اختلاف فاحش دارند. بطوریکه هر گاه اصوات صدادار را در زبان فارسی شش فقره به حساب آوریم؛ یعنی آ، ا، اُ، آ، ای، او سه صوت از این شش مصوت، یعنی آ، ا، اُ شکل کوتاه و سه صوت دیگر یعنی آ، او، ای شکل کشیده دارند و این فقره تقریباً با همین مشابهت در زبان عربی صدق می‌کند. با این فرق که در عربی سه حرف «وای» که به نام حروف عله شناخته می‌شوند، چیزی جز شکل کشیده اُ، ا، اُ نیستند.

این اختلاف در درجه کشش اصوات مصوت زبان ترکی استانبولی با زبان‌های عربی و فارسی در عیار هجاهای این زبان‌ها مستقیماً تأثیر می‌کند. در زبان ترکی استانبولی هجاها، اعم از اینکه مستقیماً از یک مصوت و یا از ترکیب مصوت و صامت تشکیل شوند، عیار مساوی دارند. ولی در واحد فارسی و عربی هرگاه عیار هجایی را که با مصوت‌های کشیده مجهزند واحد حساب کنیم، درجه کشش هجاهای مصوت عادی نصف واحد خواهد بود. این موضوع به خصوص در شعر حائز اهمیت فوق‌العاده است. در ترکی استانبولی به لحاظ مساوی بودن عیار صوتی هجاها، قالب طبیعی شعر وزن هجا است، در صورتی که در عربی و فارسی به جهت عدم تساوی صوتی هجاها وزن شعر عروض است.

مصوت ترکیبی

مصوت ترکیبی یا دیفتونگ، آوایی است که از امتزاج و وحدت دو صوت صدادار حاصل می‌شود. مصوت ترکیبی که در بعضی از زبان‌ها مانند انگلیسی و فرانسه به مقدار زیاد رایج است، در زبان ترکی استانبولی بجز در بعضی از شیوه‌های محلی به چشم نمی‌خورد. مصوت ترکیبی، از هم‌جواری دو مصوت در یک هجا به وجود می‌آید. مصوت‌هایی که در کلمه پهلو به پهلو قرار می‌گیرند، هنگام تلفظ در آغاز صدای مصوت اولی و سپس صدای مصوت دومی را به خود می‌گیرند و بنابراین حکم صدای واحدی را پیدا می‌کنند و در ترکیب کلمه نیز نقش مصوت تکی را به عهده می‌کشند. علت رایج نبودن مصوت ترکیبی در زبان ترکی استانبولی بدان جهت است که در این زبان‌ها هر هجا تنها یک مصوت می‌تواند داشته باشد و دیگر اینکه در دو هجای هم‌جوار یک کلمه نیز دو مصوت پهلو به پهلو قرار نمی‌گیرند و هر گاه در مواردی مثلاً در محل الحاق پیوندها به ریشه‌ها چنین حالتی رخ دهد، معمولاً با دخالت صوت صامتی میان این دو

مصوت فاصله ایجاد می‌شود. خلاصه اینکه در زبان ترکی استانبولی مصوت ترکیبی وجود ندارد و هرگاه کلماتی با این حالت پیدا شوند، مسلماً جزء کلمات دخیل خواهند بود.

حذف حروف مصوت (Ünlü düşmesi)

حذف حروف مصوت عموماً در آن دسته از اسامی دو هجایی صورت می‌گیرد که هجای پایانی آن‌ها یک حرف مصوت بسته (ı, i, ü, î) و بعد از آن‌ها یک حرف صامت (معمولاً ı, m, n, l یا z) باشد. حذف حرف مصوت قبل از یک صامت نهایی در شرایطی است که یک پیوندی که با یک مصوت بسته آغاز شده است به آن متصل گردد. در این حالت، حرف مصوت حذف شده هنوز می‌تواند حرف مصوت پیوند را تعیین کند. مثال‌های زیر را مطالعه کنید:

حذف i

aciz	عجز، ناتوانی	aczi	عجز را (عجزش)
şehir	شهر	şehir	شهر را (شهرش)
isim	اسم، نام	ismi	اسم را (اسمش)
beyin	مغز	beyni	مغز را (مغزش)
akis	انعکاس، واکنش	aksi	انعکاس را (عکسش)
ahit	عهد، پیمان	ahdı	عهد را (عهدش)
azim	عزم	azmi	عزم را (عزمش)
zihin	ذهن	zehni	ذهن را (ذهنش)
cisim	جسم	cismi	جسم را (جسمش)
defin	دفن	defni	دفن را (دفنش)
devir	دوره	devri	دوره را (دوره‌اش)
ecir	اجر، پاداش	ecri	اجر را (اجرش)
emir	امر، دستور	emri	امر را (امرش)
fikir	فکر	fikri	فکر را (فکرش)
film	فیلم	filmi	فیلم را (فیلمش)
haciz	حجر، حق	haczi	حجر را (حجرش)
hasim	خصم	hasmi	خصم را (خصمش)
hapis	حبس	hapsi	حبس را (حبسش)
ilim	علم	ilmi	علم را (علمش)
kesir	کسر	kesri	کسر را (کسرش)
izin	اذن، اجازه	izni	اذن را (اذنش)
kadir	قدر، ارزش	kadri	قدر را (قدرش)
keşif	کشف	keşfi	کشف را (کشفش)
keyif	کیف، لذت	keyfi	کیف را (کیفش)
metin	متن	metni	متن را (متنش)

nakil	نقل	nakli	نقل را (نقلش)
nakit	نقد	nakti	نقد را (نقدش)
nefis	نفس	nefsi	نفس را (نفسش)
nesir	نثر	nesri	نثر را (نثرش)
neşir	نشر	neşri	نشر را (نشرش)
neşir	رادیو	neşri	رادیو را (رادیو آش)
resim	عکس	resmi	تصویر را (تصویرش)
seyir	سیر، حرکت	seyri	سیر را (سیرش)
şekil	شکل	şekli	شکل را (شکلش)
vakit	وقت	vakti	وقت را (وقتش)
zehir	زهر	zehri	زهر را (زهرش)

İyi bir fikir. فکر خوبی است.
 Onun fikri çok güzel. فکر او بسیار زیباست.
 Resim içinde neler var. داخل عکس چه چیزهایی وجود دارد.
 O resmi gördüm. آن عکس را دیدم.

حذف ü

در مثال‌های زیر از -im, -ım, -üm, -um (پیوند اول شخص مفرد که مالکیت را می‌رساند) استفاده می‌کنیم:

cürüm	جرم	cürmüm	جرم من
göğüs	سینه	göğsüm	سینه من
gönül	قلب	gönlüm	قلب من
ömür	عمر	ömrüm	عمر من
zulüm	ظلم	zulum	ظلم من

Gönül bunu istedi. دل این را خواست.
 Gönlüm seni istiyor. دلم تو را می‌خواهد.
 Ömür geçti. عمر گذشت.
 Ömrüm geçiyor. عمرم دارد می‌گذرد.

حذف I

ağız	دهان	ağzım	دهان من
------	------	-------	---------

akıl	عقل	aklım	عقل من
akıt	عقد	aktım	عقد من
alın	پیشانی	alnım	پیشانی من
asır	قرن	asrım	قرن من
asıl	اصل	aslım	اصل من
bağır	آغوش	bağrım	آغوش من
hacım	حجم	hacmım	حجم من
hazım	هضم	hazmım	هضم من
hışım	خشم	hışmım	خشم من
kahır	قهر	kahrım	قهر من
karın	شکم	karnım	شکم من
kasıt	قصد	kastım	قصد من
kayın	برادر شوهر یا برادر زن	kaynım	برادر شوهر من
kayıp	غایب، گم	kaybı	غیب را
kısım	قسمت، تکه	kısmım	تکه‌ی من
nabız	نبض	nabzım	نبض من
nazım	نظم	nazmım	نظم من
sabır	صبر	sabrım	صبر من
Satıl	سطح	Sathım	سطح من
Sıkıt	سقط	sıktım	سقط من
tavır	طور، طرز، جور، نوع، حال	tavrım	حال من
vasıf	وصف	vasfım	وصف من

حذف u

burun	بینی	burnum	بینی من
ufuk	افق	ufkum	افق من
usul	اصول	uslüm	اصول من
oğul	پسر	oğlum	پسر من

مثال:

Kızım liseyi bitirdi, oğlum okula yeni başladı.

دخترم دبیرستان را تمام کرد، پسر من تازه دبستان را شروع کرده است.

اما اگر این اسامی به پیوندی اضافه شوند که با یک حرف صامت شروع شده است ساخت خود را از دست نمی‌دهد:

isimler	اسمها	göğüsler	سینه‌ها
oğullar	پسرها	kısımlar	قسمت‌ها

به علاوه پیوند زمان حال استمراری (-iyor, -üyor, -uyor, -ıyor) باعث حذف حرف مصوت ما قبل خود می‌شود:

bekle**e**yor
 bekle+İyor: تبدیل می‌شود به: او (دارد) انتظار می‌کشد
 bekl**i**yor

anla**a**yor
 anla+İyor: تبدیل می‌شود به: او می‌فهمد
 anl**a**ıyor

iste**e**yor
 iste+İyor: تبدیل می‌شود به: او می‌خواهد
 ist**i**yor

اگر از پیوند منفی ساز -ma, -me استفاده شود a, e حذف می‌گردد:

beklem**e**yor
 bekle + me + iyor تبدیل می‌شود به: او منتظر نمی‌ماند
 beklem**i**yor

anlam**a**yor
 anla + ma + iyor تبدیل می‌شود به: او نمی‌فهمد
 anlam**a**ıyor

istem**e**yor
 iste + me + iyor تبدیل می‌شود به: او نمی‌خواهد
 istem**i**yor

okum**a**yor
 oku + ma + yor تبدیل می‌شود به: او نمی‌خواند
 okum**a**ıyor

görmeyor
 gör + me + iyor تبدیل می شود به: او نمی بیند
 görmüyor

یکی شدن مصوت (Ünlü birleşmesi)

در کلمات اصیل ترکی هیچ گاه دو مصوت در کنار هم نمی آیند. در چنین حالتی دو مصوت یکی شده و تبدیل به یک مصوت می شوند:

Kahve altı >	kahvaltı	صبحانه، ناشتایی
ne için >	niçin	چرا؟ برای چه؟
ne asıl >	nasıl	چطور، چگونه، چه گفتید؟
ne oldu >	noldu	چه شد؟

حروف صامت

بعضی از قوائد مرتبط با صامت ها:

۱- در بین کلمات ترکی، هیچ کلمه ای وجود ندارد که با دو صامت پیاپی شروع شود. به غیر از حرف ندای bre (هی، ای). کلماتی مانند tren (ترن، قطار)، fren (ترمز)، plân (پلان، طرح، نقشه، برنامه)، grup (گروه، دسته، طبقه، توده زمره)، trafik (ترافیک، عبور و مرور، رانندگی)، kral (شاه، سلطان، فرمانروا) ترکی نیستند.

۲- در زبان ترکی کلمات به صامت های b, c, d, g ختم نمی شوند. با این حال تعداد معدودی از کلمات وجود دارند که از این قاعده پیروی نکرده و به این صامت های ختم می شوند. مانند: ad (نام)، od (آتش) و sac (ورق آهن). این امر به منظور جلوگیری از تشخیص اشتباه معنایی، با کلمات مشابه خود که به صامت های خشن ختم می شوند است. به جدول پایین دقت کنید:

ad (isim)	نام	at	اسب
od (ateş)	آتش	ot	علف
sac (yassı demir)	ورق آهن	saç	مو

به غیر از برخی از کلمات مانند şad (شاد، خوشحال)، yad (غریب، بیگانه) و hac (حج)، کلمات خارجی نیز از این قاعده پیروی کرده و صامت آخر آن ها دچار تغییر می شود. به عنوان مثال کلمه kebab (کباب) اشتباه است و شکل

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

صحیح آن در زبان ترکی kebab است. هرچند صورت صحیح آن در زبان مبدا خود یعنی عربی kebab است. همچنین Mehmed (محمد) نیز اشتباه است و باید Mehmet نوشته شود.

۳-در زبان ترکی هر صامت فقط با یک حرف نشان داده می‌شود. در بعضی از زبان‌های خارجی به ازای هر صامت چند حرف وجود دارد. مانند sh, ch, sch

/P p /پ/

/B b /ب/

/T t /ت، ط/

/D d /د/

tib	نوع	dal	شاخه درخت
bit	شپش	dem	دم، لحظه، زمان
top	توپ	dek	تا
it	سگ	baba	بابا

/K k /ک/

/G g /گ/

kek	کیک	kok	بو
kir	کثافت	kiraz	گیلاس
gel	بیا	gol	گل (در بازی فوتبال)

در برخی کلمات، حروف k و g ممکن است قبل از حرف مصوت پسین a واقع شوند این حالت را با نشانه /^h/ مشخص می‌کنند.

kâr	سود	gâvur	کافر
rüzgâr	باد		

و مقایسه کنید:

kâr	سود	Kar	برف
-----	-----	-----	-----

/F f /ف/

/V v /و/

sevgi	عشق	kavun	خربزه
-------	-----	-------	-------

kavak	درخت تبریزی	tavşan	خرگوش
havlu	حوله	fırtına	طوفان
davul	طبل، دهل	fil	فیل

S s /س، ص، ث /

Z z /ز، ض، ظ، ذ /

Ş ş /ش /

J j /ژ /

R r /ر /

rica	خواهش	kör	کور، نابینا
renk	رنگ	gör	بین
ruh	روح	kır	صحرا، دشت
ver	بده	vur	بزن
bir	یک	türk	ترک
var	هست	raf	رف، طاقچه
kar	برف	radio	رادیو
kir	کثافت	jale	ژاله
sır	راز	şapka	کلاه
yer	جا، محل	dört	چهار
sor	بپرس	kurt	گرگ
gür	بین	demir	آهن
tur	تور، سفر	zarar	ضرر

در تلفظ، iyor دقت کنید که تکیه روی i- است.

gel	بیا	geLiyor	او دارد می آید
bak	نگاه کن	baKıyor	او دارد نگاه می کند
gör	بین	göRüyor	او دارد می بیند
otur	به شین	otuRUyor	او دارد می نشیند
Konuş	صحبت کن	konuŞuyor	او دارد صحبت می کند
ver	بده	veRiyor	او دارد می دهد
bırak	رها کن، خارج شو	bıraKıyor	او دارد رها می کند
dön	بچرخ	dÖnüyor	او دارد می چرخد

h/H، ح/ه

sabah	صبح	eyvah	ای وای!
siyah	سیاه	Allah	الله
talih	بخت، طالع	halı	قالی

در صحبت سریع، h قبل از یک حرف صامت غالباً حذف شده و حرف مصوت پیش از کشیده تر می گردد:

kahve	قهوه	Mehmet	محمد
bahşış	انعام	Ahmet	احمد
kahvaltı	صبحانه	seher	سحر

ç/Ç، چ/چ

bıçak	چاقو	çürük	پوسیده
güç	مشکل	için	برای
çiçek	گل	çabuk	چابک، سریع

c/C، ج/ج

cam	شیشه، جام	acı	تلخ، داغ
cami	مسجد	gece	شب

m/M، م/م

mermer	مرمر	kendim	خودم
MAsa	میز	evim	خانه ام
benim	مال من	masal	مثل

n/N، ن/ن

حرف n قبل از p و b در مکالمات می تواند صدای «م» به خود بگیرد مانند: isTANbul که به صورت isTAMbul و یا tenbel (تنبل) که به صورت tembel به گوش می رسد.

nane	نعناع	ben	من
nuMAra	شماره	en	پهنا، عرض، گشادگی
nüfus	نفوس، جمعیت	ne	چه

n قبل از g و k خیشومی (به صدایی خیشومی یا غنه گفته می شود که از دماغ بیرون داده شود) می شود:

renk	رنگ	zengin	ثروتمند
BANka	بانک	denk	لنگه، عدل، بار، موافق، معادله، میزان
ANkara	آنکارا	çünkü	چون که، زیرا

L l / ل /: چنانچه قبل از l حرف پیشین (i, e, ü, ö) قرار گیرد صدای خفیف دارد:

il	شهر	pil	باتری
bil	بدان	bel	کمر
dil	زبان	yel	باد
fil	فیل	Nil	رودخانه نیل
sel	سیل	mil	۱- واحد طول مایل ۲- میله، میل، سیخ فلزی
göl	دریاچه	tel	رشته، کابل، مفتول، لیف، نخ

ل در مثال‌های زیر خفیف تلفظ می‌شود:

zil	زنگ	tilki	روباه
böl	تقسیم کن	bilmek	دانستن
gel	بیا	milli	ملی
gümlek	خندیدن	eller	دستها
gelmek	آمدن	bülül	بلبل
ölmek	مردن	değil	نه، نیست
sil	پاک بکن	elli	پنجاه
kel	کچل	gül	گل
kül	خاکستر	belli	آشکار
silk	۱- تکان بده ۲- بریشم		

اما اگر قبل و یا بعد از L حروف پسین (l, u, o, a) قرار گیرند به صورت غلیظ تلفظ می‌شود:

saLAta	سالاد	losyon	لوسیون
salon	سالن	kalmak	باقی ماندن
yanlış	اشتباه	bulduk	پیدا کردیم
yolculuk	سفر	musluk	شیر آب
bulut	ابر		

همچنین حروف R و L پایانی را در پیوند جمع (-lar و -ler) تمرین کنید:

ل غلیظ

akşam	عصر، شب	akşamlar	شب‌ها
ağaç	درخت	ağaçlar	درخت‌ها
araba	ماشین	arabalar	ماشین‌ها
uçak	هواپیما	uçaklar	هواپیماها
sıra	ردیف	sıralar	ردیف‌ها
bina	ساختمان	binalar	ساختمان‌ها

ل خفیف

gün	روز	günler	روزها
gece	شب	geceler	شب‌ها
otel	هتل	oteller	هتل‌ها
teşekkür	تشکر	teşekkürler	تشکرات
şehir	شهر	şehirler	شهرها
kalem	قلم، مداد	kalemler	مدادها

در برخی از واژه‌های عاریه گرفته شده از زبان‌های بیگانه، l علیرغم این که قبل یا بعد از آن حروف پسین آمده باشند، خفیف تلفظ می‌شود:

plan	طرح، برنامه	plaj	پلاژ، ساحل
lamba	لامپ	lale	لاله
blok	بلوک	kabul	قبول
flaş	فلاش	rol	نقش
kalp	قلب	lazım	لازم
sulh	صلح		

Y y / ی /

yıl	سال	yılan	مار
yıldırım	ساعقه	yalan	دروغ
seviyor	دوست می‌دارد	yoğurt	ماست

تغییر حروف صامت (Ünsüz değişimi)

در فرایند پیوند و الصاق، زمانی که پیوندی را به ریشه یک لغت اضافه می‌کنیم دو نوع تغییر در حروف مصوت به وجود می‌آید:

(الف) تغییر در اولین حرف بی صدای پیوند اضافه شده

(ب) تغییر در آخرین حرف بی صدای ریشه لغت (با پیوند قبلی)

این تغییرات برای چهار جفت حرف مصوت صورت می‌پذیرد:

t-d p-b ç-c k-g or ğ

تغییر نوع اول

اگر پیوندی با جفت حرف مصوت متغیر، t-d یا ç-c آغاز شده باشد و به یک حرف صامت خشن (ç,f,h,k,p,s,ş,t) وصل شود به شکل خشن ظاهر خواهد شد (ç یا t)؛ اما اگر به یک مصوت غیر خشن یا نرم مختوم گردد به شکل ملایم‌تر آن یعنی (d یا c) نمایان خواهد شد. به عنوان مثال پیوند CI- بعد از صامت خشن به صورت ÇI- و بعد از یک صامت نرم یا مصوت به شکل Ci- در خواهد آمد. به خاطر داشته باشید پیوند CI- قابلیت تغییر به çI, cI, -çI, çü, cü, -çü, -cü, را دارا است:

süt	شیر	sütçü	شیر فروش
POSta	پست	POStacı	پستچی
balık	ماهی	balıkçı	ماهیگیر
kapı	در	kapıcı	دربان
kahve	قهوه	kahveci	قهوه‌چی
yalan	دروغ	yalancı	دروغ‌گو
top	توپ	topçu	توپچی

به همین ترتیب، پیوند مکان (DE)- بسته به محیط صوتی به -da, -ta, -te تبدیل می‌شود:

ev	خانه	evde	در خانه
okul	مدرسه	okulda	در مدرسه
üniversite	دانشگاه	üniversitede	در دانشگاه
klüp	باشگاه، کلوپ	klüpte	در باشگاه
ANkara	آنکارا	ANkarada	در آنکارا
İzmir	ازمیر	İzmirde	در ازمیر
Sokak	کوچه	Sokakta	در کوچه

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

پیوند گذشته در ترکی İDİ - (da, dı, dü, du, ta, tı, tü, tu) است. در مثال پایین مشاهده می‌کنید که چگونه نسبت به محیط صوتی دچار تغییر می‌شود:

at	بیانداز	at+ (idi) = attı	انداخت
oku	بخوان	oku + (idi) = okudu	خواند
iç	بنوش	iç+ (idi) = içti	نوشید
konuş	صحبت کن	konuş+ (idi) = Konuştu	صحبت کرد

با افزودن پیوند CE - (-ca, -ce, -ça, -çe) به اسامی کشورها، ملیت‌ها، و گروه‌های نژادی، زبان آن کشور نشان داده می‌شود، مانند Türk (تُرک) که می‌شود Türkçe (زبان ترکی). به مثال‌های زیر توجه کنید:

Çin	چین	Çince	زبان چینی
Fars	فارس	Farsça	زبان فارسی
NORveç	نروژ	NORveçce	زبان نروژی
İzLANda	ایسلند	İzLANdaca	زبان ایسلندی
Rus	روسی	Rusça	زبان روسی
İspanyol	اسپانیایی	İspanyolca	زبان اسپانیایی
FRANsıZ	فرانسوی	FRANsızca	زبان فرانسوی
Alman	آلمانی	Almanca	زبان آلمانی
Yunan	یونانی	Yunanca	زبان یونانی
Arap	عرب	Arapça	زبان عربی
Japon	ژاپنی	Japonca	زبان ژاپنی

تغییر نوع دوم

در تغییر نوع دوم، صامت‌های خشن (p, k, t, ç) در برخی لغات به معادل خود (b, g, ğ, d, c) در صورتی تغییر می‌یابند که بعد از آن‌ها مصوت قرار گیرد. اما چه حرف خشن پیوند باشد و یا بعد آن یک صامت آمده باشد، همچنان خشن می‌مانند. (معدودی از کلمات ترکی به استثناء چند کلمه بیگانه عاریتی، به b, d, g یا c ختم می‌شود):

kitap	کتاب	Kitabı	کتاب را	Kitaplar	کتاب‌ها
yurt	کشور	yurdu	کشور را	yurtlar	کشورها
renk	رنگ	rengi	رنگ را	renkler	رنگ‌ها
ağaç	درخت	ağacı	درخت را	ağaçlar	درخت‌ها

اگر قبل از k پایانی حرف n قرار گیرد k تبدیل به g می‌شود:

denk	لنگه، عدل	dengi	لنگه را	denkler	لنگه‌ها
ahenk	آهنگ، هارمونی	ahengi	آهنگ را	ahenkler	آهنگ‌ها
kepenk	کرکره	kepengi	کرکره را	kepenkler	کرکره‌ها
renk	رنگ	rengi	رنگ را	renkler	رنگ‌ها
cenk	جنگ	cengi	جنگ را	cenkler	جنگ‌ها

اگر قبل از k پایانی یک حرف صدادار باشد تبدیل به ğ می‌شود:

sokak	خیابان	sokağ	خیابان را	Sokaklar	خیابان‌ها
çocuk	بچه	çocuğ	بچه را	çocuklar	بچه‌ها

kitap	ağaç	damat	renk	ekmek	حالت آزاد
کتاب	درخت	داماد	رنگ	نان	
kitaba	ağaca	damada	renge	ekmeğe	حالت تأثیر «به»:
به کتاب	به درخت	به داماد	به رنگ	به نان	
kitapta	ağaçta	damatta	renkte	ekmekte	حالت تخصیص «در»:
در کتاب	در درخت	در داماد	در رنگ	در نان	
kitaptan	ağaçtan	damattan	renkten	ekmekten	حالت انفکاک «از»:
از کتاب	از درخت	از داماد	از رنگ	از نان	
kitabı	ağacı	damadı	rengi	ekmeği	حالت گرایش «را»:
کتاب را	درخت را	داماد را	رنگ را	نان را	
kitapla	ağaçla	damatla	renkle	ekmekle	حالت واسطه «با»:
با کتاب	با درخت	با داماد	با رنگ	با نان	
kitabın	ağacın	damadın	rengin	ekmeğin	حالت اضافه ملکی:
مال کتاب	مال درخت	مال داماد	مال رنگ	مال نان	
kitaplar	ağaçlar	damatlar	renkler	ekmekler	جمع:
کتاب‌ها	درختان	دامادها	رنگ‌ها	نان‌ها	
kitapları	ağaçları	damatları	renkleri	ekmekleri	حالت جمع گرایش «را»:
کتاب‌ها را	درختان را	دامادها را	رنگ‌ها را	نان‌ها را	

تعداد معدودی از ریشه‌های فعل ترکی دچار این تغییر می‌شوند:

git	برو	gitmek	رفتن	gider	او می‌رود
et	انجام بده	etmek	انجام دادن	eder	او انجام می‌دهد

tat	بچش	tatmak	چشیدن	tadacak	خواهد چشید
güt	چوپانی کن	gütmek	چوپانی کردن، چراندن	güdecek	چوپانی خواهد کرد

در برخی از کلمات عاریتی، g پایانی، زمانی که قبل از آن یک مصوت باشد قبل از یک پیوند صددار تبدیل به ğ می‌شود:

sosyolog	جامعه شناس	sosyoloğ <u>u</u>	جامه شناس را	sosyologlar	جامعه‌شناسان
Katalog	کاتالوگ	kataloğ <u>u</u>	کاتالوگ را	kataloglar	کاتالوگ‌ها

بسیاری از اسامی تک سیلابی و برخی اسامی که بیشتر از یک هجا دارند نشان دهنده پدیده یکسان نیستند:

top	توپ	topu	توپ را، توپش	toplar	توپ‌ها
aç	گرسنه	açı	گرسنه را، گرسنه‌اش	açlar	گرسنگان
küp	۱-خم، ۲-مکعب	küpü	خم‌ره را، خم‌ره‌اش	küpler	خم‌ره‌ها
iç	داخل، درون، تو	içi	درونش، درون را	içler	درون‌ها
sepet	سبد	sepeti	سبد را، سبدش	sepetler	سبدها
aygıt	دستگاه، اسباب، جهاز	aygıtı	دستگاه را، دستگاهش	aygıtlar	دستگاه‌ها
konut	خانه، اقامتگاه، مسکن	konutu	خانه را، خانه‌اش	konutlar	خانه‌ها
it	سگ	iti	سگ را، سگش	itler	سگ‌ها
ok	کمان	oku	کمان را، کمانش	oklar	کمان‌ها
maç	مسابقه	maçı	مسابقه را، مسابقه‌اش	maçlar	مسابقه‌ها
ak	سفید	akı	سفید را، سفیدش	aklar	سفیدها
ek	پیوند، پیوست	eki	پیوند را، پیوندش	ekler	پیوندها
erk	قدرت، اقتدار، نفوذ	erki	قدرت را، قدرتش	erkler	قدرت‌ها
et	گوشت	eti	گوشت را، گوشتش	etler	گوشت‌ها
göç	کوچ، مهاجرت	göçü	مهاجرت را، مهاجرتش	göçler	مهاجرت‌ها
ip	طناب، نخ، ریسمان	ipi	طناب را، طنابش	ipler	طناب‌ها
kaç	چند	Kaçıncı	چندمین	-	
kök	ریشه	kökü	ریشه را، ریشه‌اش	kökler	ریشه‌ها
ot	علف	otu	علف را، علفش	otlar	علف‌ها
saç	مو، گیس	saçı	مو را، مویش	saçlar	گیسوان
sap	دسته، دستگیره	sapı	دسته را، دسته‌اش	saplar	دسته‌ها
süt	شیر	sütü	شیر را، شیرش	sütler	شیرها
üç	سه	üçü	سه را، هر سه تایشان	-	
suç	گناه، جرم، تقصیر	suçu	جرم را، جرمش	suçlar	جرائم

ولی در محدودی از اسامی تک هجایی، k به ğ، ç به c، p به b و t به d تغییر می‌یابد :

çok	خیلی	çoğ <u>u</u>	بسیاری از
cep	جیب	ce <u>b</u> i	جیب راه، جیش
taç	تاج	ta <u>c</u> ı	تاج راه، تاجش
tat	مزه	ta <u>d</u> ı	مزه راه، مزه‌اش
but	ران	bu <u>d</u> u	ران راه، رانش
dip	بیخ، زیر، عمق، کف	di <u>b</u> i	عمق راه، عمقش
gök	آسمان	göğ <u>ü</u>	آسمان راه، آسمانش
kap	ظرف، جلد، کیف	ka <u>b</u> ı	ظرف راه، ظرفش
kurt	گرگ	ku <u>r</u> du	گرگ راه، گرگش
uç	نوک، سر، کنار، ته، انتها، مرز	uc <u>u</u>	نوک راه، نوکش
yurt	کشور، وطن	yur <u>d</u> u	کشور راه، کشورش

در بعضی از کلمات خارجی که وارد ترکی شده‌اند حروف k, p, t نرم نمی‌شوند و به همان شکل باقی می‌مانند:

Adalet	عدالت	adaleti	عدالت راه، عدالتش
Ayet	آیت	ayeti	آیت، آیتش
Cemaat	جماعت	cemaati	جماعت راه، جماعتش
Aşk	عشق	aşk <u>ı</u>	عشق راه، عشقش
halk	خلق	halk <u>ı</u>	خلق راه، خلقش
sirk	سیرک	sirk <u>i</u>	سیرک راه، سیرکش
bank	بانک	bank <u>ı</u>	بانک، بانکش
frak	فراق	frak <u>ı</u>	فراق، فراقش

حرف ğ تحت تأثیر مصوت‌های O و Ö به راحتی تبدیل به حرف V می‌شود:

Döğmek >	dövmek	کتک خوردن، گم کردن
Koğmak >	kovmak	بیرون کردن، خارج کردن، از کاری بیرون کردن
Oğmak >	ovmak	ماساژ دادن، مالیدن با دست، ساییدن، مشت و مال کردن
Söğmek >	sövmek	فحش دادن، دشنام گفتن

هر دو شکل این کلمات چه در نوشتار و چه در گفتار صحیح می‌باشد. اما شکل مناسب تر آن در نوشتار این است که با V نوشته شود.

همچنین حرف ğ در زبان گفتار تحت تأثیر مصوت‌های e و i به حرف y تبدیل می‌شود:

eğilmek	>	eyilmek	کج شدن، خم شدن
beğenmek	>	beyenmek	پسندیدن، خوش دیدن، مناسب یافتن
öğle	>	öyle	ظهر، وقت ظهر، ناهار، نیمروز
siğil	>	siyil	زگیل

"Y" میانجی

اگر کلمه‌ای به یک حرف مصوت ختم شود و به پیوندی که با یک حرف مصوت آغاز شده باشد متصل گردد حرف نیمه مصوت Y بین دو هر مصوت قرار می‌گیرد:

gece	شب	geceyi	شب را	geceler	شب‌ها
halı	قالی	halıyı	قالی را	halılar	قالی‌ها
araba	ماشین	arabayı	ماشین را	arabalar	ماشین‌ها
dişçi	دندان‌پزشک	dişçiyi	دندان‌پزشک را	dişçiler	دندان‌پزشکان
kutu	قوطی	kutuyu	قوطی را	kutular	قوطی‌ها
sözcü	سخنگو	sözcüyü	سخنگو را	sözcüler	سخنگوها

به علاوه اگر حرف مصوت نهایی در ریشه فعل، e و a باشد ممکن است به وساطت حرف Y به i و ı تبدیل شود. به عنوان مثال، به کاربرد پیوند زمان آینده (-ecek , -acak) توجه کنید:

beklemek	منتظر شدن	bekle ^e yecek	منتظر خواهد شد
bekle+y+ AcAK	منتظر خواهد شد	bekli ⁱ yecek	منتظر خواهد شد
anlamak	فهمیدن	anla ^a yacak	خواهد فهمید
anla+y+ AcAK	خواهد فهمید	anlı ⁱ yacak	خواهد فهمید
istemek	خواستن	iste ^e yecek	او خواهد خواست
iste+y+ AcAK	او خواهد خواست	isti ⁱ yecek	او خواهد خواست
demek	گفتن	de ^e yecek	او خواهد گفت
de+y+ AcAK	او خواهد گفت	di ⁱ yecek	او خواهد گفت
yemek	خوردن	ye ^e yecek	او خواهد خورد
ye+y+ AcAK	او خواهد خورد	yi ⁱ yecek	او خواهد خورد

مثال‌های دیگر از پیوندهای -(y)AyIm و -(y)IncA ، -(y)An:

demek	گفتن	de ^e yen	کسی که می‌گوید/می‌گفت
de+y+ An	کسی که می‌گوید/می‌گفت	di ⁱ yen	کسی که می‌گوید/می‌گفت

yemek	خوردن	yeyince	وقتی می خورد/خورد
ye+y+ InCA	وقتی می خورد/خورد	yi+yince	وقتی می خورد/خورد
istemek	خواستن	isteyeyim	بخواهم
iste+y+ AyIm	بخواهم	istiyeyim	بخواهم

پیوند (y)InCA- فاقد شخص و زمان است. شخص و زمان این پیوند در درون جمله مشخص می شود. مانند:

Paramı bul-unca sevindim. وقتی پولم را پیدا کردم خوشحال شدم.

Parası bul-unca sevindi. وقتی پولش را پیدا کرد خوشحال شد.

İşe gid-ince yorulurlar. هنگامی که به کار می روند خسته می شوند.

Y میانجی بعضاً در کلماتی مختوم به مصوت که بعد از آن ها پیوندی که با یک مصوت شروع می شود آورده می شود، نیز به کار می رود:

hasta imiş >	Hastaymış	بیمار بوده
hasta idi >	Hastaydı	بیمار بود
hasta ise >	Hastaysa	اگر بیمار است/بود
hasta iken >	Hastayken	زمانی که بیمار است/بود، در حالی که بیمار است/بود

حالت تشابه (Benzeşme)

تشابه به حالتی اطلاق می شود که یک صدا بر روی صدای ما قبل یا ما بعد خود تأثیر کرده و آن را به عین و یا به قرینه گروهی خود تبدیل می کند حالت تشابه بر حسب قدرت تأثیر صوت عامل، شکل کامل و یا ناقص و به اقتضای جهت تأثیر حالت پیشین یا پسین خواهد داشت اصوات ممکن است به چهار شکل نمودار می شود.

۱- تشابه کامل (Tüm benzeşme):

در این شکل تشابه، صدای عامل بر روی صدای بعد و یا قبل از خود تأثیر کرده و آن را کامل از نوع خود می کند. تشابه کامل فقط در زبان گفتار نمود می کند و در زبان نوشتار وجود ندارد مانند:

Anlatmak >	annatmak	تعریف کردن، توضیح دادن، فهماندن
Bunlar >	bunnar	این ها
Onlar >	onnar	آن ها
Yalnız >	yannız	تنها، فقط، مجرد
senle >	senne	با تو
olsun >	ossun	باشد

۲- تشابه ناقصی (Yarı benzeşme):

در این شکل تشابه، صدای عامل بر روی صدای بعد و یا قبل از خود تأثیر کرده ولی چون نمی‌تواند آن را به عین خود تبدیل کند، به آوای قرین خود تبدیل می‌کند و گاهی خود نیز تغییر می‌کند. مانند:

Abdest >	aptes	آب دست، وضو
Çenber >	çember	چمبر، حلقه، دایره
Anbar >	ambar	انبار، مخزن
Cübbe >	cüppe	جبه، جامه گشاد و بلند
Tesbih >	tespih	تسبیح

تشابه ناقص در زبان گفتار نیز وجود دارد:

Binbeşyüz >	bimbeşyüz	هزار و پانصد
Binbir >	bimbir	هزار و یک
Onbir >	ombir	یازده

۳- تشابه پسین (İlerleyici benzeşme):

در این حالت صدای عامل به صدای ما بعد خود تأثیر کرده آن را به عین خود تبدیل می‌کند. مانند:

Bunlar >	bunnar	این‌ها
Motör >	motor	موتور، موتور سیکلت، قایق موتوری
Müfti >	müftü	مفتی، آگاه به قوانین اسلامی
Şemsiye >	şemşiye	چتر
Çünkü >	çünkü	چون که، زیرا

۴- تشابه پیشین (Gerileyici benzeşme):

در این حالت صدای عامل به صدای ما قبل خود تأثیر کرده آن را به عین یا به قرینه گروهی خود تبدیل می‌کند مانند:

O bir >	öbür	آن دیگری، آن شخص دیگر
Bu ile >	böyle	چنین، این‌طور، این جور
Şu ile >	şöyle	چنین، این‌طور، این جور
Pantolon >	pantolon	شلوار
Asker >	esker	سرباز

Yat^s1 > ya^{ss}1

پهن، صاف، هموار

در کلمه o bir حرف i پس از تأثیر بروی حرف o آن را به ö تبدیل می‌کند و سپس خود نیز تبدیل ü می‌شود. همچنین در مثال bu ile و şu ile نیز حرف i با تأثیر بر حرف u آن را به ö تبدیل می‌کند و همان‌طور که در قسمت y میانجی گفته شده چون bu و şu به مصوت ختم شده‌اند و ile با مصوت شروع شده است حرف i نیز به y تبدیل می‌شود.

حالت تبدیل (Aykırılma)

تبدیل، حالتی است که یک صدا در مواضع مختلف کلمه، جای خود را به صدای دیگر که به نحوی از انحا با آن تشابه گروهی دارد، می‌سپارد:

Aşçı > ahçı

آشپز

Muşamma > muşamba

مشمع، بارانی، مشمایی، مشما

Kibrit > kirpit

کبریت، ماده سولفور

حالت جا به جایی (Göçüşme)

جا به جایی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن دو حرف جای خود را با یکدیگر عوض می‌کند و تنها در زبان گفتار نمود پیدا می‌کند:

Yaprak > yarpak

برگ، ورق، ورق کاغذ، ورق کتاب

Toprak > torpak

خاک، خشکی، زمین، اراضی

Çömlek > çölmek

ظروف گلی، سفال

Yalnız > yanlız

تنها، فقط، مجرد

Perhiz > pehriz

پرهیز، روزه گرفتن، نخوردن

حذف حروف صامت (Ünsüz düşmesi)

حذف حروف صامت در سه شکل دیده می‌شود:

۱- پیوند -cık, -cak که پیوند تحقیر و کوچک شمردن است، در صورتی که کلمه‌ای به صامت k ختم شده باشد آن را حذف می‌کند:

-cık:

küçük

küçücük کوچک، ریز، جوان، بچه

خیلی کوچک، بسیار ریز

yumuşak

yumuşacık نرم، ملایم، لطیف

نرمینه و لطیف، کرکی

alçak	پایین، زبون، پست	alçacık	بسیار پست و حقیر
sıcak	گرم	sıcacık	کمی گرم
-cak:			
büyük	بزرگ، بلند، مرتفع	büyücek	نسبتاً بزرگ
çabuk	تند، سریع، زود	çabucak	فوراً، سریعاً
sağlık	صحت، سلامتی، دل خوشی	sağlıcak	۱- صحت و سلامت ۲- عمر، زندگی

۲- در زبان گفتار بعضاً شاهد حذف صامت‌ها هستیم:

نوشتار	گفتار	معنی
Bir şey	Bi şey	یک چیز، چیزی
Bir tane	Bi tane	یک دانه، یک عدد
Bir lira	Bi lira	یک لیره
Böyle	Bö: le	چنین، این‌طور، این‌جور
Tabakhane	Tabakane	دباغی
Yetimhane	Yetimane	یتیم‌خانه
Serbest	Serbes	آزاد، خلاص
Çiftsayı	çıfsayı	هر تعداد زوج

۳- بعضی صفت‌ها هنگامی که از آن‌ها فعل ساخته می‌شود اگر حرف آخر به صامت ختم شده باشد حذف می‌شود:

Alçak	>	alçalmak	پست شدن، پایین شدن، زبون شدن
Büyük	>	büyümek	بزرگ شدن، نمو کردن، رشد یافتن
Soğuk	>	soğumak	سرد شدن، از دهان افتادن غذا، یخ کردن
Yumuşak	>	yumuşamak	نرم یا ملایم شدن

صامت‌های دو تایی

دو حرف صامت یکسان در وسط کلمه با شدت و طول بیشتری ادا می‌شود اولین حرف صامت متعلق به هجای اول و دومین حرف متعلق به هجای بعدی است eli (دستش) را با elli (پنجاه) مقایسه کنید.

melli	ملی	teşekkür	تشکر
belli	آشکار	HATta	حتی
yollamak	فرستادن	müfettiş	بازپرس
dikkat	دقت، توجه	Allah	الله، خدا

bakka1	بقال	ANne	مادر
muhakkak	اطمینان، حتمی، تحقق	evvel	قبل، اول

واژه‌های زیر را که دارای صامت غیر همانند در وسط کلمه هستند ملاحظه کنید. حرف صامت را جداگانه و به طور مشخص با هجا بندی تلفظ نمایید:

IZgara	سرخ شده	ANkara	آنکارا
LÜTfen	آشپز	aşçı	آشپز
Hafta	هفته	ayrıtma1	رزرو کردن
ŞAPka	کلاه	böşaltma1	خالی کردن
akşam	عصر، شب	karpuz	هندوانه
kahve	قهوه	doktor	دکتر
kibrit	کبریت	BANka	بانک
köprü	پل	birkaç	چند، چندمین
dünya	دنیا	makbuz	قبض
eşya	اشیاء	içmek	نوشیدن
kerTENkele	مارمولک	çiftçi	کشاورز

مبحث کلمات

کلمات ترکیبات صوتی ویژه و مستقلی هستند که از تلفیق آواها به وجود می‌آیند و معنی و وظیفه مشخصی را در کلام تعهد می‌کنند. آواها در عین حال که عناصر بسیط تشکیل دهنده کلام هستند، فی نفسه فاقد معنی و نقش دستوری بوده و به تنهایی هیچ نوع نمود و حرکتی را تجسم نمی‌بخشند ولی وقتی با هم تلفیق می‌یابند، کلمه را به وجود می‌آورند که دارای معنی مستقل و یا نقش مشخص گرامری بوده و در مقام اشتراک در واحدهای بزرگ‌تر زبان، یعنی ترکیبات و جملات، با اینکه دست‌خوش تغییرات شکلی می‌شوند، هویت اصلی خود را محفوظ می‌دارند. کلمات به هنگام شرکت در واحدهای بزرگ‌تر زبان، ضمن اینکه پشت سرهم و تقریباً به صورت به هم پیوسته از دهان خارج می‌گردند و در نوشتن نیز به همین سیاق نوشته می‌شوند؛ با این همه خواه در زبان گفتار و خواه در زبان نگارش، از نظر شکل صوتی آغاز و انجام مشخصی دارند. این خصوصیت مجموعه کلمات زبان را به صورت منظومه‌ای نمودار می‌سازد که در آن الفاظ و ترکیبات صوتی ویژه‌ای که در اصطلاح زبان شناسی از آن به عنوان 'مورفم' نام می‌برند، با هویت مستقل و معنی و وظیفه‌ای خاص شرکت دارند.

کلمات به ندرت از یک صوت و معمولاً از ترکیب دو یا چند صوت به وجود می‌آیند. تعداد کلمات تک صوتی در اکثر زبان‌ها بسیار نادر است. این کلمات مانند o و a طبعاً از اصوات مصوت تشکیل می‌شوند.

کلمات از نظر ترکیب صوتی و ساختمان شکلی خود از دو جنبه مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرند. در بررسی کلمات از نظر بنیاد صوتی، موضوع همبستگی آوایی اصوات موجود در کلمه مطرح می شود و بنابراین از آن به عنوان بررسی ظاهری و لفظی نیز می توان نام برد. در بررسی کلمات از نظر ساختمان شکلی، موضوع نقش و وظایف اشکال متشکله کلمه مطرح می شود و به این ترتیب از ساختمان شکلی کلمات، به نام ساختمان درونی یا مفهومی آن ها در کلام نیز می توان نام برد.

جنبه های ساختمان صوتی و مفهومی در ترکیب کلمه وحدت تشکیل می دهند و با اینکه در زبان محاوره و نگارش مورد توجه و تمایز قرار نمی گیرند؛ با وجود این، با اندکی دقت در بنیاد کلمات می توان این دو جنبه را از هم تمیز داد.

بنیاد صوتی کلمات

کلمات به هنگام تلفظ، به صورت واحدهای متمایزی از دهان خارج می شوند. واحدهای صوتی در بنیاد صوتی کلمات، به صورت اصوات تکی و یا به حالت گروه صوتی نمودار می شوند. واحدهای در ایجاد و تشکیل کلمات نقش بس مهمی دارند. این اهمیت از آنجا ناشی است که کلمات از ترادف و توالی عادی اصوات به وجود نیامده، بلکه از پیوستگی زنجیری آن ها به وجود می آیند. جهاز صوتی هنگام تلفظ یک کلمه، اصوات تشکیل دهنده آن را به صورت مستقل و مجزا و با ایجاد فاصله و سکوت در میان هر صوت ادا نکرده؛ بلکه به همراه ادای صوت قبلی بی آنکه به حال سکونت عادی برگردد و وقفه ای حاصل کند، به ادای صوت بعدی می پردازد. اصوات در جریان یک چنین تسلسل زنجیری، به دو شکل آمیختگی و پیوستگی خود نمایی می کند. آن عده از اصوات که حالت آمیختگی به خود می گیرند، گروه صوتی واحد و یکپارچه ای به وجود می آورند. جهاز صوتی در ادای این گروه صوتی یکپارچه، به حرکات خود استقامت واحدی می دهد و به این ترتیب هر گروه صوتی، مانند صوت تکی، با یک حرکت و در یک ضربه، از دهان خارج می شود.

کلماتی که در بنیاد صوتی آن ها بیش از یک گروه وجود داشته باشد، گروه های صوتی با یکدیگر حالت الحاق پیدا می کنند. منتها این الحاق به صورت آمیختگی نبوده بلکه به شکل پیوستگی انجام می گیرد. یعنی صوت آخر گروه ماقبل، با صوت اول گروه ما بعد پیوند می خورد و این پیوند بی آنکه در اصوات دیگر گروه موثر باشد، به جهاز صوتی امکان می دهد که بی آنکه وقفه ای حاصل کند، حالت خود را برای ادای گروه صوتی دوم تغییر دهد و به این ترتیب حلقه های پیوند خورده گروه های یکپارچه صوتی تسلسل کلمه را به میان می آورند.

گروه های یکپارچه صوتی که به این کیفیت در ساختمان کلمات به چشم می خورند، هجا خوانده می شوند. بنابراین هجا آنچنان واحد صوتی است که با یک ضربه و به همراه حرکت از جهاز صوتی خارج می شود. هجا وقتی تنها از یک صوت تشکیل شود، یکپارچگی آن بسیار طبیعی است و وقتی از دو یا چند صوت تشکیل گردد، چنان حالت امتزاجی به خود می گیرد که برای ادای آن حرکت جهاز صوتی کافی است.

نقش اصوات مصوت در ساختمان هجا

یکی از موارد برتری و اساساً مهم‌ترین مورد برتری و تفوق اصوات مصوت بر صامت، نقش مهم و تعیین کننده آن در تشکیل هجاست. هجا همواره در مرکز خود یک صوت مصوت دارد. به عبارت دیگر، هر کلمه به تعداد اصوات مصوت خود هجا دارد. باید گفت که برای وجود هجا یک صوت مصوت لازم و کافی است. از این لحاظ که بعضی از هجاها فقط از یک مصوت تشکیل می‌شوند. البته تعداد هجاهای تک صوتی زیاد نبوده و موارد آن از کلمات معدود تک هجایی و هجای اول بعضی از کلمات چند هجایی و یک عده پیوندهای تک هجایی تجاوز نمی‌کند. اکثریت بزرگ هجاها از ترکیب دو یا چند صوت به وجود می‌آیند، که این نوع هجاها نیز حداقل و حداکثر همان یک صوت مصوت را دارند و در همه حال، برای هجا داشتن بیش از یک صوت مصوت مقدور نیست زیرا جهاز صوتی قدرت ادای دو صوت مصوت را در آن واحد و با یک حرکت ندارد. بنابراین، برای وجود یک هجا یک مصوت لازم و کافی است.

اصوات صامت، هنگام تلفظ در سر راه خود به مانع برمی‌خورند و صدای آن‌ها در ورای سدی که در مجرای صوتی ایجاد می‌شود، قطع می‌گردد و همین امر امکان امتزاج پذیری را از صامتها سلب می‌کند و در این مرحله تنها با پادرمیانی و دخالت صوت مصوتی مجرای صوتی به حال عادی برمی‌گردد و برای ادای صامت بعدی مهیا می‌شود. به پیروی از همین خصوصیت است که، هر صامت امتزاج با مصوت مابعد را بر امتزاج با مصوت ماقبل ترجیح می‌دهد و وقتی یک صامت در وسط کلمه میان دو مصوت قرار می‌گیرد، از نظر هجایی حتماً به مصوت بعد از خود می‌پیوندد. اساساً تک مصوتی بودن هجای اول یک عده از کلمات که با مصوت شروع می‌شوند، به همین علت است. زیرا در این قبیل کلمات، صامتی که بلافاصله بعد از مصوت آغاز کلمه می‌آید، تمایل ترکیب با مصوت بعد از خود را دارد.

هجاهای باز، هجاهای بسته

از توضیح بالا چنین بر می‌آید که همه هجاها می‌باید به یک مصوت ختم شوند ولی در ترکیب صوتی کلمات خلاف آن نیز رخ می‌دهد. این امر در دو مورد اتفاق می‌افتد. مورد اول وقتی است که صامت حرف آخر کلمه باشد و دیگر بعد از آن حرف مصوتی نیاید و مورد دوم موقعی است که دو صامت در وسط کلمه کنار هم قرار گیرند. در این حالت صامت اولی به مصوت ماقبل خود می‌پیوندد و صامت دوم برای الحاق به مصوت بعد از خود آزاد می‌ماند.

هجا وقتی به مصوت ختم شود، هجای باز خوانده می‌شود. زیرا صدای آن به اقتضای طبیعت صوت مصوت بدون برخورد با هیچ مانعی می‌تواند به نحو دلخواه کشش پیدا کند. ولی هر جا به صامت ختم شود به آن هجای بسته اطلاق می‌شود. زیرا جریان صوت به مقتضای طبیعت صامت الزاماً قطع می‌گردد.

با توجه به ترتیب توالی اصوات مصوت و صامت در هجاها، این نکته خود به خود روشن می‌گردد که در زبان ترکی استانبولی در اول هجاها و کلمات به دو صامت متوالی و در آخر هجاها و کلمات به سه صامت متوالی نمی‌توان برخورد و تنها در وسط کلمه توالی سه صامت امکان دارد که در این صورت هم دو صامت به مصوت قبل از خود و صامت سوم به بعد از خود می‌پیوندد. این ترتیب توالی اصوات نیز یکی از خصوصیات زبان ترکی استانبولی بوده و در ترکیب صوتی آن عده از کلمات دخیل که توالی آن‌ها مغایر با ترتیب فوق باشد موجب یک رشته دگرگونی‌های صوتی می‌گردد.

انواع هجاها

در زبان ترکی استانبولی هر هجا حداقل از یک و حداکثر از چهار صدا تشکیل می‌شود. هجاهای تک صوتی و چهار صوتی هر یک دارای یک نوع و هجاهای دو صوتی و سه صوتی هر یک دارای دو نوع هستند. به این ترتیب امکان دارد در ساختمان صوتی کلمات شش نوع هجا به کار رفته باشد:

۱- هجاهایی که از مصوت تکی تشکیل شوند مانند: هجاهای o و a و i در کلمات o (او)، açık (باز)، inan (باور کن). این هجا شامل کلمات معدود تک مصوتی و هجای اول یک نوع کلمات دو یا چند هجایی است که با مصوت آغاز می‌شوند.

۲- هجاهایی که از مصوت صامت تشکیل می‌شوند مانند: هجاهای at, ol, en در کلمات at (اسب)، olta (قلاب ماهیگیری)، enli (عریض). این هجا در یک نوع کلمات تک هجایی و در هجای اول کلمات دو یا چند هجایی که با حروف مصوت شروع شوند خود نمایی می‌کند.

۳- هجاهایی که از صامت مصوت تشکیل می‌شوند مانند: هجاهای de, ri, ba, eg در کلمات de (بگو)، bakış (نگاه)، erimek (آب شدن)، esirgemek (دریغ داشتن) این هجا در یک نوع کلمات تک هجایی و در مواضع مختلف کلمات چند هجایی دیده می‌شود.

۴- هجاهایی که از صامت مصوت صامت تشکیل می‌شوند. مانند هجاهای bak, dur, kın, lüm در کلمات bak (بنگر)، durgun (راکد)، sıkıntı (دل‌تنگی)، gülümsemek (تبسم کردن). این هجا نیز در یک نوع کلمات تک هجایی و در مواضع مختلف کلمات چند هجایی به کار می‌رود.

۵- هجاهایی که از مصوت، صامت، صامت، تشکیل می‌شوند. مانند: ört, alt در کلمات alt (زیر)، örtmek (پوشیدن). این هجا نیز در یک عده کلمات تک هجایی و در هجای اول بعضی کلمات چند هجایی مشاهده می‌شود.

۶- هجاهایی که از صامت مصوت صامت صامت تشکیل می‌شوند. مانند: dört, kork, şalt در کلمات dört (چهار)، korkmak (ترسیدن)، boşaltmak (خالی کردن). این هجا نیز در یک نوع کلمات یک هجایی و در مواضع مختلف کلمات چند هجایی به کار می‌رود.

تکیه

قبلاً تکیه مورد بحث قرار گرفته بود در این بخش کمی مفصل‌تر در مورد آن توضیح داده خواهد شد. کلماتی که در ترکیب صوتی خود بیشتر از یک هجا داشته باشند، هنگام تلفظ، یکی از هجاها، نسبت به بقیه آن‌ها، با توان و انرژی بیشتری ادا می‌شوند. این عمل که با یک نوع توقف و تکیه بر روی هجای مورد نظر انجام می‌گیرد، کلمه را از حالت تسلسل هجاهای یکنواخت خارج ساخته و آهنگ صوتی موجداری به آن می‌بخشد. زبان ترکی استانبولی از نظر تکیه، زبانی متعارف است. یعنی مابین هجاهای بی تکیه و تکیه دار آن از نظر شدت صوتی فرق فاحشی احساس نمی‌شود.

در زبان ترکی استانبولی هجا یا هجاهای وسط کلمه بدون تکیه است. از دو هجای اول و آخر کلمه نیز به غیر از موارد خاص که تکیه بر روی هجای اول منتقل می‌شود، معمولاً روی هجای آخر کلمه قرار دارد. این مورد خاص موقعی است

که کلمه در حالت امر و خطاب قرار گیرد و در این حال هرگاه کلمه به صورت عادی خوانده شود، چه بسا معنی دیگری از آن استنباط شود، مثلاً نمونه‌های زیر:

Akar sular derin olmaz. آب‌های روان عمیق نمی‌شوند.
 Ağaçtan meyveleri derin. میوه‌ها را از درخت بچینید.
 Koyun kuzuyla otluyor. گوسفند دارد با بره می‌چرد.
 O kitabı masa üstüne koyun. آن کتاب را روی میز بگذارید.
 Bu gün yemek ne yapalım? امروز غذا چه چیزی درست کنیم؟
 Ben şunu yemek istiyorum. من می‌خواهم این را بخورم.
 Bu yaz havalar çok sıcak. این تابستان هوا خیلی گرم است.
 Bu kelimeleri yaz. این کلمات را بنویس.

در دو مثال اول کلمه *derin*، در مثال دوم کلمه *koyun*، در مثال سوم *yemek* و در مثال چهارم *yaz* بر حسب تغییر محل تکیه معانی مختلفی می‌دهند.

البته محل تکیه به اقتضای پیوندهای مختلف به آخر کلمه ممکن است عوض شود. در این حالت تکیه معمول به روی یکی از هجاهای ما قبل آخر منتقل می‌گردد و چون این موضوع، در مورد اقسام کلمات و بر حسب نوع پیوندها به اشکال خاصی رخ می‌دهد، بهتر آن خواهد بود که موارد انتقال تکیه در هر مورد به طور جداگانه یادآوری شود.

ساختمان شکلی کلمات

در زبان‌های پیوندی که زبان ترکی استانبولی هم از آن زمره است، در ساختمان شکلی کلمات دو شکل متمایز از هم می‌توان تمیز داد. از این دو نوع شکل که به آسانی از یکدیگر قابل تشخیص هستند، شکل اول دارای حالت ثابت و معنی و مدلول مستقل بوده و شکل دیگر وضع ثابت و مفهوم مستقل نداشته و فقط دارای وظیفه مفهوم‌پذیری و ایفای نقش گرامری است. هر یک از این دو شکل از نظر بنیاد صوتی ممکن است از یک صوت واحد، از یک هجا و یا از پیوستگی چند هجا تشکیل شده باشد.

اشکالی را که دارای شکل ثابت و معنی و مدلول مستقل هستند و در کلمه عموماً جای اول را احراز می‌کنند، ریشه و اشکالی را که حالت ثابت و مفهوم مستقل نداشته و تنها با الحاق به آخر ریشه‌ها عمل مفهوم‌پذیری و جایگزینی در کلام را بر آن‌ها میسر می‌سازند، پیوند می‌خوانند.

ریشه

ریشه قسمت اصلی و تغییرناپذیر کلمه است که دارای معنی و مدلول مستقل است و در کلام رأساً و یا به صورت ترکیب با پیوندها به کار می‌رود. ریشه به منزله پایه و بنیان کلمه محسوب می‌شود که اشکال ترکیبی مختلف کلمه بر

روی آن بنیان می‌گردد. ریشه یا هسته هر کلمه را بسیط‌ترین و کوچک‌ترین شکل غیر قابل انفکاک آن کلمه می‌توان محسوب داشت که در صورت بهم ریختگی و کاستن حتی یک حرف از مجموع حروف‌ها، موجودیت شکل از بین می‌رود و چوب بست آن در هم می‌ریزد.

ریشه به استثنای موارد نادر در بنیان خود بیش از یک صدا دارد. ریشه‌هایی که از ترکیب دو یا چند صدا به وجود می‌آیند، ممکن است یک یا چند هجایی باشند. در گروه زبان‌های التصاقی از جمله ترکی استانبولی ریشه‌ها معمولاً تک هجایی هستند.

امروزه ما در مقام کاوش ریشه‌های بسیاری از کلمات، به اشکال تک هجایی می‌رسیم. در کلماتی هم که نتیجه بررسی به ریشه‌های تک هجایی نمی‌رسد، اگر شواهد و قراینی از ادوار قدیم‌تر در دسترس باشد، مطمئناً ریشه‌های تک هجایی آن‌ها هم به دست خواهد آمد، هر گاه ریشه‌های رایج در زبان امروز مالک قرار گیرند، اکثریت ریشه‌ها تک هجایی هستند و تعداد خیلی هم که به جای می‌ماند، عموماً دو هجایی می‌باشند.

ریشه‌ها، اشکال صوتی مستقلی هستند که موجودات و مفاهیم و جنبه‌ها و حالات و حرکات آن‌ها را به طور منفرد و بدون در نظر گرفتن وابستگی متقابل آن‌ها مشخص می‌سازد و از این لحاظ نام مجرد موجودات و مفاهیم و جنبه‌ها و حالات و حرکات آن‌ها به شمار می‌روند.

ریشه‌ها از نظر مدلول و معنی به دو نوع عمده تقسیم می‌شوند. نوعی از آن‌ها برای نامیدن موجودات بی جان و جاندار و اوصاف و حالت آن‌ها و نوع دیگر برای بیان تغییرات و حرکات موجودات و مفاهیم بکار می‌روند. ریشه‌های نوع اول را ریشه‌های وصفی یا اسمی و ریشه‌های نوع دوم را ریشه‌های کنشی یا فعلی می‌توان نامید. (البته علاوه بر ریشه‌های وصفی و فعلی ریشه‌های نوع سوم نیز در زبان هستند که از آن‌ها به عنوان ریشه‌های اداتی می‌توان نام برد. ولی چون این ریشه‌ها از یک طرف به خودی خود فاقد معنی و مدلول بوده و از طرف دیگر قابلیت پذیرش پیوند ندارند، لذا در این تقسیم بندی منظور نگردیده است).

اصولاً کائنات از موجودات و مفاهیم و تغییرات دائمی آن‌ها به وجود می‌آیند. از این مقوله که مستلزم و مکمل یکدیگرند، نخستین یعنی موجودات و مفاهیم، کلیه هستی‌های جاندار و بی جان و صور و اشکال مختلف آن‌ها را در بر می‌گیرند، دومی یعنی تغییرات مداوم، هر نوع حرکت و حدوث و کنش اشیا و نمودها را در بستر زمان و مکان شامل می‌شود. به این ترتیب ریشه‌های وصفی در حکم اسامی خود اشیا و پدیده‌ها و ریشه‌های فعلی به منزله اسامی حرکات و کنش‌های آن‌ها است.

اشیاء و نمودها مستقلاً و به خودی خود وجود دارند، ولی حرکات و کنش‌ها در عین حال که ذات اشیا و نمودها هستند، به هر صورت ناشی از وجود آن‌ها می‌باشند. بنابراین، ریشه‌های وصفی که نماینده موجودات و پدیده‌ها هستند، در کلام هم به طور بسیط و هم به حالت پذیرش پیوند، ولی ریشه‌های فعلی عموماً به صورت قبول پیوند به کار می‌روند. ریشه‌ها ترکیبات صوتی ثابتی هستند که قبلاً در زبان به وجود آمده و تثبیت شده‌اند. زبان برای نامیدن موجودات و مفاهیم و حالات و حرکاتی که در خارج از دایره شمول ریشه‌های رایج و متداول در آن باشد، معمولاً ریشه‌های جدید وضع نمی‌کند، بلکه با تلفیق خاص مصالح موجود زبان، لغات و ترکیبات مناسبی وضع می‌کند.

کار ایجاد لغات و ترکیبات جدید برای نامیدن نمودها و مفاهیم جدید، در هر یک از زبان‌ها به شکل و شیوه خاص انجام می‌شود. در زبان‌های پیوندی این کار به صورت الحاق پیوندهای مناسب به آخر ریشه‌های موجود زبان و تشکیل کلمات الحاقی از یک طرف و به شکل پیوستن دو یا چند کلمه و تشکیل کلمات مرکب از طرف دیگر انجام می‌گیرد. در زبان ترکی استانبولی ریشه‌ها خواه هنگام پذیرش پیوند و ایجاد کلمات پیوندی، و خواه هنگام ترکیب با یکدیگر و تشکیل کلمات مرکب به جز در موارد استثنایی که ناشی از عدم تجانس اصوات است ترکیب صوتی خود را محفوظ نگاه می‌دارند. مانند:

söz-lük	فرهنگ لغت	söz ver-mek	قول دادن
al-mak	گرفتن، خریدن	iyi-ce	به خوبی
deve kuş-u	شتر مرغ	yor-gun	خسته
al-ış-kan	معتاد	yürü-mek	قدم زدن

به این ترتیب با این که کلمات پیوندی عموماً و کلمات مرکب اکثراً به صورت یکپارچه تلفظ شده و به همین ترتیب هم نوشته می‌شوند، ترکیب صوتی ریشه‌ها در آن‌ها به وضوح نمایان است. منتها در کلمات پیوندی ترکیب صوتی پیوندها تابع ریشه‌ها بوده ولی در کلمات مرکب کلمات مفرد ترکیب صوتی خود را حفظ می‌کنند.

البته در زبان ترکی استانبولی مانند سایر زبان‌ها مقدار فراوان لغات و الفاظ دخیل نیز وجود دارد. این قبیل کلمات علاوه بر تبدیلاتی که از نظر صوتی به حکم قوانین صوتی زبان در اشکال بسیط آن‌ها رخ می‌دهد، از نظر قبول پیوندها عموماً تابع قوانین صوتی زبان ترکی استانبولی می‌گردند.

کلمات پیوندی و مرکب در زبان دارای مدلول و معنی مستقل بوده و مانند ریشه‌ها برای بیان اسامی و حالات و حرکات موجودات و مفاهیم به کار می‌روند و در کتب فرهنگ و لغت نیز در ردیف کلمات بسیط جای وسیعی به خود اختصاص می‌دهند.

همه کلمات ترکی ریشه دار هستند. از آنجایی که زبان ترکی زبان التصاقی است و پیوند می‌گیرد این خاصیت باعث شده است تا کلمات با پیوند گرفتن کلمه دیگری درست کنند. مخصوصاً اینکه بیشتر این کلمات ریشه فعلی دارند. در حالی که بیشتر کلمات زبانی مثل فارسی ریشه نداشته و کلمات از روی عادت تکرار ساخته شده‌اند. کلمات زیر و ریشه آن‌ها این مسئله را آشکارتر بیان می‌کند:

کلمه معادل در فارسی	کلمه ترکی
مهمان (از ریشه؟)	konmak از ریشه konuk
سرخ (از ریشه؟)	kızıl از ریشه kızmak
گل (ترکی)	gül از ریشه gülmek
نه (از ریشه؟)	dokuz از ریشه doğmak
چشم (از ریشه؟)	göz از ریشه görmek
خدا	Tanrı از ریشه tanımak

چند کلمه در زیر انتخاب و ساختار آن‌ها بیان شده که ریشه دار بودن کلمات ترکی را به وضوح نشان می‌دهد:

tepe	تپه	topuk	پاشنه
top	توپ	toplantı	جلسه
toplum	اجتماع، انجمن	toptan	به طور عمده، یکجا

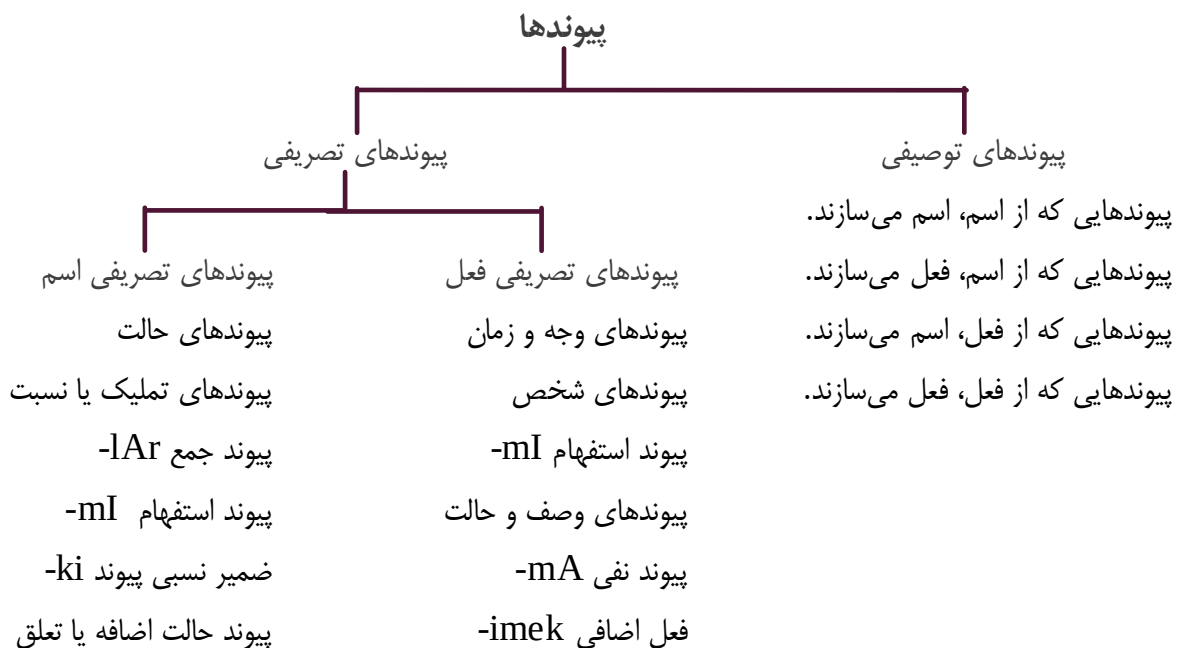
کلمات بالا همگی از ریشه toplamak به معنی «جمع کردن و انباشتن» ساخته شده‌اند.

kardeş (kardaş) = karın (شکم) + daş(هم) برادر و خواهر

yoldaş = yol (راه) + daş(هم) هم راه و دوست

yurttaş = yurt (وطن) + taş (هم) هم وطن

پیوندها (EKLER)



پیوندها ترکیبات صوتی متغیری هستند که به خودی خود فاقد معنی و مفهوم بوده (به عنوان مثال در کلمات **babam** پدرم، **odunluk** انبار هیزم، **tatlı** شیرین، پیوندهای **-m**، **-luk**، **-lı** به خودی خود معنی ندارند) و تنها با الحاق به آخر ریشه‌ها دو وظیفه مهم و مشخص را به انجام می‌رسانند. از این وظایف، یکی ایجاد کلمات جدید برای نامیدن مفاهیم مختلف و دیگری آماده ساختن ریشه‌ها برای ایفای نقش گرامری در زبان است.

به طوری که در سطح بالا تصریح گردید، تعداد ریشه‌ها در هر زبان، با وسعت کم و بیش محدود بوده و به تنهایی کافی برای نامیدن کلیه اشیاء و نمودها و حالات و حرکات گوناگون آن‌ها نیستند. بنابراین ایجاد کلمات و مشتقات مختلف بر مبنای ریشه‌های موجود در هر زبان امری ضروری و اجتناب ناپذیر جلوه می‌کند، این عمل در زبان‌های مختلف بر حسب ساختمان لفظی آن‌ها به صورت خاصی انجام می‌پذیرد و در زبان‌های پیوندی این وظیفه به عهده پیوندهایی محول می‌گردد که آن‌ها را می‌توان پیوندهای **توصیفی** یا پیوندهای سازنده نام نهاد. به عنوان مثال تمام کلمات زیر از ریشه göz (چشم) ایجاد شده‌اند:

gözlemek	مترصد بودن، منتظر بودن	gözlemci	ناظر، شاهد
gözlem	مشاهده، نظارت	gözcülük	عینک ساز، عینک فروش
gözcü	نگهبان، پاسبان، قراول	gözetmen	سرپرست
gözlükçülük	عینک فروشی	gözlük	عینک
gözlü	با چشم، بینا	gözlüklü	عینکی
gözsüz	کور، بی چشم	gözükmek	دیده شدن
gözgü	آینه	gözetmek	اعتنا کردن، نظر کردن

از طرف دیگر، ریشه‌ها به عنوان مصالح اصلی و بنیادی زبان و کلمات الحاقی که از پیوستن پیوندهای توصیفی به آخر ریشه‌ها تشکیل می‌شوند، موجودات و مفاهیم را به طور منفرد و مجزا از هم و حالات و حرکات را به صورت مجرد بیان می‌دارند. در صورتی که کائنات در طبیعت و جامعه به حالت منفرد و حرکات به صورت مجرد نبوده بلکه در یک وضع پیوستگی و ارتباط متقابل و فعل انفعال مداوم به سر می‌برند و در احساس و اندیشه نیز به همانسان انعکاس می‌یابند. زبان برای اینکه از عهده بیان این روابط و همبستگی‌های متقابل برآید، ناگزیر باید ریشه‌ها و کلمات الحاقی را برای این کار مجهز سازد و این تجهیز در زبان‌های پیوندی باز با الحاق یک رشته پیوندها و اشارات به آخر کلمات انجام می‌شود که از آن‌ها نیز می‌توان به عنوان پیوندهای **تصریفی** نام برد.

به این ترتیب، در زبان‌های پیوندی، منجمله زبان ترکی استانبولی وظیفه ایجاد کلمات جدید برای بیان موارد و وجوه گوناگون اشیاء و نمودها و همچنین نقش ایجاد همبستگی در میان عناصر مختلف کلام به عهده پیوندها محول است و از این لحاظ بررسی دستور این زبان‌ها بدون بررسی سیستم پیوندی آن کامل و جامع نخواهد بود.

پیوندها مانند سایر اشکال کلام از اصوات تشکیل می‌شوند. هر پیوند در بنیان صوتی خود ممکن است از یک تا چند صوت جای دهد. تعداد پیوندهای تک صوتی به نسبت ریشه‌های تک صوتی فوق‌العاده زیاد است. در ریشه‌ها، مصوت بودن ریشه‌های تک صوتی امری الزامی است. ولی در مورد پیوندها، چنین الزامی وجود ندارد. یعنی پیوندها ممکن است صامت تکی هم باشند. پیوندهای تک صوتی با اصوات ریشه تلفیق می‌یابند و هجا تشکیل می‌دهند. پیوندهایی که در ترکیب صوتی خود بیش از یک مصوت داشته باشند ممکن است به صورت یک یا دو و در موارد نادر به صورت سه هجا نمودار شوند.

پیوندها به منزله عناصر و مهره‌های تحرک زبان هستند و به همین جهت هم خیلی بیشتر از ریشه‌ها در جریان سیر تاریخی زبان معروض تغییرات و تبدلات می‌گیرند، این تغییرات و تبدلات به صورت دگرگونی‌های صوتی در بنیاد پیوندها و یا به شکل از میان رفتن یک پیوند و جایگزین شدن پیوند دیگر بجای آن رخ می‌دهد.

اشکال صوتی پیوندها

در زبان ترکی استانبولی پیوندها به طور کلی از نظر هماهنگی اصوات تابع ریشه‌ها هستند و سرنوشت اصوات آن‌ها معمولاً از روی آخرین مصوت کلمه‌ای که به آن می‌پیوندند، تعیین می‌گردد. به این ترتیب برخلاف ریشه‌ها که اشکال صوتی ثابت و تغییر ناپذیری دارند، اکثریت بزرگ پیوندها (به استثنای پیوندهای تک صامتی که الزاماً بیش از یک شکل ندارند و تعدادی از پیوندهای چند صوتی که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد) به اقتضای قانون هماهنگی اصوات در زبان ترکی استانبولی، بیش از یک شکل دارند. البته این تفاوت شکلی پیوندها در زبان تنها در حدود تفاوت صوتی آن‌ها مطرح بوده و هرگز نباید از آن‌ها به منزله پیوندهای جداگانه که مفاهیم متفاوتی را ارائه می‌دهند تعبیر کرد.

پیوندها از نظر هماهنگی با ریشه‌ها ممکن است دارای اشکال زیر باشد:

۱- پیوندهای تک صوتی که از یک صوت بی صدا تشکیل می‌شوند، تنها یک شکل می‌توانند داشته باشند.

مانند: yaşa- r (اسم پسر، جاوید)، anla- m (معنا، مفهوم)

۲- پیوندهای تک صوتی که از زبان صوت صدادار باز (a, e) تشکیل می‌شوند، بدین شکل نوشته می‌شوند.

ölçü-ye	به اندازه
oyun-a	به بازی
el-e	به دست
baş-a	به سر

۳- پیوندهای تک صوتی که از یک صوت صدادار بسته تشکیل (ı, ü, ı, ü) می‌شوند، به چهار شکل نوشته می‌شوند.
مانند:

boy-u	قد، اندازه را یا قدش، اندازه‌اش
göz-ü	چشم را یا چشم او
el-i	دست را یا دست او
baş-ı	سر را یا سر او

۴- پیوندهای چند صوتی که صوت مصوت آن‌ها صدادار باز باشد نیز بدین شکل نوشته می‌شوند.

gez-me	نگرد
kaz-ma	نکن
gör-en	کسی که می‌بیند/می‌دید، بینا، ناظر، بیننده
bak-an	کسی که نگاه می‌کند/می‌کرد

۵- پیوندهای چند صوتی که صوت مصوت آن‌ها صدادار بسته باشد نیز به چهار شکل نوشته می‌شوند. مانند:

dur-up	ایستاده
--------	---------

gör-üp دیده

bil-ip دانسته

bak-ıp نگاه کرده

به این ترتیب، در زبان ترکی استانبولی پیوندها با تمام انواع متنوع آن از نظر مطابقت با ریشه‌ها و الفاظی که بر آنها می‌پیوندند از چهار حالت یک شکلی، دو شکلی، چهار شکلی و هشت شکلی خارج نیستند.

یک شکلی: m (masa-m)

دو شکلی: -an, -en (koşan, gelen)

چهار شکلی: -up, -üp, -ip, -ıp (alıp, verip, koşup, görüp)

هشت شکلی: -dı, -di, -du, -dü, -tı, -ti, -tu, -tü (yazdı, geldi, durdu, gördü, attı, gitti, sustu, düştü)

و اما شناخته‌ترین پیوندهای چند صوتی که تنها دارای یک شکل هستند عبارتند از:

پیوند -iken یا (y)ken- (هنگام، زمانی که) مانند:

bak-ar-ken

iste-r-ken

gör-ür-ken

پیوند -iken- فاقد شخص و زمان است. شخص و زمان این پیوند در درون جمله مشخص می‌شود. مانند:

Ali küçükken çok yaramazdı. علی وقتی کوچک بود بسیار بازیگوش بود.

Sen küçükken çok yaramazdın. تو وقتی کوچک بودی بسیار بازیگوش بودی.

Bahçedeyken onu gördüm. زمانی که در باغچه بود او را دیدم.

Bahçedeyken bizi gördüler. زمانی که در باغچه بودیم ما را دیدند.

این پیوند در جملات فعلی «در حالی که» هم معنی می‌دهد.

Ben geliyorken o gidiyordu. در حالی که داشتم می‌آمدم او می‌رفت.

Hamama gidecekken vazgeçti. در حالی که قصد رفتن به حمام داشت تصمیمش را عوض کرد.

Kırılabilir. Lütfen taşırken dikkatli olun. شکستنی است. لطفاً هنگام حمل آن مراقب باشید.

پیوند -ki-

این پیوند از تکرار اسمی که حالت اضافه یا ملکی دارد جلوگیری می‌کند و به معنای «مالی، آنی که، از آن» است:

Benim arabam bozuk. Senininki çalışıyor mu? ماشین من خراب است. آیا مال تو کار می‌کند؟

Bu kutuda bal var. Raftakinde ne var?

در این قوطی عسل هست. در آن (قوطی) که روی قفسه است چه چیز هست؟

Ağaçtaki elma büyüktür. سیب روی درخت بزرگ است.

Senin araban Ahmet'inkinden daha büyük mü? آیا ماشین شما بزرگ‌تر از مال احمد است؟

پیوند تک شکلی **gil-** با الحاق با آخر اسامی اشخاص و اقربا و موجودات، نام‌های مربوط با آن‌ها را تشکیل می‌دهد و در اینجا پیوند جمع نیستند. مانند:

teyzemgil	خاله این‌ها (خاله و خانواده‌اش)
annemlgil	مادر این‌ها
kedigil	گربه سانان

پیوند **leyin-** با الحاق به آخر بعضی اسم‌ها از آن‌ها قید می‌سازد:

akşam	عصر	akşamleyin	وقت عصر
gece	شب	geceleyin	وقت شب، سر شب
sabah	صبح	sabahleyin	وقت صبح، سر صبح
öğle	ظهر	öğleyin	وقت ظهر، سر ظهر

پیوندهایی که از زبان‌های دیگر وارد ترکی شده‌اند:

-en	tamamen	تماماً
anti-	antidemokratik	ضد دموکراتیک
bi-	bihaber	بی خبر
-baz	hokkabaz	حقه باز

پیوندهای توصیفی (Yapım ekleri)

پیوندهای توصیفی در کلمات بلافاصله بعد از ریشه‌ها جای می‌گیرند و بدین لحاظ هر گاه ریشه‌ها را عناصر بنیادی درجه اول کلام محسوب داریم، پیوندهای توصیفی موقعیت عناصر کلامی یا مورفم‌های درجه دومی را خواهند داشت که حالت پیوستگی ثابت و پا بر جایی را با ریشه‌ها دارند.

نقش اساسی پیوندهای توصیفی در کلام یک نقش ماهوی یا داخلی است. به این معنی که پیوندهای توصیفی با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی و فعلی در معنی و مدلول آن‌ها ایجاد تصرف کرده و اشکال و کلماتی به وجود می‌آورند که ضمن اینکه با مفهوم ریشه رابطه و مشابهت دور یا نزدیکی را حفظ می‌کنند، به شکل کلمات جداگانه‌ای در می‌آیند که بر ای نامیدن مفاهیم مشخص و مستقلاً از اشیاء و اشخاص و حرکات و حالات به کار می‌روند.

پیوندهای توصیفی دارای اشکال گوناگون بوده و از نظر دایره عمل و حدود رواج در زبان یکسان نیستند. بعضی از پیوندهای توصیفی حدود عمل بسیار وسیعی دارند و به اصطلاح پیوندهای فعال یا بارور محسوب می‌شوند، ولی برخی دیگر دایره عملشان محدود بوده و پیوندهای غیر فعال هستند. پیوندهای توصیفی، هنگام الحاق به آخر ریشه‌های وصفی و فعلی نه تنها کلماتی از نوع ریشه به وجود می‌آورند، بلکه می‌توانند مفهوم گرامری آن را تغییر داده ریشه

خود آموز ترکی استانبولی -----facebook.com/morteza.abdi

وصفی را تبدیل به کلمه فعلی و بالعکس نمایند، با در نظر گرفتن این اصل پیوندهای توصیفی را می‌توان به شکل زیر طبقه بندی کرد:

۱- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی کلمات پیوندی وصفی تشکیل می‌دهند این نوع پیوندها از اسم، اسم می‌سازند. مانند:

korku-lu	وحشتناک، ترسناک، خطرناک، بیمناک
yıl-lık	چیزی که یک سال از رویش گذشته، یک ساله، سالیانه، سالنامه، برای یک سال، اجرت سالیانه
mutlu-luk	سعادت، خوشبختی
ev-li-lik	تاهل، متاهل بودن
ana-lık	مادری
baba-lık	پدري
köy-lü	دهاتی، روستایی، دهقان
balık-çı	ماهیگیر
su-suz	بی آب، کم آب، تشنه
yazı-cı	نویسنده
ev-cil	اهلی، خانگی
taş-lık	سنگلاخ
güzel-lik	زیبایی
çirkin-lik	زشتی
pis-lik	کثافت، نجاست، آلودگی، غایط انسان
saman-lık	کاه دان

۲- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی کلمات پیوندی وصفی ایجاد می‌کنند. این پیوندها از فعل، اسم می‌سازند مانند:

bulma-ca	معما، چیستان، نغز
iç-ki	مشروب، نوشابه الکلی
yapış-kan	چسبنده، چسبناک
bil-gin	عالم، دانشمند
geç-im	معیشت، مخارج، سازگاری، معاشرت
düş-kün	زبون، حقیر، شکسته، از پا افتاده، بدبخت، مبتلا

۳- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی افعال پیوندی تشکیل می‌دهند این پیوندها از فعل، فعل می‌سازند. مانند:

bil-dir-mek	اطلاع دادن، فهماندن، ابلاغ کردن، آگاهی دادن
gör-üş-mek	همدیگر را دیدن، دیدار کردن، ملاقات کردن
öp-üş-mek	روبوسی کردن، همدیگر را بوسیدن

bul-uş-mak	بهم رسیدن، ملاقات کردن
sil-in-mek	پاک شدن، محو شدن
kopar-ıl-mak	کنده شدن، قطع شدن، چیده شدن
yat-ır-mak	خوابانیدن، پول ودیعه گذاشتن
al-in-mak	به خود گرفتن، رنجیدن

۴. پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی افعال پیوندی به وجود می‌آورند این پیوندها از اسم، فعل می‌سازند.
مانند:

baş-la-mak	شروع، آغاز کردن
kolay-la-mak	کاری را آسان کردن، نزدیک به پایان آوردن
kolay-ı-lan-mak	آسان شدن، تسهیل شدن
kolay-laş-tır-mak	ساده کردن، به وضعیت سهل و آسان رساندن
gece-le-mek	شب به سر آوردن، بیدار ماندن تا سحر
duru-l-mak	حل و فصل کردن
tür-e-mek	تولید شدن، ظاهر شدن، به وجود آمدن
boz-ar-mak	کم رنگ شدن، رنگ باختن
taş-la-mak	سنگ انداختن، سنگ زدن، طعنه زدن
el-le-mek	دست زدن، لمس کردن
yakın-laş-mak	نزدیک شدن، مناسبت حاصل شدن
sanayi-leş-tir-mek	صنعتی کردن
serin-le-mek	خنک شدن

شاید مناسب‌تر می‌بود اگر انواع پیوندهای توصیفی بر حسب طبقه بندی فوق اینجا نقل می‌شد. ولی چون هنگام بحث از اقسام کلمات و در مبحث فعل‌ها به اشکال مختلف این پیوندها اشاره خواهد شد، نقل آن‌ها در اینجا امری تکراری و زاید به نظر می‌رسد.

پیوندهای تصریفی (Çekim ekleri)

پیوندهای تصریفی به منظور آماده ساختن کلمات جهت انجام نقش گرامری و برای ایجاد همبستگی میان عناصر مختلف کلام به آخر کلمات آورده می‌شوند، پیوندهای تصریفی، بر خلاف پیوندهای توصیفی که نقش خود را در داخل کلمه و در جهت معنی و مدلول جدید بخشیدن به آن انجام می‌دهند، کاری به معنی و مدلول کلمه نداشته و وظیفه خود را در خارج از چارچوب آن و به صورت ایجاد ارتباط ما بین عناصر مختلف کلام به انجام می‌رسانند.

پیوندهای تصریفی به اعتبار وظیفه گرامری خود، در کلماتی که ناگزیر از قبول هر دو نوع پیوند توصیفی و تصریفی هستند، بعد از پیوندهای توصیفی جای می گیرند. بدین ترتیب، پیوندهای تصریفی از نظر ارتباط با ریشه ها وضعی گذرا و ناپایدار ولی از حیث شمول و حدود عمل شامل تر و همگانی تر از پیوندهای توصیفی هستند.

پیوندهای تصریفی در مورد هر یک از اقسام کلمات به نحو خاصی عمل می کنند. به عبارت دیگر هر یک از اقسام کلمات بر حسب اشکال و مشخصات خود پیوندهای تصریفی ویژه ای دارند. بنابراین پیوندهایی که برای حالت پذیر ساختن کلمات وصفی به کار می روند، هر چند در مواردی از نظر شکل شبیه پیوندهایی باشند که در تصریف فعل به کار می روند، از نظر نقش گرامری از هم فرق خواهند داشت.

در زبان ترکی استانبولی پیوندهای تصریفی کلمات وصفی عبارتند از:

پیوند جمع، پیوندهای تملیک یا نسبت، پیوندهای حالت و پیوند استفهام.

و پیوندهای تصریفی فعل عبارتند از:

پیوندهای وجه، پیوندهای زمان، پیوندهای شخص، پیوند استفهام و پیوندهای وصف و حالت که هنگام بحث از اقسام کلمات به هر یک از آنها به طور جداگانه اشاره خواهد شد.

اصل توالی پیوندها

اصل توالی و تسلسل پیوندها یکی از خصوصیات بارز و جهات نمایان زبان های ترکی و از آن جمله زبان ترکی استانبولی است، به موجب این اصل، هر پیوند در جریان الحاق به آخر کلمات هر قدر دایره شمول و حدود عمل آن محدودتر باشد، به ریشه نزدیک تر و به میزانی که دایره شمول و حوزه ی عمل آن وسیع تر باشد، در فاصله دورتری از ریشه جای می گیرد.

به طوری که در سطور فوق اشاره شد، پیوندهای توصیفی در ساختمان کلمات جلوتر از پیوندهای تصریفی جایگزین می شوند. ولی توالی پیوندها به همین حدود محدود نمانده و اشکال مختلف هر یک از دو نوع و به خصوص پیوندهای تصریفی دارای درجات تقدم و تأخر هستند. اینک با یک نگاه سطحی به اشکال منتزع ساختمان کلمه ی *yaZ-ı-Cı-* *lar-ımız-dan* (از نویسنده هایمان) ترتیب توالی پیوندها را می توان مشاهده کرد همچنین به مثال زیر توجه نمایید.

Avrupa	اروپا
Avrupalı	اروپایی
Avrupalılaş(mak)	اروپای شدن
Avrupalılaştır(mak)	اروپایی کردن
Avrupalılaştırma	حالت عدم توان به اروپایی کردن
Avrupalılaştıramadık-	نتوانستیم به اروپایی شدن گرایش دهیم
Avrupalılaştıramadıklar	کسانی که نتوانستند اروپایی شوند
Avrupalılaştıramadıklarımız	کسانی که نتوانستیم آنها را اروپایی کنیم
Avrupalılaştıramadıklarımızdan	از کسانی که نتوانستیم آنها را اروپایی کنیم

آیا از کسانی که نتوانستیم آن‌ها را اروپایی کنیم؟
 آیا از کسانی که نتوانستیم آن‌ها را اروپایی کنیم هستید؟
 Avrupalaştıramadıklarımızdan mı?
 Avrupalaştıramadıklarımızdan mısınız?

اصوات کمکی

تلفیق پیوندها با ریشه‌ها و همچنین ترتیب تقدم و تأخر آن‌ها به دو صورت انجام می‌گیرد. در حالت اول پیوند الحاقی مستقیماً و بدون دخالت هیچ عامل دیگر با ریشه پیوند می‌یابد. ولی در حالت دوم، الحاق پیوند با میانجیگری یک عامل صوتی انجام می‌پذیرد. این عامل صوتی که معمولاً یکی از اصوات است، نقش یک گذر گاه صوتی را ایفا می‌کند. در جریان الحاق پیوندها، اصوات کمکی وقتی حق دخالت پیدا می‌کنند که دو صوتی که پهلوی به پهلوی قرار می‌گیرند، از یک جنس بوده و تلفظ متوالی آن‌ها غیر ممکن باشد در این صورت هر گاه حروف متقارن از نوع مصوت باشد صوت کمکی صامت و بالعکس خواهد بود.

از اصوات مصوت چهار صوت ü, u, î, i و از اصوات صامت n, y و در مواردی نیز s وظیفه صوت کمکی را انجام می‌دهد.

اقسام کلمه از نظر مدلول و معنی

کلمات که شرح ساختمان صوتی و شکلی آن‌ها گذشت، از نظر معنی و وظیفه‌ای که در کلام بر عهده دارند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: کلمات اصلی، کلمات کمکی.

کلمات اصلی به آن دسته از کلمات اطلاق می‌شود که دارای معنی و مدلول مستقل و معین بوده و در کلام وظیفه بیان و توصیف نام و چگونگی و حرکت اشیا و اشخاص و نموده‌ها را بر عهده دارند. کلمات اصلی به منزله مصالح بنیادی کلام بوده و با پذیرش پیوندهای توصیفی و تصریفی کار همبستگی اجزای کلام را در قالب گیری اندیشه و مقصد و بیان مفاهیم میسر سازد.

کلمات اصلی به انواع وصفی و فعلی تقسیم می‌شوند. کلمات وصفی که اقسام اسم و صفت و ضمیر و ظرف را در بر می‌گیرند، برای بیان اسامی و اوصاف و اشکال موجودات و مفاهیم و کلمات فعلی که انواع و اشکال و وجوه مختلف افعال را شامل می‌شوند، برای توصیف تغییرات و حرکات آن‌ها به کار می‌روند.

کلمات کمکی که از آن‌ها تحت عنوان عمومی ادات می‌توان نام برد، دارای معنی و مدلول مستقل نبوده و تنها وظیفه ایجاد مناسبات گرامری مابین کلمات وصفی و فعلی را بر عهده دارند.

قسمت عمده کلمات رایج در زبان را کلمات اصلی تشکیل می‌دهند و تعداد کلمات کمکی در مقام مقایسه با آن‌ها بسیار کم است.

اینک در زیر اقسام کلمات و مشخصات آن‌ها را به طور جداگانه و به اجمال از نظر می‌گذرانیم.

اسم از مهم‌ترین اجزای تشکیل دهنده کلام است و به آن دسته از کلمات وصفی اطلاق می‌شود که برای نامیدن موجودات جاندار و بی جان و پدیده‌ها و مفاهیم و مجردات بکار می‌رود.

اسم در زبان ترکی استانبولی از نظر مدلول و شمول آن به اسم خاص و عام، اسم ذات و اسم معنی و سایر تقسیم بندی‌های از این قبیل شامل همان جنبه‌ها و توصیف‌هایی است که معمولاً در دستور زبان هر زبانی عنوان می‌شود و اینجا نیز در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در زبان ترکی استانبولی، چیزی که در مورد اسم و سایر اقسام کلمات بی‌اش از پیش حائز اهمیت و دقت است، بررسی آن‌ها از نظر اشکال ساختمانی و اشکال تصریفی است.

اشکال ساختمانی اسم:

منظور از اشکال ساختمانی یا توصیفی اسم، اشکال و انواعی است که اسم در زمینه نامیدن موجودات و مفاهیم به خود می‌پذیرد. اسم در ترکی از نظر شکل ساختمانی دارای اشکال ساده، پیوندی و مرکب است.

۱- اسم ساده

اسمی است که تنها از یک ریشه بسیط به وجود آمده باشد. مانند su (آب) ، demir (آهن)، ay (ماه)، iş (کار)، kar (برف)، yol (راه).

۲- اسم پیوندی

در زبان ترکی استانبولی تعداد کثیری از اسامی با الحاق پیوندهای توصیفی به آخر سایر انواع کلمات به وجود می‌آیند.

oyun-cak	بازیچه، اسباب بازی
taş-lık	سنگلاخ
yazı-cı	نویسنده
düşün-ce	فکر، اندیشه، عقیده، غم و غصه، نظر

پیوندهایی که با الحاق به آخر کلمات وصفی و فعلی اسامی پیوندی تشکیل می‌دهند، متنوع هستند و اینک در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف- پیوندهایی که با الحاق به آخر کلمات وصفی اسامی پیوندی تشکیل می‌دهد. پیوندهایی که از اسم، اسم می‌سازند.

پیوند چهار شکلی -lık, -lik, -luk, -lük این پیوند از رایج‌ترین و بارورترین پیوندهای توصیفی است که با الحاق به آخر کلمات وصفی، اسامی پیوندی گوناگونی به شرح زیر به وجود می‌آورد. ساخت اسم آلت و اشیاء مانند:

kulak-lık	گوشی، وسیله شنوایی، آلت گوش
baş-lık	سر پوش

ön-lük	پیش بند
diz-lik	زانو بند
gece-lik	لباس خواب
korku-luk	مترسک
söz-lük	فرهنگ لغت، دیکشنری
göz-lük	عینک

با اضافه شدن به صفات، اسم‌هایی که حالات را بیان می‌کنند، می‌سازد. مانند:

iyi-lik	خوبی
güzel-lik	زیبایی
küçük-lük	کوچکی

با یک عده از اسامی بسیط پیوند یافته نام‌های مربوط به جایگاه و فور یا به طور ساده مکان آن‌ها را تشکیل می‌دهد. مانند:

dağ-lık	کوهستانی، اهل کوهستان
badem-lik	بادامستان
taş-lık	سنگلاخ، جای سنگ دار، سنگ فرش
elma-lık	باغ سیب
orman-lık	جنگل، محل بیشه و جنگل
boş-luk	خلأ، چاله، محلی که گود است و رویش پوشیده نشده است
sebze-lik	سبزه زار
zeytin-lik	باغ زیتون
kömür-lük	جای زغالی، انبار زغال، زغال دانی
koru-luk	بیشه، جنگل کوچک، محل پر درخت
gül-lük	گلستان، گلزار
ekin-lik	محل کشت و زرع
kitap-lık	کتابخانه
odun-luk	انبار الوار، چوب و هیزم
üzüm-lük	تاکستان
saman-lık	کاه دان
şeker-lik	شکر دان
tuz-luk	نمکدان

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

نام انجمن می‌سازد. مانند:

genç-lik	انجمن جوان‌ها، اجتماع جوان‌ها
insan-lık	اجتماع بشر
Türk-lük	اجتماع قوم ترک، محل جمع شدن ترک‌ها

اسامی شغل و حرفه‌ها را به وجود می‌آورد. مانند:

öğretmen-lik	معلمی
doktor-luk	پزشکی
demirci-lik	آهنگری
rehber-lik	رهبری

نسبت خونی بین افراد را نشان می‌دهد. مانند:

Ana-lık	مادری
baba-lık	پدري
kardeş-lik	برادری یا خواهری

با یک عده از اسامی پیوند یافته و از آن‌ها صفت می‌سازد. مانند:

gün-lük	روزانه، مال همان روز
yıl-lık	چیزی که یک سال از رویش گذشته، یک ساله، سالیانه، سالنامه، برای یک سال، اجرت سالیانه
hediye-lik	برای هدیه، چشم روشنی
kira-lık	کرایه‌ای، اجاره‌ای، مورد اجاره
adım-lık	انسانیت، مقام منزلت آدمی

اسم‌های انتزاعی می‌سازد. اسم‌های انتزاعی غیرقابل لمس هستند. مانند اسم‌هایی که به احساسات، آرزوها و ایده‌ها دلالت می‌کنند. این نوع اسم‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارند، و شما نمی‌توانید آن‌ها را ببینید، بشنوید، لمس کنید، بو بکشید یا مزه کنید. مانند:

genç-lik	جوانی
insan-lık	انسانیت
Türk-lük	ترک بودن
çocuk-luk	کودکی
hanım-lık	خانمی

Müslüman-lık	مسلمانی
kul-luk	بندگی
erkek-lik	مردانگی

با یک رشته از اعداد پیوند یافته اسامی مربوط به واحد مقیاس و مقدار به وجود می‌آورد. مانند:

yüz-lük	صد تایی
on-luk	ده تایی
yedi-lik	هفت تایی
beş-lik	پنج تایی

این پیوند علاوه بر کلمات بسیط می‌تواند به آخر کلمات پیوندی نیز الحاق یافته و اسامی پیوندی با مفهوم مستقل به وجود می‌آورد. مانند:

arkadaş-lık	دوستی
düşman-lık	دشمنی
dilenci-lik	گدایی

پیوند هشت شکلی -cu, -cü, -ci, -cı, -çu, -çü, -çi, -cı این پیوند نیز از پیوندهای پر ثمر رایج در زبان ترکی استانبولی بوده و اسم‌هایی مرتبط با شغل و حرفه تشکیل می‌دهد. مانند:

dilen-ci	گدا
eski-ci	کهنه فروش سمسار، پینه دوز
göz-cü	نگهبان، پاسبان، قراول
av-cı	شکارچی
aş-çı	آشپز، طبخ
ok-çu	تیرانداز، تیر ساز
bek-çi	نگهبان، قراول، مستحفظ
yol-cu	مسافر
süt-çü	شیر فروش
oyun-cu	بازیگر

پیوند چهار شکلی -lı, -li, -lu, -lü از پیوندهای بسیار پر ثمر در تشکیل اسم‌های وصفی است و با الحاق به آخر کلمات توصیفی صفاتی متناسب با مفهوم آن‌ها به وجود می‌آورد. این پیوند حالت اثباتی دارد یعنی وجود کیفیتی را در یک چیز و یا وابستگی خصوصیتی را به یک چیز به اثبات نشان می‌دهد این پیوند، پیوند کوتاهی است و دارای دو قسم است:

۱. نشانه مالکیت:

kilit-li	قفل شده، کلید شده، بسته
su-lu	آبکی، آبدار، لوس، رقیق
ölüm-lü	فانی، مردنی
para-lı	پول دار

۲. نشانه نسبت

Ankara-lı	آنکارایی
Tahran-lı	تهرانی
nere-li	کجایی
lise-li	دبیرستانی
köy-lü	دهاتی، روستایی، دهقان
İstanbul-lu	استانبولی

پیوند چهار شکلی -sız, -siz, -suz, -süz شکل منفی پیوند بالا بوده و با الحاق به آخر شماره کثیری از کلمات وصفی عدم وجود کیفیت و خصوصیتی را در یک چیز و یا فقدان چیزی را در چیز دیگر نشان می‌دهد مانند:

taş-sız	بی سنگ، بدون سنگ
iş-siz	بیکار، بدون کار
su-suz	تشنه، بی آب، بدون آب
sen-siz	بی تو، بدون تو

این پیوند به ندرت به عنوان یک پیوند تصریفی پس از پیوند مالکیت نیز می‌تواند بکار رود مانند:

baba-m-sız	بدون پدرم	anne-m-siz	بدون مادرم
------------	-----------	------------	------------

پیوند چهار شکلی -daş, -deş, -taş, -teş با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی اسم‌هایی با مفهوم همبستگی ایجاد می‌کند. مانند:

arka-daş	دوست
yol-daş	هم راه
vatan-daş	هم وطن
yurt-daş	هم میهن
emek-daş	هم خدمت، هم کار
ülkü-daş	هم وطن
gönül-daş	هم دل، هم فکر

meslek-taş شغل همکار، هم حرفه، هم شغل
denk-taş هم عیار، هم میزان

پیوند تک شکلی lak- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام‌هایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

ot-lak چراگاه
kış-lak قشلاق
yay-lak ییلاق

پیوند دو شکلی dam-, dem- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام‌هایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

er-dem فضیلت
gün-dem روزنامه
yor-dam مهارت، زبردستی، زرنگی، ملکه، عادت

پیوند دو شکلی el-, al- با الحاق به آخر یک رشته از اسامی، صفت‌هایی که نشانه نسبت است از نوع زیر می‌سازد:

gen-el کلی، کل، عمومی
yer-el محلی، موضعی، مربوط به منطقه‌ای
öz-el مخصوص، خصوصی، شخصی، ویژه

پیوند دو شکلی el(s)-, al(s)- (کلماتی که به s, z ختم می‌شوند el, al) با الحاق به آخر یک رشته از اسامی، صفت‌هایی که نشانه نسبت است از نوع زیر می‌سازند:

kum-sal ماسه دار، شن زار، ریگزار
kır-sal روستایی، رعیتی
belge-sel منطقه‌ای
sanat-sal هنری

tarih	تاریخ	tarihsel	تاریخی
siyaset	سیاست	siyasal	سیاسی
cebir	جبر	cebirsal	جبری
kimya	شیمی	kimyasal	شیمیایی
fizik	فیزیک	fiziksel	فیزیکی
öz	خود	özel	شخصی، خصوصی
bilim	علم	bilimsel	علمی

anayasa قانون اساسی anayasal مشروطه

در مثال آخر به خاطر اینکه کلمه به sa ختم می شود فقط پیوند l- اضافه شده است.

زبان ترکی پر از کلمات عربی است که به پیوند î ختم می شود مانند tarihî (تاریخی) ، dinî (دینی)، siyasi (سیاسی)، millî (ملی) و iradi (ارادی). در راستای حمایت از زبان ترکی و پاک سازی این زبان از ساختارهای زبان های بیگانه پیوند el(s)-, al(s)- جایگزین این پیوند شده است.

پیوند دو شکلی -ek, -ak- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام هایی با مفهوم جدید تشکیل می دهد. مانند:

baş-ak سنبله، خوشه گندم یا جو
yan-ak گونه، رخ، یک طرف صورت
sol-ak چپ دست، کسی که با دست چپ کار می کند

پیوند دو شکلی -e, -a- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام هایی با مفهوم جدید تشکیل می دهد. مانند:

gec-e شب
komut-a فرمان، دستور، حکم

پیوند دو شکلی -et, -at- با پیوستن به پایان عده ای از اسامی، اسم هایی با مفهوم جدید به وجود می آورد. مانند:

öz-et خلاصه، خلاصه مذاکرات
göl-et گودال آب

پیوند دو شکلی -alak, -elek- با پیوستن به پایان عده ای از اسامی، اسم هایی با مفهوم جدید به وجود می آورد. مانند:

koz-alak غوزه درخت، (کاج، صنوبر، سرو)
top-alak خولان

پیوند تک شکلی و تک صوتی -ç- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام هایی با مفهوم جدید تشکیل می دهد. مانند:

ana-ç درشت، زمخت
ata-ç از نیاکان، اجداد
orta-ç فعل صفت (دستور زبان)
iğren-ç نفرت آور، منفور، کریه
inan-ç ایمان، اعتقاد، عقیده
kazan-ç سود، استفاده، بهره، منفعت
kıskan-ç حسود، بخیل

usan-ç ستوه، تنگ آمدن

پیوند دو شکلی -en, -an- با پیوستن به پایان عده‌ای از اسامی، اسم‌هایی با مفهوم جدید به وجود می‌آورد. مانند:

er-en واصل، راشد

kök-en ۱- منشأ ۲- اصل، نسب ۳- بوته

kız-an جوان، پر جسور

پیوند هشت شکلی -cul, -cül, -cil, -cıl, -çul, -çül, -çıl, -çıl- با الحاق به آخر یک رشته از اسامی، صفت‌هایی که نشانه نسبت است از نوع زیر می‌سازد:

insan-cıl انسانی، انسان دوست

ev-cil اهلی، خانگی

ot-çul علف خوار، حیوانات علف خوار

پیوند In- و -leyin با الحاق به آخر بعضی اسم‌ها از آن‌ها قید می‌سازد:

yaz	تابستان	yazın	وقت تابستان
-----	---------	-------	-------------

kış	زمستان	kışın	وقت زمستان
-----	--------	-------	------------

akşam	عصر	akşamleyin	وقت عصر
-------	-----	------------	---------

gece	شب	geceleyin	وقت شب، سر شب
------	----	-----------	---------------

sabah	صبح	sabahleyin	وقت صبح، سر صبح
-------	-----	------------	-----------------

öğle	ظهر	öğleyin	وقت ظهر، سر ظهر
------	-----	---------	-----------------

ب- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی، اسامی پیوندی تشکیل می‌دهند. به این نوع از اسامی اسم مصدر یا حاصل مصدر می‌گویند این پیوندها از فعل اسم می‌سازند:

پیوند دو شکلی، -mek, -mak- این پیوند در زبان ترکی استانبولی پیوند مصدری شناخته می‌شود و بلا استثنا به آخر کلیه ریشه‌ها و بنیادها یا انواع گوناگون افعال الحاق شده و اسامی نامعین حرکات را به وجود می‌آورد. مصدر در عرف دستور زبان حالت اصلی فعل شناخته می‌شود و در مواردی که بخواهند فعل را بدون وابستگی آن به زمان‌ها و اشخاص نشان دهند علامت مصدر را به آن می‌افزایند. در این کتاب نیز از این روش پیروی شده است:

aç-mak باز کردن، گشودن، برطرف کردن مانع

yaz-mak نوشتن، آرایش دادن، نام نویسی کردن، مشرف به افتادن

oku-mak خواندن، قرائت، تحصیل، درس خواندن

uyu-mak خوابیدن، خفتن، غفلت کردن

gör-mek	دیدن، ملاقات کردن، مشاهده کردن
bekle-mek	منتظر شدن، صبر کردن، نگهبانی کردن، توقع داشتن
çekil-mek	عقب نشینی کردن، از انجام کاری خودداری کردن، استعفا نمودن، پرهیز نمودن، کم شدن
düşün-mek	تفکر کردن، اندیشیدن
sürüklen-mek	معطل شدن، طول کشیدن، کشیده شدن
ilikle-mek	دگمه کردن، دگمه‌ها را بستن

پیوند دو شکلی -ma, -me این پیوند نیز به آخر انواع فعل الحاق یافته، نام عمومی عمل و کنش ناشی از فعل را به وجود می‌آورد:

yaz-ma	عمل نوشتن، دست نوشته
evlen-me	تأهل، ازدواج
anlaş-ma	پیمان، قرارداد، قرار و مدار
incile-me	بررسی، مطالعه
atla-ma	کار پریدن، پرش
doku-ma	بافندگی، پارچه بافته شده
ısırt-ma	گرم کنی، گرم کردگی
işle-me	۱- کار دستی ۲- عملکرد
oku-ma	خواندن، سواد
geliş-me	پیشرفت، ترقی، بهبودی، توسعه
haberleş-me	مخابره، مکاتبه
arın-ma	تمیز شدگی، برائت
korun-ma	حمایت شده، دفاع شده، حفاظت شده
ısmarla-ma	سفارش، سفارشی
anımsa-ma	تداعی شدگی، تجسم شدگی، یادآوری
geçin-me	وسایل زندگی، معاش، گذران
geçin-me	حسن معاشرت
kat-ma	علاوه، اضافه
akset-me	انعکاس، بازتاب، فرایند
kes-me	۱- عمل بریدن ۲- مقطوع، بریده شده
yaklaş-ma	نزدیکی
koş-ma	دوندگی، دو

ansı-ma	یادآوری، به خاطر آوردن، تداعی
oyalan-ma	حواس پرتی
antlaş-ma	قرارداد، میثاق، عهد نامه
püskürt-me	عمل پاشیدن
doğra-ma	خرد شده، بریده شده، تکه تکه شده
araştır-ma	تحقیق و بررسی
danış-ma	مشورت، اطلاعات
kalkın-ma	عمران و آبادی، توسعه و ترقی
an-ma	یادآوری، تداعی، ذکر کردن مورد یا چیزی و یا شخصی، به یار آوری فردی به خوبی و نیکی
ezdir-me	عمل تحمیل کردن
açıkla-ma	فاش کردن، به طور کلی آشکار ساختن
gevşe-me	رخاوت، سستی، شلی
açıklan-ma	معرفی، تشریح
beze-me	آرایش
açım-la-ma	تشریح، توضیح
dayanış-ma	پیوستگی، همبستگی، مشترک
dene-me	تجربه، امتحان، آزمایش
kabar-ma	بالا آمدگی، برجستگی، بالا آمدگی آب دریا، مد
kabart-ma	هر چیز برجسته و بالا آمده، برجسته کاری روی چوب یا فلز و...
barış-ma	آشتی، تفاهم، هماهنگی، صلح
açındır-ma	هموار و باز کردن چیزی
aç-ma	آماده سازی زمین برای کشت
batılılaş-ma	غرب گرایی، گرایش به فرهنگ و تمدن غربی
kay-ma	لغزش، سرخوردگی، لیز خوردگی
doğ-ma	تولد، طلوع، ظهور
kapla-ma	روکش، پوشش، روپوش
acı-ma	ترحم، همدردی کردن با کسی، دلسوزی
acın-ma	ترحم، دلسوزی، همدردی
kaz-ma	۱-حفر، کندگی ۲-کلنگ
dök-me	افشان، ریخته، ریزش
sürtün-me	اصطکاک، مالش

kana-ma	خونریزی داخلی یا خارجی
dondur-ma	بستنی
dol-ma	دلمه، پر کرده شده
iç-me	۱-نوشیدنی ۲-آب‌های مدنی

فرقی که مابین پیوند *-ma, -me* با پیوند مصدری *-mak, -mek* وجود دارد این است که پیوند اخیر نام عمومی حرکت و پیوند *-ma, -me* نام عمل ناشی از حرکت را معلوم می‌کند و بنابراین هم، جنبه اسمی اشکالی که از الحاق پیوند *-ma, -me* به وجود می‌آیند، خیلی بیشتر از جنبه اسمی مصدر است. به طوری که در میان گروه بی شمار اشکال مصدر به تعداد انگشت شماری از آن‌ها نظیر *yemek* (غذا، طعام، خوراک) و *çakmak* (فندک) می‌توان برخورد که مفهوم ذاتی پیدا کرده‌اند. در حالی که در اسامی فعلی که پیوندهای *-ma, -me* را دارند تعداد خیلی بیشتری وجود دارند که اسامی ذاتی اشیا معین هستند که در بالا مثال‌های زیادی از آن آورده شد.

پیوند چهار شکلی *-ış, -iş, -uş, -üş* یکی از پرکاربردترین پیوندها است این پیوند نیز مانند دو پیوند فوق به آخر انواع فعل الحاق یافته و نقشی شبیه پیوند *ma, me* بازی می‌کند. یعنی اسامی فعلی ناشی از حرکت و کنش اشیا را به وجود می‌آورد که به جز فعل بی قاعده *imek* بر سر سایر افعال آورده می‌شود و از فعل، اسم می‌سازد:

al-ış	ستد، خرید
dön-üş	رجعت، عودت، برگشت
at-ış	تیر اندازی، طرز انداختن، آتش اندازی
yürü-y-üş	طرز راه رفتن، حرکت کردن، رژه رفتن
çekil-ış	قرعه کشی
dur-uş	طور، طرز، حالت، وضع
yağ-ış	باران
otur-uş	صندلی
duy-uş	احساس، طرز شنیدن
bak-ış	نظر، نگاه، دید
dağıl-ış	پراکنده شدگی، از هم گسستگی، فرو ریزی
söylen-iş	طرز بیان، طرز تلفظ یا گفتن
gör-üş	دیدار، دیدگاه، عقیده، نظر
gül-üş	خنده، تبسم
çık-ış	خروج
gir-iş	ورود

طرز فهمیدن، فراست، هوشیاری، فهم anla-y-ış

نظیر این پیوند در فارسی نیز وجود دارد که معمولاً در آخر بن مضارع و گاهی صفت می‌آید و اسم مصدر می‌سازد مانند: خورش، برش، روش، جهش، نرمش، گرمش، ورزش، پیدایش، کشش، کنش، سوزش، افزایش، پیرایش، ستایش، پرش...

پیوند هشت شکلی -k1, -ki, -ku, -k1, -gi, -gu, -g1, -gi از پیوندهای پرثمر بوده و با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

bil-gi	معلومات، علم، دانش، آگاهی
b1ç-k1	اره دو سر
bas-k1	فشار، چاپ
büz-gü	فشرده‌گی و یا جمع کردن قسمتی از پارچه به وسیله رشته نخ یا کش را گویند
gör-gü	تجربه، آداب معاشرت، چشم دل، مشاهده
ver-gi	مالیات، عوارض، موهبت الهی
sev-gi	محبت، دوستی، عشق، حب، شوق
duy-gu	حس، احساس
çal-gı	آلت نواختن موسیقی، ساز موسیقی
kes-ki	۱-آلت قطع کردن یا بریدن ۲-اسکنه، تبر، قلم کوچک
iç-ki	مشروب، نوشابه الکلی
bil-gi	معلومات، علم، دانش، آگاهی
ser-gi	نمایشگاه، محل ارائه و نمایش کالا جهت فروش
sor-gu	بازپرس، استنتاج
et-ki	تأثیر، اثر، نفوذ
say-gı	احترام، حرمت، عدم مزاحمت
sar-gı	۱-باند، باند پیچی ۲-مست، مشروب خورده
bur-gu	مته، دشنه، آلت نجاری برای سوراخ کردن چوب
ör-gü	بافندگی، مو یا نخ یا غیره را بهم بافتن، بافته شده
yar-gı	حکم، قرار (در محکمه دادگاه)

پیوند هشت شکلی -g1n, -gin, -gun, -gün, -k1n, -kin, -kun, -k1n از پیوند مبالغه است که بر سر ریشه فعل‌های تک سیلابی آورده می‌شود. این پیوند نیز از پیوندهای پرثمر بوده، که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

dal-g1n	پریشان فکر، غرق در فکر، حواس پرت
az-g1n	عصبانی، وحشتناک، خشمگین، حشری
dar-g1n	رنجیده، دلگیر، قهر

eriş-kin	بالغ، بزرگسال
küs-kün	قهر کرده، رنجیده، دلخور، ناراضی
alış-kın	عادت، معتاد
bay-gın	بیهوش
gir-gin	تو دل برو، زرنگ
ol-gun	کامل، رسیده، پخته، جا افتاده
piş-kin	خوب پخته شده، برشته، بی عار
coş-kun	پر حرارت، جوش و خروش، نشاط
aş-kın	بیش از مقدار و یا زمان مورد نظر، بیش از حد، زیاد، فراتر
düz-gün	صاف و هموار، درست، مرتب، تمام و کمال
üz-gün	ضعیف، کم بنیه، سست

پیوند چهار شکلی -gan, -gen, -kan, -ken پیوند مبالغه شدید است که بر سر ریشه فعل‌های تک سیلابی آورده نمی‌شود. این پیوند نیز یکی دیگر از پیوندهای پرثمر بوده، که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

alın-gan	نازک نارنجی، زود رنج
sıkıl-gan	خجالتی، کمرو، محجوب
konuş-kan	پرحرف، وراج
somurt-gan	غرغرو، عبوس، ترش رو
çekin-gen	خجالتی، کمرو، محجوب
giriş-ken	زرنگ، کاربر
unut-kan	فراموش کار، نسیان کار

پیوند دو شکلی -man, -men این پیوند نیز از پیوندهای پر ثمر رایج در زبان ترکی استانبولی بوده و اسم‌هایی مرتبط با شغل و حرفه تشکیل می‌دهد. مانند:

öğret-men	معلم
okut-man	معلمی که برای تدریس زبان در دانشگاه استخدام می‌شود
say-man	حسابدار، محاسب
seç-men	انتخاب کننده
yaz-man	کاتب، نویسنده، منشی

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوند چهار شکلی -i, -İ, -u, -ü, -l, -I که بسیار پر کاربرد بوده و با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی را که در نتیجه اجرای فعل حاصل می‌گردد تشکیل می‌دهد. مانند:

sür-ü	گله، رمه، گروه یا دسته‌ای از حیوانات
sev-i	عشق، محبت
dikil-i	دوخته شده، بخیه شده، کاشته شده
ört-ü	پوشش، روپوش، ستر
dol-u	پر
koş-u	مسابقه اسب دوانی
öl-ü	مرده، مرحوم، فوت کرده
yap-ı	ساختمان، وجود، بنیه، هیکل
kok-u	۱-بو، رایحه ۲-جزیی، مقدار کم
kork-u	ترس، هراس، نگرانی، خطر
çek-i	نام وزنی معادل ۲۵۰ گرم که در استانبول رایج است
yaz-ı	نوشته، مکتوب، نامه، مقاله، خط نوشته

پیوند چهار شکلی -ün-tü, -un-tu, -in-ti, -in-tı با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مفهوم فعل تشکیل می‌دهد. مانند:

boğ-un-tu	۱-به زور تنفس کردن ۲-گران‌فروشی، منازعه کردن، دست به یقه شدن
öd-en-ti	حق عضویت، عایدات
sık-ın-tı	دل‌تنگی، ناراحتی، عذاب، بی‌حوصلگی، مشقت
bur-un-tu	درد شکم
ak-ın-tı	ترشحات، چرک، جراحت، چیزی که روان است، ریزش، ترشح
çık-ın-tı	برآمدگی، پیش آمدگی، بالا آمدگی
çök-ün-tü	نشست، ته نشین، ناتوانی، ضعیف
kur-un-tu	وهم، خیال، اوهام، تصورات نابجا
kov-un-tu	مطرود، بیرون رانده شده

پیوند چهار شکلی -üçü, -ucu, -ıcı, -ıcı می‌آورد. مانند:

sür-üçü	سورچی، راننده، هدایت کننده حیوانات
al-ıcı	خریدار
sev-ici	زنی که از روی شهوت زن دیگری را دوست داشته باشد.
vur-ucu	زننده
ak-ıcı	روان، جاری، سیال

oku-yucu	خواننده، آوازه خوان
gül-dür-ücü	خنده آور، مضحک
uyuş-tur-ucu	مواد مخدره، بی هوش کننده، بی حس کننده
hayat ver-ici	حیات بخش
serhoş ed-ici	مست کننده، سر خوش کننده

پیوند چهار شکلی -ık, -ik, -uk, -ük, -k در ریشه‌هایی که به مصوت ختم می‌شوند. که بسیار پر کاربرد بوده و با الحاق به آخر یک رشته از افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

aç-ık	گشاده، باز، واضح، کم رنگ، آزاد رک و پوست کنده، صریح
böl-ük	قسمت، دسته
düş-ük	افتاده، سقوط نازل
dile-k	آرزو، میل، تمنا، خواهش
yat-ık	تمایل
yan-ık	سوخته، نشو و نما کرده، ضعیف مانده، سوختگی
at-ık	رنگ و رو پریده، وارفته، خراب شده (چراغ)
buruş-uk	چین و چروک
yuvarla-k	گرد، کروی، مدور
iste-k	خواسته، تقاضا، میل، آرزو
tara-k	شانه
ele-k	الک
büyü-k	بزرگ
soğu-k	سرد

پیوند دو شکلی -ek, -ak که بسیار پر کاربرد بوده و با الحاق به آخر یک رشته از افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

at-ak	جسور، ماجراجو، پرجرات
dön-ek	خائن
kaç-ak	۱- قاپاق ۲- نشست مایع یا تراوش‌ها هوا از چیزی به طور خیلی کم
sanc-ak	پرچم، بیرق، علم
dur-ak	ایستگاه اتوبوس یا تراموای
yala-k	لگن، تشک
bat-ak	باتلاق
ölç-ek	مقیاس، ظرف اندازه گیری غله
yed-ek	یدک، اضافه، یدکی، ذخیره، احتیاطی

tapın-ak	معبد، پرستشگاه، عبادتگاه
dayan-ak	پشتیبان، ضامن، تکیه گاه
sığın-ak	پناهگاه، ملجأ
ürk-ek	رمو، ترسو، خجالتی

پیوند چهار شکلی It, it, ut, üt (t-) در ریشه‌هایی که به مصوت ختم می‌شوند. با الحاق به آخر ریشه یک رشته از افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

ayır-t	فرق، تمایز، تفاوت
öğ-üt	پند، نصیحت، وعظ
geç-it	معبور، گذرگاه، تنگه، رژه، مراسم عبور
yoğur-t	ماست
um-ut	امید
an-ıt	بنای یادگاری
soy-ut	مجرد، مطلق، مشخص، معنا
taş-t	وسایط نقلیه
yak-ıt	سوخت
yaz-ıt	قطعه نوشته شده روی سنگ، حک شده یا نوشته شده روی سنگ‌نبشته
	همچنین این پیوند صفت‌هایی از تو زیر را نیز به وجود می‌آورد:
yaş-ıt	هم سن و سال
eş-ıt	مساوی، معادل، برابر
karş-ıt	ضد، مخالف، مقابل، مغایر

پیوند دو شکلی -am, -em با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

tut-am	یک مشت از هر چیزی
dön-em	دوره، موسم، فصل
kur-am	نظریه

پیوند دو شکلی -an, -en با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

bak-an	وزیر
düz-en	انتظام، نظم و ترتیب، تزویر و حقه
kap-an	تله، دام، تله کوچک

پیوند دو شکلی -ga, -ge- با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

bil-ge	۱-علم افزون و متقن، علمی که صحت و سقم دارد. ۲-کسی که علم خود را به دیگری می‌آموزد. ۳-فایده رسان
dal-ga	موج، حالت خماری
yon-ga	تراشه نجاری، براده آهن
böl-ge	منطقه ناحیه
süpür-ge	جارو، جاروب
kavur-ga	بو دادن خشکبار، گندم، ذرت بر روی آتش

پیوند دو شکلی -acak, -ecek- کاربرد ی است و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

gel-ecek	آینده، مستقبل، آتیه
giy-ecek	پوشاک، لباس، پیراهن
yak-acak	سوختنی، مواد سوختنی
sil-ecek	پاک کن، حوله، دست پاک کن
ver-ecek	بدهی، قرض

پیوند دو شکلی -a, -e- که کم کاربرد است و فقط در چند کلمه دیده می‌شود:

yar-a	زخم، جراحت
sap-a	راه کج، بیراهه
öt-e	ماوراء، آن طرف، آن سوی
oy-a	کار دستی یا سوزن کاری کناره سفره یا دستمال

پیوند دو شکلی -av, -ev- (بعد از مصوت -v-) با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

gör-ev	وظیفه، خدمت، تکلیف، مأموریت
öd-ev	وظیفه، مشق درس شاگرد که باید آماده نماید
sına-v	امتحان، آزمایش
işle-v	تابع

پیوند دو شکلی -aç, -eç- (بعد از مصوت -ç-) با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

tıka-ç	تویی، سوراخ گیر، کهنه یا چوبی که به سوراخی می‌تپانند
--------	--

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

say-aç کنتور (برق، آب، گاز و غیره)
kaldır-aç اهرم، دیلم

پیوند چهار شکلی -agan, -egen, -ağan, -eğen که بسیار کم کاربرد است، با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

ol-ağan عادی، قابل انجام، معمولی
gez-egen سیاره
dur-ağan پایدار، ایستا

پیوند چهار شکلی -sı, -si, -su, -sü که کم کاربرد است این پیوند نیز فقط در چند کلمه دیده می‌شود:

yat-sı عشاء، غروب آفتاب گذشته یا نصف شب، شامگاه
sin-si زیرزیرکی، مخفیانه
yas-sı پهن، صاف، هموار
tüt-sü بخور یا چیزی که برای بخور دادن بکار می‌رود.

پیوند دو شکلی -arı, -eri که بسیار کم کاربرد است و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

uç-arı آدم سر به هوا، کسی که به انواع تفریحات می‌پردازد
göç-eri دوست دار مهاجرت، کسی که مدام کوچ می‌کند

پیوند دو شکلی -anak, -enek که کم کاربرد است:

sağ-anak رگبار، باران شدید
gel-enek رسم و قاعده، رسوم و عادت
gör-enek عادت، رسوم، عنعنه

پیوند دو شکلی -amak, -emek این پیوند نیز مانند پیوند بالا کم کاربرد است:

tut-amak دسته، دستگیره، شی قابل تکیه
basa-mak پلکان، رتبه، درجه، بالا رفتن از پله

پیوند دو شکلی -ay, -ey با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد و از پیوندهای کم کاربرد است:

ol-ay	واقعه، حادثه، اتفاق
yap-ay	مصنوعی، ساخته شده توسط دست
düz-ey	سطح
düş-ey	عمودی، شاغولی

پیوند دو شکلی -alak, -elek- این پیوند نیز کم کاربرد است:

yat-alak	زمین گیر، علیل، مریض، بستر طولانی
as-alak	طفیلی، سربار کسی، دامن گیر
çökel-ek	کشک، تورنا، شوره باقیمانده از روغن گیری کره

پیوند دو شکلی -alga, -elge- این پیوند هم از موارد کم کاربرد است:

çiz-elge	نمودار، شکل نماینده
bit-elge	باروری (از خاک)
kon-alga	اقامتگاه

پیوند دو شکلی -ası, -esi- بسیار کم کاربرد است و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

ol-ası	احتمالی، محتمل الوقوع
--------	-----------------------

پیوند چهار شکلی -ın, -in, -un, -ün- که بسیار پرکاربرد بوده و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازند:

ak-ın	حمله، هجوم
ek-in	کشت و زرع، محصول، حاصل زراعی
tüt-ün	توتون
yığ-ın	توده، انبوه، پشته
bas-ın	مطبوع، روزنامه، مجلات
gel-in	عروس

پیوند چهار شکلی -gıç, -giç, -guç, -güç- با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازند:

dal-gıç	غواص، آب باز
---------	--------------

bil-giç	دانشمند، عالم
başlan-gıç	ابتدا، شروع، سر لوحه
patlan-gıç	ترقه، ترقه بازی، مواد منفجره

پیوند چهار شکلی -gaç, -geç, -kaç, -keç- معادل پیوند قبلی است. مانند:

yüz-geç	شناگر، بال ماهی که به وسیله آن شنا می کند
süz-geç	آب پاش، فیلتر، صافی
kıs-kaç	۱-گیره، انبر ۲-نزدبان باز و بسته شونده
utan-gaç	خجول، محجوب، خجالتی
patlan-gaç	ترقه، ترقه بازی، مواد منفجره

پیوند چهار شکلی -im, -üm, -um, -im- با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازند:

al-ım	خرید، جذابیت
iç-im	جرعه، غورت
yurd-um	جرعه، غورت
dil-im	قاج، یک تکه بریده شده
doğ-um	تولد، ولادت
öl-üm	مرگ، مردن، موت، فنا
tut-um	حالت، وضعیت، روش، صرفه جویی
bas-ım	چاپ، طبع
de-yim	گفته، تعبیر، اصطلاح، عبارت
dur-um	حالت، وضعیت، شکل
biç-im	نوع، شکل، قواره
uçur-um	پرتگاه، دره، حالت سقوط، بدبختی
yatır-ım	وجوه ودیعه گذاشته شده، پس انداز
sev-im	علاقه، مهر و محبت
geç-im	معیشت، مخارج، سازگاری، معاشرت

علاوه بر این‌ها در زبان ترکی استانبولی برای تشکیل اسامی پیوندی انواع دیگری از پیوندها نیز مانند ca, cak, cek و امثال آن بکار می‌رود.

oyun-cak	بازیچه، اسباب بازی
----------	--------------------

bulma-ca معما، چیستان
bilme-ce معما

در ردیف پیوندهای توصیفی اسم، به ترکیبات صوتی چندی نیز مانند baz ، dar ، hane و غیره می‌توان برخورد که ضمن کلمات دخیل وارد زبان ترکی استانبولی شده و صرف‌نظر از مفهومی که در زبان اصلی دارند، اینجا نقش پیوند توصیفی را بازی می‌کنند. مانند:

oyun-baz حقه باز، حيله گر، شارلاتان
cam-baz بند باز، آکروبات
hokka-baz تردست، شعبده باز، شیاد، حقه باز
kütüp-hane کتابخانه
posta-hane پستخانه
pasta-hane شیرینی فروشی
ecza-hane داروخانه
süt-hane لبنیاتی
dikim-hane اتاق دوخت
aşhane فروشگاه آشپزی
haber-dar خبردار

پیوند -vari- (بهشت وار، پلنگ وار، دیوانه وار) که از فارسی وارد ترکی شده و معنی همانندی را می‌دهد:

Şekspirvari همانند شکسپیر، شکسپیر وار
James bondvari bir casusluk جاسوسی همانند جیمز باند

پیوند -ane- که از فارسی وارد شده و برای تشبیه و نسبت و لیاقت به کار می‌رود و صفت و قید می‌سازد:

mest	مست	mestane	مستانه
şah	شاه	şahane	شاهانه
şair	شاعر	şairane	شاعرانه
dost	دوست	dostane	دوستانه
müddebir	مدبر	müddebirane	مدبرانه
bilgiç	عالم	bilgiçane	عالمانه

Müddebir bir paşa یک پاشای مدبر
Paşanın müddebebirane hareketi حرکت مدبرانه پاشا

۳- اسامی مرکب

در زبان ترکی استانبولی به دو طریق: ۱- به طریق بهم پیوستن کلمات ناهمانند ۲- به طریق توالی کلمات همانند تشکیل می‌شوند.

۱- تشکیل اسامی مرکب به طریق بهم پیوستن کلمات ناهمانند:

الف) از بهم پیوستن دو اسم. مانند:

ana yol	راه اصلی
erkek kardeş	برادر
kız arkadaş	خواهر
kadın doktor	دکتر زن
avukat kadın	وکیل زن

ب) از بهم پیوستن دو اسم در حالی که اسم دوم دارای پیوند نسبت باشد. مانند:

deve kuşu	شتر مرغ
yılan balığı	مار ماهی
ayak kapı	کفش
otobüs bileti	بلیط اتوبوس
el çantası	کیف دستی
masa örtüsü	رو میزی
çay bardağı	لیوان چای
çocuk bahçesi	باغ کودک

پ) از بهم پیوستن دو اسم در حالی که اسم اول اسامی مواد است. مانند:

çelik kapı	در فلزی
taş duvar	دیوار سنگی
yün çorap	جوراب پشمی

ج) از بهم پیوستن اسم با کلمات وصفی. مانند:

akçay	سفید رود
akpınar	سفید چشمه
karabiber	لفل سیاه
karafatma	سوسک سیاه

kabakulak	نوعی مرض مصری یا آماس غده زیر گوش، اوریون
sarıgöz	چشم زرد
kırk ayak	چهل پا
akciğer	جگر سفید، شش
acı çay	چای تلخ
sarı humma	تب زرد
aktaş	سنگ سفید

(د) از بهم پیوستن اسم با فعل. مانند :

tırnak tutan	ناخن گیر
--------------	----------

۲-تشکیل اسامی مرکب به طریق توالی کلمات مانند:

الف - به طریق تکرار متوالی یک اسم. مانند:

oyun oyun	بازی بازی
hıngır hıngır	زار زار
bölük bölük	قسمت قسمت

ب - به طریق توالی دو اسم که از لحاظ معنی تقارن و مشابهتی در میان آنها باشد.

koyun kuzu	گوسفند و بره
karı koca	زن و شوهر

ج - به طریق تکرار یک اسم در حالی که حرف اول اسم دوم تغییر صوتی پیدا می کند و معنی خود را از دست می دهد.
مانند:

çocuk mocuk	بچه مچه
adam madam	آدم مادم
iş miş	کار مار
çoluk çocuk	زن و بچه
abuk sabuk	پرت و پلا
sıkı fıkı	خوش مشرب

د - به طریق توالی اسامی متضاد. مانند:

alış veriş	خرید و فروش، داد و ستد
gece gündüz	شب و روز

انواع اسم

اسم دارای انواع زیر است:

۱- اسم عام:

نام عمومی اشخاص، جانوران و اشیا است. به عبارت دیگر، اسم عام اسمی است که تمام افراد یا چیزهای همجنس خود را شامل می‌شود. مثال:

مرغ tavuk دختر kız شهر şehir

۲- اسم خاص:

کلمه‌ای است که بر شخص یا چیز معین یا خاص دلالت دارد. مثال:

استانبول İstanbul ایران İran علی Ali

نکته: به طوری که ملاحظه می‌کنید، اسم خاص با حرف بزرگ شروع می‌شود.

۳- اسم ذات:

اسمی است که در عالم ظاهر موجود باشد و به توان آن را لمس کرد. مثال:

درخت ağaç قفس kafes قناری kanarya

۴- اسم معنی:

اسمی است که در عالم ظاهر وجود ندارد و نمی‌توان آن را دید یا لمس کرد. مثال:

سعادت saadet ایمان iman عشق aşk

۵- اسم جمع:

بعضی از اسم‌ها هستند که مفرد نیستند و علامت جمع ندارند، اما بر بیش از یک نفر یا چیز دلالت می‌کنند، مانند:

لشگر، سپاه، ارتش، قشون ordu

جمعیت، دسته، گروه alay

گله، رمه، گروه یا دسته‌ای از حیوانات sürü

کنگره، جلسه عمومی هیئت یا جمعیتی kurultay

meclis	مجلس
takım	دسته، گروه، رسته
aile	خانواده
grup	گروه، دسته، طبقه، توده، زمره

به این گونه اسمی، اسم جمع می‌گویند. اسم‌های جمع را نیز می‌توان جمع بست.

اشکال تصریفی اسم

در زبان ترکی استانبولی، اسم به اقتضای ارتباط و هم بستگی خود با سایر اجزای کلام تصریف می‌شود. در این زبان، اشکال تصریفی اسم با الحاق پیوندهای تصریفی متناسب به آخر اسم تعیین می‌گردد. پیوندهای تصریفی اسم که به منزله‌ی مهره‌ها و ابزار جایگزینی آن در کلام هستند، دارای اشکال مختلف بوده و از نظر شمول و نحوه‌ی عمل هر یک جای ویژه‌ای برای خود دارند. به طوری که قبلاً نیز اشاره شد، جای پیوندهای تصریفی، در ترکیب کلمات همواره بعد از پیوندهای توصیفی است. منتها خود پیوندهای تصریفی از نظر حدود عمل درجاتی دارند. از پیوندهای تصریفی اسم، آنچه درجه‌ی شمولش محدودتر باشد، به پیوندهای توصیفی نزدیک‌تر و آنکه شمولش وسیع‌تر باشد به نسبت دورتر خواهد بود. به این ترتیب، در اسم‌ها، پیوند جمع قبل از همه‌ی پیوندهای تصریفی و بعد به ترتیب پیوندهای تملیک و حالت قرار می‌گیرند و از این میان آنچه به مفهوم حقیقی کلمه اشکال تصریفی اسم را به وجود می‌آورد، همان پیوندهای حالت است و بقیه یعنی پیوندهای جمع و تملیک موقعیت بینابینی دارند

جمع و پیوند جمع

اسم در زبان ترکی استانبولی، مانند زبان فارسی، به دو حالت مفرد و جمع به کار می‌رود و حالت تثنیه که در یک عده از زبان‌ها متداول است، در این زبان وجود ندارد. اسم در حالت مفرد بدون علامت و در حالت جمع یعنی هر وقت تعداد آن از دو بیشتر باشد، علامت جمع می‌پذیرد.

پیوند جمع در زبان ترکی استانبولی از دیر باز پیوند دو شکلی -lar, -ler است. اسم‌هایی که مصوت آخری آن‌ها پسین یا خشن باشد، با -lar و آن‌هایی که مصوت آخرشان پیشین یا ظریف باشد، با -ler جمع بسته می‌شوند. مانند:

bitki-ler	گیاهان
oyun-lar	بازی‌ها
gün-ler	روزها
ay-lar	ماه‌ها

الحاق پیوند جمع در آخر اسم تنها از نظر کمیت موثر بوده و نقشی در جریان ارتباط و همبستگی اسم با اجزای دیگر کلام ندارد. به همین لحاظ هم، پیوند جمع شباهت زیادی به پیوندهای توصیفی دارد. در اسم‌هایی که علامت جمع می‌پذیرند، پیوندهای نسبت و حالت بعد از پیوند جمع می‌آیند. مانند:

düşünce-ler-im	افکار من
----------------	----------

ağaç-lar-dan

از درختان

پیوندهای -ler و -lar در فعل نیز به عنوان علامت سومین شخص جمع به کار می‌رود. مانند:

bak-tı-lar.

نگاه کردند.

gör-müş-ler

دیده‌اند.

در حالت جمع اسامی، تکیه بر روی جمع می‌افتد. مثلاً در kuşlar (پرنده‌گان) و serçeler (گنجشک‌ها) تکیه در روی پیوند جمع قرار دارد. در مورد پیوندهایی که بعد از پیوند جمع قرار می‌گیرند، هر گاه این پیوندها تکیه دار باشند، پیوند جمع تکیه خود را از دست می‌دهد. مثلاً در kuşlardan (از پرنده‌گان) و serçelerim (گنجشک‌های من) تکیه بر روی پیوند حالت و تملیک منتقل شده است.

تملیک و پیوند تملیک

حالت تملیک یا نسبت در سلسله‌ی پیوندهای تصریفی اسم به حالتی اطلاق می‌شود که اسم در آن حال تعلق به یکی از اشخاص شش گانه «من، تو، او، ما، شما، ایشان» قرار می‌گیرد. حالت تملیک در زبان فارسی با افزودن علائمی به آخر اسم‌ها که از آن‌ها به ضمائر ملکی نام می‌برند، ایجاد می‌شود. ولی در زبان ترکی استانبولی این حالت با الحاق پیوندهایی که بنام پیوند تملیک شناخته شده‌اند تشکیل می‌گردد.

حالت تملیک در بعضی از زبان‌ها وجود ندارد. در برخی دیگر این حالت به جای یک کلمه بوسیله‌ی گروه کلمات بیان می‌گردد. در زبان ترکی استانبولی حالت تملیک از نظر تعلق به اشخاص شش گانه تصریف می‌شود و اشکال تصریفی آن بر حسب این که آخر اسم به صامت یا مصوت ختم شود به شرح زیر است:

el	دست	akşam	عصر	köy	روستا	çocuk (بچه)
elim	دستم	akşamım	عصرم	köyüm	روستایم	çocuğum
alin	دستت	akşamın	عصرت	köyün	روستایت	çocuğun
eli	دستش	akşamı	عصرش	köyü	روستایش	çocuğu
elimiz	دستمان	akşamımız	عصرمان	köyümüz	روستایمان	çocuğumuz
eliniz	دستتان	akşamınız	عصرتان	köyünüz	روستایتان	çocuğunuz
elleri	دستشان	akşamları	عصرشان	köyleri	روستایشان	çocukları

anne (مادر)	kapı (درب)	ölçü (اندازه)	korku (ترس)
annem	kapım	ölçüm	korkum
annen	kapın	ölçün	korkun
annesini	kapısı	ölçüsü	korkusu

annemiz	kapımız	ölçümüz	korkumuz
anneniz	kapınız	ölçünüz	korkunuz
anneleri	kapıları	ölçüleri	korkuları

کلمه su (آب) یک استثنا است که به همراه y میانجی حالت مالکیت را به خود می‌گیرد. همچنین کلمه ağabey (آقا داداش) در شکل مخفف به صورت abi بکار می‌رود به جدول زیر توجه کنید:

su	ağabey	abi
suyum	ağabeyim	abim
suyun	ağabeyin	abin
suyu	ağabeyi	abisi
suyumuz	ağabeyimiz	abimiz
suyunuz	ağabeyiniz	abiniz
suları	ağabeyleri	abileri

در ترکی استانبولی مالکیت را با پیوندهای مختلف نشان می‌دهند:

۱- اضافه شدن پیوند به ضمیر:

ben-im	مال من
sen-in	مال تو
o-nun	مال او
biz-im	مال ما
siz-in	مال شما
onlar-ın	مال آن‌ها

۲- اضافه شدن به اسم:

	بعد از حروف صامت	بعد از مصوت
مفرد		
۱	-im , -ım , -um , -üm	-m
۲	-in , -ın , -un , -ün	-n
۳	-i , -ı , -u , -ü	-si , -sı
جمع		
۱	-imiz , -ımız , -umuz , -ümüz	-miz , -mız , -muz , -müz
۲	-iniz , -ınız , -unuz , -ünüz	-niz , -nız , -nuz , -nüz
۳	-leri , -ları	-leri , -ları

مثال:

Benim	adım	babam	eşim	dedem
اسم من		پدرم	همسر من	پدربزرگم
Senin	adın	baban	eşin	deden
اسم تو		پدرت	همسرت	پدربزرگت
Onun	adı	babaşı	eşı	dedesi
اسم او		پدرش	همسرش	پدر بزرگش
Bizim	adımız	babamız	eşimiz	dedemiz
اسم ما		پدرمان	همسرمان	پدربزرگمان
Sizin	adınız	babanız	eşiniz	dedeniz
اسم شما		پدرتان	همسرتان	پدر بزرگتان
Onların	adları	babaları	eşleri	dedeleri
اسم آنها		پدرشان	همسرشان	پدر بزرگشان

چند مثال دیگر:

Benim sigaram

سیگار من

Onun adresi

آدرس او

Senin otomobilin

اتومبیل تو

Bizim biramız

آبجوی ما

در گفتگو روز مره، ضمائر ملکی را همیشه حذف می کنند زیرا پیوندی که به اسم یا ضمیر متصل می شود خود معرف مالک است:

soyadım

نام خانوادگی ام

adresin

آدرس تو

çocuğu

بچه او

پیوند ملکی را می توان به دنبال پیوند جمع آورد:

çocuğum

بچه من

çocuklarım

بچه های من

dedemiz

پدر بزرگ ما

dedelerimiz

پدر بزرگ های ما

اطلاق نام ضمیر به پیوندهای تملیک در زبان ترکی استانبولی از آن نظر نادرست است که در این زبان ضمائر جزو گروه کلمات مستقل بوده و هر ضمیر برای خود دارای ریشه ایست که می تواند در کلام برحسب موقعیت خود پیوندهای مختلف بپذیرد. در حالی که پیوندهای تملیک از بکار رفتن به صورت مستقل در کلام محروم بوده و تنها در نقش پیوند وظیفه خود را به انجام می رساند.

شباهت پیوندهای نسبت به حالت بیشتر از پیوند جمع بوده و بدین لحاظ نیز ، در رشته تسلسل پیوندها، بعد از پیوند جمع و جلوتر از پیوندهای حالت جای می گیرد.

پیوندهای تملیک جزو پیوندهای تکیه دار بوده و وقتی در کلمه جای آخر را بگیرند، تکیه را با خود همراه می کنند و تنها موقعی که بر پیوندهای حالت مقدم باشند تکیه را از دست می دهند . بنابراین در کلماتی از نوع: başım (سر)، gözlerin (چشمهایت)، babanız (پدرتان)، anneleri (مادرشان)، تکیه بر روی پیوند تملیک می ماند و در کلمات başımdan (از سرم)، gözlerinde (در چشمهایت)، babanızda (در پدرتان)، annelerini (مادرشان) را، تکیه بر روی پیوند حالت منتقل می شود.

حالت و پیوندهای حالت:

در زبان ترکی استانبولی ارتباط اسم با سایر اجزای کلام به خصوص افعال به صورت حالت پذیری اسم انجام می پذیرد. حالات اسم به آن عده از اشکال تصریفی اسم اطلاق می شود که موقعیت و وظیفه آن را در کلام تعیین می کنند. عمل حالت پذیری اسم در زبان ترکی استانبولی عموماً به وسیله پذیرش پیوندهای حالت انجام می گیرد. پیوندهای حالت با الحاق به آخر اسامی و کلماتی که می توانند در کلام نقش اسم را به عهده بگیرند، ارتباط آن ها را با سایر اجزای کلام و در درجه اول با افعال فراهم می سازند و بدین لحاظ در تشکیل ترکیبات و جملات نقش اساسی و فوق العاده دارند.

مناسبات اسم با سایر کلمات هم جوار از دو نوع می تواند باشد:

در نوع اول وابستگی عنصر خارجی به اسم و در نوع دوم وابستگی اسم به عنصر خارج مشخص می گردد. پیوندهای تملیک برای استقرار وابستگی نوع اول و پیوندهای حالت برای استقرار وابستگی نوع دوم بکار می روند. در نوع اول جهت مناسبت به جانب اسم و در نوع دوم وابستگی اسم به خارج است. به همین لحاظ پیوندهای حالت در مفهوم حقیقی کلمه، پیوندهای تصریفی بشمار می آیند.

شناخته ترین حالات اسم در زبان ترکی استانبولی به قرار زیر هستند:

حالت	پیوند	فارسی	مثال	فارسی
حالت فاعلی یا آزاد	- -	-	kitap کتاب	
حالت اضافه یا تعلق	-(n)İn	مالی....	kitabın مال کتاب	
حالت تأثیر یا مفعول مستقیم	-(y)İ	را	kitabı کتاب را	
حالت گرایش یا مفعول غیر مستقیم	-(y)A	به	kitaba به کتاب	

حالت تخصیص یا مفعول فیه	DA - در	kitabta در کتاب
حالت انفکاک یا مفعول عنه	Den - از	kitapten از کتاب
حالت واسطه	ile یا (y)la - با	kitapla با کتاب

۱- حالت فاعلی یا آزاد (Yalın hal)

حالت فاعلی یا آزاد، حالتی است که اسم در کلام نقش عامل را ایفا می‌کند و بنابراین، از وابستگی به سایر کلمات بی‌نیاز است. اسم در حالت آزاد، اعم از اینکه به صورت مفرد یا جمع بکار رود، بدون قبول پیوند حالت و با همان شکل اصلی خود شرکت می‌کند.

اسم در حالت فاعلی در هر دو نوع جمله فعلی و اسمی بکار رفته و خبر یا مسند خود را از فعل و یا از سایر اقسام کلمات می‌توانند بر گزینند مثلاً در جمله فعلی *çocuk oynuyor* (کودک بازی می‌کند) اسم *çocuk* (کودک) در مقام مبتدا، فعل *oynuyor* (بازی می‌کند) را برای خود خبر قرار داده و در جمله اسمی *şebnem güzel* (شبنم زیبا است) اسم *şebnem* در مقام مسندالیه کلمه‌ی *güzel* (زیبا) را مسند انتخاب کرده است.

علاوه بر موارد فوق، اسم در نوعی از ترکیب اضافی نیز به حالت آزاد و در نقش تعیین کننده بکار می‌رود. مانند *altın yüzük* (انگشتر طلا)، *demir kapı* (در آهنی). اسم در حالت فاعلی به سؤالات *kim?* (که)، *ne?* (چه، چی) و *nere?* (کجا؟) جواب می‌دهد. حالت فاعلی، حالت اصلی اسم محسوب است و در فرهنگ‌ها نیز اسم با این حالت ثبت می‌شود.

۲- حالت اضافه یا تعلق (İlgi hali)

حالت اضافه یا تعلق حالتی است که همبستگی اسم را از نظر تعلق به اسم دیگر نشان می‌دهد. حالت اضافه در زبان ترکی استانبولی از نظر اقسام آن (تخصیصی، تشبیهی، استعاری و غیره) شامل تقسیم بندی مرسوم سایر زبان‌ها است. ولی در این زبان بر خلاف زبان فارسی مضاف‌الیه مقدم بر مضاف است، *bağın ağacı* (درخت باغ)، *geminin yelkeni* (بادبان کشتی).

اسم در حالت اضافه به دو شکل قبول و عدم قبول پیوند بکار می‌رود و از این نظر حالت اضافه دارای دو حالت معین و نامعین است. حالت معین که با قبول پیوندهای اضافه بکار می‌رود، از تعلق شیئی بر شیئی معین حکایت می‌کند. مانند *şehrin kalası* (قلعه‌ی شهر)، *kapının anhatarı* (کلید در)، *Zeynebin saçı* (گیسوی زینب).

علامت حالات اضافه معین پیوند چهار شکلی *ün, un, in, ın* (در کلماتی که به مصوت ختم می‌شوند با دخالت صدای کمکی *n* یعنی *nün, nun, nin, nın*) است.

اسم در حالت اضافه معین به سؤالات *kimin?* (مال که؟)، *neyin?* (مال چه؟)، *nerenin?* (مال کجا؟) جواب می‌دهد.

خود آموز ترکی استانبولی -----facebook.com/morteza.abdi

حالت اضافه غیر معین که بدون قبول پیوند اضافه بکار می‌رود، از تعلق شیئی بر شیئی نامعین حکایت می‌کند. koyun sütü (شیر گوسفند).

اگر بعد از پیوندهای ملکی -sı و -sı، پیوند دیگری افزوده شود یک حرف خنثی n بین آن دو قرار می‌گیرد:

araba-sı-n-da در ماشین او

anne-si-n-den از مادرش

در شرایطی که مالک یک اسم (و نه ضمیر) باشد. این پیوندها بعد از حرف صامت -in, -ın, -un, -ün و بعد حرف مصوت -nün, -nun, -nın, -nin هستند:

Kızın adı	اسم دختر
Ali'nin soyadı	نام خانوادگی علی
Osman beyin adresi	آدرس عثمان آقا
hanım efendinin eşi	همسر خانم

پیوند حالت اضافه (-nün, -nun, -nın, -nin) و (ün, -ın, -un, -ün) را می‌توان بعد پیوند ملکی نیز آورد:

babamın adı	نام پدرم
arkadaşımın telefonu	تلفن دوستم

اما اگر اسم اول فاقد پیوند حالت اضافه باشد در آن صورت نقش توصیف کننده (و نه ملکی) را برای اسم دوم خواهد داشت:

Ankara şehri	شهر آنکارا
Hilton oteli	هتل هیلتون
Hava alanı	فرودگاه
Türkiye Cumhuriyeti	جمهوری ترکیه

مثال‌های دیگر:

üniversite profesörler-i	پرفسورهای دانشگاه
Orhan'ın ismi	نام اورگان (نقش ملکی)
Nergiz ismi	اسم نرگس (نقش وصفی)
sultan Ahmed'in türbesi	آرامگاه سلطان احمد (نقش ملکی)
sultan Ahmed türbesi	آرامگاه سلطان احمد (نقش توصیف کننده)

Ebru eşi reza	همسر ابرو رضا
Türkiye büyük elçisi	سفیر ترکیه (نقش وصفی)
Türkiye'nin büyük şehirleri	شهرهای بزرگ ترکیه (نقش ملکی)
Hasan kızı mehtap	دختر حسن مهتاب
Muhammetlerin kızı leyla	دختر محمد لیلا
İstanbul camileri	مساجد استانبول (نقش وصفی)
İstanbul'un tarihî camileri	مساجد تاریخی استانبول (نقش ملکی)
suyun birdenbire donma	انجماد ناگهانی آب
Türkiye cumhuriyeti seçim kurulu	ستاد انتخاباتی جمهوری ترکیه
mahkeme kararı	قرار دادگاه (نقش وصفی)
mahkemenin bu kararı	این قرار دادگاه (نقش ملکی)

۳- حالت تأثیر یا مفعول مستقیم (Yükleme hali)

حالتی است که اسم را در موقعیت پذیرش حرکات و کنشی که از طرف شخص یا چیزی اعمال می‌گردد نشان می‌دهد. افعالی که در این حالت با اسم ایجاد ارتباط می‌کنند، الزاماً از نوع افعال متعدی هستند بنابراین، اسم در حالت تأثیر نقش مفعول صریح را به عهده دارند، مانند: yangın odun-u yaktı (آتش هیزم را سوزاند)، sis dağ-ı бүрдү (مه کوه را پوشاند)، Arzu su(yu) içti (آرزو آب را خورد).

اسم در حالت تأثیر به سؤالات kimi? (که را؟)، neyi? (چه را؟)، nereni? (کجا را؟) جواب می‌دهد. اسم در حالت مفعول مستقیم، غالباً با قبول پیوند و بعضاً نیز بدون آن بکار می‌رود. از این لحاظ حالت تأثیر نیز دارای دو حالت معین و نامعین است.

حالت تأثیر معین که اسم در آن با قبول پیوندهای ü, u, ð, ı (در اسم‌هایی که به مصوت ختم شده باشد، با دخالت یکی از اصوات کمکی n, y) شرکت می‌کند، حالتی است که در آن موجود تحت تأثیر فعل معلوم و مشخص باشد مانند: sözü sordum (حرف را پرسیدم)، evi süpürdü (خانه را جارو کرد)، onu gördüm (او را دیدم)، elmayı derdi (سیب را چید)، ayı görmüşler (ماه را دیده‌اند). در این مثال‌ها از ev, söz, o, elma و ay معین صحبت شده است.

اسم در حالت تأثیر معین غالباً قبل از خود یکی از کلمات bu (این)، şu (این)، o (او) و غیره را همراه می‌گیرد: bu fikri baştan çıkart (این اندیشه را از سر بدر کن)، o lambayı söndür (آن چراغ را خاموش کن)، şu kapıyı kapat (این در را ببند).

حالت تأثیر نامعین که اسم در آن بدون قبول پیوند شرکت می‌کند، حالتی است که شیئی یا شخص تحت تأثیر فعل نامعین باشد. مانند taş at (سنگ بیانداز)، ders çalış (درس بخوان).

در این دو مثال taş (سنگ) و ders (درس) غیر معین هستند.

مثال:

Tahran'ı	تهران را
beni	من را
kitabı	کتاب را
Ebru'yu	ابرو را
onu	او را، آن را
bunu	این را

Bu gazete-yi çıkarmak zor bir iş.	این روزنامه را منتشر کردن کار سختی است.
Evimiz-i یا bizim ev-i kiraladı.	خانه ما را اجاره کرد.
Adana'yı gezdik.	آدانا را گشتیم.
Hasan'ı hemen tanıdım.	حسن را به سرعت شناختم.
Profesör-u selamladı.	پرفسور را سلام کرد.
Siz-i ilgilendirmez.	به شما مربوط نمی‌شود.
Bu-nu neden yaptın.	این را برای چه انجام دادی.
öküz-ü aldı.	گاو نر را گرفت.
Kitab-ı okumadım.	کتاب را نخواندم.
Mavi kumaşı seçti.	پارچه آبی را انتخاب کرد.
İstanbul'u İstanbul yapan budur.	کسی که استانبول را استانبول کرد این است.
Sen-i arkadaş sanırdım.	تو را دوست می‌پنداشتم.
اگر این پیوند به اسامی خاص ملحق شود بین آن‌ها (') گذاشته می‌شود (مانند آنکارا و استانبول در مثال فوق) .	

۴- حالت گرایش یا مفعول غیر مستقیم (Yönelme hali)

حالتی است که اسم را در حالت کشش و گرایش به فعل نشان می‌دهد. مانند: kuş ağaca kondu (پرنده روی درخت نشست). ، çocuk yere düştü (کودک به زمین افتاد). اسم در حالت گرایش نقش مفعول غیر مستقیم را به عهده دارد.

اسم در حالت گرایش به سؤالات kime? (به کی؟) ، neye? (به چی؟) ، nereye? (به کجا؟) جواب می‌دهد و همواره با پیوند بکار می‌رود.

پیوندهای گرایش -a, -e است. در کلماتی که به صامت ختم می‌شوند -ya, -ye است. مثال:

İstanbul'a	به استانبول
sana	به تو
Ali'ye	به علی
paraya	به پول

Mektubu Ali'ye gösterdim.	نامه را به علی نشان دادم.
Hizmetçi-ye bir palto alacağız.	برای خدمتکار یک پالتو خواهیم خرید.
Türkiye'ye döndüler.	به ترکیه برگشتند.
Yer-e düştü.	به زمین افتاد.
Borc-a batmayalım.	به (در) قرض فرو نرویم.
Şişe-yi masa-ya koydu.	بطری را به روی میز گذاشت.
Sandalye-ye oturdum.	به روی صندلی نشستم.
Bir orman-a gizlendiler.	در یک جنگل مخفی شدند.
kız çiçek dermeğ-e çıkıyor.	دختر به (برای) چیدن گل بیرون می‌رود.
göz-e göz	چشم برای چشم
diş-e diş	دندان برای دندان
göz göz-e	چشم تو چشم
el el-e	دست تو دست
Bunu kaç-a aldın?	این را به چند خریدی؟

۵- حالت تخصیص یا مفعول فیه (Bulunma hali)

حالتی است که اسم در آن بر شیئی دلالت دارد که شیئی دیگر در داخل آن قرار داشته باشد مانند: evde satıyorlar (در خانه می‌فروشند)، elinde gördüm (در دستش دیدم).
اسم در حالت تخصیص همواره پیوند می‌پذیرد و به سؤالات kimde? (در کی؟)، neyde? (در چی؟)، nerde? (در کجا؟) جواب می‌دهد.

علامت حالت تخصیص پیوند چهار شکلی -te، -ta، -de، -da است.

مثال:

İstanbul'da	در استانبول
sen-de	در تو
gazete-de	در روزنامه

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

sokak-ta	در خیابان
Ramazan'da	در رمضان
ihtiyalık-ta	در پیروی
sıhat-ta	در صحت و سلامت

ben-de para yok	پولی در من نیست. (من پول ندارم)
5 eylül'de	در پنجم سپتامبر
radio'da bir konuşma var	در رادیو یک گفتگو وجود دارد.
yumurta şeklin-de bir taş	سنگی در (به) شکل تخم مرغ
kahve rengin-de bir şapka	کلاهی در رنگ قهوه‌ای
on metre uzuluğun-da bir ip	طنابی در (به) طول ده متر
yer mi yaşın-da	در بیست سالگی
bu fikir-de değilim	در این فکر نیستم.

اگر این پیوند جدا نوشته شود به معنی «هم» است:

ben de	من هم
annem de	مادرم هم
Ankara' da	آنکارا هم

این پیوند گاهی اوقات معنای «و» به خود می‌گیرد.

bizi gördü de selam vermedi	ما را دید و سلام نداد
çalışmış da kazanmış	کار کرده و برنده شده
	گاهی نیز معنی «اما» می‌دهد.

Öğrencilerin hepsinin adlarını bilmiyorum da yüzleri tanıyorum

اسم تمام دانش آموزان را نمی‌دانم اما چهره‌هایشان را می‌شناسم.

Sen git de ben gelmeyeceğim.	تو برو اما من نمی‌آیم.
------------------------------	------------------------

Ahmet mesajı bulup da yanlış anlamış meğerse.

احمد پیغام را پیدا کرده اما نگو که اشتباه متوجه شده است.

همچنین این پیوند می‌تواند در نقش حرف ربط «که» ظاهر شود:

nasıl oldu da seçilmediniz	چطور شد که انتخاب نشدید
ne iyi ettin de geldin	چه خوب کردی که آمدی
	بعضاً هم در معنای «دیگر» می‌آید:

niçin sormadın? utandım da
 utandım da ondan
 برای چی نپرسیدی؟ خجالت کشیدم دیگر
 خجالت کشیدم دیگر به این خاطر
 سایر مثال‌ها:
 misafir gelmez gelmez de, birden gelir
 o filim çok da güzel imiş
 bu söylenti hiç de doğru değil
 مهمان نمی‌آید نمی‌آید و به یکباره می‌آید.
 آن فیلم خیلی هم قشنگ بوده.
 این روایت هیچ هم درست نیست.

۶. حالت انفکاک یا مفعول عنه (Ayrılma hali)

حالتی است که در آن اسم بر خلاف حالت گرایش از فعل منفک می‌شود. اسم در حالت انفکاک همواره پیوند می‌پذیرد و علامت آن پیوند چهار شکلی -dan, -den, -tan, -ten است. مانند:

Ağaç-tan düştü.
 از درخت افتاد.
 Yer-den çıktı.
 از زمین رست یا بیرون آمد.
 Yoldan ayrıldı.
 از راه جدا شد.

پیوندهای -tan, -den در کلماتی نظیر birden (ناگهان) و çoktan (از پیش‌تر) با اینکه از نظر شکل شبیه پیوند انفکاک هستند اما از نظر نقش گرامری به کلی با آن فرق داشته و جزو پیوندهای وصفی قید محسوب می‌شوند. حالت انفکاک به سؤالات kimden? (از کی؟)، neden? (از چی؟)، nereden? (از کجا؟) جواب می‌دهد.

yol-dan	از راه	bülbülden	از بلبل
nur-dan	از نور	bir-den	از یک (ناگهان)
kız-dan	از دختر	kör-den	از کور
çok-tan	از خیلی قبل‌تر	kent-ten	از شهر
sabah-tan	از صبح	köpek-ten	از سگ

همان‌طور که ملاحظه فرمودید اگر آخرین حرف کلمه، صامت خشن (Ç, F, H, K, P, S, Ş, T) باشد از -tan و -ten استفاده می‌شود. برای نمونه در مثال köpek چون آخرین مصوت آن حرف e که یک مصوت نرم و آخرین صامت آن حرف k که یک صامت خشن است، از پیوند -ten استفاده شده است.

مثال‌های دیگر:

Şehir-den ayrıldı.
 از شهر جدا شد.
 Rağbet-ten düştü.
 از رغبت افتاد.
 Bu gidiş yerin-den edecek.
 این رفتن، او را از جایگاهش دور خواهد کرد.
 Bal-dan tatlı
 از عسل شیرین‌تر

Kıl-dan ince	از مو نازک‌تر
Pencere-den girdi.	از پنجره وارد شد.
Hangi yol-dan gidilir?	از کدام راه می‌شود رفت؟
Sizi telefon-dan arıyorlar.	شما را پای تلفن می‌خواهند.
Haber radyo-dan yayıldı.	خبر از رادیو پخش شد.
Hırsız kolun-dan tuttum.	دزد را از بازوهایش گرفتم.
kitabı bir yerinden daha açtım.	کتاب را از جای دیگری باز کردم.
İhtiyar böbreklerin-den rahatsızdır.	پیرمرد از کلیه‌هایش ناخوش است.
muvaffakiyet-ten serhoş	از موفقیت سرخوش است.
açlık-tan bitkin	از گرسنگی ناتوان است.
ne-den	از چه (چرا)
o-ndan	از آن (به آن خاطر، به آن سبب)
Ondan hoşlanıyorum.	از او (آن) خوشم می‌آید.
Ondan nefret ediyor.	از او (آن) نفرت دارد.
Ondan korkuyordun.	از او (آن) می‌ترسیدی.
Ondan süpheleniyoruz.	به او (آن) شک داریم.
İran türkiye'den büyüktür	ایران از ترکیه بزرگ‌تر است.
naylon-dan yapılmış bir balık ağı	نخ ماهیگیری که از نایلون ساخته شده
söz gümüş-ten, sükût altın-dan	حرف از نقره، سکوت از طلا
Geçen gün öğrencilerden biri yanıma geldi.	روز گذشته یکی از دانش آموزان پیش من آمد.
Bu ürünlerden hangisini istediğinizi söyleyin.	بگویید از این محصولات کدام یک را می‌خواهید.
Sudan sebeplerle buradan ayrılıp gitti.	به دلایل بیهوده و پوچ از اینجا جدا شد و رفت.
ateş-ten gömlek	پیراهنی از آتش
kumşular-dan biri	یکی از همسایه‌ها
Yorgunluk-tan uyuyuverdi.	از خستگی فوراً خوابید.
üyeler-den bir kaç	تعدادی از اعضا
Bundan iyisi bulunmaz.	بهتر از این پیدا نمی‌شود.
Bu elmaları kaç-tan aldın?	در چه قیمتی این سیب‌ها را خریدی؟
Yarın gece-den yola çıkmayı düşünüyoruz.	ما در فکر این هستیم که از فردا شب راه بیافتیم.
O gün öğle-den sonra bulutlar gökyüzünde daha da yığılıyordu	

آن روز بعد از ظهر ابرها در آسمان متراکم‌تر شده می‌رفت.

۷. حالت واسطه (Vasıta Hâl Eki)

از ادات ile نشعت می گیرد و افتادن حرف i به شکل Ie- بکار می رود.

این پیوند هنگام اضافه شدن به کلماتی که به مصوت ختم می‌شوند y میانجی را قبل خود می‌بیند:

masa میز > masayla با میز

در کلماتی که به صامت ختم می‌شود به شکل -le, -la- به کار گرفته می‌شود:

kalem قلم > kalemle با قلم

پیوندهای حالت از پیوندهای تکیه دار بوده و در صورتی که مستقیماً به ریشه الحاق یابند تکیه را همراه دارند و هرگاه بعد از علامت جمع و تملیک قرار گیرند، تکیه را از آن‌ها می‌ربایند. خصوصیات بارز پیوندهای حالت در این است که هر کلمه‌ی وصفی فقط می‌تواند یک پیوند حالت بپذیرد و قبول دو پیوند در آن واحد غیر ممکن است.

برای اینکه حالات تصریفی اسم به طرز نمایان نشان داده شود، در زیر تصریف اسم‌هایی که به اصوات مختلف ختم می‌شوند می‌آوریم:

yol	راه	kaş	ابرو	حالت آزاد
yolun	مال راه	kaşın	مال ابرو	حالت اضافه
yola	به راه	kaşa	به ابرو	حالت تأثیر
yolu	راه را	kaşı	ابرو را	حالت گرایش
yolda	در راه	kaşta	در ابرو	حالت تخصیص
yoldan	از راه	kaştan	از ابرو	حالت انفکاک
yolla	با راه	kaşla	با ابرو	حالت واسطه

göz	چشم	dil	زبان	حالت آزاد
gözün	مال چشم	dilin	مال زبان	حالت اضافه
göze	به چشم	dile	به زبان	حالت تأثیر
gözü	چشم را	dili	زبان را	حالت گرایش
gözde	در چشم	dilde	در زبان	حالت تخصیص
gözden	از چشم	dilden	از زبان	حالت انفکاک
gözle	با چشم	dille	با زبان	حالت واسطه

gemi	کشتی	ana	مادر	حالت آزاد
geminin	مال کشتی	ananın	مال مادر	حالت اضافه
gemiye	به کشتی	anaya	به مادر	حالت تأثیر
gemiye	کشتی را	anayı	مادر را	حالت گرایش
gemide	در کشتی	anada	در مادر	حالت تخصیص
gemiden	از کشتی	anadan	از مادر	حالت انفکاک
gemiyle	با کشتی	anayla	با مادر	حالت واسطه

حالات تصریفی کلمه su (آب) به عنوان یک استثنا

su	آب	حالت آزاد
suyun	مال آب	حالت اضافه
suya	به آب	حالت تأثیر «به»:
suda	در آب	حالت گرایش «را»:
sudan	از آب	حالت تخصیص «در»:
suyu	آب را	حالت انفکاک «از»:
suyla	با آب	حالت واسطه «با»:

افعال (FİLLER)

افعال کلماتی هستند که حرکات و کنش‌ها را بیان می‌دارند. البته منظور از حرکت و کنش معنی وسیع و همه جانبه آن در نظر است که شامل کلیه اشکال وقوع و حدوث و تغییرات و تبدلات و جنبش‌هایی است که موجودات جاندار و بی‌جان و مادی و معنوی در بستر زمان و مکان از خود بروز می‌دهند و یا به خود می‌پذیرند. فرق اساسی فعل با سایر اقسام کلمه به طوری که هنگام بحث از ساختمان شکلی کلمات نیز اشاره شد، در آنست که کلمات دیگر، یعنی اسم و صفت و قید و ضمیر، نام و یا رمز و علامت شناسایی خود موجودات و اشیا هستند و بنابراین در کلام هم به طور مجرد و هم به شکل قبول پیوند به کار می‌روند، در صورتی که افعال نماینده‌ی حرکات و کنش‌های ناشی از اشیا و اشخاص هستند و بنابراین در کلام عموماً به صورت قبول پیوند و یا به عبارت دیگر به صورت ارتباط با موجودات استعمال می‌شوند، به این ترتیب بررسی افعال در زبان‌ها قبل از هر چیز بررسی آن سلسله از تغییرات و دگرگونی‌ها است که فعل در زمینه‌ی بیان حرکات و کنش‌ها حاصل می‌کند. در زبان ترکی استانبولی، تغییرات فعل در بیان حرکات و کنش‌های موجودات، به صورت الحاق پیوندهای توصیفی و تصریفی به ریشه‌ی فعل انجام می‌پذیرد و خود ریشه از هر نوع تغییری محفوظ می‌ماند. در این زبان ریشه‌ی فعل شکل مجردی است که از نظر ترکیب صوتی معادل صیغه‌ی مخاطب مفرد

است. مانند: al (بگیر، بخر) ، bak (نگاه کن)، gör (بین)، yaz (بنویس)، iste (بخواه)، konuş (صحبت کن) و الی آخر.

افعال پر کاربرد ترکی

açmak	باز کردن	kaybetmek	گم کردن
almak	گرفت، خریدن	kırmak	شکستن
anlamak	فهمیدن	koymak	گذاشتن
aramak	جستجو کردن	konuşmak	صحبت کردن، حرف زدن
atmak	انداختن	koşmak	دویدن
bakmak	نگاه کردن	kullanmak	بکار بردن
başlamak	شروع کردن	okumak	خواندن
beğenmek	پسندیدن	olmak	شدن
beklemek	انتظار کشیدن	oturmak	نشستن
bırakmak	رها کردن	öğrenmek	یاد گرفتن
bilmek	دانستن، توانستن	öğretmek	یاد دادن
bulmak	یافتن	ölmek	مردن
çalışmak	کوشیدن، کار کردن	sanmak	فکر، تصور کردن
çekmek	کشیدن	satmak	فروختن
çıkmaq	بیرون آمدن، بالا رفتن	saymak	شمردن، احترام کردن
demek	گفتن	seçmak	انتخاب کردن، گزیدن
dinlemek	گوش کردن	sevmek	دوست داشتن
durmak	ایستادن	sormak	سؤال کردن، پرسیدن
duymak	شنیدن	söylemek	گفتن
düşmak	افتادن	tanımak	شناختن
düşünmek	فکر کردن	tutmak	گرفتن
etmek	کردن	uçmak	پرواز کردن
geçmek	گذشتن	unutmak	فراموش کردن
gelmek	آمدن	utanmak	خجالت کشیدن
getirmek	آوردن	uyanmak	بیدار شدن
girmek	داخل شدن، وارد شدن	uyumak	خوابیدن

gitmek	رفتن	vermek	دادن
göndermek	فرستادن	vurmak	زدن
görmek	دیدن	yapmak	ساختن، کردن
hatırlamak	به خاطر آوردن	yaşamak	زندگی کردن
içmek	نوشیدن، سیگار کشیدن	yatmak	به رختخواب رفتن
işitmek	شنیدن	yazmak	نوشتن
kalmak	ماندن	yemek	خوردن
kalkmak	برخواستن، بلند شدن	yollanmak	به راه افتادن
kapamak	سرپوش گذاشتن، بستن	yürümek	راه رفتن

اشکال ساختمانی فعل

افعال در زبان ترکی استانبولی از نظر شکل ساختمانی به سه گروه تقسیم می‌شوند: ساده، پیوندی و مرکب.

۱- افعال ساده:

افعالی هستند که از یک ریشه‌ی بسیط تشکیل شده باشند. مانند:

al-mak (گرفتن، خریدن)، gör-mek (دیدن)، bil-mek (دانستن)، bak-mak (نگاه کردن)،

۲- افعال پیوندی:

افعالی هستند که با الحاق یک رشته پیوندهای توصیفی به آخر کلمات وصفی یا فعلی ایجاد می‌شوند.

الف- پیوندهایی که با الحاق به آخر کلمات وصفی افعال پیوندی تشکیل می‌دهند به عبارتی دیگر از اسم، فعل می‌سازند.

پیوند دو شکلی -la, -le از پیوندهای بسیار پرحاصل بوده و با الحاق به آخر کلمات وصفی مختلف افعالی مرتبط با مدلول این کلمات به وجود می‌آورد. مانند:

baş-la-mak	شروع کردن، آغاز کردن
destek-le-mek	پایه زدن، پشتیبانی کردن، یاری کردن
numara-la-mak	نمره زدن، نمره کردن
çelik-le-mek	پرورش دادن گیاهان به وسیله قلمه، قلمه زدن
gammaz-la-mak	سخن چینی کردن، تفتین کردن
taş-la-mak	سنگ انداختن، سنگ زدن، طعنه زدن
el-le-mek	دست زدن، لمس کردن
saçma-la-mak	سخن بیهوده گفتن، مزخرف گفتن

gece-le-mek	شب به سر آوردن، بیدار ماندن تا سحر
selâm-la-mak	سلام کردن، سلام و خوش آمد گفتن
üf-le-mek	فوت کردن، دمیدن، خاموش کردن، نی زدن، دمیدن
yara-la-mak	زخمی کردن
saykal-la-mak	صیقلی کردن
hafif-le-mek	سبک شدن، آسان شدن
karar-la-mak	تخمین زدن، حساب تقریبی کردن
aya-la-mak	به کف گرفتن، به کف آوردن
nokta-la-mak	نقطه گذاری کردن، علامت گذاری کردن
sap-la-mak	کارد یا خنجر به بدن کسی فرو بردن، نصب کردن، نشانیدن
çın-la-mak	صدای ناقوس درآوردن، ناقوس زدن

پیوند دو شکلی -leş, -laş- با الحاق به آخر یک رشته از کلمات وصفی افعالی با مفهوم تغییر حالت تشکیل می‌دهد. مانند:

ağır-laş-mak	سنگین شدن، متین شدن
bir-leş-mek	متحد شدن، متفق شدن
dert-leş-mek	همدردی کردن، راز دل بهم گفتن
çocuk-laş-mak	بچه شدن، مثل بچه رفتار کردن
ant-laş-mak	عهد بستن، پیمان بستن، سوگند خوردن، پیمان نامه را امضا کردن
iyi-leş-mek	خوب شدن، سالم شدن، بهبود یافتن
koyu-laş-mak	غلیظ شدن، شدید پر شدن، رنگ شدن
güzel-leş-mek	زیبا شدن، قشنگ گشتن
karar-laş-mak	مقرر شدن، قرار گذاشته شدن
derin-leş-mek	عمیق شدن، گود شدن
yakın-laş-mak	نزدیک شدن، مناسبت حاصل شدن
kalın-laş-mak	کلفت یا ضخیم شدن، غلیظ شدن
güç-leş-mek	سخت شدن، مشکل شدن
selâm-laş-mak	به همدیگر سلام و علیک گفتن
çirkin-leş-mek	زشت شدن، بدقیافه شدن
karşı-laş-mak	برخوردن، راست آمدن، روبرو شدن
aksi-leş-mek	بر عکس شدن، متغیر شدن، عناد ورزیدن

kötü-leş-mek	به حال بدی افتادن، بدن شدن، خراب شدن
kör-leş-mek	از کار افتادن، کور شدن
haber-leş-mek	مخابره کردن، مکاتبه کردن
mektup-laş-mak	مکاتبه، نامه نگاری

پیوند دو شکلی -lan, -len- با الحاق به آخر کلمات وصفی افعالی با مفهوم تغییر کمیت و کیفیت به وجود می‌آورد.
مانند:

can-lan-mak	جان گرفتن، به فعالیت افتادن
kabul-len-mek	قبول شدن، مورد قبول قرار گرفتن
gam-lan-mak	غمگین شدن، غصه خوردن
şeref-len-mek	مشرف شدن، شرف و آبرو یافتن
ev-len-mek	ازدواج نمودن، متأهل شدن
çiçek-len-mek	گل کردن، گل بستن، آبله شدن
kabuk-lan-mak	پوست بستن، پوست گرفتن، پوسته پوسته شدن
alev-len-mek	شعله‌ور شدن، عصبانی شدن
yara-lan-mak	زخمی شدن
sap-lan-mak	فرو رفتن کارد یا خنجر به بدن کسی، نصب شدن، نشستن
dert-len-mek	دردناک شدن، متأثر شدن، متأسف شدن
güç-len-mek	قوی شدن، مقتدر شدن، زور پیدا کردن
dalga-lan-mak	موج زدن، به اهتزاز در آمدن، موج آمدن
aksi-len-mek	بر عکس شدن، غیر از موارد اصلی بودن
kuvvet-len-mek	قوت گرفتن، تقویت شدن
ilgi-len-mek	علاقمند شدن، توجه پیدا کردن
kapak-lan-mak	بند شدن پا و لغزیدن، سکندری رفتن، زمین خوردن
bilinç-len-mek	با شعور شدن، آگاه شدن
karşı-lan-mak	استقبال شدن

پیوند دو شکلی -al, -el- با الحاق به آخر یک رشته از صفات، افعالی تشکیل می‌دهد و معنی «شدن» می‌دهد که برای بیان تغییرات به کار می‌رود. مانند:

sağ-al-mak	سالم شدن، بهبود یافتن
dar-al-mak	تنگ شدن

kör-el-mek	کم نور شدن، کند شدن
yön-el-mek	به جهتی متوجه شدن، توجه کردن
boş-al-mak	خالی شدن، تخلیه شدن، ارضاء شدن

پیوند چهار شکلی -i, -u, -ı, -e که به آخر یک رشته از صفات الحاق می‌یابد. امروزه کاربردش از بین رفته و فقط در چند کلمه دیده می‌شود مانند:

şak-ı-mak	چهچه زدن، صدای چهچهه بلبل درآوردن
taş-ı-mak	حمل کردن، حمل نقل کردن، انتقال دادن
ac-ı-mak	۱-دل سوختن، درد کردن، سوزناک گشتن ۲-تلخ شدن، به تلخی گراییدن ۳-متأسف شدن، شریک غم و رنج دیگری شدن

پیوند سه شکلی -r, -er, -ar مانند:

baş-ar-mak	موفق شدن، از عهده بر آمدن
mor-ar-mak	کبود شدن، بنفش شدن
kara-r-mak	۱-سیاه شدن، تاریک شدن ۲-خاموش شدن
yeş-er-mek	سبز شدن، روییدن، برگ دادن
yaş-ar-mak	مرطوب شدن، تر شدن، اشک به چشم آوردن، نمناک شدن
gö (gök) er-mek (göğermek)	سبز شدن، روییدن، کبود شدن
boz-ar-mak	کم رنگ شدن، رنگ باختن

پیوند دو شکلی -e , -a مانند:

yaş-a-mak	زیستن، زندگی کردن، عیش کردن
kan-a-mak	خون آمدن، خون بند نیامدن
tün-e-mek	در جای بلند قرار دادن
tür-e-mek	تولید شدن، ظاهر شدن، به وجود آمدن
uzun: uz-a-mak	دراز شدن، طول کشیدن
oyun: oyn-a-mak	بازی کردن، رقصیدن، تکان خوردن

پیوند دو شکلی -se , -sa- کاربردی نیست و فقط در چند کلمه دیده می‌شود مانند:

benim-se-mek	تصاحب کردن، مال خود شمردن
su-sa-mak	تشنه شدن، به چیزی میل شدید داشتن

garip-se-mek چیزی را عجیب و غریب تلقی کردن، احساس غریبی کردن
mühim-se-mek اهمیت دادن، مهم شمردن

پیوند دو شکلی -de , -da از اسامی که برای تقلید صدا در طبیعت بکار برده می‌شود، فعل می‌سازد. مانند:
gümbür-de-mek مردن، از بین رفتن
takır-da-mak صدای «تق تق» در آوردن
hırıl-da-mak خر خر کردن، خس خس کردن (سینه)
hışır-da-mak خش خش کردن
inil-de-mek ناله کردن
şırıl-da-mak صدای «شر شر» کردن آب که به زمین می‌ریزد
uğul-da-mak صدای غرش، پیچیدن صدا در گوش، صدای غرش چیزی در گوش
fısır-da-mak صدای خش خش در آوردن پارچه یا لباس

پیوند چهار شکلی -kır, -kir, -kur, -kür که از انعکاس‌ها فعل می‌سازد. مانند:
püs-kür-mek پاشیدن، اسپری، افشاندن
hay-kır-mak نعره کشیدن، جیغ کشیدن، فریاد کردن
fıs-kır-mak جهیدن، جستن، بیرون پریدن
fiş-kır-mak پاشیدن، جهیدن
hıç-kır-mak سکسکه کردن، هکچه زدن

ب- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌ها و اشکال فعلی، افعال پیوندی به وجود می‌آورند.
نقش اساسی این پیوندها در الحاق به ریشه‌ها و اشکال فعلی تشکیل انواع مختلف فعل از نظر مفهوم و مدلول است.
بنابراین بهتر خواهد بود که از این پیوندها در چهارچوب انواع فعل نام برده شود.

۳- افعال مرکب:

فعل‌های مرکب فعل‌هایی که از یک کلمه با یک فعل ساده ساخته می‌شوند و مجموعاً معنی واحدی را می‌رساند؛ مانند:
namaz kılmak (نماز خواندن) ، iyi olmak (خوب شدن). جزء غیر صرفی در این قبیل فعل‌ها در حکم جزء صرفی است و از این رو نقش نحوی در جمله ندارد. اگر جزء غیر صرفی، نقش مشخصی داشته باشد و از مجموع جزء غیر صرفی و صرفی یعنی فعل ساده، دو معنی حاصل شود، مجموع آن دو را نمی‌توان فعل مرکب نامید؛ مانند: ev yaptım (خانه ساختم)، که ev (خانه) مفعول yaptım (ساختم) است و مجموع آن دو، فعل مرکب نیست. با این

همه، در کتاب‌های لغت، بسیاری از ترکیبات فعلی، مخصوصاً ترکیباتی که جزء صرفی یا غیر صرفی یا هر دو معنای مجازی دارد، فعل مرکب دانسته شده است.

افعال مرکب با اینکه در نگارش سوا نوشته می‌شوند، با وجود این وحدت مفهوم این افعال را به صورت عناصر واحدی در می‌آورد که هر نوع پیوند توصیفی و تصریفی به انتهای آن الحاق می‌شود و طرف اول از هر نوع تغییرات برکنار می‌ماند.

افعال مرکب در زبان ترکی استانبولی به دو طریق ۱- به طریق به هم پیوستن دو یا چند کلمه از انواع کلمات با یکی از افعال معین ۲- به طریق همراهی فعل با فعل مکمل تشکیل می‌گردد.

۱- تشکیل افعال مرکب به طریق به هم پیوستن دو یا چند کلمه از انواع کلمات با یکی از افعال کمکی:

از افعال کمکی که در تشکیل این نوع افعال مرکب نقش درجه اول دارند به عنوان نمونه می‌توان *olmak* (شدن، بودن، گردیدن، گشتن)، *etmek* (کردن، نمودن)، *bulmak* (یافتن، پیدا کردن)، *buyurmak* (فرمودن)، *eylemek* (کردن، نمودن)، *kılmak* (کردن، انجام دادن، بجا آوردن)، *yapmak* (کردن، نمودن، ساختن، اجرا کردن، بنا کردن) را نام برد. هر یک از افعال کمکی، نوع خاصی از افعال مرکب را به وجود می‌آورند که معنی آن از آمیزش مفهوم فعل با مدلول کلمه یا کلماتی که بر فعل مقدم است، ناشی می‌شود. کلماتی که در افعال مرکب بر فعل کمکی تقدم می‌جویند، ممکن است دارای شکل ساده، پیوندی، مرکب، گروه کلمات و همچنین کلماتی در حالت قبول پیوندهای تصریفی باشند. مثال:

<i>akın etmek</i>	روان کردن	<i>dikkat buyurmak</i>	دقت فرمودن
<i>göç etmek</i>	کوچ کردن	<i>namaz kılmak</i>	نماز خواندن
<i>kul olmak</i>	بنده شدن	<i>icra kılmak</i>	اجرا کردن
<i>mecbur olmak</i>	مجبور شدن	<i>doğum yapmak</i>	زایمان کردن
<i>son bulmak</i>	پایان یافتن	<i>hesap yapmak</i>	حساب کردن
<i>kabul buyurmak</i>	قبول فرمودن	<i>naz etmek</i>	ناز کردن

۲- تشکیل افعال مرکب به طریق همراهی فعل با فعل مکمل :

منظور از فعل مکمل فعلی است که جلوتر از فعل اصلی بیاید و معنی آنرا تکمیل کند. در این حالت فعل مرکب معنی خاصی حاصل نمی‌کند و تنها مفهوم آن از نظر استقامت تکمیل می‌گردد و حرکت و کنش در افعالی به شکل جاندارتر و گویاتر بیان می‌شود. علامت این نوع فعل مرکب پیوند چهار شکلی *-ib, -ib, -ub, -üb* (در افعالی که اساس آن‌ها به حرف صدادار ختم می‌شود با دخالت حرف *y*) است. مانند :

<i>sarıp solmak</i>	زرد شدن و پژمردن
<i>gelip gitmek</i>	رفتن و آمدن
<i>düşünüp konuşmak</i>	فکر کردن و صحبت کردن

yanıp kül olmak

سوختن و خاکستر شدن

tutuşup yanmak

شعله ور شدن و سوختن

انواع فعل از نظر مدلول و معنی

افعال در زبان ترکی استانبولی از نظر مفهوم و مدلول دارای انواع لازم، متعدی، ارجاع، اجبار و مشارکت است. تعیین نوع افعال بعضاً از روی مدلول خود فعل و در مواردی نیز به وسیله پیوندهای نوع که به اساس فعل الحاق می‌یابد، مشخص می‌گردد.

۱- افعال لازم یا ناگذر (Geçişsiz Fiiller)

افعالی هستند که به داشتن فاعل اکتفا می‌کنند. در این افعال جهت حرکت و کنش به داخل و به سوی خود فاعل معطوف بوده و علت اطلاق عنوان ناگذر به این دسته از افعال نیز به همین سبب است. در زبان ترکی استانبولی نوع افعال لازم اعم از اینکه فعل از نظر ساختمانی ساده باشد مانند: akmak (جاری شدن)، azmak (مست شدن، محتلم شدن)، itmek (هل دادن)، esmek (وزیدن)، dolmak (پر شدن)، durmak (ایستادن) و یا پیوندی مانند: yaralanmak (زخمی شدن)، iyileşmek (خوب شدن)، bozarmak (رنگ باختن)، daralmak (تنگ شدن) و یا مرکب مانند: el çekmek (دست کشیدن)، uyku görmek (خواب دیدن)، bel bağlamak (کمر بستن)، el tutmak (دست گرفتن) و امثال آن از نظر مدلول خود فعل تعیین می‌گردد.

۲- افعال متعدی یا گذر (Geçişli Fiiller)

افعالی هستند که به داشتن فاعل اکتفا نکرده و خواستار مفعول هستند. در این افعال جهت حرکت و کنش به خارج و به سوی کسی یا چیزی است که مفعول یا متمم خوانده می‌شود. افعال متعدی در زبان ترکی استانبولی مانند بسیاری از زبان‌ها به دو نوع معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. در افعال متعدی معلوم، فاعل فعل معلوم است. مانند: Meryem elmayı kopardı. (مریم سیب را چید) ولی در افعال متعدی مجهول فاعل نامعلوم است. مانند: elma koparıldı. (سیب چیده شد). نوع افعال متعدی معلوم نیز اعم از این که فعل از نظر ساختمانی ساده باشد و یا پیوندی از مدلول خود فعل به دست می‌آید.

علامت نوع افعال متعدی مجهول پیوند چهار شکلی -ül, -ul, -il, -ıl (در افعالی که به l ختم می‌شوند -in, -ün, -un) است. مانند:

sevmek	دوست داشتن	sevilmek	دوست داشته شدن
almak	گرفتن	alınmak	به خود گرفتن
silmek	پاک کردن	silinmek	پاک شدن
bölmek	تقسیم کردن	bölünmek	تقسیم شدن

۳- افعال ارجاع (Dönüşlü Fiiller)

افعالی هستند که به اجرای حرکت و کنش درباره‌ی خود فاعل دلالت می‌کنند. مانند: yıkanmak (استحمام کردن، خود را شستن)، sevinmek (خوشحال شدن).

علامت نوع افعال ارجاع پیوندهای -ül, -ul, -ıl, -il و یا -ün, -un, -in, -ın است. مانند:

soymak	لخت کردن	soyunmak	لخت شدن
yaymak	پهن کردن	yayılmak	پهن شدن
bakmak	نگاه کردن	bakınmak	اطراف را نگاه کردن
taramak	شانه کردن	taranmak	خود را شانه زدن، شانه شدن

به طوری که ملاحظه می‌شود علامت‌های نوع مجهول و ارجاع در مواردی شبیه یکدیگر هستند که در این موارد تشخیص نوع فعل از روی معنی آن میسر خواهد بود. مثلاً در جمله‌ی cam silindi (شیشه پاک شد) فعل silindi (پاک شد) از نوع مجهول است زیرا فاعل آن معلوم نیست. ولی در جمله‌ی gül sevindi (گل خوشحال شد) کلمه‌ی gül (گل) در مقام فاعلی است که فعل sevindi (خوشحال شد) به آن ارجاع شده است.

۴- افعال اجبار (Ettirgen Fiiller)

به افعالی اطلاق می‌شود که در آن‌ها حرکت و کنش به خواست و هدایت شخص به وسیله‌ی شخص ثانی اجرا می‌شود. مانند: yazdırmak (نویساندن)، okutmak (به خواندن واداشتن، وسایل تحصیل کسی را فراهم کردن). در افعال اجبار، فاعل کسی یا چیزی نیست که کار انجام می‌دهد بلکه فاعل کسی یا چیزی است که وادار به انجام کاری می‌کند. علامت نوع اجبار پیوند هشت شکلی -tür, -tur, -tır, -tir, -dür, -dur, -dır, -dir (بعد از مصوت -t) است که به اساس فعل اضافه می‌شود.

Ali Bey, gömleklerini her zaman kızına ütületir. (ettirgen)

فاعل مفعول فعل

علی آقا، همیشه پیراهن‌هایش را می‌دهد دخترش اتو کند. (اجبار)

در مثال بالا با آوردن پیوند -t بر سر فعل -ütüle (اتو کردن) که یک فعل متعددی است، درجه متعددی آن افزایش داده شده است. در فعل ütületmek (دادن اتو کردن) مفهوم انجام کار توسط دیگری وجود دارد. در این جمله فاعل، کسی که کار انجام می‌دهد، نیست، بلکه کسی که وادار به انجام کار می‌کند، است. علی آقا عمل اتو کردن را خودش انجام نمی‌دهد، او انجام این عمل را به دخترش واگذار می‌کند و می‌دهد او اتو کند. فعل ütületmek با نظر به مفعول خود یک فعل اجبار است.

Arzu, hasta annesine evin bütün camlarını sildirmiş. (ettirgen)

فاعل مفعول فعل

آرزو، برای مادر بیمارش تمام شیشه‌های خانه را پاک کرده. (اجبار)

در این جمله با آوردن پیوند **-dir** بر سر فعل **-sil** (پاک کردن) که یک فعل متعددی است، درجه متعددی آن افزایش داده شده است. در فعل **sildirmek** (پاک کردن به وسیله دیگری) مفهوم انجام کار توسط دیگری وجود دارد. در این جمله فاعل، کسی که کار انجام می‌دهد، نیست، بلکه کسی که وادار به انجام کار می‌شود، است. آرزو برای خودش شیشه‌ها را پاک نمی‌کند، او برای مادرش پاک می‌کند بنابراین انجام این کار از طرف مادر به دختر واگذار شده است. به همین سبب فعل **sildirmek** با نظر به مفعول خود یک فعل اجبار است.

Çocuklardan birine gazete aldırdım. دادم یکی از بچه‌ها برایم روزنامه گرفت.

Valizleri bir hamala taşıtmış. چمدان‌ها را به وسیله یک حمال حمل کرده.

Çürük dişini acemi bir dişçiye çektirmiş.

دندان پوسیده‌اش را توسط یک دندان پزشک ناشی کشیده.

Saçını her zaman kısacık kestirir. موهایش را هر زمان خیلی کم کوتاه می‌کند.

Şeyda, kendisine laf atan adamı ağabeyine dövdürmüş.

شیدا، مردی که به او تیکه انداخته بود را داده آقا داداشش کتک زده.

۵- افعال سببی (Oldurgan Fiiller)

افعال لازم پس گرفتن پیوندهای **-İr, -t, -DİR** می‌توانند قبول مفعول کنند. در نتیجه به افعالی که در اصل لازم هستند و فقط با اضافه شدن پیوند می‌توانند قبول مفعول کنند، افعال سببی می‌گویند. نکته: در بحث قبول مفعول فرقی ما بین افعال متعددی و افعال سببی وجود ندارد، به عبارتی هر دو می‌توانند قبول مفعول کنند.

چه تفاوتی میان افعال سببی با افعال متعددی وجود دارد؟

افعال متعددی از بدو پیدایش بدون آنکه نیازی به پیوندی داشته باشند توانایی پذیرش مفعول را دارا می‌باشند؛ اما افعال سببی در اصل افعال لازم هستند و پس از قبول پیوندهای **-İr, -t, -DİR** می‌توانند قبول مفعول کنند.

oynamak	بازی کردن، رقصیدن	oynatmak	بازی دادن، رقصاندن
gülmek	خندیدن	güldürmek	خنداندن
ölmek	مردن	öldürmek	کشتن
barışmak	آشتی کردن	barıştırmak	آشتی دادن
همچنین علامت چهار شکلی -ür, -ur, -ır, -ir مانند:			
içmek	نوشیدن	içirmek	نوشاندن
kaçmak	فرار کردن	kaçırmak	فراری دادن
batmak	غرق شدن	batırmak	غرق کردن

yatmak	خواستن	yatırmak	خواستاندن
			علامت دو شکلی -er , -ar مانند:
çıkma	در آمدن	çıkarma	در آوردن
gitmek	رفتن	gidermek	بردن، برطرف کردن
kopmak	کنده شدن	koparmak	کندن

۶- افعال مشارکت (işteş fiiller)

افعالی هستند که از انجام حرکت یا کنش به وسیله‌ی دو یا چند نفر به صورت مشترک حکایت می‌کند. مانند: *yazışmak* (به هم دیگر نامه نوشتن، مکاتبه کردن). علامت نوع اشتراک پیوند چهار شکلی *-ış, -iş, -uş, -üş* (Ş) در افعالی که به مصوت ختم می‌شوند است. مانند:

bakmak	نگاه کردن	bakışmak	نگاه کردن دو شخص بهم
bölmek	تقسیم کردن، پخش کردن	bölüşmek	چیزی را میان خود تقسیم کردن
atmak	پرت کردن، انداختن	atışmak	برخورد لفظی بین دو نفر
sevmek	دوست داشتن	sevişmek	همدیگر را دوست داشتن، عشق بازی کردن
bulmak	یافتن، پیدا کردن	buluşmak	حضور به هم رسانیدن
dövmek	زدن، کوفتن، کوبیدن	dövüşmek	دعوا کردن، با دیگری زد و خورد کردن

افعال مشارکت به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- مقابله به مثل ۲- همکاری ۳- برابری وصفی

۱- افعالی که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارند

افعالی هستند که هم زمان و متقابلاً توسط بیش از یک فاعل ساخته می‌شوند:

Arzu'yla ben, dün okulda görüştük. (işteş)

فاعل

فعل

آرزو و من، دیروز در مدرسه همدیگر را دیدیم. (مشارکت)

در این جمله عملی که صورت گرفته، *görüşmek* (همدیگر را دیدن، ملاقات کردن) است. عمل دیدن (*görme*) توسط بیش از یک فاعل (آرزو و من) هم زمان و به صورت متقابل (من آرزو را دیدم، آرزو هم مرا دید) صورت گرفته است. به همین سبب فعل *görüşmek* با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل *gör-* (دیدن) پیوند *-üş* آورده شده است.

Genç polis ve annesi otobüsün kapısında hasretle kucaklaştılar. (işteş)

فاعل

فعل

پلیس جوان و مادرش، در جلوی درب اتوبوس با حسرت همدیگر را در آغوش گرفتند. (مشارکت)
در این مثال حرکت و کنشی که انجام شده، **kucaklaşmak** (همدیگر را به آغوش کشیدن) است. عمل به آغوش کشیدن (**kucaklama işi**) توسط بیش از یک فاعل (پلیس جوان و مادرش) هم زمان و به صورت متقابل (پلیس جوان، مادرش را بغل کرد؛ مادر، بچه‌اش را بغل کرد) صورت گرفته است. به همین سبب فعل **kucaklaşmak** با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **kucakla-** (بغل کردن، به آغوش کشیدن) پیوند **-ş** آورده شده است.

Yaşlı başlı adamlar çocuk gibi yol ortasında saatlerce dövüştüler. (işteş)

فاعل

فعل

مردان گنده (سن و سال دار)، مثل بچه‌ها تو راه ساعت‌ها با هم دعوا کردند. (مشارکت)
در این مثال حرکت و کنشی که انجام شده، **dövüşmek** (دعوا کردن، با دیگری زد و خورد کردن) است. عمل زدن و کوبیدن (**dövme işi**) توسط بیش از یک فاعل (مردان گنده، چند مرد بزرگ سال) هم زمان و به صورت متقابل (یکی به دیگری مشت و چک و لگد می‌زند؛ سپس دیگری مشت و چک و لگد می‌زند) صورت گرفته است. به همین سبب فعل **dövüşmek** با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **döv-** (زدن، کوفتن، کوبیدن) پیوند **-üş** آورده شده است.

Eşimle ben hemen her konuda çok iyi anlaşıyoruz. (işteş)

فاعل

فعل

من و همسرم فوراً در هر موضوعی خیلی خوب به تفاهم می‌رسیم. (مشارکت)
در این مثال حرکت و کنشی که انجام شده، **anlaşmak** (به تفاهم رسیدن، همدیگر را فهمیدن، پیمان بستن، عقد قرار داد، قرار و مدار گذاشتن) است. عمل فهمیدن و درک کردن (**anlama işi**) توسط بیش از یک فاعل (من و همسرم) هم زمان و به صورت متقابل (همسرم مرا می‌فهمد، در قبال من از خودش درک و فهم نشان می‌دهد؛ من هم همسرم را می‌فهمم، در قبال همسرم از خودم درک و فهم نشان می‌دهم) صورت گرفته است. به همین سبب فعل **anlaşmak** با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **anla-** (زدن، کوفتن، کوبیدن) پیوند **-ş** آورده شده است.

Patronla işçiler sürekli şakalaşırlar. (işteş)

فاعل

فعل

کارگران و رئیس مدام با هم شوخی می‌کنند. (مشارکت)

در این جمله حرکت و کنشی که انجام شده، şakalaşmak (با هم شوخی کردن، با یکدیگر مزاح کردن) است. عمل مزاح کردن (şakalaşma işi) توسط بیش از یک فاعل (رییس و کارگران) هم زمان و به صورت متقابل (رییس با کارگزارانش شوخی می‌کند؛ کارگران هم با رییس شوخی می‌کنند) صورت گرفته است. به همین سبب فعل şakalaşmak با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -şaka (شوخی، مزاح) پیوند -laş آورده شده است.

Doktor, hastasıyla bir süre dertleşti. (işteş)

فاعل

فعل

دکتر با بیمارش مدتی همدردی کرد. (مشارکت)

در این جمله حرکت و کنشی که انجام شده، dertleşmek (همدردی کردن، راز دل به هم گفتن) است. عمل همدردی (dertleşme işi) توسط بیش از یک فاعل (دکتر و بیمارش) هم زمان و به صورت متقابل (دکتر به بیمارش دردش را می‌گوید، سفره‌ی دل خود را برای او باز می‌کند؛ بیمار هم دردش را به دکتر می‌فهماند، سفره‌ی دلش را برای او باز می‌کند) صورت گرفته است. به همین سبب فعل dertleşmek با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -dert (درد، مرض، غصه، مشکل، اندوه) پیوند -laş آورده شده است.

۲-افعالی که مفهوم همکاری در خود دارند

افعالی هستند که توسط بیش از یک فاعل، هم زمان و با هم (در یک جهت و نه در جهت عکس و تقابل) ساخته می‌شوند:

Odamin penceresine konan kuşlar ötüşüyor. (işteş)

فاعل

فعل

پرندehایی که کنار پنجره‌ی اتاق لانه کردند با هم می‌خوانند. (مشارکت)

در این مثال عمل آواز خواندن (ötme işi) توسط بیش از یک فاعل (پرندehا) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل ötüşmek (با هم آواز خواندن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل -öt (آواز خواندن، نغمه) پیوند -üş آورده شده است.

Deprem anında herkes dışarı kaçıştı. (işteş)

فاعل

فعل

در لحظه‌ی وقوع زلزله همه با هم به بیرون فرار کردند. (مشارکت)

در این مثال عمل گریز و فرار (kaçma işi) توسط بیش از یک فاعل (همه) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل kaçışmak (همه با هم گریختن، همه با هم فرار کردن یا دویدن) با نظر به فاعل خود،

فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **kaç-** (فرار کردن، گریختن) پیوند **-ış** آورده شده است.

Boğulan gencin yakınları ağlaşıyorlar. (işteş)

فاعل

فعل

نزدیکان جوانی که خفه شده دارند با هم گریه می‌کنند. (مشارکت)

در این جمله عمل گریه (**ağlama işi**) توسط بیش از یک فاعل (نزدیکان جوان خفه شده) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل **ağlaşmak** (با هم گریستن، با هم عزاداری کردن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **ağla-** (گریه کردن، گریستن) پیوند **-ış** آورده شده است.

Asansörde kalan çocuklar bağıştılar. (işteş)

فاعل

فعل

بچه‌هایی که در آسانسور گیر کرده بودند باهم فریاد زدند. (مشارکت)

در این جمله عمل داد زدن، فریاد کشیدن (**bağırma işi**) توسط بیش از یک فاعل (بچه‌های حبس شده در آسانسور) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل **bağırışmak** (با هم داد زدن، با هم فریاد کشیدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **bağır-** (داد زدن، فریاد کشیدن) پیوند **-ış** آورده شده است.

۳-افعالی که مفهوم برابری وصفی را در خود دارند

از الحاق پیوند دو شکلی **-leş**, **-laş** به آخر یک رشته از کلمات وصفی، افعالی با مفهوم تغییر حالت به وجود می‌آید:

Son birkaç yılda saçım tamamen beyazlaştı. (işteş)

فاعل

فعل

در این سال‌های اخیر موهایم کلاً سفید شد. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (موی سیاه) به یک حالت وصفی دیگر (موی سفید) است. فعل **beyazlaşmak** (سفید شدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم **beyaz-** (سفید) پیوند **-laş** آورده شده است.

Güneşte fazla kaldığın için yüzün iyice esmerleşmiş. (işteş)

فاعل

فعل

به خاطر اینکه زیاد در آفتاب مانده‌ای صورتت به خوبی سبزه شده. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (بدن سفید) به یک حالت وصفی دیگر (بدن سبزه) است. فعل **esmerleşmek** (سبزه شدن) با نظر به فاعل

خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -esmer (سبزه) پیوند -leş آورده شده است.

Güneşte fazla kaldığın için yüzün iyice esmerleşmiş. (işteş)

فاعل فعل

به خاطر اینکه زیاد در آفتاب مانده‌ای صورتت به خوبی سبزه شده. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (بدن سفید) به یک حالت وصفی دیگر (بدن سبزه) است. فعل esmerleşmek (سبزه شدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -esmer (سبزه) پیوند -leş آورده شده است.

Kürek ve kazma tutmaktan elleri nasırlaşmıştı. (işteş)

فاعل فعل

از گرفتن بیل و کلنگ دست‌هایش پینه بسته بود. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (یک دست نرم و پینه نبسته) به یک حالت وصفی دیگر (دست پینه بسته) است. فعل nasırlaşmak (پینه بستن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -nasır (پینه) پیوند -laş آورده شده است.

(Ben) Son günlerde biraz halsizleştım. (sesteş)

فاعل مستتر فعل

(من) در روزهای اخیر کمی بی حال شدم. (هم صدایی)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (انسان سر حال و توانا) به یک حالت وصفی دیگر (انسان بی حال و رمق) است. فعل halsizleşmek (بی حال شدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -halsiz (بی حال) پیوند -leş آورده شده است. نکته: در بعضی از فعل‌ها حرف Ş را نمی‌توانیم با توجه به قواعد گرامری تفکیک کنیم، به بیان صحیح‌تر نمی‌توانیم به آن مانند یک پیوند نگاه کنیم. با این وجود حس می‌شود که این تیپ از افعال از جهت مفهوم افعال مشارکتی قوی هستند.

güreşmek

کُشتی گرفتن

savaşmak

جنگ کردن، دعوا کردن

barışmak

آشتی کردن، صلح کردن

yarışmak

مسابقه گذاشتن، رقابت کردن، در مسابقه شرکت کردن

kavuşmak

به هم رسیدن، متصل شدن، واصل شدن، پیوستن

konuşmak

صحبت کردن، حرف زدن

Turnuvadaki sporcular gayet centilmence yarıştılar.

ورزشکاران حاضر در مسابقه بین دو تیم، در اوج جوانمردی با هم رقابت کردند.

در این جمله فعل yarışmak است. بیاید سعی کنیم تا این فعل را از نظر ریشه و پیوند تفکیک کنیم. فعل yarışmak از آوردن پیوند -ış- بر سر کلمه yar (یار، معشوق، معاون، جای بریدگی، کمک) و یا از آوردن پیوند -ş- بر سر کلمه yar (نصف، نیم، نیمه) به وجود نیامده است. زیرا دو کلمه yar و yar (کوچکترین ارتباط معنایی با فعل yarışmak ندارند. فعل yarışmak هر چقدر هم که از نظر مفهوم، فعل مشارکتی به نظر برسد به این خاطر که با پیوند -ış- ساخته نشده است فعل مشارکتی به حساب نمی آید.

البته در زبان ترکی استانبولی همه ی افعال برای تشکیل انواع مختلف فعل استعداد و آمادگی ندارند. عده ی کثیری از افعال می توانند به تمام یا قسمتی از انواع انطباق پیدا کنند مثلاً فعل görmek (دیدن) واجد تمام انواع فعل است:

görmek

دیدن، ملاقات کردن، مشاهده کردن

gör-ül-mek

دیده شدن، ملاحظه یا مشاهده شدن

gör-ün-mek

خود را نشان دادن، دیده شدن، زهر چشم گرفتن

gör-dür-mek

وادر به انجام دادن کاری، کاری را به وسیله کسی به انجام رساندن

gör-üş-mek

دیدار کردن، ملاقات کردن

در حالی که برخی از افعال مانند gelmek (آمدن) تنها یک نوع - نوع معلوم فعل - است.

یک فعل در عین حال می تواند خصوصیت و مدلول چند نوع را در خود جمع کند مثلاً فعل öldürülmek (کشته شدن) نوع اجبار مجهول، görüş-türmek (ملاقات کردن) نوع مشارکت اجبار و koparılmak (چیده شدن) نیز نوع اجبار مجهول است.

پیوند نفی

افعال در عین حال که به جریان وقوع و حدوث حرکات و کنش ها دلالت می کنند، می توانند حاکی از جریان عدم وقوع و یا حدوث آن ها نیز باشند. فعل وقتی جریان وقوع یا حدوث حرکت و کنش را بازگو کند، در حالت مثبت یا تصدیق و هر گاه حاکی از عدم وقوع یا حدوث آن باشد، در حالت نفی یا انکار خواهد بود.

علامت نفی افعال در زبان ترکی استانبولی پیوند دو شکلی -me, -ma- است که به آخر انواع فعل افزوده می شود. مانند:

gör-me

نبین

sev-me

دوست نداشته باش

git-me

نرو

kop-ar-ma

نکن

bil-me	ندان	çık-ma	خارج نشو
kal-ma	نمان	tut-ma	نگیر
bekle-me	منتظر نمان	sil-in-me	پاک نشو
gör-ül-me	دیده نشو	gör-üş-me	ملاقات نکن

در افعال منفی تکیه همواره روی هجای قبل از علامت نفی قرار می‌گیرد. هرگاه تکیه بر روی علامت نفی کشیده شود کلمه از حالت فعل خارج می‌گیرد و مفهوم اسم فعلی به خود می‌گیرد.

اشکال تصریفی فعل

افعال در زبان، قبل از هر چیز ابزار بیان حرکات و کنش‌ها و حالات هستند. جریان وقوع یا حدوث کنش‌ها و حرکات و حالات از طرف موجودات به صور و اشکال گوناگون و در زمان‌های مختلف و به وسیله‌ی اشخاص و اشیا مختلف انجام می‌گیرد. منظور از اشکال تصریفی فعل، کلیه‌ی تغییراتی است که شکل مجرد فعل در زمینه‌ی بیان وجه‌ها، زمان‌ها و اشخاص به خود می‌پذیرد.

اشکال تصریفی فعل در زبان ترکی استانبولی، با تمام تنوع آن به صورت الحاق پیوندهای وجه، زمان و شخص به آخر اشکال مجرد فعل تشکیل می‌شود.

پیوندهای وجه و زمان

پیوندهایی هستند که اشکال مجرد فعل را به قالب‌های وجه و زمان می‌ریزند. این پیوندها در عین حال هم جنبه‌ی وجه و هم جنبه‌ی زمان دارند. جنبه‌ی وجه در تمام آن‌ها و جنبه‌ی زمان در عده‌ای از آن‌هاست. به عبارت دیگر نوعی از این پیوندها تنها وجه و نوعی دیگر هم وجه و هم زمان را مشخص می‌کنند.

علت این دوگانگی در وظیفه پیوندهای وجه و زمان از آنجا ناشی است که کنش‌ها و حرکات و حالاتی که از طرف اشخاص و اشیا حدوث یا وقوع می‌یابند، در اصل بر دو نوعند: نوعی از آن‌ها وقوع یا حدوثشان قطعی و نوع دیگر موکول به شرط و احتمال و الزام و اجبار است.

در صورت اول، پیوندها مشخص کننده‌ی وجه و زمان و در صورت دوم تعیین کننده‌ی وجه هستند. از وجه‌های مختلف افعال، وجه اخباری که به وقوع و حدوث یا عدم وقوع و حدوث قطعی فعل دلالت دارد، به وسیله‌ی پیوند مشترک وجه و زمان و وجوه امر و شرط و ایجاب و آرزو و التزام به وسیله‌ی پیوندهای وجه تصریف می‌گردند و وجه‌های وصفی و مصدری به مناسبت مشابهتی که از نظر مدلول با کلمات وصفی پیدا می‌کنند، در کلام پیوندهای تصریفی اسم را می‌پذیرند.

زمان‌های فعل در اصل گذشته، حال و آینده است که هر یک از این سه زمان نیز دارای شقوق جداگانه‌اند. زمان‌های فعل بر حسب اینکه فعل به طور مستقل و یا به کمک فعل امدادی imek صرف شود، به دو گروه اصلی زمان‌های ساده و مرکب تقسیم می‌شوند.

پیوندهای شخص

پیوندهایی هستند که اشکال قالب گیری شده از نظر وجه و زمان را به اشخاص می‌بندند. بنابراین جای پیوندهای شخص در وجه‌های تصریفی فعل بعد از پیوندهای وجه و زمان است. در زبان ترکی استانبولی به علت نبودن علامت جنس و تثنیه، افعال دارای همان صیغه‌های شش‌گانه متکلم، مخاطب، غائب، اول شخص و دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع هستند. از این شش صیغه، متکلم و مخاطب مفرد و جمع در هر یک از وجه‌ها و زمان‌ها به استثنای موارد معدود، پیوند ویژه‌ی شخص دارند، سوم شخص مفرد به جز در موارد معین فاقد پیوند شخص است و سوم شخص جمع با الحاق پیوندهای -ler و -lar به آخر صیغه‌ی سوم شخص مفرد تشکیل می‌شود.

اشکال تصریفی فعل مرکب

اشکال تصریفی مرکب افعالی هستند که به کمک فعل امدادی imek صرف می‌شوند. در اشکال تصریفی مرکب، فعل اصلی اول و فعل امدادی بعد از آن می‌آید و در حقیقت جایگزین پیوند شخص اشکال تصریفی ساده فعل اصلی می‌گردد.

اشکال تصریفی مرکب فعل بر حسب اینکه با ماضی مطلق و یا ماضی استمراری فعل امدادی تصریف شوند، دارای شکل حکایت یا روایت خواهند بود و در همه حال به زمان گذشته دلالت خواهند داشت.

وجه اخباری مرکب

وجه اخباری مرکب شامل زمان‌های ماضی بعید، ماضی ناقص، ماضی استمراری و ماضی مستقبل است.

ماضی بعید

ماضی بعید وقوع یا حدوث فعل را در گذشته بسیار دور و یا در حال تقدم به یکی از صیغه‌های ماضی نشان می‌دهد: sen eve gelince çocuklar uyumuştur (وقتی تو به خانه آمدی بچه‌ها خوابیده بودند). شکل حکایت ماضی بعید از همراهی ماضی نقلی فعل اصلی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید.

yaz mış idi (yazmıştı) (نوشته بود)

bilmiş idi (bilmişti) (دانسته بود)

و شکل روایت آن از همراهی ماضی نقلی با ماضی استمراری فعل امدادی به وجود می‌آید.

(almış imiş (almışmış) گرفته بوده)

ماضی مطلق

بر حدوث و وقوع فعل در گذشته‌ی معین دلالت می‌کند درحالی‌که نتیجه و خاتمه‌ی آن درحین تکلم برای شنونده معلوم نباشد. uzaktan inilti sesleri gelirdi (از دور دست صدای ناله‌شان می‌آمد).

حکایت ماضی ناقص از همراهی زمان حال فعل اصلی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید:

yazar idi (yazardı) (می‌نوشت)

bilir idi (bilirdi) (می‌دانست)

و روایت ماضی ناقص از همراهی زمان حال فعل اصلی با ماضی استمراری فعل امدادی حاصل می‌شود:

yazar imiş (yazarmış) (می‌نوشته)

bilir imiş (bilirmiş) (می‌دانسته)

yazarmıştır (می‌نوشته است).

ماضی استمراری

بر مداومت حدوث یا وقوع فعل در زمان گذشته دلالت می‌کند.

güneş parlak saçlarını yamaçlara serpiyordu (خورشید داشت گیسوان درخشانش را بر دامنه‌ها می‌پاشید)

حکایت ماضی استمراری از همراهی زمان حال استمراری فعل اصلی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید:

yazıyor idi (yazıyordu) (داشت می‌نوشت).

biliyor idi (biliyordu) (می‌دانست).

و روایت آن از همراهی زمان حال استمراری فعل اصلی با ماضی استمراری فعل امدادی حاصل می‌شود:

yazıyor imiş (yazıyormuş) (داشت می‌نوشته)

bililiyor imiş (biliyormuş) (می‌دانسته)

yazıyormuştur (داشت می‌نوشته است).

ماضی مستقبل

ماضی مستقبل نظر بودن انجام فعل را در گذشته نشان می‌دهد. o sözü size diyecektim (آن حرف را می‌خواستم به شما بگویم).

حکایت ماضی مستقبل از همراهی زمان آینده‌ی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید:

yazacak idi (yazacaktı) (می‌خواست بنویسد).

(bilecekti) **idi** (bilecek) (می خواست بداند).

روایت ماضی مستقبل از همراهی زمان آینده‌ی با ماضی استمراری فعل امدادی حاصل می‌شود:

(yazacak **imiş**) (yazacaktı) (می خواسته بنویسد).

(bilecek **imiş**) (bilecekti) (می خواسته بداند).

اشکال مرکب وجوه شرط و الزام و آرزو از همراهی اشکال ساده‌ی این وجوه با زمان‌های ماضی مطلق و استمراری فعل امدادی تشکیل می‌شوند:

yazsa **idi** (yazsaydı) اگر نوشته بود یا ای کاش نوشته بود.

yazsa **imiş** (yazsaymış) می‌گویند بهتر است بنویسد.

yaza **idi** (yazaydı) ای کاش می‌نوشت.

yaza **imiş** (yazaymış) می‌گویند نوشته بوده

yazmalı **idi** (yazmalıydı) باید می‌نوشت.

yazmalı **imiş** (yazmalıymış) باید می‌نوشته

وجه شرطی فعل **imek** با قسمت عمده‌ی وجوه و زمان‌های فعل اعم از ساده و مرکب تلفیق یافته شکلی به وجود می‌آورد که آن را شکل عمومی شرط می‌توان نامید.

(aldı **ise**) (aldıysa) (اگر گرفت)

(almış **ise**) (almışsa) (اگر گرفته)

(alacak **ise**) (alacaksa) (اگر بخواهد/می‌خواست بگیرد)

وجه وصفی یا صفت فاعلی (Sıfat-fiiller)

وجه وصفی وجهی است که حرکات و کنش‌ها را در قالب وصف نمودار می‌سازد. اشکال وصفی فعل از نظر مدلول و نحوه‌ی پذیرش پیوندهای تصریفی در ردیف کلمات وصفی جای می‌گیرند و در کلام در نقش صفت خودنمایی می‌کنند و از این لحاظ از آن‌ها به نام صفات فعلی نیز نام می‌برند. فرق صفات فعلی با صفات معمولی در آن است که صفات معمولی موجودات را از نظر کیفیات و علامات ثابت مندرج در آن‌ها (مانند: **yüce dağ** کوه بلند، **yeşil çimen** چمن سبز، **güzel kız** دختر زیبا) تعیین می‌کنند، ولی صفات فعلی آن‌ها را از نظر حرکت و کنش مندرج در آن‌ها (مانند: **bakan göz** چشم نگران، **sönmüş od** آتش خاموش، **uyuyan çocuk** کودک خفته) تعیین می‌کنند، بنابراین در صفات فعلی اشیا به اقتضای حرکت و عملی که انجام می‌دهند مشخص می‌گردند و پیوندهایی که با الحاق به آخر اساس فعل صفات فعلی را به وجود می‌آورند، در عین حال پیوند شکل و زمان نیز محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین این پیوندها عبارتند از:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوند دو شکلی -(y)an, -(y)en- که به آخر کلیدی افعال ملحق شده و اشکالی به وجود می‌آورد که از آن به صفت فاعلی نیز می‌توان نام برد. این پیوند به کیفیت و حالت موجود اشیا و اشخاص در زمان حال دلالت می‌کند. مانند:

ak-an su	آب روان
açıl-an kapı	دری که باز می‌شود/می‌شد.
gel-en misafir	مهمانی که می‌آید/می‌آمد.
tanın-an kişi	شخص شناس
bil-en öğrenci	دانش آموز دانا

پیوند چهار شکلی -mış, -miş, -muş, -mü- اشکالی به وجود می‌آورد که از آن به صفت مفعولی نیز نام می‌برند. این پیوند کیفیت و علامتی را که موجودات در گذشته داشته‌اند معلوم می‌کند.

kırıl-mış kanat	بال شکسته
bil-miş çocuk	کودک دانسته (دانا)
tanın-mış sanatçı	هنرمند شناخته شده
görme-miş kadın	زن ندیده (ندید بدید)
çür-müş ağaç	درخت پوسیده

-acak, -ecek- پیوند دو شکلی اوصافی به وجود می‌آورد که اشیا را از نظر حرکت و عملی که در آینده باید انجام دهند، مشخص می‌کند. مانند:

sevil-ecek kız	دختر دوست داشتنی.
gel-ecek yıl	سال آینده
kırıl-acak eşya	اشیا شکستنی
gidil-ecek yol	راهی که رفته خواهد شد، راه رفتنی
içil-ecek su	آب نوشیدنی.
gör-eceğim gün	روزی که خواهم دید.
yaz-acağın yazı	نوشته‌ای که خواهی نوشت.
öpül-ecek bebek	نوزاد بوسیدنی.
konuş-acak şey	چیزی که گفته خواهد شد.

پیوند دو شکلی -ar, -er- که به کیفیت و علامت اشیا و اشخاص هم در زمان حال و هم در همه‌ی زمان‌ها دلالت می‌کند. مانند:

ak-ar su	آب روان
----------	---------

bak-ar göz	چشم نگران
yan-ar od	آتش سوزان
bil-ir kişi	فرد دانا
uç-ar birlik	دسته پرنده

پیوند دو شکلی -esi, -ası که کیفیت و علامت موجودات را به شکل ایجاب می کند و بیشتر در خشم و نفرت کاربرد دارد. مانند:

kahr ol-ası	لعنتی
geber-esi	گور به گور شده
öpül-esi el	دست بوسیدنی
lanet ol-ası	لعنتی
yıkıl-ası	خراب شده

پیوند دو شکلی -mez, -maz کیفیت و علامت اشیا را در شکل نفی مشخص می کند . مانند:

utan-maz kadın	زن بی شرم و حیا
yara-maz çocuk	کودک شیطان (به درد نخور)
bil-mez insan	انسان نادان
din-mez ağrı	درد تسکین ناپذیر

پیوند هشت شکلی -tür, -tur, -tir, -tır, -dür, -dur, -dir, -dır- خصوصیت و علامتی را که در گذشته برای اشیا و اشخاص ایجاد شده معین می کند.

tanı-dık adam	مرد آشنا
bil-dik insan	انسان دانا
oku-duğum kitap	کتابی که خواندم، می خوانم.
bil-diğin iş	کاری که می دانی / می دانستی.
ara-dığın kız	دختری که جستجو می کنی / می کردی.
bul-duğum para	پولی که پیدا کردم / می کنم.

-meli, -malı پیوند دو شکلی اوصافی به وجود می آورد که اشیا را از نظر حرکت و عملی که در آینده باید انجام دهند، مشخص می کند و در لهجه آذری زنده می باشد. مانند:

de-meli söz	حرف گفتنی
-------------	-----------

“denecek söz”

“öğ-meli güzel” “övülecek güzel”

زیبای ستودنی

به طوری که در مثال‌ها نیز مشهود است، از پیوندهای فوق، پیوند AcAk- و پیوند Dİr- برخلاف سایر پیوندهای وجه وصفی، پیوند شخص می‌پذیرد و خصوصیت و موقعیت اشیا را علاوه بر وجه زمان نسبت به اشخاص شش‌گانه نیز تعیین می‌کند.

وجه مصدری یا اسم فعلی (İsim-fiiller)

وجه مصدری وجهی است که نام عمومی حرکات و کنش‌ها را بدون وابستگی به زمان و شخص بیان می‌دارد. وجه مصدری، مانند وجه وصفی از نظر مدلول و نحوه‌ی پذیرش پیوندهای تصریفی در ردیف کلمات وصفی جای می‌گیرد و در کلام به صورت اسم نمودار می‌شود و از این لحاظ از اشکال مصدری به نام اسامی فعلی نیز نام می‌برند. فرق اسامی فعلی با اسامی عادی در آن است که اسامی عادی نام خود موجودات ولی اسامی فعلی نام غیرمعین حرکات و کنش‌ها و اعمال ناشی از آنهاست.

اشکال مصدری با الحاق پیوندهای مصدری به آخر اساس فعل تشکیل می‌شوند. این پیوندها عبارتند از: پیوند دو شکلی، mak-, mek- این پیوند در زبان ترکی استانبولی پیوند مصدری شناخته می‌شود و بلا استثنا به آخر کلیه‌ی ریشه‌ها و بنیادها یا انواع گوناگون افعال الحاق شده و اسامی نامعین حرکات را به وجود می‌آورد. مصدر در عرف دستور زبان حالت اصلی فعل شناخته می‌شود و در مواردی که بخواهند فعل را بدون وابستگی آن به زمان‌ها و اشخاص نشان دهند علامت مصدر را به آن می‌افزایند. در این کتاب نیز از این روش پیروی شده است:

aç-mak باز کردن، گشودن، برطرف کردن مانع

yaz-mak نوشتن، آرایش دادن، نام نویسی کردن، مشرف به افتادن

oku-mak خواندن، قرائت، تحصیل، درس خواندن

uyu-mak خوابیدن، خفتن، غفلت کردن

پیوند دو شکلی me-, ma- این پیوند نیز به آخر انواع فعل الحاق یافته، نام عمومی عمل و کنش ناشی از فعل را به وجود می‌آورد

yaz-ma عمل نوشتن، دست نوشته

evlen-me تأهل، ازدواج

anlaş-ma پیمان، قرارداد، قرار و مدار

فرقی که مابین پیوند me-, ma- با پیوند مصدری mek-, mak- وجود دارد این است که پیوند اخیر نام عمومی حرکت و پیوند me-, ma- نام عمل ناشی از حرکت را معلوم می‌کند و بنابراین هم، جنبه اسمی اشکالی که از الحاق پیوند me-, ma- به وجود می‌آیند، خیلی بیشتر از جنبه اسمی مصدر است. به طوری که در میان گروه بی شمار اشکال مصدر به تعداد انگشت شماری از آنها نظیر yemek (غذا، طعام، خوراک) و çakmak (فندک) می‌توان

برخورد که مفهوم ذاتی پیدا کرده‌اند. در حالی که در اسامی فعلی که پیوندهای -ma, -me را دارند تعداد خیلی بیشتری وجود دارند که اسامی ذاتی اشیا معین هستند که در بالا مثال‌های زیادی از آن آورده شد.

پیوند چهار شکلی -İş, -uş, -İş, -İş یکی از پرکاربردترین پیوندها است این پیوند نیز مانند دو پیوند فوق به آخر انواع فعل الحاق یافته و نقشی شبیه پیوند ma, me بازی می‌کند. یعنی اسامی فعلی ناشی از حرکت و کنش اشیا را به وجود می‌آورد که به جز فعل بی قاعده imek بر سر سایر افعال آورده می‌شود و از فعل، اسم می‌سازد:

al-ış سست، خرید

dön-üş رجعت، عودت، برگشت

at-ış تیر اندازی، طرز انداختن، آتش اندازی

نقش اساسی پیوندهای -İş و -ma در زبان ترکی استانبولی ایجاد اشکال متنوع اسم مصدر است.

وجه حالت یا قید فعلی (Zarf-fiiller)

از وجوه مشخص فعل در زبان ترکی استانبولی وجه حالت یا ظرف فعلی است که حالت مجرد حرکت را بیان می‌دارد. بطوریکه هنگام بحث از اشکال ساختمانی فعل اشاره رفت، نوعی از افعال مرکب، به صورت همراهی فعل متمم با فعل اصلی ایجاد می‌شود. در این نوع افعال مرکب فعل متمم که در نقش وجه حالت یا ظرف فعلی عمل می‌کند، تغییری در معنی فعل بوجود نمی‌آورد و تنها جنبه و استقامت حرکت را مشخص تر و گویاتر می‌سازد. ظرف فعلی بر خلاف اشکال وصفی و مصدری گرایشی به قبول پیوندهای تصریفی اسم نشان نمی‌دهد و به همین جهت از آن به وجه غیر قابل تصریف فعل نیز نام می‌برند.

قیود فعلی ربط: (Bağlama Ulaç)

پیوند İp(y)- با الحاق پیوندهای حالت به آخر اساس فعل تشکیل می‌شوند. این پیوند معمولاً جای حرف ربط ve (و) را می‌گیرد. فعلی که پیوند İp(y)- بر سر آن آورده می‌شود از نظر شخص و زمان با فعل پیرو یکی است.

Telefon edip hâlini hatırlını sordum. < Telefon ettim ve hâlini hatırlını sordum.

تلفن کرده حال و احوالت را پرسیدم. >تلفن کردم و حالت را پرسیدم.

تکرار این قید فعلی نشانه‌ی تاکید و استقامت در حرکت و کنش فعل است:

Gidip gidip komşuları rahatsız ediyor. هی می‌رود و می‌رود و مزاحم همسایه‌ها می‌شود.

Bakıp bakıp gülüyor. هی نگاه می‌کند و نگاه می‌کند و می‌خندد.

قیود فعلی حالت: (Durum Ulaçları)

با پیوندهای -e, -e..., -e, -meden, -meksizin, -cesine -erek ساخته می‌شود و چگونه گی فعل را بیان می‌دارد:

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Sınıfa gülerek girdi. خندان (با خنده) وارد کلاس شد.

Olayı adeta yeniden yaşıyormuşçasına anlattı.

اتفاق را طبق معمول انگار از نو گذرانده فهماند.

Gece karanlık sokaklarda düşe kalka ilerlediler.

شب در کوچه‌های تاریکی کج دار و مریض به پیش رفتند.

Dinlene dinlene gittiler.

با استراحت‌های پی در پی رفتند.

Gürültüye aldırmadan işiyle meşgul oluyordu.

بدون توجه به صدا مشغول کار می‌شد.

Hiç dinlenmeksizin yedi saat yürüdüm.

بدون اینکه اصلاً استراحت کنم هفت ساعت راه رفتم.

Her şeyi bilircesine konuşuyordu.

طوری صحبت می‌کرد گویی هر چیز را می‌داند.

قیود فعلی زمان: (Zaman Ulaçları)

با پیوندهای -İncE, -dİkçE, -dİğİndE, -ken, -mEdEn, -İr, -mEz ساختن می‌شود و زمان فعل را مشخص می‌کند:

Gülünce gözlerinin içi gülüyor.

وقتی می‌خندد خنده در چشم‌هایش نمایان می‌شود.

Canım sıkıldıkça şiir okurum.

هر وقت دلم می‌گیرد شعر می‌خوانم.

Kar yağınca herkes sokaklara döküldü.

زمانی که برف بارید همه به کوچه‌ها ریختند.

İlk okuduğumda iyi anlayamamıştım.

بار اول که خواندم خوب متوجه نشده بودم.

Uyurken hep sayıklar.

هنگام خواب همواره هذیان می‌گویند.

Gün ağarırken düştük tarla yollarına.

هنگام سپیده دم به ره سپار مزرعه شدیم.

Uyumadan önce de yarım saat kitap okunabilir.

قبل از خوابیدن هم می‌شود نیم ساعت کتاب خواند.

Gelir gelmez seni sordu.

به محضی که آمد تو را پرسید.

قیود فعلی آغاز: (Başlama Ulaçları)

با پیوندهای -Elİ ساختن می‌شود و شروع فعل بعدی را مشخص می‌کند:

Buraya geleli çocuğa bir hâller oldu.

از زمانی که به اینجا آمد بچه یک حالتی شده.

Seni tanıyalı hayatım değişti.

از زمانی که تو را شناختم زندگی‌ام تغییر کرد.

قیود فعلی علت: (Nedenlik Ulaçları)

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

بوسیله پیوندهای -EcEğ, -dİğİ- بوجود می‌آیند و به همراه ادات -dEn dolayı, için, -dEn بکار می‌رود:

Çok yalnızlık çektiğinden (dolayı) buralarda kalmak istemiyor.

به خاطر این که خیلی تنهایی می‌کشد نمی‌خواهد اینجا بماند.

Sizden ayrılacağı için üzülüyor. برای اینکه می‌خواهد از شما جدا شود ناراحت است.

قیود فعلی پایان: (Bitirme Ulaçları)

بوسیله پیوندهای -EnE, -İncEyE, -EsİyE- بوجود می‌آیند و به همراه ادات değın, dek, kadar بکار می‌رود که پایان فعل بعدی را نشان می‌دهد:

Sen gelene kadar biz burada bekleyeceğiz.

تا زمانی که شما برگردید ما در اینجا منتظر خواهیم ماند.

Yollar açılincaya kadar bekledik.

تا باز شدن راه‌ها منتظر ماندیم.

Öldüresiye dövdüler.

تا به حد کُشت کوبیدند.

صفت (Sıfat)

صفات به آن دسته از کلمات وصفی اطلاق می‌شوند که اوصاف و چگونگی اسم را بیان می‌دارند. اشیا و موجوداتی که اطراف ما را احاطه کرده‌اند، ضمن اینکه معمولاً هر یک با اسم شناخته می‌شوند دارای اوصاف و اشکال و خصوصیات گوناگونند. صفات کلماتی هستند که برای نامیدن این اشکال و اوصاف بکار می‌روند. بنابراین، بارزترین خصوصیت صفت در آنست که برای خود موصوفی داشته باشد.

صفت در زبان ترکی استانبولی مانند بیشتر زبان‌ها وقتی به همراه موصوف بکار رود مانند: yeşil yaprak (برگ سبز)، açık kapı (در باز)، parlak yıldız (ستاره تابناک) صفت محسوب می‌گردد. ولی وقتی به صورت مستقل یعنی yeşil (سبز)، açık (باز)، parlak (تابناک) استعمال شود جنبه‌ی اسم به خود می‌گیرد و در حکم اسامی این اوصاف و اشکال عمل می‌کند و در کلام حالات اسم را می‌پذیرد.

صفت وقتی با موصوف همراه باشد، ترکیبی به وجود می‌آورد که از آن به ترکیب وصفی می‌توان نام برد. در زبان ترکی استانبولی بر خلاف زبان فارسی در ترکیبات وصفی صفت عموماً مقدم بر موصوف بوده و بدون توجه به حالات مختلفی که موصوف ممکن است در کلام داشته باشد، صفت همواره به صورت مفرد و بدون قبول پیوند تصریفی بکار می‌رود. مانند:

yüce dağ

کوه بلند

yüce dağlar

کوه‌های بلند

yüce dağların	مال کوههای بلند، کوههای بلند تو
yüce dağlardan	از کوههای بلند
yüce dağlarımızdan	از کوههای بلندمان

بخشی از کلماتی که در ترکی استانبولی به شکل صفت بکار گرفته می‌شوند به شکل زیر است:

acaip	عجیب	kolay	آسان
ahmak	احمق	komik	خنده دار، مضحک
boş	خالی	küçük	کوچک
büyük	بزرگ	meşgul	مشغول
çirkin	زشت	meşhur	مشهور
derin	عمیق	pahalı	گران
dikkatli	دقیق، با توجه	sağlam	محکم
erken	زود	sert	سفت، سخت
eski	قدیمی، کهنه	sessiz	آرام، بی صدا
fakir	فقیر	sıkıcı	کسالت آور
fena	بد	şanslı	خوش شانس
geç	دیر	ucuz	ارزان
genç	جوان	ufak	کوچک
gürültülü	شلوغ	yalnız	تنها
güzel	زیبا	yaşlı	مسن
ilginç	جالب	zengin	ثروتمند
iyi	خوب	zor	دشوار، مشکل
kızgın	عصبانی	ağır	سنگین
kırlı	کثیف	yumuşak	نرم

اشکال ساختمانی صفت

صفت در زبان ترکی استانبولی، مانند اسم، از نظر شکل ساختمانی دارای اشکال ساده، پیوندی و مرکب است.

۱- **صفت ساده:** صفتی است که تنها از یک ریشه تشکیل شده باشد. مانند :

beyaz kağıt	کاغذ سفید
kara saç	موی سیاه
ağır taş	سنگ سنگین
iyi kız	دختر خوب

۲- صفات پیوندی: صفاتی هستند که از الحاق یک رشته پیوندهای توصیفی به آخر اقسام مختلف کلمات به وجود می‌آیند و اینک در زیر به تعدادی از شناخته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

پیوند چهار شکلی -lı, -li, -lu, -lü- از پیوندهای بسیار پرثمر در تشکیل صفت‌های پیوندی است و با الحاق به آخر کلمات توصیفی صفاتی متناسب با مفهوم آن‌ها به وجود می‌آورد. این پیوند حالت اثباتی دارد یعنی وجود کیفیتی را در یک چیز و یا وابستگی خصوصیتی را به یک چیز به اثبات نشان می‌دهد. مانند:

akıllı kız دختر عاقل

fırtınalı kış زمستان طوفانی

yağmurlu hava هوای بارانی

tuzlu yemek غذای شور

پیوند چهار شکلی -sı, -si, -su, -sü- این پیوند، شکل منفی پیوند بالا بوده و با الحاق به آخر شماره کثیری از کلمات وصفی عدم وجود کیفیت و خصوصیتی را در یک چیز و یا فقدان چیزی را در چیز دیگر نشان می‌دهد. مانند:

annesiz çocuk کودک بی مادر

sütsüz inek گاو بی شیر

sessiz ev خانه بی صدا

otsuz çöl بیابان بی علف

پیوند چهار شکلی -kı, -ki, -ku, -kü- این پیوند با الحاق به آخر یک رشته از کلمات وصفی صفاتی حاکی از دلالت و وابستگی شیئی به زمان و مکان بوجود می‌آورد. مانند:

gökteki yıldız ستاره در آسمان

dünkü dizi سریال دیروزی

şimdiki kızlar دختران امروزی

بطوریکه در مثال‌ها نیز مشهود است، این پیوند به طور استثنا به آخر اسم‌هایی که پیوند تصریفی دارند الحاق می‌شود.

پیوند چهار شکلی -cıl, -cil, -cul, -cül- این پیوند با الحاق به آخر بعضی از کلمات وصفی صفاتی از نوع زیر بوجود می‌آورد.

evcil hayvan حیوان خانگی

insancıl davranış رفتار انسانی

پیوند هشت شکلی -gın, -gin, -gun, -gün, -kın, -kin, -kun, -kün- به آخر یک رشته از ریشه‌های فعلی الحاق یافته و صفاتی با مفهوم تزايد و تشدید و برتری تشکیل می‌دهد. مانند:

üzgün adam مرد ناراحت

durgun deniz دریای راکد

yorgun at اسب خسته

düzgün iş کار درست

keskin söz حرف مقطوع

پیوند چهار شکلی -gan, -gen, -kan, -ken پیوند مبالغه شدید است که بر سر ریشه فعل‌های تک سیلابی آورده نمی‌شود. این پیوند نیز یکی دیگر از پیوندهای پرثمر بوده، که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی صفت‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

unutkan adam مرد فراموشکار

alınan kız دختر زود رنج (نازک نارنجی)

konuşkan kadın زن وراج

پیوند چهار شکلی -ük -uk -ik -ık -k در کلماتی که به مصوت ختم می‌شوند (با الحاق به آخر یک رشته ریشه‌های فعلی صفاتی از نوع زیر تشکیل می‌دهند.

sönük lamba لامپ خاموش

kırık kanat بال شکسته

delik kayık قایق سوراخ

yanık el دست سوخته

açık kapı در باز

علاوه بر این‌ها پیوندهایی از نوع -lük, -luk, -lik, -lık که در تشکیل اسامی پیوندی بکار می‌روند، می‌توانند صفات پیوندی نیز بوجود آورند مانند:

دونلوق(پارچا)، یازلیق(بوغدا) و امثال آن.

۳-صفات مرکب: صفاتی هستند که از بهم پیوستن صفت و اسم، از توالی دو صفت و یا تکرار یک صفت تشکیل می‌شوند.

از بهم پیوستن صفت و اسم مانند:

mavi göz kız دختر چشم آبی

uzun burun balık ماهی اوزون بورون

در یک عده از این نوع صفت‌های مرکب، اسم جلوتر از صفت قرار گرفته و با قبول پیوند نسبت با صفت تلفیق می‌یابد:

kaş1 kara kız دختر ابرو سیاه

baş1 büyük öküz گاو کله گنده

ayağı bağı ceyran آهوی پا بسته

از توالی دو صفت مانند:

dayalı döşeli ev خانه مبله

paralı evli adam مرد پول دار و متاهل

از تکرار یک صفت مانند:

beyaz beyaz dişler دندان‌های سفید سفید
 sıcak sıcak çörekler کلوچه‌های داغ داغ
 sarı sarı kumlar شن‌های زرد زرد
 uzun uzun yollar راه‌های دراز دراز
 taze taze yumurtar تخمه مرغ‌های تازه تازه
 در نوعی از صفت مرکب که از تکرار دو صفت تشکیل می‌شود، صفت دوم شکل مقلوب صفت اول را به خود می‌گیرد و بدون آنکه معنی معینی افاده کند، به منزله‌ی همزاد صفت اول به کار می‌رود. مانند:
 از بهم پیوستن موصوف و پیوند II- مانند:

büyük yapraklı ağaçlar درختان بزرگ برگ
kısa boylu asker سرباز قد کوتاه
kara kaşlı kız دختر ابرو سیاه
mavi gözlü erkek مرد چشم آبی
kırık camlı ev خانه چهل پنجره
büyük kapılı bina خانه در بزرگ
 از بهم پیوستن موصوف و پیوند IİK- مانند:
 yarım günlük tören مراسم نیم روزه
 üç kuruşluk iş کار سه قرونی

اشکال نسبی صفت:

یکی از جنبه‌های خاص صفت که آنرا از سایر کلمات گروه وصفی متمایز می‌آند، جنبه‌ی نسبی یا درجاتی آن است. موجودات و پدیده‌ها از نظر اوصاف و اشکال مختلف بوده و حتی اشیایی که دارای جنبه‌ها و صفات مشابه هستند به طور نسبی و با فرق کمابیش از هم متمایز می‌شوند.
 بنابراین، صفت به عنوان بیان کننده‌ی اوصاف و اشکال و مشخصات اشیا و اشخاص، ناگزیر از قبول اشکال درجاتی یا نسبی است. در زبان ترکی استانبولی اشکال نسبی صفت بعضاً با الحاق پیوند به آخر صفات عادی و بعضاً نیز با همراه شدن صفت با یکی از ادات انجام می‌شود. اشکال نسبی صفت را به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

۱- مشخص کننده‌ای صفات از حیث درجه و سنجش

صفت برتری: صفتی که برتر بودن صفتی را به هم شکل‌های خود بیان می‌کند.
 صفت برتری به سه نوع تقسیم می‌شود.

الف- صفت مطلق

ب- صفت تفضیلی

ث- صفت عالی

الف - صفت مطلق:

کلماتی امثال iyi (خوب)، kötü (بد)، büyük (بزرگ)، küçük (کوچک) و... می‌باشند که در جملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شود:

این شخص آدم خوبی است.
 bu kişi iyi biri.
 این دختر زیبا است.
 bu kız güzel.
 این کوه بزرگ است.
 bu dağ büyük.

ب - صفت تفضیلی:

به وسیله حرف اضافی -dan, -den که می‌تواند با daha نیز همراه باشد، ساخته می‌شود. مثال:
 حرف اضافی «-dan, -den» در جمله به اسم متصل شده و سپس کلمه صفتی بکار گرفته می‌شود:
 این دختر از آن پسر بهتر درس می‌خواند.
 Bu kız o oğlandan iyi ders okuyor.
 لندن کمتر از استانبول مشغول است.
 London İstanbul'dan az meşgul.
 معماها کمتر از درس‌های ترکی جالب هستند.
 Bulmacalar Türkçe derslerden az ilginç.

حرف اضافی «daha» جدا و بعد از حرف اضافی «-dan, -den» و ما قبل صفت نوشته می‌شود:
 انار از سیب شیرین‌تر است.
 Nar elmadan daha tatlı.
 این کوه از کوه‌های دیگر بلندتر است.
 Bu dağ öbürü dağlardan daha yüce.
 محمد از علی ثروتمندتر است.
 Mehmet Ali'den daha zengin.
 استانبول از لندن زیباتر است.
 İstanbul Londra'dan daha güzel.
 احمد بزرگ‌تر از حسن است.
 Ahmet Hasan'dan daha büyüktür.
 آهن از آب سنگین‌تر است.
 Demir sudan daha ağır.

ث - صفت عالی:

برای برتری دادن به صفت بکار گرفته می‌شود و به وسیله حرف «en» ساخته می‌شود:
 حرف «en» جدا از حرف ما قبل خودش و جلوی صفت بکار گرفته می‌شود. مثال:
 به‌ترین جنس (کیفیت)
 En iyi kalite mal
 سبک‌ترین چمدان
 En hafif bavul
 سنگین‌ترین بسته
 En ağır paket
 محمد ثروتمندترین مرد است.
 Mehmet en zengin adam.
 زیباترین شهر جهان استانبول است.
 Dünyanın en güzel şehri, İstanbul.
 پرجمعیت‌ترین شهرهای ترکیه استانبول است.
 Türkiye'nin en kalabalık şehri İstanbul'dur.

صفات تفضیلی را می توان با ساخت ملکی نیز ارائه داد:

Resimlerin en güzeli
Arabaların en pahalısı

زیباترین عکسها
گران ترین ماشینها

۲- کوچک و صغیر کننده های صفت

۱- پیوند -cık, -cak که پیوند تحقیر و کوچک شماردن است، در صورتی که کلمه ای به صامت k ختم شده باشد آن را حذف می کند:

-cık:

küçük	کوچک، ریز، جوان، بچه	küçücük	خیلی کوچک، بسیار ریز
yumuşak	نرم، ملایم، لطیف	yumuşacık	نرمینه و لطیف، کرکی
alçak	پایین، زبون، پست	alçacık	بسیار پست و حقیر
sıcak	گرم	sıcacık	کمی گرم

۳- تقویت کننده های مفهوم صفت

kadar (به قدر، به اندازه)

از kadar برای مساوی قرار دادن دو کس یا دو چیز استفاده می شود:

Londra İstanbul kadar güzel
Mehmet Ali kadar zengin.
Kar kadar beyaz.

لندن به اندازه استانبول زیبا است.
محمد به اندازه علی ثروتمند است.
به اندازه برف سفید است.

değil (نیست) برابری منفی

برابری منفی به وسیله değil ساخته می شود:

Londra İstanbul kadar güzel değil.
Ayşe Deren kadar boylu değil.

لندن به اندازه استانبول زیبا نیست.
لندن به اندازه استانبول زیبا نیست.

en az (حداقل)

Ahmet en az Mehmet kadar zekidir.
Sen de en az benim kadar yeteneklisin.

احمد حداقل به اندازه محمد باهوش است.
تو هم حداقل به اندازه من با استعداد هستی.

kadar iyi (به خوبی)

Bu, o kadar iyi
Bu onun kadar iyi

این، به خوبی آن است.
این به اندازه آن خوب است.

dan/-den daha iyi (بهتر از...)

Bu, ondan daha iyi این از آن بهتر است.

en iyisi (بهترینش)

Bu, en iyisi (dir) این بهترینش است.

çok (خیلی، بسیار، زیاد، بیشتر)

Çok para istiyor. خیلی پول می خواهد.
 Çok mutluyum. خیلی خوشحالم. (خوشبختم)
 Çok odalı bir otel. هتلی با اتاق های زیاد.

en çok (بیشترین)

En çok para بیشترین پول
 Ali'nin en çok parası var علی بیشترین پول را دارد.
 Tepede en çok ev var بیشترین خانه ها بر روی تپه است.

daha (بیشتر)

İki çay daha, lütfen دو تا چای بیشتر (دیگر) لطفاً
 Daha beş bira, lütfen پنج آبجوی بیشتر (دیگر) لطفاً

fazla (زیاد، افزون، بیشتر، بیش از حد، خیلی)

Fazla yemek geldi غذا بیش از حد آمده است.
 Fazla para istediler آنها پول زیاد خواستند.

daha fazla (بیشتر، زیادتر، افزون تر)

Daha fazla yemek geldi خیلی بیشتر غذا آمده است.
 Daha fazla para istediler پول زیادتری خواستند.

az, bir az (کم، کمی، یک کم، مقداری)

Az sonra çarşıya gidiyorum به زودی (کمی بعد، تا لحظاتی دیگر) به بازار می روم.
 Biraz tuz istiyorum کمی نمک می خواهم.

daha az (کمتر)

Yemeğe daha az tuz koyunuz
Buralarda, daha az polis var

به غذا نمک کمتری بزنید.
در اینجا پلیس کمتری هست.

pek az (خیلی کم، بسیار کم)

Pek az sigara kullanıyorum.
Pek az şeker istiyorum.

خیلی کم سیگار استفاده می‌کنم.
خیلی کم شکر می‌خواهم.

çok az (خیلی کم)

Çok az benzin kalıyor.
Çok az para istedi.

خیلی کم بنزین مانده است.
خیلی کم پول خواست.

نوع پیشوند که از تلفیق دو حرف اول صفت با یکی از حروف m, p, r, s به وجود می‌آید که از علائم نسبی تزايد صفت محسوب می‌گردند. مانند:

Bembeyaz kar gibi
Kapkara saç gibi

سفیدِ سفید مثل برف
سیاهِ سیاه مثل مو

acayip	عجیب و غریب	apacayip	بسیار عجیب و غریب
acele	عجله	alelacele	خیلی عجله
açık	روشن / باز	apaçık	بسیار روشن / باز
ayrı	جدا	apayrı	کاملاً جداگانه
bakkal	بقال	bakkal çakkal	بقال مقال
başka	دیگر	bambaşka	کاملاً یک چیز دیگر
bayağı	معمولی	basbayağı	بسیار معمول
baygın	بیهوش	aygın baygın	بی حال، سست
bedava	رایگان	besbedava	کاملاً رایگان
belli	مشهود، معلوم	besbelli	کاملاً معلوم
beter	بدتر	besbeter	حتی بدتر
beyaz	سفید	bembeyaz	سفیدِ سفید
bok	پُخ، گُه	bombok	کاملاً گهی (خراب)

boş	خالی	bomboş	کاملاً خالی
burun	بینی	baltaburun	بینی کج
buruşuk	چین و چروک	bumburuşuk	کاملاً چروک
bütün	همه	büsbütün	کاملاً
canlı	زنده	capcanlı	سرزنده
çabuk	سریع	çarçabuk	فوراً، سریعاً
çevre	محیط	çepeçevre	دور تا دور، تمام اطراف
çöp	زباله، آشغال	çerçöp	آت اشغال
çıplak	برهنه، لخت	çırılçıplak	کامل لخت
dağınık	درهم و برهم	darmadağınık	درب و داغان
daracık	خیلی تنگ	dapdaracık	بسیار تنگ
deli	مرد دیوانه	zıpırdeli	دیوانه از کوره در رفته
deli	دیوانه	zırdeli	دیوانه صرف
delice	دیوانه وار	deldelice	کاملاً دیوانه وار
dik	عمود، راست	dimdik	راستِ راست، کاملاً عمود
diri	زنده	dipdiri	پر از زندگی
dizgin	رکاب	doludizgin	کاملاً سراسیمه
dızlak	لخت / برهنه	dımdızlak	بیچاره، نیازمند، تهی
doğru	راست، درست	dosdoğru	کاملاً صحیح درست
dolu	پر	dopdolu	پر پر، کاملاً پر
duru	زالال، تمیز، شفاف	dupduru	بسیار زلال
düz	صاف	düpedüz	کاملاً صاف
düz	راست	dümdüz	راست، مستقیم، راست و درست
düz	حتی	düpedüz	حتی هم
geniş	وسیع	gepgeniş	بسیار وسیع
gündüz	روز	güpegündüz	روز روشن
ince	نازک، ظریف	ipince	بسیار نازک
ılık	ولرم	ıplılık	ولرم ولرم، کاملاً ولرم
ıslak	مرطوب	ıpslak	خیلی خیس و لغزنده
ıssız	خانه یا جای ساکت و بی کس	ıpsız	متروکه
iri	بزرگ	ipiri	بسیار عظیم

kara	سیاه	kapkara	سیاهِ سیاه
karışık	مخلوط	karmakarışık	قاطی واتی، درهم
kısa kısa	کوتاه	kıpkısa, kısacık	بسیار کوتاه
koca	بزرگ	koskoca	بسیار بزرگ
kocaman	بزرگ	koskocaman	عظیم
kolay	ساده	kopkolay	به راحتی، خیلی آسان
koyu	تاریک	kopkoyu	واقعاً تاریک
kör	کور	köpkör	کاملاً کور
kötü	بد	köpkötü	خیلی بد (زبان کودک)
kötürüm	فلج	köskötürüm	به طور کامل فلج
kuru	خشک	kupkuru	خشکِ خشک
kütük	مست و لایعقل	küskütük	پرت و مست
kıvrak	چالاک، قبراقي	kıskıvrak	چست و چالاک
mavi	آبی	masmavi	کاملاً آبی، آبی روشن
mor	رنگ ارغوانی	mosmor	کاملاً ارغوانی، ارغوانی روشن
pak	پاک	akpak	بسیار پاک
pembe	رنگ صورتی	pespembe	صورتی تکان دهنده
perişan	پریشان	perperişan	بسیار پریشان
parça	تکه	paramparça	تکه تکه
pis	کثیف	pimpis	کثیفِ کثیف (زبان کودک)
sağlam	سالم	sapsağlam	کاملاً سالم و تندرست
sağlam	سالم	sapasağlam	کاملاً سالم و تندرست
sarı	زرد	sapsarı	زردِ زرد
sefil	بدبخت، فقیر	sersefil	خیلی بدبخت / فقیر
sıcak	داغ	sımsıcak	داغِ داغ
sıklam	خیس	sırılsıklam	کاملاً خیسِ خالی
sıkı	تنگ	sımsıkı	خیلی تنگ
sivri	تیز	sipsivri	تیزِ تیز
siyah	سیاه	simsiyah	سیاهِ سیاه
şirin	جذاب	şipşirin	بسیار جذاب
talan	تالان، تاراج، چپاول	alantalan	کاملاً به تالان رفته

tamam	کامل	tastamam	کامل
tatlı	شیرین	taptatlı	بسیار شیرین
taze	تازه	terütaze	تر و تازه
taze	تازه	taptaze	بسیار تازه
temiz	تمیز	tertemiz	تر و تمیز
top	توپ	tortop	توپِ توپ
uslu	عاقل، آرام، ساکت، معقول	upuslu	خیلی خوب رفتار و معقول
uzun	طولانی	upuzun	بسیار طولانی
uygun	مناسب	upuygun	کاملاً مناسب
yalnız	تنها	yapayalnız	مطلقاً تنها، تک و تنها
yassı	صاف و گسترده	yamyassı	بسیار صاف
yaş	مرطوب	yamyaş	خیسِ خیس
yeni	جدید	yepyeni	جدیدِ جدید
yeşil	سبز	yemyeşil	سبزِ سبز
yumru	تورم، دور	yusyumru	بسیار متورم، دور
yumuşak	نرم	yusyumuşak	بسیار نرم
yuvarlak	کروی	yusyuvarlak	کاملاً کروی
zayıf	نازک، ضعیف	zapzayıf	بسیار باریک، سست

نوع دیگر از ساخت صفت‌های نسبی بدین صورت است که عین صفت تکرار می‌شود. مثال:

Beyaz beyaz dişler	دندان‌های سفیدِ سفید
Sıcak sıcak çörekler	کلوچه‌های داغِ داغ
Sarı sarı kumlar	شن‌های زردِ زرد
Uzun uzun yollar	راه‌های درازِ دراز
Taze taze yumurtar	تخمه مرغ‌های تازه‌ی تازه

Yavaş yavaş	یواش یواش
Çabuk çabuk	به سرعت
Kapı kapı	از در به در
Damla damla	قطره قطره
Sabah sabah	صبح اولِ صبح

Usul usul	آرام و به آهستگی
Rahat rahat	راحتِ راحت
Birer/birer	یک به یک

با قرار دادن پیوند استفهامی -mı, -mi, -mü, -mu بین دو صفت تکرار شده می‌توان نوعی دیگر از صفات تکراری را ایجاد کرد:

Beyaz mı beyaz dişler	دندان‌های سفیدِ سفید
Sıcak mı sıcak çörekler	کلوچه‌های داغِ داغ
Sarı mı sarı kumlar	شن‌های زردِ زرد
Uzun mu uzun yollar	راه‌های درازِ دراز
Taze mi taze yumurtar	تخمه مرغ‌های تازه‌ی تازه

زوج صفت‌ها

صفت	متضاد
güzel	زیبا
daha iyi	بہتر
büyük	بزرگ
ucuz	ارزان
erken	زود
kolay	آسان
serbest	آزاد
dolu	پر
iyi	خوب
ağır	سنگین
burada	اینجا
sıcak	گرم
yakın	نزدیک
gelecek	آینده
ihtiyar	پیر
eski	قدیمی
açık	باز
çabuk	سریع
doğru	صحیح
çirkin	زشت
daha kötü	بدتر
küçük	کوچک
pahalı	گران
geç	دیر
zor	سخت
meşgul	مشغول
boş	خالی
kötü	بد
hafif	سبک
orada	آنجا
soğuk	سرد
uzak	دور
son	پایان
genç	جوان
yeni	جدید
kapalı	بسته
yavaş	کند، یواش
yanlış	اشتباه، غلط

صفت ترکیبی:

emalı pasta	کیک سیب
muzlu süt	شیر موز
Şekersiz çay	چای بدون شکر
dalgın çocuk	کودک حواس پرت
uyuyan köpek	سگی که خواب است

صفت نسبی:

صفتی است که اهلیت و نسبیت کسی و شیئی را بیان می کند. این صفت به دو شکل صرف می شود:

۱- به شکل ضمیر ملکی

۲- با کمک حرف آ- اضافی

Atatürk bizim halkımız**ın** oğ**l**udur
İstanbul şehri güzeldir.
bu ağaç elma ağac**ı**dır.

آتاتورک فرزند خلق ما است.
شهر استانبول زیبا است.
این درخت، درخت سیب است.

صفت رتبه‌ای (مقام):

صفت رتبه‌ای صفتی است که رتبه و مقام کسی یا چیزی را بیان کند:

serin su	آب خنک
zengin adam	آدم ثروتمند

صفت تشبیهی:

صفتی است که نسبت مشابهی را بیان می کند:

bu kız çiçek gibidir.	این دختر مثل یک (دسته) گل است.
bu oğlan pehlivan gibidir.	این پسر مانند پهلوانان است.

صفت وصفی:

صفاتی هستند که کم و کیف ذاتی اشیا و اشخاص را بیان می دارند مانند:

karlı dağ	کوه برفی
yeşil yaprak	برگ سبز
yüce dağ	کوه بلند
sarı gül	گل زرد

doğru söz

حرف درست

اشیا و پدیده‌ها به اندازه مشخصات و اوصاف گوناگون خود واجد صفات وصفی هستند و به همین جهت صفات وصفی در هر زبان قسمت اصلی صفت‌ها را تشکیل می‌دهند. صفات وصفی در گرامر زبان‌های مختلف به اشکال گوناگونی تقسیم بندی می‌شوند ولی هیچ یک از این تقسیم بندی‌ها از نظر دستور زبان حائز اهمیت اساسی نیست.

رنگ‌ها

Siyah (Farsi – Simsiyah	سیاه – سیاه سیاه
Kara-Kapkara	سیاه – سیاه سیاه
Beyaz – Bembeyaz	سفید – سفید سفید
Kırmızı – Kıpırmızı	قرمز – قرمز قرمز
Mavi – Masmavi	آبی – آبی آبی
Turuncu	نارنجی
Yeşil – Yemyeşil	سبز – سبز سبز
Mor – Mosmor	بنفش – بنفش بنفش
Pembe – Pespembe	صورتی – صورتی صورتی
Kahverengi	قهوه‌ای
Sarı- Sapsarı	زرد – زرد زرد
Gri	خاکستری
Renk / Rengi	رنگ
Açık Renkli	رنگ روشن
Açık yeşil	سبز روشن
Koyu Renkli	رنگ تیره
Koyu gri	خاکستری تیره
Turkuaz	فیروزه‌ای
Lacivert	لاجوردی
Gümüş Renkli	نقره‌ای
Eflatun	یاس بنفش
Macenta	سرخابی
Bej	بژ
Bordo	شرابی
Altın Renkli	طلایی
Ak (ترکی قدیم)	سفید
Al (ترکی قدیم)	قرمز

مثال:

Limon sarıdır	لیمو زرد است.	Yaprak yeşildir	برگ سبز است.
Kan kırmızıdır	خون قرمز است.	Kömür siyahtır	زغال سیاه است.
Süt beyazdır	شیر سفید است.	Potakal Turuncudur	پرتقال نارنجی است.
Gök mavidir	آسمان آبی است.	Kahve kahverengidir	قهوه قهوه‌ای است.

اقسام صفت از نظر مفهوم و مدلول

صفات حالات و چگونگی اشیا و پدیده‌ها را به دو شکل نشان می‌دهند. گروهی از صفات اوصاف ذاتی و درونی اشیا و پدیده‌ها و گروه دیگر موقعیت خارجی آن‌ها را تعیین می‌کنند. صفاتی که اوصاف و مشخصات ذاتی نمودها و موجودات را بیان می‌دارند، صفات وصفی و صفاتی که وضع بیرونی اشیا را معین می‌کنند، صفات تعیینی می‌توان نامید.

الف) صفات وصفی:

صفاتی هستند که کم و کیف ذاتی اشیا و اشخاص را بیان می‌دارند. مانند: yeşil yaprak (برگ سبز)، çürümüş ağaç (درخت پوسیده)، doğru söz (حرف راست)، yüce dağ (کوه بلند)، parlak yıldız (ستاره تابناک) و...
اشیا و پدیده‌ها به اندازه‌ی مشخصات و اوصاف گوناگون خود واجد صفات وصفی هستند و به همین جهت صفات وصفی در هر زبان قسمت اصلی صفت‌ها را تشکیل می‌دهند.
صفات وصفی در گرامر زبان‌های مختلف به اشکال گوناگونی تقسیم بندی می‌شوند ولی هیچ یک از این تقسیم بندی‌ها از نظر دستور زبان حائز اهمیت اساسی نیست.

ب) صفات تعیینی:

صفات تعیینی، بر خلاف صفات وصفی کاری به اوصاف ماهوی موصوف نداشته و تنها موقعیت زمانی و مکانی و کمی آنرا معلوم می‌کنند. موقعیت و وضع خارجی موجودات را از جهات مختلفی می‌توان تعیین کرد، مثلاً در یکجا ممکن است شیئی از نظر دوری یا نزدیکی آن، در جای دیگر از نظر تعداد و درجای سوم از لحاظ معلوم و یا بود و نبود آن توصیف گردد. از این نقطه نظر صفات تعیینی به چهار گروه تقسیم می‌شوند.
۱- صفات اشاره ۲- صفات عددی ۳- صفات استفهامی ۴- صفات نامعین

۱- صفت اشاره

صفت اشاره در اصل، دو لفظ «این» و «آن» هستند وقتی که همراه اسمی بیایند و بدان اشاره کنند. البته شکل‌های دیگر از این صفت وجود دارد که در زیر مشاهده می‌کنید:

Bu kalem	این قلم
Şu pencere	این پنجره
O araba	آن ماشین
Öteki çocuk	آن یکی بچه
Beriki bisiklet	دوچرخه این طرفی
Dolaptaki elbise	لباس درون کمد
Beriki dağ	کوه این طرفی
Öteki kitap	کتاب دیگری، آن یکی کتاب
Yoldaki araba	ماشین در راه
Bu soruyu kim cevaplayacak?	این سؤال را چه کسی می‌خواهد جواب دهد؟
Kitabı şu genç almıştı.	کتاب را این جوان خریده بود.
O eşyaları nereye götürüyorsun?	آن وسایل را به کجا دارید می‌برید؟
Öteki sorulara geçiniz.	به آن یکی سؤال‌ها بروید.
Beriki masaları da taşıdık.	میزهای مجاور را نیز جا به جا کردیم.

۲- صفات عددی

صفاتی هستند که شماره اشیا و اشخاص را بیان می‌دارند. هرگاه در ترکیب وصفی، صفت از نوع عدد باشد، موصوف را معدود نیز می‌توان نامید اعداد در اصل و به خودی خود نام شماره‌ها هستند ولی وقتی با موصوف همراه باشند، صفت آن محسوب می‌گردند.

صفات عددی به نوبه‌ی خود صفات عددی اصلی، ترتیبی، کسری، گروه عددی و شمارشی توزیعی تقسیم می‌شوند.
صفات عددی اصلی، شماره‌ی معدود را بیان می‌دارند. مانند: bir dağ (یک کوه)، üç kuş (سه پرنده)، beş elma (پنج سیب)، yüz yıl (صد سال).

صفات عددی اصلی مانند سایر انواع صفت وقتی همراه معدود باشند، حالت صفت در صورتی که به طور مستقل به کار روند، موقعیت اسم را قبول می‌کنند.

صفات عددی اصلی با اینکه به استثنای bir (یک) همگی به کثرت دلالت می‌کنند، معدودی که همراه این اعداد می‌آید، عموماً حالت مفرد دارد. با وجود این در زبان خلق از دیر باز به مواردی از نوع Kırk Haramîler (چهل حرامی‌ها) و Yedi kardeşler (هفت برادران) که در آن‌ها معدود علامت جمع به خود پذیرفته است، می‌توان برخورد.

صفات عددی اصلی وقتی برای بیان شماره‌های حرکت به کار روند از شماره‌ی بزرگ‌تر آغاز شده و به شماره‌ی کوچک‌تر ختم می‌شوند. مانند: üç (۳)، elli (۵۰)، yüz otuz altı (۱۳۶)، onbin ikiyüz altmış (۱۰۲۶۰) و الی آخر.

صفات عددی ترتیبی، مرتبه و درجه‌ی معدود را بیان می‌دارند. مانند:

birinci gün اولین روز
 üçüncü kadın سومین زن
 beşinci bölüm پنجمین قسمت
 onaltıncı asır قرن شانزدهم
 به طوری که در مثال‌های فوق دیده می‌شود، صفات عددی با افزودن پیوند -Incl- به آخر اعداد اصلی به دست می‌آیند.

کلمه ilk مترادف birinci است:

İlk (birinci) caddeden sağa dönün. از اولین جاده به راست بپیچید.
 کلمات son (آخر، نهایت، انتها، انجام، انتها، آخرین، پایان)، sonuncu (آخرین) و ortanca (میانی، وسطی، میانه) نیز جزو صفات عددی ترتیبی بشمار می‌روند:

son fırsat آخرین فرصت
 ortanca çocuk کودک میانی، بچه وسطی
 sonuncu kişi آخرین شخص

صفات عددی کسری یک یا چند قسمت مساوی از محدود را تعیین می‌کنند . مانند :

üçte bir یک سوم
 onda iki دو دهم
 yüzde kırkbeş چهل و پنج درصد
 Yüzde bir ihtimal احتمال یک در صد
 yarım ekmek نصفه نان
 çeyrek (dörtte bir) چارک، ربع (یک چهارم)
 yarıyıl نیمسال
 iki buçuk lira یک و نیم لیره

وجه مشخص اعداد کسری قبول پیوند -DA- بوده به علاوه نحوه‌ی ترکیب آن‌ها بیش از ترکیب وصفی به حالات ترکیبی اسم شباهت دارد . مثال‌های elmanın üçte biri (یک سوم سیب‌ها)، yolun yüzde ellisi (پنجاه درصد راه)، halkın onda ikisi (دو دهم مردم) از نظر شکل پیوند و تقدم و تأخر طرفین ترکیب، به حالت اضافه رفته است.

صفت گروه عددی معادل قلو و گانه در فارسی است. مثال:

İkiz çocuk بچه دوقلو
 Üçüz bebek نوزاد سه قلو
 beşiz çocuklar بچه‌های پنج قلو

صفت شمارشی توزیعی، موصوف (معدود) را به بخش‌های برابر تقسیم می‌کند و توسط پیوند er(ş)- ساخته می‌شود.
مثال:

Üçer kişi	سه نفر سه نفر
Her kese ikişer elma verin.	نفری دو تا سیب بدهید.
ellişer milyon	پنجاه میلیون پنجاه میلیون
birer gün arayla	یک روز در میان

۳- صفت پرسشی

صفاتی هستند که موقعیت موجودات را به صورت پرسش مشخص می‌سازند. شناخته‌ترین این صفات عبارتند از:
kaç? (چند؟)، که در مقام پرسش از کمیت و مقدار موصوف به کار می‌رود. مانند: kaç kişi (چند نفر).
hangi? (کدام؟)، که در مقام پرسش از هویت موصوف به کار می‌رود. مانند: hangi gün (کدام روز).
nasıl? (چطور؟) که در مقام پرسش از کمیت موصوف به کار می‌رود. مانند: nasıl iş (چطور کاری).
nerdeki? (کدام؟) که در مقام پرسش از مکان موصوف به کار می‌رود. مانند: neredeki ev? (کدام خانه؟).

Nasıl çocuk?	چطور کودکی؟
Hangi okul?	کدام مدرسه؟
Kaç para?	چقدر پول؟
Kaçar elma?	چند تا سیب؟
Kaçta kaç pasta?	چقدر پاستا در چقدر؟
Kaçıncı çocuk?	چندمین کودک؟
Ne biçim böcek?	چه نوع از حشره؟
Ne tür bitki?	چه نوع گیاهی؟
Ne çeşit meyve?	چه نوع میوه؟
Ne kadar karpuz?	چقدر هندوانه؟
Neredeki ev?	کدام خانه؟
Hangi çılgın bana zincir vuracakmış şaşarım.	

کدام دیوانه می‌خواسته به من زنجیر بزند متحیرم.

Kaçıncı sınıfta okuyor?	در چه مقطعی می‌خواند؟
Ne gün geleceğini söyledi mi?	آیا گفت چه روزی می‌خواهد بیاید؟
Kaçar kişilik gruplar hâlinde gideceğiz?	در گروه‌های چند نفره خواهیم رفت؟
Kaçta kaç hisse istersin?	سهم چند به چند می‌خواهی؟

نکته: کلمه ne می‌تواند به عنوان صفت، قید و ضمیر بکار رود:

Ne bakıyorsun?	چیه نگاه می‌کنی؟	قید
Ne almak istiyorsun?	چه می‌خواهی بگیری؟	ضمیر

Ne gün geleceksin?	صفت	چه روزی می خواهی بیایی؟
Ne iş yapıyordunuz?	صفت	چه کار داشتید می کردید؟
Bugün ne çalıştık ama.	قید	امروز عجب کار کردیم اما.

۴- صفت های مبهم

صفاتی هستند که مشخصات اشیا را به طور نامعین معلوم می کنند و مهم ترین آن ها عبارتند از:

bir (یک - و به مفهوم یائی وحدت که در فارسی به آخر اسم می آید).

این کلمه علاوه بر اینکه در ردیف اعداد اصلی به کار می رود، در مورد نمایاندن موجودات به طور نامعین نیز استعمال می شود: bir gün (یک روز - روزی)، bir taş (یک سنگ - سنگی).

bütün (تمام، همه) که جمع نامعین موصوف را می رسانند : bütün gece (تمام شب)، bütün çocuklar (همه ی بچه ها).

aynı - başka (دیگر) که نامعین و ناشناس بودن موصوف را بیان می آند. başka yer (جای دیگر)، aynı şey (چیز دیگر).

علاوه بر این ها کلماتی از نوع çok (بسیار)، az (کم) نیز که در اصل قید محسوب می شوند، وقتی قبل از اسم قرار گرفته و بر تعداد نامعین آن دلالت کنند، صفت محسوب می گردند. مانند çok iş (خیلی کار)، az söz (حرف کم).

Biraz süt	یک کم شیر
Birkaç çocuk	تعدادی کودک
Birçok insan	برخی از مردم
Birtakım kuşlar	یک دسته از پرنده ها
Her anne	هر مادر
Başka gün	روز دیگر
Herhangi bir konu	هیچ موضوعی
Hiç bir zaman	هیچ وقت
Beş on defter	پنج تا ده دفتر
Üç beş ay	سه پنج ماه (سه چهار ماه)
Bütün yıl	تمام سال
Bir gün	یک روز
kimisi insanlar,	بعضی انسان ها
bir yaz günü,	یک روز تابستان
bazı sıfatlar	یعضی صفات
herhangi bir zaman	هر زمانی
her soru,	هر سوال
birtakım insanlar,	یک دسته انسان

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

birkaç kişi, چند نفر

Birçok seneler geçti; dönen yok seferinden.

خیلی سال گذشت؛ خبری از کسی باید از سفر برگرده نیست.

tüm insanlar, تمام انسان‌ها

شاخص:

شاخص‌ها عناوین و القابی برای درجه، رتبه، شغل و موقعیت اجتماعی افراد هستند که بدون نشانه و یا نقش نمایی پیش یا پس از اسم می‌آیند و نزدیک‌ترین وابسته به هسته گروه اسمی‌اند و به سه شکل زیر بکار می‌رود:

قبل از اسم:

Doktor Mehmet

دکتر محمد

Yüzbaşı Hasan

سروان حسن

Bay Reza

آقا رضا

Demirci Ahmet

احمد آهنگر

بعد از اسم:

Ahmet Bey

احمد آقا

Ayşe Hanım

عایشه خانم

Hasan Yüzbaşı

سروان حسن

Mustafa Kemal Paşa

ژنرال مصطفی کمال

قبل و بعد اسم به همراه هم:

Öğretmen Ayşe Hanım

خانم معلم عایشه

Doktor Mehmet Bey

آقا دکتر محمد

Makinist Ahmet Usta

استاد احمد مکانیک

ضمیر (ZAMİR)

ضمایر به آن دسته از کلمات وصفی گفته می‌شود که اشیا و اشخاص را به اشاره و کنایه نشان می‌دهند و به همین لحاظ در کتاب‌های دستور زبان از آن‌ها به عنوان کنایات نیز نام می‌برند، تمایز اساسی ضمایر با اسامی در آنست که اسم نماینده لفظی و رمز شناسایی خود موجودات و پدیده‌ها است و بر زبان راندن آن‌ها خواه به طور مستقل و خواه در حین کلام مفهوم آن شی و پدیده را در ذهن ایجاد می‌کند، در صورتی که ضمیر رمز اشاره اشیا و اشخاص است که به خودی خود دارای مصداق نبوده و تنها در حین کلام و به شکل گذرا به جای اسم مورد نظر می‌نشیند و از تکرار آن

جلوگیری می‌کند و موجب ایجاز و اختصار در کلام می‌گردد. همین خصوصیت ضمیرها، یعنی عدم دلالت آن‌ها به نفس و ذات موجودات موجب می‌گردد که دایره شمول این کلمات وصفی از اسم وسیع‌تر و همگانی‌تر باشد، هر اسم شامل فرد یا جنس مشخصی از اشیا و اشخاص و نموده‌ها است در حالی که ضمیر اشخاص و اشیا بی‌شماری را می‌تواند نشان دهد. به عنوان مثال: اسمی çocuk (کودک) و yaprak (برگ) به غیر از خود این موجودات بر ذات دیگری دلالت نمی‌کند. در حالی که ضمیر bu (این) شامل کودک و برگ و درخت و کوه و سنگ و آب و آتش و خاک و باد خلاصه هر آنچه را که بتوان به اشاره نشان داد می‌گردد. جنبه همگانی و وسعت شمول ضمیرها در زبان موجب می‌گردد که تعداد آن‌ها نسبت به شماره اسمی بسیار محدود باشد. به طوری که برای نشان دادن هزارها اسم تعداد انگشت شماری از ضمائر کفایت می‌کند. وسعت شمول ضمائر، آن‌ها را تا حد زیادی از پذیرش پیوندهای توصیفی نیز بی‌نیاز می‌سازد و این نیز یکی دیگر از جنبه‌های تمایز ضمیر از اسم است.

انواع ضمائر

۱. ضمائر شخصی ۲. ضمائر انعکاسی ۳. ضمائر اشاره ۴. ضمائر مبهم ۵. ضمائر پرسشی ۶. ضمیر نسبی ۷. ضمیر ملکی

۱- ضمائر شخصی

ben	من	biz	ما
sen	تو	siz	شما
o	او، آن	onlar	آن‌ها، ایشان

در ترکی برای الفاظ او (مذکر)، او (مؤنث) و آن (اشیا، حیوانات) فقط O بکار می‌برند. Sen (تو) را در روابط خودی برای افراد خانواده، دوستان نزدیک، بچه‌ها و ... و Siz (شما) را در روابط رسمی و محترمانه برای بزرگ‌ترها، آشنایان دور، مکاتبات رسمی و به عنوان ضمیر جمع sizler (شماها) بکار می‌برند.

جدول تصریفی ضمائر شخصی

ben	sen	o	biz	siz	onlar	ضمائر شخصی:
من	تو	او	ما	شما	آن‌ها	
bana	sana	ona	bize	size	onlara	حالت تأثیر «به»:
به من	به تو	به او	به ما	به شما	به آن‌ها	
bende	sende	onda	bizde	sizde	onlarda	حالت تخصیص «در»:
در من	در تو	در او	در ما	در شما	در آن‌ها	
benden	senden	ondan	bizden	sizden	onlardan	حالت انفکاک «از»:

از من	از تو	از او	از ما	از شما	از آنها	حالت گرایش «را»:
beni	seni	onu	bizi	sizi	onları	
من را	تو را	او را	ما را	شما را	آنها را	
benle	senle	onla	bizle	sizle	onlarla	حالت واسطه «با»:
با من	با تو	با او	با ما	با شما	با آنها	
benim	senin	onun	bizim	sizin	onların	حالت اضافه ملکی:
مال من	مال تو	مال او	مال ما	مال شما	مال آنها	
benimle	seninle	onunla	bizimle	sizinle	onlarınla	حالت ملکی و واسطه:
با من	با تو	با او	با ما	با شما	با آنها	

اگر دقت کرده باشید در حالت تأثیر دو ضمیر شخصی ben (من) و sen (تو) به ترتیب تبدیل به ban و san می‌شود.
bana (به من) ، sana (به تو)

ضمیر متصل به فعل

همانطور که از اسم آن مشخص است. یعنی ضمایی هستند که به آخر فعل افزوده می‌شوند و بدین ترتیب زیر می‌باشند:

-iz , -ız , -uz , -üz	در اول شخص جمع	-im , -ım , -um , -üm	در اول شخص مفرد
-sınız , -sınız , -sunuz -sünüz	در دوم شخص جمع	-sin , -sın , -sün , -sun	در دوم شخص مفرد
-lar , -ler	در سوم شخص جمع	-	در سوم شخص مفرد

مثال:

در جدول زیر زمان حال ساده از مصدر gelmek (آمدن) صرف شده است:

مفرد		
۱	Ben gelir im	من می‌آیم
۲	Sen gelir sin	تو می‌آیی
۳	o gelir	او می‌آید
جمع		
۱	Biz gelir iz	ما می‌آییم
۲	Siz gelir siniz	شما می‌آیید
۳	Onlar gelir ler	آنها می‌آیند

۲- ضمیر انعکاسی (Dönüşlülük zamiri)

ضمیر انعکاسی کلمه است که از تکرار مجدد ضمیر در جمله جلوگیری می‌کند این ضمیر پایانه‌های شخصی به خود می‌گیرد:

ben kendim	من خودم	biz kendimiz	ما خودمان
sen kendin	تو خودت	siz kendiniz	شما خودتان
o kendisi	او خودش	onlar kendileri	آنها خودشان

اگر این کلمه دوباره در جمله تکرار شده باشد نشان دهنده آن است که عمل به تنهایی انجام گرفته است:

Kendi kendine oynuyor. او تنها بازی می‌کند.

Kendi kendime oturuyorum. من خودم تنها نشسته‌ام.

Kendi kendine konuşuyor خودش با خودش دارد صحبت می‌کند.

kendi kendime öğrendim خودم آموز یاد گرفتم.

Tabiatın pek nafile yere bana verdiği bu gençlik hazinesinin kendi kendine tükenip gittiğine şızladım...

از این که این گنج جوانی که طبیعت به من داده بود خیلی بی خود و الکی خودش برای خودش نابود شد و رفت سوختم

مثال‌های دیگر:

saçını kendin mi kestin? آیا موهایت را خودت کوتاه کردی؟

hayır kestirdim. خیر، دادم کوتاه کردند.

Örtüyü kendin mi ütüledin? آیا لباس‌ها را خودت اتو کردی؟

Hayır, ütülettim. خیر، دادم اتو کردند.

Yalnız kendisini düşünen kardeş, ne kardeştir ne akraba.

برادر که در بند خویشست ، نه برادر و نه خویشست.

۳- ضمائر اشاره (İşaret zamirleri):

ضمایری هستند که برای نشان دادن دوری یا نزدیکی موجودات به کار می‌روند. ضمائر اشاره در زبان ترکی استانبولی bu و şu (این) و o (آن) است. این ضمائر نیز در قبول پیوندهای جمع و حالت از اسم پیروی می‌کنند:

bu	şu	o	bunlar	şunlar	onlar	ضمایر شخصی:
این	این	آن	این‌ها	این‌ها	آن‌ها	
buna	şuna	ona	bunlara	şunlara	onlara	حالت تأثیر «به»:
به این	به این	به آن	به این‌ها	به این‌ها	به آن‌ها	
bunda	şunda	onda	bunlarda	şunlarda	onlarda	حالت تخصیص «در»:
در این	در این	در آن	در این‌ها	در این‌ها	در آن‌ها	
bundan	şundan	ondan	bunlardan	şunlardan	onlardan	حالت انفکاک «از»:

از این	از این	از آن	از این‌ها	از این‌ها	از آن‌ها	حالت گرایش «را»:
bunu	şunu	onu	bunları	şunları	onları	
این را	این را	آن را	این‌ها را	این‌ها را	آن‌ها را	
bunla	şunla	onla	bunlarla	şunlarla	onlarla	حالت واسطه «با»:
با این	با این	با آن	با این‌ها	با این‌ها	با آن‌ها	
bunca	şunca	onca	bunlarca	şunlarca	onlarca	حالت برابری:
این همه	این همه	آن همه	این همه	این همه	آن همه	
bunun	şunun	onun	bunların	şunların	onların	حالت اضافه ملکی:
مال این	مال این	مال آن	مال این‌ها	مال این‌ها	مال آن‌ها	
bununla	şununla	onunla	bunlarınla	şunlarınla	onlarınla	حالت ملکی و واسطه:
با این	با این	با این	با این‌ها	با این‌ها	با آن‌ها	

گفتنی است دو ضمیر اشاره به نزدیک، مثل *bu* , *şu* , *bu* اشیا و افراد را در نزدیکی نشان می‌دهد. فرق در این است که وقتی چیزی کاملاً در نزدیکی ما قرار دارد و می‌توانیم بدون زحمت آن را نشان داده و اشاره کنیم از ضمیر اشاره به نزدیک *şu* و اگر چیزی در نزدیکی ماست؛ ولی برای دست زدن به آن باید کمی خم شده و قدمی فراتر بگذاریم، آن زمان از ضمیر اشاره به نزدیک *bu* بهره می‌جویم. همچنین *şu* در جملاتی که با احساس ترحم، بی تفاوتی، بی‌علاقگی و یا کوچک شمردن همراه است کاربرد فراوان دارد:

Şu çocuğa birkaç Kuruş verelim.

بیا به این بچه کوچک (طفلک بیچاره) چند سکه (قروش، از اجزای پول ترکیه) بدهیم.

Şunca/şuncacık, yaradan ölmezsin.

تو با این زخم کوچک نمی‌میری!

bu, şu, o به تنهایی صورت جمع می‌گیرند اما قبل از اسم‌های جمع همانند فارسی همچنان مفرد باقی می‌مانند:

این پرده‌ها *bu perdeler* این‌ها *bunlar*

پیوندهای *-ra* , *-re* به هر سه ضمیر فوق اضافه می‌شوند و محل را نشان می‌دهند *şu-ra* , *o-ra* , *bu-ra* اگر چه

این سه شکل، مبنایی برای پذیرفتن پیوندهای بعدی نیز می‌شوند:

از آنجا *oradan* در اینجا *burada*

به همین ترتیب *-re* را به *ne* (چه) می‌افزایند تا مبنایی برای پذیرفتن پیوندهای دیگر بشود:

محل تولدتان کجاست؟ *Doğum yeriniz neresi?*

ضمایری هستند که هویت اشخاص و اشیا را به طریق پرسش تعیین می کنند. رایج ترین ضمائر استفهامی در زبان ترکی استانبولی عبارتند از:

kim	که	kimler	که ها
ne	چه	neler	چه ها
hangi	کدام	hangiler	کدام ها
kaç	چند		

مثال:

Ne alacaksın?	چه می خواهی بخری؟
Kim gelecek?	چه کسی خواهد آمد؟
Kaça aldın?	(به) چند خریدی؟
Kaçını yaptın?	چندمی را انجام دادی؟
Nereye gideceksin?	به کجا می خواهی بروی؟
Neyi beğendin?	چه چیزی را پسندیدی؟
Nereden geliyorsun?	از کجا می آیی؟
Marketten neler aldın?	از مارکت چه چیزهایی خریدی؟
Geziye kimler gidecek?	چه کسانی به تور خواهند رفت؟
Neyi seçtin?	چه چیزی را انتخاب کردی؟

۵- ضمائر مبهم (Belgisiz Zamir):

ضمایری هستند که موجودات را به صورت نامعین نشان می دهند، ضمائر نامعین نیز هنگام تصریف پیوندهای حالت را قبول می کنند.

Biri	یکی
birisi	یکی، یک کسی، یکی از آن
birileri	یک کسانی، برخی از، بعضی ها
birkaçı	چند تایی
kimisi	کسی، شخصی
hiç kimse	هیچ کس
bütün	همه، تمام، کلیه
başka biri	کسی دیگر
Öteki	آن دیگری، آن یکی، دیگری
Ötekisi	کسی دیگر
Öteki beriki	هرکس، هرکس و ناکس
falan	فلان، فلانی
falanca	فلانی

flanca	فلانی
kimse	کسی، هرکس، هیچ کس
herkes	هر کس
tümü	هم آن، همه اش
pek çoğu	بسیاری، بیش ترش
hepsini	همه، همه آن را، همه اش را
bazısı	بعضی از آن، برخی از
hiçbirini	هیچ کدام، هیچ کدام را
hiçbirisi	هیچ کدامش
her biri	هر یک
başkası	دیگر، دیگری
başkaları	دیگران، برخی دیگر
bir kısmı	برخی از
öbürsü	آن دیگری، دیگری، آن یکی
öbürleri	آن یکی ها، دیگران

مثال:

Biri yemeğini yemedi.	یکی غذايش را نخورد.
Birisi okula gelmedi.	یکی به مدرسه نیامد.
Kimse incinmesin.	هیچ کس دلخور نشود.
Çocukların tümü otobüse binsin...	تمام بچه ها سوار اتوبوس شوند.
Bir kısmı içeride kalsın.	بخشی داخل بمانند.
Bunlar gitsin, öbürleri gelsin.	این ها بروند، آن یکی ها بمانند.
Çocukların hiçbirisi geziye gitmiyor	هیچ یک از بچه ها به تور نمی رود.

چند مثال دیگر:

Öteki evi aldık - صفت اشاره	آن یکی خانه را خریدیم.
Ötekini aldık - ضمیر اشاره	آن یکی را گرفتیم.
Şu bölüme bakla ettik - صفت اشاره	در این قسمت باقلا کاشتیم.
Şuraya bakla ettik - ضمیر اشاره	اینجا باقلا کاشتیم.
O kısmı çapaladık - صفت اشاره	آن قسمت را بیل زدیم.
Orasını çapaladık - ضمیر اشاره	آنجا را بیل زدیم.
Böyle insan görmedim - صفت اشاره	این جور انسان ندیدم.
Böylesini görmedim - ضمیر اشاره	این جوریش را ندیدم.
Öyle adamdan hiçbir şey olmaz - صفت اشاره	از چنین مردی هیچ چیزی در نمی آید.

از چنین چیزی هیچ چیز در نمی آید. ضمیر اشاره - Öylesinden hiçbir şey olmaz

ضمایر از نظر ساختار

۱. ضمایر ساده ۲. ضمایر مرکب ۳. ضمایر گروهی ۴. ضمایر پیوندی

نحوه صرف مصدر imek (هستن، بودن)

تنها فعل بی قاعده زبان ترکی است که در نقش فعل امدادی، در دایره بسیار وسیعی عمل می کند. این فعل به علت داشتن قابلیت الحاق به آخر کلیه اشکال وصفی و فعلی، نام فعل معین یا امدادی اصلی و به مناسبات حالت فعل بخشیدن به اسم، نام فعل اسمی بر خود دارد.

فعل imek به صورت مستقل بی فایده بوده و به همین جهت از قبول پیوندهای توصیفی برکنار مانده و حالت مصدری آن یعنی ایمک نیز در کلام مورد استعمال ندارد.

اشکال تصریفی فعل imek در عین حال که فی نفسه و در خارج از سلسله کلام فاقد معنی هستند، استعداد و نرمش فوق العاده ای در الحاق به آخر انواع کلمات وصفی و فعلی دارند.

فعل imek از تمام وجوه و زمان ها فعل، زمان حال، ماضی مطلق، ماضی استمراری و وجه شرط را دارد.

زمان حال فعل imek فاقد شکل مستقل است و تنها به صورت پیوندهای فعلی به آخر عده کثیری از کلمات وصفی الحاق یافته و حالت فعلی زمان حال آن ها را به وجود می آورد.

در زبان ترکی ضمایر شخصی را به وسیله ریشه مصدر imek صرف می کنند. مصدر مذکور عملکردی همانند مصدر «بودن» در فارسی دارد که به همان معنی نیز بکار گرفته می شود. خود مصدر imek به شکل «بودن» مورد استفاده قرار نمی گیرد، بلکه صرف آن به شکل «هستم»، «هستی» به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود:

فارسی	ترکی	علامت صرفی
هستم (منم)	Benim	im
هستی (تویی)	Sensin	sin
هست (او هست)	Odur	dur
هستیم (ماییم)	Biziz	iz
هستید (شمایید)	Sizsiniz	siniz
هستند (آنهایند)	Onlar (dır) lar	(dır) lar

بعد از مصوت ها	بعد از صامت های خشن ç, f, h, k, p, s, ş, t	بعد از حروف نرم	شخص
-yim, -yım, -yüm, -yum	-	-im, -ım, -üm, -um	من هستم

تو هستی	-sin, -sın, -sün, -sun	-	-
او هست	(dir, -dır, -dür, -dur)	(tir, -tır, -tür, -tur)	-
ما هستیم	-iz, -ız, -üz, -uz	-	-yiz, -yız, -yüz, -yuz
شما هستید	-sınız, -sınız, -sünüz, -sunuz	-	-
آنها هستند	(dirler, -dırlar, -dürler, -durlar)	(tirler, -tırlar, -türler, -turlar)	-

صرف فعل «imek» را پیوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی نیز می‌نامیم. «Ben varım» و «Benim» (موجود بودن، هستی) در زبان فارسی معنی «من هستم» را می‌دهند.

Ben varım, sen var**sın**, o var (**dır**), biz var**ız**, siz var**sınız**, onlar var (**dır**) lar

مثال‌های دیگر:

Sen benim gülüm**sün**

تو گل من هستی

Biz yorgun**uz**

ما خسته هستیم

Siz hasta**sınız**

شما مریض هستید

O güzel**dir**

او زیبا است

Onlar iyi**ler**

آنها خوب هستند

Ben kızgın**ım**

من عصبانی هستم

sen kısa**sın**

تو کوتاه هستی

Biz Türk**üz**

ما ترکیم

O İranlı**dır**

او ایرانی است

صرف مصدر imek در گذشته

شخص	پیوند	پس از حروف خشن	بعد از مصوت‌ها
من بودم	-dim, -dım, -düm, -dum	-tim, -tım, -tüm, -tum	-ydim, -ydım, -ydüm, -ydum
تو بودی	-din, -dın, -dün, -dun	-tin, -tın, -tün, -tun	-ydin, -ydın, -ydün, -ydu
او بود	-di, -dı, -dü, -du	-ti, -tı, -tü, -tu	-ydi, -ydı, -ydü, -ydu
ما بودیم	-dik, -dık, -dük, -duk	-tik, -tık, -tük, -tuk	-ydik, -ydık, -ydük, -yduk
شما بودید	-diniz, -dınız, -dünüz, -dunuz	-tiniz, -tınız, -tünüz, -tunuz	-ydiniz, -ydınız, -ydünüz, -ydu
آنها بودند	-diler, -dılar, -düler, -dular	-tiler, -tılar, -tüler, -tular	-ydiler, -ydılar, -ydüler, -ydu

	-dular	-tular	-ydular
--	--------	--------	---------

مثال:

genç i dim = gençtim	جوان بودم.
güzel i din = güzeldin	زیبا بودی.
sabah i di = sabahtı	صبح بود.
zengin i dik = zengindik	ثروتمند بودیم.
paralı i diniz = paralıydınız	پول دار بودید.
polis i diler = polistiler	پلیس بودند.

قیدها (Zarflar) :

قیدها، آن عده از کلمات وصفی را در بر می گیرند که زمان و مکان و کم و کیف حرکت و کنش را بیان می دارند. قید نیز مانند صفت وقتی به طور مستقل و بدون داشتن وابستگی به کلمه‌ی دیگر در کلام شرکت می کند، در حکم اسم است. ولی وقتی برای توجیه معنی فعل و یا کلمه یکدیگر استعمال می شود، حالت قید به خود می گیرد. قیدها تا وقتی وظیفه‌ی اصلی خود، یعنی ایجاد تغییر در نحوه‌ی وقوع یا حدوث فعل را انجام می دهند، هیچ نوع پیوند تصریفی نمی پذیرند. ولی وقتی به جای اسم به کار روند، به قبول پیوندهای تصریفی تن در می دهند.

قیدها برای تغییر مفهوم صفت و یا قید دیگر نیز استعمال می شوند. ولی مورد مصرف اصلی قید با فعل است و از این نظر قیدها را صفات افعال نیز می توان نامید.

در زبان ترکی استانبولی، قید در نقش تعیین کننده، مانند صفت قبل از کلمه‌ی تعیین شونده قرار می گیرد و وقتی تعیین شونده فعل باشد، مطلقاً پیوند تصریفی نمی گیرد. مانند: içeri girmek (داخل شدن).

حال اگر این ترکیب به صورت içeriye girmek استعمال شود، در حکم اسم متممی خواهد بود که پیوند تصریفی پذیرفته است.

اقسام قیدها از نظر مدلول و ساختمان کلمه**۱- قید زمان (Zaman Zarfları) :**

قیدهایی هستند که زمان وقوع فعل را بیان می دارند مانند:

ansızın	ناگهان، غفلتاً
asla	هرگز، ابداً، اصلاً
birdenbire	ناگهان
bu akşam	امشب

bu gece	امشب
bu yıl	امسال
bugün	امروز
çabuk	زود
daha sonra	پس، بعد
daima	همیشه، همواره
derhal	بی درنگ، فوراً
devamlı	پیوسته
dün	دیروز
dün akşam	دیشب
dün gece	دیشب
erken	زود
eskiden beri	دیر باز، از گذشته تا کنون
geceleyin	شبانه، وقت شب
hemen	فوراً
her an	دم بدم، هر لحظه
her gece	همه شب، هر شب
her zaman	همیشه، همواره
zaman zaman	گاه گاه، بعضی موقع ها، بعضاً
hiçbir zaman	هیچ گاه، هیچ وقت
iki gün sonra	پس فردا
ne vakit	چه وقت
sabah	صبح
ne zaman	هر وقت، چه هنگام، هرگاه، چه زمان
o zaman	آنگاه، پس
ondan önce	پیش از آن
ondan sonra	پس از آن، سپس
önceden	قبلاً
sonra	پس، بعد
şimdi	حالا، اکنون، حال، الآن، اینک
şimdiciik	فوراً، الآن، همین حالا
şimdiden	از حالا، از همین الآن
şimdilik	برای حال حاضر، برای همین الآن، فعلاً
yarın	فردا
yine	باز، باز هم، مجدداً، دوباره

Zaman zaman buraya da uğrar.

گاه گاه به اینجا هم سر می‌زنند.

Sabah sabah canımı sıkma.

سر صبح حوصله‌ام را سر نبر.

Çabuk ol.

زود باش.

Biraz çabuk ol.

کمی سریع باش.

Geceleyin bir ses böler uykumu içim ürpermeyle dolar-Nerdesin?

شب‌ها صدایی خوابم را قطع می‌کند و درونم از وحشت پر می‌شود-کجایی؟

۲- قید مکان (Yer Zarfları):

قیدهایی هستند که مکان و جهت جریان فعل را نشان می‌دهند. مانند:

altına

تحت، زیر

altında

تحت، در زیر

alttaki

زیرین

beriki

در نزدیکی، این طرفی

arkasında

پس

aşağıdaki

زیرین

aşağısında

در زیرش

aşağıya

پایین

baştanbeşe

سراسر

bura

اینجا

burada

در اینجا

burası

اینجا، اینجایش

dışarı

بیرون

dışarıda

در بیرون

dışarısı

بیرونش

dışında

خارج، در بیرون

her nerede

هر جا

her neresi

هر جا، هر جایش

neresi

چه جایی، چه جایی

içeri

درون

içeride

درون، در داخل

içerisi

درون، درونش

karşıkarşıya

روبرو

karşısında

روبروی

kenarda	کنار، در کنار
nerede	کجا، هر جا، در کجا
neresi	کجا، کجایش
ora	آنجا
oracıkta	همان جا
orada	آنجا، در آنجا
orası	آنجا، آنجایش
önünde	پیش، در جلوی، در جلویت
uzakta	دور، در دوردست
üstünde	بالای
üzerinde	بالای، در بالای
yakında	نزدیک، در نزدیک
yanında	پیش، در کناره

۳- قید حالت (Hal Zarfları):

قیدهایی هستند که حالت و چگونگی فاعل یا مفعول را در حین انجام دادن یا انجام گرفتن کار می‌رساند. مانند:

ardarda	پیایی
boş yere	بی‌هوده
boş	تهی، خالی
gülerek	خندان
kolay	آسان
nispeten	نسبتاً
tamamen	کاملاً
temiz	پاک، تمیز
tümüyle	کاملاً
yavaş	آهسته
zorla	به زور

خود این نوع قید دارای تقسیم بندی هایی است:

الف: قیود توصیفی

این قید ها را در جملاتی که فعل آنها به nasıl (چطور) پاسخ می دهد، می توان یافت:

- بیشتر صفات توصیفی می توانند بعنوان قیود توصیفی بکار روند:

Eğri oturalım, doğru konuşalım.

کج بنشینیم، راست صحبت کنیم.

Düşüncelerini ne güzel dile getirebiliyorsun!

افکارت را چه زیبا می توانی به زبان بیاوری!

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Çocukça hareket ediyorsun. بچگانه رفتار می کنی.

Böyle gelmiş, böyle gider. چنین آمده و چنین می رود.

• کلماتی که پیوند برابری CE- و از گیوندهای حالت، پیوند واسطه یعنی پیوند IE- را به همراه خود دارند می توانند بعنوان قید حالت بکار روند

kardeşçe	برادرانه، خواهرانه	hafifçe	به آسانی، به سبکی
gizlice	مخفیانه	yavaşça	به آرامی
sessizce	بی صدا	hızlıca	به سرعت، با شتاب
hızla	با سرعت، به سرعت	kahkahayla	قهقهه کنان، با قهقهه

Küçük kız güzelce süslendi. (niteleme) دختر کوچک به زیبایی خودش را آرایش کرد.

Babasını sevinçle karşıladı. (niteleme) با شادی از پدرش استقبال کرد.

۴- قید مقدار (Miktar Zarfları):

قیدهایی هستند که مقدار و کمیت حرکت و کنش را معلوم می دارند.

مانند:

az çok	کمابیش
az	اندک
bazısı	برخی
hepsi	همه اش، تمامش، کلیه اش
bütün	همه، کلیه، تمام
hemen hemen hepsi	بیش ترش
bir kısmı	برخی
biraz	اندکی
bir çift	یک جفت
biraz	کمی
birçok	بسی، مقدار زیادی، چندین
bol	فراوان
bu kadar	چندین، این قدر
bunca	چندین، این همه
cüz'î	جزئی
çok	فراوان، خیلی، بسیار
çoğu	بیش ترش
o kadar	چندان، آن قدر

öbek öbek	گروه گروه
pekçok	بسیار
tümüyle	به کلی
yaklaşık olarak	تقریباً
	مثال:

Dairelerin hemen hemen hepsi sarı, ama bir tanesi siyah.

بیشتر این دایره‌ها زرد هستند ولی یکیشان سیاه است

Hemen hemen bütün üçgenler siyah

بیشتر مثلث‌ها سیاه هستند.

bütün üçgenler sarı

تمام مثلث‌ها زرد هستند.

Çok yeme.

زیاد نخور.

Az çalışmışsın.

کم کار کرده‌ای.

Daha çok çalışmalısın.

بیشتر باید کار کنی.

Bu kadar umutsuz olma.

این قدر ناامید نباش.

Biraz daha sabret.

کمی آزادتر.

۵- قید ترتیب (Sayı Zarfları):

birbir	یک یک
birinci	نخست
birincisi	اولاً
birkaç	چند
her	هر
ikinci	دوم
ilk	نخست

۶- قید علت (Sebeup Zarfları):

bu nedenle	به این جهت
bu yüzden	از این رو
çünkü	چون که
çünkü	زیرا
zîrâ	زیرا
için	به جهت، برای
nedeniyle	به جهت
o halde	پس
şu halde	پس

o zaman

پس

۷- قید اشاره (İşaret Zarfları):

aynı şekilde

همچنان

aynı

همان

işte

اینک

o

همان

öyle

همان طور، همچنان، آن طور، آنچنان، بدان گونه

öylese

در صورتی که، اگر به طوری که

şöyle

این طور، این جور، چنین

şöyle böyle

این طور، آن طور

şöylece

این طوری، این چنین

böyle

چنین، این طور، این جور

böyle böyle

این طوری، این جوری و آن جوری

böylece

این گونه، این چنین

۸- قید پرسشی (Soru Zarfları):

hangi

کدام

niye

چرا

kaç tane

چند تا

kaç

چند

ne kadar

چند، چقدر

ne sebeple

بچه سبب

ne vakit

چه وقت

ne zaman

چه هنگام، کی

neden

بچه سبب، برای چه، برای چه

nerede

کجا، در کجا

neresi

چه جایی

niçin

برای چه

Niçin yanıt vermiyorsunuz?

برای چه پاسخ نمی دهید؟

Neden susuyorsun?

چرا ساکت می شوی؟

Sizi daha **ne kadar** bekleyeyim?

چقدر دیگر منتظر شما بمانم؟

Buraya nasıl gelmişler?

به اینجا چطور می آمده اند؟

مصدر

مصدر اسمی است که از میان چهار مفهوم فعل، فقط معنا را دارد و از سه مفهوم دیگر (زمان، شخص، تعداد) بی نصیب است.

مصدر در زبان ترکی:

در حالت استاندارد علامت مصدر در زبان ترکی mek- و mak- است که با حذف علامت مصدر از فعل ریشه فعل به دست می آید. با این کار ما فعل امر غیر محترمانه را نیز ساخته ایم.

okumak	خواندن، قرائت، تحصیل، درس خواندن
görmek	دیدن، ملاقات کردن، مشاهده کردن
gitmek	رفتن، برازنده بودن، مناسب بودن
almak	گرفتن، خریدن، وصول کردن

علامت مصدر mek- و mak- نیز تابع قانون هماهنگی اصوات است. با حذف علامت مصدر، فعل امر دوم شخص بدست می آید که همان ریشه فعل است همچنین با حذف حرف k از مصدر فعل امر منفی دوم شخص به دست می آید.

satmak	فروختن	sat	بفروش
gitmek	رفتن	git	برو
bakmak	نگاه کردن	bakma	نگاه نکن
görmek	دیدن	görme	نبین

اسم مصدر یا حاصل مصدر اسمی است که حاصل و نتیجه معنای مصدر را نشان می دهد، بی آن که خود دارای علامت مصدر باشد. مثال:

acımak	دل سوختن	acıma	دلسوزی
gelmek	آمدن	gelme	حالت آمدن
koşmak	دویدن	koşma	دوندگی، دو
girmek	وارد شدن	giriş	ورود

نکته: قبلاً در مورد پیوند دو شکلی me-, -ma- توضیح داده شد که نقش اساسی آن ایجاد اسم مصدر است این پیوند را نباید با پیوند نفی (me-, -ma-) اشتباه گرفت به مثال های زیر توجه کنید:

اسم مصدر یا حاصل مصدر	فعل امر منفی دوم شخص مفرد
-----------------------	---------------------------

koşma	ندو	koşma	دوندگی، دو
yazma	ننویس	yazma	عمل نوشتن، دست نوشته
bekleme	منتظر نمان	bekleme	انتظار

Ben bekleme odasında Ali'yi bekliyorum, sen onu bekleme.

من در اطاق انتظار منتظر علی هستم، تو منتظر او نباش.

هرگاه تکیه بر روی علامت نفی کشیده شود کلمه از حالت فعل خارج می گردد و مفهوم اسم مصدر به خود می گیرد.

جزئیات فرم مصدر

مثبت		منفی	
gel-mek	آمدن	gel-me-mek	نیامدن
gel-me-ye	به آمدن، برای آمدن	gel-me-me-ye	به نیامدن، برای نیامدن
gel-me-yi	آمدن را	gel-me-me-yi	نیامدن را
gel-mek-te	در حال آمدن	gel-me-mek-te	در حالت نیامدن
gelmek-ten	از آمدن	gel-me-mek-ten	از نیامدن
gelmek-le	با آمدن	gel-me-mek-le	با نیامدن
gel-mek-sizin	بدون آمدن	gel-me-mek-sizin	بدون نیامدن

مثال:

Gelmeye çalıştı.

به (برای) آمدن سعی کرد. (او سعی کرد بیاید).

Yüzmeyi severim.

شنا کردن را دوست دارم.

Onu yapmaktayım.

در حال انجام دادن آن هستم.

Sigara içmeyi bıraktım.

سیگار کشیدن را ترک کردم.

Kesmeyi bıraktı.

بریدن را رها کرد.

Sürmeyi öğreniyorum.

رانندگی یاد می گیرم.

Gülmemeye çalışıyorlar.

آنها سعی می کنند نخندند.

İnsan çalışmaksızın para kazanmaz.

انسان بدون کار کردن پول بدست نمی آورد.

Deminden beri sebebini bilmeksizin rahatsız oluyordum.

از چند لحظه پیش تا الان بدون اینکه دلیلش را بدانم کسل می شدم.

چند مثال دیگر به همراه فعل unutmak (فراموش کردن):

Geçen hafta ödevimi yapmayı unuttum

هفته گذشته فراموش کردم تکلیفم را انجام بدهم.

Garajdan arabamı almayı unuttum	فراموش کردم ماشین را از گاراژ درآورم.
Ali, sana söylemeyi unuttu	علی فراموش کرد به تو بگوید.
Affedersin, seni aramayı unuttuk	می‌بخشید، فراموش کردیم به تو زنگ بزنیم.
Filmi izlemeyi unuttum	فراموش کردم فیلم را تماشا کنم.
Kediyi beslemeyi unuttum	فراموش کردم غذای گربه را بدهم.
Mehmet'i sormayı unuttunuz	فراموش کردید محمد را بپرسید.
Kapıyı kapamayı unuttum	فراموش کردم در را ببندم.
Pencereyi açmayı unuttular	فراموش کردند پنجره را باز کنند.

اگر بخواهیم به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنیم جمله اول را باید به این شکل ترجمه کنیم «هفته گذشته انجام دادن تکلیفم را فراموش کردم»

اضافه شدن پیوند تملیک به مصدر:

مصدرها پس از حذف حرف k از آخر آنها قابلیت الصاق با پیوندهای ملکی را دارند.

مثبت		منفی	
gel-mek	آمدن	gel-me-mek	نیامدن
gel-me-m	آمدنم	gel-me-me-m	نیامدنم
gel-me-n	آمدنت	gel-me-me-n	نیامدنت
gel-me-si	آمدنش	gel-me-me-si	نیامدنش
gel-me-miz	آمدنمان	gel-me-me-miz	نیامدنمان
gel-me-niz	آمدنتان	gel-me-me-niz	نیامدنتان
gel-me-leri	آمدنشان	gel-me-me-leri	نیامدنشان

پیوندهای حالت نیز می‌توانند بعد از پیوند تملیک بیایند:

gel-me-m	آمدنم	حالت تملیک
gel-me-m-in	مالِ آمدنم	حالت اضافه
gel-me-m-e	به آمدنم	حالت تأثیر «به»:
gel-me-m-de	در آمدنم	حالت گرایش «را»:
gel-me-m-den	از آمدنم	حالت تخصیص «در»:
gel-me-m-i	آمدنم را	حالت انفکاک «از»:

gel-me-m-le با آمدنم حالت واسطه «با» :

شکل منفی:

gel-me-me-m نیامدنم حالت تملیک

gel-me-me-m-in مال نیامدنم حالت اضافه

gel-me-me-m-e به نیامدنم حالت تأثیر «به»:

gel-me-me-m-de در نیامدنم حالت گرایش «را» :

gel-me-me-m-den از نیامدنم حالت تخصیص «در» :

gel-me-me-m-i نیامدنم را حالت انفکاک «از» :

gel-me-me-m-le با نیامدنم حالت واسطه «با» :

مثال‌های تکمیلی:

Konu-yu iyice anla-**mak** gerek. موضوع را باید به خوبی فهمید.

Biz siz-e iki ay iç-i-n-de geri öd-**mek** şart-ı-yla on milyar-lık borç ver-e-bil-ir-iz.

ما به شرط برگرداندن ظرف دو ماه می‌توانیم به شما ده میلیارد قرض بدهیم.

Ali İstanbul'a gel-ince yeni-den buluş-**mak** üzere ayrıl-mış-lar-dı o gün.

آن روز به امید این که وقتی علی دوباره به استانبول آمد مجدداً همدیگر را ملاقات می‌کنند از هم جدا شده بودند.

Türkçe öğren-**mek** zor. یاد گرفتن ترکی دشوار است.

Hayat-taki en büyük nimet-ler-den biri sevil-**mek**-tir.

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها در زندگی دوست داشته شدن است.

Sen nere-ye git**mek** isti-yor-sun? تو کجا می‌خواهی بروی؟

Bütün gün müze gez-**mek** bizi çok yor-muş-tu.

تمام طول روز در موزه گشتن ما را خسته کرده بود.

Ev taşı-**mak** Mehmet'e çok kolay geldi. اسباب کشی برای محمد خیلی آسان بود.

Kimse-ye bir şey söyle-me-**mek** kolay ol-ma-yacak ben-im için.

برای من آسان نخواهد بود که به کسی چیزی نگویم.

Sizin-le konuş-**mak** hoş ol-du. مصاحبت با شما زیبا بود.

Bütün gece otur-**mak** çok zor ol-muş-tur. تمام شب نشستن خیلی سخت بوده است.

Bir çocu(k)ğ-a öyle bir şey söyle-me-**mek** lazım. به یک کودک نباید چنین چیزی را گفت.

Amac-ım, beş yıl iç-i-n-de zengin ol**mak**-tı. هدف من، ثروتمند شدن ظرف پنج سال بود.

Amaç, beş yıl iç-i-n-de zengin ol**mak**-tı. هدف، ثروتمند شدن ظرف پنج سال بود.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Deniz yemek yap-**ma**-yı bil-iyor mu? آیا «دنیز» غذا پختن بلد است.

Bu yaz İtalya'ya git**me**-yi düşün-üyoruz. ما این تابستان در فکر رفتن به ایتالیا هستیم.

Ahmet araba kullan-**ma**-sı-nı sev-er. احمد رانندگی را دوست دارد.

Her gün beş sayfa yaz**ma**-ya çalış-ıyor-um. سعی می‌کنم هر روز پنج صفحه بنویسم.

Ben-i konuş-**ma**-ya zorla-ma! مرا مجبور نکن صحبت کنم!

Demet otobüs-le git-**mek**-te diren-iyor. «دیمت» در رفتن با اتوبوس پافشاری می‌کند.

Sigara iç-**mek**-ten vazgeç-meli-siniz. شما باید از سیگار کشیدن منصرف شوید

Ayten'i eski bilgisayar-ı-nı ban-a ver-**mek**-le suçlu-yor-lar.

«آیتین» را با دادن رایانه‌ی قدیمی‌اش به من متهم می‌کنند.

Yaş-lı-lar-ı dinle-**mek**-te fayda var.

در گوش کردن به قدیمی‌ها فایده است. (گوش کردن به افراد مسن مفید است).

Baba-n-a bir kere daha sor-**mak**-ta yarar var.

ارزش دارد که یک بار دیگر از پدرت بپرسی (در پرسیدن دوباره از پدرت ارزش نهفته است)

Ev-i kendi-m temiz-le-**mek**, başka-sı-na temiz-le-t-**mek**-ten daha kolay gel-iyor.

تمیز کردن خانه توسط خودم، از تمیز کردن خانه توسط دیگری راحت‌تر به نظر می‌آید.

Toplantı müdür gel-me-den başla-t-ıl-**mak** iste-n-di.

خواسته شد که جلسه قبل از آمدن مدیر آغاز شود.

Toplantı müdür gel-me-den başla-t-**mak** iste-di-ler.

آن‌ها خواستند قبل از آمدن مدیر جلسه را شروع کنند.

Biz yürüyüş sıra-sı-n-da önce polis, sonra düzen-le-y-ici-ler taraf-ı-n-dan dur-dur-ul-**mak** iste-n-dik.

ما در طول تظاهرات ابتدا توسط پلیس، سپس انتظامات خواستیم متوقف شویم.

Deprem bölge-si-ne gid-il-**me**-ye çalış-ıl-ıyor.

مردم سعی می‌کنند به مناطق زلزله زده بروند. (سعی می‌شود به مناطق زلزله زده رفته شود).

Ben-ce Ali-yi çağır-**ma-nın** anlam-ı yok.

به نظر من صدا کردن علی معنی ندارد. (بی معنی است).

Sigara-yı bırak-**ma-nın** fayda-sı-n-ı ilk gün-ler-de gör-me-ye-bilirsin.

تو نمی‌توانی در روزهای اول فایده‌ی ترک کردن سیگار را ببینی.

Fatma Hanım-ın üç kat merdiven çık-**ma-sı** çok zor.

برای فاطمه خانم بالا رفتن از پله‌های سه طبقه (ساختمان) خیلی مشکل است.

Sekiz buçuk'ta havaliman-ı-n-da ol-**ma**-mız gerek-iyor.

ما باید در ساعتِ هشت و نیم، در فرودگاه باشیم.

Ayla'nın iş-ten hep geç ve yorgun gel-me-si ev-de gergin-lik yarat-ıyor-du.

همیشه دیر و خسته آمدنِ «آیلا» از کار، در خانه تیرگی و کدورت به وجود می آورد.

Herkes-in birer hika-ye anlat-ma-sı iste-n-iyor-muş.

از هر کس خواسته می شده که یکی یک دانه داستان تعریف کند.

Bu ürü-nün elde yıkan-ma-sı tavsiye ed-il-ir.

توصیه می شود این محصول با دست شسته شود.

Önemli ol-an siz-in bu ev-i beğen-me-niz.

چیزی که اهمیت دارد این است که شما این خانه را پسند کنید.

Biz-im rica-mız toplantı-nın hafta-ya erte-len-me-si olacak.

خواهش ما این خواهد بود که جلسه به هفته ی آینده موکول شود.

Bu tablo-nun şura-ya as-ıl-ma-sı-nı isti-yor-uz. ما می خواهیم این تابلو در اینجا آویزان شود.

Otel müdür-ü oda-yı hemen boşalt-ma-ları-n-ı söyle-di.

مدیر هتل به آن ها گفت که هر چه سریع تر اتاق را خالی کنند.

Tuğba anne-m-e herkes-in kalın giysiler-le gel-me-si-n-i söyle-miş.

طوبا به مادرم گفته که همه با لباس های خودمانی بیایند.

Ali biz-den taşınacağı gün kendisine yardım et-me-miz-i istedi.

علی از ما خواست روزی که می خواهد منتقل شود به او کمک کنیم.

İlkbahar-daki yağmur-lar mahsul-ün bol ol-ma-sı-n-ı sağladı.

باران های بهاری موجب فراوانی محصول شد.

Koca-sı-nın kendi-si-n-e yalan söyle-me-si-n-i affed-e-mi-yor-du.

او نمی توانست دروغی که شوهرش به او گفته را ببخشد.

Mehmet, Ali-nin kendi-si-ni çağır-ma-ma-sı-n-a gücen-di.

محمد از علی دلخور شد که او را خبر نکرده است.

Zeynep'in süre-k-li kendi-si-n-den söz et-me-si-n-den sıkılı-yor-um.

من از این که زینب مدام از خودش حرف می زند حوصله ام سر می رود.

Sıcak hava-lar, meyva-lar-in erken olgun-laş-ma-sı-n-a yol aç-tı bu yıl.

امسال هوای گرم راهی باز کرد تا میوه ها زودتر برسند.

Çocuk-lar bura-yı topla-ma-nız-a yardım et-sinler.

بچه ها کمک کنند تا اینجا را جمع و جور کنید.

Ev sahib-i-miz kedi ya da köpek besle-me-miz-e izin ver-mi-yor-du.

صاحب خانه ما اجازه نمی‌داد که ما سگ یا گربه پرورش دهیم.

به نظر من بی معنی است که علی را خبر کنیم. Ben-ce Ali-yi çağır-ma-mız-ın anlam-ı yok.

مصدر سنگین

فرم دیگری از مصدر بدین شکل است که پیوند **-lik** و **-lık** بعد از مصدر قرار می‌گیرد که در اغلب موارد حرف **k** حذف می‌شود. در حالت منفی نیز **-mez** و **-maz** به ترتیب جایگزین **-mek** و **-mak** می‌شود.

از نظر معنایی این فرم از مصدر، با مصدر استاندارد معنای یکسانی دارند اما از نظر کاربرد هنگامی از مصدر سنگین استفاده می‌شود که جمله در چهار چوب ابهام قرار داشته باشد و مبهم باشد. پیوند ملکی را نیز می‌توانید به این نوع از مصدر اضافه کنید:

مثبت		منفی	
gelme (k) lik	آمدن	gelmezlik	نیامدن
gelme (k) liğim	آمدنم	gelmezliğim	نیامدنم
gelme (k) liğın	آمدنت	gelmezliğin	نیامدنت
gelme (k) liği	آمدنش	gelmezliği	نیامدنش
gelme (k) liğimiz	آمدنمان	gelmezliğimiz	نیامدنمان
gelme (k) liğiniz	آمدنتان	gelmezliğiniz	نیامدنتان
gelme (k) likleri	آمدنشان	gelmezlikleri	نیامدنشان

طرز بیان تظاهر کردن، وانمود کردن

Bana bakmamazlıktan geldi او وانمود کرد که به من نگاه نکرده است.

Onu görmemezlikten geliyorsunuz شما وانمود می‌کنید که او را ندیده‌اید

Ayşe hanımı sevmemezlikten gelir misiniz?

آیا شما تظاهر می‌کنید که عایشه خانم را دوست ندارید؟

Bilmemezlikten gelemesiniz

شما نمی‌توانید وانمود کنید که نمی‌دانید.

bilmemezliğe gelemesiniz

شما نمی‌توانید وانمود کنید که نمی‌دانید.

bilmemezliğe vuramazsınız

شما نمی‌توانید خودتان را به ندانستن بزنید.

ادات یا کلمات کمکی

ادات یا کلمات کمکی به اشکالی اطلاق می‌شود که به خودی خود فاقد معنی بوده و تنها وظیفه‌ی معینی را در کلام به انجام می‌رسانند. ادات فی نفسه هیچ نوع نمود یا حرکتی را تعیین نمی‌کنند. ولی وقتی به همراه سایر کلمات به کار می‌روند، تا حدودی مفهوم پیدا می‌کنند و به انجام نقش‌های گرامری خود نائل می‌شوند. البته بعضی از ادات به تنهایی نیز نوعی مفهوم ارائه می‌دهند. ولی حتی این قبیل ادات نیز، برای ثمربخش ساختن مفهوم خود، همراهی کلمات و ترکیبات دیگر را لازم دارند.

نقش اساسی ادات ایجاد مواصلت و ارتباط میان عناصر اصلی کلام به منظور تسهیل کار بیان است و اطلاق نام کلمات کمکی به این کلمات نیز به همین دلیل است. وجه مشخص ادات از سایر انواع کلمات اصلی در آن است که ادات برای قبول پیوندهای توصیفی و تصریفی آمادگی و استعداد ندارند و در واقع اشکال بی پیوند زبان محسوب می‌شوند و تنها وقتی حالت اسم را قبول کنند، می‌توانند پیوند بپذیرند.

در زبان ترکی استانبولی، ادات را از نظر وظیفه و موقعیت آن‌ها در کلام به ادات وصل، ادات ربط و ادات ندا می‌توان تقسیم بندی کرد.

ادات وصل

کلماتی هستند که وظیفه‌ی ایجاد مناسبت و مواصلت میان دو جز کلام را انجام می‌دهند. ادات وصل از نظر وظیفه‌ی عمومی نقش پیوندهای تصریفی اسم را در کلام بازی کرده و مانند آن‌ها اسم را به عناصرخارج از خود می‌پیوندند و از این نظر ادات وصل را ادات تصریفی نیز می‌گویند. (به مناسبت همین تشابه و همانندی گرامری است که برخی از ادات وصل تک هجائی مانند ile (با) غالباً در کلام شکل پیوندی به خود می‌گیرند و به هنگام الحاق به آخر اسم جلوتر از خود، از نظر صوتی نیز با آن تطابق پیدا می‌کنند، Gözle gördüğüne inan, kulakla duyduğuna inanma! -چیز که با چشم می‌بینی را باور کن، چیزی که با گوش می‌شنوی را باور نکن!)

شناخته‌ترین ادات وصل در زبان ترکی استانبولی عبارتند از :

çin	برای
çeri	داخل، درون
kadar	قدر، مقدار، اندازه، تا...، الی
-E kadar	به قدر، تا به...
gibi	مثل، مانند
göre	نظر به ... بنابر ...
ile	با
üzere	در حالت، در حین، به موجب، بر حسب، بر اساس
yalnız	فقط، تنها، مجرد

-E karşı	به مقابل... در مقابل... در روبرو... به سمت...
sanki	گویا، مثل اینکه
ancak	اما، تنها، ولی، نهایت
-dEn beri	از ... به این طرف
-E doğru	به سمت... به طرف...
önce	قبل
sonra	بعد
dek	تا
olarak	به عنوان... به شکل... به صورت...
başka	غیر، دیگر
ötürü	زیرا
diye	مثل اینکه، به عنوان اینکه
beri	اینجا، این طرف
sanki	گویا، مثل اینکه

بعضی از این ادات مانند *gibi*, *dek*, *için* و... در کلام تنها در نقش ادات ظاهر می‌شوند و از آن‌ها به ادات وصل ثابت نام می‌برند ولی برخی دیگر مانند : *sonra*, *başka*, *içeri* و... در نقش انواع دیگر کلمات به کار می‌روند و از آن‌ها نیز به ادات وصل غیر ثابت نام می‌برند.

ادات وصل در مواصلت با اسامی و کلماتی که می‌توانند وظیفه‌ی اسم را به عهده بگیرند، ترکیبی تشکیل می‌دهند که از آن به ترکیب اداتی می‌توان نام برد . در ترکیب‌های اداتی همراهی ادات با عنصر اسم به ترتیب خاصی انجام می‌شود. در این باره هرگاه عنصر اسم یک اسم باشد، ادات بعضاً با حالت آزاد ولی در اکثر موارد با حالات تصریفی آن همراهی می‌کنند و در صورتیکه عنصر اسم ضمیر باشد، ادات مطلقاً با حالت تصریفی آن همراه می‌شوند . از طرف دیگر نوع پیوند تصریفی اسم نیز برحسب انواع ادات وصل تغییر می‌کند. بعضی از ادات به حالت تاثیر و برخی دیگر به حالت انفکاک اسم گرایش دارند و آن عده از ادات هم که از اسم حالت آزاد طلب می‌آیند ، از ضمائر حالت اضافه می‌خواهند. ادات وصل از نوع *gibi*, *içeri için ile* و ... عموماً از اسم حالت آزاد و از ضمیر حالت اضافه طلب می‌کنند:

Altın gibi parlıyor.	مانند طلا می‌درخشد.
Şehir içeri dolaşıyorum.	داخلی شهر می‌چرخم.
araba ile gidenler	کسانی که با ماشین می‌روند.
Senin için aldım.	برای تو گرفتم
onun gibi biçare	مانند او بیچاره

ادات وصل از نوع *göre*, *karşı*, *dek* و... معمولاً از اسم و ضمیر حالت تاثیر طلب می‌کنند:

تا شب کار کرده بود. Akşama'dek çalışmıştı.
 ادات وصل از نوع önce, beri, başka, sonra... معمولاً از اسم و ضمیر حالت انفکاک طلب می‌کنند:
 قبل از دوستانم من رسیدم. Arkadaşlarımdan önce ben vardım.
 بعد از ظهر خواهند آمد. Öğleden sonra gelecekler.
 کسی غیر از شما را ندیدم. Sizden başkasını görmedim.

ویژگی‌ها و مثال‌ها

- در ترکی اسم‌ها و فعل‌ها کلمات با معنی هستند. اما ادات به صورت منفرد و مجرد مفهومی ندارد؛ و تنها در جمله معنی پیدا می‌کنند و یا فقط به کلمات دیگر معنی می‌بخشند.
 "için, kadar, -E kadar, gibi, göre, ile, üzere, yalnız, -E karşı, sanki, ancak, -dEn beri, -E doğru"
 • از انجایی که ادات بین کلمات روابط مفهومی متنوعی بوجود می‌آورد به آن کلمه کمکی نیز گفته می‌شود.
 برای درس خواندن به اتاقش رفت. (نیت) Ders çalışmak için odasına çekildi. (amaç)
 مثل گرگ گرسنه شده بودم. (تشبیه) Kurt gibi acıkmıştım. (benzerlik)
- ادات بین کلمات ما قبل و ما بعد خود ارتباط معنایی بوجود می‌آورند. فرق آن با قید و حرف ربط، ایجاد یک ارتباط معنایی جدید است.
 باز از شفاهی نمره ضعیفی گرفته است. (قید) Sözlüden yine zayıf almış. (zarf)
 به خانه رفتم، اما آن را پیدا نکردم. (حرف ربط) Eve gittim, fakat onu bulamadım. (bağlaç)
 به جهت صحبت کردن برخاست. (ادات) Konuşmak üzere ayağa kalktı. (edat)
- زمانی که ادات را از جمله خارج می‌کنیم، جمله دچار ناقصی، محدودیت و یا از هم پاشیدگی معنایی می‌شود.
 مانند خورشید سرش به آسمان‌ها رسید. Güneş gibi başı göklere erdi.
 پس از خارج کردن ادات
 سر خورشید به آسمان رسید. Güneş başı göklere erdi.
- ادات به صورت منفرد و مجرد نمی‌توانند بکار گرفته شوند. اما با ترکیب با کلمات دیگر گروه‌ها با نقش قیدی یا صفتی تشکیل می‌دهد.
 مرد مثل کوه نابود شد رفت. (گروه صفتی) Dağ gibi adam yok oldu gitti. (sıfat öbeği)
 اگر تو هم به اندازه‌ی من کار کنی... (گروه قیدی) Sen de benim kadar çalışsan... (zarf öbeği)
- زمانی که به شکل منفرد و مجرد هستند می‌توانند به عنوان اسم، صفت، قید، حرف ربط به کار رود. در این شرایط از حالت ادات خارج می‌شوند.
 در روستای روبرو فامیل داشتند. (صفت) Karşı köyde akrabaları vardı. (sıfat)

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Derenin karşısına geçtik. (ad) به مقابل دره رفتیم. (اسم)

Her söylenene karşı çıkıyor. (birleşik fiilde isim)

جلوی هر کس که حرف می‌زد در می‌آمد. (اسم در فعل مرکب)

Bana doğruyu söyle. (isim)

راستش را به من بگو. (اسم)

Doğru söze ne denir? (sıfat)

به حرف راست چه گفته می‌شود؟ (صفت)

Lütfen doğru oturun. (zarf)

لطفاً صاف بنشینید. (قید)

Beride bir adam duruyor. (isim)

در اینجا یک مرد ایستاده است.

Beri taraf oldukça dikenli. (sıfat)

این طرف بسیار خاردار است.

Biraz beri gel. (zarf)

کمی بیا این طرف. (قید)

Bir ömür boyu yalnız yaşadı. (zarf)

یک عمر تنها زندگی کرد. (قید)

Biz bu dünyada hep yalnızız. (isim)

ما در این دنیا همیشه تنهایییم. (اسم)

Parkta oturan yalnız adam onun babasıydı. (sıfat)

مرد تنهایی که در پارک نشسته پدر او بود (صفت)

Meyveler güzel, yalnız biraz renksiz. (bağlaç)

میوه‌ها خوب هستند، فقط کمی بی رنگ هستند. (حرف ربط)

حرف ربط ربط

اشکالی هستند که عناصر و قسمت‌های مختلف کلام را از نظر شکل و معنی به هم پیوسته و در میان آن‌ها نوعی ارتباط دستوری و منطقی ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر حرف ربط، کلمه‌ای است که دو کلمه همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می‌پیوندد و آن‌ها را همپایه و هم نقش می‌سازد و یا جمله‌ای را به جمله دیگر می‌پیوندد و دومی را وابسته اولی قرار می‌دهد. زبان‌های ترکی در اصل فاقد حرف ربط هستند و بنابراین قسمت عمده‌ی اشکالیکه اکنون در این زبانها به نام حرف ربط شناخته شده، جزو کلمات و اشکال دخیل است که به مرور ایام در زبان حقوق هموطنی تحصیل کرده‌اند.

حرف ربط از نظر شکل ساختمانی ممکن است دارای اشکال ساده و مرکب باشند و رایج‌ترین آن‌ها در زبان ترکی استانبولی در زیر آورده شده است.

açıkçası

راستش، راستیتش، رک و پوست کنده

ama

اما، ولی

ancak

اما، تنها، ولی، نهایت

bile

حتی، هم، نیز

çünkü

چونکه، زیرا، برای اینکه

dahi	حتی، نیز
dE	هم، و، که
dE.....dE	هم هم
demek ki	گویا، به نظر می‌رسد که، مثل اینکه
eğer	اگر
fakat	فقط، ولی، ولیکن، اما
gene	باز هم، مجدداً
gerek...gerek(se)	هم ... هم یا چه ... چه
ha.....ha	چه چه
hâlbuki	در صورتی که، در حالتی که، با وجودی که
hatta	حتی
hele	حالا، هیچ نباشد، اقلأ
hem	هم
hem de	و هم
hem.....hem (de)	هم (و) هم
ile	با، به اتفاق، بوسیله، به واسطه، و
ise	اما، اگر، اگر باشد
ister.....ister(se)	خواه خواه
kâh.....kâh	گاه گاه
kısacası	خلاصه کلام، مخلص کلام
ki	که
lâkin	لیکن، اما
madem(ki)	مادام، مادامی که، تا زمانی که، حالا که، وقتی که
nasıl ki	چطور که
ne var ki	با این حال
ne yazık ki	چه حیف که، متأسفانه
ne.....ne (de)	نه..... (و) نه
nitekim	چطور که، همانطوریکه
oysa	در صورتیکه، با وجودی که
oysaki	در صورتیکه، با وجودی که
öyle ki	بطوریکه، به نحویکه

öyleyse	در صورتیکه، اگر بطوریکه
şimdi ki	حالا که
üstelik	به اضافه، به علاوه، مضافاً
ve	و
veya	یا، و یا
veyahut	و یا، یا اینکه
ya da	و یا، یا اینکه
ya....ya (da)	یا (و) یا
yahut	یا، یا اینکه، یا خود
yalnız	فقط، تنها، مجرد
yeter ki	کافی است که
yine	باز، باز هم، مجدداً، دوباره
yoksa	وگرنه، مگر، مبادا، یا اینکه
zira	زیرا

حرف ربط را از نقطه نظرهای مختلفی می توان تقسیم بندی کرد که اساسی ترین آن ها تقسیم ادات ربط به تبعی و غیر تبعی است . ادات غیرتبعی مانند: *ancak, de, hem, ve* و ... اداتی هستند که ارکان متساوی الحقوق و قسمت های مستقل جملات مرکب را به هم ربط می دهند . *Ali ve Arzu birlikte dışarıya çıktılar.* (علی و آرزو با هم به بیرون رفتند). ادات تبعی مانند *şimdi ki, yoksa, ki, eğer* ... اداتی هستند که ارکان وقسمتهای وابسته و غیر مستقیم کلام را به هم ربط می دهند. *Şimdi ki gidiyorsun, bizi unutma.* (حالا که داری می روی، ما را فراموش نکن).

ویژگی های حرف ربط

- به جای حرف ربط می توانیم از علائم نشانه گذاری استفاده کنیم.
 - وقتی حرف ربط را از جمله خارج می کنیم معنی جمله ناقص نمی شود، اما جمله می تواند محدود شود. ادات ربط (به غیر از *ile*) از کلمات قبل و بعد از خود جدا نوشته می شوند. آنچه به صورت سرهم نوشته می شود حرف ربط نیست بلکه پیوند است.
- | | |
|--|---|
| Eve gittim, <u>fakat</u> onu bulamadım. (bağlaç) | به خانه رفتم، اما آن را پیدا نکردم. (حرف ربط) |
| Konuşmak <u>üzere</u> ayağa kalktı. (edat) | به منظور صحبت کردن بلند شد. (ادات) |
| Sözlüden <u>yine</u> zayıf almış. (zarf) | باز هم از نمره شفاهی کم گرفته است. (قید) |
| Ben <u>de</u> seninle geleceğim. (bağlaç) | من هم با تو خواهم آمد. (حرف ربط) |
| Ev <u>de</u> rahat çalışamadı. (çekim eki) | در خانه راحت نتوانست کار کند. (پیوند تصریفی) |

Sözde Ermeni soy kırımı (yapım eki) نسل کشی ارمنه که چنین نامیده شده (پیوند توصیفی)
 Sen ki hep çalışmamı isterdin... (bağlaç) تو که همیشه میخواستی من کار کنم... (حرف ربط)
 Seninki de lâf işte... (çekim eki) مال تو هم حرف است... (پیوند تصریفی)
 Evdeki hesap (yapım eki) حساب موجود در خانه (پیوند توصیفی)

انواع حرف ربط

۱- حروف ربط هم پایه ساز

Ve (و)

برای عطف به کار می رود و دو کلمه همجنس یا دو جمله یا دو عبارت را به هم می پیوندد.

Duygu ve düşünce bir olmalıdır. (فاعلها) حس و فکر باید واحد باشد.

Köyünü, yaşlı dedesini ve ninesini özlemişti. (اشیاء)

برای روستایش، پدر بزرگ و مادر بزرگ پیرش دل تنگ شده بود.

Şiir ve roman okuma alışkanlığı edinin. (اشیاء) اعتیاد خواندن شعر و رمان حاصل کنید.

Bana baktı ve güldü. (جملهها) به من نگاه کرد و خندید.

Anlatılanları dinliyor ve çocuğa hak veriyordu. (جملهها)

به توضیحات گوش می کرد و به کودک حق می داد.

Aylarca ve yıllarca sustu. (کلمات مشابه) ماهها و سالها سکوت کرد.

Binlerce yerli ve yabancı turist geldi. (صفات) هزاران توریست خارجی و محلی آمدند.

به جای حرف ربط ve ویرگول و یا پیوندهای افعال قیدی، -İp, -ErEk- نیز می تواند بکار گرفته شود.

Masaya yaklaştı ve kitabı aldı. به میز نزدیک شد و کتاب را برداشت.

Masaya yaklaştı, kitabı aldı. به میز نزدیک شد، کتاب را برداشت.

Masaya yaklaşp kitabı aldı. به میز نزدیک شده کتاب را برداشت.

Masaya yaklaşarak kitabı aldı. با نزدیک شدن به میز کتاب را برداشت.

نکته:

قبل از ve علائم نقطه گذاری بکار نمی رود. جمله با این حرف ربط آغاز نمی شود. در اشعار معاصر برای ایجاد تأثیر و

جذابیت بیشتر حرف این کار را انجام می دهند که صحیح نمی باشد.

بکار بردن نشانه & به جای ve بسیار نا مأنوس است و صورت خوشی ندارد.

ile, -İE (با)

با وجود اینکه با حرف ربط ve دارای یک وظیفه هستند اما نمی‌توانند به جای یکدیگر بکار روند
شمول دامنه کاربردی ile محدودتر می‌باشد

ile جمله‌ها را به یکدیگر پیوند نمی‌دهد؛ فقط کلماتی که دارای یک وظیفه هستند را به هم پیوند می‌دهد.

حس با فکر باید واحد باشد. Duygu ile düşünce bir olmalıdır.

دل‌تنگ پدر بزرگ و مادر بزرگ پیرش شده بود. Yaşlı dedesi ile ninesini özlemişti.

Edebiyatımızda en çok eser verilen türler şiir ile romandır

بیشترین انواع آثاری که در ادبیاتمان ارائه می‌شود شعر و رمان است.

نکته:

حرف ربط ile با دیگر ile که به عنوان ادات و همچنین قید ساز بکار می‌رود متفاوت است.

محمت و علی به سینما رفتند. Mehmet ile Ali sinemaya gittiler. (حرف ربط)

محمت با علی به سینما رفت. Mehmet, Ali'yle sinemaya gitti. (ادات)

محمت با هیجان از جایش برخاست. Mehmet heyecanla yerinden kalktı. (ادات)

۲- حرف ربط هم ارزشی

ya da, veya, yahut, veyahut

برای تسویه و تخییر، یعنی وقتی دو یا چند امر با هم مساوی باشند و قرار بر اختیار یکی از آن‌ها باشد:

یکی از شما خواهد رفت: تو و یا برادرت. Biriniz gideceksiniz: Sen ya da kardeşin.

می‌خواهم دوچرخه و یا موتورسیکلت بگیرم. Bisiklet veya motosiklet alacağım.

تو، من و یا دیگری Sen, ben veya başkası...

Sen olmasan yahut (veyahut) seni görmesem dayanamam.

اگر تو نباشی و یا اینکه تو را نبینم نمی‌توانم تحمل کنم.

ادات ندا

اشکالی هستند که هیجان و شادی و غم و نفرت و تأسف و تعجب و خطاب و نظایر آن را می‌رسانند. خصوصیت بارز این دسته از ادات در وسعت شمول آن‌ها در انعکاس دادن انواع گوناگون احساس انسانی است. به طوری که برخی از آن‌ها می‌توانند مفهوم یک جمله کامل را بیان کنند. این احاطه و وسعت شمول بعضاً از کیفیت صوتی خود ندا و بعضاً نیز از سلسله‌ی جملاتی که این ادات در میان آن‌ها به کار می‌رود، ناشی می‌گردد. ادات ندا وقتی به صورت مستقل و در خارج از جمله به کار روند، در نگارش به آخر آن‌ها علامت ندا اضافه می‌شود. نداها ممکن است دارای اشکال ساده یا مرکب باشند. وسعت شمول نداها در بیان گونه‌های احساس‌ها و هیجان‌ها هر یک این ادات صوتی را به بیان اشکال مختلفی از حالات حسی انسان قادر می‌سازد.

نداها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱-نداهای اصلی:

کلماتی که نقش اصلی آن‌ها منادا است و در نقش دیگری نمی‌توان آن‌ها را به کار برد. این منادها در مقام خطاب و احساس بیان می‌شوند.

ندای خطاب

Ey Türk Gençliği!	ای جوانیِ ترک!
Hey! Biraz bakar mısın?	هی! یک کم توجه می‌کنی؟
Bre melûn! Ne yaptın?	ای ملعون! چکار کردی؟
Şşt! Sus bakayım!	هیس! ساکت ببینم!
Hişt! Buraya gel!	پیشت! بیا اینجا!

در کنار این‌ها اسم‌ها و اسم‌های خاص نیز می‌توانند نقش منادایی خطاب را داشته باشند.

محمد! Mehmet! خدای من! Tanrım! همشهری‌هایم! Hemşehrilerim! مادر! Anne!

ندای احساس

Ee, yeter artık!	خوب! بس است دیگر!	Ah, ne yaptım!	آه، چکار کردم!
Eh! Fena değil.	ای! بد نیست.	itme ha!	هل نده ها!
Hah, şimdi oldu!	آهان! الان شد!	Vah zavallı!	وای بیچاره!
Vay sersem!	وای سرم رفت!	Eyvah! Geç kaldım!	ای وای! دیرم شد!
Aa! Bu da ne?	ای! این دیگر چیست؟	İmdat! Boğuluyorum!	کمک! دارم خفه می‌شوم!
Ay, elim!	آی، دستم!	Hay Allah!	ای خدا!

ادات ندای hey می‌تواند در مقام خطاب: Hey, sözümü dinliyor musun yoksa? (هی، حرفم را گوش می‌کنی یا نه؟) و هم در مقام تاسف: Hey, geçen günlerim nerde kalmışsınız! (هی، روزهای گذشته‌ام کجا مانده‌اید!).

و یا ادات ندای vay! هم در مقام رنج و اندوه: Vay, ne ağır geçiyor bu günler! (وای، چه سنگین می‌گذرد این روزها!) و هم در مقام تعجب: Vay, ne yaman dolu yağıyor! (وای، چه حیرت آور تگرگ می‌بارد!) وامثال آن به کار می‌رود.

درس ۱

سلام و احوال پرسى و نیازهای اولیه



Nasılsınız?

رسمی

Nasılsın?

Ne var ne yok?

غیر رسمی

Ne haber?

İyiyim. teşekkür ederim.

İyilik (sağlık)

İyi günler efendim. Nasılsınız?

Teşekkür ederim. İyiyim siz nasılsınız?

Teşekkür ederim. Ben de iyiyim.

روز به خیر آقا/خانم. حالتان چطور است؟

تشکر می‌کنم. خوبم. حال شما چطور است؟
متشکرم. من هم خوب هستم.

Merhaba, ne haber?
İyilik. Sende ne var ne yok?
Bende de iyilik. Sağol

سلام، چطورید (چه خبر)؟
سلامتی شما چطورید (چه حال چه خبر)؟
من هم خوبم. سلامت باشی.

درود و سلام روز مره و معمولی و اصول سلام کردن

Merhaba	سلام
Selam	سلام
selamün aleyküm	سلام علیکم
aleyküm selam	علیکم سلام
selam vermek	سلام دادن، سلامتی خواستن
selam söylemek	سلام گفتن، سلام دادن به کسی
Günaydın	صبح به خیر
İyi günler	روز خیر
İyi akşamlar	(شب) عصر به خیر
Nasılsınız?	حال شما چه طور است؟
İyiyim, teşekkür ederim	خوبم، متشکرم.
Nasıl geçiyor günleriniz?	اوضاع چه طور است؟
Nasıl gidiyor?	اوضاع چه طور است؟
Ne haber?	چه خبر؟
Tanıştığımıza memnun oldum.	از ملاقات با شما خوشبختم.
Sizi tekrar gördüğüme sevindim.	خوشحالم دوباره شما را ملاقات می‌کنم.
Ne var ne yok?	تازه چه خبر؟
Uzun zamandır görmedim.	کم پیدایید.
Memnun oldum.	خوشحال شدم.
Sizinle tanıştığımıza sevindim.	از آشنایی شما خوشوقتم.
Tünaydın گرچه معادل بعد از ظهر به خیر است اما چندان معمول نیست و به جای آن از İyi günler (روز به خیر) که در صبح نیز می‌توان بکار برد، استفاده شود.	

عبارات برای نیازهای اولیه

Teşekkür ederim	متشکرم.
Çok teşekkür ederim.	بسیار متشکرم.
teşükkür ediyorum.	تشکر می کنم.
Mersi	مرسی.
Bir şey değil.	خواهش می کنم.
Önemli değil	مهم نیست.
Bu zevk bana ait.	باعث افتخار من است.
Evet.	بله.
Hayır.	خیر.
Lütfen.	لطفاً.
Buyurun.	بفرمایید.
Anlıyorum	متوجه هستم.
Anlamıyorum	متوجه نمی شوم.
Özür dilerim, anlamadım.	متأسفم، منظورتان را نفهمیدم.
Peki.	بسیار خوب.
Tamam.	باشد. مسئله ای نیست.
Şehir ne kadar uzaklıkta?	تا شهرستان چقدر راه است؟
Şehir ne kadar uzaklıkta?	تا شهر چقدر راه است؟
Otel ne kadar uzaklıkta?	تا هتل چقدر راه است؟
Otobüs durağı ne kadar uzaklıkta?	تا ایستگاه اتوبوس چقدر راه است؟
Kaç?	چه تعداد؟
Kaç?	چه مقدار؟
Ne kadar uzun?	چقدر طول می کشد؟
Ne kadar uzak?	چقدر راه است؟
Kime sorabilirim?	از چه کسی باید بپرسم؟
Önden buyurun.	اول شما.
Ben kayboldum.	من گم شده ام.
İspanyolca konuşamıyorum.	من نمی توانم اسپانیایی صحبت کنم.
Farsça konuşamıyorum.	من نمی توانم فارسی صحبت کنم.

Rusça konuşamıyorum.	من نمی‌توانم روسی صحبت کنم.
Lütfen İngilizce konuşun.	لطفاً انگلیسی صحبت کنید.
İngilizce konuşabilir misiniz?	آیا انگلیسی بلد هستید؟
İspanyolca'da nasıl denir?	در اسپانیایی به این چه می‌گویید؟
Farsça'da nasıl denir?	در فارسی به این چه می‌گویید؟
Rusça'da nasıl denir?	در روسی به این چه می‌گویید؟
Fransızca'da nasıl denir?	در فرانسوی به این چه می‌گویید؟
En yakın otel nerede?	نزدیک‌ترین هتل کجاست؟
En yakın restoran nerede?	نزدیک‌ترین رستوران کجاست؟
En yakın süpermarket nerede?	نزدیک‌ترین سوپرمارکت کجاست؟
En yakın banka nerede?	نزدیک‌ترین بانک کجاست؟
En yakın eczane nerede?	نزدیک‌ترین داروخانه کجاست؟
En yakın tren istasyonu nerede?	نزدیک‌ترین ایستگاه قطار کجاست؟
En yakın turizm danışma bürosu nerede?	نزدیک‌ترین دفتر اطلاعات جهانگردان کجاست؟
Tuvalet nerede?	سرویس بهداشتی کجاست؟
Kim?	چه کسی؟
Neden?	چرا؟
Ne?	چی؟
Ne zaman?	چه وقت؟
Bakın!	نگاه کنید!
Bekleyin!	صبر کنید!
Yardım edin!	کمک کنید!
İmdat!	کمک!
Orada İngilizce konuşan biri var mı?	آیا آنجا کسی انگلیسی بلد است؟
Burada İngilizce konuşan biri var mı?	آیا اینجا کسی انگلیسی بلد است؟
Kim İngilizce konuşuyor?	چه کسی انگلیسی بلد است؟
Ateş!	آتش!

کلمات خطاب

Bay: «آقا» قبل از نام و نام خانوادگی می‌آید:

يا Bay Ali Can

Bay Can

Bayan: «خانم» قبل از نام یا نام خانوادگی می‌آید:

یا Bayan Ebru Gündeş

Bayan Gündeş

در زبان ترکی دوشیزه، بانو، خانم و ... با لفظ خانم خطاب می‌شوند.

Bey: «آقا» لفظی مؤدبانه است که بعد از نام کوچک می‌گویند و در مقایسه با Bay رسمیت کمتری دارد:

Ahmet bey

Hanım: «خانم» زوج Bey است و همان نقش گفته شده برای آن را دارد:

Ebru hanım

Beyefendi: «آقای محترم»، شکل مو دب، مؤدبانه و رسمی مخاطب قرار دادن است. این عنوان را به تنهایی و بدون اسم بکار می‌برند:

Günaydın, beyefendi. آقای محترم، صبح به خیر،

Hanım efendi: «خانم محترم»، زوج Beyefendi است و همان نقش را دارد.

Sayın: «جناب، محترم» به جای همه‌ی خطاب‌های فوق قبل از اسم و یا فقط با نام خانوادگی می‌تواند قرار گیرد.

Efendim: خطابی مؤدبانه برای خانم و یا آقا:

Evet efendim بله، آقا/خانم

zât -1 aliniz یا zat -1 alileri: این کلمات جایگزین siz (شما) می‌شود و به در معنای «جناب عالی» بکار گرفته می‌شود که این ساختار با اضافه فارسی ساخته شده است اگر دقت کرده باشید «ذات عالی شما» معنی می‌دهد.

پرسیدن اسم یکدیگر

Adınız

İsminiz ne (dir)

Soyadını ... mı?

... - (İ) nînîz adı ne (dir)

ismi

soyadı

Günaydın efendim. İsminiz nedir lütfen?

Ali.

Soyadınız?

Can.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

صبح به خیر آقا، اسم شما چیست لطفاً؟

علی.

نام خانوادگی تان؟

جان.

Adınız nedir?

Ayşe. sizin?

Ali.

اسمتان چیست؟

عایشه؛ و شما؟

علی.

Affedersiniz, sizin isminiz Ayşe mi?

Hayır benim ismim Ferište.

Firište mi?

Hayır. Ferište. F - E - R - Ş - T - E

Pekiyi, çocuklarınız ismi ne?

Çocuklarım yok. Ben evli değilim.

ببخشید. آیا اسم شما عایشه است؟

خیر اسم من «فرشته» است.

فیریشه؟

خیر، فرشته. ف - ر - ش - ت - ه

بسیار خوب، اسم بچه‌هایتان چیست؟

بچه ندارم من متأهل نیستم.

Pardon, siz Ali Can Mısınız?

Evet benim. /Hayır ben Murat Tok' um

ببخشید آیا شما علی هستید؟

بله هستم. خیر من مراد توک هستم.

توجه: ad مترادف isim است (مانند نام و اسم در فارسی) و در هر جا (مانند مثال بالا) می‌تواند به جای آن قرار گیرد:

Adınız nedir lütfen?

lar/ler پیوند جمع

جمع بندی کلمات ترکی به وسیله دو پیوند lar و ler می‌گیرد کلماتی که آخرین مصوت آن‌ها پسین A, I, O, U

است با پیوند lar جمع بسته می‌شوند و آن دسته از کلماتی که آخرین مصوت آن‌ها پیشین E, İ, Ö, Ü است با

جمع بسته می‌شوند.

akşam	عصر، شب	akşamlar	شب‌ها
ışık	نور	ışıklar	نورها
ot	علف	otlar	علف‌ها
çocuk	بچه	çocuklar	بچه‌ها
et	گوشت	etler	گوشت‌ها
ip	طناب	İpler	طناب‌ها
söz	حرف	sözler	حرف‌ها
gün	روز	günler	روزها

پیوندهای شخصی

این پیوندها را به اسم جمله می‌افزایند و جملاتی بدون فعل درست می‌کنند قبلاً در بخش اول کتاب درباره‌ی آن توضیح داده شد در اینجا به منظور یادآوری دوباره به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

bekar-ım.	من مجرد هستم.
iyi-yim.	من خوبم
hasta-yım.	بیمارم.
öğretmen-im.	من معلم هستم.

	بعد از حروف صامت		بعد از مصوت	
مفرد				
۱	öğretmenim	معلم هستم	öğrenciyim	دانش آموزم
۲	öğretmensin	معلم هستی	öğrencisin	دانش آموزی
۳	öğretmendir	معلم است	öğrencidir	دانش آموز است
جمع				
۱	öğretmeniz	معلم هستیم	öğrenciyiz	دانش آموزیم
۲	öğretmensiniz	معلم هستید	öğrencisiniz	دانش آموزید
۳	öğretmenler	معلم هستند	öğrenciler	دانش آموزند

	بعد از حروف صامت		بعد از مصوت	
مفرد				
۱	-im , -ım , -um , -üm		- (y) im , - (y) ım , - (y) um , - (y)	

		üm
۲	-sin , -sin , -sun , -sün	
۳	(dir, -dır, -dür, -dur) (tir, -tır, -tür, -tur)	
جمع		
۱	-iz , - ız , - uz , - üz	- (y) iz , - (y) ız , - (y) uz , - (y) üz
۲	-sınız , -sınız , -sunuz , -sünüz	
۳	- (dir) ler, - (dır) lar, - (dür) ler, - (dur) lar - (tir) ler, - (tır) lar, - (tür) ler, - (tur) lar	

Var (هست، هستند، وجود دارد، هستی) ، Yok (نه، نیست، وجود ندارد):

مثال از var:

Kedim var.

من گربه دارم.

Köpeğin var.

تو سگ داری.

Arabası var.

او ماشین دارد.

Evimiz var.

ما خانه داریم.

Bahçeniz var.

شما باغچه دارید (حیاط دارید).

şişeleri var

آنها بطری دارند.

مثال از yok:

Kedim yok.

من گربه ندارم.

Köpeğin yok.

تو سگ نداری.

Arabası yok.

او ماشین ندارد.

Evimiz yok.

ما خانه نداریم.

Bahçeniz yok.

شما باغچه ندارید.

şişeleri yok.

آنها بطری ندارند.

حالت سؤالی مثبت:

kedim var mı?

آیا من گربه دارم؟

köpeğin var mı?

آیا تو سگ داری؟

arabası var mı? آیا او ماشین دارد؟
 evimiz var mı? آیا ما خانه داریم؟
 bahçeniz var mı? آیا شما باغچه دارید، حیاط دارید؟
 şişeleri var mı? آیا آنها بطری دارند؟

حالت سؤال منفی:

kedim yok mu? آیا من گربه ندارم؟
 köpeğin yok mu? آیا تو سگ نداری؟
 arabası yok mu? آیا او ماشین ندارد؟
 evimiz yok mu? آیا ما خانه نداریم؟
 bahçeniz yok mu? آیا شما باغچه ندارید؟
 şişeleri yok mu? آیا آنها بطری ندارند؟

توجه داشته باشید که پیوند ملکی در اینجا برای نشان دادن مالک بکار می‌رود. var و yok در معنی «وجود دارد»، «وجود ندارد» (هست و نیست) نیز بکار می‌روند:

İstanbul'da çok turist var. توریست‌های زیادی در استانبول وجود دارد.
 Türkçede 'w' yok. حرف W در ترکی وجود ندارد.
 Varım. هستم.
 Yokum. نیستم.

مثال‌های تکمیلی:

Yeni bir arabanız var mı? آیا شما ماشین جدید دارید؟
 Yeni bir arabamız olsaydı, beraber/birlikte kasabaya gidebilecekmiydik? آیا اگر ماشین جدید داشتیم می‌توانستیم به شهر کوچک برویم؟
 Ali'in yeni arabası varmış (به نظر می‌رسد/آنها می‌گویند) علی یک ماشین جدید دارد/داشت
 Şekeriniz var mı, lütfen? آیا شکر دارید، لطفاً؟
 Şekeriniz yoksa, sade içeyim. اگر شکر ندارید، ساده بنوشم؟
 Boş vaktimiz var mı? آیا وقت خالی دارید؟
 Boş vakitleri/zamanları olsaydı, bize gelirdiler/gelirlerdi اگر وقت خالی داشتند، به خانه ما می‌آمدند.
 Cevabı yok جوابی ندارد.

- Cevabı yoksa اگر جوابی ندارد.
- Elmaları yok آنها سیب ندارند
- Elmaları yokmuş. (به نظر می‌رسد / می‌گویند) آنها سیب ندارند / نداشتند - آنها سیب نداشته‌اند.
- Elmaları yok mu? آیا آنها سیب ندارند؟
- Mehmet'in kedisi var. محمد گربه دارد.
- Mehmet'in kedisi varken, köpeğimi onunla bırakamam تا زمانی که محمد گربه دارد، سگم را نمی‌توانم با آن رها کنم.
- Sadece az param var فقط کم پول دارم
- Ali 'nin parası var mı? آیا علی پول دارد؟
- Yeterli param varsa, yeni araba alırım. Ama o kadar yokmuş gibi geliyor... اگر به قدر کافی پول داشته باشم، یک ماشین جدید می‌خرم. اما به نظر می‌رسد آن قدر پول ندارم...

جدول صرف var و yok				
مفرد				
۱	ben varım	من هستم	ben yokum	من نیستم
۲	sen varsın	تو هستی	sen yoksun	تو نیستی
۳	o var (dır)	او هست	o yok (tur)	او نیست
جمع				
۱	biz varız	ما هستیم	biz yokuz	ما نیستیم
۲	siz varsınız	شما هستید	siz yoksunuz	شما نیستید
۳	onlar var (dır) lar	آنها هستند	onlar yok (dur) lar	آنها نیستند

حالت سؤالی				
مفرد				
۱	ben var mıyım?	آیا من هستم؟	ben yok muyum?	آیا من نیستم؟
۲	sen var mısın?	آیا تو هستی؟	sen yok musun?	آیا تو نیستی؟
۳	o var mı (dır) ?	آیا او هست؟	o yok mudur?	آیا او نیست؟

جمع				
۱	biz var mıyız?	آیا ما هستیم؟	biz yok muyuz?	آیا ما نیستیم؟
۲	siz var mısınız?	آیا شما هستید؟	siz yok musunuz?	آیا شما نیستید؟
۳	onlar var mı?	آیا آن‌ها هستند؟	onlar yok mu?	آیا آن‌ها نیستند؟

حالت شرطی				
مفرد				
۱	varsam	اگر هستم/ باشم	yoksam	اگر نیستم/ نباشم
۲	varsan	اگر هستی/ باشی	yoksan	اگر نیستی/ نباشی
۳	varsa	اگر هست/ باشد	yoksa	اگر نیست/ نباشد
جمع				
۱	varsak	اگر هستیم/ باشیم	yoksak	اگر نیستیم/ نباشیم
۲	varsanız	اگر هستید/ باشید	yoksanız	اگر نیستید/ نباشید
۳	varsalar	اگر هستند/ باشند	yoksalar	اگر نیستند/ نباشند

حالت شرطی				
مفرد				
۱	varsaydım	اگر بودم	yoksaydım	اگر نبودم
۲	varsaydın	اگر بودی	yoksaydın	اگر نبودی
۳	varsaydı	اگر بود	yoksaydı	اگر نبود
جمع				
۱	varsaydık	اگر بودیم	yoksaydık	اگر نبودیم
۲	varsaydınız	اگر بودید	yoksaydınız	اگر نبودید
۳	varsaydılar	اگر بودند	yoksaydılar	اگر نبودند

سؤال کردن

-mi, -mı, -mu, -mü - پیوندهای استفهامی هستند که حالت سوالی به کلمه و یا خود جمله می‌دهند. البته در برخی موارد در درون کلمه تداخل یافته و در بعضی مواقع در آخر کلمه می‌آیند.

Çocuğunuz var **mi**?

آیا بچه دارید؟

Siz evli **misiniz**?

آیا متأهل هستید؟

Orda **mi**sin? آیا آنجا هستی؟

Yağmur **mu** yağıyor? آیا دارد باران می بارد؟

Eve gittiniz **mi**? آیا به خانه رفتید؟

Cemal okula gitti **mi**, (yoksa) gitmedi **mi**? آیا جمال به مدرسه رفت؟ (یا این که) نرفت؟

Bu hastanede ameliyathane var **mi**, (yoksa) yok **mu**?

در این بیمارستان اتاق عمل وجود دارد (یا) ندارد؟

Ankara'ya **mi** İstanbul'a **mi** gitmek istiyorsun? آیا می خواهی به آنکارا بروی یا استانبول؟

Yalnız başına burada kitap **mi** okuyordun? تنهایی این جا کتاب می خواندی؟

Kediden **mi** korkuyorsun yoksa? آیا از گربه می ترسی یا...؟

İKİ orta yaşlı adam **mi** çalmış arabayı? آیا دو مرد میان سال ماشین را دزدیده اند؟

Murat' ın evi **mi** satılmış? آیا خانه **مراد** فروخته شده است؟

Murat' ın **mi** evi satılmış? آیا خانه **مراد** فروخته شده است؟

Sen şimdi o filmi görmüş **mü** oldun? آیا تو الان آن فیلم را دیدی؟

Sen şimdi o filmi görmüş oldun **mu**? آیا تو الان آن فیلم را دیدی؟

Sana yardım **mi** etti o adam? آیا آن مرد به تو کمک کرد؟

Sana yardım etti **mi** o adam? آیا آن مرد به تو کمک کرد؟

Aynur Zehrayla buluştuktan sonra **mi** çocukları okuldan aldı?

آیا آینور **پس از دیدار** با زهرا بچه هایش را از مدرسه تحویل گرفت؟

Aynur Zehra'yla **mi** buluşmadan önce çocukları okuldan aldı?

آیا آینور پیش از دیدار با **زهرا** بچه هایش را از مدرسه تحویل گرفت؟

Ahmet **mi** paraları evde unutmuş? آیا احمد پول هایش را در خانه جا گذاشته است؟

Bankaya sabahleyin **mi** gideceksin? آیا صبح به بانک می خواهی بروی؟

Kitabı Ahmet'e **mi** verdin? آیا کتاب را به احمد دادی؟

Nermin okula **mi** gitmiş? نرمین به **مدرسه** رفته؟

Nermin okula gitmiş **mi**? نرمین به مدرسه **رفته؟**

Sokağa **mi** çıkıyorsun? آیا داری به **خیابان** می روی؟

Sokağa çıkıyor **musun**? آیا به خیابان **داری می روی؟**

همان طور که در مثال های بالا ملاحظه می فرمایید تکیه بر روی کلمات و افعالی است که گوینده آن ها را مورد پرسش قرار داده است. به عنوان مثال در مثال Yalnız başına burada kitap mı okuyordun? گوینده در مورد کتاب سوال می پرسد و هدفش این است که بفهمد آیا مخاطب کتاب می خوانده و کار دیگری انجام نمی داده مثلا شعر

خواندن. حال اگر mi پس از yalnız başına قرار بگیرد، گوینده بر روی تنهایی شخص تاکید دارد و می‌خواهد بداند آیا مخاطب تنهایی درس می‌خوانده یا شخص یا اشخاصی در کنار ایشان بوده‌اند. و اگر mi بعد از burada قرار داده شود مقصد سوال این است که آیا مخاطب اینجا درس می‌خوانده یا در جای دیگر. همچنین در صورتی که تکیه سوال بر روی فعل okuyordun باشد این فعل به شکل okuyor muydun در می‌آید که هدف گوینده این است که بداند آیا مخاطب کتاب می‌خوانده و یا اینکه مثلاً کتاب می‌نوشته است. در مثال Kediden mi korkuyorsun yoksa? قسمت دوم سوال به قرینه حذف شده است. گوینده برای کوتاه شدن جمله از این روش استفاده می‌کند و از مخاطب می‌پرسد آیا از گربه می‌ترسی یا (موجود دیگری)?

لازم به یادآوری است که در برخی موارد در جملات با کلمه‌ای دیگر به عنوان acaba روبرو می‌شویم که این کلمه نیز به معنای «آیا» است؛ منتها در ادای جمله‌ای، وقتی از کمیت و یا موجودیت چیزی خبر نداریم، از این کلمه استفاده می‌کنیم. به طور مثال:

Acaba burası müze mi?

آیا اینجا موزه است؟

یعنی چون دقیقاً نمی‌دانیم ساختمانی که در برابرش ایستاده‌ایم مربوط به موزه است یا نه، جمله را با چنان کلمه‌ای شروع می‌کنیم.

مفرد				
۱	öğretmen miyim	آیا معلم هستم؟	hasta mıyım	آیا بیمارم؟
۲	öğretmen misin	آیا معلم هستی؟	hasta mısın	آیا بیماری؟
۳	öğretmen mi	آیا معلم است؟	hasta mı	آیا بیمار است؟
جمع				
۱	öğretmen miyiz	آیا معلم هستیم؟	hasta mıyız	آیا بیماریم؟
۲	öğretmen misiniz	آیا معلم هستید؟	hasta mısınız	آیا بیمارید؟
۳	öğretmenler mi	آیا معلم هستند؟	hastalar mı	آیا بیمار است؟

مفرد				
۱	yorgun muyum	آیا خسته‌ام؟	büyük müyüm	آیا بزرگم؟
۲	yorgun musun	آیا خسته‌ای؟	büyük müsün	آیا بزرگی؟
۳	yorgun mu	آیا خسته است؟	büyük mü	آیا بزرگ است؟
جمع				
۱	yorgun muyuz	آیا خسته‌ایم؟	büyük müyüz	آیا بزرگیم؟
۲	yorgun musunuz	آیا خسته‌اید؟	büyük müsünüz	آیا بزرگید؟

۳	yorgunlar mı	آیا خسته‌اند؟	büyükler mi	آیا بزرگند؟
---	--------------	---------------	-------------	-------------

مفرد		
۱	mıyım?, miyim?, muyum?, müyüm?	آیا هستم؟
۲	mısınız?, misiniz?, musunuz?, müsünüz?	آیا هستید؟
۳	mı?, mi?, mu?, mü? (غیر رسمی) mıdır?, midir?, mudur?, müdür? (رسمی)	آیا هست؟
جمع		
۱	mıyız?, miyiz?, muyuz?, müyüz?	آیا هستیم؟
۲	mısınız?, misiniz?, musunuz?, müsünüz?	آیا هستید؟
۳	-lar mı?, -ler mi?, -lar mu?, -ler mü? (غیر رسمی) mıdırlar?, midirler?, mudurlar?, müdürler? (رسمی)	آیا هستند؟

این پیوند می‌تواند در جملات غیر فعلی به تنهایی ظاهر شود و می‌توان پیوندهای شخصی نیز بدان افزود اما در مورد lar/ler استثنا وجود دارد این پیوندها به -mi, -mı, -mu, -mü نمی‌چسبد ولی می‌تواند به کلمات دیگر مانند değil (نیست) ملحق شوند.

Değil

(پیوند منفی ساز) دو کار انجام می‌دهد:

۱- جملات غیر فعلی را منفی می‌کند و بعد آن پیوند شخصی می‌آید:

Ben evli değilim.

من متأهل نیستم.

Sen türk değilsin.

تو ترک نیستی.

Onlar yorgun değiller.

آنها خسته نیستند.

۲- مانند جملات کوتاه پرسشی منفی عمل می‌کند. در این حالت پیوند شخصی نمی‌گیرد:

O bekar, değil mi?

او مجرد است، آیا نیست؟ (این‌طور نیست؟)

Sen hasta değilsin, değil mi?

تو مریض نیستی، این‌طور نیست؟

Çocuk türk, değil mi?

بچه ترک است این‌طور نیست؟

Ahmet doctor, değil mi?

احمد دکتر است آیا این‌طور نیست؟

Tiyatroya gitmeden önce yer ayırtmamıştın, değil mi?

پیش از رفتن به تئاتر جا نگرفته بودی این طور نیست؟

Cemal bugün okula gitmedi, değil mi?

جمال امروز به مدرسه نرفت این طور نیست؟

در مکالمات روزمره به جای استفاده از değil mi از مخفف همین کلمه یعنی demi? استفاده می کنند که معادل

«مگه نه؟ یا نه؟» فارسی است:

Ayşe sekreter, demi?

عایشه منشی است، مگه نه؟

ساخت سؤالی منفی از değil

zengin değil miyim?

آیا ثروتمند نیستم؟

pahalı değil mi?

آیا گران نیست؟

hasta değil miyiz?

آیا بیمار نیستم؟

genç değiller mi?

آیا آن ها جوان نیستند؟

yorgun değil misin?

آیا خسته نیستی؟

büyük değil mi?

آیا بزرگ نیست؟

yaşlı değil misiniz?

آیا شما مسن نیستید؟

yoksul değiller mi?

آیا آن ها ندار نیستند؟

جدول صرف değil نیست				
مفرد	مثبت نیستم	منفی آیا نیستم	گذشته نبودم	گذشته سؤالی آیا نبودم؟
۱	değilim	değil miyim?	değildim	değil miydim ?
۲	değilsin	değil misin?	değildin	değil miydin?
۳	değil (dir)	değil mi?	değildi	değil miydi?
جمع				
۱	değiliz	değiliz miyiz?	değildik	değil miydik?
۲	değilsiniz	değil misiniz?	değildiniz	değil miydiniz?
۳	değiller	değiller mi?	değillerdi	değil miydiler?

مفرد	عدم حضور مشروط اگر نیستم	
۱	değilsem	değil isem

۲	değilsen	değil isen
۳	değilse	değil ise
جمع		
۱	değilsek	değil isek
۲	değilseniz	değil iseniz
۳	değilseler یا değillerse	değil iseler

هر دو حالت بالا قابل استفاده است

مفرد	عدم حضور مشروط گذشته اگر نبودم		
۱	değil idiysem	değildiysem	değildimse
۲	değil idiyсен	değildiyсен	değildinse
۳	değil idiyse	değildiyse	değildinse
جمع			
۱	değil idiysek	değildiysek	değildikse
۲	değil idiyсенiz	değildiyсенiz	değildinizse
۳	değil idiyşeler	değildiyşeler	değildilerse

هر سه حالت بالا قابل استفاده است

مفرد	با imiş (کمکی فرضی) او گفت من نیستم/نبودم یا استنباط من این است که من نیستم/نبودم	
۱	değil imişim	değilmişim
۲	değil imişsin	değilmişsin
۳	değil imiş	değilmiş
۱	değil imişiz	değilmişiz
۲	değil imişsiniz	değilmişsiniz
۳	değil imişler	değilmişler

هر دو حالت بالا قابل استفاده است

مفرد	با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی) آن‌ها می‌گویند اگر من نیستم یا اگر من استنباط می‌کنم که نیستم یا اگر نبوده‌ام	
۱	değil imişsem	değilmişsem
۲	değil imişsen	değilmişsen
۳	değil imişse	değilmişse
۱	değil imişsek	değilmişsek
۲	değil imişseniz	değilmişseniz
۳	değil imişseler	değilmişseler

هر دو حالت بالا قابل استفاده است

مثال از گذشته پیوند منفی ساز değil:

zengin değildim	ثروتمند نبودم.
hasta değildin	مريض نبودم.
yorgun değildi	خسته نبود.
mutlu değildik	شاد نبودیم.
aç değildiniz	گرسنه نبودید.
yoksul değildiler	فقیر نبودند.
açık değil miydi?	آیا باز نبود؟
mutlu değil miydik?	آیا ما خوشبخت نبودیم؟
hava soğuk değil miydi?	آیا هوا سرد نبود؟
zengin değil miydiler?	آیا ثروتمند نبودند؟
emin değil miydim?	آیا مطمئن نبودم؟
Mehmet meşgul değil miydi?	آیا محمد مشغول نبود؟
yorgun değil miydiniz?	آیا خسته نبودید؟
çocuklar soğuk değil miydiler?	آیا بچه‌ها سرد نبودند؟

değil در معنای «نه» نیز استفاده می‌شود:

Bu gün değil, dün geldi	امروز نه، دیروز آمد
değil sen, ben de bilmedim	نه تو، من هم ندانستم
değil parasını, o hayatını kurtaramadı	پولش نیست، او زندگی‌اش را نتوانست نجات دهد.

ساخت جملات کامل

در آخر جملات یا پرسش‌های غیر فعلی می‌توان پیوند **-dir, -dır, -dur, -dür** قرار داد. این پیوند غالباً در گفتگوهای روزمره حذف می‌شود و معنی «است» می‌دهد:

رسمی	Türkiye'nin başkenti Ankaradır.	پایتخت ترکیه آنکارا است.
غیر رسمی	Türkiye'nin başkenti Ankara.	پایتخت ترکیه آنکارا است.
رسمی	İsminiz nedir?	اسم شما چیست؟
غیر رسمی	İsminiz ne?	اسمتان چیه؟

نکات جالب!

در ترکی ترکیه بسیاری از کلمات ناب و خالص وجود دارد که به دست فراموشی سپرده شده‌اند که در زندگی مدرن امروزی یا بلا استفاده‌اند و یا فقط در شرایط خاص از این قبیل کلمات استفاده می‌شود. این کلمات را نباید با کلماتی که بعدها توسط انجمن زبان ترکی TDK ایجاد شده، اشتباه گرفته شوند. این کلمات در قرون معاصر مورد استفاده قرار می‌گرفته که می‌تواند جایگزین کلمات امروزی، که منشأ خارجی دارند بشوند. انجمن زبان ترکی این کلمات را به عنوان کلمات منسوخ و قدیمی تعریف کرده است. بعضی مثال‌ها:

معنی	ترکی ناب	وارد شده از زبان:	ترکی آمیخته با کلمات بیگانه
آتش	od	فارسی	ateş
آینه	gözü	فارسی	ayna
داماد	güvey	فارسی	damat
بیمار	sayrı	فارسی	hasta
خوش، خوب	yahşi	فارسی	hoş
باد	yel	فارسی	rüzgar
پاییز	güz	فارسی (bahar)	sonbahar

تعداد کلمات ترکی در زبان‌های دیگر

- چینی: ۲۸۹
- چکی: ۲۸۴
- اردو: ۲۲۷
- آلمانی: ۱۶۶
- ایتالیایی: ۱۴۶
- فنلاندی: ۱۱۵
- رومانیایی: ۲۷۸۰
- روسی: ۲۴۷۶
- عربی: ۱۹۹۰
- مجاری: ۱۹۸۰
- اکراینی: ۸۰۰
- انگلیسی: ۴۷۰
- صربی: ۸۹۹۵
- بلغاری: ۳۳۹۰
- یونانی: ۲۹۸۴
- فارسی: ۲۹۶۹
- آلبانیایی: ۲۶۲۲

ضرب المثل

Dağ dağa kavuşmaz, insan insana kavuşur. کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد.
 Kuruların yanında yaşlar da yanar. تر و خشک به پای هم می‌سوزند.
 Sağ baş yastık istemez. سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌بندند.

اصطلاحات

Acem kılıcı gibi olmak:

مانند شمشیر عجم بودن: کنایه از دوطرفه کار کردن: هم برای دوست و هم برای دشمن کار کردن

Apar topar:

با عجله و دست پاچگی

Armut piş, ağzıma düş:

گلآبی پیز. به دهانم بیفت. این اصطلاح در مواقعی به کار میرود که بدون صرف هیچ زحمتی در پی نتیجه دادن کاری باشیم

Ayrarı kabarmak:

عصبانی شدن. خشمگین شدن فریاد زدن

Bahtı kara:

سیاه بخت. بدبخت

Balık etinde:

نه چاق نه لاغر. متناسب. کسی که وزنش مناسبه

Bulanık suda balık avlamak:

از آب گل آلود ماهی گرفتن

Boy atmak:

قد کشیدن. رشد کردن

Burnu havada (olmak):

کنایه از انسان خودپسند و متکبر

Buyur etmek:

بفرما زدن. کسی را استقبال کردن و به درون فراخواندن

درس ۲

پرسیدن اسم اشخاص



Bu	hanımın	adı	ne (dir) ?
Şu	kızın	ismi	
O	oğlanın	soyadı	
	adamın		

اسم این، آن (خانم، دختر، پسر، آدم) چیست؟

	bey	
Bu	çocuk	
Şu	beyefendi	kim (dir) ?

O kadın

این، آن (آقا، بچه، آقای محترم، زن) کیست؟

Ali

Bu Ahmed'in

Şu Ayten hanım değil mi?

O Cemalın annesi

آیا این، آن (علی، پسر احمد، خانم آیتن، مادر جمال) نیست؟

پرسش درباره خانواده اشخاص

Ali Bey evli mi, bekar mı?

Evli.

Çocuk çocuğu var mı?

var. bir kızı bir oğlu var.

Karısının ismi ne?

Ayşe.

Çocuklarının?

Kızının selma, oğlunun Taner

آیا علی آقا متأهل است یا مجرد؟

متأهل.

آیا او بچه دارد؟

بله. یک دختر و یک پسر دارد.

اسم همسرش چیست؟

عایشه.

و (اسم) بچه هایش؟

اسم دخترش «سلما» و اسم پسرش «تانر»

Ayşe hanım'ın kardeşi var mı?

Var. Bir erkek bir de kız kardeşi var.

Erkek kardeşi bekar mı?

nışanlı.

kızkardeşi?

O evli.

Adı ne?
Gül sağlam.
Kocasının adı?
Ahmet.



آیا عایشه خواهر و برادر دارد؟
دارد. یک برادر یک خواهر.
آیا برادرش مجرد است.
نامزد است (نامزدی کرده).
خواهرش چی؟
او متأهل است.
اسمش چیه؟
«گل سالم»
اسم شوهرش؟
احمد.

Ali Bey'in annesi ve babası kim?
Dr Mehmet Koç ve Suzan Hanım.
Yani, Dr Mehmet Bey Selma ve Taner'in dedesi. Öyle mi?
Evet. Selma ve Taner, Mehmet Bey ve Suzan Hanım' torunları.

پدر و مادر علی آقا کیستند؟
دکتر محمد کوچ و سوزان خانم.
یعنی دکتر محمد آقا پدر بزرگ سلما و تانر است. این طور است؟
بله. سلما و تانر نوه‌های محمد آقا و سوزان خانم هستند.

خانواده

baba	پدر، بابا	kayınbaba ; kayınpeder	پدر زن پدر شوهر
anne	مادر، مامان	kaynana ; kayınvalide	مادر زن یا مادر شوهر
bebek	نوزاد	baldız	خواهر شوهر
erkek kardeş	برادر، داداش	bacanak	باجناق
kız kardeş	خواهر، آبیچی	damat	داماد
abi (ağabey)	برادر بزرگ، آقا داداش	gelin	عروس

abla	شوهر خواهر	enişte	خواهر بزرگ، خان باجی
oğul ; erkek çocuk	نوه	torun	پسر، پسر بچه
kız ; kız çocuk	دوقلو	ikiz	دختر، دختر بچه
teyze	خواهر یا برادر دوقلو	ikiz kardeş	خاله
hala	زن، خانم، همسر زن	eş, hanım, karı	عمه
dede ; büyükbaba	شوهر	koca	پدر بزرگ، بابا بزرگ
nine ; büyükanne	نامادری	üveyanne	مادر بزرگ
anneanne	ناپدری	üveybaba	مادر بزرگ (مادری)
babaanne	همسر برادر، زن داداش	yenge	مادر بزرگ (پدری)
üvey erkek kardeş	خواهر ناتنی	üvey kız kardeş	برادر ناتنی
yeğen	پسر، فرزند پسر	oğlan	خواهر و یا برادر زاده
amca	بیوه	dul	عمو
dayi	نامزد	nişanlı	دایی
kuzen	متأهل	evli	پسر عمو یا پسر دایی
kuzin	مجرد	bekar	دختر عمو یا دختر خاله
erkek	زن، مؤنث	kadın	مرد، مذکر
kayın, kayın birader	بچه	çocuk	برادر شوهر یا برادر زن
kız	جاری	kayın hanımı	دختر
zevce, karı, eş, hanım	خانواده	aile	زن، همسر

Üç erkek ve iki kız yeğenim var.

من سه پسر برادر (و پسر خواهر) و دو دختر خواهر (و دختر برادر) دارم.

küçük erkek kardeş	برادر کوچک
kardeşçe	برادرانه
erkek yeğen	پسر خواهر، پسر برادر
evli çift, karı-koca	زوج، زن و شوهر
evlilik, izdivaç	ازدواج
evlenmek	ازدواج کردن
gençler arası evlilik	ازدواج زود هنگام (در سنین نوجوانی)
karımı gördün mü?	خانم مرا دیده‌ای؟
erkek evladın eşi	همسر پسر

gelin ve damat	عروس و داماد
(düğün gününde) evlenecek olan kadın	(در روز عروسی) زنی که می‌خواهد عروسی کند.
gerdek	حجله عروس
gelin olmak, gerdeğe girmek	عروس شدن، به حجله عروس وارد شدن
gelinlik	لباس عروس
nedime	ساقدوش عروس
duvak	تور عروس
düğün alayı, düğüne katılan misafirler	کاروان عروس، مهمان‌هایی که در عروسی شرکت می‌کنند.
hala, teyze, yenge	عمه، خاله، زن داداش
hitap sözcüğü olarak da kullanılır; çocuğun tanıdığı bayan akraba	همچنین به شکل فرم خطایی نیز بکار می‌رود؛ فامیل یا شخص مؤنثی که بچه خوب می‌شناسد.
yaşlı bir teyze	خاله پیر
amcanın karısı	زن عمو
babanın erkek kardeşinin karısı	زن برادر بابا
babanın kız kardeşi	خواهر بابا (عمه)
hısım, akraba	خویشاوند، فامیل
kocamın bir akrabası	یکی از خویشاوندان شوهرم
uzak akrabalar	خویشاوندان دور
hısım, akraba, soy, nesil	خویشاوند، فامیل، اصل و نسب، نسل
sülale	سالله، نسل، نسبت، اصل
biz (birbirimizle) akrabayız	ما با هم فامیلیم.
soylu aile	فامیل نجیب‌زاده
aileden kalma çiftlik	مزرعه‌ی فامیلی
soy özelliği	نشان اختصاصی یک فامیل
soy/şecere araştırması	شجره نامه شناسی
aile destanı	حماسه‌ی خانوادگی
soy ağacı	شجره‌نامه
jenerasyon, kuşak, nesil	نسل
orta kuşak	نسل میانی
yazarlar kuşağı	نسل نویسندگان

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

kuşak değişikliği تعویض نسل‌ها

kuşaklar arasında uçurum شکاف نسل‌ها

kardeş برادر و یا خواهر

Çok kardeşin var mı? evet, üç erkek ve bir kız kardeşim var.

خانواده‌ی پرجمعیتی هستید؟ بله، من سه برادر و یک خواهر دارم.

küçük kardeşler برادرها و یا خواهرهای کوچک‌تر

kuzen عمو زاده؛ دایی زاده؛ عمه زاده؛ خاله زاده

kardeş grubu, aile مجموعه‌ی خواهر برادرها (کل خانواده به استثنای پدر و مادر)

anne baba, ebeveyn, veli پدر مادر، والدین، ولی

anne veya baba پدر یا مادر

kaynana ve kayınbaba پدر و مادر همسر

manevi ana baba والدین تعمیدی (کسانی که بچه‌ای را به فرزند قبول می‌کنند.)

yetim, öksüz یتیم

kaynana ve kayınpeder والدین همسر

Kayınpederim ve kayınvalidem İzmir'de oturuyorlar.

والدین همسر من در ازمیر زندگی می‌کنند.

eşin annesi مادر همسر

kayınbirader, enişte, bacanak برادر همسر؛ شوهر خواهر، باجناق

kayınpeder, kaynata پدر همسر

eşin babası پدر همسر

koca شوهر

Kocam marangozdur شوهر من نجار (درودگر) است.

amca, dayı, hala ya da teyze çocuğu عمو زاده؛ دایی زاده؛ عمه زاده؛ خاله زاده

Kuzenlerim Tahran'da oturuyorlar. عمو زاده‌های من در تهران زندگی می‌کنند.

kız evlat فرزند دختر

Güzel bir kızımız oldu. خدا به ما یک دختر خوشگل داد

en küçük kızımız کوچک‌ترین دختر ما

kız kardeşin kız evladı, yeğen دختر خواهر

kız çocuktan olan oğlan torun نوه‌ی دختری

kız yeğen دختر خواهر، خواهرزاده

küçük kız kardeş خواهر کوچک

nikâh	نکاح، مراسم ازدواج
nikâh töreni	مراسم ازدواج
evlilik cüzdanı, evlilik belgesi	عقد نامه
Büyükannesinin yanında büyüdü.	او پیش مادر بزرگش بزرگ شد.
Negiz Teyze dün bize ziyarete geldi	خاله نرگس دیروز به دیدن ما آمد.
erkek evlat, oğul	پسر، فرزند مذکر
O, kapıcının oğludur.	او پسر سرایدار است.
benim kendi oğlum	پسر خودم
torun (oğlun oğlu)	نوهی پسری، پسرِ پسر
torun (kızın oğlu)	نوه، پسرِ دختر
torun (oğlun kızı)	نوه، دخترِ پسر

birbir یا biribir (یک دیگر، هم دیگر)

1-birbirimiz	اول شخص جمع
2-birbiriniz	دوم شخص جمع
3-biribirleri یا birbiri, biribiri	سوم شخص جمع
	مثال:

birbirimize yardım ediyoruz	ما داریم به یک دیگر کمک می کنیم.
birbirinizi seviniz	یک دیگر را دوست بدارید.
birbirinden güzel kızlar	دخترهایی که یکی از یکی زیباترند.
birbirileri seviyor	همدیگر را دوست دارند.

Ayşe'yle Semra birbir-in-den/birbir-lerin-den hiç hoşlanmıyor(lar).

عایشه و سمرا اصلاً از همدیگر خوششان نمی آید.

Almanya ve Brezilya takımları birbirlerinden haklı olarak korkuyorlar.

تیم های برزیل و آلمان به نحو موجهی از همدیگر می ترسند.

(Siz) birbirinizle çok iyi anlaşıyorsunuz. (شما) با هم خیلی خوب به تفاهم می رسید.

Birbir-lerin-i iki yıldır gör-mü-yor-lar. آن ها دو سال است که همدیگر را نمی بینند.

Biz-i birbir-imiz-e şikayet et-ti-n. از ما به هم دیگر شکایت کردی.

Size birbirinizden hiç söz etmedim. از شما به هم دیگر حرفی نزد.

(Siz) [birbirinizin yarışmayı kazanmasını]-ı mı istiyorsunuz?

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

آیا (شما) می‌خواهید مسابقه را به نفع یکدیگر برنده شوید؟

(Biz) [birbir-imiz-in sev-diğ-i] renkleri sev-mi-yor-uz.

(ما) رنگ‌های مورد علاقه یک دیگر را دوست نداریم.

Amaç birbirimizi görmektir.

هدف دیدن یکدیگر بود.

Birbirlerine çok düşkün Ayşe'yle Semra.

عایشه و سمرا به همدیگر خیلی وابسته هستند.

(Tanıştığımıza) memnun oldum.

Ben de (memnun oldum)

چگونه خود را معرفی کنیم؟

İyi günler efendim, ben Osman Pek.

İyi günler beyefendi. memnun oldum. Ben de Ali Nar.

Memnun oldum.

روز به خیر، آقا. من عثمان پک هستم.

روز به خیر، آقای محترم. خوشوقتم. من علی نار هستم.

خوشوقتم.

Affedersiniz, siz Ali Nar değil misiniz?

Evet, siz?

Ben Halil Temiz.

Tanıştığımıza memnun oldum.

Ben de.

می‌بخشید، آیا شما علی نار نیستید؟

بله (هستم) و شما؟

من خلیل تمیز هستم.

از آشنایی با شما خوشوقتم.

من هم همچین.

İyi günler hanım efendi

?

Ben Ali Nar. Amerikan Ekspres'ten

Aaa, tabi. Merhaba

روز به خیر، خانم.

؟

من علی نار هستم. از مطبوعات آمریکایی
آه، البته. سلام.

چگونه دیگران را به هم معرفی کنیم؟

Ahmet Bey, sizi Ali Nar ile tanıştırayım. Ali Bey Amerikan Ekspres'te
tercüman. Ali Nar. Ahmet Mutlu.
Memnun oldum, beyefendi.
Ben de.

احمد آقا، شما را به علی نار معرفی می‌کنم. علی آقا مترجم از مطبوعات آمریکایی. علی نار. احمد موتلو.
خوشوقتم، آقای محترم.
منم همچنین.

Benim adım ...	نام من ... است.
Adınız ne?	نام شما چیست؟
Soyadınız ne?	نام خانوادگی شما چیست؟
İşiniz ne?	شغل شما چیست؟
Mesleğiniz ne?	حرفه شما چیست؟
Adın ne?	اسم تو چیست؟
Adı ne?	نام او چیست؟
Kiminle birlikteisiniz?	چه کسی همراه شماست؟
Tek başınayım.	من تنها هستم.
Eşim ile beraberim.	من همراه همسرم هستم.
Nişanlım ile beraberim.	من همراه نامزدم هستم.
Kız arkadaşım ile beraberim.	من همراه دوست دخترم هستم.
Babam ile beraberim.	من همراه پدرم هستم.
Oğlum ile beraberim.	من همراه پسرم هستم.
Kardeşim (Ağabeyim) ile beraberim.	من همراه برادرم هستم.
Yeğenim ile beraberim.	من همراه پسر برادرم (خواهرم) هستم.
Amcam (Dayı) ile beraberim.	من همراه عمویم (دایی‌ام) هستم.
Annem ile beraberim.	من همراه مادرم هستم.
Kızım ile beraberim.	من همراه دخترم هستم.

Kız kardeşim (Ablam) ile beraberim.	من همراه خواهرم هستم.
Halam (Teyze) ile beraberim.	من همراه عمه‌ام (خاله‌ام) هستم.
Ailem ile beraberim.	من همراه خانواده‌ام هستم.
Çocuklarım ile beraberim.	من همراه فرزندانم هستم.
Ana babam ile beraberim.	من همراه پدر و مادرم هستم.
Sizi eşim ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به همسرم معرفی کنم؟
Sizi nişanlım ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به نامزدم معرفی کنم؟
Sizi kız arkadaşım ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به دوست دخترم معرفی کنم؟
Sizi oğlum ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به پسرم معرفی کنم؟
Sizi babam ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به پدرم معرفی کنم؟
Sizi kardeşim (ağabeyim) ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به برادرم معرفی کنم؟
Sizi amcam (dayı) ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به عمویم (دایی‌ام) معرفی کنم؟
Sizi dedem ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به پدر بزرگم معرفی کنم؟
Sizi yeğenim ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به پسر برادرم (خواهرم) معرفی کنم؟
Sizi kızım ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به دخترم معرفی کنم؟
Sizi torunum ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به نوه‌ام معرفی کنم؟
Sizi annem ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به مادرم معرفی کنم؟
Sizi kız kardeşim (ablam) ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به خواهرم معرفی کنم؟
Sizi halam (teyze) ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به عمه‌ام (خاله‌ام) معرفی کنم؟
Sizi anneannem ile tanıştıracam mıyım?	می‌توانم شما را به مادر بزرگم معرفی کنم؟
Neredensiniz?	اهل کجا هستید؟
Hangi şehir?	کدام شهر؟
Hangi ülke?	کدام کشور؟
Ben Amerika'dan geliyorum.	من اهل ایالات متحده آمریکا هستم.
Ben İran'dan geliyorum.	من اهل ایران هستم.
Ben İngiltere'den geliyorum.	من اهل انگلستان هستم.
Ben İspanya'dan geliyorum.	من از اسپانیا می‌آیم.
Ben İtalya'dan geliyorum.	من اهل ایتالیا هستم.
Ben Portekiz'den geliyorum.	من از پرتغال می‌آیم.
Ben Polonya'dan geliyorum.	من اهل لهستان هستم.
Ben Rusya'dan geliyorum.	من اهل روسیه هستم.

Evli misiniz?	آیا ازدواج کرده‌اید؟
Boşandınız mı?	آیا طلاق گرفته‌اید؟
Bekar mısınız?	آیا مجرد هستید؟
Evliyim	من ازدواج کرده‌ام.
Bekarım.	من مجرد هستم.
Boşandım.	من طلاق گرفته‌ام.
Çocuklarınız var mı?	آیا بچه دارید؟
Akrabalarınız var mı?	آیا خویشاوندان دیگری دارید؟
Hangi iş yapıyorsunuz?	کار شما چیست؟
Öğrenciyim.	من دانش آموز هستم.
Öğretmenim.	من معلم هستم.
İşçiyim	من کارگر هستم.
Yöneticiyim.	من مدیر هستم.
Bankacıyım.	من کارمند بانک هستم.
Programcıyım.	من برنامه نویس هستم.
İşadamıyım.	من تاجر هستم.
Mühendisim.	من مهندس هستم.
Tatildeyim.	من برای تعطیلات آمده‌ام.
İş seyahatindeyim.	من برای کار آمده‌ام.
Burada bir gün kalacağım.	من برای یک روز اینجا می‌مانم.
Burada iki gün kalacağım.	من برای دو روز اینجا می‌مانم.
Burada üç gün kalacağım.	من برای سه روز اینجا می‌مانم.
Burada bir hafta kalacağım.	من برای یک هفته اینجا می‌مانم.
Burada birkaç hafta kalacağım.	من برای چند هفته اینجا می‌مانم.
Burada bir ay kalacağım.	من برای یک ماه اینجا می‌مانم.
Burada birkaç ay kalacağım.	من برای چند ماه اینجا می‌مانم.
Burada bir yıl kalacağım.	من برای یک سال اینجا می‌مانم.
Yarın ayrılıyorum.	من فردا می‌روم.
2 gün içinde ayrılıyorum.	من دو روز دیگر می‌روم.
3 gün içinde ayrılıyorum.	من سه روز دیگر می‌روم.
Gelecek hafta ayrılıyorum.	من هفته بعد می‌روم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Gelecek ay ayrılıyorum.	من ماه بعد می‌روم.
Pazartesi günü ayrılıyorum.	من دوشنبه می‌روم.
Salı günü ayrılıyorum.	من سه شنبه می‌روم.
Çarşamba günü ayrılıyorum.	من چهارشنبه می‌روم.
Perşembe günü ayrılıyorum.	من پنج شنبه می‌روم.
Cuma günü ayrılıyorum.	من جمعه می‌روم.
Cumartesi günü ayrılıyorum.	من شنبه می‌روم.
Pazar günü ayrılıyorum.	من یکشنبه می‌روم.
Hiç Türkiye'de bulundunuz mu?	آیا تا به حال ترکیه رفته‌اید؟

İle

اگر İle به معنی «با» و «و» را به واژه قبل از خود بچسبانیم حرف i حذف می‌شود. چنانچه حرف آخر کلمه یک مصوت باشد y را قبل le- می‌آوریم:

Ahmet'le Ayşe geliyorlar.	احمد با عایشه دارند می‌آیند.
Ahmet Ayşeyle geliyor.	احمد با عایشه دارد می‌آید.

ile را برای وسایل حمل و نقل نیز بکار می‌برند:

Otobüsle Ankara'ya gidiyorlar.	آنها با اتوبوس به آنکارا می‌روند.
--------------------------------	-----------------------------------

مثال‌های دیگر:

Masada fincanla tabaklar var	بر روی میز فنجان با (و) بشقاب هست.
Ali ile arkadaşı , odaya girdi	علی با (و) دوستش وارد اتاق شد.
Mustafa ile Selim partiye gitti	مصطفی با (و) سلیم به مهمانی رفت.
Ali ile arkadaşı, Mustafa ile Selim	علی با (و) دوستش، سلیم با (و) مصطفی
Benimle Mehmet geldi	محمد با من آمد.
Ali arkadaşıyla , odaya girdi	علی با دوستش وارد اتاق شد.
Mustafa, Selim 'le partiye gitti	مصطفی با سلیم به مهمانی رفت.

نکته: در چهار مثال اول می‌توانیم بجای ile از ve (و) استفاده کنیم:

Ali ve arkadaşı odaya girdiler	علی و دوستش وارد اتاق شدند.
Mustafa ve Selim partiye gittiler	مصطفی و سلیم به مهمانی رفتند.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Masada fincanlarla ve tabaklar var بر روی میز فنجان و بشقاب هست.
 Ali ve arkadaşı, Mustafa ve Selim علی و دوستش، سلیم و مصطفی
 اما در سه مثال آخر نمی‌توان از ve بجای ile استفاده کرد.
 یادآوری:

-dan/ -tan /-ten/-den (از) پیوندی است که نقطه حرکت یا آغاز را نشان می‌دهد.

Ankara'dan از من benden از آنکارا

مشاغل (حرفه‌ها)

Mesleğiniz/İşiniz ne?
 Ne iş yaparsınız?
 Nerede çalışırsınız?

Mesleğiniz ne?
 Memurum.

شغل شما چیست؟
 کارمند هستم.

Ne iş yaparsınız?
 Profesörüm.

چه کاری انجام می‌دهید؟
 پروفسور هستم.

Nerede çalışırsınız?
 Sefarette sekreterim.

کجا کار می‌کنید؟
 منشی سفارت هستم.

مشاغل و حرفه‌های رایج

manav	میوه فروش	yazar	نویسنده
muhasebeci	حسابدار	aktör	هنرپیشه مرد
mühendis	مهندس	artist	هنر پیشه زن
müzişyen	موسیقی‌دان	asker	سرباز
öğrenci	دانش آموز	avukat	وکیل

öğretmen	معلم	bakkal	بقال
polis	پلیس	banker	بانک دار
politikacı	سیاستمدار	çiftçi	کشاورز
postacı	پستیچی	diplomat	دیپلمات
profesör	پروفسور	dişçi	دندان پزشک
rejisör	کارگردان	doktor	دکتر
ressam	نقاش	eczacı	داروفروش
sekreter	منشی	ev kadını	خانه دار
sporcu	ورزشکار	gazeteci	روزنامه نگار
subay	افسر	hakim	قاضی
şarkıcı	خواننده	hostes	مهماندار
şöför	راننده	iş adamı	تاجر مرد
tercüman	معلم	iş kadını	تاجر زن
terzi	خیاط	işçi	کارگر
kasap	قصاب	kütüphaneci	کتابخانه دار

پیوند هشت شکلی -ci, -çi, -cı, -çı, -cu, -çu, -cü, -çü - پیوند تخصصی یا اهل حرفه

اگر این پیوند به دنبال حرفه ایی یا اسمی واقع شود صاحب یا کننده آن حرفه یا اسم را نشان می دهد

kitap	کتاب	kitapçı	کتابدار
yoğurt	ماست	yoğurtçu	ماست فروش
hizmet	خدمت	hizmetçi	خدمتکار
balık	ماهی	balıkçı	ماهی گیر
yol	راه	yolcu	مسافر
taksi	تاکسی	taksici	راننده تاکسی
kebab	کباب	kebabcı	کباب فروش
çilek	گل	çilekçi	گل فروش
maden	معدن	madenci	معدنچی
halı	فرش، قالی	halı cı	فرش فروش
iş	کار	işçi	کارگر
bulaşık	ظروف آلوده و کثیف	bulaşıkçı	ظرف شو
göz	چشم	gözcü	نگهبان

مکان های کار

banke	بانک	muhasebe	دفتر حسابداری
dükkan	مغازه	ofis	اداره
fabrika	کارخانه	okul	مدرسه
garaj	گاراژ	postahane	پستخانه
hastahane	بیمارستان	sinema	سینما
lokanta	رستوران	tiyatro	تئاتر

سفر (seyahat)

گمرک (gümrük)

Bir tane daha gümrük formu alabilir miyim? ممکن است یک فرم گمرکی دیگر به من بدهید؟
Lütfen formu nasıl dolduracağımı gösterir misiniz?

لطفاً به من نشان دهید چطور این فرم را پر کنم.

Buyurun pasaportum. بفرمایید این گذرنامه من است.

Buyurun vizam. بفرمایید این ویزای من است.

Birleşik pasaportumuz var. ما یک گذرنامه مشترک داریم.

Pasaportuma lütfen damga vurur musunuz? ممکن است لطفاً گذرنامه مرا مهر کنید؟

Ben turistim. من جهانگرد هستم.

Ben işadamıyım. من تاجر هستم.

Tatile çıkıyorum. من برای تعطیلات آمده‌ام.

İş seyahatine çıkıyorum. من برای سفر کاری آمده‌ام.

Ben tek başıyım. من تنها هستم.

Ben ailemle birlikteyim. من با خانواده‌ام هستم.

Bu benim ilk ziyaretim. این اولین سفر من است.

iki hafta kalmayı planlıyorum. من قصد دارم دو هفته بمانم.

Birkaç hafta kalmayı planlıyorum. من قصد دارم چند هفته بمانم.

Bu benim transit geçiş vizam. این مجوز ترانزیت من است.

Bu valizler benim. این‌ها چمدان‌های من هستند.

Sadece kişisel kullanım için eşyalarım var. من فقط وسایلی برای استفاده شخصی دارم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Bu arkadaşım için bir hediye. این هدیه‌ای برای یک دوست است.

Bu video kamera benim kişisel kullanımım için.

این دوربین فیلمبرداری برای استفاده شخصی من است.

Onun fiyatını ikiyüz Amerikan dollardır.

قیمت آن در حدود دویست دلار آمریکاست.

Bu benim deklarasyonum.

بفرمایید این اظهارنامه من است.

Deklare edecek hiç bir şeyim yok.

من چیزی برای اظهار ندارم.

beşyüz dollarlık seyahat çekim var.

من پانصد دلار چک مسافرتی دارم.

کلمات مفید

Gümrük

گمرک

Sınır geçişi

عبور از مرز

Yeşil Alan

خط سبز

Kırmızı Alan

خط قرمز

Deklare edecek hiç bir şeyim yok

چیزی برای اظهار وجود ندارد

Deklare edilecek ürünler

کالاهای برای اظهار

Gümrüksüz Mallar Mağazası

فروشگاه معاف از حقوق گمرکی

اطلاعات جهانگردان (turist bilgileri)

Turizm danışma bürosu nerede?

دفتر اطلاعات جهانگردان کجاست؟

Döviz bürosu nerede?

دفتر صرافی کجاست؟

Oto kiralama şirketi nerede?

مرکز اجاره اتومبیل کجاست؟

Otobüsler nerede?

اتوبوس‌ها کجا هستند؟

Ben Tahran'a transit giden bir yolcuyum.

من مسافر ترانزیت به مقصد تهران هستم.

Aynı gün aktarma yapabilir miyim?

آیا می‌توانم همان روز قطار یا اتوبوسم را عوض کنم؟

Aktarma yapmam ne kadar sürer?

عوض کردن قطار یا اتوبوس چقدر طول می‌کشد؟

Burada bir otel odası rezervasyonu yapabilir miyim?

آیا می‌توانم اینجا یک اتاق هتل رزرو کنم؟

Servis otobüsüne nerede binebilirim?

کجا می‌توانم سوار اتوبوس خطی شوم؟

Limuzin nerede kira yapabilirim?

آیا ممکن است راه باجه کرایه تاکسی را به من نشان دهید؟

Beni lütfen buraya götürür müsünüz?

لطفاً مرا ببرید اینجا.

رزرو (rezervasyon)

Buradan buraya nasıl gidebilirim?	چطور می‌توانم از اینجا به این محل بروم؟
New İstanbul'a bir sonraki uçuş ne zaman?	پرواز بعدی به استانبول چه موقع است؟
New İzmir'a bir sonraki tren ne zaman?	قطار بعدی به ازمیر چه موقع است؟
New Ankara'a bir sonraki otobüs ne zaman?	اتوبوس بعدی به آنکارا چه موقع است؟
Direkt uçuş var mı?	آیا این پرواز یکسره است؟
Kesintisiz uçuş var mı?	آیا این پرواز بدون توقف است؟
Bu tren ekspres mi?	آیا این قطار سریع السیر است؟
Bu otobüs ekspres mi?	آیا این اتوبوس سریع السیر است؟
Bu uçuş başka bir şehirde konaklama yapıyor mu?	آیا این پرواز در شهر دیگری توقف دارد؟
Bu tren yolda duraklama yapıyor mu?	آیا این قطار در راه توقف دارد؟
İstanbul'a hangi uçuşlar var mı?	چه پروازهایی تا استانبول وجود دارد؟
Lütfen diğer havayolu şirketlerini kontrol ediniz.	لطفاً به خطوط هوایی دیگر مراجعه نمایید.
Bu uçakta boş koltuk var mı?	آیا در پرواز جای خالی هست؟
Bu trende boş koltuk var mı?	آیا در قطار جای خالی هست؟
Bu otobüste boş koltuk var mı?	آیا در اتوبوس جای خالی هست؟
Ne kadar sıklıkla uçak var?	هر چند وقت یکبار پرواز هست؟
Tren değiştirmek zorunda mıyım?	آیا باید قطار عوض کنم؟
Uçağımı nerede değiştirmeliyim?	کجا باید هواپیما عوض کنم؟
Bu otobüste yer ayırtmak istiyorum.	من می‌خواهم یک جا در این اتوبوس رزرو کنم.
Lütfen bir sonraki İzmir uçuşuna rezervasyon yapın.	لطفاً پرواز بعدی را به مقصد ازمیر رزرو کنید.
Bilet ne kadar?	قیمت بلیط چقدر است؟
İstanbul bileti ne kadar?	قیمت بلیط تا استانبول چقدر است؟
İndirim var mı?	آیا تخفیف دارد؟
Muafiyet tarifeleri var mı?	آیا نرخ پایین تری وجود دارد؟
Öğrenci indirimi var mı?	آیا تخفیف دانشجویی دارد؟
Yaşlılar için indirim var mı?	آیا برای بازنشستگان تخفیف دارد؟
Bir business class bilet, lütfen.	یک بلیط بیزینس کلاس لطفاً.
Bir ekonomi class bilet, lütfen.	یک بلیط اکونومی کلاس لطفاً.
Bir first class bilet, lütfen.	یک بلیط فرست کلاس لطفاً.

İki tane business class bilet rica ediyorum.

من دو تا بلیط بیزینس کلاس می‌خواهم.

Bir gidiş-dönüş bilet, lütfen.

یک بلیط رفت و برگشت لطفاً.

Bir tek yön bilet, lütfen.

یک بلیط یکسره لطفاً.

Havaalanına ne kadar erken gelmeliyim?

چقدر زودتر باید در فرودگاه باشم؟

Ne zaman çek in yaptırmalıyım?

چه ساعتی باید برای سوار شدن اقدام کنم؟

Uçak ne zaman kalkıyor?

چه ساعتی پرواز حرکت می‌کند؟

Tren ne zaman kalkıyor?

چه ساعتی قطار حرکت می‌کند؟

Otobüs ne zaman kalkıyor?

چه ساعتی اتوبوس حرکت می‌کند؟

Saat kaçta varacağız?

چه ساعتی خواهیم رسید؟

Yanımda ne kadar valiz getirebilirim?

چقدر بار می‌توانم داشته باشم؟

Valizim yok.

من باری ندارم.

Antalya biletimi iptal etmek istiyorum.

من می‌خواهم بلیطم را به آنتالیا باطل کنم.

Rezervasyonumu iptal etmek istiyorum.

من می‌خواهم رزروم را باطل کنم.

Rezervasyonumu değiştirmek istiyorum.

من می‌خواهم رزروم را تغییر دهم.

Rezervasyonumu onaylamak istiyorum.

من می‌خواهم رزروم را تأیید کنم.

ثبت برای پرواز (uçuş rezervasyonu)

A kontuarı nerede?

باجه A کجاست؟

Finnair kontuarı nerede?

باجه فین ایر کجاست؟

British Airways kontuarı nerede?

باجه بریتیش ایرویز کجاست؟

Aeroflot kontuarı nerede?

باجه ایر فلوت کجاست؟

Lufthansa kontuarı nerede?

باجه لوفت هانزا کجاست؟

Air France kontuarı nerede?

باجه ایر فرانس کجاست؟

A terminali nerede?

ترمینال A کجاست؟

Lufthansa terminali nerede?

ترمینال لوفت هانزا کجاست؟

Nerede çek in yaptırabilirim?

کجا باید کارت پرواز بگیرم؟

Valizlerimi otele yollayın lütfen.

لطفاً چمدان‌های مرا به هتلیم بفرستید.

Fazla valiz ücreti ne kadar?

هزینه اضافه بار چقدر است؟

Bu valizi İzmir'e göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این چمدان را به ازمیر بفرستم.

Yanımda iki parça eşya taşıyacağım.

من دو تکه بار همراه مسافر دارم.

İstanbul için transit yolcuyum.

من ترانزیت به مقصد استانبول هستم.

- Uçağa ne zaman bineceğiz? سوار کردن مسافران کی شروع می‌شود؟
- Bu uçak hangi kapıdan kalkıyor? پرواز از کدام گیت است؟
- 1 No.lu kapı nerede? گیت یک کجاست؟
- Bu uçak zamanında kalkacak mı? آیا این پرواز رأس ساعت خواهد بود؟
- Herhangi bir gecikme var mı? آیا تأخیری خواهد داشت؟
- Pencerenin yanında koltuk rica ediyorum. لطفاً یک صندلی کنار پنجره به من بدهید.
- Koridorda koltuk rica ediyorum. لطفاً یک صندلی کنار راهرو به من بدهید.
- Sigara içilen bölümde koltuk rezervasyonu yaptırmak istiyorum. من می‌خواهم یک جا در قسمت سیگاری‌ها رزرو کنم.
- Sigara içilmeyen bölümde koltuk rezervasyonu yaptırmak istiyorum. من می‌خواهم یک جا در قسمت غیر سیگاری‌ها رزرو کنم.
- Havaalanında alışveriş yapabilir miyiz? آیا می‌توانیم در فرودگاه خرید کنیم؟
- Bu hangi para biriminde? به چه پولی است؟
- Dollar olarak ödeyebilir miyim? آیا می‌توانم با دلار پرداخت کنم؟
- Euro olarak ödeyebilir miyim? آیا می‌توانم با یورو پرداخت کنم؟
- Burada satın aldığım ürünler için gümrük ödemem gerekiyor mu? آیا باید برای کالاهایی که اینجا خریدم حقوق گمرکی پرداخت کنم؟
- Lütfen fiş verin. لطفاً به من رسید بدهید.

کلمات مفید

Geliş	پروازهای ورودی	iptal edildi	لغو شد
Gidiş	پروازهای خروجی	uçuş	پرواز
güvenlik kontrolü	بازرسی امنیتی	uçuş numarası	شماره پرواز
pasaport kontrolü	کنترل گذرنامه	biniş kartı	کارت پرواز
kapı	گیت	indi	به زمین نشست
gecikme	تأخیر دارد		

در هواپیما (uçakta)

- Bu koltuk nerede? این صندلی کجاست؟
- Koltuk değiştirebilir miyiz? امکان دارد جایم را با شما عوض کنم؟
- Türkçe gazeteniz var mı? روزنامه ترکی دارید؟

Lütfen bir battaniye verir misiniz?	آیا ممکن است یک پتو برای من بگیرید؟
Lütfen bir yastık verir misiniz?	آیا ممکن است یک بالش برای من بگیرید؟
Hasta torbası, lütfen.	لطفاً یک کیسه استفراغ به من بدهید.
Lütfen bir şişe bira verin.	لطفاً یک بطری آبجو به من بدهید.
Lütfen bir kadeh şarap verin.	لطفاً یک لیوان شراب به من بدهید.
Bir kadeh daha alabilir miyim?	آیا ممکن است یک لیوان دیگر به من بدهید؟
Biraz daha fıstık alabilir miyim?	آیا ممکن است مقداری دیگر پسته به من بدهید؟
İçecek bir şeyler sipariş etmek istiyorum.	من می‌خواهم نوشیدنی سفارش بدهم.
Çay rica ediyorum, lütfen.	من چای می‌خواهم، لطفاً.
Kahve rica ediyorum, lütfen.	من قهوه می‌خواهم، لطفاً.
Uçakta İngilizce konuşabilen hostes var mı?	آیا در هواپیما خانم میهماندار انگلیسی زبان هست؟
Bunu İngilizce'ye çevirir misiniz?	آیا می‌توانید آن را به انگلیسی ترجمه کنید؟
Gecikme ne kadar sürecek?	چقدر تأخیر خواهد داشت؟
Uçak ne zaman kalkacak?	هواپیما کی بلند می‌شود؟
Uçak ne zaman inecek?	هواپیما کی می‌نشیند؟
Burada ne kadar duracağız?	چه مدت اینجا توقف خواهیم داشت؟
Midem bulanıyor.	حالم بهم می‌خورد.
Koltuğumu yatırabilir miyim?	آیا ممکن است پشت صندلیم را بخوابانم؟
Yemek için beni uyandırır mısınız, lütfen?	آیا ممکن است لطفاً مرا برای غذا بیدار کنید؟
Uçakta gümrüksüz ürünler satıyor musunuz?	آیا در هواپیما کالاهای معاف از حقوق گمرکی می‌فروشید؟
Bu filmin ismi ne?	اسم این فیلم چیست؟
Ne zaman film göstereceksiniz?	این فیلم را چه وقت نشان می‌دهید؟
Bu film ne kadar sürüyor?	زمان این فیلم چقدر است؟
Bu film için kulaklık alabilir miyim?	برای فیلم گوشی به من بدهید.
Filmi izlemek için hangi kanala ayarlıyorum?	برای دیدن فیلم باید کدام کانال را تنظیم کنم؟
Kulaklıklarım çalışmıyor.	گوشی من کار نمی‌کند.

کلمات مفید

Kemerlerinizi bağlayın.	کمربندهای خود را ببندید.
can yeleği	جلیقه نجات

oksijen maskesi

ماسک اکسیژن

tuvalet

دستشویی

قطار/اتوبوس (tren/otobüs)

Tarife alabilir miyim?

ممکن است یک برنامه حرکت به من بدهید؟

Bu otobüs tarifi güncel mi?

آیا این برنامه حرکت فعلی اتوبوس است؟

Bu şuanda kullanılan tren tarifi mi?

آیا این برنامه فعلی حرکت قطار است؟

Treni kaçırdım. Bir sonraki saat kaçta kalkıyor?

من قطار را از دست دادم. بعدی کی حرکت می کند؟

Bu tren Ankara'ya mı gidiyor?

آیا این قطار به لندن می رود؟

Bu otobüs İstanbul'dan mı geliyor?

آیا این اتوبوس از استانبول می آید؟

Bu direkt tren mi?

آیا این قطار مستقیم است؟

Bu otobüs oraya gidiyor mu?

آیا این اتوبوس به آنجا می رود؟

Bu ekspres treni mi normal tren mi?

آیا این قطار سریع السیر است یا محلی؟

Yemekli vagon var mı?

آیا در قطار واگن رستوران هست؟

Yemekli vagon trenin önünde mi arkasında mı?

واگن رستوران در جلوی قطار است یا در عقب آن؟

1 numaralı platform nerede?

سکوی شماره یک کجاست؟

Benim koltuğum hangi vagonda?

جای من در کدام واگن است؟

Benim koltuğum nerede?

جای من کجاست؟

Benim kompartımanım nerede?

کوپه من کجاست؟

benim yatağım nerede?

محل خواب من کجاست؟

Bu koltuk dolu mu?

آیا اینجا جای کسی است؟

Sanırım bu benim koltuğum.

فکر می کنم اینجا جای من است.

Cam kenarı tercih ederim.

صندلی کنار پنجره را ترجیح می دهم.

Burası çok sıcak.

اینجا هوا خیلی گرم است.

Burası çok soğuk.

اینجا هوا خیلی سرد است.

Pencereyi açabilir miyim?

اجازه دارم پنجره را باز کنم؟

Şu anda nereden geçiyoruz?

حالا داریم از کجا رد می شویم؟

Tren burada ne kadar duracak?

قطار چقدر اینجا توقف دارد؟

Otobüs burada ne kadar duracak?

اتوبوس چقدر اینجا توقف دارد؟

Bir sonraki durak nerede?	توقف بعدی کجاست؟
Hangi durakta inmeliyim?	کدام ایستگاه باید پیاده شوم؟
Bir sonraki durakta ineceğim.	من ایستگاه بعد پیاده می شوم.
Burada ineyim lütfen.	اینجا پیاده می شوم.
Burada durun lütfen.	لطفاً اینجا بایستید.
Buradan sonra kaç durak var?	چند ایستگاه از اینجا؟

کلمات مفید

üst yatak	محل خواب بالا	bekleme odası	اتاق انتظار
alt yatak	محل خواب پایین	Platformlara gider	به سمت سکوها
orta yatak	محل خواب وسط	Giriş	درب ورودی
valiz rafi	جای ائاثیه مسافر	Çıkış	درب خروجی
kompartıman	کوپه	Çıkış yolu	راه خروج
vagon	واگن	kayıp eşya bürosu	دفتر اشیاء گم شده
istikamet	مقصد	Acil freni	ترمز اضطراری
hareket saati	زمان حرکت	alarm	آژیر
demir yolu	خط راه آهن	otomatik kapılar	درهای اتوماتیک
durma talebi	درخواست توقف	gece otobüsü	اتوبوس شبانه

کشتی/قایق (feribot/gemi)

Dok nerede?	بارانداز کجاست؟
Gemiye nereden binebilirim?	کجا می توانم سوار کشتی شوم؟
Gemi ne zaman ayrılıyor?	کشتی چه ساعتی راه می افتد؟
Gemi ne zaman varıyor?	کشتی چه ساعتی پهلوی می گیرد؟
Ne zaman biniyoruz?	چه ساعتی سوار شویم؟
Kamarama nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?	آیا ممکن است لطفاً کابین مرا نشانم دهید؟
Kahvaltımı kamaramda etmek istiyorum.	من دوست دارم صبحانه را در کابینم میل کنم.
Güvertede bir koltuk rezervasyonu yaptırmak istiyorum.	من می خواهم یک صندلی روی عرشه رزرو کنم.
Akşam yemeğini ne zaman yiyebilirim?	چه ساعتی می توانم ناهار بخورم؟

کلمات مفید

Araba güvertesine giriş yasak	ورود به عرشه مخصوص ماشین‌ها ممنوع است
cankurtaran sandalı	قایق نجات
can yeleği	جلیقه نجات
kamara	کابین
güverte	عرشه
üst güverte	عرشه بالا
alt güverte	عرشه پایین

اثاثیه مسافر (bagaj)

Bagajımı nerede check ettirebilirim?	محل بازرسی اثاثیه مسافر کجاست؟
Bagajımı nereden alabilirim?	از کجا می‌توانم اثاثیه‌ام را بگیرم؟
İşte bagaj kartım.	این رسید اثاثیه من است.
Bagajımı bulamıyorum.	من نمی‌توانم اثاثیه‌ام را پیدا کنم.
Valizimi bulamıyorum.	من نمی‌توانم چمدانم را پیدا کنم.
Bana check-in yaptırdığımda bagaj kartı vermediler.	وقتی اثاثیه‌ام را تحویل دادم رسید نگرفتم.
Bagajım kırılmış ve bazı şeyler eksik.	وسایل من شکسته است و بعضی چیزهای من کم شده است.
Valizim kırılmış ve bazı şeyler eksik.	چمدان من شکسته است و بعضی چیزهای من کم شده است.
Nerede bir hamal bulabilirim?	از کجا می‌توانم یک باربر پیدا کنم؟
Bu benim bagajım.	این اثاثیه من است.
Bu benim valizim.	این چمدان من است.
Bu benim çantam.	این کیف من است.
Bu bagajı taksi standına taşıyın lütfen.	لطفاً این وسایل را به ایستگاه تاکسی ببرید.
Kırılabilir. Lütfen taşıırken dikkatli olun.	شکستنی است. لطفاً هنگام حمل آن مراقب باشید.
Emanet nerede?	صندوق‌های اثاثیه کجاست؟

ممکن است بشنوید

- Seyahat amacınız? هدف شما از این سفر چیست؟
- Nerede kalacaksınız? کجا اقامت خواهید نمود؟
- Ne kadar kalacaksınız? چه مدت اینجا اقامت خواهید داشت؟
- Deklare edeceğiniz bir şey var mı? آیا چیزی برای اظهار دارید؟
- Yanınıza alacağınız bir şey var mı? آیا بار همراه خود دارید؟
- Lütfen formu doldurun. لطفاً این فرم را پر کنید.
- Nereye gidiyorsunuz? مقصد شما کجاست؟
- Pasaportunuzu görebilir miyim? آیا می‌توانم گذرنامه شما را ببینم؟
- Biniş kartınızı görebilir miyim? آیا می‌توانم کارت پرواز شما را ببینم؟
- Gümrük deklarasyonunuz lütfen. لطفاً اظهارنامه گمرکی خود را به من بدهید.
- Bagaj kartınız lütfen. لطفاً رسید اثاثیه خود را به من بدهید.
- Kaç valiziniz var? چند تا کیف دارید؟
- Yanınızda taşımak için çok fazla şey almışsınız. شما بار همراه زیادی دارید.
- Ekses ücreti ödemelisiniz. شما باید هزینه اضافه بار بپردازید.
- Bugün için tüm biletler satıldı. تمام بلیطهای امروز فروخته شده‌اند.
- Uçakta yer yok. در این پرواز جای خالی نیست.
- Sizi bekleme listesine kayıt etmemi ister misiniz? آیا می‌خواهید اسم شما را در لیست انتظار بنویسم؟
- Pencere kenarı mı, koridor mu istersiniz? مایل اید صندلی شما کنار پنجره باشد یا کنار راهرو؟
- Dikkat! توجه!
- Yüzyermi numaralı uçuş binişe başlamıştır. پرواز شماره صد و بیست اکنون در حال سوار کردن مسافر است.
- 120 numaralı uçuş için son çağrı. آخرین اعلام سوار شدن برای پرواز صد و بیست.
- 1 numaralı kapıya gidiniz. لطفاً حالا به گیت شماره یک بروید.
- Burada sigara içmeyin lütfen. لطفاً اینجا دخانیات استعمال نکنید.
- Burada sigara içmek yasak. استعمال دخانیات مجاز نیست.
- Elektrikli aletlerinizi kapatınız. لطفاً تمام دستگاه‌های الکترونیکی را خاموش کنید.
- Pardon, bu sizin kompartımanınız değil. ببخشید، این کوپه شما نیست.
- Pardon, bu sizin ranzanız değil. ببخشید، این جای خواب شما نیست.
- Pardon, bu sizin koltuğunuz değil. ببخشید، این جای شما نیست.

Bagajınız ulaştığında biz size haber vereceğiz.

هنگامی که وسایل شما تحویل داده شد به شما اطلاع می‌دهیم.

Kayıp eşya bürosuna gitmelisiniz.

باید به محل دفتر اشیاء پیدا شده مراجعه کنید.

Adımınıza dikkat edin!

مراقب جلوی پایتان باشید!

Önüne bak!

جلویتان را نگاه کنید!

Ayakkabılarınızı çıkartın.

لطفاً کفش خود را درآورید.

ضرب المثل

Dikensiz gül olmaz.

گل بی خار نمی‌شود.

Hasta ol benim için, öleyim senin için.

تب کن برایم تا بمیرم برایت.

Müft olsun da zift olsun.

مفت باشد کوفت باشد.

اصطلاحات

Püf noktası:

مهمترین و ظریفترین جای یک کار

Pes demek:

شکست را قبول کردن. در مقابل برتری کسی گردن خم کردن

Parmak hesabı:

حساب سر انگشتی

Palavra atmak:

با اغراق سخن گفتن. یا دروغ گفتن. از چیزهای نشدنی بحث کردن

Para dökmek:

پول ریختن. برای یه کاری پول زیاد خرج کردن

Saç ağartmak:

مو سفید کردن. تو یک کاری مدت زیادی کار کردن و صاحب تجربه شدن

Açık bono vermek

در زمینه رفتار، به کسی اختیار بی‌حد و مرز دادن

Abbas yolcu

عباس مسافر؛ کسی که عزم رفتن دارد. همچنین به کسی که در آستانه مرگ است گفته می‌شود.

Abuk sabuk konuşmak

چرت و پرت گفتن، حرف مفت زدن!

Acı soğan yemedim ki ağzım koksun

پیاز تند نخوردم که دهانم بو بدهد: کنایه از کسی که هیچ‌گاه کار خلافی انجام نداده، کسی که همیشه و همه‌جا

سربلند است



Kaç yaşındasınız?	... yaşındayım
... (I) nİz kaç yaşında / aylık?	Yasım ... (Dİr)
	... - (I) m ... yaşında / aylık
Doğum tarihiniz ne (dir) ?	Doğum tarihim ... (Dİr) ...
Hangi tarihte doğdunuz?	- DE doğdum

Kaç yaşındasınız?

سن شما چقدر است؟

facebook.com/morteza.abdi ————— خود آموز ترکی استانبولی

Otuziki yaşındayım.

سنم سی و دو سال است.

Doğum tarihiniz ne?

تاریخ تولدتان کی است؟

3 Kasım 1965.

۳ نوامبر ۱۹۶۵.

Bu yıl Kasım'da yirmi yedi oluyorum

این نوامبر ۲۷ ساله می‌شوم.

Hangi tarihte doğdunuz?

در چه سالی متولد شدید؟

1945'liyim.

در ۱۹۴۵

Bebeğiniz kaç aylık?

بچه شما چند ماهه است؟

Altı aylık.

شش ماهه

سن اشخاص به صورت‌های زیر نیز پرسیده می‌شود:

Yaş kaç?

چند سال داری؟

Sende yaş kaçtı?

سن تو چقدر بود؟

ماه‌های سال

ay ماه

Ocak	ژانویه (۱۰ دی تا ۱۰ بهمن)	Temmuz	ژوئیه (۱۱ تیر تا ۱۰ مرداد)
Şubat	فوریه (۱۳ بهمن تا ۱۳ اسفند)	Ağustos	اوت (۱۱ مرداد تا ۱۰ شهریور)
Mart	مارس (۱۱ اسفند تا ۱۲ فروردین)	eylül	سپتامبر (۱۱ شهریور تا ۹ مرداد)
Nisan	آوریل (۱۳ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت)	ekim	اکتبر (۱۰ مهر تا ۱۰ آبان)
Mayıs	مه (۱۲ اردیبهشت تا ۱۱ خرداد)	kasım	نوامبر (۱۱ آبان تا ۱۱ آذر)
Haziran	ژوئن (۱۲ خرداد تا ۱۰ تیر)	Aralık	دسامبر (از ۱۱ آذر ماه تا ۱۱ دی)

اعداد اصلی

bir	۱	ondokuz	۱۹	beşyüz	۵۰۰
iki	۲	yeremi	۲۰	altıyüz	۶۰۰
üç	۳	yeremi bir	۲۱	yediyüz	۷۰۰
dört	۴	yeremi iki	۲۲	sekizyüz	۸۰۰
beş	۵	otuz	۳۰	dokuzyüz	۹۰۰

altı	۶	otuz bir	۳۱	bin	۱۰۰۰
yedi	۷	kırk	۳۲	milyon	یک میلیون
sekiz	۸	elli	۳۳	miliyar	یک میلیارد
on	۱۰	altmış	۶۰	yüz yermi üç	۱۲۳
onbir	۱۱	yetmiş	۷۰	ikiyüz yermi elli	۲۵۰
oniki	۱۲	seksen	۸۰	yetmiş altı	۷۶
onüç	۱۳	doksan	۹۰	kırk sekiz	۴۸
ondört	۱۴	yüz	۱۰۰	bin ellialtı	۱۰۵۶
onbeş	۱۵	ikiyüz	۲۰۰	üçyüz yetmişdört	۳۷۴
onaltı	۱۶	üçyüz	۳۰۰	dokuzyüz seksenbir	۹۸۱
onyedi	۱۷	dört yüz	۴۰۰	yüz otuzsekiz	۱۳۸

اعداد اصلی + تا ۴۹

sıfır	۰	on	۱۰	yirmi	۲۰	otuz	۳۰	kırk	۴۰
bir	۱	on bir	۱۱	yirmi bir	۲۱	otuz bir	۳۱	kırk bir	۴۱
iki	۲	on iki	۱۲	yirmi iki	۲۲	otuz iki	۳۲	kırk iki	۴۲
üç	۳	on üç	۱۳	yirmi üç	۲۳	otuz üç	۳۳	kırk üç	۴۳
dört	۴	on dört	۱۴	yirmi dört	۲۴	otuz dört	۳۴	kırk dört	۴۴
beş	۵	on beş	۱۵	yirmi beş	۲۵	otuz beş	۳۵	kırk beş	۴۵
altı	۶	on altı	۱۶	yirmi altı	۲۶	otuz altı	۳۶	kırk altı	۴۶
yedi	۷	on yedi	۱۷	yirmi yedi	۲۷	otuz yedi	۳۷	kırk yedi	۴۷
sekiz	۸	on sekiz	۱۸	yirmi sekiz	۲۸	otuz sekiz	۳۸	kırk sekiz	۴۸
dokuz	۹	on dokuz	۱۹	yirmi dokuz	۲۹	otuz dokuz	۳۹	kırk dokuz	۴۹

اعداد اصلی + تا ۴۹

elli	۵۰	altmış	۶۰	yetmiş	۷۰	seksen	۸۰	doksan	۹۰
elli bir	۵۱	altmış bir	۶۱	yetmiş bir	۷۱	seksen bir	۸۱	doksan bir	۹۱
elli iki	۵۲	altmış iki	۶۲	yetmiş iki	۷۲	seksen iki	۸۲	doksan iki	۹۲
elli üç	۵۳	altmış üç	۶۳	yetmiş üç	۷۳	seksen üç	۸۳	doksan üç	۹۳
elli dört	۵۴	altmış dört	۶۴	yetmiş dört	۷۴	seksen dört	۸۴	doksan dört	۹۴
elli beş	۵۵	altmış beş	۶۵	yetmiş beş	۷۵	seksen beş	۸۵	doksan beş	۹۵

elli altı	۵۶	altmış altı	۶۶	yetmiş altı	۷۶	seksen altı	۸۶	doksan altı	۹۶
elli yedi	۵۷	altmış yedi	۶۷	yetmiş yedi	۷۷	seksen yedi	۸۷	doksan yedi	۹۷
elli sekiz	۵۸	altmış sekiz	۶۸	yetmiş sekiz	۷۸	seksen sekiz	۸۸	doksan sekiz	۹۸
elli dokuz	۵۹	altmış dokuz	۶۹	yetmiş dokuz	۷۹	seksen dokuz	۸۹	doksan dokuz	۹۹

اعداد اصلی ۱۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰

yüz	۱۰۰	iki bin	۲۰۰۰	oniki bin	۱۲۰۰۰	yirmi iki bin	۲۲۰۰۰
iki yüz	۲۰۰	uç bin	۳۰۰۰	onuç bin	۱۳۰۰۰	yirmi uç bin	۲۳۰۰۰
uç yüz	۳۰۰	dört bin	۴۰۰۰	ondört bin	۱۴۰۰۰	yirmi dört bin	۲۴۰۰۰
dört yüz	۴۰۰	beş bin	۵۰۰۰	onbeş bin	۱۵۰۰۰	yirmi beş bin	۲۵۰۰۰
beş yüz	۵۰۰	altı bin	۶۰۰۰	onaltı bin	۱۶۰۰۰	yirmi altı bin	۲۶۰۰۰
altı yüz	۶۰۰	yedi bin	۷۰۰۰	onyedi bin	۱۷۰۰۰	yirmi yedi bin	۲۷۰۰۰
yedi yüz	۷۰۰	sekiz bin	۸۰۰۰	onsekiz bin	۱۸۰۰۰	yirmi sekiz bin	۲۸۰۰۰
sekiz yüz	۸۰۰	dokuz bin	۹۰۰۰	ondokuz bin	۱۹۰۰۰	otuz bin	۳۰۰۰۰
dokuz yüz	۹۰۰	on bin	۱۰۰۰۰	yirmi bin	۲۰۰۰۰	elli bin	۵۰۰۰۰
bin	۱۰۰۰	onbir bin	۱۱۰۰۰	yirmi bir bin	۲۱۰۰۰	bir milyon	۱۰۰۰۰۰۰

اعداد ترتیبی

birinci	اول	altıncı	ششم	yerminci	بیستم
ikinci	دوم	yedinci	هفتم	otuzüçüncü	سی و سوم
üçüncü	سوم	sekizinci	هشتم	kırkıncı	چهل
dördüncü	چهارم	dokuzuncu	نهم	sekseninci	هشتادم
beşinci	پنجم	onuncu	دهم	yüzüncü	صدم

ilk نیز معنای اول را می‌دهد اما در مقابل آخر از آن استفاده می‌شود و در شمردن اعداد ترتیبی مورد استفاده نیست. اگر اعداد قبل از اسم قرار گیرند اسم شکل مفرد خود را حفظ کرده و صورت جمع به خود نمی‌گیرد. اما اگر کمیت اسم مشخص نشده باشد و یا قبل از آن عدد ذکر نشود اسم‌ها را به تنهایی می‌توان بعد از صفت جمع بست:

Güzel resimler	عکس‌های زیبا
Beş güzel resim	پنج عکس زیبا
Beş resim	پنج عکس

جمع، تفریق، ضرب، تقسیم

Artı

جمع

eksi

تفریق

çarpı

ضرب

bölü

تقسیم

$$3 + 5 = 8$$

üç **artı** beş **eşittir** sekiz

$$6 - 2 = 4$$

altı **eksi** iki **eşittir** dört

$$4 * 7 = 28$$

dört **çarpı** yedi **eşittir** yermi sekiz

$$9 / 3 = 3$$

dokuz **bölü** üç **eşittir** üç

واحد های اندازه گیری و نشانه ها

Ön ekler: (پیشوندها)

Birim: (واحد)	Kısaltma: (مخفف)	Anlamı: (مفهوم)
kilo	k	1000
hekto	h	100
desi	d	1/10
santi	s	1/100
mili	m	1/1 000

Ölçü birimleri: (واحد اندازه گیری)

واحد	مخفف		مفهوم	برای اندازه گیری
bir milimetre	mm.	=	1/10 cm.	uzunluk (طول)
bir santimetre/santim	cm.	=	10 mm.	uzunluk
bir desimetre	dm.	=	10 cm.	uzunluk
bir metre	m.	=	10 dm. , 100cm.	uzunluk
bir kilometre	km.	=	1 000 m.	uzunluk
bir mil		=	10 km.	uzunluk
bir deniz mili		=	1 852 m.	طول (در دریا)
bir metrekare	m ²			yüzölçüm (مساحت)
bir ar		=	100 m ²	yüzölçüm
bir dekar	da	=	10 ar	yüzölçüm
bir hektar	ha	=	10 da	yüzölçüm

bir metreküp	m^3	=	1 000 lt.	hacim (حجم)
bir litre	lt.	=	1 dm^3	hacim
bir desilitre	dl.	=	1/10 lt.	hacim
bir santilitre	cl.	=	1/10 dl.	hacim
bir mililitre	ml.	=	1/10 cl.	hacim
bir yemek kaşığı		=	yaklaşık 15 ml.	hacim
bir çay kaşığı		=	yaklaşık 5 ml.	hacim
bir gram	gr.	=	1 000 mg.	ağırlık (وزن)
bir miligram	mg.	=	1/1 000 g.	ağırlık
bir hektogram	hg.	=	100 g.	ağırlık
bir kilogram/kilo	kg.	=	1000 g.	ağırlık
bir saniye	san. /s.			zaman (زمان)
bir dakika	dak.	=	60 san.	zaman
bir saat	saat	=	60 dak.	zaman
bir jul	J			enerji (انرژی)
bir kilojul	kJ	=	1 000 J	enerji
bir kilokalori	kcal	=	4,18 kJ	enerji
bir kilovat saat	kWh	=	saatte 1000 vat	enerji

واحد	مخفف		مفهوم	برای اندازه گیری
bir deniz mili		=	saatte 1 deniz mili	hız (denizde)
bir desibel	dB			ses şiddeti
bir hertz	Hz	=	saniyede 1 devir	frekans
bir megahertz	MHz	=	1 000 000 Hz	frekans
bir gigahertz		=	1 000 MHz	frekans
bir amper	A			akım gücü
bir ohm	Ω			elektrik direnci
bir volt	V			voltaj/gerilim
bir vat	W			enerji/güç
bir santigrat derece	C	=	$(F - 32) \times 5/9$	ısı/sıcaklık
bir Fahrenheit derece	F	=	$9/5 \times C + 32$	ısı/sıcaklık
bir bit	b			واحدی در رایانه
bir bayt	B	=	8 bit	واحدی در رایانه
bir kilobayt	kB	=	1 024 B	واحدی در رایانه
bir megabayt	MB	=	1 024 kB	واحدی در رایانه
bir gigabayt	GB	=	1 024 Mb	واحدی در رایانه

bir megabit	Mbit	=	1 048 576 bit	واحدی در رایانه
bir gigabit	gb	=	1 024 Mbit	واحدی در رایانه

İşaretler: ((نشانه‌ها))

نشانه	اسم	نشانه	اسم
/	taksim işareti	*	yıldız işareti
//	çift taksim işareti	,	virgöl
[]	köşeli parantez/köşeli ayraç	.	nokta
()	parantez/yay ayraç	-	kısa çizgi/tire
{ }	kıvrımlı parantez	-	eksi işareti
< >	açılı parantez	-	uzun çizgi/tire
	dikey çizgi	°	derece
\	eğik çizgi	§	çengel işareti/paragraf
		%	yüzde işareti
~	yaklaşık işareti	‰	binde işareti
@	at işareti/güzel a	+	artı
_	alt çizgi	^	inceltme işareti
«» , «< »>	tırnak işareti	'	kesme işareti
:	iki nokta	&	Ve işareti
;	noktalı virgöl	=	eşittir işareti
?	soru işareti	-	üst çizgi
!	ünlem işareti		

پرسیدن محل تولد

Doğum yeriniz neresi?
Nerede doğdunuz?
Nerelisiniz?
Neredensiniz?
Memleket neresi?

Memleket neresi?
Eskişehir.

کشور شما کجاست؟
اسکی شهر است.

Nerede doğdunuz?
Tahran'da.

در کجا به دنیا آمده‌اید؟
در تهران

Doğum yeriniz neresi?

Ankara.

محل تولد شما کجاست؟

آنکارا

Nerelisiniz?

İngilizim. Londralıyım.

اهل کجا هستید؟

انگلیسی هستم اهل لندن.

Neredensiniz?

Almanya'danım.

کجایی هستید؟

اهل آلمان هستم.

کشور، ملیت و زبان

زبان		ملیت	کشور
Almanca	آلمانی	Alman آلمانی	Almanya آلمان
İngilizce	انگلیسی	Amerikalı/Amerikan	Amerika
İngilizce	انگلیسی	Avustralyalı	Avustralya
Fransızca	فرانسوی	Belçikalı	Belçika
İngilizce	انگلیسی	İngiliz	Büyük britanya
Farsça	فارسی	İranlı	İran
Çince	چینی	Çinli	Çin
Fransızca	فرانسوی	Fransız	Fransa
Hintçe	هندی	Hintli	Hindistan
İngilizce	انگلیسی	İngiliz	İngiltere
İspanyolca	اسپانیایی	İspanyol	Ispanya
Arapça	عربی	Iraklı	Irak
İtalyanca	ایتالیایی	İtalyan	İtalya
Japonca	ژاپنی	Japon	Japonya
İngilizce/Fransız	انگلیسی / فرانسه	Kanadalı	Kanada
Portekizce	پرتغالی	Portekizli	Portekiz
Rusça	روسی	Rus	Rusya
Arapça	عربی	Suriyeli	Suriye
Türkçe	ترکی	Türk	Türkiye
İngilizce	انگلیسی	Yeni Zelandalı	Yeni Zelanda

Rumca	یونانی	Yunanlı	Yunanistan
-------	--------	---------	------------

اگر بخواهیم صفتی را که نشان دهنده ملیت باشد برای توصیف یک اسم بکار ببریم آخرین هجا یعنی -li را در صورت موجود بودن حذف می‌کنیم:

Hintli هندی (ملیت) Hint müziği موسیقی هند

پیوند -li/-lı/-lu/-lü

این پیوند را به اسم اضافه می‌کنند و از آن صفت یا اسمی جدید با معانی «دارای» و «با» که نشان دهنده وابستگی یا مالکیت است، درست می‌کنند؟

dikkat	توجه	dikkatlı	با توجه، دقیق
güneş	آفتاب	güneşli	آفتابی
şehir	شهر	şehirli	شهری
Amerika	آمریکا	Amerikalı	آمریکایی
vefa	وفا	vefalı	با وفا
su	آب	sulu	آبدار

جهات



kuzey	شمال	kuzey doğu	شمال شرقی
güney	جنوب	kuzey batı	شمال غربی
doğu	شرق	güney doğu	جنوب شرقی
batı	غرب	güney batı	جنوب غربی

Ankara İstanbul'un neresinde?
Ankara İstanbul'un doğusunda.

آنکارا در کجای استانبول قرار دارد؟
آنکارا در شرق استانبول است.

Cambridge Londra'nın neresinde?
Cambridge Londra'nın kuzeyinde

کمبریج در کجای لندن قرار دارد؟
کمبریج در شمال لندن قرار دارد.

Japonya Kore'nin neresinde?
Japonya Kore'nin doğusunda.

ژاپن در کجای کره قرار دارد؟
ژاپن در شرق کره قرار دارد.

Portekiz İspanya'nın neresinde?
Portekiz İspanya'nın batısında

پرتغال در کجای اسپانیا قرار دارد؟
پرتغال در غرب اسپانیا قرار دارد.

Hamburg Münih'in neresinde?
Hamburg Münih'in kuzeyinde

هامبورگ در کجای مونیخ قرار دارد؟
هامبورگ در شمال مونیخ قرار دارد.

Trabzon Antalya'nın neresinde?
Trabzon Antalya'nın kuzey – doğusunda

ترابزون در کجای آنتالیا قرار دارد؟
ترابزون در شمال شرقی آنتالیا قرار دارد.

İtalya İngiltere'nin neresinde?
İtalya İngiltere'nin güney - doğusunda

ایتالیا در کجای انگلیس قرار دارد؟
ایتالیا در جنوب شرقی ایتالیا قرار دارد.

جاه‌های دیدنی

اطلاعات جهانگردان / رزرو تور (turizm danisma/tur rezervasyonu)

Bir gezi yapmak istiyorum.	من می‌خواهم از جاه‌های دیدنی بازدید کنم.
Bir gezi yapmak planlıyorum.	من قصد دارم از جاه‌های دیدنی بازدید کنم.
Şehrin tarihi bölgelerini görmek istiyorum.	من می‌خواهم قسمت قدیمی شهر را ببینم.
En iyi yol hangisi?	بهترین مسیر کجاست؟
Önemli yerler nereleri?	جاه‌های اصلی دیدنی کجا هستند؟
Hangi geziler var?	چه تورهای گردشگری هست؟
Şehir turu var mı?	آیا اینجا تور شهر هست؟
Tüm gün turu var mı?	آیا اینجا تور تمام روز هست؟
Bisikletli tur alabilir miyiz?	آیا امکان دارد به یک تور با دوچرخه برویم؟
Yürüyerek tur alabilir miyiz?	آیا امکان دارد به یک تور پیاده برویم؟
Rehberli tur alabilir miyiz?	آیا امکان دارد به یک تور با راهنما برویم؟
Gezi turu tavsiye edebilir misiniz?	آیا می‌توانید یک تور گشت و گذار توصیه کنید؟
Gezinti tavsiye edebilir misiniz?	آیا می‌توانید سفر تفریحی توصیه کنید؟
Boat turu tavsiye edebilir misiniz?	آیا می‌توانید یک سفر با قایق توصیه کنید؟
Rehber tavsiye edebilir misiniz?	آیا می‌توانید یک راهنما توصیه کنید؟
Benim için bir seyahat ayarlar mısınız?	آیا امکان دارد لطفاً سفر را برای من ترتیب دهید؟
Benim için bir gezi ayarlar mısınız?	آیا امکان دارد لطفاً سواری را برای من ترتیب دهید؟
Benim için bir gezinti ayarlar mısınız?	آیا امکان دارد لطفاً سفر تفریحی را برای من ترتیب دهید؟
Benim için bir turistik turu ayarlar mısınız?	آیا امکان دارد لطفاً تور را برای من ترتیب دهید؟
Otobüsle gitmeyi tercih ederim.	من ترجیح می‌دهم با اتوبوس بروم.
Trenle gitmeyi tercih ederim.	من ترجیح می‌دهم با قطار بروم.
Uçakla gitmeyi tercih ederim.	من ترجیح می‌دهم با هواپیما بروم.
Gemiyle gitmeyi tercih ederim.	من ترجیح می‌دهم با کشتی بروم.
Turla otelde buluşabilir miyim?	آیا می‌توانم در هتل به تور ملحق شوم؟
Otelde inebilir miyim?	آیا می‌توانم در محل هتل پیاده شوم؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

- Tur ücreti ne kadar? این تور چقدر هزینه دارد؟
- Yemek dahil mi? آیا شامل هزینه غذا هم می‌شود؟
- Saat kaçta başlıyor? چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Saat kaçta dönüyoruz? چه ساعتی بر می‌گردیم؟
- Ne zaman ve nerede buluşabiliriz? کی و کجا می‌توانیم یکدیگر را ملاقات کنیم؟
- Nereleri göreceğiz? چه محل‌هایی را خواهیم دید؟
- Bir şehir haritası rica ediyorum, لطفاً یک نقشه شهر به من بدهید.
lütfen.
- Nereden bir şehir haritası satın alabilirim? از کجا می‌توانم یک نقشه شهر بخرم؟
- Turu ve gezi bölgelerini anlatan bir broşürünüz var mı? آیا بروشوری دارید که تور و سفرهای تفریحی را شرح دهد؟
- Başka ilgi çekici neler var? چه چیزهای دیگری برای دیدن هست؟
- Yürümek için çok mu uzak? آیا برای پیاده رفتن خیلی دور است؟
- Fotoğraf çekme imkanımız var mı? آیا فرصتی برای گرفتن عکس خواهد بود؟
- Burada bulunan müzeleri söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه موزه‌هایی اینجا هست؟
- Burada bulunan sergileri söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه نمایشگاه‌هایی اینجا هست؟
- Burada bulunan tiyatroları söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه تئاترهای اینجا هست؟
- Burada bulunan gezi bölgelerini söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه جاهای دیدنی اینجا هست؟
- Bu şehirde tiyatro var mı? آیا در این شهر تئاتر هست؟
- Bu şehirde park var mı? آیا در این شهر پارک هست؟
- Bu şehirde manastır var mı? آیا در این شهر دیر هست؟
- Bu şehirde sergi salonu var mı? آیا در این شهر نگارخانه هنری هست؟
- Tiyatroya nasıl gideceğiz? چطور به تئاتر برویم؟
- Müzeye nasıl gideceğiz? چطور به موزه برویم؟
- Sanat galerisine nasıl gideceğiz? چطور به نگارخانه هنری برویم؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Konsere nasıl gideceğiz?

چطور به کنسرت برویم؟

Nereden bilet alabilirim?

از کجا می‌توانم بلیط بخرم؟

İngilizce konuşan bir rehber istiyorum.

من یک راهنمای انگلیسی زبان می‌خواهم.

Tuvaleti kullanabilir miyim?

آیا امکان دارد از سرویس بهداشتی استفاده کنم؟

کلمات مفید

manastır	دیر، صومعه	savaş alanı	میدان جنگ
kilise	کلیسا	savaş bölgesi	میدان نبرد
katedral	کلیسای جامع	mozaik	موزاییک
mezarlık	قبرستان	piramit	اهرام
kale	قلعه	çarşı	بازار
saray	کاخ	ortaçağ	مربوط به قرون وسطی
kule	برج	eski	باستانی
belediye binası	سالن شهر	geçmiş	پیشین
meclis binası	ساختمان مجلس	tarih öncesi	مربوط به دوران ما قبل تاریخ
şehir merkezi	منطقه مرکز شهر	Art Nouveau	هنر نو
eski şehir	شهر قدیمی	İmparatorluk	امپراطوری
manzara noktası	دیدگاه	Barok	باروک
anıt	یادگار	Rokoko	روکو
sanat galerisi	نگارخانه هنری	Klasik	کلاسیک
opera binası	سالن اپرا	Gotik	گوتیک
tiyatro	تئاتر	Modern	مدرن
çeşme	فواره، چشمه	Romantik	رومانتیک
heykel	مجسمه	Rönesans	رنسانس
mezar	مقبره	M.S. (Milattan Sonra)	بعد از میلاد مسیح
botanik	باغ گیاه شناسی	M.Ö. (Milattan Önce)	قبل از میلاد مسیح
park	پارک	bina	ساختمان
harabeler	ویرانه	metro istasyonu	ایستگاه مترو
tren istasyonu	ایستگاه راه آهن	köprü	پل
postane	اداره پست	doğum yeri	محل تولد
üniversite	دانشگاه	fabrika	کارخانه

kolej

دانشکده

nehir kenarı

کنار رودخانه

نشانی پرسیدن / دادن (yol tarifi)

Adresiniz ne?
Nerede oturuyorsunuz?
Eviniz nerede?

Nerede oturuyorsunuz?

کجا می‌نشینید (زندگی می‌کنید)؟

İzmir'de. Atatürk Bulvarı'nda. Okulun yanında

در ازمیر. در خیابان آتاتورک. کنار مدرسه

Adresiniz ne?

آدرستان چیست؟

23 Serçe Sokak, Şişli, İstanbul. Telefon numaram 137 48 95

خیابان ۲۳ serçe, şişli, استانبول. شماره تلفن من ۱۳۷۴۸۹۵ است.

Eviniz nerede?

خانه شما کجاست؟

Bahçelievler'de. 6. Cadde, Tunalı Sitesi, B Blok, Kat 7, Daire 2.

در Bahçelievler به آدرس خیابان ششم، ساختمان‌های «تونالی»، بلوک B طبقه ۷. آپارتمان ۲.

Pardon. Buraya nasıl gidebilirim?

ببخشید. چطور می‌توانم به این محل بروم؟

Kilise nerede?

کلیسا کجاست؟

Sanat galerisi nerede?

نگارخانه هنری کجاست؟

Belediye binası nerede?

سالن شهر کجاست؟

Çarşı nerede?

بازار کجاست؟

Müze nerede?

موزه کجاست؟

Saray nerede?

کاخ کجاست؟

Pardon. Buraya nasıl gidebilirim?

تثاثر کجاست؟

Bu otele nasıl gidebilirim?

امکان دارد به من بگویید چه طور به این هتل بروم؟

En yakın metro istasyonu nerede?

نزدیک‌ترین ایستگاه مترو کجاست؟

En yakın taksi durağı nerede?

نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی کجاست؟

En yakın tuvalet nerede?

نزدیک‌ترین سرویس بهداشتی عمومی کجاست؟

Yakında bir metro istasyonu var mı?

آیا ایستگاه مترو در این نزدیکی هست؟

- Yakında bir taksi durağı var mı? آیا ایستگاه تاکسی در این نزدیکی هست؟
- Yakında tuvalet var mı? آیا سرویس بهداشتی عمومی در این نزدیکی هست؟
- Otel buradan uzak mı? آیا هتل از اینجا خیلی دور است؟
- Oraya gitmek ne kadar sürer? چقدر طول می کشد؟
- O bu tarafta mı? آیا در این سمت است؟
- Postaneye nasıl gideceğimi tarif eder misiniz? امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به اداره پست بروم؟
- Polis merkezine nasıl gideceğimi tarif eder misiniz? امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به اداره پلیس بروم؟
- Kumsala nasıl gideceğimi tarif eder misiniz? امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به ساحل بروم؟
- Şehir merkezine nasıl gideceğimi tarif eder misiniz? امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به مرکز شهر بروم؟
- Şehir merkezi ne tarafta? مرکز شهر از کدام طرف است؟
- Haritada nerede olduğumu gösterir misiniz? لطفاً روی این نقشه نشان دهید کجا هستم.
- Şu anda neredeyiz? الان کجا هستیم؟
- Lütfen buraya planı çizin. لطفاً یک نقشه اینجا بکشید.
- Bu sokağın adı ne? اسم این خیابان چیست؟
- Bu bölgenin adı ne? اسم این ناحیه چیست؟
- Bu kasabanın adı ne? اسم این شهر چیست؟
- Bu köyün adı ne? اسم این روستا چیست؟
- Bu yerin adı ne? اسم این محل چیست؟
- Yolumuzun üzerinde hangi sınır işareti var? چه نشانه هایی در مسیر هست؟
- Düz mü gideyim? آیا باید مستقیم بروم؟
- Yürüyüş yanında mı? آیا برای پیاده رفتن نزدیک است؟
- Buradan çok uzak mı? آیا از اینجا خیلی دور است؟
- Burada bir dakika bekleyin lütfen. لطفاً یک لحظه صبر کنید.

کلمات مفید

apartman	آپارتمان	kat	طبقه
blok	بلوک	semt	ناحیه

bulvar	بلوار	site	ردیف ساختمان‌ها
cadde	جاده	sokak	کوچه، جاده
daire	واحد		

در موزه (muzede)

Bu müze halka açık mı?	آیا موزه برای بازدید عموم باز است؟
Çevreye bakabilir miyiz?	آیا می‌توانیم به اطراف نگاهی بیاندازیم؟
Müze saat kaçta açılıyor?	موزه چه ساعتی باز می‌شود؟
Son giriş saat kaçta?	ورود حد اکثر تا چه ساعتی است؟
Son giriş saat yedi'de	ورود حد اکثر تا ساعت ۵ بعد از ظهر
Pazar günleri açık mısınız?	آیا یکشنبه‌ها باز هستید؟
Bir sonraki rehberli tur saat kaçta?	تور با راهنمای بعدی چه موقعی است؟
İngilizce rehber kitabınız var mı?	آیا کتابچه راهنمایی به زبان انگلیسی دارید؟
Fotoğraf çekebilir miyim?	آیا می‌توانم عکس بگیرم؟
Engelliler için giriş var mı?	آیا برای افراد معلول امکان دسترسی وجود دارد؟
İngilizce rehber kaset var mı?	آیا راهنمای صوتی به زبان انگلیسی دارید؟
Giriş ücreti ne kadar?	ورودی چه قدر است؟
Çocuklar için indirim var mı?	آیا برای کودکان تخفیفی قایل می‌شوید؟
Engelliler için indirim var mı?	آیا برای افراد معلول تخفیفی قایل می‌شوید؟
Grup için indirim var mı?	آیا برای گروه‌ها تخفیفی قایل می‌شوید؟
Yaşlılar için indirim var mı?	آیا برای افراد بازنشسته تخفیفی قایل می‌شوید؟
Öğrenciler için indirim var mı?	آیا برای دانش آموزان و دانشجویان تخفیفی قایل می‌شوید؟
Bir tam iki çocuk lütfen.	یک بزرگسال و دو کودک، لطفاً.
Biletimi kaybettim.	من بلیطم را گم کرده‌ام.

کلمات مفید

Ziyaret Saatleri	ساعات بازدید	Sonraki tur saat	تور بعدی ساعت
Açık	باز	Flaş kullanmayın	عکاسی با فلاش ممنوع است
Kapalı	تعطیل	İşi Olmayan Giremez	فقط پرسنل
Ücretsiz giriş	ورود رایگان	interaktif sergisi	اثر نمایشی تعاملی

Dokunmayın	دست نزنید	multimedya sergisi	اثر نمایشی چند رسانه‌ای
sergi	اثر نمایشی	tarafından resmedildi	نقاشی شده به دست
tüfekhane	اسلحه خانه	tarihinde tamamlandı	کامل شده در
doğum	متولد شده در	tarafından tasarlandı	طراحی شده به دست
ölüm	وفات کرده در	tarafından yıkıldı	ویران شده به دست
inşa etmiş tarihi	ساخته شده در	nakış	نقاشی با آبرنگ روی گچ
kuruluş tarihi	تأسیس شده در	gravür	حکاکی
güzel sanatlar	هنرهای زیبا	sanat eseri	شاهکار
el sanatları	صنایع	goblen	پرده نقش دار
kanaviçe	بوم نقاشی	oyma	کنده کاری
yağlı boya	رنگ روغن	heykel	مجسمه
ressam	نقاش	tavan	سقف
deniz manzarası	منظره دریایی	empresyonistik	امپرسیونیستی
sulu boya	آبرنگ	soyut	انتزاعی
natürmort	تصاویر اشیاء بی جان	yüzyıl	قرن
eskiz	طرح اولیه	sergi	نمایش
friz	حاشیه زینتی	imparator	امپراتور
altın kaplamak	طلاکاری شده	imparatoriçe	امپراتریس
süsleme	قالب ریزی	kral	شاه
tuğla	آجر	kraliçe	ملکه
kanat (bina)	بخش (ساختمان)	pismiş lüleci çamura	سفال

عکسبرداری (fotoğraf çekimi)

Burada fotoğraf çekebilir miyim?	آیا می‌توانم اینجا عکس بگیرم؟
Orada fotoğraf çekebilir miyim?	آیا می‌توانم آنجا عکس بگیرم؟
Flaş kullanabilir miyim?	آیا می‌توانم از فلاش استفاده کنم؟
Fotoğrafımı çekebilir misiniz?	اشکالی ندارد از من یک عکس بگیرید؟
Fotoğrafımızı çekebilir misiniz?	اشکالی ندارد از ما یک عکس بگیرید؟
Size bir kopya yollayacağım. Buraya adresinizi yazın lütfen.	

من یک نسخه برای شما می‌فرستم. لطفاً نشانی خودتان را اینجا بنویسید.

Lütfen benimle çekiniz. لطفاً با من یک عکس بگیرید.

سرگرمی / سینما / تئاتر (eğlence/sinema/tiyatro)

- Rahatlayabileceğim bir yere gitmek istiyorum. من می‌خواهم برای تفریح به جایی بروم.
- Etkinlik programınız var mı? آیا برنامه رویدادها را دارید؟
- Bale tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک باله به من توصیه کنید؟
- Konser tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک کنسرت به من توصیه کنید؟
- Sinema tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک سینما به من توصیه کنید؟
- Opera tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک اپرا به من توصیه کنید؟
- Gidecek güzel bir yer bulalım mı? بیا جای خوبی را پیدا کنیم و برویم؟
- Benimle tiyatroya gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به تئاتر بیایید؟
- Benimle operaya gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به اپرا بیایید؟
- Benimle sinemaya gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به سینما بیایید؟
- Benimle konsere gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به سالن کنسرت بیایید؟
- Hangi sinema salonuna gidiyoruz? به کدام سینما خواهیم رفت؟
- Şu anda gösterimde ne var? چه فیلمی را نمایش می‌دهد؟
- Oyuncular kim? هنرپیشگانش چه کسانی هستند؟
- Bu ilk gösterim mi? برای بار اول اکران می‌شود؟
- Bu gece için boş yeriniz var mı? آیا جایی برای امشب خالی مانده است؟
- Gece kıyafeti gerekli mi? آیا پوشیدن لباس شب لازم است؟
- Film saat kaçta başlıyor? فیلم چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Performans saat kaçta başlıyor? اجرا چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Gösteri saat kaçta başlıyor? نمایش چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Konser saat kaçta başlıyor? کنسرت چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Ne kadar sürecek? چه مدت طول می‌کشد؟
- Biletleri ben alırım. من بلیط می‌گیرم.
- Koltuk ücreti ne kadar? جاها چقدر می‌شود؟
- Bilet ücreti ne kadar? بلیطها چقدر می‌شود؟
- Seni saat beş'te alırım. من ساعت پنج به دنبال شما می‌آیم.
- Beni yerime götürür müsünüz? امکان دارد لطفاً جای مرا نشانم دهید؟
- Bir program alabilir miyim? امکان دارد برنامه را به من بدهید؟
- Vestiye nerededir? جامه داری کجاست؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Sizin en çok sevilen film yıldızlarınız kimler? هنرپیشگان محبوب شما چه کسانی هستند؟
 Bu akşam televizyonda iyi filmler var mı? آیا تلویزیون امشب فیلم خوبی دارد؟
 Bu akşam televizyonda iyi programlar var mı? آیا تلویزیون امشب برنامه خوبی دارد؟
 Annem dizilik filimlerden hoşlanıyor. مادرم عاشق سریال‌های آبکی است.
 En çok hangi program bilgilendirici? آموزنده‌ترین برنامه کدام است؟

کلمات مفید

Rezerve koltuklar	جاهای رزرو شده	klasik müziği	موسیقی کلاسیک
Bugün için biletler	بلیط برای امروز	komedi	کمدی
Bitti	بلیط تمام شد	kara mizah	کمدی سیاه
oyun yazarı	نمایشنامه نویس	drama	درام
besteci	آهنگساز	aşk hikayesi	داستان عاشقانه
solist	تکنواز	müzikal	موزیکال
orquestra şefi	رهبر ارکستر	aksiyon filmi	فیلم اکشن
orquestra	ارکستر	korku filmi	فیلم ترسناک
halk müziği	موسیقی محلی	polisiye	فیلم جنایی
caz	جاز	animasyon filmi	فیلم انیمیشن

سرگرمی/تفریحات شبانه (eğlence/gece hayatı)

Şehirde bar var mı? آیا در شهر بار هست؟
 Şehirde gazino var mı? آیا در شهر کازینو هست؟
 Şehirde disko var mı? آیا در شهر دیسکو هست؟
 Şehirde bowling salonu var mı? آیا در شهر باشگاه بولینگ هست؟
 Şehirde gece klubu var mı? آیا در شهر کاباره هست؟
 Şehirde striptiz barı var mı? آیا در شهر بار استریپتیز هست؟
 Bar buradan çok uzak mı? آیا تا بار خیلی راه است؟
 Hangi müzik çalıyorlar? چه نوع موسیقی می‌نوازند؟
 Giriş ücreti var mı? آیا ورودیه دارد؟
 Üye olmamız gerekiyor mu? آیا باید عضو باشیم؟
 Rezervasyon yaptırmamız gerekiyor mu? آیا باید رزرو کنیم؟
 Bilardo var mı? آیا بیلیارد هست؟

Rulet var mı? آیا بازی قمار رولت هست؟
 oyun makineleri var mı? آیا ماشین قمار سکه‌ای هست؟
 Dans etmek ister misiniz? آیا تمایل دارید برای رقص بروید؟
 Bu dansı bana lütfeder misiniz? لطفاً افتخار این رقص را به من می‌دهید؟
 Gezmek için en iyi nereye gidilir? بهترین مکان برای وقت گذرانی کجاست؟
 Çok güzel bir geceydi. شب فوق العاده ای است.

ممکن است بشنوید

Nasıl bir tur tercih edersiniz? چه نوع توری را ترجیح می‌دهید؟
 Rehber ihtiyacınız var mı? آیا به راهنما احتیاج دارید؟
 Tercümana ihtiyacınız var mı? آیا به مترجم احتیاج دارید؟
 Görmek istediğiniz özel bir şey var mı? آیا چیز خاصی وجود دارد که مایل باشید آن را ببینید؟
 Gezi listesi burada. بفرمایید این فهرست سفرهای تفریحی است.
 Yürüyerek beş dakika tutar. پیاده در حدود پنج دقیقه راه است.
 Yürüyerek gidebilirsiniz. پیاده نزدیک است.
 Sokağın karşısında. درست آن طرف خیابان است.
 Çok uzak değil. خیلی دور نیست.
 Mutlaka görürsün. امکان ندارد آن را پیدا نکنید.
 Buradan oldukça uzak. از اینجا خیلی دور است.
 Fotoğraf ve film çekmek yasak. عکاسی و فیلمبرداری ممنوع است.
 Fotoğraf çekmek yasak. عکاسی ممنوع است.
 Hangi koltuğu tercih edersiniz? چه صندلی را ترجیح می‌دهید؟
 Bu gece için bilet yok. برای امشب بلیط نداریم.
 Bu filmin ilk gösterimi. این فیلم برای بار اول اکران می‌شود.
 Bu performansın ilk gösterimi. این اجرا برای بار اول اکران می‌شود.

زمان حال استمراری (şimdiki zaman)

Iyor- پیوند زمان حال استمراری است که تداوم عمل را در حال حاضر و یا انجام عملی را در آینده نزدیک نشان می‌دهد:

Televizyon seyrediyor. او در حال تماشای تلویزیون است.

Akşam İstanbul'a gidiyorum.

می‌خواهم امشب به استانبول بروم.

در صرف این فعل ابتدا از مصدر فعل امر ساخته و به دنبالش صدای $i, u, ü$ گذاشته و بعد علامت استمراری یعنی yor را گذاشته و متعاقب آن از ضمایر به فعل استفاده می‌کنیم.

علامت ضمیر شخصی + yor + $(i, u, ü)$ + مصدر بدون mak, mek + ضمیر فاعلی = زمان حال استمراری

مثال:

gelmek $gel + i + yor + um = geliyorum$ می‌آیم

gelmemek $gelme (i) + yor + um = gelmiyorum$ نمی‌آیم

در سؤالی منفی یا مثبت کافی است علامت استفهامی یعنی mi را بعد از کلمه yor بگذاریم تا فعل صرف شود. مثل:

$geliyor + mu + (y) um = geliyormuyum$ آیا دارم می‌آیم؟

$gelmiyor + mu + (y) um = gelmiyormuyum$ آیا نمی‌آیم؟

حرف y بین دو حرف صدادار u قرار گرفته است.

علاوه بر $oturmak$ (نشستن) و $çalışmak$ کار کردن، افعال ادراکی (مانند «دانستن»، «فکر کردن»، «فهمیدن») و افعال احساسی (از قبیل «دیدن»، «شنیدن» و غیره) در زبان ترکی به شکل زمان استمراری بیان می‌شوند:

Adana'da oturuyor. او در آدانا می‌نشیند (زندگی می‌کند).

Bankada çalışıyorum. در بانک کار می‌کنم.

İngilizce biliyoruz. انگلیسی بلدیم.

Otobüsü görüyorsun, değil mi? اتوبوس را می‌بینی، این طور نیست؟

جدول صرف زمان حال استمراری از مصدر görmek دیدن				
مفرد	مثبت (دارم) می‌بینم	منفی نمی‌بینم	مثبت سؤالی آیا (دارم) می‌بینم؟	منفی سؤالی آیا نمی‌بینم؟
1	görüyorum	görmüyorum	görüyor muyum	görmüyor muyum
2	görüyorsun	görmüyorsun	görüyor musun	görmüyor musun
3	görüyor	görmüyor	görüyor mü	görmüyor mu
جمع				
1	görüyoruz	görmüyoruz	görüyor muyuz	görmüyor muyuz
2	görüyorsunuz	görmüyorsunuz	görüyor musunuz	görmüyor musunuz
3	görüyorlar	görmüyorlar	görüyorlar mı	görmüyorlar mı

واژه‌های جدید

yan	کنار	art	عقب، قسمت پشتی
alt	زیر	üst	بالا
ara	بین	orta	وسط، میان
yukarı	بالا	aşağı	پایین
ön	جلو، پیش	arka	پشت
üzeri	روی	yakın	نزدیک
dış/dışı	بیرون، خارج	iç/içeri	داخل، درون
karşı	مقابل، روبرو	taraf	طرف
çevre	اطراف، پیرامون	peş	پشت، دنبال، عقب سر

dış / dışı (بیرون، خارج)

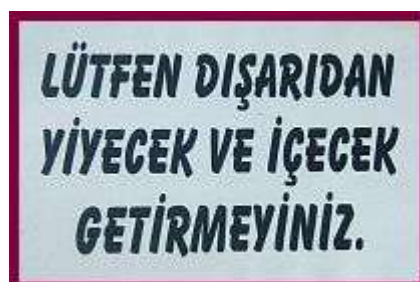
استفاده به عنوان صفت (dış)

dış kapı	درب خارجی
dış avlu	محوطه بیرونی

استفاده به عنوان اسم (dışı)

kapının dışı	بیرون درب
bankanın dışına	به بیرون بانک
evin dışında	در بیرون خانه
bahçenin dışından	از بیرون حیاط

استفاده به عنوان قید مکان (dışarı – بیرون)



لطفاً از بیرون خوردنی و آشامیدنی نیاورید.

(به) بیرون می‌روم. dışarı gidiyorum. (dışarıya gidiyorum)
 از بیرون می‌آیم. dışarıdan geliyorum.
 در بیرون هستم. dışarıdayım.

در مکالمات روزمره برای تسریع در رساندن مفهوم به جای dışarıdayım از dışarıdayım استفاده می‌شود
 مانند buradayım (در اینجا هستم) که به صورت burdayım بکار می‌رود.

استفاده به عنوان دستور (dışarı – بیرون)

دışarı! برو بیرون!

چند مثال دیگر:
 به بیرون خانه رفت.
 پشت در یک مرد منتظر بود.
 (در) بیرون از خانه ماشین‌ها می‌گذرند.
 برو بیرون
 Evin dışına çıktı.
 Kapının dışında bir adam bekliyordu
 Evin dışından arabalar geçiyor.
 çık dışarı

iç (داخل، درون)

به داخل ... - (n) in içine
 در داخل... - (n) in içinde
 از داخل... - (n) in içinden

استفاده به عنوان صفت

بیماری‌های داخلی iç hastalıkları
 جنگ داخلی iç savaş

استفاده به عنوان اسم

داخل اتاق odanın içi
 درون جنگل ormanın içinde
 از داخل ایستگاه راه آهن garın içinden

مثال‌های دیگر:

Tirenin içinde yer buldu, oturdu. داخل قطار یک جا پیدا کرد و نشست.

Bu kutuda ne var? Bilmem, içine bakmadım.

درون جعبه چه هست. نمی‌دانم درونش را نگاه نکردم.

Odanın içinden bir gürültü geliyordu. از درون اتاق صدایی می‌آمد.

Bu odanın içindekiler hepsi kiralıktır. کل وسایل داخل این اتاق کرایه‌ای است.

Eşyalarımı kutu içine koydum. وسایلم را داخل جعبه گذاشتم.

Eşyalarımı kutunun içine koydum. وسایلم را داخل جعبه گذاشتم.

Bir hafta içinde kitabını bitirecek. ظرف یک هفته کتابش را تمام خواهد کرد.

Bu şehrin içinde çok insan var. داخل این شهر انسان‌های زیادی وجود دارند.

استفاده به عنوان قید مکان (içeri – داخل)

Lütfen kapıdan içeri giriniz. لطفاً از درب داخل شوید.

İçerden geliyorum. از داخل می‌آیم.

استفاده به عنوان دستور (içeri – داخل)

İçeri! بیا تو!

Yan (کنار، طرف، سمت، نزد، فرعی، غیره مستقیم)

- (n) in yanına به کنار ...

- (n) in yanında در کنار ...

- (n) in yanından از کنار ...

استفاده به عنوان صفت

yan kapı درب جانبی

yan sokak کوچه فرعی، خیابان فرعی

استفاده به عنوان اسم

kapının yanında در کنار دروازه

bankanın yanından از طرف بانک

sol duvarın yanına به دیوار سمت چپ

duvarın sol yanına به سمت چپ دیوار

چند مثال دیگر:

Mehmet, Ali'nin yanına oturdu.

محمد کنار علی نشست.

Mehmet, Ali'nin yanında oturdu.

محمد در کنار علی نشست.

Kitabi, yatağın yanındaki masanın üstüne attı.

کتاب را بروی تخت کنار میز انداخت.

نکته: کلمه yan yana به معنی «در کنار هم» است.

taraf (طرف، جهت، سمت، ناحیه، منطقه)

- (n) in yanına

به طرف ...

- (n) in yanında

در طرف ...

- (n) in yanından

از طرف ...

استفاده به عنوان اسم

kapının tarafında

در طرف دروازه (درب)

bankanın tarafından

از طرف بانک

peronun tarafına

به طرف سکو

چند مثال دیگر:

Arabanın alt tarafından bir seyler damlıyor.

از زیر ماشین یک چیزهایی چکه می کند.

Sen kimin tarafındasın? Benim mi onun mu?

تو طرف کی هستی؟ من یا او؟

Dolabın üst tarafına baktın mı?

بالای کمد را نگاه کردی؟

üst (بالا، رویه، عالی، فوق، ماورا، سر)

- (n) in üstüne

به روی ...

- (n) in üstünde

در روی ...

- (n) in üstünden

از روی ...

استفاده به عنوان صفت

üst tepe

تپه بالایی

en üst pencere

بالاترین پنجره

استفاده به عنوان اسم

bardağın üstünde

در بالای لیوان

ağaçların üstüne

به بالای درخت

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

arabamın üstünden از روی ماشینم

چند مثال دیگر:

Kitabi, masanın üstüne koydu. کتاب را بروی میز گذاشت.

Kapının üstünde büyük bir pencere vardı. روی در یک پنجره بزرگ بود.

üzeri (روی، بالا، سر، علاوه بر)

- (n) in üzerine به روی ...

- (n) in üzerinde در روی...

- (n) in üzerinden از روی...

üzeri به عنوان صفت و اسم بکار نمی‌رود و تنها در ساختار جمله و یادداشت‌ها استفاده می‌شود به مثال‌های زیر توجه کنید:

elma üzerine portakal getir علاوه بر سیب پرتقال هم بیاور.

binanın üzerinden از روی ساختمان

masanın üzerindeki fincan فنجان روی میز

Bu sözün üzerine çok kızdım سر این حرف خیلی عصبانی شدم.

Bunun üzerine çok kızdım سر این خیلی ناراحت شدم.

alt (پایین، زیر، پست)

- (n) in altına به زیر ...

- (n) in altında در زیر...

- (n) in altından از زیر...

استفاده به عنوان صفت

alt kapı درب پایینی، درب زیری

alt dolap کمد پایینی

استفاده به عنوان اسم

Alt dolabın altına fincanları koyunuz dışarda فنجان‌های زیر کمد پایینی را بیرون بگذارید.

Masanın altından topu çekin توپ را از زیر میز بیرون بکشید.

Sağ ayağımın altı kaşınıyor زیر پای راستم می‌خارد.

چند مثال دیگر:

Köpek dolabın altına girdi, orada yatıyor. سگ به زیر کمد رفته و در آنجا می‌خوابد.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Köpek dolabın altında yatıyor.
Köpeğimiz hep ayak altında.

سگ در زیر کمد می خوابد
سگ ما همیشه سر پا است.

otra (وسط، مرکز، میان، میانه، نیمه)

- (n) in altına	به میان ...
- (n) in altında	در میان ...
- (n) in altından	از میان ...

استفاده به عنوان صفت

Orta kapı	درب وسطی (میانی)
Orta oda	اتاق مرکزی (وسطی)

استفاده به عنوان اسم

Parkın ortasına	به وسط پارک.
Bahçenin ortasında	در میان باغ.
Orta odanın ortasından	در وسط اتاق متوسط.

چند مثال دیگر:

Yemeğin ortasında geldi	وسط غذا آمد.
Her zaman yemek ortasında gelir	همیشه میان غذا می آید.
Sokağın ortasında yürüyor	وسط کوچه راه می رود.
Tam sokağın ortasında yürüyor	دقیقاً در وسط خیابان راه می رود.
Tam sokağın ortasından yürüyor	دقیقاً از وسط خیابان راه می رود.
Ahmed'in kitabının ortasına kadar okudum	تا میانه های کتاب را خواندم.
Buraya hafta ortasında vardı	وسط های هفته اینجا بود.
Buraya haftanın ortasında vardı	وسط های هفته اینجا بود.

art (عقب، قسمت پشتی، پشت، پشت سر)

- (n) in ardına	به پشت ...
- (n) in ardında	در پشت ...
- (n) in ardından	از پشت ...

art به عنوان صفت استفاده نمی شود و تنها به عنوان اسم بکار گرفته می شود:

kapının ardında در پشت درب.
 bankanın ardından از پشت بانک.
 mutfağın ardına به پشت آشپزخانه.

نکته: کلمه art arda به معنی «پشت سر هم، پیایی» و ardınca به معنی «از عقب، از پشت سر» است. همچنین
 واژه ardın ardın به معنی «عقب عقب، نوبت و صف به طور پشت سر هم» ، است.

arka (پشت، عقب)

- (n) in arkasına به پشتِ ...
 - (n) in arkasında در پشتِ ...
 - (n) in arkasından از پشتِ ...

استفاده به عنوان صفت

arka kapı درب پشتی
 arka bahçe باغ پشتی

استفاده به عنوان اسم

kapının arkası پشت در
 garajın arkasından از پشت گاراژ.
 kuyruğun arkasına به پشت صف.

چند مثال دیگر:

Evimin arkasında büyük bir bahçe var در پشت خانه من یک باغ بزرگ است.
 Masanın arkasına baktınız mı? آیا پشت میز را نگاه کردید؟

ön (جلو، پیش، آینده)

- (n) in önüne به جلویِ ...
 - (n) in önünde در جلویِ ...
 - (n) in önünde از جلویِ ...

استفاده به عنوان صفت

ön kapı درب جلویی
 ön pencereler پنجره‌های جلویی

استفاده به عنوان اسم

kapının önünde
manavın önüne
rafların önünden

در جلوی درب
به جلوی میوه فروشی
از جلوی قفسه‌ها
چند مثال دیگر:

Otobüs, tam evımızın önünde durur.
Bahçemizin önündeki duvarda oturduk.

اتوبوس دقیقاً جلوی خانه ما می‌ایستد.
روی دیوار جلوی باغمان نشستیم؟

yakın (نزدیک، در مجاورت)

- (n) in yakınına
- (n) in yakınında
- (n) in yakınından

به نزدیک ...
در نزدیک ...
از نزدیک ...

استفاده به عنوان صفت

yakın kapı
yakın bir ofis

درب نزدیک
اداره نزدیک

استفاده به عنوان اسم

kapının yakınında
kapının yakınlığında
bankanın yakınından
otogarın yakınına

در نزدیک درب.
در نزدیکی‌های درب.
از نزدیک بانک.
به نزدیک ایستگاه اتوبوس

استفاده به عنوان قید مکان

bankaya yakın

در نزدیکی بانک

ara (بین، رابطه، واسطه، فاصله، وسط)

- (n) in arasına
- (n) in arasında
- (n) in arasından

به بین ...
در بین ...
از بین ...

استفاده به عنوان صفت

ara kapı

درب میانی

استفاده به عنوان اسم

hafta arası

بین هفته، اواسط هفته.

kapıların arasında

در بین درب‌ها.

masaların arasına iskemleyi koyun.

صندلی را بین میزها بگذارید.

bunların arasından bir tane alın.

از بین این‌ها یک یکی را بخرید.

چند مثال دیگر:

Evlerimizin arasında büyük bir bina var.

یک ساختمان بزرگ در بین خانه‌های ما است.

O evlerin arasında bir park var.

در بین آن خانه‌ها یک پارک است.

Amerika ile Avrupa arasında Atlas Okyanusu var.

بین آمریکا و اروپا اقیانوس اطلس وجود دارد.

karşı (مقابل، متقابل، ضد، مخالف، روبرو)

- (n) in karşısına

به مقابل ...

- (n) in karşısında

در مقابل...

- (n) inkarşısından

از مقابل...

استفاده به عنوان صفت

karşı kapı

درب روبرو

karşı kaldırım

پیاده رو مقابل

استفاده به عنوان اسم

kapının karşısında

در مقابل درب

bankanın karşısındaki soka.

خیابان مقابل بانک

Mehmet, kahvenin karşısından çıktı.

محمد از روبروی کافه در آمد.

چند مثال دیگر:

Fabrika, evimizin karşısında.

کارخانه مقابل خانه ما قرار دارد.

Mehmed'in karşısına oturdu.

روبروی محمد نشست.

Bir kedi karşıma çıktı.

یک گربه مقابل من در آمد.

etraf (اطراف، دور، اکناف، پیرامون)

- (n) in etrafına به اطراف...
- (n) in etrafında در اطراف...
- (n) in etrafından از اطراف...

etraf به عنوان صفت استفاده نمی‌شود و تنها به عنوان اسم بکار می‌رود:

Masamızın etrafına bolca çiçek koyuldu. گل‌های فراوانی در اطراف میز ما قرار داده شد.
 Etrafımda çocuklar oyunuyordu. در اطراف من کودکان بازی می‌کردند.
 bostanın etrafından از اطراف بوستان

çevre (اطراف، دور، سرتاسر، پیرامون، محیط، دایره)

این کلمه مترادف کلمه عربی etraf است و به تدریج جایگزین این کلمه شده است.



محیط اطرافمان را پاکیزه نگاه داریم.

- (n) in çevresine به اطراف...
- (n) in çevresinde در اطراف...
- (n) in çevresinden از اطراف...

استفاده به عنوان صفت

çevre yolu جاده دایره‌ای (حلقوی)

استفاده به عنوان اسم

kentin çevreleri اطراف شهر
 Bankanın çevresinde bir park bulunur. در اطراف بانک یک پارک وجود دارد.
 Fabrikanın çevresine bir engel koydular. در دور تا دور کارخانه یک حائل کار گذاشتند.



بابت خسارت‌ها و مزاحمت‌هایی که در حین ساخت و ساز برای محیط اطرافمان به وجود می‌آوریم پوزش می‌طلبیم.

asâğı (پایین، زیر)

- | | |
|----------------------|-------------|
| - (n) in aşağısına | به پایین... |
| - (n) in aşağısında | در پایین... |
| - (n) in aşağısından | از پایین... |

استفاده به عنوان صفت

- | | |
|---------------|------------|
| aşâğı mahalle | محل پایین |
| aşâğı kat | طبقه پایین |

استفاده به عنوان اسم

- | | |
|---|---|
| inişin aşağısı | پایین سر پایینی |
| merdivenin aşağısına | به پایین نردبان |
| yolun aşağısından yürüyün | از پایین راه بروید. |
| Dağın aşağısı serin. | پایین کوه خنک است. |
| Dağın aşağısındaki ağaçlar çok güzel. | درختان پایین کوه زیبا هستند. |
| Dağın aşağısından gelen rüzgar çok soğuk. | بادی که از پایین کوه می‌آید خیلی خنک است. |

استفاده به عنوان قید مکان

- | | |
|------------------|---------------|
| Aşâğı gidiyorum. | پایین می‌روم. |
| ya | یا |

- | | |
|-------------------|------------------|
| Aşâğıya gidiyorum | به پایین می‌روم. |
|-------------------|------------------|

yukarı (بالا، مافوق، رو، فوق، رو)

- (n) in yukarısına به بالای...
- (n) in yukarısında در بالای...
- (n) in yukarisından از بالای...

استفاده به عنوان صفت

- yukarı ev خانه بالا
- yukarı dal شاخه بالا

استفاده به عنوان اسم

- yokuş yukarı سرپایینی
- merdivenin yukarısı بالای نردبان
- Tepenin yukarisından indik. از بالای تپه پایین آمدیم.

peş (پشت، دنبال، عقب سر)

Peş، به معنی پشت یک شی در حال حرکت است و معمولاً به شکل peşinden (از پشت) ظاهر می‌شود. مورد استفاده آن (فقط جسم متحرک) هنگامی که چیزی یا کسی از پس کس یا چیز دیگری که در حال حرکت است می‌رود؛ است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- Otobüsün peşinden gittik. از پشت اتوبوس رفتیم.
- Benim peşime düşün! پشت من بیاقتید!

توجه:

- peşin, peşinat قبلی، از قبل، جلو، نقد، یا پول پیشکی
- peşin para پول نقد

نمونه‌هایی برای مطالعه

- Bir adam, vapurun arkasından suyun içine düştü. یک مرد از پشت قایق به داخل آب افتاد.
- Onlarla bizim aramızda, bahçe üzerine kavga çıktı. بین ما و آن‌ها سر باغ دعوا شد.
- Büyük bir ağacın altında yere yattı. در جایی زیر یک درخت بزرگ خوابید.

خود آموز ترکی استانبولی ————— facebook.com/morteza.abdi

هم چیز من زیر دست است. Her şeyim el altında.

در پشت مغازه درختان بزرگ سیب وجود دارد. Dükkanın arkasında büyük elma ağaçları var.

خلیل هر عصر مشروب می نوشد و نیمه شب به خانه می آید. Halil her akşam içki içer, gece ortasında eve gelir.

برای شما یک پاکت آوردم، بین وسایلتان انداختم. Size bir paket getirdim, eşyalarınızın arasına attım.

این زمستان در خانه روبروی شما می نشینیم. Bu kış, sizinkinin karşısındaki evde oturacağız.

آیا محتویات درون پاکت را به ما نشان می دهید. Paketin içindekilerini bize gösterir misiniz?

در کنار پای گنده تو جایی باقی نماند. Senin koca ayaklarının yanında yer kalmadı.

تأثیر یونس امره بر روی احمد بسیار بزرگ است. Yunus Emre'nin Ahmedin üstündeki tesiri çok büyüktür.

سربازها جلوی شهر دیوار ساختند. Askerler, şehrin önüne duvar yaptılar.

احمد دائماً پشت آن دختر می رود (تعقیبش می کند). Ahmet daima o kızın peşinden gider.

قسمت بیرونی ساختمان را نگاه کردیم اما داخلش نرفتیم. Evin dış kısmına baktık, içine ama girmedik.

ضرب المثل

دست روی دست زیاد است. El elden üstündür.

حلو حلو دهان شیرین نمی شود. Bal bal demekle ağız tatlı olmaz.

کار امروز را به فردا نیانداز. Bugünkü işini yarına bırakma.

اصطلاحات

حرف زدن. یک چیزی را موضوع غیبت کردن. Laf etmek:

بدون نقصان. بدون عیب. یعنی نکته قابل انتقاد برایش نیست. Laf (söz) yok:

یعنی سخنی که دارای معانی مختلف است. Lastikli söz:

به گونه ای خیلی فجیع کتک زدن. Leşini çıkarmak:

- Lüpe konmak: چیز ارزشمندی را به صورت رایگان وبدون صرف زحمت صاحب شدن
- Maşallahı var: ماشاالله داره.برای تعریف وضعیت خوب یک نفر یا یک چیز به کار میرود.
- Mendil açmak: دستمال باز کردن.کنایه از گدایی کردن
- Mukabelede bulunmak: پاسخ دادن
- Meteliğe kurşun atmak: بی پول ماندن .هیچ پول نداشتن
- Metelik vermemek: ارزش ندادن.اهمیت ندادن
- Merhabayı kesmek: سلام را قطع کردن.بایکی ارتباط را قطع کردن.یا به دوستی خاتمه دادن
- Ne şiş yansın ne kebab: نه سیخ بسوزد نه کباب.اصطلاحی که در فارسی هم است.
- Ne günlere kaldık!: قدیمما بهتر بود.زمنه عوض شده.روزهای خیلی بدی را پشت سر میگذاریم.
- Nuh der peygamber demez: نوح میگوید پیغمبر نمی گوید.کنایه از انسان خیلی لجباز که طرز فکر خود را به هیچ وجه عوض نمیکند.
- Oyun etmek: فریب دادن.با حيله گری یکی را به دام انداختن.
- Orta hâlli: متوسط الحال.نه فقیر نه ثروتمند.نه زشت نه زیبا.نه خوب نه بد
- Ortaya dökmek: کنایه از درآوردن ونشان دادن.همه چیزهای مخفی را آشکار کردن
- Olmayacak duaya amin demek: به یک دعای غیرقابل استجابت آمین گفتن.کنایه از مشغول شدن به کاری بی نتیجه یا از آن حمایت کردن
- Öbür (öteki) dünya: کنایه از آن دنیا(آخرت)عالم ابدی
- Ödü patlamak: ترسیدن زیاد به علت یک حادثه لحظه ای
- Özü sözü bir: کسی که ظاهر وباطنش یکی است.یا افکار وسخنانش با اعمالش یکی است.
- Örtbas etmek: ماست مالی کردن

درس ۴

خوش آمد گویی



Hoş geldiniz.
Buyrun
Girin

Hoş geldiniz.
Hoş bulduk.

خوش آمدید.
متشکرم.

Hoş bulduk جواب «خوش آمدید» است. معادل فارسی دقیقی برای آن نیست.

Buyrun, içeri buyrun.
Teşekkür ederim.

بفرمایید، بفرمایید تو.
تشکرمی کنم.

Girin, girin.

بیایید تو، بیایید تو.

Rahatsız etmeyelim.

مزاحم نمی‌شویم.

Rica ederim. Hiç rahatsızlık değil.

خواهش می‌کنم. هیچ مزاحمتی نیست.

خواهش‌ها

Benim için bir iyilik yapabilir misiniz?

به من لطفی می‌کنید؟

Pardon.

چی فرمودید؟

Lütfen bana yardım eder misiniz?

امکان دارید لطفاً به من کمک کنید؟

Yardımcı olur musunuz?

ممکن است به من کمک کنید؟

Bana yardımcı olabilir misiniz?

ممکن است به من کمک کنید؟

Bana bu konuda yardım edebilir misiniz?

ممکن است در این مسأله به من کمک کنید؟

Pardon? Ne dediniz?

ببخشید؟ چی گفتید؟

Lütfen bir daha tekrarlar mısınız?

لطفاً یک بار دیگر تکرار کنید.

Lütfen biraz daha yavaş konuşun.

لطفاً آهسته‌تر صحبت کنید.

Tekrar edebilir misiniz?

ممکن است دوباره تکرار کنید؟

Lütfen buraya yazın.

لطفاً اینجا بنویسید.

Bu ne?

این چیست؟

O ne?

آن چیست؟

Bu ne demek?

این به چه معنی است؟

Anlıyor musunuz?

آیا متوجه می‌شوید؟

Lütfen acele edin.

لطفاً عجله کنید.

Benimle gelin!

با من بیایید!

Siz bana bozuk para borç verebilir misiniz?

ممکن است یک سکه به من بدهید؟

Bakabilir miyim?

می‌توانم به این نگاهی بیاندازم؟

Kaleminizi alabilir miyim?

می‌توانم خودکار شما را قرض بگیرم؟

Kurşunkaleminizi alabilir miyim?

می‌توانم مداد شما را قرض بگیرم؟

Anahtarınızı alabilir miyim?

می‌توانم کلید شما را قرض بگیرم؟

Arabanızı alabilir miyim?

می‌توانم ماشین شما را قرض بگیرم؟

Bu mektubu benim için gönderir misiniz?

امکان دارد لطفاً این نامه را برای من پست کنید؟

Adresinizi alabilir miyim?

می‌توانم نشانی شما را داشته باشم؟

Telefon numaranızı alabilir miyim?

می‌توانم شماره تلفن شما را داشته باشم؟

E-mail adresinizi alabilir miyim?

می‌توانم نشانی پست الکترونیکی شما را داشته باشم؟

Beni şehir merkezine bırakabilir misiniz?

امکان دارد مرا به مرکز شهر برسانید؟

ابراز اولویت (رجحان)

mI...
mI?

Bahçede mi oturmak istersin yoksa içerde mi?

Ya bahçede ya da balkonda. Bugün hava çok güzel.

Kahve veya çay? Ne tercih edersin?

Kahve lütfen.

Türk kahvesi mi Neskafe mi arzu edersin? Türk kahvesine pek memnun olurum.

Şekerli mi sade mi?

Orta şekerli mümkün mü? Tabii mümkün.

یا... یا؟

آیا می‌خواهی در باغچه بنشینی یا در داخل (منزل)؟

یا در باغچه یا در ایوانک فرق نمی‌کند. امروز هوا خیلی خوب است.

قهوه یا چای؟ کدام را ترجیح می‌دهید؟

قهوه لطفاً.

آیا قهوه ترک یا نسکافه میل دارید؟

قهوه ترک، بسیار ممنونم.

با شکر یا ساده؟

(مقداری) به طور متوسط شکر، اگر ممکن است؟

البته که ممکن است.

اگر مفعول جمله‌ای یک اسم معین باشد آن را با پیوند -(y)i/- (y)ı/- (y)u/- (y)ü (پیوند حالت بی واسطه) نشان می‌دهند:

Kitabı istiyorum.

کتاب را می‌خواهم.

Beni görüyor musun?

آیا مرا می‌بینی؟

اگر مفعول نامعین باشد اسم را بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای بکار می‌برند. یا می‌توان bir را به معنای «یک» مورد استفاده قرار داد.

Kitap istiyorum.

کتاب (هر کتابی که باشد) می‌خواهم.

Bir kitap istiyorum.

یک کتاب می‌خواهم.

اگر مفعول istemek (خواستن)، یک فعل باشد به شکل مصدر در جمله ظاهر می‌شود:

Bu odayı bebek odası yapmak istiyorum. می‌خواهم این اتاق را به اتاق بچه تبدیل کنم.
 Beyefendi, kızınızla evlenmek istiyorum. آقای محترم، می‌خواهم با دخترتان ازدواج کنم.
 İçmek istiyorlar. می‌خواهند بنوشند.
 Kalmak istemedin. نخواستی بمانی.
 Çalışmak istemeyecekler. نمی‌خواهند کار کنند.

کاربرد زمان حال ساده (گسترده) (Geniş zaman)

۱- کارهای عادی ۲- عمل توأم با قصد و اراده (مثلاً قول یا تهدید) و یا پرسیدن اینکه آیا انجام چیزی ممکن است (مثلاً ممکن است بیایید؟ دوست داری بخری؟) و ۳- درخواست به شکل سؤالی
 در صرف این فعل چگونگی عمل بدین ترتیب است که ابتدا علامت مصدری را که mak, mek است از جلوی ریشه فعل برداشته و از آن فعل امر می‌سازیم. سپس از شاخص این صیغه که -r, -er (ar), -ir است استفاده کرده و به دنبالش ضمایر متصل به فعل می‌گذاریم. مثال:

Gelmek => gel+ir+im=gelirim می‌آیم (اول شخص مفرد)

در منفی کردن این فعل کافی است از آن فعل امر ساخته و در برابر بدون استفاده از شاخص زمان حال ساده از ضمایر متصل به فعل استفاده کنیم. (چون در زبان ترکی استانبولی دو حرف صدادار کنار هم نمی‌آیند، یا یکی از آن‌ها را بر می‌داریم و یا اینکه وسط دو حرف صدادار حرف صامت y می‌گذاریم). مثال:

gelmemek=>gelme+ (i) m=gelmem نمی‌آیم

در سؤالی کردن به صورت مثبت فقط کافی است بعد شاخص این فعل یعنی -r, -er (ar), -ir علامت استفهامی mi را بگذاریم بدین صورت فعل صرف می‌شود. مثال: gelirmiyim? اما در حالت منفی باید علامت استفهامی را به آخر فعل بگذاریم و صرف نماییم. مانند: gelmem mi

جدول صرف زمان حال ساده از مصدر gelmek آمدن				
منفی سؤالی آیا نمی‌آیم؟	مثبت سؤالی آیا می‌آیم؟	منفی نمی‌آیم	مثبت می‌آیم	مفرد
gelMEZ miyim	geLiR miyim	gelMEM	geLiRim	1
gelMEZ misin	geLiR misin	gelMEZsin	geLiRsin	2
gelMEZ mi	geLiR mi	gelMEZ	geLiR	3
جمع				
gelMEZ miyiz	gelirLER mi	gelMEYiz	geLiRiz	1
gelMEZ misiniz	geLiR miyiz	gelMEZsiniz	geLiRsiniz	2

3	gelirLER	gelmezLER	gelirLER mi	gelmezLER mi
---	----------	-----------	-------------	--------------

مثال:

۱- عمل همیشگی

Her akşam dokuzda yatarım. هر شب ساعت ۸ می خوابم.
 Sabah erken gelirim. صبح، زود می آیم.
 Her gun denizde yüzerim. هر روز در دریا شنا می کنم.
 Ayşe hanım dondurmayı çok sever. عایشه خانم بستنی را خیلی دوست دارد؟
 Her gece eve dönerim. هر شب به خانه بر می گردم.
 Her gün düzenli olarak traş olur. او هر روز با صورت تراشیده و مرتب است.
 Genellikle et yeriz. معمولاً گوشت می خوریم.
 Her hafta sonunda futbol oynarlar. آخر هر هفته فوتبال بازی می کنند.

۲- رضایت یا میل

Kapıyı açar mısınız? آیا می شود درب را باز کنید؟ (درخواست مؤدبانه)
 Buna bakar mısınız? آیا امکان دارد به این نگاه کنید؟ (دستور ادبی)
 Evet, onu yaparım. بله، آن را انجام می دهم. (رضایت خاطر)
 İki gecelik bir oda tutarız یک اتاق برای دو شب کرایه می کنیم.

۳- دستور دادن مؤدبانه

Bakar mısınız? لطفاً نگاه می کنید؟
 این حالت برای جلب توجه افراد بکار می رود.

۴- درخواست محترمانه

Bir çay rica ederim یک چای لطفاً
 Pencereyi kapatır mısınız? آیا امکان دارد پنجره را ببندید؟
 برای درخواست محترمانه از غریبه ها و دستور مؤدبانه به آنها از این روش استفاده می شود.

۵- موافقت همراه با ادب رضایت خاطر

Ben onu yaparım من آن را انجام می دهم
 این راه خوبی برای پذیرش مسئولیت چیزی است.

۶- آینده مردد

زمان حال ساده همچنین برای وقایعی که در زمان فعلی نیستند مورد استفاده قرار می‌گیرد:

Saatin altında seni beklerim در ساعت شش منتظر تو هستم.
 Parkın yanındaki bankayı tabii ki bulursunuz البته که بانک کنار پارک را پیدا می‌کنید.
 Yarın ofiste buluşuruz فردا در اداره هم دیگر را می‌بینیم.

شاخص زمان حال ساده

شاخص این صیغه R- است که به طور مستقیم به ریشه فعل اضافه می‌شود و به شرح زیر است:

افعال تک هجایی

برای افعالی تک هجایی که در پایان به حرف صامت مختوم می‌شوند، در زمان مثبت از شاخص -ar یا -er استفاده می‌کنیم. البته چند استثنا برای این قاعده کلی وجود دارد. این زمان نشان می‌دهد که تنها برخی از بی قاعدگی‌های اندک در شکل فعل‌های ترکی استانبولی وجود دارند.

فعل‌های چند هجایی

برای فعل‌ها با بیش از یک هجا بسته به محیط صوتی شاخص‌های -ür -ır -ir وجود دارند.

فعل‌های مختوم به مصوت‌ها

برای تمام فعل‌هایی که به حروف صدادار ختم می‌شوند شاخص -ı وجود دارد.

افعال تک هجایی مختوم به صامت. شاخص‌های -ar یا -er پس از حذف mak- یا mek- به ریشه فعل اضافه می‌شوند.			
yapmak	انجام دادن، کردن	kesmek	بریدن، قطع کردن
yaparım	انجام می‌دهم	keserim	می‌برم
yaparsın	انجام می‌دهی	kesersin	می‌بری
yapar	انجام می‌دهد	keser	می‌برد
yaparız	انجام می‌دهیم	keseriz	می‌بریم
yaparsınız	انجام می‌دهید	kesersiniz	می‌برید
yaparlار	انجام می‌دهند	keserler	می‌برند

پنج فعل استثنا که تغییر در آخرین حرف بی صدای آن‌ها انجام می‌شود. به یاد داشته باشید که برای تلفظ نرم پس از اضافه شدن شاخص t به d تبدیل می‌شود.			
gitmek	رفتن	gider	می‌رود
etmek	کردن	ederim	می‌کنم
tatmak	مزه کردن	tadarlar	مزه می‌کنند
ditmek	پاره کردن	didersin	پاره می‌کنی

gütmek	چراندن	güderim	می چرانم
--------	--------	---------	----------

استثنای افعال تک هجایی

تعداد ۱۳ فعل تک هجایی از شاخص‌های -ür -ır -ir -ur بسته به محیط صوتی بهره می‌جویند که این افعال به شرح لیست‌های زیر می‌باشند.

استثنای افعال تک هجایی			
این ۱۳ فعل تک هجایی استثنای این زمان می‌باشند که شاخص‌های -ür -ır -ir -ur به آن‌ها اضافه می‌شود			
almak	گرفتن، خریدن، وصول کردن	alırım	می گیرم
bilmek	دانستن، شناختن، فهمیدن	bilir	می داند
bulmak	یافتن، پیدا کردن	bulur	می فهمد
durmak	ایستادن، ماندن، توقف کردن، صبر کردن	dururuz	می ایستیم
gelmek	آمدن، وارد شدن، رسیدن	gelirsiniz	می آید
görmek	دیدن، مشاهده کردن، ملاقات کردن	görürler	می بیند
kalmak	ماندن، تأخیر افتادن، باز ماندن	kalırım	می مانم
olmak	شدن، بودن، گردیدن، گشتن	olursun	می شوم
ölmek	مردن، از بین رفتن	ölür	می میرد
sanmak	تصور کردن، گمان کردن، فرض کردن	sanırız	تصور می کنیم
vermek	دادن، پرداخت کردن، بخشیدن، تقدیم کردن	verirsiniz	می دهید
varmak	رسیدن، واصل شدن، به پایان رسیدن	varırlar	می رسند
vurmak	زدن، کوبیدن، بستن، کشتن، دزدیدن	vururum	می زنم

افعال تک هجایی مختوم به مصوت.			
شاخص -r پس از حذف -mak یا -mek به ریشه فعل اضافه می‌شود.			
demek	گفتن، یعنی	anlamak	فهمیدن
derim	می گویم	anlarım	می فهمم
dersin	می گویی	anlarsın	می فهمی
der	می گوید	anlar	می فهمد
deriz	می گوییم	anlınız	می فهمیم
dersiniz	می گوید	anlarsınız	می فهمید
derler	می گویند	anlalar	می فهمند

مثال‌های بیشتر با شاخص **-R**:

demek	der گفتن	می گوید
Dünya yuvarlaktır derler		می گویند دنیا گرد است.
yemek	yer خوردن، غذا	می خورد.
Her gün ekmek yeriz		هر روز نان می خوریم.
beklemek	bekler انتظار کشیدن	انتظار می کشد.
Her gün köşede beklersiniz, değil mi?		هر روز در گوشه ای انتظار می کشید. این طور نیست؟
söylemek	söyler گفتن	می گوید.
Her zaman "hayır"ı derler		آن ها همیشه «خیر» می گویند.

افعال چند هجایی مختوم به صامت			
افعال چند هجایی مختوم به صامت که شاخص های -ir -ır -ür -ur بسته به محیط صوتی به آن ها اضافه می شود			
göndermek	فرستادن	kazanmak	برنده شدن
gönderirim	می فرستم	kazanırım	برنده می شوم
gönderirsin	می فرستی	kazanırsın	برنده می شوی
gönderir	می فرستد	kazanır	برنده می شود
göndeririz	می فرستیم	kazanırız	برنده می شویم
gönderirsiniz	می فرستید	kazanırsınız	برنده می شوید
gönderirler	می فرستند	kazanırlar	برنده می شوند

مثال های بیشتر:

Her hafta Milli Piyango'yu kazanabilirsin	هر هفته قرعه کشی ملی را می توانی برنده شوی.
Her yıl Nemrut Dağı'na tırmanırız	هر سال کوه نمرود را فتح می کنیم.
Mehmet, yemeğini her gün evden götürür	محمد هرروز غذایش را از خانه می آورد.
Türk kahvesini beğenirler	آن ها قهوه ترک را می پسندند.

ضرب المثل ها

ضرب المثل های ترکی معمولاً به شکل حال گسترده بیان می شوند در پایین چند نمونه از شکل مثبت این زمان را مشاهده می کنید:

Acele işe, şeytan karışır	عجله کار شیطان است.
Çabuk parlayan çabuk söner.	چیزی که سریع روشن می شود سریع هم خاموش می شود.
Damlaya damlaya göl olur.	قطره قطره جمع شود وانگهی دریا شود.
Emek ver, kulak ver, bilgi ver, ama hiçbir zaman boş verme.	زحمت بکش، گوش بده، آگاهی بده اما هیچ وقت منصرف نشو.

Fakirlik ayıp değil tembellik ayıp. فقیر بودن عیب نیست تنبلی عیب است.

Güzel gören güzel düşünür. Güzel düşünen hayattan lezzet alır.

کسی که زیبا می بیند زیبا فکر می کند. کسی که زیبا فکر می کند از زندگی لذت می برد.

İyilik eden iyilik bulur. کس که خوبی می کند خوبی می بیند.

Ne ekersen onu biçersin. هر چه بکاری همان را برداشت می کنی.

Önce düşün sonra söyle. اول فکر کن بعد صحبت کن.

Sağlam kafa sağlam vücutta bulunur. عقل سالم در تن سالم است.

Tok iken yemek yiyen, mezarını kendi kazar.

کسی که در حال سیری غذا می خورد قبر خودش را می کند.

Diş vereni iş de verir هر آن کس که دندان دهد نان دهد.

ya ... ya da (یا... یا)

Kışın ya battaniye ya da yorgan kullanırız.

در زمستان یا پتو و یا لحاف استفاده می کنیم.

Bütün gün ya bulaşık yıkar, ya çamaşır yıkar, ya da evi temizler.

تمام روز یا ظرف می شوید یا لباس می شوید و یا خانه تمیز می کند.

نشان دادن سپاسگزاری

Teşekkür ederim
Mersi
Sağol
Ellerine sağlık

Estağfurullah
(Hiç) bir şey değil
Rica ederim
Sen de sağol .
Afiyet olsun

Sana zahmet oluyor, çok teşekkür ederim.

Rica ederim, hiç bir şey değil

به شما زحمت دادم. خیلی تشکر می کنم. خواهش می کنم، قابل ندارد.

Kahveniz nasıl? Çok mu şekerli?

Hayır, tam karar. Ne tatlı, ne acı. Ellerinize sağlık.

Afiyet olsun.

قهوه شما چطور است؟ زیاد شیرین است؟

خیر، کاملاً خوب است. نه شیرین، نه تلخ. دستتان درد نکند.

خواهش می‌کنم مهم نیست.

Ellerinize sağlık (دستت درد نکند) در قدردانی از چیزی که با دست انجام گرفته باشد به کار می‌برند مانند: آماده کردن غذا یا درست کردن لباس. Afiyet olsun (نوش جان) جواب آن است در صورتی که برای غذا به کار رفته باشد.

çayını hem de pastanı sehpanın üstüne koyuyorum.

Sağol.

Sen de sağol.

هم چای هم کیک را روی میز می‌گذارم.

سلامت باشید.

شما هم سلامت باشید.

تعریف کردن و قدردانی

Yeni saç kesiminiz çok güzel.

Kıyafet seçiminiz çok zevkli.

O çok komik.

O mükemmel.

O ilginç.

Aferin!

Harika!

Çok hoş görünüyorsunuz!

Ne kadar güzel bir yer.

Ne kadar güzel bir araba.

Ne kadar güzel bir oda.

Ne kadar güzel bir restoran.

Ne kadar güzel bir manzara.

İltifatınız için çok teşekkür ederim.

İyi bir gün için çok teşekkür ederim.

Beni aldığınız için çok teşekkür ederim.

Zahmet ettiğiniz için çok teşekkür ederim.

موهایت خیلی خوب شده است.

شما سلیقه خوبی برای لباس دارید.

با مزه است.

عالی است.

جالب است.

آفرین!

فوق العاده است!

خیلی خوش تیپ شدی!

چه جای زیبایی است.

چه ماشین زیبایی است.

چه اتاق زیبایی است.

چه رستوران زیبایی است.

چه منظره زیبایی است.

از شما به خاطر تعریفتان متشکرم.

از شما به خاطر یک روز خوب متشکرم.

از شما به خاطر اینکه دنبالم آمدید متشکرم.

از شما به خاطر زحماتی که کشیدید متشکرم.

امروز به من خوش گذشت، متشکرم. Çok keyifli bir gün geçirdim, teşekkür ederim.
 واقعاً لطف دارید. Çok nazıksınız.
 واقعاً لطف دارد. Çok nazık.
 شما بسیار سخاوتمند هستید. Çok cömertsiniz.
 من واقعاً از شما متشکرم. Size çok teşekkür ederim.
 بسیار از شما سپاسگزارم. Size çok minnettarım.
 بسیار سپاسگزارم. Çok minnettarım.

Ne ... Ne de (نه ... نه) و hem ... hem (هم ... هم)

در داخل اتاق نه گنجه هست و نه کمد کشویی Odanın içinde ne gardrop ne de şifonyer var.
 نه سیخ بسوزد نه کباب Ne şiş yansın ne kebab
 کتاب را نه خریدم و نه خواندم. Kitabı ne aldım ne de okuydum.
 نه به تئاتر می‌رود و نه رادیو گوش می‌کند. Ne tiyatroya gider ne radyoyu dinler.
 این صبح نه چای نه قهوه نوشیدم. Bu sabah ne çay ne kahve içtim
 امروز نرفتم نه به باغچه نه به خیابان Bu gün çıkmadım ne bahçeye ne sokağa
 اگر نه تو، نه من در این کار دخالت نمی‌کردیم این‌طور نمی‌شد. Ne sen, ne ben bu işe karışmasaydık böyle olmazdı

مادامی که از او نه یک سلام نه یک نامه دریافت نکردم حتی اسمش را هم به زبان نخواهم آورد. Ondan ne bir selâm ne bir mektup almadıkça adını bile anmıyacağım
 به خاطر اینکه نه زبانی که در آن مملکت صحبت می‌شد و نه فرهنگشان را می‌دانست خیلی به زحمت افتاد. Ne memlekette konuşulan dili, ne oranın âdetlerini bilmediğinden çok zahmet çekti

هرگز نه به دود نه به شراب معتاد نشوید! Ne tütüne, ne içkiye sakın alışmayın!
 نه به استانبول، نه به قونیه، جایی نمی‌رود. Ne İstanbul'a ne Konya'ya, bir yere gitmiyor
 نه تو، نه او، هر دو نفرتان ندانستید. Ne sen, ne o, ikiniz de bilmediniz
 نه ترکی، نه عربی، و نه فارسی می‌داند. Ne türkçe ne arapça ne farsça biliyor
 نمی‌آید نه دوست نه دشمن. Gelmez ne dost ne düşman
 در حمام هم وان هست و هم دوش آب. Banyoda hem küvet hem de duş var.
 هم زیارت هم تجارت. Hem ziyaret hem ticaret
 گرم، آن هم چه گرمی! Sıcak, hem de ne sıcak!

اگر ne ... ne de با صفات متناقض به کار رود خنثی بودن یا هماهنگی را نشان می‌دهد:

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Bugün hava ne sıcak ne de soğuk امروز هوا نه گرم است و نه سرد (متعادل).

gerek ... gerek ya gerekse ... gerek (هم ... هم یا چه ... چه)

Bu haber, gerek ankara'da gerekse vaşington'da fena bir hava yaratmıştır.
این خبر، هم در آنکارا هم در واشنگتن جو بدی را به وجود آورده است.
Gerek ben gideyim, gerek siz gidin, gerek o gitsin, işin sonu değişmez.
چه من بروم، چه شما بروید، چه او برود، پایان کار عوض نمی‌شود

ha ... ha (چه ... چه)

این حرف ربط در مقام مقایسه، عدم تفاوت بین دو چیز هر چند متفاوت را نشان می‌دهد.
Ha çay ha su ne fark eder? چه چای، چه آب، چه فرقی می‌کند؟
Ha bağ ha bahçe ha tarla farketmez چه باغ، چه باغچه، چه مزرعه، فرق ندارد.

ister ... ister (خواه ... خواه)

İster git, ister kal, bana ne? می‌خواهی بمان، می‌خواهی برو، به من چه؟
İster gitsin, ister kalsın, sana ne? می‌خواهد برود، می‌خواهد بماند، به تو چه؟

olsun... olsun (هم ... هم)

Lokanta olsun, otel olsun, her şey var orada.
هم رستوران، هم هتل، هم چیز در آنجا وجود دارد. (از رستوران گرفته تا هتل همه چیز در آنجا هست).

ama (اما، ولی)

کاربرد این کلمه در جملات تقریباً شبیه به زبان فارسی است و شکل اصلی آن به صورت Amma است:
Sen de gel, ama gel تو هم بیا، اما بیا
Güzel ama! زیبا است اما!
Bu söz sözlenmez ama! این حرف، حرفی نیست که گفته بشود اما!
Kız güzel, ama bencil دختر زیبا است ولی خودخواه
Yarın gelmek istiyor ama, ben evde bulunmıyacağım.
فردا می‌خواهد بیاید اما من در خانه پیدایم نخواهد شد.
Ben de ona yardım ettim ama pişman oldum. من هم به او کمک کردم اما پشیمان شدم.

این کلمه می‌تواند به صورت پنهان نیز به کار رود.

Yalancının evi yanmış, kimse inanmamış

خانه دروغ گو سوخته، (اما) کسی باور نکرده

-(y)e / -(y)a

پیوندی است که مقصد را نشان می‌دهد (به، به طرف)

bana

به من

yatağa

به رختخواب

Amerika'ya

به آمریکا

sana

به تو

Hiç

Hiç را فقط در جملات منفی یا سؤالی در معنای «هیچ، اصلاً» به کار می‌برند.

Restoranda hiç yer var mı?

آیا هیچ اتاقی در رستوران هست؟

Evde hiç şeker yok.

در خانه هیچ شکر نیست.

Kahve hiç şekerli değil.

قهوه اصلاً شیرین نیست.

ابراز رضایت و خرسندی

DEn memnun
musun (uz) ?

Çok memnunum
Pek memnun
değilim
Hiç memnun
değilim

Ayşe Hanım, hangi çamaşır tozunu kullanıyorsunuz?

Persil kullanıyorum.

Persil'den memnun musunuz?

Hem de çok memnunum.

عایشه خانم کدام پودر لباس‌شویی را استفاده می‌کنید؟

«پرسیل» استفاده می‌کنم.

از «پرسیل» راضی هستید؟

خیلی راضی هستم.

Bu şampuandan memnun musun?

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Vallaha, pek memnun değilim, Kepek yapıyor.

از این شامپو رضایت دارید.

والله (چی به گم) زیاد راضی نیستم. شوره ایجاد می کند.

Ali yeni sekreterinden memnun mu?

Hiç memnun değil.

Neden? Çok güler yüzlü bir kız.

Ama ne İngilizce biliyor, ne de mektupları doğru yazıyor.

آیا علی از منشی جدید رضایت دارد؟

اصلاً راضی نیست.

چرا؟ او یک دختر بسیار خندان است.

ولی نه انگلیسی بلد است و نه نامه ها را درست می نویسد.

عبارات مورد نیاز در زمان خداحافظی

Allahaısmarladık
Görüşmek üzere
Hoşçakal (ın)
(Haydi) bana müsaade
Eyvallah

Güle güle

İyi yolculuklar
Yolun (uz) açık olsun

Konsere biletim var, gitmem lazım. Bana müsaade.

Peki, güle güle.

برای کنسرت بلیت دارم باید بروم. به من اجازه بدهید.

بسیار خوب، خداحافظ.

Herşey çok güzel ama müsaadenizle gitmem lazım. Allahaısmarladık.

Güle güle. Gene buyrun.

همه چیز بسیار خوب است اما با اجازه شما باید بروم. خداحافظ.

به سلامت. دوباره تشریف بیاورید.

Hiç vaktim yok, haydi eyvallah.

Güle güle.

اصلاً وقت ندارم، خوب خداحافظ.

به سلامت.

Tren kalkıyor, allahasımarladık.
Güle güle. Yolunuz açık olsun.

قطار دارد راه می افتد، خداحافظ.
به سلامت. سفر خوبی داشته باشی.

Allaha ısmarladık!

خداحافظ.

Allaha emanet ol!

در پناه حق.

Bay!

خداحافظ

İyi geceler

شب به خیر.

Daha sonra görüşmek üzere

بعداً شما را می بینم.

Yarın görüşmek üzere

فردا شما را می بینم.

Görüşürüz

می بینمت.

Kısa zamanda görüşürüz

به زودی می بینمت.

Umarım sizi yeniden göre bilirim

امیدوارم بزودی دوباره ببینمتان.

Seni yakında görürüm

به زودی می بینمت.

Sizi ararım

تماس می گیرم.

Kendinize iyi bakın

مواظب خودتان باشید.

Kendine iyi bak

مواظب خود باش.

Kendine dikkat et

مراقب خود باش.

Hoşca kalın

خوش بگذرد.

İyi şanslar

خیر پیش.

Babanıza selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به پدرتان برسانید.

Kardeşinize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به برادرتان برسانید.

Annenize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به مادرتان برسانید.

Kız kardeşinize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به خواهرتان برسانید.

Eşinize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به خانمتان برسانید.

Sizinle tekrar görüşmeyi dört gözle bekleyeceğim

بی صبرانه منتظر دیدار دوباره شما هستم

Bu benim kartvizitim

این کارت ویزیت من است.

Bu benim telefon numaram.

این شماره تلفن من است.

Bu benim adresim.

این نشانی پستی من است.

Bu benim faks numaram.

این شماره فاکس من است.

Bu benim e-mail adresim.

این نشانی پست الکترونیکی من است.

بیان ضرورت

یکی از راه‌های بیان ضرورت و لزوم در زبان ترکی، به کار بردن کلمه *lazım* (لازم) با فعل ضمیر دار است یعنی ریشه فعل + *-ma / -me* (پیوندی که فعل را به اسم تبدیل می‌کند) + پیوند ملکی.

نشستن تو لازم است (تو باید بنشینی) *otur + ma + n lazım.*

برخاستن ما لازم است (باید برخیزیم) *kalk + ma + mız lazım.*

آمدن آن‌ها لازم است (باید بیایند) *gel + me + leri lazım.*

مثال‌های دیگر:

من باید نگاه کنم. *bakmam lazım* او باید بیرون رود. *çıkması lazım*

آن باید شروع شود. *başlaması lazım* شما باید بنشینید. *oturmanız lazım*

ما باید از خواب برخیزیم. *kalkmamız lazım* آن‌ها لازم است بیایند. *gelmeleri lazım*

برای آشنایی بیشتر با صورت‌های دیگر به درس ۱۱ مراجعه کنید.

تکرار عمل

یکی از راه‌هایی که در آن افعال زبان ترکی به قیده‌های حالت تبدیل می‌شود و تکرار عمل را نشان می‌دهد استفاده از ریشه فعل + *-(y)a / -(y)e* به طور مضاعف (دو بار گفتن) است.

Gazetelere baka baka nihayet kiralık bir ev buldum.

با نگاه کردن و نگاه کردن (چند بار نگاه کردن) به روزنامه‌ها سرانجام یک خانه کرایه‌ای پیدا کردم.

Çarşafı ve yastık yüzlerini yıkaya yıkaya eskitiyorsun

با شستن مکرر ملافه‌ها و روبالشی‌ها آن‌ها را می‌پوسانی.

Genç kadın ağlaya ağlaya hikaye sini anlattı.

زن جوان گریان (با گریه کردن مستمر) داستانش را تعریف کرد.

ضرب المثل

مرغ همسایه غازه. *Komşunun tavuğu komşuya kaz görünür.*

پشیمانی سودی ندارد. *Son pişmanlık fayda etmez.*

هر چه بکاری درو می‌کنی. *Ne ekersen onu biçersin.*

اصطلاحات

Burun kıvırmak: اهمیت وارزش ندادن.تحقیر نمودن.نپسندیدن

Burun buruna gelmek:

به طور ناگهانی با کسی برخورد کردن -رودررو شدن ۲.به یکدیگر خیلی نزدیک شدن

Boş vermek:

اهمیت ندادن.رها کردن.بی توجه رفتار کردن

Bir tutmak:

مساوی دیدن.مساوی به حساب آوردن

Bir dalda durmamak:

تو یک شاخه نماندن.کنایه از کسای هست مرتب فکر کار ویا موضع عوض میکنند.

Bayram etmek:

کنایه از خوشحال شدن زیاد

Baş başa kalmak:

با یکی تنها ماندن.تنها ماندن دو نفر باهم

Can vermek:

جان دادن .مردن



- (I) nIz	çok pek ne	-
-----------	------------------	---

Eviniz çok güzel. Güle güle oturun.
Teşekkür ederiz

خانه شما بسیار زیباست. انشاء الله به سلامتی در آن زندگی کنید.
متشکرم.

ooo, yemek odası takımınız şahane. Yeni mi?
Evet yeni.
Güle güle kullanın.

آه، اتاق ناهارخوری شما عالیه. تازه است؟
بله، تازه است.
به خوشی از آن استفاده کنید.

Annenizin yemekleri enfes.

Eh, pek fena degildir.

غذاهای مادرتان خوشمزه است.

ای، خیلی بد نیست.

Oğlunuz çok akıllı maşallah. İyi okuyor mu?

Evet, şimdilik iyi.

ماشاءالله پسران خیلی عاقل است. آیا خوب می‌خواند (درسش خوب است) ؟
بله، فعلاً خوب است.

برای اموالی که تازه خریداری و تهیه شده‌اند عبارات تعارفی خاصی وجود دارد. متداول‌ترین آن‌ها عبارتند از:

Güle güle oturun. (انشاء الله) به خوشی و شاد کامی در آن بنشینید.

Güle güle kullanın. (انشاء الله) به خوشی و شاد کامی از آن استفاده کنید

Güle güle giyin. (انشاء الله) روزه‌های خوشی را با آن بگذرانید.

گیرنده تعارف ممکن است بخواهد تواضع خود را نشان دهد و یا آنچه را که دارد بر حسب تعارف بی اهمیت جلوه دهد.
برای این منظور می‌تواند از عبارت Eh, pek fena degildir (ای، خیلی بد نیست) استفاده نماید.

عبارت‌هایی چون Allah nazardan saklasın, Nazar degmesin همگی را می‌توان به «انشاء الله، خداوند او را از چشم بد محفوظ بدارد» ترجمه کرد.

واژه‌های مربوط به خانه

gardrop	کمد	televezyon	تلویزیون
koltuk	صندلی	balkon	ایوانک
koridor	سرسرا	banyo	حمام
masa	میز	bardak.	لیوان
hali	قالی	tencere	قابلمه
misafir odası	اتاق پذیرایی	bıçak	چاقو
iskemle	چهار پایه	tuvalet	توالت
mutfak	آشپزخانه	buzdolabı	یخچال
kenepe	کاناپه	yastık	متکا
ocak	اجاق	büfe	بوفه
kapı	درب	yatak	رختخواب
oturma odası	اتاق نشیمن	çalışma odası	اتاق مطالعه
pencere	پنجره	çarşaf	ملافه
perdeler	پرده‌ها	çatal	چنگال
kaşık	قاشق	yatak odası	رختخواب
radio	رادیو	çatı	سقف

salon	سالن	çocuk odası	اتاق بچه
sandık odası	انبار	dolap	گنجینه
kiler	انبار آذوقه	yemek odası	اتاق ناهار خوری
tabak	بشقاب	duvar	دیوار
tavan	سقف	fincan	فنجان
kitaplık	قفسه کتاب	yer	جا، زمین
yorgan	لحاف		

واژه‌های دیگر:

müstakil ev	خانه مستقل	asansörlü	با آسانسور
aparıman dairesi	آپارتمانی	bahçeli	با باغچه
alaturka / alafranga	سبک ترکی / سبک فرهنگی	şömineli	با شومینه
tuvaletli	با توالت	kaloriferli	با سیستم حرارت مرکزی
teras kat	طبقه فوقانی	balkonlu	بالکن دار
yüzme havuzlu	با استخر شنا	garajlı	گاراژ دار
daimi sıcak sulu	با دائماً گرم	geniş salonlu	با سالن بزرگ
...odalı	با... اتاق		

نکته: پیوند چهار شکلی -li/-lı/-lu /-lü به معنی «با» و «دار» است.

واژه‌های مربوط به حمام و دست شویی

diş fırçası	مسواک	hamam	حمام ترکی
diş macunu	خمیر دندان	musluk	شیر آب
sabun	صابون	lavabo	دست شویی
tarak	شانه	ayna	آینه
saç fırçası	برس مو	küvet	وان حمام
yüz havlusu	حوله صورت	duş	دوش آب
banyo	حمام فرنگی	duş almak	دوش گرفتن
banyo yapmak	حمام کردن		

سمت‌ها

Sağ	راست	sol	چپ
ön	جلو	arka	پشت

چند مثال دیگر از جمله‌های تعارف آمیز:

Ooo, kebabınız çok lezzetli!

آه، کباب شما خیلی لذیذ است.

Ooo, banyonuz çok ferah!
 Ooo, elbiseniz çok şık!
 Ooo, kızınız çok akıllı!
 Ooo, koltuğunuz çok rahat!

آه، حمام شما خیلی راحت است.
 آه، لباس شما خیلی شیک است.
 آه، دخترتان خیلی باهوش است.
 آه، صندلی شما خیلی راحت است.

ابراز موافقت / مخالفت

موافقت:

Evet
 Tabii
 (Çok) doğru/haklısınız
 Öyle
 Ben de öyle düşünüyorum/ aynı fikirdeyim

Bugünün çocukları çok değişik.
 Çok diğışik, evet. Çok doğru, Herşeyi anneden babadan bekliyorlar.
 Hakikaten öyle.
 Mesela benim kızım sabah on'dan önce kalkmaz
 Bizim evde de aynı.
 On'dan on buçuga kadar banyodadır. Kahvaltı eder, onbirden sonra telefona
 koşar. Saat onikide o hala telefondadır.
 Yaaaa.
 Düsünce yok, yardım yok. O halde diyorum, yaz tatili de yok.
 Çok haklısınız.
 Bu şekilde öğrenirler.
 Ben de aynı fikirdeyim.

بچه‌های امروز خیلی فرق دارند.
 خیلی فرق دارند. بسیار صحیح است.
 همه چیز را از مادر و پدر انتظار دارند.
 حقیقتاً این طور است.
 مثلاً دختر من قبل از ده صبح بیدار نمی‌شود.
 در خانه من نیز چنین است.

از ده تا ده و نیم در حمام است. صبحانه می‌خورد. بعد از ساعت ۱۱ تلفنی صحبت می‌کند. در ساعت ۱۲ هنوز پای تلفن است.

بله، دقیقاً.

ملاحظه نمی‌کند، کمکی در کار نیست. در این وضعیت من می‌گویم از تعطیلی تابستان هم خبری نیست.

کاملاً حق دارید.

به این شکل آن‌ها درس می‌گیرند.

من هم کاملاً با شما هم عقیده‌ام.

مخالفت:

Hayır
Katiyyen
Ne demek
Yoo ...
Hem de çok/pek ...
Hiç de ... değil
(Yok canım) ... ml/ -mEz olur mu?

İçerisi çok dağınık.

Aman efendim. Dağınık ne demek? Estağfurullah.

Böyle buyurmaz mısınız? O koltuk rahatsızdır.

Yoo. Hem de pek rahat.

Pencere açık, üşürsünüz belki.

Hayır, üşür müyüm? Katiyyen üşümem.

Dışarıdan yemek kokuları da geliyor.

Hayır hayır, hiç de gelmiyor.

Bari biraz kolonya buyrun. Yalnız limon bitti. Bu lavanta kolonyası. Belki sevmezsiniz.

Sevmez olur muyum? Bayılırım. Çok teşekkür ederim.

خانه خیلی درهم و نامرتب است.

خدای من. به این نامرتبی می‌گویی؟ این طور نیست (استغفرالله).

چرا آنجا نمی‌نشینی؟ آن صندلی راحت نیست؟

نه. برعکس، خیلی راحت است.

پنجره باز است. شاید احساس سرما کنی.

نه، احساس سرما کنم؟ قطعاً سردم نیست.

بوی غذا هم از بیرون می‌آید.

نه، نه، هیچ بویی نمی‌آید.

اقلاً بفرمایید قدری ادکلن. اما عطر لیمویی ما تمام شده است. این عطر لاوانتا است. شاید از آن خوشتان نیاید. خوشم نیاید؟ من عاشق آن هستم. بسیار تشکر می‌کنم.

در درس ۴ دیدیم که Estağfurullah در پاسخ به Teşekkür ederim آمده است. شکل دیگر آن در پاسخ به عذرخواهی است (درس ۸). در اینجا « برای خود را کوچک شمردن » آمده است و در جواب به تعارف.

از... به (تا)

پیشرفت و حرکت از نقطه ایی به نقطه دیگر را با پیوندهای (y) a/- (y) e - dan/-den ... نشان می‌دهند.

او روز به روز در حال بهبودی است. **Günden güne iyileşiyor.**

از صبح تا شب دارم کار می‌کنم. **Sabahtan akşama kadar çalışıyorum.**

جملات سؤالی که برای بیان عدم موافقت به کار می‌روند.

۱- در زبان ترکی عدم موافقت را در قالب جمله سؤال بیان می‌کنند

یعنی چه؟ (معنی آن چیست)؟

Ne demek?

آیا (فکر می‌کنی) احساس سرما می‌کنم؟

Üşür müyüm?

مگر می‌شود دوست نداشته باشم.

Sevmez olur muyum?

او مرا دوست ندارد.

Beni sevmez.

ای بابا! او چگونه می‌تواند دوست نداشته باشد.

Yok canım, sevmez olur mu?

در ساخت این نوع جملات، عدم موافقت را با جملات پرسشی و جملاتی برای پاسخ به آن می‌سازند.

آن‌ها راحت نیستند.

Rahat değiller,

ای بابا! چگونه می‌توانند راحت نباشند؟

Yok canım, rahat olmaz olurlar mı?

۲- جملات مثبت و پاسخ‌ها.

شما دیر خواهید آمد.

Geç gelirsiniz.

ای بابا، ما دیر خواهیم آمد؟

Yok canım, geç gelir miyiz?

تو جشن تولد من را فراموش می‌کنی.

Doğum günümü unutursun.

نه جانم، مگر می‌شود فراموش کنم.

Yok canım, unuttur muyum?

: Hem de; Hiç de

این دو عبارت نیز در بیان عدم موافقت بکار می‌روند مشروط بر اینکه متن جمله امکان تناقض گویی بدهد:

۱- جملات منفی و پاسخ‌ها:

احتمالاً کیک خوشمزه نیست.

Galiba pasta lezzetli değil.

Hem de çok lezzetli. برعکس، بسیار خوشمزه است.
 Pek yemediniz. زیاد نخورید.
 Hem de çok yedik. برعکس زیاد خوردیم.

۲- جملات مثبت ر پاسخها:

Yaşlandım. من پیر شدم.
 Hiç de yaşlanmadın. بر عکس (هیچ هم) اصلاً پیر نشدی.
 Sıkıldınız. شما کسل شدید.
 Hiç de sıkılmadık. بر عکس اصلاً (هیچ هم) کسل نشدیم.

: Duymak

Duymak به معنای «شنیدن» را می توان برای احساسات دیگر نیز بکار برد.

koku duymak	merhamet duymak	احساس تأسف کردن
acı duymak	korku duymak	(احساس) ترسیدن

احساسات

Siz haklısınız. شما درست می گوئید. (حق با شماست).
 Siz haksızsınız. شما اشتباه می کنید.
 Emin değilim. مطمئن نیستم.
 Öyle düşünmüyorum. گمان نمی کنم.
 Korkarım öyle değil. متأسفانه خیر.
 İnanılmaz. باورکردنی نیست.
 Ne kadar güzel! چه زیباست!
 O çok güzel! عالی است!
 Korkarım hata yapıyorsunuz. متأسفانه اشتباه می کنید.
 Üzgün hissediyorum. غمگین و افسرده ام.
 Çok iğrenç. نفرت انگیز است.
 Beni hasta ediyorsun. حال مرا به هم می زنی.
 Sakın olun, her şey yoluna girecek. آرام باشید، همه چیز درست می شود.
 Sinirlenmeyin. عصبی نباشید.
 Acele etmeyin. عجله نکنید.
 Onun söylediğini dikkate alma. به آنچه گفت توجه نکنید.

Onların söylediklerini dikkate alma.

به آنچه گفتند توجه نکنید.

Sakın olun!

خونسرد باشید! (آرام باشید!)

Moralinizi bozmayın!

آرامش خودت را حفظ کن! (اعصاب خودتان را خورد نکنید!)

Neşelenin biraz!

اخم هایتان را باز کنید! (کمی شاد باشید!)

Ne yazık!

چه بد!

Çok şaşırdım!

تعجب آور است!

Şaka yapıyor olmalısınız!

حتماً شوخی می کنید!

Aman Tanrım, bu ne dağınıklık!

وای خدای من، چه افتضاحی!

Ne kadar sersem!

چه احمقی!

Yeter artık!

کافی است!

Aman Tanrım!

آه خدای من!

Aman Allahım!

خدای من!

Tabi ki!

البته!

ساعت

saat kaç?

ساعت چند است؟

Kaçla kaç arasında arayayım seni?

بین چه ساعتی با تو تماس بگیرم؟



Saat oniki



saat iki buçuk



saat dördü çeyrek
geçiyor



saat yediye çeyrek
var



saat ona yermi
var



saat dokuzu yirmibeş
geçiyor



saat yarım



saat beşi beş
geçiyor

توجه کنید که **var** و **geçiyor** اصطلاحات مربوط به ساعت هستند به ترتیب به **kala** و **geçe** تبدیل می‌شوند و این در صورتی است که ذکر ساعت بخشی از یک جمله بزرگ‌تر باشد.

Saat dokuzar beş var. پنج دقیقه به نه مانده است.
 Susan saat dokuza beş kala gelir. سوزان ساعت پنج دقیقه به نه می‌آید.
 Saat ikiyi on geçiyor. ساعت دو و ده دقیقه است.
 İkiyi on geçe otobüs var. در ساعت دو و دو دقیقه یک اتوبوس می‌آید.

واژه‌های مربوط به زمان

24 saat, bir gün	دوره‌ی ۲۴ ساعته	saat kayışı/kordonu	بند ساعت
akrep	عقربه‌ی ساعت	saniye	ثانیه
dakika	دقیقه	saniye gösteren	ثانیه‌شمار
duvar saati	ساعت دیواری	saniye gösteren ibre	عقربه ثانیه شمار
kol saati	ساعت مچی	saniye göstergesi	عقربه‌ی ثانیه‌شمار
saatlerinde	ساعت دیواری	altın saat	ساعت طلا
saat	ساعت	yarım saat	نیم ساعت
saat göstergesi	عقربه‌ی ساعت شمار	yelkovan	ساعت
alarmlı saat	عقربه‌ی ثانیه‌شمار	çalar saat	ساعت زنگ دار
saatli radyo	ساعت رادیو دار	çeyrek saat	ربع ساعت

اصطلاحات مربوط به ساعت

24 saat, bir gün ve bir gece	دوره‌ی ۲۴ ساعته، شبانه‌روز
gezi üç gün üç gece sürdü	سفر سه شبانه‌روز طول کشید.
bir günde on saat uyurum	من روزی ۱۰ ساعت می‌خوابم.
gece gündüz	شبانه‌روزی، ۲۴ ساعته
günlük ritm	روال روزانه
saat	ساعت
bir zaman ölçüsü, günün 1/24 ü, 60 dakika	واحد زمانی، ۱/۲۴ شبانه‌روز، ۶۰ دقیقه
saatte iki kez	دو بار در ساعت
birkaç saatlik iş	کاری که چند ساعت طول بکشد.
pazartesi günü dışçide randevum var	دوشنبه برای دندان پزشکی وقت دارم.
son anda	در دقیقه‌ی نود (تقریباً خیلی دیر)
saatlerce	ساعت‌ها (چندین ساعت)

gecenin çok geç ve sabahın ilk saatlerinde	زمان بعد از نیمه شب و صبح روز بعد
derhal	به زودی
akşam saati	شامگاه
boş ders	ساعت بیکاری (در حین ساعت‌های مدرسه)
kum saati	ساعت شنی
akrep	عقربه‌ی ساعت شمار
saat doğru	ساعت درست کار می‌کند
saat...	ساعت ... است
saat on ikiyi gösterince	ساعت دوازده (وقتی ساعت دوازده را نشان می‌دهد)
saat gibi işlemek	مثل ساعت کار کردن (درست و دقیق کار کردن)
çeyrek saat	ربع ساعت
۱۵ dakika içinde	تا پانزده دقیقه‌ی دیگر
۱۵ dakikadır bekliyoruz	یک ربع ساعت است که منتظریم

هتل

رزرو (Rezervasyon)

Rezervasyon yaptırmıştım.	من اتاق رزرو کرده بودم.
Ben ve ailem için rezervasyon yapılmıştır.	رزرو اتاق برای من و خانواده‌ام انجام شده است.
Rezervasyonumu Tahran'dan onaylatmıştım.	من رزرو را در تهران تأیید کرده بودم.
Boş yeriniz var mı?	آیا جای خالی دارید؟
Bir oda istiyorum.	من یک اتاق می‌خواهم.
Tek kişilik bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق یک نفره می‌خواهم.
Çift kişilik bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق دوفنره می‌خواهم.
Lüks bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق لوکس می‌خواهم.
Rahat bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق راحت می‌خواهم.
Tek kişilik odanız var mı?	آیا برای یک نفر اتاق دارید؟
İki kişilik odanız var mı?	آیا برای دو نفر اتاق دارید؟
Üç kişilik odanız var mı?	آیا برای سه نفر اتاق دارید؟
Tuvaleti olan bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق با دستشویی می‌خواهم.
Duşlu bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق با دوش می‌خواهم.
Küvetli bir oda rica ediyorum.	من یک اتاق با وان می‌خواهم.

- Çift kişilik yatağı olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با تخت دونفره می‌خواهم.
- İki yatağı olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با دو تخت می‌خواهم.
- Büyük boy yatağı olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با یک تخت بزرگ می‌خواهم.
- Balkonlu bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با بالکن می‌خواهم.
- Televizyonu olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با تلویزیون می‌خواهم.
- Telefonu olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با تلفن می‌خواهم.
- Banyoda duş kabini var mı? آیا حمام‌هایی دارید که مجهز به کابین دوش باشد؟
- Banyoda saç kurutma makinesi var mı? آیا حمام‌هایی دارید که مجهز به سشوار باشد؟
- İki yataklı bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با دو تخت می‌خواهم.
- Üç yataklı bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با سه تخت می‌خواهم.
- Bizim ekstra yataklı ikiz odaya ihtiyacımız var. ما یک اتاق دو نفره با یک تخت اضافی نیاز داریم.
- Odamıza ekstra yatak koyabilir misiniz? امکان دارد یک تخت اضافی در اتاق بگذارید؟
- Odamıza çocuk yatağı koyabilir misiniz? امکان دارد یک تخت بچه در اتاق بگذارید؟
- Odamıza karyola koyabilir misiniz? امکان دارد یک تختخواب تاشو در اتاق بگذارید؟
- Daha iyi bir şey var mı? آیا چیز بهتر دارید؟
- Daha ucuz bir şey var mı? آیا چیز ارزان‌تر دارید؟
- Daha az pahalı bir şey var mı? آیا چیز با قیمت مناسب‌تری دارید؟
- Daha büyük bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق بزرگتر به من نشان دهید؟
- Daha küçük bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق کوچکتر به من نشان دهید؟
- Daha iyi bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق بهتر به من نشان دهید؟
- Daha ucuz bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق ارزان‌تر به من نشان دهید؟
- Daha aydınlık bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق روشن‌تر به من نشان دهید؟
- Daha sessiz bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق ساکت‌تر به من نشان دهید؟
- Deniz manzaralı oda var mı? آیا اتاقی رو به دریا دارید؟
- Bir geceliği ne kadar? شبی چند است؟
- Bir haftalığı ne kadar? هفته‌ای چند است؟
- Oda kahvaltısı ne kadar? با تختخواب و صبحانه چند است؟
- Yemek hariç ne kadar? بدون غذا چند است؟
- Servis ücreti ve vergi ne kadar? هزینه سرویس و مالیات چقدر است؟
- Servis ücreti dahil mi? آیا هزینه سرویس را شامل می‌شود؟

Kahvaltı dahil mi?	آیا صبحانه را شامل می‌شود؟
Fiyata kahvaltı dahil mi?	آیا این قیمت شامل صبحانه است؟
Fiyata vergi dahil mi?	آیا این قیمت شامل مالیات فروش است؟
Fiyata servis ücreti dahil mi?	آیا این قیمت شامل هزینه سرویس است؟
Kahvaltı dahil bir oda ne kadar?	اتاق با صبحانه چند است؟
Kahvaltı dahil bir gecelik ne kadar?	شبی با صبحانه چند است؟
Ücreti ne kadar?	قیمت آن چند است؟
Depozitoya ihtiyacınız var mı?	آیا ودیعه می‌خواهید؟
Pasaportuma ihtiyacınız var mı?	آیا گذرنامه مرا می‌خواهید؟
Odayı boşaltma saati kaç?	زمان تحویل اتاق چه ساعتی است؟
Başka bir otel tavsiye eder misiniz?	آیا می‌توانید هتل دیگری را پیشنهاد کنید؟
Yakında başka bir otel var mı?	آیا هتل دیگری در این نزدیکی وجود دارد؟
Bu odayı bir günlüğüne kullanacağım.	من این اتاق را برای یک روز می‌گیرم.
Bu odayı bir geceliğine kullanacağım.	من این اتاق را برای یک شب می‌گیرم.
Bu odayı bir haftalığına kullanacağım.	من این اتاق را برای یک هفته می‌گیرم.
Bu odayı bir aylığına kullanacağım.	من این اتاق را برای یک ماه می‌گیرم.
2 gece kalacağım.	من دو شب خواهم ماند.
15 Haziran'a kadar kalacağım.	من تا پانزدهم ژوئن خواهم ماند.
5 Ağustos'a kadar kalacağım.	من تا پنجم اوت خواهم ماند.
30 Temmuz'a kadar kalacağım.	من تا سیام جولای خواهم ماند.
Benim adım ...	نام من ... است.

کلمات مفید

Boş yer var.	اتاق خالی موجود است.	Müdür	سرپرست
Boş yer yok.	اتاق خالی موجود نیست.	Yönetici	مدیر
Resepsiyon	پذیرش	(elektronik) anahtar	کلید (الکترونیکی)
Resepsiyoner	مسئول پذیرش	Viza Desteği	پشتیبانی برای گرفتن ویزا
Kahvaltı büfesi	صبحانه بوفه		

سرویس (servis)

Oda servisiniz var mı?	آیا سرویس برای اتاق وجود دارد؟
------------------------	--------------------------------

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Oda servisi lütfen. سرویس اتاق، لطفاً.

Oda numaram ... شماره اتاق من ... است.

Girin. بفرمایید تو.

Bazı değerli eşyalarımı emanet kasasına koymak istiyorum.

من می‌خواهم بعضی از اشیاء با ارزشم را در صندوق امانات بگذارم.

Değerli eşyalarımı geri almak istiyorum. من می‌خواهم اشیاء با ارزش خود را پس بگیرم.

Valizimi lütfen odama gönderir misiniz? امکان دارد لطفاً اثاثیه مرا به اتاقم بفرستید؟

Valizim için lütfen birini yollar mısınız? لطفاً یک نفر را برای بردن اثاثیه من بفرستید.

Bu valizi benim için saklar mısınız? آیا امکان دارد این چمدان را برای من نگه دارید؟

Valizimi geri alabilir miyim? امکان دارد اثاثیه‌ام را پس بگیرم؟

Odamda tıraş makinem için priz var mı? آیا برای ریش تراش برقی پریز برق در اتاق من هست؟

Odamda tıraş makinem için adaptör var mı?

آیا برای ریش تراش برقی آداپتور در اتاق من هست؟

Lütfen biraz sıcak su getirin. لطفاً برای من مقداری آب جوش بیاورید.

Lütfen bir battaniye getirin. لطفاً برای من یک پتو بیاورید.

Kablolu televizyonu nasıl kullanabilirim? چگونه می‌شود از تلویزیون کابلی استفاده کرد؟

Dış hat kullanabilir miyim? چگونه می‌توانم یک خط آزاد برای تماس با بیرون از هتل بگیرم؟

Uluslararası kodunuzu biliyor musunuz? آیا می‌دانید کد بین‌المللی شما چیست؟

Amerika'nın ülke kodu nedir? کد کشور آمریکا چیست؟

İran'nın ülke kodu nedir? کد کشور ایران چیست؟

Yemek saatleri ne zaman? در چه ساعاتی غذا داده می‌شود؟

Kahvaltımı odamda yapabilir miyim? آیا می‌توانم صبحانه را در اتاقم میل کنم؟

Kahvaltımı odama lütfen saat 7:00'de yollayın. لطفاً صبحانه‌ام را ساعت هفت بفرستید.

Yarın sabah için kahvaltı siparişi vermek istiyorum.

من می‌خواهم صبحانه فردا را سفارش دهم.

İşte siparişim. این سفارش من است.

Yürüebilir miyim yoksa taksi mi çağırayım? آیا می‌توانم پیاده بروم یا باید تاکسی بگیرم؟

Benim için telefon notu var mı? آیا من پیغام تلفنی دارم؟

Benim için mektup var mı? آیا من نامه دارم؟

Beni arayan oldu mu? آیا کسی با من تماس گرفت؟

Lütfen, otelin adresi olan bir kartvizit verin.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

لطفاً یک کارت ویزیت را که نشانی هتل روی آن نوشته شده باشد به من بدهید.

Bunun yıkanmasını istiyorum, lütfen.

من می‌خواهم این را بشویید.

Buna dikkat edin. Saf ipektir.

لطفاً مراقب آن باشید. ابریشم خالص است.

Bu çamaşırları yıkamaya gönderir misiniz?

آیا امکان دارد این لباس‌ها را به خشکشویی بفرستید؟

Bu takımını temizleyip ütüler misiniz?

امکان دارد این کت و شلوار را خشکشویی و اتو کنید؟

Bu bluzlara lütfen dikkatli davranır mısınız?

امکان دارد لطفاً مراقب این بلوزها باشید؟

Bu düğmeleri diker misiniz?

آیا می‌توانید این دکمه‌ها را بدوزید؟

Bu lekeyi çıkartabilir misiniz?

آیا می‌توانید این لکه را پاک کنید؟

Ben beklerken bu pantolonları ütüler misiniz?

آیا می‌توانید این شلوار را در مدتی که منتظر می‌مانم اتو کنید؟

Bunu lütfen ütöletin.

لطفاً این را اتو کنید.

Kıyafetlerim ne zaman hazır olur?

لباس‌هایم کی آماده خواهند شد؟

Saat beşe kadar hazır olması gerekiyor.

باید تا ساعت پنج حاضر شود.

Beni saat yedide uyandırır mısınız?

آیا امکان دارد لطفاً مرا ساعت هفت بیدار کنید؟

Aynı gün alabilir miyim?

سرویس همین روز؟

Lütfen bu odayı temizleyin.

لطفاً این اتاق را مرتب کنید.

Taksi çağırabilir misiniz?

امکان دارد لطفاً یک تاکسی صدا کنید؟

Taksiyle havaalanına gitmek ne kadar sürer?

تا فرودگاه با تاکسی چقدر طول می‌کشد؟

Mektuplarımı ev adresime gönderebilir misiniz?

آیا امکان دارد لطفاً نامه‌هایم را به نشانی خانه‌ام ارسال کنید؟

شکایات (şikayetler)

Benimle gelin.

با من بیایید.

Odam kötü kokuyor.

توی اتاقم بوی بدی می‌آید.

Televizyon çalışmıyor.

تلویزیون کار نمی‌کند.

Telefon çalışmıyor.

تلفن کار نمی‌کند.

Anahtar çalışmıyor.

کلید کار نمی‌کند.

Elektrik düğmesi çalışmıyor.

کلید برق کار نمی‌کند.

Buzdolabı çalışmıyor.	یخچال کار نمی کند.
Klima çalışmıyor.	سیستم تهویه مطبوع کار نمی کند.
Radyo çalışmıyor.	رادیو کار نمی کند.
Tuvalet kağıdı yok.	دستمال توالت نیست.
Sabun yok.	صابون نیست.
Televizyon yok.	تلویزیون نیست.
Soğuk su yok.	آب سرد نیست.
Sıcak su yok.	آب گرم نیست.
Kilit kırılmış.	قفل شکسته است.
Kapı kırılmış.	در شکسته است.
Lavabo tıkanmış.	دستشویی گرفته است.
Tuvalet tıkanmış.	توالت گرفته است.
Pencere açılmıyor.	پنجره باز نمی شود.
Pencere kapanmıyor.	پنجره بسته نمی شود.
Odam çok sıcak.	اتاق من خیلی گرم است.
Odam çok soğuk.	اتاق من خیلی سرد است.
Odamda böcekler var.	در اتاق من حشره است.
Odamızda böcekler var.	در اتاق ما حشره است.
Bu odada böcekler var.	در این اتاق حشره است.
Odamı değiştirmek istiyorum.	من می خواهم اتاقم را عوض کنم.
Hala sipariş ettiğim kahvaltıyı bekliyorum.	من هنوز منتظر صبحانه ای هستم که سفارش داده ام.

Bir hata olmalı. Bunlar benim değil.	باید اشتباهی شده باشد. این ها مال من نیستند.
Odam temizlenmemiş.	اتاق من تمیز و مرتب نشده است.
Bu lekeler çıkmamış.	این لکه ها پاک نشده اند.
Bu kan lekesi.	این لکه خون است.
Çift kişilik yatak rezervasyonu yaptırmıştım ama odamda ikiz yatak var.	من یک اتاق با تخت دونفره رزرو کرده بودم اما یک اتاق دو تخته به من دادند.
Bu oda çok küçük. Daha büyük bir odanız var mı?	این اتاق خیلی کوچک است. آیا اتاق بزرگتری دارید؟

کلمات مفید

çaydanlık	کتری	musluk	شیر آب
buzdolabı	یخچال	lavabo	لگن دستشویی
lamba	لامپ	duş	دوش
klima	تهویه مطبوع	elektrik düğmesi	کلید برق
fan	پنکه	televizyon	تلویزیون
ısıtma	سیستم گرمایشی	telefon	تلفن

پرداخت (ödeme)

Odayı boşaltıyorum.	من دارم اتاق را تحویل می‌دهم.
Yarın ayrılıyorum.	من فردا از هتل می‌روم.
Bir gün erken ayrılmak istiyorum.	من می‌خواهم یک روز زودتر بروم.
Ziyaret süremi birkaç gün daha uzatmak istiyorum.	من می‌خواهم اقامتم را چند روز دیگر تمدید کنم.
Şimdi ödeyebilir miyim?	آیا می‌توانم حالا پرداخت کنم؟
Daha sonra ödeyebilir miyim?	آیا می‌توانم بعداً پرداخت کنم؟
Nakit ödeyeceğim.	من نقد پرداخت می‌کنم.
Kredi kartı ile ödeyeceğim.	من با کارت اعتباری پرداخت می‌کنم.
Hesap alabilir miyim?	امکان دارد صورتحساب را به من بدهید؟
Hesabı görebilir miyim?	امکان دارد صورتحساب را ببینم؟
Ayrıntılı fiş alabilir miyim?	امکان دارد یک صورتحساب مورد به مورد به من بدهید؟
Fatura alabilir miyim?	امکان دارد رسید به من بدهید؟
Bu hesap ne için?	این صورتحساب برای چیست؟
Bunu biraz pahalı buluyorum.	به نظرم کمی گران می‌آید.
Mini-bar için ne kadar ödüyorum?	هزینه مینی بار من چقدر شد؟
Oda servisi için ne kadar ödüyorum?	هزینه سرویس اتاق من چقدر شد؟
Pardon, bu benim imzam değil.	متأسفم، این امضای من نیست.
Kredi kartı kabul ediyor musunuz?	آیا کارت اعتباری قبول می‌کنید؟
Seyahat çeki kabul ediyor musunuz?	آیا چک مسافرتی قبول می‌کنید؟
Benim için taksi çağırın lütfen.	لطفاً یک تاکسی برای من سفارش دهید.

Çok memnun kaldım.

من از اقامتم لذت بردم.

امکانات (hizmetler)

Restoran nerede?

رستوران کجاست؟

Burada snack bar var mı?

آیا در اینجا ساندویچ فروشی هست؟

Odamda mini-bar var mı?

آیا در اتاق من مینی بار هست؟

Otelinizin kablolu televizyonu var mı?

آیا هتل تلویزیون کابلی دارد؟

Otelinizin çamaşırhanesi var mı?

آیا هتل سرویس خشکشویی دارد؟

Otelinizin havuzu var mı?

آیا هتل استخر شنا دارد؟

Otelinizin saunası var mı?

آیا هتل سونا دارد؟

Otelinizin garajı var mı?

آیا هتل گاراژ دارد؟

Otelinizin güzellik salonu var mı?

آیا هتل سالن آرایش و زیبایی دارد؟

Otelinizin hediyelik eşya mağazası var mı?

آیا هتل مغازه فروش سوغات دارد؟

Otelinizin restoranı var mı?

آیا هتل رستوران دارد؟

Otelinizin barı var mı?

آیا هتل بار دارد؟

Çocuklar için tesisleriniz var mı?

آیا امکاناتی برای کودکان دارید؟

Engelliler için tesisleriniz var mı?

آیا امکاناتی برای افراد معلول دارید؟

Acil çıkış kapısı nerede?

راه خروج اضطراری کجاست؟

اجاره (kiralamak)

Kiralık daire arıyorum.

من می‌خواهم یک آپارتمان برای اجاره پیدا کنم.

Kiralık ev arıyorum.

من می‌خواهم یک خانه برای اجاره پیدا کنم.

İki odalı bir daire kiralamak istiyorum.

من می‌خواهم یک آپارتمان دو خوابه اجاره کنم.

İki odalı bir ev kiralamak istiyorum.

من می‌خواهم یک خانه دو خوابه اجاره کنم.

Mobilyalı bir daire tercih ederim.

یک آپارتمان مبله را ترجیح می‌دهم.

Depozito ne kadar?

پیش پرداخت چقدر است؟

Aylık kira ne kadar?

نرخ ماهانه چقدر است؟

Garaj kiralamam mümkün mü?

آیا امکان اجاره گاراژ وجود دارد؟

Anahtarları nereden alabilirim?

کلیدها را باید از کجا بگیریم؟

Elektrik saati nerede?

کنتور برق کجاست؟



Sigorta kutusu nerede?	جعبه فیوز کجاست؟
Valf nerede?	شیر اصلی آب کجاست؟
Şofben nerede?	آبگرمکن کجاست؟
Yedek sigorta kutusu var mı?	آیا فیوز یدکی هست؟
Yedek gaz deposu var mı?	آیا کپسول گاز یدکی هست؟
Yedek çarşaf var mı?	آیا ملافه اضافه هست؟
Hizmetçi hangi gün geliyor?	خدمتکار چه روزی می آید؟
Çöpü nereye çıkartayım?	زباله را کجا باید بیرون بگذارم؟
Çöpü ne zaman çıkartayım?	زباله را چه موقع باید بیرون بگذارم؟
Fırın nasıl çalışıyor?	اجاق گاز چطور کار می کند؟
Şofben nasıl çalışıyor?	آبگرمکن چطور کار می کند؟
Çaydanlık bozuldu.	کتری خراب شد.
Sıcak su deposu bozuldu.	مخزن آبگرمکن خراب شد.
Dondurucu bozuldu.	یخچال خراب شد.
Lamba bozuldu.	لامپ خراب است.
Çamaşır makinesi bozuldu.	ماشین لباسشویی خراب است.

کلمات مفید

tencere	قابلمه	battaniyeler	پتو
çatal bıçak takımı	سرویس قاشق و چنگال	elektrik süpürgesi	جارو برقی
fırın	اجاق	bulaşık deterjanı	مایع ظرفشویی
kızartma tavası	ماهیتابه	yer sabunu	مایع کفشویی
kaplar	ظروف	sünger	اسفنج
çamaşır makinesi	ماشین لباسشویی	kap kacak	قابلمه
ocak	فر		

ممکن است بشنوید

Rezervasyonunuz var mı?	آیا رزرو کرده اید؟
Nasıl bir oda istersiniz?	چه نوع اتاقی می خواهید؟
Oda numaranız ...	شماره اتاق شما ... است.
Şu anda odamız yok maalesef.	متأسفم در حال حاضر اتاق خالی نداریم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

- Tek kişilik odamız kalmadı. اتاق یک نفره خالی نمانده است.
- Çift kişilik odamız kalmadı. اتاق دو نفره خالی نمانده است.
- Kaç gece için? برای چند شب؟
- Odayı boşaltma saatiniz ... زمان تحویل اتاق ... است.
- Oda servisi saat başı vardır. ارائه سرویس برای اتاق بیست و چهار ساعته است.
- Oda servisi sabah saat altı'dan akşam on'a kadar vardır. ارائه سرویس برای اتاق از ۶ صبح تا ۱۰ شب است.
- Kahvaltı saat sekiz ile on arası vardır. صبحانه از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح داده می‌شود.
- Ziyaretinizden memnun kaldınız mı? آیا از اقامت خود لذت بردید؟
- Servis ücreti dahil değil. شامل هزینه سرویس نیست.
- Kahvaltı dahil değil. شامل صبحانه نیست.
- Mesajınız var. شما یک پیغام دارید.
- Mektubunuz var. شما نامه دارید.
- Faturanızda uluslararası telefon görüşmeleri dahil edilmiştir. تماس‌های بین المللی داخل صورتحساب شده‌اند.
- Faturanızda uluslararası telefon görüşmeleri dahil edilmemiştir. تماس‌های بین المللی داخل صورتحساب نشده‌اند.
- Nasıl ödemek istersiniz? چگونه می‌خواهید مبلغ آن را بپردازید؟
- Kredi kartı kabul ediyoruz. ما کارت اعتباری قبول می‌کنیم.
- Çek kabul ediyoruz. ما چک قبول می‌کنیم.
- Nakit kabul ediyoruz. ما پول نقد قبول می‌کنیم.

ضرب المثل

- Anasına bak, kızını al. مادر را ببین دختر را بگیر.
- Beş parmak bir değil. پنج انگشت یکی نمی‌شود..
- Çocuktan al haberi. حرف راست را از بچه بشنو.

اصطلاحات

- Canı tez: بی صبر - کسی که تحمل انتظار ندارد. آدم شتابزده
- Canı yanmak:

۱- یک درد فیزیکی حس کردن ۲- در یک کاری ضرر دیدن ۳- یک درد معنوی احساس نمودن

Canlı cenaze:

جنازه زنده-مردنی-کنایه از انسان خیلی لاغر و ناتوان یا کسی که از لاغری استخوانهایش بیرون زده است.

Cebi delik:

جیبش سوراخ. کنایه از آدم بی پول یا کسی که نمیتونه پول تو جیبش نگه داره

Caka satmak:

افاده فروختن

Can evi:

۱. حساس ترین نقطه بدن. ۲. قلب

Çar çur etmek:

پول خود را درجایی غیر ضروری خرج کردن و تمام کردن

Çarşaf gibi:

بدون موج , بسیار صاف وراکد.

Çenesi düşük:

پرحرف. کسی که حرف های غیر ضروری میزنه

Çifte kumrular:

کنایه از کسانی که همدیگر رو خیلی دوست دارند و نمیخواهند جدا شوند.



... severim - (y) I severim - (y) E bayılırım -DEn zevk alırım -DEn hoşlanırım	... pek/hiç sevrnem - (y) I pek/hiç sevmem -DEn pek/hiç hoşlanmam -DEn pek/hiç zevk almam	-DEn nefret ederim
--	--	--------------------

Klasik müzik sever misiniz?
Sabahları dinlemeyi çok severim.
Ben hiç sevmem.

آیا موسیقی کلاسیک دوست دارید؟
گوش دادن به آن را صبحها خیلی دوست دارم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

من اصلاً دوست ندارم.

Sinemada Lurel Hardı'nın bir filmi var.
Ay, komik filmlerinden nefret ederim.

در سینما یک فیلم از «لورل هاردی» گذاشته‌اند.
آه، از فیلم‌های کمدی بدم می‌آید.

İstanbullu halkı bayılırım.
Neden?
Hep gülüryüzlü olurlar.

مردمان استانبول را خیلی دوست دارم.
چرا؟

آن‌ها همیشه خوش‌رو و بانشاط هستند.

Hobileriniz var mı?
Evet, okumaktan çok zevk alırım. Yürümeyi severim. Pul ve kibrit kutusu koleksiyonu yaparım. Yemek pişirmekten de hoşlanırım.
Aa, yemeği eşiniz pişirmez mi?
O pek sevmez.

آیا سرگرمی‌هایی دارید؟

بله، از مطالعه کردن خیلی لذت می‌برم. پیاده روی را دوست دارم. کلکسیون تمبر و قوطی کبریت جمع می‌کنم. از غذا درست کردن نیز خوشم می‌آید.

آه، مگر غذا را همسرتان درست نمی‌کند (نمی‌پزد) ؟
او (این کار را) خیلی دوست ندارد.

صفات ظاهری انسان‌ها

kısa boylu	کوتاه	kumral	شاه بلوطی
uzun boylu	بلند	esmer	سبزه-تیره
şişman	چاق	uzun/kısa saçlı	با موی کوتاه/بلند
zayıf	لاغر	düz/dalgalı/kıvrırcık saçlı	با موی صاف/موج دار/مجعد
genç	جوان	kahverengi gözlü	چشم قهوه‌ای
orta yaşlı	میان سال	yuvarlak/uzun yüzlü	با صورت گرد/دراز
ihtiyar	پیر	yeşil/mavi	سبز/آبی
sarışın	بور		

خصوصیات خلق و خوی

gülyüzlü	خوش‌رو، با نشاط	sinirli	عصبی
konuşkan	حراف، پر حرف	asık suratlı	تند مزاج، ترش رو
iyi huylu	خوش مشرب	sessiz	آرام
neşeli	شاد	huysuz	بد اخلاق
sempatik	صمیمی	ters	خشن
nazik	مو دب	antipatik	منفور
akıllı	عاقل	kaba	بی تربیت
kültürlü	تحصیل کرده	akılsız	بی عقل
utangaç	خجالتی	kültürsüz	بی سواد
iyimser	خوش بین	cesur	شجاع
yardımsever	کمک کننده	kötümser	بد بین
sakin	ساکت	misafirperver	مهمان نواز

آرایشگاه

Saç kesimi için randevu almak istiyorum.	من می‌خواهم برای کوتاه کردن مو وقت بگیرم.
Ne kadar beklemem gerekiyor?	چه مدت باید منتظر بمانم؟
Beklerken nerede oturabilirim?	کجا می‌توانم مدت کوتاهی بنشینم؟
Saçımı yaptırmak istiyorum.	من یک مدل موی جدید می‌خواهم.
Yeni bir saç kesimi istiyorum.	من می‌خواهم موی مرا کوتاه کنید.
Saçımı kestirmek ve fön çektiirmek istiyorum.	می‌خواهم موی مرا کوتاه کنید و سشوار بکشید.
Lütfen saçımı yıkayın ve şekillendiriniz.	لطفاً موی مرا شامپو بزنید و مدل دهید.
Saç sakal lütfen.	لطفاً موی مرا کوتاه کنید و ریش مرا بتراشید.
Saçımı kestirmek istiyorum.	من می‌خواهم مویم را کوتاه کنم.
Saçımı yaptırmak istiyorum.	من می‌خواهم که به موی من مدل دهید.
Manikür yaptırmak istiyorum.	من می‌خواهم برایم مانیکور کنید.
Pedikür yaptırmak istiyorum.	من می‌خواهم برایم پدیکور کنید.
Saçımı yıkatmak istiyorum.	من می‌خواهم موهایم را شامپو بزنید.
Tıraş olmak istiyorum.	من می‌خواهم ریشم را بتراشم.
Yüz bakımı yaptırmak istiyorum.	من می‌خواهم ماسک صورت برایم بگذارید.
Masaj yaptırmak istiyorum.	من می‌خواهم که مرا ماساژ بدهید.
Balmumu ile tüy almak istiyorum.	من می‌خواهم اپیلاسیون کنم.
Saçımı yıkatmak istiyorum.	لطفاً موی مرا بشویید.

Saçımı kestirmek istiyorum.	لطفاً موی مرا کوتاه کنید.
Saçımı kıvrıcık yaptırmak istiyorum.	لطفاً موی مرا فر کنید.
Saçımı düzleştirmek istiyorum.	لطفاً موی مرا صاف کنید.
Saçımı şekillendirmek istiyorum.	لطفاً موی مرا مدل دهید.
Kısa kesin, lütfen.	لطفاً کوتاهش کنید.
Sadece saçlarım ucunu kesip düzeltiniz, lütfen.	لطفاً فقط مرتبش کنید.
Sadece kenarlardan alın.	فقط کمی از اطراف را کوتاه کنید.
Sakalımı düzeltin, lütfen.	لطفاً ریش من را کوتاه کنید.
Bıyığımı düzeltin, lütfen.	لطفاً سبیل من را کوتاه کنید.
Favorilerimi düzeltin, lütfen.	لطفاً خط ریش من را کوتاه کنید.
Çok kısa olmasın.	خیلی کوتاه نشود.
Biraz renk katabilir misiniz?	ممکن است کمی رنگ اضافه کنید؟
Yumuşak perma, lütfen.	یک فر دائم نرم، لطفاً.
Buradan biraz daha kesin, lütfen.	یک کم دیگر از اینجا را لطفاً کوتاه کنید.
Ensemi biraz daha kısaltır mısınız?	لطفاً یک کم دیگر از پشت گردن را کوتاه کنید.
Önümü biraz daha kısaltır mısınız?	لطفاً یک کم دیگر از جلو را کوتاه کنید.
Arkamı biraz daha kısaltır mısınız?	لطفاً یک کم دیگر از عقب را کوتاه کنید.
Yanları biraz daha kısaltır mısınız?	لطفاً یک کم دیگر از بغل‌ها را کوتاه کنید.
Tepemi biraz daha kısaltır mısınız?	لطفاً یک کم دیگر از بالا را کوتاه کنید.
Saçıma fön çekin lütfen.	لطفاً موی مرا با سشوار بکشید.
Jöle kullanın, lütfen.	لطفاً از ژل استفاده کنید.
Köpük kullanın, lütfen.	لطفاً از موس استفاده کنید.
Cıla kullanın, lütfen.	لطفاً از روغن استفاده کنید.
Kısa bir kesim istiyorum.	لطفاً مویم را کوتاه کنید.
Uçları içe kıvrın, lütfen.	لطفاً انتهای مو را به داخل فر کنید.
Uçları dışa kıvrın, lütfen.	لطفاً انتهای مو را به بیرون فر کنید.
Saçımı ortadan ayırın, lütfen.	لطفاً فرق مرا از وسط باز کنید.
Saçımı sol tarafa ayırın, lütfen.	لطفاً فرق مرا از سمت چپ باز کنید.
Saçımı sağ tarafa ayırın, lütfen.	لطفاً فرق مرا از سمت راست باز کنید.
Saçımı geriye tarayın lütfen.	لطفاً موی مرا به سمت عقب شانه کنید.
Saçıma saç spreyi sıkın, lütfen.	لطفاً مدل مو را با اسپری مو ثابت کنید.

Saç spreyi kullanmayın, lütfen. لطفاً بدون اسپری مو.

Başıma masaj yapar mısınız? می شود پوست سرم را ماساژ بدهید.

Tırnaklarıma cila sürdürmek istiyorum. من می خواهم ناخن هایم را برق لاک بزنم.

Tırnaklarıma oje sürdürmek istiyorum. من می خواهم ناخن هایم را لاک بزنم.

Tırnaklarıma manikür yaptırmak istiyorum. من می خواهم برایم ناخن هایم را لاک بزنم.

Kaşlarımı alır mısınız? لطفاً ممکن است ابروهای مرا بردارید؟

Ağda yapıyor musunuz? آیا شما اپیلاسیون می کنید؟

Bacaklarıma ağda yaptırmak istiyorum. می خواهم پاهایم را اپیلاسیون کنید.

Cilt bakımı yaptırmak istiyorum. لطفاً پوستم را تمیز کنید.

Tırnaklarımı törpülemenizi ve şekillendirmenizi istiyorum.

من می خواهم که ناخن هایم را شکل دهید و لاک بزنید.

کلمات مربوط به آرایشگاه

kuaför	آرایشگاه	sürekli boya	رنگ دائمی
güzellik salonu	سالن زیبایی	yarı-kalıcı boya	رنگ نیمه دائم
stilist	آرایشگر	folyo örgü	های لایت کردن با فویل
makyaj	آرایش	spa	آبگرم
röfle	های لایت	bakım kremi	نگهداری مو
kıvrıcık	فر	saç bakımı	ترمیم مو
dalgalı	ویو	kıvrıcık	فر کوتاه مدت
kâkül	موی چتری	saç örgüsü	بافتن مو
at kuyruğu	موی دم اسبی	ek saç	کلاه گیس برای بلند کردن مو
boya	رنگ	ek tırnak	ناخن مصنوعی
klasik manikür	مانیکور کلاسیک	tırnak onarma	ترمیم ناخن
Fransız manikür	مانیکور فرانسوی	temizleme	پاک کردن/تمیز کردن
sıcak yağ manikürü	مانیکور روغن داغ	epilasyon	اپیلاسیون
pedikür	پدیکور	maske	ماسک
spa pedikürü	پدیکور در آبگرم	masaj	ماساژ
peeling	پیلینگ		

تصحیح کردن گفتار

Bolşey tiyatrosu bu sene gene geliyor.
Ne zaman? Ağustos'ta mı?
Eylül'de.

(گروه) تئاتر بولشوی امسال دوباره می آید.
چه وقت؟ در ماه اوت؟
در سپتامبر.

Bu hafta sinemada Çarlı Çaplin'in filmi var.
Hangi filmi? Büyük Diktatör mü?
Hayır, yeni asır.

این هفته در سینما فیلم «چارلی چاپلین» را گذاشته اند.
کدام فیلم؟ «دیکتاتور بزرگ»؟
نه، «عصر جدید».

Çok enteresan bir roman okuyorum.
Kimin? Du Maurier'nin mi?
Yok Du Maurier sıkıcı. Bu Thomas Hardy'nin.

یک رمان خیلی جالب می خوانم.
از چه کسی؟ از «دوموریه»؟
نه، «دوموریه» کسا لت آور است. این از «توماس هاردی» است.

Beşiktaş bu maçı kaybetmez arkadaşım ... Beş gol atar ...
Nerede oynuyorlar, İstanbul'da mı?
Değil ama gene de kazanır.

«بشیکتاش» این مسابقه را نمی باز، رفیق. پنج گل می زند.
در کجا بازی می کنند، در استانبول؟
نه، ولی دوباره هم می برند.

Çocukları sirke götürmek lazım.
Kim götürüyor, sen mi?
Hayır, sen. Bu babaların işi.

باید بچه ها را به سیرک برد.
چه کسی می برد، آیا تو؟
نه، تو. این کار پدرشان است.

Tatilde oto-stop yapmaya gidiyoruz.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Nasıl gidiyorsunuz. arabayla mı?

Hayır taksiyle

در تعطیلات به اتو - استوپ (نوعی بازی) می‌رویم.

چطور می‌روید. با ماشین؟

خیر با تاکسی

Gene

این کلمه نیز مانند yine و tekrar (که گاهی به tekrardan تبدیل می‌شود) معنی «دوباره» می‌دهد.

Gene geliriz

دوباره خواهیم آمد.

Gene geldiler.

باز آمدند.

Gene de (هنوز، باز هم)

Kuyrukta çok bekledim, gene de bilet alamadım

در صف خیلی منتظر ماندم ولی هنوز نتوانستم بلیت بگیرم.

ابراز اطمینان / عدم اطمینان

yüzde yüz
garanti
eminim
muhakkak

sanıyorum
zannediyorum
gibime geliyor

Bu müzik Leonard Bernstein'in gibime geliyor.

Emin misin?

Hayır emin değilim ama öyle sanıyorum.

به نظرم می‌آید این موسیقی از «لئونارد برنشتاین» باشد.

مطمئن هستی؟

نه، مطمئن نیستم ولی این طور حدس می‌زنم.

Navratilova aslen Çekoslovakyalıdır.

Emin misin?

Eminim. yüzde, yüz.

«ناوراتیلوا» اصلاً اهل چک اسلواکی است.

مطمئنی؟

مطمئنم، صد درصد.

Bu akşam Hamlet'i oynuyorlar.

Sanmıyorum.

Ben eminim, bu akşam 'Hamlet' var.

امشب «هملت» را بازی می کنند.

فکر نمی کنم.

من مطمئنم. امشب «هملت» است.

Ali bu gece garanti sinemadadır.

Neden? sinema gitmeyi çok mu sever?

Bayılır. Muhakkak oradadır.

علی امشب حتماً در سینما خواهد بود.

چرا؟ مگر او خیلی سینما دوست دارد؟

او عاشق آن (سینما) است. قطعاً در آنجا است.

اصطلاحات

Can damarı:

مهمترین عنصر و یا مهمترین نقطه یک چیز

Canına kıymak:

خود کشی کردن. خود را کشتن

Cart curt etmek:

زهر چشم دادن. یا با هدف تمجید از کسی سخن اغراق آمیز گفتن

Çakı gibi:

سرزنده و چالاک. چابک

Çam yarması:

کنایه از انسان درشت اندام. که برای انسان های قوی هیکل به کار می رود

Çetin ceviz:

چیزی که شکستنش سخت است. گردو سخت پوست. کنایه از رقیبی که شکست دادنش سخته یا کاری که موفقیت در آن مشکل است.

Dünyayı toz pembe görmek:

خوشبین بودن. حتی به شرایط ناراحت کننده با چشم خوب نگریستن

Dünya yıkılsa umurunda değil:

دنیا خراب شه عین خیالش نیست. کنایه از انسان بی خیال و غیر مسئول

Dünkü çocuk:

کنایه از انسان ناشی و کم تجربه

Dünyanın öbür ucu:

کنایه از جای خیلی دور است.



Buralarda bir Turizm Danışma Bürosu var mı?

Var efendim. Şu köşeden karşıya geçin, düz yürüyün, trafik ışıklarında sağa dönün, ana yolu takip edin, sonra ilk caddeden sola sapın. Yolun ilerisinde bir meydan var. Turizm Bürosu onun ortasında.

Buradan uzak galiba.

Yok değil, buraya çok yakın. Yürüyerek on dakika sürer. Üniversitenin giriş kapısının karşısında

آیا در اینجاها اداره اطلاعات جهانگردی وجود دارد؟

بله هست آقا. از مقابل این نبش (گوشه) بگذرید، مستقیم بروید، از چراغ قرمز به راست بپیچید، خیابان اصلی را همچنان بروید، سپس از جاده اولی به چپ بپیچید. جلوتر یک میدان هست. اداره جهانگردی در وسط است. فکر می‌کنم از اینجا دور باشد.

نه نیست، به اینجا خیلی نزدیک است. پیاده دقیقه طول می‌کشد. آن روبروی درب ورودی دانشگاه است.

حمل و نقل محلی (yerel ulaşım)**اتوبوس/مترو (otobüs/metro)**

- En yakın otobüs durağı nerede? نزدیک ترین ایستگاه اتوبوس کجاست؟
- En yakın metro istasyonu nerede? نزدیک ترین ایستگاه مترو کجاست؟
- Bu otobüs oraya gidiyor mu? آیا این اتوبوس آنجا می رود؟
- Hangi otobüs şehir merkezine gidiyor? کدام اتوبوس به مرکز شهر می رود؟
- Hangi otobüs belediye merkezine gidiyor? کدام اتوبوس به شهرداری می رود؟
- ... için hangi hattı kullanmam lazım? برای ... باید کدام خط را سوار شوم؟
- Hava limanı için bir sonraki otobüs saat kaçta kalkıyor? اتوبوس بعدی برای فرودگاه چه ساعتی حرکت می کند؟
- Hava limanı için son otobüs saat kaçta kalkıyor? اتوبوس آخر برای فرودگاه چه ساعتی حرکت می کند؟
- Metro kaç saat çalışıyor? مترو تا چه ساعتی کار می کند؟
- Kart nereden alabilirim? از کجا می توانم کارت بخرم؟
- Bilet nereden alabilirim? از کجا می توانم بلیط بخرم؟
- Jeton nereden alabilirim? از کجا می توانم ژتون بخرم؟
- Bilet ücreti ne kadar? کرایه چقدر است؟
- Bu gidiş-dönüş bileti ne zamana kadar geçerli? یک بلیط رفت و برگشت چه مدت اعتبار دارد؟
- Birden çok yolculuk için indirimli tarifeler var mı? آیا کرایه برای چند بار سوار شدن تخفیفی دارد؟
- Grup için indirimli tarifeler var mı? آیا نرخ گروهی هم وجود دارد؟
- ... bilet lütfen. یک بلیط برای ...، لطفاً.
- Buraya bilet ücreti ne kadar? کرایه تا این محل چقدر است؟
- Valizim için ücret ne kadar? آیا باید برای وسایلم مبلغ اضافی بپردازم؟
- Aylık bilet alabilir miyim? آیا می توانم یک بلیط ماهانه بخرم؟
- Haftalık bilet alabilir miyim? آیا می توانم یک بلیط هفتگی بخرم؟
- Şehir merkezine gitmek ne kadar sürer? تا مرکز شهر چقدر طول می کشد؟
- İneceğim yeri lütfen bana söyleyin. لطفاً به من بگویید کجا پیاده شوم.
- Nerede inmeliyim? کجا باید پیاده شوم؟
- Burada inmek istiyorum lütfen. لطفاً مرا اینجا پیاده کنید.

Bir sonraki durak lütfen.	ایستگاه بعدی، لطفاً.
İniyor musunuz?	آیا پیاده می شوید؟
Saatte kaç defa var?	ساعتی چند بار است؟
Günde kaç defa var?	روزانه چند بار است؟
Metro ne zaman kapanıyor?	مترو چه ساعتی تعطیل می شود؟
Bu bileti iptal etmek istiyorum.	می خواهم این بلیط را باطل کنم.
Kapılara yaslanmayınız.	به درها تکیه ندهید.

کلمات مفید

tam	بزرگسال	metro haritası	نقشه مترو
otobüs	اتوبوس	tarife	جدول زمانی
kondüktör	مسئول بلیط	transfer	انتقال
çocuk	کودک	yere geçirmek	تعویض وسیله نقلیه
yol parası	کرایه	turnike	نرده
bilet	بلیط	Girilmez	ورود ممنوع
jeton	ژتون	Giriş	درب ورودی
rota	مسیر	Şehire çıkış	خروج به سمت شهر
otobüs durağı	ایستگاه اتوبوس	Çıkış yolu	راه خروج

تاکسی (taksi)

Taksi!	تاکسی!
Taksi durağı nerede?	ایستگاه تاکسی کجاست؟
Benim için taksi çağırır mısınız?	آیا ممکن است برای من یک تاکسی صدا کنید؟
Taksi nerede bulabilirim?	از کجا می توانم تاکسی بگیرم؟
Taksi nerede bulabiliriz?	از کجا می توانیم تاکسی بگیریم؟
Şimdi bir taksi rica ediyorum.	من همین حالا تاکسی می خواهم.
Bir saat içinde bir taksi rica ediyorum.	من یک ساعت دیگر تاکسی می خواهم.
Yarım saat içinde bir taksi rica ediyorum.	من نیم ساعت دیگر تاکسی می خواهم.
Boş musunuz?	آیا آزاد هستید؟
Beni hava limanına götürün lütfen.	لطفاً مرا به فرودگاه ببرید.

Beni şehire götürün lütfen.	لطفاً مرا به شهر ببرید.
Beni tren istasyonuna götürün lütfen.	لطفاً مرا به ایستگاه قطار ببرید.
Beni bu adrese götürün lütfen.	لطفاً مرا به این نشانی ببرید.
Beni bu otele götürün lütfen.	لطفاً مرا به این هتل ببرید.
Beni merkeze götürün lütfen.	لطفاً مرا به مرکز ببرید.
Beni oraya götürün lütfen.	لطفاً مرا آنجا ببرید.
Beni şehir merkezine götürün lütfen.	لطفاً مرا به مرکز شهر ببرید.
Hava limanına gitmek ne kadar tutar?	کرایه تا فرودگاه چقدر می‌شود؟
Şehire gitmek ne kadar tutar?	کرایه تا شهر چقدر می‌شود؟
Tren istasyonuna gitmek ne kadar tutar?	کرایه تا ایستگاه قطار چقدر می‌شود؟
Bu adrese gitmek ne kadar tutar?	کرایه تا این نشانی چقدر می‌شود؟
Çok pahalı.	خیلی زیاد است.
Ekstra ücret var mı?	هزینه دیگری هم هست؟
Taksimetre nerede?	تاکسی متر کجاست؟
Taksimetre lütfen.	تاکسی متر، لطفاً.
En kısa yoldan lütfen.	کوتاه‌ترین مسیر.
Acelem var.	عجله دارم.
Yavaşlayın	سرعت خود را کم کنید.
Düz gidin.	مستقیم بروید.
Sağa.	به راست.
Sola.	به چپ.
Burada durun.	اینجا بایستید.
Bekleyebilir misiniz?	می‌توانید منتظر شوید؟
Borcum ne kadar?	چه قدر باید بپردازم؟
Bu sizin için.	این برای شماست.
Paramın üstü lütfen.	بقیه پولم، لطفاً.
Üstü kalsın.	بقیه‌اش مال خودت.

کرایه ماشین (araba kiralama)

Nereden araba kiralayabilirim?	از کجا می‌توانم یک ماشین کرایه کنم؟
Araba kiralayabilir miyim?	آیا می‌توانم یک ماشین کرایه کنم؟
Tek kapılı bir araba kiralamak istiyorum.	من می‌خواهم یک ماشین دو در کرایه کنم.

Dört kapılı bir araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین چهار در کرایه کنم.
 Araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین کرایه کنم.
 Kamyonet kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ون کرایه کنم.
 Motosiklet kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک موتورسیکلت کرایه کنم.
 Moped kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک موتور اسکوتر کرایه کنم.
 Bisiklet kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک دوچرخه کرایه کنم.
 Şoförlü bir araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین با راننده کرایه کنم.
 Şoförsüz bir araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین بدون راننده کرایه کنم.
 Küçük bir araba tercih ederim. من یک ماشین کوچک را ترجیح می‌دهم.
 Büyük araba tercih ederim. من یک ماشین بزرگ را ترجیح می‌دهم.
 Otomatik vites tercih ederim. من دنده اتوماتیک را ترجیح می‌دهم.
 Yanımda hangi bölgelerin bulunması gerekiyor? چه مدارکی باید همراه من باشد؟
 Bu benim uluslararası sürücü iznim. این مجوز بین المللی رانندگی من است.
 Bu arabayı iki günlüğüne kiralamak istiyorum. من می‌خواهم این ماشین را برای دو روز کرایه کنم.

Saati ücreti ne kadar? کرایه ساعتی چقدر می‌شود؟
 Günlüğü ücreti ne kadar? کرایه روزانه چقدر می‌شود؟
 Hafta sonu için ücreti ne kadar? کرایه آخر هفته‌ای چقدر می‌شود؟
 Haftalığı ücreti ne kadar? کرایه هفته‌ای چقدر می‌شود؟
 Aylığı ücreti ne kadar? کرایه ماهی چقدر می‌شود؟
 Kilometre başına ücreti ne kadar? کرایه کیلومتری چقدر می‌شود؟
 Ücrete sigorta dahil mi? آیا این قیمت شامل بیمه است؟
 Ücrete kilometre dahil mi? آیا این قیمت شامل مسافت پیموده شده است؟
 Özel hafta sonu tarifeleriniz var mı? آیا قیمت‌های ویژه‌ای برای آخر هفته‌ها وجود دارد؟
 Asgari kiralama süreniz ne kadar? حد اقل زمان کرایه چقدر است؟
 Depozito ödemem gerekiyor mu? آیا باید مبلغی را به عنوان ودیعه بپردازم؟
 Bu arabanın benzini var mı? آیا ماشین بنزین دارد؟
 Herhangi bir sorun olduğu takdirde arayabileceğim birkaç numara verin lütfen.

لطفاً شماره تلفن‌هایی را در اختیار من قرار دهید تا در صورت بروز مشکلی با آن‌ها تماس بگیرم.

Ücret tarifenizi gösterin lütfen. لطفاً لیست قیمت‌های خود را به من نشان دهید.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Fazladan kilometre için ücretiniz nedir? برای کیلومترهای بیشتر چقدر هزینه خواهد داشت؟
 Ne tür benzin kullanıyor? چه نوع سوختی مصرف می کند؟
 Bu arabayı denemek istiyorum. مایلیم ماشین را امتحان کنم.
 Arabayı yolumun üstünde bir yere bırakabilir miyim?
 آیا می توانم ماشین را در مقصدم بگذارم؟
 Nereye iade edeyim? کجا می توانم آن را برگردانم؟
 Arabayı hava limanında bırakabilir miyim? آیا امکان دارد ماشین را در فرودگاه بگذارم؟
 Arabayı deposu dolu mu iade etmeliyim? آیا باید ماشین را با باک پر بازگردانم؟
 Arabayı lütfen otelime gönderin. لطفاً یک ماشین به هتل من بفرستید.
 Araç sigortası talebinde bulunmak istiyorum. می خواهم خسارت بیمه ماشین دریافت کنم.

کلمات مفید

araç kiralama کرایه ماشین
 araç kiralama bürosu/oto kiralama دفتر کرایه ماشین
 kira sözleşmesi توافق نامه کرایه
 depo باک
 sigorta بیمه

راندگی/پارک کردن (araba kullanmak/park etmek)

Nereye park edebilirim? کجا می توانم پارک کنم؟
 Buraya park edebilir miyim? آیا می توانم اینجا پارک کنم؟
 Burada ne kadar park edebilirim? چه مدت می توانم اینجا پارک کنم؟
 Park ücreti ödemem gerekiyor mu? آیا باید برای پارک در اینجا مبلغی بپردازم؟
 Saati ne kadar? هزینه ساعتی چقدر است؟
 Günlüğü ne kadar? هزینه روزانه چقدر است؟
 ... nasıl giderim? چطور می توانم به ... بروم؟
 ... ne kadar uzak? تا ... چقدر راه است؟
 Sahile en kısa yoldan nasıl giderim? کوتاه ترین راه تا ساحل کدام است؟
 Merkeze en kısa yoldan nasıl giderim? کوتاه ترین راه تا مرکز کدام است؟
 Göle giden bu yol iyi bir yol mu? آیا جاده به طرف دریاچه خوب است؟

En yakın garaj nerede?	نزدیک‌ترین گاراژ کجاست؟
Anayol çıkışı nerede?	خروجی به بزرگراه کجاست؟
Bu yol nereye gidiyor?	این جاده به کجا می‌رود؟
Bu yol ... mı(mi, mu, mü) gidiyor?	آیا این جاده به ... می‌رود؟
Yol haritanız var mı?	آیا نقشه راه دارید؟
Bu haritada nerede olduğumu gösterir misiniz?	ممکن است روی نقشه به من نشان دهید کجا هستم؟

Hangi yönde gitmeliyim?	از کدام جهت باید بروم؟
Nereden döneceğim?	کجا باید بپیچم؟
En yakın benzin istasyonu kaç kilometre uzaklıkta?	تا نزدیک‌ترین پمپ بنزین چند کیلومتر راه است؟

En yakın benzin istasyonu kaç mil uzaklıkta?	تا نزدیک‌ترین پمپ بنزین چند مایل راه است؟
--	---

کلمات مفید

yol	جاده	inşaat alanı	جاده در دست تعمیر است
trafik	ترابری	dönüş (yoldan dışarı)	پیچ
yoğun trafik	ترابری سخت	geçit (tren yolunda)	راه بند (در تقاطع ریل)
trafik sıkışıklığı	راهبندان	ücretli park yeri	پارکینگ عوارضی
kavşak	چهارراه	ücretsiz park yeri	پارکینگ رایگان
birleşme yeri	تقاطع	bisiklet yolu	مسیر مخصوص عبور دوچرخه
dolambaçlı yol	میدان چکنم	hız göstergesi	سرعت سنج
trafik ışıkları	چراغ راهنما	yol haritası	نقشه راه
yol işareti	تابلوی راهنمایی و رانندگی	düz	مستقیم
kamyon	کامیون	sol	چپ
yaya	عابر پیاده	sağ	راست
yaya geçişi	محل عبور عابران پیاده	ilk	اول
yaya geçidi	منطقه مخصوص عابران پیاده	sonraki	بعد
tren yolu	تقاطع ریل	sokak	خیابان
park yeri	پارکینگ	köprü	پل
hız limiti	حد مجاز سرعت	tünel	تونل
anayol	بزرگراه	kuzey	شمال

çevre yolu	بزرگراه	güney	جنوب
paralı yol	جاده عوارضی	doğu	شرق
hız	سرعت	batı	غرب
gösterge paneli	داشبورد	torpido gözü	جعبه داشبورد
sürücü koltuğu	صندلی راننده	sürücü ehliyeti	گواهینامه رانندگی
yolcu koltuğu	صندلی مسافر		

در ایستگاه بنزین (benzin istasyonunda)

Benzinim bitiyor.	بنزین دارد تمام می شود.
Doldurun lütfen.	لطفاً پرش کنید.
Benzin kullanıyorum.	من بنزین استفاده می کنم.
Kurşunsuz benzin kullanıyorum.	من بنزین بدون سرب استفاده می کنم.
Normal benzin kullanıyorum.	من بنزین معمولی استفاده می کنم.
Süper benzin kullanıyorum.	من بنزین سوپر استفاده می کنم.
Dizel kullanıyorum.	من دیزل استفاده می کنم.
On galon rica ediyorum.	می خواهم ده گالن بنزین.
On litre rica ediyorum.	می خواهم ده لیتر بنزین.
Genelde benzin kullanırım.	من معمولاً از بنزین استفاده می کنم.
Genelde dizel kullanırım.	من معمولاً از سوخت دیزل استفاده می کنم.
Tamir yapıyor musunuz?	آیا تعمیرات انجام می دهید؟
Benim için kontrol eder misiniz?	آیا می توانید آن را برای من چک کنید؟
Yağı kontrol edin lütfen.	روغن را لطفاً چک کنید.
Lastiklerin havasını kontrol edin lütfen.	باد تایرها را لطفاً چک کنید.
Radyatörü kontrol edin lütfen.	رادیاتور را لطفاً چک کنید.
Aküyü kontrol edin lütfen.	باتری را لطفاً چک کنید.
Sigortayı kontrol edin lütfen.	فیوزها را لطفاً چک کنید.
Bujileri kontrol edin lütfen.	شمعها را لطفاً چک کنید.
Farları kontrol edin lütfen.	چراغهای جلو را لطفاً چک کنید.
Arka lambaları kontrol edin lütfen.	چراغهای عقب را لطفاً چک کنید.
Flaşörü kontrol edin lütfen.	فلاشر را لطفاً چک کنید.
Arka aynayı kontrol edin lütfen.	آینه عقب را لطفاً چک کنید.
Yan aynaları kontrol edin lütfen.	آینه بغل را لطفاً چک کنید.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Vantilatör kayışını kontrol edin lütfen.	تسمه پروانه را لطفاً چک کنید.
Frenleri kontrol edin lütfen.	ترمزها را لطفاً چک کنید.
Yağı değiştirin lütfen.	من می‌خواهم که روغن را تعویض کنید، لطفاً.
Yeni bir aküye ihtiyacım var.	من یک باتری نو لازم دارم.
Yeni bujilere ihtiyacım var.	من شمع‌های نو لازم دارم.
Yeni fan kayışına ihtiyacım var.	من تسمه پروانه نو لازم دارم.
Antifriziniz var mı?	ضد یخ دارید؟
Lastik basıncını kontrol eder misiniz?	ممکن است لطفاً فشار باد تایر را چک کنید؟
Fren sıvısını doldurur musunuz?	ممکن است لطفاً روغن ترمز را پر کنید؟
Radyatöre biraz su ekler misiniz?	ممکن است لطفاً مقداری آب به رادیاتور اضافه کنید؟
Arabayı yıkatabilir miyim?	امکان دارد ماشین را بشویید؟
Tuvaletler nerede?	دستشویی کجاست؟

کلمات مفید

antifriz	ضد یخ
otomatik	اتوماتیک
motor	موتور
egzoz	اگزوز
otomobil plakası	پلاک
benzin	بنزین

خرابی‌ها (arızalar)

Motor çalışmıyor.	موتور روشن نمی‌شود.
Motor çok ısınıyor.	موتور خیلی داغ می‌کند.
Çok gürültülü.	خیلی سر و صدا می‌کند.
Bir şey ses çıkartıyor.	یک چیزی سر و صدا می‌کند.
Bu bir şeye çarpma sesi çıkartıyor.	تق تق می‌کند.
Tekerleğim patladı.	من پنچر کرده‌ام.
Radyatör akıyor.	رادیاتور نشستی دارد.
Yağ basıncında bir sorun var.	فشار روغن مشکل دارد.

Flaşörde bir sorun var.	فلاشر مشکل دارد.
Kapı kolunda bir sorun var.	دستگیره در مشکل دارد.
Elektrik sisteminde bir sorun var.	سیستم برق مشکل دارد.
Vantilatörde bir sorun var.	پروانه مشکل دارد.
Vantilatör kayışında bir sorun var.	تسمه پروانه مشکل دارد.
Benzin pompasında bir sorun var.	پمپ بنزین مشکل دارد.
Viteste bir sorun var.	دنده‌ها مشکل دارند.
Vites kolunda bir sorun var.	اهرم دنده مشکل دارد.
Ateşlemede bir sorun var.	سیستم جرقه مشکل دارد.
Starterde bir sorun var.	استارت مشکل دارد.
Vites kutusunda bir sorun var.	جعبه دنده مشکل دارد.
Klakson çalışmıyor.	بوق کار نمی‌کند.
Radyo çalışmıyor.	رادیو کار نمی‌کند.
Farlar çalışmıyor.	چراغ جلو کار نمی‌کند.
Akü bitmiş.	باتری خالی شده است.
Aküyü şarj eder misiniz?	ممکن است لطفاً باتری را شارژ کنید؟
Yedek parçanız var mı?	آیا قطعات یدکی دارید؟
Benzinimiz bitti.	بنزینم تمام شد.
Anahtarlarımı arabada unuttum.	من کلیدهایم را در ماشین جا گذاشته‌ام و در را قفل کرده‌ام.
Arabam bozuldu. Lütfen birini yollar mısınız?	ماشین خراب شد. لطفاً یک نفر را بفرستید.
Tamirci yollar mısınız?	امکان دارد یک مکانیک بفرستید؟
Kurtarıcı yollar mısınız?	امکان دارد یک کامیون یدک کش بفرستید؟
Arabayı tamir edebilir misiniz?	آیا می‌توانید ماشین را تعمیر کنید؟
Arabayı tamir etmeniz ne kadar sürer?	تعمیر ماشین چقدر طول خواهد کشید؟
Tamirat ücreti ortalama ne kadar tutar?	تعمیرات تقریباً چه قدر هزینه خواهد داشت؟
Sigortam tamiraty kapsıyor mu?	آیا بیمه من هزینه تعمیرات را پوشش می‌دهد؟
Ayrıntılı hesap verir misiniz?	ممکن است یک صورتحساب مورد به مورد به من بدهید؟
Arabam hazır olunca beni arar mısınız?	آیا وقتی ماشین آماده شد مرا خبر می‌کنید؟
Fener ödünç verir misiniz?	امکان دارد یک چراغ قوه به من قرض بدهید؟
Çekiç ödünç verir misiniz?	امکان دارد یک چکش به من قرض بدهید؟
Kriko ödünç verir misiniz?	امکان دارد یک جک به من قرض بدهید؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Kerpeten ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک انبردست به من قرض بدهید؟

Tornavida ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک پیچ گوشتی به من قرض بدهید؟

İngiliz anahtarı ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک آچار فرانسه به من قرض بدهید؟

Cıvata ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک پیچ به من قرض بدهید؟

Ampul ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک لامپ به من قرض بدهید؟

کلمات مفید

frenler	ترمز	kavrama	کلاچ
tampon	سپر	fren pedalı	پدال ترمز
çamurluk	گل گیر	gaz pedalı	پدال گاز
motor kapağı	کاپوت	vites kolu	اهرم دنده
bagaj	صندوق عقب	el freni	ترمز دستی
yedek lastik	چرخ زاپاس	flaş lambası	فلاشر
direksiyon	فرمان	far	چراغ جلو
ön cam	شیشه جلو	arka lamba	چراغ عقب
silecek	برف پاک کن	ateşleme	سیستم جرقه
lastik	چرخ	emniyet kemeri	کمربند
dönüş sinyali	چراغ راهنما	yan aynası	آینه بغل
arka ayna	آینه عقب		

حوادث (kazalar)

Bir kaza oldu.

یک تصادف اتفاق افتاده است.

Bir arıza oldu.

یک خرابی اتفاق افتاده است.

Bir hırsızlık oldu.

یک دزدی از ماشین اتفاق افتاده است.

En yakın telefon nerede?

نزدیک ترین تلفن کجاست؟

En yakın servis merkezi nerede?

نزدیک ترین مرکز سرویس کجاست؟

Ambulans çağırın.

یک آمبولانس خبر کنید.

Doktor çağırın.

یک دکتر خبر کنید.

İtfaiye çağırın.

آتش نشانی خبر کنید.

Polis çağırın.

پلیس خبر کنید.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Yaralılar var. چند نفر زخمی شده‌اند.
 Yaralı yok. هیچ کس صدمه‌ای ندیده است.
 Benim hatamdı. تقصیر من بود.
 Sizin hatanız olduğunu düşünüyorum. فکر می‌کنم تقصیر شما بود.
 O bana çarptı. او به من زد.
 Yol benimdir. حق تقدم با من بود.
 Bir tercümanla görüşmek istiyorum. من یک مترجم می‌خواهم.
 İşareti görmedim. من تابلو را ندیدم.
 Araç plakam ...idi. شماره پلاک ... بود.
 Fazla hasar yok gibi gözüküyor. به نظر نمی‌رسد خسارت زیاد باشد.
 Bu sorunu kendi aramızda çözebilir miyiz? آیا می‌توانیم مسأله را بین خودمان حل و فصل کنیم?

Ben yabancıyım. Buyurun, sürücü ehliyetim.

من یک خارجی هستم. بفرمایید این گواهینامه رانندگی من است.

İsminizi ve adresinizi alabilir miyim? امکان دارد نام و نشانی شما را داشته باشم؟

Kaza raporunun bir kopyasını alabilir miyim?

امکان دارد نسخه‌ای از گزارش تصادف را داشته باشم؟

تابلوهی راهنمایی و رانندگی (trafik işaretleri)

Girilmez ورود ممنوع
 Geçilmez عبور ممنوع
 Geçiş yok رد شدن ممنوع
 Girilmez: tek yön وارد نشوید: یک طرفه
 Park yapılmaz پارک ممنوع
 Ücretsiz giriş ورود رایگان
 Tek yön trafik مسیر یک طرفه
 Tehlikeli dönüş پیچ خطرناک
 Yol çalışması کارگران در حال کار هستند.
 Daralan yol جاده باریک می‌شود.
 Şehir merkezine به طرف مرکز شهر
 İnşaat ساخت و ساز

Dikkat	احتیاط
Yavaş	آرام
Dur	ایست
Sonraki çıkış	خروجی بعدی
Yol ver	حق تقدم
Farlarınızı yakın	از چراغهای جلو استفاده کنید.
Sapak	مسیر انحرافی
Okul	مدرسه
Alçak köprü	پل با ارتفاع کوتاه
Şerit değiştirmeyin	بین خطوط برانید.
Yol kapalı	جاده مسدود است.

ممکن است بشنوید

Biletiniz lütfen.	بلیط شما لطفاً.
Biletleriniz lütfen.	بلیطهای شما لطفاً.
Dikkatli olun kapılar kapanıyor.	مراقب باشید، درها در حال بسته شدن هستند.
Bir sonraki istasyon ...	ایستگاه بعد ... است.
İleride bir kaza olmuş.	جلوتر تصادفی اتفاق افتاده است.
Burası tek yön.	این خیابان یک طرفه است.
Burası sadece yayalara açık.	این خیابان فقط مخصوص عابران پیاده است.
Burada park yapılmaz.	پارک کردن در اینجا ممنوع است.
Benzin istasyonu orada.	پمپ بنزین آنجاست.
Otobüs durağı orada.	ایستگاه اتوبوس آنجاست.
Metro istasyonu orada.	ایستگاه مترو آنجاست.
Tarifeyi orada bulabilirsiniz.	برنامه حرکت را می‌توانید آنجا ببینید.
Buradan aktarma yapmanız gerekecek.	باید اینجا وسیله خود را عوض کنید.
Oradan aktarma yapmanız gerekecek.	باید آنجا وسیله خود را عوض کنید.
Bu istasyondan aktarma yapmanız gerekecek.	باید در این ایستگاه وسیله خود را عوض کنید.
Tren değiştirmeniz gerekecek.	باید قطار خود را تعویض کنید.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Otobüs ile giderseniz daha iyi olur.

اگر با اتوبوس بروید بهتر است .

معذرت خواهی و جواب دادن به آن

Özür dilerim Affedersiniz Pardon Kusura bakmayın Bağışlayın	Estağfurullah (Hiç) bir şey değil (Hiç) önemli/mühim değil Rica ederim Farketmez Ziyarı yok
---	--

Ayakta kalıyorsunuz, özür dilerim.

Hiç önemli değil, rica ederim.

شما باید بایستید، متأسفم.

مهم نیست، خواهش می‌کنم.

Yeriniz vagonun sonunda, kusura bakmayın.

Ziyarı yok. Farketmez.

جای شما در عقب واگن است، می‌بخشید.

مسئله‌ای نیست. فرقی نمی‌کند.

Birinci mevki üçbin beşyüz lira.

Öyle mi? Pardon. Buyrun, beşyüz lira daha.

درجه یک، سه هزار و پانصد لیر می‌شود.

واقعاً؟ معذرت می‌خواهم. بفرمایید. پانصد لیر دیگر.

Bakar mısınız? Acaba Sirkeci'ye kaçta varıyoruz?

Affedersiniz ama ben de yolcuyum.

Ah, bağışlayın. Çok özür dilerim.

Estağfurullah.

عذر می‌خواهم؟ نمی‌دانم کی به «سیرکی جی» می‌رسیم؟

می‌بخشید ولی من هم مسافرم.

آه، مرا ببخشید. خیلی معذرت می‌خواهم.

خواهش می‌کنم.

Affedersiniz, özür dilerim و pardon را می‌توان قبل، در طول و یا بعد از صحبت اصلی یا عمل بکار

برد.

Affedersiniz bakar mısınız?

ببخشید ممکن است توجه کنید؟

Özür dilerim, hiç bozuğum yok.

متأسفم، هیچ پول خرد ندارم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Pardon, üçüncü peron nerede?

می‌بخشید، سکوی سوم در کجاست؟

ابتدای صحبت برای جلب نظر و یا پرسیدن ساعت استفاده کرد.
Kusura bakmayın و bağışlayın را اکثراً بعد از صحبت اصلی یا عمل بیان می‌کنند؛ و نمی‌توان از آن‌ها در

Özür dilerim.

عذر می‌خواهم.

Affedersiniz.

یک لحظه مرا ببخشید.

Bir dakika lütfen.

لطفاً یک دقیقه صبر کنید.

Benim hatam.

تقصیر من است.

Benim dikkatsizliğim.

بی‌دقتی من بود.

Öyle demek istemedim.

منظوری نداشتم.

Gelecek defa doğru yapacağım.

دفعه بعد جبران می‌کنم.

Geç kaldığım için özür dilerim.

ببخشید که دیر کردم.

Sizi beklettiğim için özür dilerim.

متأسفم که شما را منتظر گذاشتم.

Sizi rahatsız mı ediyorum?

مزاحم شما شده‌ام؟

Sizi bir dakika rahatsız edebilir miyim?

می‌توانم یک لحظه مزاحمتان شوم؟

چگونه، کاری را از کسی بخواهیم؟

Bir gidiş ... dönüş bilet

Süper benzin

Bir Ekonomist mecmuası

(verir misiniz?) lütfen

یک بلیت رفت و برگشت (به من می‌دهید؟) لطفاً.

بنزین سوپر (به من می‌دهید؟) لطفاً.

یک مجله «اکنومیست» (به من می‌دهید؟) لطفاً.

Bir koka kala Bir

peynirli tost Bir

limonlu çay

(getirir misiniz) lütfen

یک کوکاکولا (می‌آورید؟) لطفاً.

یک ساندویچ پنیر (می‌آورید؟) لطفاً.

یک چایی لیمویی (می‌آورید؟) لطفاً.

مؤدبانه کاری را از کسی خواستن

اگر بخواهیم مؤدبانه از کسی انجام کاری را بخواهیم گفته ما باید شامل ساخت زبر باشد.
کلمه عذرخواهی + درخواست + دلیل.

Pencereyi açar mısınız lütfen, burası çok havasız.

ممکن است لطفاً پنجره را باز کنید، اینجا خیلی خفه است.

Özür dilerim, bavulunuzu yakarıya koyar mısınız lütfen?

معذرت می‌خواهم (ولی) می‌شود لطفاً چمدانتان را بالا بگذارید؟

Pardon, daha hızlı sürer misiniz lütfen, geç kalıyorum.

ببخشید (ولی) می‌شود لطفاً سریع‌تر برانید، دارد دیر می‌شود.

شکل مؤدبانه‌تر درخواست با اضافه کردن پیوند توانای (abil, -ebil) میسر است (برای شرح بیشتر به درس ۱۲ مراجعه شود).

Pencereyi kapayabilir misiniz?

می‌توانید لطف کرده پنجره را ببندید؟

دستور دادن

4:45 Trenini kaçırmayın.

قطار ۴/۴۵ را از دست ندهید.

Bir hamal bulun.

یک باربر پیدا کن.

Bavulunuzu açın.

چمدانتان را باز کنید.

Sıraya giriniz.

بروید تو صف.

25 Numaralı çıkış kapısına gidin

به درب خروجی شماره ۲۵ برو.

Diğer yolcuları takip edin.

به دنبال دیگر مسافران برو.

Dışarıya sarkmayınız.

تکیه ندهید.

حالت امری

حالتی است که انجام با منع حرکت و کنش را به فرمان و تاکید با خواهش و تکلیف و نصیحت طلب می‌کند. وجه امر فاقد پیوند زمان بوده و تنها پیوندهای شخص را می‌پذیرد. در این وجه مفهوم زمان در فعل مستتر بوده و انجام یا عدم انجام آن الزاما موکول به بعد از صدور امر است.

مفرد	
2	—
3	-sin, -sın, -sun, -sün
جمع	

2	-(y)in, -(y)ın, -(y)un, -(y)ün یا -(y)iniz, -(y)ınız, -(y)unun, -(y)ünün
3	-sinler, -sınlar, -sunlar, -sünler

جدول صرف وجه امری از مصدر gelmek آمدن		
مفرد	مثبت بیا!	منفی نیا!
1	-	-
2	gel	Gelme
3	gelsin	Gelmesin
جمع		
1	GELin/GELiniz	GELmeyin/GELmeyiniz
2	-	-
3	gelsinLER	GELmesinler

گوینده اگر با کسی صمیمی باشد و یا مراقب شغلی و رتبه‌ای را در نظر بگیرد، جملات امری خود را در قالب دوم شخص مفرد بیان می‌کند. اما در خطاب‌های رسمی یا نامه‌های تجاری دوم شخصی جمع را بکار می‌برد.

Paketi aç,teneereye boşaltın, içine yarım litre su ilave ediniz. ,

پاکت را باز کن، قابلمه را خالی کن، به آن نیم لیتر آب اضافه کن...

git	برو	gitme	نرو
gidin	بروید	gitmeyin	نروید
gidiniz	بروید	gitmeyiniz	نروید
gitsin	برود	gitmesin	نرود
gitsinler	بروند	gitmesinler	نروند

جمله امری در قالب سوم شخص به صورت «بگذار که او...» بیان می‌شود. جهت آشنای با جزئیات بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه کنید.

(بدون، بی) -siz/-sız/-suz/-süz

akıl	عقل	akılsız	بی عقل
son	انتها	sonsuz	بی انتها
renk	رنگ	renksiz	بی رنگ
ben	من	bensiz	بی من

(بدون، بی، بلا) -sizin/-sızın/-suzun/-süzün

kullanmaksızın	بلا استفاده
benzemeksizin	بلا تشبیه
şüphesizin	بلا تردید
karşılıksızın	بلا عوض

پیوندهای ملکی «زنجیره‌ای»

Ahmed-in ev-i-nin kapı-sı	در خانه احمد
Ahmed-in ev-i-nin kapı-sı-nın kilid-i	قفل در خانه احمد

یک اضافه ملکی (مانند Ahmed- in ev- i ، خانه احمد) ، ممکن است پیوندهای ملکی دیگر نیز به خود بگیرد.
این زنجیره. تا زمانی که مفهوم را آشفته نکند می‌تواند بسط یابد.

-(y)arak, -(y)erek - (با انجام دادن چیزی) :

Müzik dinleyerek dinleniyorum.	این پیوند به ریشه فعل اضافه می‌شود:
O ellerini kullanarak bisiklete biniyor	با گوش دادن به موسیقی استراحت می‌کنم.
Çocuklar koşarak içeri girdiler.	او دارد با استفاده از دست‌هایش دوچرخه سواری می‌کند.
yürüyerek	بچه‌ها با دویدن (دوان دوان) داخل شدند.

مثلاً کلمه yürüyerek را که در متن مربوط به «چگونه راهنمایی کنیم» ملاحظه شد، به معنای «با راه رفتن» است.

توجه: استراحت کردن dinlenmek، گوش دادن dinlemek و گدایی کردن dilenmek

پیشنهاد کمک کردن

Şişli otobüsü çoktan kalktı.	اتوبوس «شیشل» (به مقصد «شیشلی») خیلی وقته که رفته است.
Aaa, hay Allah. Ne yapacağım şimdi.	آه خدای من. حالا چه کار باید بکنم؟
Size bir taksi çevireyim mi?	آیا برای شما یک تاکسی صدا کنم؟

Bavulu taşıyayım mı, abla?	چمدانتان را حمل کنم، خواهر؟
Pakala taşı bakalım.	خیلی خوبه، ببینم چطور حمل می‌کنی.

Yardım edeyim mi beyefendi?
Çok nazıksınız ama gereği yok.

می‌توانم به شما کمک کنم، آقا؟
خیلی لطف دارید (مهربان هستید) اما لازم نیست.

Affedersiniz, acaba yardım eder misiniz? 3 Numaralı peronu arıyorum. Ben sizi götüreyim.

ببخشید، نمی‌دانم آیا می‌توانید به من کمک کنید؟ دنبال سکوی شماره ۳ هستم.
من شما را می‌برم.

Yardımcı olabilir miyim hanımefendi?
Teşekkür ederim, sadece bakıyorum.

می‌توانم به شما کمک کنم سرکار خانم؟
متشکرم، من فقط نگاه می‌کنم.

وجه آرزو

وجهی است که وقوع یا حدوث را به شکل خواست و آرزو بیان می‌دارد:

مفرد	
1	-(y)ayım, -(y)eyim
2	-(y)asın, -(y)esin
3	-(y)a , -(y)e
جمع	
1	-(y)alım, -(y)elim
2	-(y)asınız , -(y) esiniz
3	-(y)alar , -(y)eler

جدول صرف وجه آرزو از مصدر gelmek (آمدن)				
مفرد	مثبت (بهتر است) بیایم	منفی (بهتر است) نیایم	مثبت سؤالی (آیا بهتر است) بیایم؟	منفی سؤالی (آیا بهتر است) نیایم؟
1	geleYİM	GElmeyeyim	geleYİM mi	GElmeyeyim mi
2	geleSİN	GELmeyesin		
3	geLE	GELmeye		
جمع				
1	geleLİM	GELmeyelim	geleLİM mi	GELmeyelim mi
2	geLEsiniz	GELmeyesiniz		

3	geleLER	GELmeyeler		
---	---------	------------	--	--

کاربردهای وجه آرزو در اول شخص مفرد و جمع عبارتند از:

۱- بهتر بودن کاری را بیان کردن

Pazar günü için bilet alayım.

(بهتر است) برای روز یکشنبه بلیط بخرم.

۲- اجازه خواستن

Dışarıda bisikletime bineyim mi?

آیا بیرون سوار دوچرخه‌ام بشوم؟

۳- پیشنهاد برای با هم انجام دادن یک کار.

Gişeden soralım.

بیا از گیشه (دفتر فروش بلیت) بپرسیم.

توجه داشته باشید که برای دوم شخص مفرد و جمع، پیشنهاد انجام کار یا اجازه گرفتن به صورت امری بیان می‌شود.

Bence pazar günü git.

من می‌گویم (معتقدم) روز یکشنبه برو.

Pasaportunu gösterebilir mi?

آیا می‌خواهید او پاسپورتش را نشان دهد؟

وجه التزامی در دوم شخص مفرد و جمع، قصد و هدف را نشان می‌دهد.

Pazar günü gidesin (gidesiniz) diye biler alıyorum.

می‌خواهم یک بلیت بخرم تا روز یکشنبه بتوانی بروی (بروید).

Banam dedi ki, yarın bize gelesiniz

پدرم گفت که فردا به خانه ما بیایید.

برای آشنایی با که diye دلیل انجام کار را نشان می‌دهد به درس ۱۵ مراجعه کنید.

استفاده از وجه التزامی سوم شخص مفرد و جمع متداول نیست. یکی دیگر از کاربردهای وجه التزامی در درس ۸ ذکر

شده است. برای آشنایی بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه نمایید.

القاب و خطاب‌ها

کلمات خطاب مخصوص افراد فامیل و خویشاوند را می‌توان به منظور نشان دادن صمیمیت به افراد غریبه و دور نیز عنوان کرد.

abla

آبجی، خواهر (برای زنان جوان)

ağabey/abi

برادر، داداش (برای مردان جوان)

teyze

خاله (برای زنان مسن‌تر)

amca

عمو (برای مردان مسن‌تر)

kardeşim خواهرم/ برادرم (برای زن و مرد)
 çocuğum بچه جان (برای بچه‌ها)
 پیوند چهار شکلی -cık/-cik/-cuk/-cük- پیوند صغیر یا کوچک شمردن است که در ترکی استانبولی بسیار پر کاربرد است مانند kedi-cik (گربه ناز کوچولوی بیچاره) همچنین این پیوند را می‌توان برای نشان دادن محبت به اسامی خاص اضافه کرد مانند: Ayeş'ciğim (عایشه عزیزم) ، babacığım (بابای مهربانم)، ablacığım (خواهر عزیزم)، Ahmet'ciğim (احمد جانم) خطاب‌های محبت آمیز دیگری هم وجود دارند از قبیل:

hayatım	عمرم، زندگی‌ام	canım	جانم
şekerim	قندِ عسلم	bir tanem	یک‌دانه‌ی من
tatlım	نازِ من	sevgilim	معشوقه‌ی من
kuzum	عزیزیم	güzelim	زیبایِ من
aşkım	عشقم	tatlım	شیرینم

اگر کلمه‌ای به حرف k ختم شده باشد پس از اضافه شدن پیوند -cık/-cik/-cuk/-cük، حرف k حذف می‌شود.

küçük	کوچک	küçücük	خیلی کوچک
ufak	کوچک	ufacık	کوچولو
minik	کوچولو و قشنگ	minicik	خیلی ریز
			این پیوند گاهی قبل از خود یک مصوت می‌گیرد.
az-ı-cık	کمی، تا اندازه‌ای، مقداری	bir-i-cik	تک، یگانه، تنها، بی همتا

اصطلاحات

Deve kini: کینه شتری

Ekmek elden su gölden:

این اصطلاح برای کسانی به کار میره که نه از درآمد خودشان بلکه از طریق درآمد دیگران گذران زندگی میکنند.

Ele avuca sığmamak: لوس و پررو رفتار کردن ۲-حرف گوش نکردن، قاعده و مقررات نشناختن

El kadar: اندازه دست. کنایه از چیز کوچک خیلی کوچک

Eninde sonunda: در نهایت ۲-درپایان

Enine boyuna: با همه جهات. بدون کاستی-کامل ۲-هرگونه احتمال را در نظر گرفتن

Er geç: دیر یا زود، حتما

Eski hamam eski tas:

این اصطلاح زمانی به کار میرود که چیزی عوض نشده و در همان حالت قدیمی مانده باشد.

Etekleri zil çalmak: خیلی خوشحال شدن. کارها روبراه بودن

Eşek şakası: شوخی سنگین و سخت. ناخوشایندی که موجب رنجش شخص شود. شوخی بی ادبی

Eyere de gelir semere de:

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

هم به زین میاد هم به پالان. به همه کار میخوره. برای هر کاری مفیده. هم برای کارهای ظریف و هم برای کارهای
ضمخت قابل استفاده است.

Fitil olmak:

۱- خیلی نوشیدن و مست شدن ۲- بی اندازه خشمگین شدن

درس ۸

اظهار تأسف، تعجب، همدردی



Kazada yaralandı. Kolu kırıldı ...

Yok canım. sahi mi? Çok üzüldüm. Geçmiş olsun.

او در سانحه مجروح شد. بازویش شکست.

نه! جدی می‌گویی؟ خیلی متأسفم. خدا سلامتی بدهد.

Kanserden dediler.

Aaa, vah vah. Yazık.

آنها گفتند از سرطان است.

ای وای. اسفناک است.

Gözleri bozuldu, artık hiç görmüyor.

Ne diyorsun, doğru mu? Allahallah!

چشمانش ضعیف شده، دیگر چیزی نمی‌بیند.

چه می‌گویی، حقیقت دارد؟ وای خدای من.

Geçen ay kalp krizi geçirdim.

Ciddi mi? Yapma yahu. Geçmiş olsun.

ماه گذشته دچار حمله‌ی قلبی شدم.

جدی می‌گویی؟ تعجب می‌کنم. خدا سلامتی بدهد.

Geçmiş olsun به معنای «بگذرد» و اصطلاحاً «خدا سلامتی بدهد، بلا به دور است» را در جواب اخبار مربوط به ناگواری‌ها، مخصوصاً بیماری‌ها و ناخوشی‌ها بر زبان می‌آورند، می‌توان بکار برد.
در جواب خبر فوت کسی اصطلاحات زیر را می‌توان به کار برد:

Başınız sağolsun. عمر شما دراز باد.
Allah rahmet eylesin. خدا رحمت کند
Allah geride kalanlara ömür versin. خدا به بازماندگان طول عمر عنایت کند.
Toprağı bol olsun غریق آسایش باشد (برای غیر مسلمان‌ها)

واژه‌های مربوط به زمان

günler	روزها		
Pazartesi	دوشنبه	Cuma	جمعه
Salı	سه شنبه	Cumartesi	شنبه
Çarşamba	چهارشنبه	Pazar	یکشنبه
Perşembe	پنج شنبه		
mevsimler	فصل‌ها		
yaz	تابستان	yazın	در تابستان
kış	زمستان	kışın	در زمستان
ilkbahar	بهار	ilkbaharda	در بهار
sonbahar	پاییز	sonbaharda	در پاییز
yazları	(هنگام) تابستان‌ها		
kışları	زمستان‌ها		
ilkbaharları	بهارها		
sonbaharları	پاییزها		
dün	دیروز	hafta	هفته
bugün	امروز	ay	ماه
yarın	فردا	sene, yıl	سال
geçen	پیش، گذشته	gelecek	آینده، بعدی
bu	این		

مثال:

geçen hafta	هفته گذشته	geçen sene	سال گذشته	geçen Pazar	یکشنبه گذشته
bu ay	این ماه	bu mevsim	این فصل	bu Salı	این سه شنبه

هفته آینده gelecek hafta جمعه آینده gelecek Cuma زمستان آینده gelecek kış

اعضای بدن و اصطلاحات مربوط، اصطلاحات پزشکی و سلامتی



ağız	دهان	dudak	لب
akciğer	ریه	el	دست
alın	پیشانی	göğüs	سینه
ayak	پا	omuz	شانه
ayak bileği	مچ پا	göz	چشم
ayak parmağı	انگشت پا	parmak	انگشت
bacak	ساق	kalça	ران
baş	سر	saç	مو
bel	کمر	kalp	قلب
bilek	مچ دست	karaciğer	کبد
boğaz	گلو	vücut	بدن
boyun	گردن	kas	ماهیچه
burun	دماغ، بینی	yanak	گونه
çene	چانه	kaş	ابرو
dirsek	آرنج	kol	بازو
diş	دندان	kulak	گوش
diz	زانو	miğde	معدده



akciğer	شُش، ریه، جگر سفید
akciğer kanseri	سرطان ریه
olabildiğince yüksek tonda şarkı söylemek	صدا را به سر خود انداختن (با بلندترین صدای ممکن آواز خواندن)
akciğer zarı, plöra	غشاء ریوی
aort damarı	آئورت، سرخرگ بزرگ
kalbin sol karıncığından çıkan ve vücuda kırmızı kan dağıtan büyük atardamar.	شریان بزرگی که خون را از دهلیز چپ قلب به شریان‌های دیگر می‌رساند.
apandis	آپاندیس
apandis ameliyatı	عمل آپاندیس
kör bağırsağın ince bir parmak gibi olan son bölümü.	آخرین بخش روده کور که مانند یک انگشت نازک است.
apandisit	التهاب آپاندیس
apış, apış arası	محل اتصال دو ران
atardamar	سرخرگ، شریان
kalbin sağ karıncığından akciğerlere, sol karıncığından vücudun diğer bölümlerine kan taşıyan damar.	رگی که خون را از بطن راست قلب به ریه‌ها و از بطن چپ قلب به دیگر قسمت‌های بدن انتقال می‌دهد.
atardamarlardan birinde kanama	خونریزی از سرخرگ
beyin atardamarı	سرخرگ مغز
ayak bileği	مُچ پا

ayakla bacağın birleştiği bölüm	اتصال بین پا و پنجه‌ی پا
ayak bileğini burktu	مچ پایش پیچ خورد
ayak bileği eklemi	قوزک (مفصل) مچ
bağırsak	روده
uzun ve ince nesneler için mecaz anlamda da kullanılır	به صورت مجازی در مورد چیزهایی که باریک و بلند هستند.
kalın bağırsak	روده‌ی بزرگ
ince bağırsak	روده‌ی کوچک
kör bağırsak	آپاندیس
kalın bağırsak sonu	مقعد (انتهای روده‌ی بزرگ)
beyin	فکر، مغز، عقل
mecaz olarak "anlayış, akıl; çok akıllı kişi"	به صورت مجازی در مورد اشخاص بسیار باهوش، من، عقل، فهم
aklını kullan! , kafanı çalıştır!	عقلت را به کار بینداز!
ülkenin en zeki kişileri	بهترین مغزهای کشور
bir şeye kafasını takmak	بسیار درگیر چیزی بودن
beyin kanaması	خونریزی مغزی
beyin jimnastiği	ورزش فکری
bronş	نایژه، نایچه
soluk borusunun akciğerlere giden iki kolundan her biri ve bunların dalları	هر یک از دو بازویی که از لوله تنفس به سمت ریه‌ها می‌رود به همراه شاخه‌هایش (راه‌های اصلی هوا در شش)
böbrek	کلیه
böbrek taşı	سنگ کلیه
cinsel organ	اندام جنسی
iç ve dış cinsel organlar	اندام جنسی داخلی و بیرونی
damar	رگ، شریان، مجرا
kan damarı	رگ، مجرای خونی
varis	واریس، گشاد شدن رگ پاها
damar sertliği/kireçlenmesi	سفت شدن رگ‌ها، تصلب شرایین
damar kireçlenmesinden muzdarip	کسی که دچار تصلب شرایین شده است.
dirsek	آرنج

kol ile ön kol arasındaki eklem	مفصل میانی دست
başkalarını düşünmeden, kendi çıkarı peşinde koşmak	
	با زور (فشار آرنج) خود را به جلو کشیدن (با پررویی و پیله کردن کار خود را پیش بردن)
dirsek eklemi	مفصل آرنج
serbestçe hareket edecek yeri olmak	جای کافی داشتن برای انجام حرکت آزادانه
eklem, mafsal	مفصل
kemiklerin birleştiği yerdeki oynak bağlantı kolu eklem	استخوان دست از مفصل در رفت.
diz eklemi	مفصل پا
el bileği	مفصل مچ
diz kapağı	کاسه زانو، استخوان کشکک
döl yatağı borusu	تخمراه
rahime bağlı bir kanal	لوله‌ای که تخمک در راه تخمدان به رحم از آن می‌گذرد.
döl yatağı, rahim	رحیم، زهدان
rahim boynu	لوله‌ی رحم
rahim ağzı	دهانه‌ی رحم
er bezi, haya	بیضه، تخم، خایه
erkeklik hormonunu oluşturan erkek cinsiyet bezi, testis	
	غده جنسی مردانه که هورمون‌های مردانه را تشکیل می‌دهد، بیضه
genital bölge	آلات تناسلی (زنانه) و اطرافش
genital bölge muayenesi	معاینه‌ی آلات تناسلی زنانه
göğüs	سینه
göğüs cerrahisi	عمل جراحی روی سینه
göğüs kafesi	قفسه‌ی سینه
göğüs kafesi kemiği	استخوان جناغ سینه
idrar kanalı	مجرای ادرار
sidik torbası	مثانه، پیشاب دان
idrar torbası	مثانه، پیشاب دان
vücutta sidiğin biriktiği hazne, mesane	مخزن تجمع ادرار در بدن، مثانه
iskelet	اسکلت
iskelet parçası	قسمتی از اسکلت

iç organlar	اعضا درونی، امعاء و احشاء، محتویات شکم
kaburga kemiği	استخوان دنده
kafatası	جمجمه، کاسه‌ی سر
kafatası, kafa	جمجمه، کاسه‌ی سر
kalp kası	ماهیچه‌ی قلب
kalbin çalışmasını sağlayan kas	ماهیچه‌ای باعث کار کردن قاب می‌شود
kalça	بالای ران
kalça eklemi	مفصل بالای ران
kanmış kemiği	استخوان نازک نی
kan	خون
kalbin pompaladığı, atardamar, toplardamar ve damarların içinde dolaşan kırmızı renkli sıvı	مایع قرمز رنگی که توسط قلب پمپاژ می‌شود و در وریدها، عروق و شریان‌ها می‌چرخد.
kanına dokunmak (kızgınlık veya nefret uyandırmak)	خشم و نفرت ایجاد کردن
kanla kaplı	خون‌آلود
insan kanı	خون انسان
kan tahlili	آزمایش خون
kan dolaşımı	جریان خون
kandan yapılan bir çeşit sos	سسویس تیره درست شده از خون خوک
tansiyon, kan basıncı	فشار خون
kan grubu	گروه خونی
kan damarı	رگ
bir damar	مویرگ
damar çatlağı	رگ آسیب‌دیده
kan dolaşımı	گردش خون
kanın kalp ve damarlar içinde izlediği yol, dolaşım, deveren kan dolaşımı yavaş olmak	خط سیر خون در قلب و شریان، کاهش خون‌رسانی به عضوی از بدن
karaciğer	کبد، جگر سیاه
mecaz olarak işin özü	به صورت مجازی ماهیت، گوهر
ichinden geleni/düşündüğünü söylemek	

از ته دل سخن گفتن (گفتن چیزی به طور مستقیم و صادقانه)

siroz	ناخوشی کبد
morina ciğeri	جگر ماهی کُذ
kas, adale	ماهیچه، عضله
kasları germek	عضلات خود را کشیدن
kas kopması	پارگی عضله
kas ağrısı	درد عضله
baldır kası	عضله‌ی ران
kaval kemiği	استخوان درشت نی (قوی‌ترین استخوان پا)
klitoris, bızır	کلیتوریس، چوچوله (عضوی کوچک و حساس از اندام جنسی بیرونی زنان)
köprücük kemiği	استخوان ترقوه
kürek kemiği	کتف، استخوان شانه
leğen	لگن خاصره
mide, karın	معدة، شکم
midem/karnım ağrıyor	معدة‌ام درد می‌کند
aç karnına	با معده‌ی خالی
ishal	اسهال
soğuk ve sakın olmak	دندان روی جگر گذاشتن (با آرامش منتظر ماندن)
mide rahatsızlığı	مشکل معدوی
mide sancısı	شکم درد
boru, tüp, kamış	لوله
vücuttaki bazı organlar için de kullanılır	همچنین برای بعضی از اعضاء بدن نیز بکار می‌رود
kamış, pipet	نی (برای نوشیدن)
drenaj borusu	لوله‌ای که با آن چرک را خارج می‌کنند، چرک کش
tesisatçı	لوله کش
nefes/soluk borusu	نایژه (لوله‌های نازک درون شش)
pis su borusu	مجرای فاضلاب
çelik boru	لوله‌ی فولادی
boru hattı	لوله کشی
omur	مُهره‌ی ستون فقرات
omurgayı oluşturan kemiklerden her biri	استخوان تیره‌ی پشت

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

omurga ستون فقرات، تیره‌ی پشت

mecaz olarak "taşıyan bölüm, güçlü karakter"

به صورت مجازی تکیه‌گاه، هسته یا شخصیت (کاراکتر) قوی

omurgasız olmak (ödlek/korkak olmak) بی دل و جرأت شدن (ترسو/بزدل شدن)

omurilik مغز نخاع

omurga içinde bulunan kanal boyunca uzanan sinir dokusu

بافت عصبی که در کل طول مجرای ستون فقرات یافت می‌شود

iliklerine işlemiş olmak چیزی را بسیار خوب پیش بردن

omurilik kanalı مجرای ستون فقرات، مجرای نخاعی

penis آلت تناسلی مرد، کیر

erkeklik organı آلت تناسلی مرد

sik آلت تناسلی مرد، کیر

yarak آلت تناسلی مرد، کیر

penis başı کلاهک کیر، سر کیر

taşak خایه، بیضه

prostat پروستات

Erkeklerde mesanenin altında ve idrar yolunun başlangıcında bulunan genital sisteme ait bir bez غده‌ی مردانه که در زیر مثانه و ابتدای مجرای ادرار قرار دارد و قسمتی از مایع منی را تولید می‌کند.

rektum مقعد

kalın bağırsağın son bölümü انتهای روده‌ی بزرگ

öd, safra صفرا، زهره

karaciğerin salgıladığı yeşil, sarı renkte acı sıvı

مایع تلخ در رنگ سبز و زرد که از کبد ترشح می‌شود

sert yorum yapmak نیش و کنایه زدن

soluk borusu نای (راه بین حنجره و نایژه‌ها)

solunum organları اندام تنفسی

akciğerler ve solunum yolları ریه‌ها و راه‌های تنفسی

sperm kanalı مجرای اسپرم

testis kesesi/torbası کیسه‌ی بیضه

penisin altındaki testislerin içinde کیسه‌ی پوستی در زیر آلت که بیضه‌ها را در خود

bulunduğu deri torba	می گیرد
toplardamar, verit	سیاهرگ
kanın, vücudun her yanından kalbe gitmesine yarayan damar	رگی که خون را به قلب باز می گرداند
uyluk kemiği	استخوان ران
vajina	مهبیل، کس
döl yolu	کانال بین رحم و آلت تناسلی زنانه
am	مهبیل، کس
amcık	کلیتوریس، چوچوله
vulva, ferç	مهبیل، کس
kadınlarda üreme organının dış bölümü	ارگان های جسمی بیرونی زن
yara, bere, sıyrık	زخم، جراحت
dizi yaralanmak	زخم شدن زانو
yaraya tuz basmak (daha kötü yapmak)	نمک به زخم پاشیدن (دردی را بدتر کردن)
bir yenilgiden sonra kendini toplamaya çalışmak	تلاش برای بیرون آمدن از مهلکه ای و دوباره روی پای خود ایستادن
teselli veya teskin etmek için	مانند مرهمی بر زخم (جبران کردن)
zaman her derde devadır.	زمان مرهم تمام زخم ها است.
kesik yarası	بُریدگی
ülser	زخم معده
yanık	جای سوختگی
yemek borusu	مِری
yumurtalık	تخمدان
yürek, kalp	قلب، دل
mecaz olarak "merkez"; kalp şeklindeki nesneler için de kullanılır	به صورت مجازی «هسته، مرکز»؛ همچنین جسم قلب شکل
kalp kapaklarında ve/veya koroner arterlerde kireçlenme	تصلب شریان های قلبی
şehrin kalbi, kentin merkezi	مرکز شهر (قلب شهر)
kafanda ne var? (benimle ne hakkında konuşmak istiyorsun?)	تو دلت چی داری؟ (چه می خواهی به من بگویی؟)
yapmaya kıyamamak	دل کاری را نداشتن (به علت ترحم قادر به انجام کاری نبودن)

yüreği ağzına gelmek	آمدن قلب توی دهان (بسیار ترسیدن)
kalp biçiminde bir çeşit çörek	نان زنجفیلی قلب شکل
kalp çarpıntısı, kalp atışı	تپش قلب
kalp atışlarını düzenleyen aygıt	دستگاه تنظیم کننده ی ضربان قلب
kalp faaliyeti	فعالیت قلبی
kalp nakli	پیوند قلب
çene	آرواره، فک
altlı üstlü dişleri taşıyan ve ağzın açılıp kapanmasını sağlayan parça	
عضوی که دندان های بالایی و پایینی را حمل می کند و باعث باز و بسته شدن دهان می شود	
çene eklemi	مفصل فک
üst çene	فک بالا
alt çene	فک پایین
öd, safra	صفراء، زهره
üriner sistem	مجاری ادراری

علامه بیماری (belirtiler)

Kendimi pek iyi hissetmiyorum.	حالم خوب نیست.
Kendimi garip hissediyorum.	احساس خوبی ندارم.
Midem bulanıyor.	حالت تهوع دارم.
Sırtımda bir ağrı var.	کمرم درد می کند.
Karnımda bir ağrı var.	معددهام درد می کند.
Başımda bir ağrı var.	سرم درد می کند.
Boğazımda bir ağrı var.	گلویم درد می کند.
Göğsümde bir ağrı var.	قفسه سینهام درد می کند.
Yanımda bir ağrı var.	پهلویم درد می کند.
Bacağımda bir ağrı var.	پایم درد می کند.
Kolumda bir ağrı var.	دستم درد می کند.
Kalbime yakın bir yerde bir ağrı var.	نزدیک قلبم درد می کند.
Baş dönmesi hissediyorum.	احساس سرگیجه دارم.
Baygınlık hissediyorum.	احساس ضعف دارم.

Rahatsız hissediyorum.	احساس می‌کنم مریض شده‌ام.
Mide bulantı hissediyorum.	حالت تهوع دارم.
Hasta hissediyorum.	احساس می‌کنم بیمار شده‌ام.
Burası acıyor.	اینجا می‌درد.
Yüksek ateşim var.	من تب شدید دارم.
Ateşim var.	من تب دارم.
Soğuk algınlığım var.	من سرما خورده‌ام.
Baş ağrım var.	سر من درد می‌کند.
Sırt ağrım var.	کمر من درد می‌کند.
Diş ağrım var.	دندان من درد می‌کند.
Karın ağrım var.	معدة من درد می‌کند.
Daha iyi hissediyorum.	کمی بهتر هستم..
Çıban var.	من دمل درآورده‌ام.
Kırık var.	من شکستگی دارم.
Burkulma var.	من دچار کشیدگی عضله شده‌ام.
Su toplanmış kabarcık var.	من تاول زده‌ام.
Yaram var.	من جراحت دارم.
Çürük oldu.	من ضرب دیده‌ام.
Şişlik var.	من یک غده دارم.
Yandım.	من سوخته‌ام.
Kesik var.	من بریدگی دارم.
Sıyrık var.	من خراشیدگی دارم.
Şişme var.	من ورم دارم.
Kaşıntım var.	من دانه زده‌ام.
Astımım var.	من آسم دارم.
Kabız oldum.	من یبوست دارم.
Hemoroitim var.	من بواسیر دارم.
Soğuk algınlığım var.	من لرز دارم.
Bronşitim oldum.	من برونشیت دارم.
İshal oldum.	من اسهال دارم.
Zehirlendim.	من مسموم شده‌ام.

Zatürree oldum.	من ذات‌الریه دارم.
Grip oldum.	من آنفولانزا دارم.
Yüksek tansiyonum var.	من فشار خون بالا دارم.
Çok sık başım ağrıyor.	من اغلب سر درد دارم.
Keskin bir sancı.	درد شدید دارد.
Ağır bir sancı.	درد شدیدی دارد.
Sürekli acı var.	دائم درد می‌کند.
Arada sırada acıyor.	گاه و بیگاه درد می‌کند.
Geceleri daha çok acıyor.	بیشتر شب‌ها درد می‌کند.
Burnum akıyor.	آبریزش بینی دارم.
Burnum tıkalı.	بینی‌ام گرفته است.
Midem bulanıyor.	معدده‌ام به هم ریخته است.
Lenf bezlerim şişti.	غدد لنفاوی من ورم کرده‌اند.
Kolum çıktı.	بازوی من در رفته است.
Bacağım çıktı.	پای من در رفته است.
Parmağım çıktı.	انگشت دست من در رفته است.
Ayak parmağım çıktı.	انگشت پای من در رفته است.
Kolumu kırdım.	بازوی من شکسته است.
Bacağımı kırdım.	پای من شکسته است.
Parmağımı kırdım.	انگشت دست من شکسته است.
Ayak parmağımı kırdım.	انگشت پای من شکسته است.
Dizimi çarptım.	زانویم ضرب دیده است.
Omzumu çarptım.	شانه‌ام ضرب دیده است.
Kolumu çarptım.	بازویم ضرب دیده است.
Elimi çarptım.	دستم ضرب دیده است.
Ayağımı çarptım.	پایم ضرب دیده است.
Başımı çarptım.	سرم ضرب دیده است.
Ayak bileğimi incittim.	مچ پایم رگ به رگ شده است.
Ayak bileğimi burktum.	مچ پایم پیچ خورده است.
Bulaşık bir ayak hastalığım var.	من به بیماری قارچی انگشتان پا مبتلا شده‌ام.
Kalp sorunum var.	من به بیماری قلبی مبتلا شده‌ام.

Boğazım ağrıyor.	من به گلو درد مبتلا شده‌ام.
Gözüme bir şey kaçtı.	توی چشمم چیزی رفته است.
Uykusuzluk sorunum var.	من از بی خوابی رنج می‌برم.
Titriyorum.	من لرز دارم.
Kilo kaybettim.	من لاغر شده‌ام.
Beni deniz tutuyor.	دریازده شده‌ام.
Beni yol tutuyor.	ماشین زده شده‌ام.
Şeker hastasıyım.	من دیابت دارم.
Isırıldım.	من گزیده شده‌ام.

کلمات مفید:

acı	درد	yara	جراحت
ağrı	درد	çürük	ضرب
yanık	سوختگی	şişlik	غده
soğuk algınlığı	سرماخوردگی	yanık	سوختگی
öksürük	سرفه	kesik	بریدگی
ağrıyan boğaz	گلو درد	sıyrık	خراشیدگی
baş dönmesi	سرگیجه	şiş	ورم
titreme	لرز	kaşıntı	دانه
grip	آنفولانزا	böcek ısırığı	نیش حشره
çıban	دمل	lumbago	گرفتگی گردن
kırık	شکستگی	baş ağrısı	سردرد
burkma	کشیدگی عضله	aybaşının spazmı	درد حیض
su toplanmış kabarcık	تاول	karın bölgesinde ağrı	شکم درد
ısıрма	گزیدگی	migren	سردرد میگرنی

مراجعه به پزشک (doktor ziyareti)

Bir doktor görmek istiyorum	من می‌خواهم که پزشک مرا ببیند.
Randevu almak istiyorum	من می‌خواهم یک وقت بگیرم.
Muayene olmam gerekiyor	من نیاز به مشاوره پزشکی دارم.

Muayene saatleri kaç? مشاوره چه ساعتی است؟

Yarın sabah saat 10'a randevu almak istiyorum.

من یک وقت برای فردا ساعت ده صبح می‌خواهم.

En yakın göz uzmanı nerede? نزدیک‌ترین متخصص چشم کجاست؟

En yakın boğaz uzmanı nerede? نزدیک‌ترین متخصص حلق کجاست؟

En yakın kulak uzmanı nerede? نزدیک‌ترین متخصص گوش کجاست؟

Neyim var? مشکل من چیست؟

Ciddi bir sorun olduğunu mu آیا فکر می‌کنید مسئله جدی است؟

düşünüyorsunuz?

Bulaşıcı mı? آیا مسری است؟

Tehlikeli mi? آیا خطرناک است؟

Ağrımı dindirecek bir şey verebilir ممکن است چیزی برای قطع شدن درد به من بدهید؟

misiniz?

Daha önce ülser tedavisi görmüştüm من قبلاً به خاطر زخم معده تحت درمان قرار گرفته‌ام

Kan grubum 0 rh pozitif گروه خونی من O مثبت است.

Kan grubum A rh pozitif گروه خونی من A مثبت است.

Kan grubum B rh pozitif گروه خونی من B مثبت است.

Kan grubum AB rh pozitif گروه خونی من AB مثبت است.

Kan grubum 0 rh negatif گروه خونی من O منفی است.

Kan grubum A rh negatif گروه خونی من A منفی است.

Kan grubum B rh negatif گروه خونی من B منفی است.

Kan grubum AB rh negatif گروه خونی من AB منفی است.

Ateşim kaç? دمای بدن من چقدر است؟

Ne kadar zamanda iyileşebilirim? بهبودی چقدر طول می‌کشد؟

Tedavi ne kadar sürecek? درمان چقدر طول می‌کشد؟

Seyahatime devam edebilir miyim? آیا می‌توانم به سفرم ادامه دهم؟

Aileme haber verir misiniz? امکان دارد لطفاً به خانواده‌ام اطلاع دهید؟

Hipermetropum من دوربین هستم.

Miyopum من نزدیک بین هستم.

Bir kontak lensimi kaybettim من یکی از لنزهایم را گم کرده‌ام.

Gözlüklerimi kaybettim من عینکم را گم کرده‌ام.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Kontak lenslerimi kaybettim من لنزهایم را گم کرده‌ام.
 O testi daha önce yaptırmıştım من قبلاً این آزمایش را انجام داده‌ام.
 Bu hastalığı daha önce hiç geçirmediğim من قبلاً این بیماری را نداشتم.
 Hiç narkotik kullanmadım من هیچ وقت از مواد مخدر استفاده نکردم.
 Kliniğiniz isimsiz AIDS testi yapıyor mu? آیا کلینیک شما آزمایش ایدز را به صورت ناشناس انجام می‌دهد?
 Bu ilacı kullanıyorum من از این دارو استفاده می‌کنم.
 Rejim var من رژیم دارم.
 Yataktan çıkabilir miyim? اجازه دارم تختخواب را ترک کنم?
 Sakinleştirici bir ilaç için reçete yazar mısınız? لطفاً ممکن است برای من یک آرام بخش بنویسید?
 Reçete yazar mısınız? لطفاً برای من یک نسخه بنویسید.
 Röntgen odası nerede? اتاق رادیولوژی کجاست?
 Röntgen çektirmem gerekiyor باید چند عکس رادیولوژی از من گرفته شود.
 Bu testin ücreti ne kadar? این آزمایش چقدر هزینه دارد?

کلمات مفید:

randevu	وقت تعیین شده	mide bulantısı	حالت تهوع
kontrol	معاینه	kaşıntı	دانه
reçete	نسخه	idrar yolları iltihabı	عفونت مجاری ادرار
tedavi	درمان	zührevi hastalıklar	بیماری مقاربتی
analiz	آزمایش	kurt	کرم
Röntgen	اشعه ایکس	arterit	آرتریت
sağlık muayenesi	معاینه جسمی	tahlil	نمونه آزمایش
hemşire	پرستار	astım	آسم
hazımsızlık	سوءهاضمه	bronşit	برونشیت
enfeksiyon	عفونت	alerji	حساسیت
migren	میگرن	kalp rahatsızlığı	بیماری قلبی

دندان پزشک (dişci) :

Dişçiye gitmeliyim	من باید پیش یک دندان پزشک بروم.
En yakın dişçi nerede?	نزدیک ترین کلینیک دندان پزشکی کجاست؟
Dolgum düştü	پرشدگی دندانم کنده شده است.
Dişime dolgu yaptırmak istiyorum	می خواهم یک دندانم را پر کنم.
Çiğnerken acıyor	وقتی غذا می جوم درد می گیرد.
Dişim düştü	یک دندان من افتاده است.
Diş etim acıyor?	لثه هایم درد می کنند.
Protezlerimi onarabilir misiniz?	آیا می توانید دندان های مصنوعی مرا درست کنید؟
Lütfen, bu dişi kaplayın	لطفاً این دندان را روکش کنید.
Dişi çekmeniz şart mı?	آیا لازم است که این دندان کشیده شود؟
Çekmeyin	این دندان را نکشید.
Lütfen ağrını giderecek bir şeyler yapın	لطفاً برای درد آن کاری بکنید.

حوادث/کمک های اولیه (kazalar/ilk yardım) :

Doktor çağırın lütfen	لطفاً یک پزشک خبر کنید.
Ambulans çağırın lütfen	لطفاً یک آمبولانس خبر کنید.
Beni hastaneye götürün!	مرا به بیمارستان ببرید!
Beni deniz tutuyor. Doktor çağırabilir misiniz?	من خیلی دریا زده شده ام. امکان دارد یک پزشک پیدا کنید؟
Acil bir durum!	فوری است.
Oğlum yaralandı	پسرم صدمه دیده است.
Babam yaralandı	پدرم زخمی شده است.
Kızım yaralandı	دخترم صدمه دیده است.
Eşim yaralandı	همسرم زخمی شده است.
Annem yaralandı	مادرم صدمه دیده است.
Onun şuuru yerinde değil	او بیهوش است.
O ağır yaralı	او شدیداً صدمه دیده است.
Kan kaybediyorum	من خونریزی دارم.
Kan kaybediyor	او خونریزی دارد.
Bana araba çarptı	من با یک ماشین تصادف کرده ام.

Çok kan kaybettim	مقدار زیادی خون از من رفته است.
Basamaklara takıldım	توی پله‌ها پایم گیر کرد و افتادم.
Merdivenden düştüm	من از پله‌ها افتادم.
Hastanede kalmam gerekiyor mu?	آیا باید در بیمارستان بمانم؟
Buyurun, sağlık sigortam	بفرمایید این بیمه نامه پزشکی من است.
Ameliyat olmam gerekiyor mu?	آیا نیاز به عمل جراحی دارم؟
Lokal anestezi mi olacağım?	آیا بیهوشی موضعی برای من لازم است؟
Penisiline alerjim var?	من به پنی‌سیلین حساسیت دارم.
Antibiyotiğe alerjim var?	من به آنتی‌بیوتیک حساسیت دارم.
Novocaine'e alerjim var?	من به داروی بیهوشی نوکائین حساسیت دارم.
Herhangi bir ilaca karşı alerjim yok	من به هیچ دارویی حساسیت ندارم.
Bu ilaçları aldım	من این داروها را می‌خورم.
Alerjim var	من حساسیت دارم.
Epilepsim var	من صرع دارم.
Engelliyim	من معلولیت دارم.
acil servis	اورژانس
Hastahanede acil müdahale gereken hastaların alındığı bölüm, örn.trafik kazası mağdurları.	

بخشی در بیمارستان برای بیمارانی که نیاز فوری به درمان دارند، مثلاً مجروحین تصادفات.

Yaralılar acil servise nakledildiler.

مجروحین به اورژانس منتقل شدند.

داروخانه (eczane)

Nöbetçi eczane nerede?	نزدیک‌ترین داروخانه شبانه روزی کجاست؟
Eczane saat kaçta açılıyor?	داروخانه چه ساعتی باز می‌کند؟
Eczane saat kaçta kapanıyor?	داروخانه چه ساعتی تعطیل می‌کند؟
Bu reçeteyi benim için hazırlar mısınız?	امکان دارد این نسخه را برای من بپیچید؟
Bekleyeyim mi?	آیا باید منتظر بمانم؟
Onu almak için geri geleceğim	من برای گرفتنش بر می‌گردم
Uyku ilacı için reçete gerekiyor mu?	آیا برای قرص‌های خواب آور نسخه می‌خواهید؟
Bu ilaç için reçete gerekiyor mu?	آیا برای این باید نسخه داشته باشم؟

- Öksürük için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای سرفه به من بدهید؟
- Güneş yanığı için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای آفتاب سوختگی به من بدهید؟
- İshal için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای اسهال به من بدهید؟
- Akşamdan kalmalık için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای کسالت الکلی به من بدهید؟
- Mide bulantısı için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای به هم خوردن معده به من بدهید؟
- Boğaz ağrısı için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای گلو درد به من بدهید؟
- Yol tutması için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای دل به هم خوردگی ناشی از حرکت به من بدهید؟
- Böcek sokması için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای گزیدگی حشره به من بدهید؟
- Soğuk algınlığı için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای سرما خوردگی به من بدهید؟
- Saman nezlesi için bir şeyiniz var mı? ممکن است چیزی برای حساسیت به گردهای بهاری به من بدهید؟
- Bu ilacı günde kaç defa kullanmalıyım? این دارو را باید هر چند وقت یکبار مصرف کنم؟
- Bu ilacı nasıl kullanmalıyım? این دارو باید چه طور مصرف شود؟
- Aç karnına mı? با معده خالی؟
- Yemekten sonra? بعد از غذا؟
- Yemekten önce? قبل از غذا؟
- Yemekle birlikte? با غذا؟
- Çocuklar için uygun mu? آیا برای کودکان مناسب است؟
- Bu ilacın herhangi bir yan etkisi var mı? آیا این دارو عوارض جانبی دارد؟
- Bir kutu aspirin rica ediyorum من یک قوطی آسپرین می‌خواهم
- Ağrı kesici alabilir miyim? ممکن است داروی مسکن به من بدهید؟
- Aspirin alabilir miyim? ممکن است آسپرین به من بدهید؟
- Antiseptik krem alabilir miyim? ممکن است کرم ضد عفونی به من بدهید؟
- Böcek ilacı alabilir miyim? ممکن است دافع حشرات به من بدهید؟
- Prezervatif alabilir miyim? ممکن است کاندوم به من بدهید؟
- Vitamin alabilir miyim? ممکن است ویتامین به من بدهید؟
- Diş macunu alabilir miyim? ممکن است خمیر دندان به من بدهید؟
- Kağıt mendil alabilir miyim? ممکن است دستمال کاغذی به من بدهید؟

کلمات مفید:

Son kullanma tarihi	تاریخ انقضا	sterilizasyon	محلول استریل کننده
Tırnak tutan	ناخن گیر	solüsyonu	
Harici kullanım	فقط برای استعمال خارجی	temizleme solüsyonu	محلول پاک کننده
makas	قیچی	hap	قرص
Dahili kullanmayın	برای استعمال داخلی نیست	nemlendirici solüsyonu	محلول خیساندن
Reçete gerekli	فروش با نسخه پزشک	anti-alerji haplar	قرص ضد آلرژی
damar içi	درون وریدی	anti-astım sprey	اسپری ضد آسم
anal yolla	مقعدی	lavman	تنقیه
oral yolla	دهانی	derece	درجه
tatlı kaşığı	قاشق چای خوری	sargı bezi	باند
doz	مقدار مصرف	yara bandı	مشمع
hap	قرص	nemlendirici krem	کرم مرطوب کننده
tablet	قرص	el kremi	کرم دست
draje	قرص پوشش دار	dudak balsamı	پماد/کرم لب
köpüren tablet	قرص های جوشان	deodorant	دئودورانت
pastil	مکیدنی	diş ipi	نخ دندان
kapsül	کپسول	diş fırçası	مسواک
ampul	آمپول	güneş	کرم برای حمام آفتاب
damla	قطره	kremi/losyonu	
sıvı merhem	روغن مالیدنی	güneş sonrası losyon	لوسیون پس از حمام آفتاب
karışım	مخلوط	güneş koruması	کرم ضد آفتاب
şurup	شریت	faktör (SPF)	عامل محافظت در برابر نور آفتاب
fitil	شیاف		
tarak	شانه	tıraş bıçağı	تیغ صورت تراشی
toz	پودر	tıraş kremi	افترشیو
solüsyon	محلول	tuvalet kağıdı	دستمال توالت
süspansiyon	سوسپانسیون	sabun	صابون
krem	کرم		

çare	درمان	temizlik mendili	نوار بهداشتی
ilaç	دارو	tampon	تامپون
ağrı kesici	داروی مسکن	fırça	شانه
analjezik	داروی مسکن	saç kremi	نرم کننده
sakinleştirici	داروی مسکن	köpük	موس
müşil	ملین	saç spreyi	اسپری مو
yatıştırıcı	خواب آور	şampuan	شامپو
uyku hapları	قرص خواب	bebek maması	غذای بچه
aspirinsiz ürün	مسکنی غیر از آسپرین	ıslak mendil	دستمال مرطوب بچه
öksürük için damla	قطره سرفه	bebek bezi	پوشک
kulak damlası	قطره گوش	kapsül	کپسول
göz damlası	قطره چشم	haşere ilacı	دافع حشره
vazelin	وازلین	merhem	پماد
alkol	الکل	yara bezi	نوار زخم بندی
sıvı merhem	روغن مالیدنی	pamuk	پنبه
damla	قطره	makas	قیچی

ممکن است بشنوید:

Sigortanız var mı?	آیا بیمه دارید؟
Ağrınız var mı?	درد دارید؟
Başınız mı dönüyor?	سرتان گیج می‌رود؟
Hareket etmeyin.	تکان نخورید.
Kastlarınızı gevşetin.	آرام باشید
Kaç yaşındasınız?	چند سال دارید؟
Kan grubunuz ne?	گروه خونی شما چیست؟
Hasta mısınız?	آیا احساس بیماری می‌کنید؟
Kaza mı geçirdiniz?	آیا برای شما اتفاقی افتاده است؟
Size ne oldu?	چه اتفاقی برای شما افتاد؟
İyi misiniz?	آیا حالتان خوب است؟
Önemli bir şey değil.	چیز مهمی نیست.

- Şeker hastalığınız var mı? آیا دیابت دارید؟
- Yüksek tansiyonunuz var mı? آیا فشار خون شما بالا است؟
- Düşük tansiyonunuz var mı? آیا فشار خون شما پایین است؟
- Herhangi bir ilaca alerjiniz var mı? آیا به دارویی حساسیت دارید؟
- İlaç kullanıyor musunuz? از چه داروهایی استفاده می کنید؟
- Ne zaman kötü hissetmeye başladınız? چه موقع حالتان بد شد؟
- Ne zaman acıyor? کی درد می گیرد؟
- Neresi acıyor? کجا درد می کند؟
- Dokunduğum zaman acıyor mu? وقتی اینجا دست می گذارم، درد می گیرد؟
- Yutkunduğunuz zaman acıyor mu? وقتی چیزی قورت می دهید درد می گیرد؟
- Çiğnediğiniz zaman acıyor mu? وقتی چیزی می جوید درد می گیرد؟
- Buyrun, reçeteniz. بفرمایید این نسخه شماست.
- Bu ilaçları kullanın. از این داروها استفاده کنید.
- Bu hapları kullanın. از این قرص ها استفاده کنید.
- Ciddi bir tedaviye ihtiyacınız var. شما به درمان جدی نیاز دارید.
- Kronik herhangi bir hastalığınız var mı? آیا به بیماری های مزمن مبتلا هستید؟
- Sigortanız bu tür bir tedaviyi karşılamıyor. بیمه شما این نوع درمان را پوشش نمی دهد.
- Bunun için daha önceden bir tedavi gördünüz mü? آیا قبلاً برای این مشکل تحت درمان قرار گرفته اید؟
- Bazı testler yaptırmanız gerekiyor. باید یک سری آزمایش انجام دهید.
- Ağzınızı açın lütfen. لطفاً دهانتان را باز کنید.
- Dişinizi çekmemiz gerekiyor. مجبوریم دندانان را بکشیم.
- Acı hissetmeyeceksiniz. هیچ دردی احساس نخواهید کرد
- Endişelenmeyin, acıtmayacak. نگران نباشید، درد ندارد.
- Reçeteniz var mı? آیا نسخه دارید؟
- Reçetesiz alınabilir. بدون نسخه نمی توانید این دارو را بگیرید.
- Reçete gerekiyor. نسخه لازم دارد.
- Üzgünüm, bu reçeteli ilaç. متأسفانه این دارو با نسخه پزشک فروخته می شود.

زمان ماضی مطلق: di'li geçmiş zaman

به وقوع یا حدوث و خاتمه‌ی عمل و حرکت در گذشته‌ی دور یا نزدیک دلالت می‌کند. ماضی مطلق از شرکت مستقیم شخص متکلم در جریان وقوع یا حدوث فعل و یا از وقوف قطعی او بر وقوع و یا حدوث آن حکایت می‌کند و بنابراین، از آن به ماضی شهودی نیز نام می‌برند.

در صرف این فعل از مصدر فعل امر ساخته و به دنبالش از شاخص ماضی مطلق که -Dİ ($\text{-di, -dı, -dü, -du}$) - است، استفاده کرده و به دنبال آن از ضمایر متصل به فعل استفاده می‌کنیم. در صرف این فعل تنها یک نکته متفاوت از سایر افعال است؛ این که در اول شخص جمع، ضمیر متصل به فعل حرف k است.

زمان ماضی مطلق

علامت ضمایر شخصی + $\text{-di, -dı, -dü, -du, ti, -tı, -tü, -tu}$ + مصدر فعل بدون mak, mek

آمدم	$\text{gel + di + (i) m = geldim}$	اول شخص مفرد
آمدیم	$\text{gel + di + (i) k = geldik}$	اول شخص جمع

در منفی کردن نیز از فعل امر منفی به ترتیب فوق بهره جسته و فعل را صرف می‌کنیم: مثال:

نیامدم	$\text{gelme + di + i (m) = gelmedim}$	(نیامدن) gelmemek
--------	--	----------------------------

در حالت سؤالی منفی یا مثبت، کافی است به آخر افعال پیوند استفهامی -mİ را اضافه کنیم تا فعل درست شود:

آیا آمدم؟	geldim mi
آیا نیامدم؟	gelmedim mi

جدول صرف زمان ماضی مطلق از مصدر görmek دیدن

مفرد	مثبت دیدم	منفی ندیدم	مثبت سؤالی آیا دیدم؟	منفی سؤالی آیا ندیدم؟
1	gördüm	görmedim	gördüm mü?	görmedim mi?
2	gördün	görmedin	gördün mü?	görmedin mi?
3	gördü	görmedi	gördü mü?	görmedi mi?
جمع				
1	gördük	görmedik	gördük mü?	görmedik mi?
2	gördünüz	görmediniz	gördünüz mü?	görmediniz mi?
3	gördüler	görmediler	gördüler?	görmediler mi?

چند مثال دیگر:

افتادم. düştüm
 آن‌ها بهبودی نیافتند. İyileşmediler
 آیا معالجه شدید؟ Tedavi oldunuz mu?

برای تمرین جمله‌های زیر را به گذشته تبدیل می‌کنیم:

برای عرق کردن به سونا می‌روم. Saunaya terlemek için gidiyoruz.
 بعد از ژیمناستیک گرسنه می‌شوم. Jimnastikten sonra karnım acıktır.
 وقتی در بیرون بازی می‌کند احساس خواب می‌کند. Dışarıda oynayınca uykusu geliyor.
 کار می‌کنم اما خسته نمی‌شوم. Çalışıyorum ama yorulmuyorum.
 کودک در هوای گرم خیلی تشنه می‌شود. Çocuk sıcak havada çok susuyor.
 آیا برای لاغری رژیم می‌گیری؟ Zeyiflamak için perhiz mi yapıyorsun?
 او دارد خوب می‌شود ما از آن خیلی خوشنودیم. İyileşiyor, Ona çok seviniyoruz.

گذشته:

برای عرق کردن به سونا رفتیم. Saunaya terlemek için gittik
 بعد از ژیمناستیک گرسنه‌ام شد. Jimnastikten sonra karnım acıktı.
 وقتی در بیرون بازی کرد خوابش گرفت. Dışarıda oynayınca uykusu geldi.
 کار کردم اما خسته نشدم. Çalıştım ama yorulmadım.
 بچه در هوای گرم خیلی تشنه شد. Çocuk sıcak havada çok susadı.
 رژیم را برای لاغر شدن گرفتی؟ Zeyiflamak için perhiz mi yaptın?
 او خوب شد. برای این خیلی خشنود شدیم. İyileşti, Ona çok sevindik.

Hala (هنوز) ، Artık (دیگر)

آیا هنوز سردرد دارید؟ Hala başınız ağrıyor mu?
 خیر، دیگر هیچ سردردی ندارم Hayır, artık hiç ağrımıyor

پیشنهاد دادن توصیه کردن

عمل لازم که به شکل حال استمراری بیان می شود + (Neden)

Ben olsam ...

... istersen (iz)

Akıl vermek gibi olmasın ama ...

-sEnE/-sEnIzE

Bence ...

Parmağını kesti, çok kanıyor.

Neden melhem sürmüyorsunuz?

انگشتش را برید، خیلی خون می آید.

چرا پماد (مرهم) روی آن نمی گذارید؟

Yükesk ateşi var, telaşlanıyorum

Ben olsam bir aspirin veririm.

تب او خیلی بالاست، نگرانم.

اگر جای تو باشم به او آسپیرین می دهم.

Miğdem bulanıyor, bilmem neden?

Çok mu yedin acaba? Biraz uzansana.

دل بهم خوردگی دارم، نمی دانم چرا؟

شاید زیاد خورده ای؟ کمی دراز بکش.

Merdivenden düştü. Herhalde ayağı kırıldı.

Akıl vermek gibi olmasın ama bence hemen bir röntgen çektirin.

از پله ها افتاد. احتمالاً پایش شکسته.

نمی خواهم خودم را عاقل نشان بدهم اما به عقیده من فوراً از آن عکس برداری کنید.

Başımın ağrısını çok merak ediyorum.

Mühim bir şey değil. Geçer. Benim de ağrıyor.

از سردردم بسیار نگرانم.

مهم نیست. می گذرد (رفع می شود) سر من هم درد می کند.

Dişim ağrıyor.

Bir dişçiye git istersen.

دندانم درد می کند.

می توانی به یک دندان پزشک بروی.

istersen یعنی «اگر بخواهی». توضیح بیشتر آن در درس ۱۰ در بحث ise- آمده است.

İshal olduk. Ne tavsiye edersiniz?

Aman sakın mayonez yemeyin

اسهال شدید داریم. چه توصیه ای می کنید؟

خوب، نباید مایونز بخورید. (امان مبادا مایونز بخورید)

حالت امری (غیررسمی)

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

پیوندهای -sEnE/-sEnIzE- مختص به دوم شخص مفرد و جمع است برای حالت دستوری غیررسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و با توجه به شرایط، مفاهیم متفاوتی دارد.

۱- لحن شدیدی را که در دستورات صریح وجود دارد ملایم می‌کند. مثلاً Hastahaneye gitsenize (لطفاً بروید به بیمارستان) ملایم‌تر و پذیرفتنی‌تر از Hastahaneye gidin (بروید به بیمارستان) است.

۲- حالتی از بی صبری را نشان می‌دهد.

İçeriye gir dedim.

به تو گفتم برو تو.

Dinlesene.

(چرا گوش نمی‌دهی) گوش کن.

Yemeğini yesene!

غذایت را (چرا نمی‌خوری) بخور!

Bana Baksana

(لطفاً) به من نگاه کن

Den sonra (بعد از)

Senden sonra ben geldim.

بعد از تو من آمدم

Den önce (قبل از)

Ali Mehmet'ten önce gitti.

علی قبل از محمد رفت.

Den evvel (قبل از)

Her şeyden evvel buna bakın.

قبل از هر چیز به این نگاه کنید.

نکته: در اینجا ما حرف d و e را به صورت بزرگ نشان دادیم. زیر این دو حرف می‌توانند نسبت به محیط صوتی به ترتیب به t و a تبدیل شود.

روایت کردن یک حادثه

Hasta mısın? Neyin var?

Bir süredir arkamda bir ağrı var.

Nasıl. başladı?

Valla, iki ay evvel bir gün denize gittik. Kocam yürüdü, denize girdi. Ben çakıl taşlarını sevmem. Efendime söylüyeyim, iskeleden atlamak istedim. Derken efendim, tam tahtanın kenarında duruyorum. Çocuklardan biri gelip arkamdan itmesin mi!

Aaa, hay allah!

Ondan sonracığıma, suya ters bir şekilde düştüm. Devamlı ... ne derler adına ... aspirin alıyorum ama henüz bir faydasını görmedim.

آیا مریض هستی؟ چی شده؟

مدتی است پشتم درد می‌کند.

چطور شروع شد؟

والله، دو ماه پیش روزی به دریا رفتیم. شوهرم با پای برهنه وارد دریا شد. من سنگریزه‌ها را دوست ندارم. بله، عرض کنم که خواستم از سکو بپریم. عرض کنم درست در کنار تخته شیرجه ایستادم. یکی از بچه‌ها آمد از پشت مرا هل داد وای، خدای من!

بله، عرض کنم، سپس به شکل ناجوری در آب افتادم. دائماً... به آن چه می‌گویند... بله آسپیرین می‌خورم اما هنوز تأثیر نداشته است (فایده‌ای از آن ندیده‌ام).

DEn beri - (از... تاکنون) و Dİr (به مدت)

Sonbahardan beri ilaç alıyorum.

از پاییز (تاکنون) دوا می‌خورم.

Üç gündür tedaviye gidiyor.

به مدت سه روز است برای معالجه می‌رود.

Geçen seneden beri muayeneye gitmedim

از سال گذشته (تاکنون) برای معاینه نرفته‌ام.

Uzun zamandır aşı olmadık.

مدت زیادی است که واکسن نزده‌ایم.

شکل جملات بالا در زبان ترکی به صورت زمان گذشته ساده است اما ترجمه آن در فارسی به صورت زمان ماضی نقلی ارائه شده است. به شکل زمان حال استمراری جملات زیر توجه کنید:

dinleniyorum

دارم استراحت می‌کنم.

dinlendim bile.

قبلاً استراحت کردم.

bile

bile به معنی «حتی، هم، نیز» است و گاهی معنی «قبلاً» را می‌دهد. مثال:

Ben bile bilmiyorum

حتی من هم نمی‌دانم.

Nuri, sokağa bile çıkmak istemiyor.

نوری حتی نم خواهد به خیابان برود.

Bazen o pis köpeği okşuyor bile.

بعضاً آن سگ کثیف را حتی نوازش می‌کند.

O filmi gördüm bile.

آن فیلم را قبلاً دیده‌ام.

DEn beri - را می‌توان با قیدهایی که آغاز مشخصی از زمان را نشان می‌دهند همراه کرد:

Pazardan beri

از یکشنبه

Marttan beri

از مارس

yazdan beri

از تابستان

اما اگر قید زمان با عددی توصیف شده باشد می‌توان آن را با dEn beri - یا با dİr - به کاربرد بدون آنکه در معنا تغییری ایجاد شود.

üç geceden beri
üç gecedir

در طول (به مدت) سه شب گذشته
در طول (به مدت) سه شب گذشته

Henüz

دو شکل مثبت و منفی دارد. در جملات مثبت به معنی «هم اکنون» و در جملات منفی به معنی «هنوز» است.
Henüz kalktım هم اکنون بلند شده‌ام.
Henüz kalkmadım هنوز بلند نشده‌ام.
mektubu henüz aldım hala (daha) okuyamadım

نامه را هم اکنون گرفتم هنوز نتوانستم بخوانم

kalktın mı? این کلمه، شکل پرسشی ندارد و برای گفتن «آیا تاکنون بیدار شده‌اید؟» می‌گوییم:

Hiç (هرگز، هیچ)

Hiç antibiyotik kullandınız mı? آیا هرگز (هیچ) آنتی‌بیوتیک مصرف کرده‌اید؟
Hayır, hiç kullanmadım. خیر، هرگز (هیچ) مصرف نکرده‌ام.
Hiç kan testi yaptırdınız mı? هرگز (هیچ) آزمایش خون داده‌اید؟
Evet yaptırdım. Kan gurubum RH pozitif بله داده‌ام. گروه خونی ام RH مثبت است.

اصطلاحات اضافی در صحبت‌ها

گوینده گاهی در صحبت‌های طولانی عبارت‌هایی مانند *Derken efendim*، *efendime söyliyeyim* و *Ondan sonracağıma* را برای پر کردن خلأ و شکاف حرف‌های خود بر زبان می‌آورد تا فرصت بیشتری برای فکر کردن به خود بدهد. معادل این عبارت‌ها در فارسی «بله، عرض کنم که» و مانند آن است.

استفاده از وجه شرطی در ذکر وقایع غیرمنتظره

استفاده از وجه شرطی به صورت سؤالی و منفی روشی است برای گوینده تا غیرمنتظره بودن یک واقعه را نشان دهد و یا احساس تعجب در شنونده ایجاد کند.

Çocuk birden hastalanmasın mı? = (Çocuk birden hastalandı)

آیا بچه ناگهان مریض شد؟

O gün hemşireler grev yapmasın mı? = (O gün hemşireler grev yaptı)

آیا آن روز پرستاران اعتصاب کردند؟

اصطلاحات

Ha Hoca Ali, ha Ali Hoca:

برای مواقعی به کار میرود که دو چیز در ظاهر متفاوت نشان میدهند ولی در واقعیت هیچ تفاوتی باهم ندارند.

Hoş beş etmek:

خوش بش کردن. از این و آن حرف زدن

Hava parası:

پول سرقفلی

Haram para:

پول حرام. پولی که از نظر دینی از راههای غیر متعارف حاصل میشود

Ivır zıvır :

خرت و پرت. چیز بی ارزش

Islak tavuk :

کنایه از زن مسکین میباشد.

İyi gün dostu:

دوست روز خوب. دوستی که در روزهای سختی همراه دوستش نیست

Kaldırım mühendisi:

مهندس پیاده رو. این عبارت برای انسانهای بی کسب و کار که در کوچه خیابان ها میگردند به کار برده میشود.

درس ۹

بیان قصد و نیت



-(y)i planlamak/düşünmek/arzu etmek
niyetinde olmak
istemek
inşallah

Yılbaşında bir şeyler almayı planlıyor musun?

Tabii, hediyeiz Yılbaşı olur mu?

Neler almak niyetindesin?

Herhalde çoğunlukla kıyafet. Kocam için bir takım elbise ile kravat düşünüyorum. Oğluma kazak ve çizme alacağım. Veya saat, bakalım duruma göre. Kızıma bir bluzla etek almak niyetindeyim. Annem uzun zamandır bir palto istiyor. Babama da güzel bir şapka inşallah.

Peki, bana bir şey almayacak mısın?

Almaz olur muyum? Ama seninkini söylemem.

آیا برای سال نو تصمیم دارید چیزهایی بخرید؟

البته. آیا سال نو بدون هدیه می‌شود؟

قصد دارید چه چیزهایی بخرید؟

احتمالاً بیشتر لباس است. برای شوهرم یک دست لباس با کراوات در نظر دارم. برای پسرم پیراهن و پوتین خواهم خرید؛ و یا ساعت، باید موقعیت را ببینم (به موقعیت بستگی دارد). تصمیم دارم برای دخترم یک بلوز دامن بخرم. مادرم خیلی وقت است که یک پالتو می‌خواهد. برای پدرم نیز انشاء الله یک کلاه خوشگل می‌گیرم.

بسیار خوب، آیا برای من چیزی نمی‌خری؟

مگر می‌شود نخرم؟ اما مال تو را نمی‌گویم.

به نظر می‌رسد که bir şeyler (یک چیزها) به خاطر مفرد و جمع بودن یک عبارت، متناقض است اما این یک عبارت ترکیبی (به معنی چیزی، چیزها) بوده و به همین صورت استفاده می‌شود.

satın almak یعنی «خریدن». اما معمولاً کوتاه شده آن را almak (گرفتن، خریدن) در مکالمات بکار می‌برند.

خرید

اطلاعات (danışma)

En yakın alışveriş merkezi nerede?

منطقه خرید کجاست؟

Alışveriş bölgesi nerede?

منطقه خرید اصلی کجاست؟

En yakın kitap evi nerede?

نزدیک‌ترین کتاب فروشی کجاست؟

En yakın hediyelik eşya mağazası nerede?

نزدیک‌ترین مغازه کادو فروشی کجاست؟

En yakın antikacı nerede?

نزدیک‌ترین مغازه عتیقه فروشی کجاست؟

En yakın Tekel nerede?

نزدیک‌ترین مغازه مشروب فروشی کجاست؟

En yakın ayakkabıcı nerede?

نزدیک‌ترین مغازه کفش فروشی کجاست؟

En yakın müzik mağazası nerede?

نزدیک‌ترین فروشگاه موسیقی کجاست؟

En yakın giyim mağazası nerede?

نزدیک‌ترین فروشگاه پوشاک کجاست؟

En yakın çarşı nerede?

نزدیک‌ترین بازار کجاست؟

En yakın eczane nerede?

نزدیک‌ترین داروخانه کجاست؟

Saat kaçta açıyorsunuz?

چه موقع باز می‌کنید؟

Saat kaçta kapıyorsunuz?

چه موقع تعطیل می‌کنید؟

Bu mağaza saat kaçta açılıyor?

این فروشگاه چه موقع باز می‌کند؟

Bu mağaza saat kaçta kapanıyor?	این فروشگاه چه موقع تعطیل می کند؟
Hafta içi kaç kade açıksınız?	روزهای هفته تا کی باز هستید؟
Hafta sonu kaç kade açıksınız?	تعطیلات آخر هفته تا کی باز هستید؟
Buralarda vergisiz satış mağazası var mı?	آیا مغازه معاف از مالیات خرید در این نزدیکی هست؟
Buralarda hediyeelik eşya mağazası var mı?	آیا مغازه کادو فروشی در این نزدیکی هست؟
Yakınlarda büyük mağaza var mı?	آیا فروشگاه بزرگ در این نزدیکی هست؟
Yakınlarda giyim mağazası var mı?	آیا فروشگاه پوشاک در این نزدیکی هست؟
Yakınlarda spor malzemeleri mağazası var mı?	آیا فروشگاه وسایل ورزشی در این نزدیکی هست؟
Gıda mağazası hangi katta?	بخش مواد غذایی در کدام طبقه است؟
Giyim mağazası hangi katta?	بخش پوشاک در کدام طبقه است؟
Ayakkabılar mağazası hangi katta?	بخش کفش در کدام طبقه است؟
Spor malzemeleri mağazası hangi katta?	بخش وسایل ورزشی در کدام طبقه است؟
Hediyeelik eşya mağazası hangi katta?	بخش سوغات در کدام طبقه است؟
Bu şehrin özel ürünleri neler?	چه چیزهایی مخصوص این شهر هستند؟
Onu nereden satın alabilirim?	از کجا می توانم آن را بخرم؟
Onları nereden satın alabilirim?	از کجا می توانم آن ها را بخرم؟

کلمات مفید

antıkacı	مغازه عتیقه فروشی	alışveriş merkezi	مرکز خرید
kitap evi	کتاب فروشی	bayan giyim mağazası	مغازه لباس زنانه
eczane	داروخانه	erkek giyim mağazası	مغازه لباس مردانه
gazete bayi	دکه روزنامه فروشی	çocuk giyim	لباس کودکان
fotoğraf stüdyosu	فروشگاه دوربین	kadın iç çamaşırı	لباس زیر زنانه
giyim mağazası	فروشگاه پوشاک	çorap	جوراب و زیرپوش کشباف
büyük mağaza	فروشگاه بزرگ	triko	لباس بافتنی
ayakkabı mağazası	کفش فروشی	pijama mağazası	لباس خواب
spor malzemeleri mağazası	فروشگاه لوازم ورزشی	iş/açılış saatleri	ساعات کار
hediye/hediyeelik eşya mağazası	مغازه کادو فروشی / سوغات فروشی	açık	باز
		kapalı	تعطیل
		Tüm gün açık	تمام روز باز است

oyuncak dükkanı	فروشگاه اسباب بازی	Öğle yemeği için kapalı	برای ناهار تعطیل است
sağlıklı gıda	فروشگاه غذاهای سالم	Tasfiyesatışı/	حراج بسته شدن
malzemeleri dükkanı	جواهر فروشی	Likidasyon satışı	فروشگاه/حراج تعطیلی
kuyumcu	بازار		فروشگاه
çarşı	مغازه	Tasfiye satışı	حراج کلی
minimarket	سوپرمارکت	bahar/kış/Noel	حراج
süpermarket	فروشگاه بزرگ	satışı	بهاره/زمستانی/کریسمس
hipermarket	خدمات مشتری	Kasa	صندوق
Yönetici	اینجا بپردازید	kat haritası	راهنمای طبقه
Burada ödeyin	تخفیف	satış	حراج
indirim	هدیه		
hediye			

سرویس (سرویس)

Sadece etrafa bakıyorum.	فقط دارم نگاه می کنم.
Pahalı mı?	آیا گران است؟
Sizde ... var mı?	آیا ... دارید؟
... istiyorum.	من ... می خواهم.
... rica ediyorum.	من ... می خواستم.
... görmek istiyorum.	من می خواهم ... را ببینم.
Lütfen bana ... gösterin.	لطفاً ... را به من نشان دهید.
... arıyorum.	من دنبال ... می گردم.
Bunun gibi bir şey var mı?	آیا مثل این را دارید؟
Daha kalitelisi var mı?	آیا جنس بهتری دارید؟
Daha büyük boyu var mı?	آیا بزرگ تر از این دارید؟
Daha ucuzu var mı?	آیا ارزان تر از این دارید؟
Daha uzununu var mı?	آیا بلندتر از این دارید؟
Daha kısası var mı?	آیا کوتاه تر از این دارید؟
Daha küçüğü var mı?	آیا کوچک تر از این دارید؟
Daha ucuz bir şeyleriniz var mı?	آیا چیز ارزان تری دارید؟
Daha büyük bir şeyleriniz var mı?	آیا چیز بزرگ تری دارید؟

- Daha pahalı bir şeyleriniz var mı? آیا چیز گران تری دارید؟
- Daha uzun bir şeyleriniz var mı? آیا چیز بلندتری دارید؟
- Daha kaliteli bir şeyleriniz var mı? آیا چیز با کیفیت بهتری دارید؟
- Daha kısa bir şeyleriniz var mı? آیا چیز کوتاه تری دارید؟
- Daha küçük bir şeyleriniz var mı? آیا چیز کوچک تری دارید؟
- Bu hangi boy? چه اندازه است؟
- Benim boyum var mı? امکان دارد اندازه مرا چک کنید؟
- Kol boyumu ölçer misiniz? ممکن است قد آستین من را اندازه بگیرید؟
- Yakamı ölçer misiniz? ممکن است یقه من را اندازه بگیرید؟
- Ayakkabı numaramı ölçer misiniz? ممکن است سایز کفش من را اندازه بگیرید؟
- Daha büyük boyu var mı? آیا اندازه بزرگ تر دارد؟
- Daha az pahalı olanı var mı? آیا با قیمت مناسب تر از این هم هست؟
- Başka renkleri var mı? رنگ های دیگری از این را دارید؟
- Daha açık bir tonunu görmek istiyorum. من می خواهم یک رنگ روشن تر را ببینم.
- Daha koyu bir tonunu görmek istiyorum. من می خواهم یک رنگ تیره تر را ببینم.
- Farklı bir tonunu görmek istiyorum. من می خواهم یک رنگ متفاوت را ببینم.
- Başka bir tane gösterin lütfen. لطفاً یکی دیگر را به من نشان بدهید.
- Bunu benim için ayırtın lütfen. لطفاً این یکی را فعلاً برای من نگه دارید.
- Benim boyum sipariş edebilir misiniz? ممکن است اندازه مرا سفارش دهید؟
- Yeni stoklarınız ne zaman gelecek? جنس های جدید شما کی می رسند؟
- Bu ürün ne zaman indirimde girer? کی این جنس را به حراج می گذارید؟
- Bunu alıyorum. من این یکی را بر می دارم.
- Hediye paketi alabilir miyim? امکان دارد یک جعبه کادو به من بدهید؟
- Bunu hediye paketi yapar mısınız? امکان دارد این را برای من کادو کنید؟
- Ayrı paketleyin lütfen. لطفاً آن ها را جداگانه کادو کنید.
- Bu güzel ama biraz pahalı. خوب است، اما کمی گران است.
- Bunu satın almaya gücüm yetmez. من از عهده خرید این بر نمی آیم.
- Bunu faturası ile birlikte otele gönderir misiniz? آیا ممکن است آن را با یک رسید به هتل من بفرستید؟
- Bugün gönderebilir misiniz? آیا ممکن است آن را امروز بفرستید؟
- Gönderebilir misiniz? ممکن است آن را بفرستید؟

Bunu otelime gönderir misiniz? ممکن است آن را به این آدرس بفرستید؟

Bunu bu adrese gönderir misiniz? ممکن است آن را به این آدرس بفرستید؟

Satın aldıklarımı ev adresime gönderir misiniz?

آیا ممکن است خریدهایم را به آدرس خانه‌ام بفرستید؟

Buna desen yaptırmak istiyorum.

من می‌خواهم آن را با حروف اول اسم تزئین کنید.

Bunun üzerine baş harflerimi yazdırmak istiyorum.

من می‌خواهم حروف اول اسم من روی این حک شود.

Bunun üzerine ismimi yazdırmak istiyorum.

من می‌خواهم اسم من روی این حک شود.

Bunun üzerine soyadımı yazdırmak istiyorum.

من می‌خواهم نام خانوادگی من روی این حک شود.

Elime alabilir miyim?

ممکن است آن را بردارم؟

Daha sonra tekrar geleceğim.

من بعداً برمی‌گردم.

پوشاک (giyim)

Özel dikim bir takım rica ediyorum.

من یک دست کت و شلوار سفارشی می‌خواهم.

Resmi bir takım rica ediyorum.

من یک دست کت و شلوار مخصوص کار می‌خواهم.

Üç parça bir takım rica ediyorum.

من یک دست کت و شلوار سه تکه می‌خواهم.

İki parça bir takım rica ediyorum.

من یک دست کت و شلوار دو تکه می‌خواهم.

Frak bir takım rica ediyorum.

من یک دست کت و شلوار شب می‌خواهم.

Spor bir takım rica ediyorum.

من یک دست لباس ورزشی می‌خواهم.

Bu pantolona uyacak ceketiniz var mı?

آیا کتی دارید که به این شلوار بیاید؟

Bu eteğe uyacak ceketiniz var mı?

آیا کتی دارید که به این دامن بیاید؟

Pijama rica ediyorum.

من یک پیژامه می‌خواهم.

Bunu denemek istiyorum.

می‌خواهم این را پرو کنم.

Her ikisini de denemek istiyorum.

می‌خواهم هر دوی آن‌ها پرو کنم.

Soyunma odaları nerede?

اتاق پرو کجاست؟

Bu kumaş dayanıklı mı?

فکر می‌کنید این جنس با دوام باشد؟

Boyunu ayarlar mısınız?

آیا قد آن را درست می‌کنید؟

Bunu uzatabilir misiniz?

می‌توانید این را بلندتر کنید؟

Bunu kısaltabilir misiniz?

می‌توانید این را کوتاه‌تر کنید؟

Bu bana tam uydu.

کاملاً اندازه است.



Burası çok dar.	اینجا خیلی تنگ است.
Bu bana olmadı.	کاملاً اندازه من نیست.
Çok kısa.	خیلی کوتاه است.
Çok uzun.	خیلی بلند است.
Çok dar.	خیلی تنگ است.
Çok bol.	خیلی گشاد است.
Koton bir şey arıyorum.	من یک جنس نخ می خواهم.
Deri bir şey arıyorum.	من یک جنس چرمی می خواهم.
Dantelli bir şey arıyorum.	من یک جنس توری می خواهم.
Kot kumaşı bir şey arıyorum.	من یک جنس جین می خواهم.
Yünlü bir şey arıyorum.	من یک جنس پشمی می خواهم.
Keten bir şey arıyorum.	من یک جنس کتان می خواهم.
Rami bir şey arıyorum.	من یک جنس پارچه رami می خواهم.
Saf koton mu?	آیا نخ خالص است؟
Saf sentetik mi?	آیا مواد مصنوعی خالص است؟
Saf ipek mi?	آیا ابریشم خالص است؟
Saf yün mü?	آیا پشم خالص است؟
Bej bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ بژ می گردم.
Beyaz bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ سفید می گردم.
Mavi bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ آبی می گردم.
Gri bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ خاکستری می گردم.
Kahverengi bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ قهوه ای می گردم.
Pembe bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ صورتی می گردم.
Kırmızı bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ قرمز می گردم.
Yeşil bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ سبز می گردم.
Siyah bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ مشکی می گردم.
Sarı bir şey arıyorum.	من دنبال چیزی به رنگ زرد می گردم.
Elde yıkama mı?	آیا با دست قابل شستن است؟
Makinede yıkama mı?	آیا با ماشین قابل شستن است؟

کلمات مفید

terzi işi	دوخت سفارشی	boxer külot	شورت پاچه دار
bluz	بلوز	çorap	جوراب
gömlek	پیراهن	mayo	مایوی مردانه
tişört	تی شرت	mayo	لباس شنا
kazak	گرمکن	sutyen	سینه بند، سوتین
kolsuz	بدون آستین	kadın geceliği	پیراهن زنانه
polo yaka (tişört)	تی شرت یقه دار	üst	تاپ
dik yakalı kazak	یقه اسکی	kep	کلاه
ceket	کت	şapka	کلاه
kot	شلوار جین	yağmurluk	بارانی
pantolon	شلوار	palto	کت، پالتو
tozluk	ساق	kazak	ژاکت
kapri	شلوار کشی زنانه	pulover	پلیور
şort	شورت	kumaş	پارچه
kumaş pantolon	شلوار مخمل کبریتی	koton	نخ
etek	دامن	ipek	ابریشم
yelek	جلیقه	akrilik	آکرلیک
bikini	مایوی دو تکه زنانه	polyester	پلیس تر
üçgen bikini	مایوی دو تکه بندی زنانه	yün	پشم
külot	زیرشلواری	keten	کتان
iç çamaşırı	زیرپوش	poliamid	پلی آمید
külot	زیرشلواری	naylon	نایلون
el yapımı	دست دوز	likra	لای کرا
tayt	اسپندکس		

لوازم تزئینی (aksesuarlar)

İpek kravat takımlarınızı gösterir misiniz?	ممکن است کراوات هایتان را به من نشان بدهید؟
Üzgünüm, bu kravat çok sade.	متأسفم این کراوات خیلی ساده است.
Çizgili bir kravat gösterin lütfen.	لطفاً یک کراوات با طرح راه راه به من نشان دهید.

Lekli bir kravat gösterin lütfen.	لطفاً یک کراوات با طرح خال خالی به من نشان دهید.
Kareli bir kravat gösterin lütfen.	لطفاً یک کراوات با طرح چهارخانه به من نشان دهید.
Koyu renk bir kravat gösterin lütfen.	لطفاً یک کراوات ساده به من نشان دهید.
Pratik bir valiz seti görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک مجموعه چمدان‌های کارآمد ببینم.
Bu gerçek deri mi?	آیا این چرم اصل است؟
Deri cüzdan rica ediyorum.	من یک کیف پول چرمی می‌خواهم.
Deri çanta rica ediyorum.	من یک کیف بغلی چرمی می‌خواهم.
Deri el çantası rica ediyorum.	من یک کیف دستی چرمی می‌خواهم.
Deri evrak çantası rica ediyorum.	من یک کیف چرمی می‌خواهم.
Deri kemer rica ediyorum.	من یک کمربند چرمی می‌خواهم.
Bir çift kol düğmesi rica ediyorum.	من یک جفت دکمه سر دست می‌خواهم.
Bir çift güneş gözlüğü rica ediyorum.	من یک عینک آفتابی می‌خواهم.
Bir çift eldiven rica ediyorum.	من یک دستکش می‌خواهم.
Bu gözlük benim için çok zayıf.	این عینک برای من خیلی ضعیف است.
Daha güçlü bir gözlük denemek istiyorum.	من می‌خواهم عینک‌های قوی تری را امتحان کنم.
Koton çorabınız var mı?	آیا جوراب نخی دارید؟
Yün çorabınız var mı?	آیا جوراب پشمی دارید؟
Naylon çorabınız var mı?	آیا جوراب نایلونی دارید؟
Çorap alabilir miyim?	ممکن است یک جفت جوراب به من بدهید؟
İnce çorap alabilir miyim?	ممکن است یک جفت جوراب ساق بلند به من بدهید؟
Bu hangi kumaştan yapılmış?	این چه جنسی است؟

کلمات مفید

aksesuarlar	لوازم تزئینی	gözlük	عینک
gerçek deri	چرم اصل	eldiven	دستکش
sunî deri	چرم مصنوعی	çanta	کیف
yumuşak deri	چرم نرم	arka çantası	کوله پشتی
sert deri	چرم خشک	el çantası	کیف دستی
mendil	دستمال	evrak çantası	سامسونت
başörtü	دستمال سر	çek defteri kabı	جلد دسته چک

bandana	سر بند	eşarp	شال
kemer	کمر بند	şemsiye	چتر
kravat	کراوات	cüzdan	کیف پول
çanta	کیف زنانه	baş örtüsü	روسری

کفش (ayakkabı)

Erkek çocuğu ayakkabısı görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک جفت کفش پسرانه ببینم.
Kız çocuğu ayakkabısı görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک جفت کفش دخترانه ببینم.
Erkek ayakkabısı görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک جفت کفش مردانه ببینم.
Bayan ayakkabısı görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک جفت کفش زنانه ببینم.
Yazlık hafif bir ayakkabı istiyorum.	من یک جفت کفش سبک تابستانی می‌خواهم.
Spor ayakkabısı istiyorum.	من یک جفت کفش ورزشی می‌خواهم.
Sandal istiyorum.	من یک جفت صندل می‌خواهم.
Bunlar çok büyük.	این‌ها خیلی بزرگ هستند.
Bunlar çok dar.	این‌ها خیلی تنگ هستند.
Bunlar çok küçük.	این‌ها خیلی کوچک هستند.
Bunlar çok geniş.	این‌ها خیلی گشاد هستند.
Bir numara büyüğü var mı?	آیا اندازه بزرگ‌ترش را دارید؟
Bir numara küçüğü var mı?	آیا اندازه کوچک‌ترش را دارید؟
Bu ayağımı vuruyor.	پایم را می‌زنند.
Onlar beni tam uyuyorlar.	درست اندازه پای من است.
Onlar sizi tam uyuyorlar.	درست اندازه پای شماست.

کلمات مفید

bot	پوتین	tokyo	صندل سبک
mokasen	کفش راحتی	ayakkabı bağcığı	بند کفش
mokasen	کفش بدون پاشنه از چرم نرم	kerata	پاشنه کش
terlik	کفش چوبی	topuk	پاشنه
spor ayakkabısı	کفش ورزشی	yüksek topuklu	پاشنه بلند
terlik	دمپایی	düşük topuklu	پاشنه کوتاه

topluklu ayakkabı	کفش سبک زنانه	düz	بدون پاشنه
arkası açık iskarpin	کفش پشت بند دار	ince topuklu	پاشنه بلند و تیز
sandal	صندل	platform	کف کلفت

وسایل الکترونیکی (elektronik aletler)

Adaptör satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک آداپتور بخرم.
Pil satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک باتری بخرم.
Epilatör satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک اپیلاتور بخرم.
Tıraş makinesi satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک ریش تراش برقی بخرم.
Uzatma kablosu satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک سیم رابط بخرم.
Saç kurutma makinesi satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک سشوار بخرم.
Fiş satın almak istiyorum.	من می‌خواهم یک دوشاخه بخرم.
Kamera görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک دوربین ببینم.
Video kamera görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک دوربین فیلمبرداری ببینم.
DVD player görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک دستگاه پخش دی وی دی ببینم.
CD player görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک دستگاه پخش سی دی ببینم.
Video player görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک دستگاه پخش ویدئو ببینم.
Video teyp görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک دستگاه ویدئوی ضبط و پخش ببینم.
Teyp görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک ضبط صوت ببینم.
İyi bir kamera tavsiye edebilir misiniz?	آیا ممکن است یک دوربین خوب معرفی کنید؟
İyi bir tablet tavsiye edebilir misiniz?	آیا ممکن است یک تبلت خوب معرفی کنید؟
8 milimetre film kamerası için film istiyorum.	من فیلم برای یک دوربین فیلمبرداری هشت میلیمتری می‌خواهم.
Otomatik ışık ölçerli bir kameranız var mı?	آیا دوربین با نورسنج اتوماتیک دارید؟
CD almak istiyorum.	من می‌خواهم یک سی دی بخرم.
DVD almak istiyorum.	من می‌خواهم یک دی وی دی بخرم.
Video kaset almak istiyorum.	من می‌خواهم یک نوار ویدئو بخرم.
Kaset almak istiyorum.	من می‌خواهم یک نوار بخرم.
Flaş için piliniz var mı?	باتری چراغ قوه دارید؟
İşitme cihazı için piliniz var mı?	باتری سمعک دارید؟
Birkaç tane 25-wattlık ampul istiyorum.	من چند تا لامپ بیست و پنج وات می‌خواهم.

- Birkaç tane 100-wattlık ampul istiyorum. من چند تا لامپ صد وات می‌خواهم.
- Nasıl kullanacağımı gösterir misiniz? آیا ممکن است به من نشان دهید چطور کار می‌کند؟
- Daha basit bir model tercih ederim. من یک مدل ساده‌تر را ترجیح می‌دهم.
- Garantisi var mı? آیا گارانتی دارد؟
- Tamirat garantisi veriyor musunuz? آیا خدمات را ضمانت می‌کنید؟
- İçinde kullanma kılavuzu var mı? آیا دفترچه راهنما دارد؟
- Renkli film rica ediyorum. من یک فیلم رنگی می‌خواهم.
- Siyah beyaz film rica ediyorum. من یک فیلم سیاه و سفید می‌خواهم.
- 24 pozluk film rica ediyorum. من یک فیلم ۲۴ تایی می‌خواهم.
- 36 pozluk film rica ediyorum. من یک فیلم ۳۶ تایی می‌خواهم.
- Renkli filminiz var mı? آیا فیلم رنگی دارید؟
- Piliniz var mı? آیا باتری دارید؟
- Otomatik fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین اتوماتیک می‌گردم.
- Kompakt fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین جمع و جور می‌گردم.
- Dijital fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین دیجیتال می‌گردم.
- Tek kullanımlık fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین یکبار مصرف می‌گردم.
- Flaş için ampul rica ediyorum. من چند تا لامپ فلاش می‌خواهم.
- Lens kapağı rica ediyorum. من یک درپوش لنز می‌خواهم.
- Lens rica ediyorum. من یک لنز می‌خواهم.
- Pil rica ediyorum. من یک باتری می‌خواهم.
- Kamera kutusu rica ediyorum. من یک کیف دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için flaş kartı arıyorum. من یک کارت فلاش برای این دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için SD kartı arıyorum. من یک کارت اس دی برای این دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için MMC kartı arıyorum. من یک کارت ام ام سی برای این دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için Smart-media kartı arıyorum. من یک کارت رسانه هوشمند برای این دوربین می‌خواهم.
- Fotoğraf makineme film takar mısınız? لطفاً ممکن است در دوربین من فیلم بگذارید؟
- Bu filmin banyosu yapmak istiyorum. من می‌خواهم این حلقه فیلم را ظاهر کنید.
- Her birinden iki kopya rica ediyorum. از هر کدام دو سری چاپ می‌خواهم.
- Sanırım bazı fotoğraflar karanlık çıkmış. فکر می‌کنم بعضی از این عکس‌ها کم نور دیده‌اند.
- Bu fotoğrafları büyütme istiyorum. من می‌خواهم این عکس‌ها را بزرگ کنم.

Fotoğraflar ne zaman hazır olur?

عکس‌ها کی آماده می‌شود؟

کلمات مفید

yabancı dil kayıtları	نوارهای زبان خارجی	video kamera	دوربین فلمبرداری
elektronik flaş	فلاش الکترونیکی	DVD player	دستگاه پخش دی وی دی
kompakt flaş	فلاش	CD player	دستگاه پخش سی دی
taşınabilir hafıza kartı	کارت حافظه	video player	دستگاه پخش ویدئو
kaset	نوار کاست	video teyp	دستگاه ضبط و پخش ویدئو
video kaset	نوار ویدئو	teyp	ضبط صوت
film	فیلم	flaş	فلاش
parlak yüzey	کاغذ براق	flaş kartı	فلاش کارت
mat yüzey	کاغذ مات	SD kartı	کارت اس دی
adaptör	آداپتور	MMC kartı	کارت ام ام سی
pil	باتری	smart-media kartı	کارت رسانه هوشمند
epilatör	اپیلاتور	kompakt disk (CD)	سی دی
tıraş makinesi	ریش تراش برقی	stereo sistemi	سیستم استریو
uzatma kablosu	سیم رابط	bilgisayar	رایانه
saç kurutma makinesi	سشوار	bilgisayar diski	دیسک رایانه
fiş	دو شاخه	mouse	ماوس
kamera	دوربین	modem	مودم
cep telefonu	تلفن همراه	dijital	دیجیتال

سوغات (hediyelik eşya)

Bu kasabaya ait özel bir hediyelik eşya istiyorum.	می‌خواهم از این شهر سوغاتی ببرم.
Özel bir hediye almak istiyorum.	من می‌خواهم یک هدیه ویژه بخرم.
Küçük bir hediye almak istiyorum.	من می‌خواهم یک سوغات کوچک بخرم.
Seramik gösterir misiniz?	آیا ممکن است تعدادی سرامیک به من نشان بدهید؟
Mücevherat gösterir misiniz?	آیا ممکن است تعدادی جواهرآلات به من نشان بدهید؟
Dantel gösterir misiniz?	آیا ممکن است مقداری پارچه زینتی توری به من نشان بدهید؟
Deri ürünler gösterir misiniz?	آیا ممکن است تعدادی وسایل چرمی به من نشان بدهید؟
Likör gösterir misiniz?	آیا ممکن است تعدادی لیکور به من نشان بدهید؟

Müzik aleti gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی آلات موسیقی به من نشان بدهید؟

Parfüm gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی عطر به من نشان بدهید؟

Resim gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی تصویر به من نشان بدهید؟

Poster gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی پوستر به من نشان بدهید؟

Buzdolabı magnetleri gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی تزئین آهنربایی روی یخچال به من نشان بدهید؟

Sizde bu bölgenin manzara resimleri var mı? آیا تصاویری از منظره‌های این منطقه دارید؟

Bu şehrin manzarası olan kartpostalınız var mı? آیا کارت پستالی با منظره‌های این شهر دارید؟

Bu şehrin manzarası olan takviminiz var mı? آیا تقویمی با منظره‌های این شهر دارید؟

Bu şehrin manzarası olan tişörtünüz var mı? آیاتی شرتی با منظره‌های این شهر دارید؟

Bu şehrin manzarası olan posteriniz var mı? آیا پوستری با منظره‌های این شهر دارید؟

Çok ünlü Fransız ressamların tablolarını arıyorum.

من دنبال تابلوهای نقاشان مشهور فرانسوی می‌گردم.

Çok ünlü Hollandalı ressamların tablolarını arıyorum.

من دنبال تابلوهای نقاشان مشهور هلندی می‌گردم.

Avrupa sanatıyla ilgileniyorum. من به هنر اروپا علاقه مند هستم.

Doğu sanatıyla ilgileniyorum. من به هنر شرق علاقه مند هستم.

Bu heykel hangi döneme ait? این مجسمه مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bu resim hangi döneme ait? این تابلو مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bu vazıo hangi döneme ait? این گلدان مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bu para hangi döneme ait? این سکه مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bunun için değır bıçer misiniz? لطفاً ممکن است قیمت این را برای من ارزیابی کنید؟

El örgüsü kilim görmek istiyorum. من می‌خواهم یک فرش دست باف ببینم.

Bunlar kristal mi? این‌ها بلور هستند؟

Antika para alıyor musunuz? آیا شما سکه‌های قدیمی می‌خرید؟

Antika para satıyor musunuz? آیا شما سکه‌های قدیمی می‌فروشید؟

Bir buket kırmızı gül rica ediyorum. من یک دسته گل رز سرخ می‌خواهم.

Bir kutu çikolata rica ediyorum. من یک جعبه شکلات می‌خواهم.

Bir şişe şarap rica ediyorum. من یک بطری شراب می‌خواهم.

کتابها (kitaplar)

- امکان دارد به کتابها نگاهی بیاندازم؟
 Kitaplara göz atabilir miyim?
 من می‌خواهم یک کتاب راهنما بخرم.
 Kılavuz satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک فرهنگ لغت جیبی بخرم.
 Cep sözlüğü satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک نقشه شهر بخرم.
 Şehir haritası satın almak istiyorum.
 من دنبال یک فرهنگ لغت ترکی به فارسی هستم.
 Türkçe-Farsça sözlük arıyorum.
 من یک کتاب مصور برای بچه پنج ساله می‌خواهم.
 Beş yaşında bir çocuk için boyama kitabı arıyorum.
 من می‌خواهم چند کتاب رنگ آمیزی ببینم.
 Boyama kitaplarına bakmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک رمان رمز به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir mistik romanı satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک رمان تاریخی به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir tarihi romanı satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک داستان کارآگاهی به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir polisiye romanı satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک داستان ماجراجویی به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir macera romanı satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک داستان خیالی به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir fantastik romanı satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک درام به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir dramatik eseri satın almak istiyorum.
 من می‌خواهم یک داستان ساده به زبان ترکی بخرم.
 Türkçe bir kolay okuma satın almak istiyorum.
 لطفاً یک روزنامه ترکی به من بدهید.
 Türkçe gazete verin lütfen.
 من یک دفترچه یادداشت می‌خواهم.
 Bloknot rica ediyorum.
 من یک خودکار می‌خواهم.
 Kalem rica ediyorum.
 من یک پاک کن می‌خواهم.
 Silgi rica ediyorum.
 من یک مداد می‌خواهم.
 Kurşun kalem rica ediyorum.
 من یک دفتر می‌خواهم.
 Defter rica ediyorum.
 من یک مداد تراش می‌خواهم.
 Kalemıraş rica ediyorum.

Cetvel rica ediyorum. من یک خط کش می‌خواهم.
 Seloteyp rica ediyorum. من یک چسب نواری می‌خواهم.
 Raptiye rica ediyorum. من چند پونز می‌خواهم.
 Ataç rica ediyorum. من چند گیره کاغذ می‌خواهم.
 Zarf rica ediyorum. من یک پاکت نامه می‌خواهم.
 Bu şehirin açıkça işaretlenmiş bir haritasını rica ediyorum.

من یک نقشه واضح از این شهر می‌خواهم.
 Tebrik kartınız var mı? آیا کارت تبریک دارید؟
 Küçük biblolarınız var mı? آیا خورده ریز دارید؟
 İngilizce kitaplarınız var mı? آیا کتاب انگلیسی دارید؟
 Çocuk kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می‌توانم کتاب کودکان پیدا کنم؟
 Sanat kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می‌توانم کتاب هنری پیدا کنم؟
 Hikaye kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می‌توانم یک مجموعه داستان پیدا کنم؟
 Şiir kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می‌توانم یک مجموعه شعر پیدا کنم؟
 Tarih kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می‌توانم کتاب‌های تاریخی پیدا کنم؟
 Tercüme edilmiş romanları nerede bulabilirim?
 از کجا می‌توانم رمان‌های ترجمه شده پیدا کنم؟

اسباب بازی‌ها/بازی (oyuncaklar/oyun)

Erkek çocuğu için ilgi çekici bir oyuncak arıyorum.
 من یک بازی جالب برای یک پسر بچه می‌خواهم.
 Kız çocuğu için ilgi çekici bir oyuncak arıyorum.
 من یک بازی جالب برای یک دختر بچه می‌خواهم.
 Küçük çocuk için oyuncak arıyorum.
 من یک اسباب بازی برای بچه کوچک می‌خواهم.
 Küçük çocuk için oyun arıyorum.
 من یک بازی برای بچه کوچک می‌خواهم.
 Elektrik oyuncak arıyorum.
 من می‌خواهم چند تا اسباب بازی برقی ببینم.
 Müzikli oyuncak arıyorum.
 من می‌خواهم چند تا اسباب بازی موزیکال ببینم.
 Konuşan oyuncak arıyorum.
 من می‌خواهم چند تا اسباب بازی سخنگو ببینم.
 Eğitici oyuncak arıyorum.
 من می‌خواهم چند تا اسباب بازی آموزشی ببینم.
 Plastik oyuncak arıyorum.
 من می‌خواهم چند تا اسباب بازی پلاستیکی ببینم.
 Dört yaşında bir çocuk için uygun bir oyuncağınız var mı?

آیا برای یک بچه چهار ساله اسباب بازی مناسب دارید؟

Çocuklar için basit oyunlarınız var mı?

آیا بازی‌های آسان برای بچه‌ها دارید؟

Çocuklar için eğlenceli oyunlarınız var mı?

آیا بازی‌های سرگرم کننده‌ای برای بچه‌ها دارید؟

Hasta küçük bir oğlana ne verebiliriz?

به یک پسر بچه مریض چه چیزی می‌توانیم بدهیم؟

Hasta küçük bir kıza ne verebiliriz?

به یک دختر بچه مریض چه چیزی می‌توانیم بدهیم؟

Yürüyen ve konuşan oyuncak bebekleriniz var mı?

آیا عروسکی که راه برود و حرف بزند دارید؟

Pinpon topunuz var mı?

آیا توپ پینگ پنگ دارید؟

Yap-bozunuz var mı?

آیا پازل دارید؟

Transformeriniz var mı?

آیا ترانسفرمر دارید؟

Araba modeliniz var mı?

آیا مدل‌های ماشین دارید؟

Oyuncak bebek eviniz var mı?

آیا خانه عروسک دارید؟

Ne tür yapı oyuncaklarınız var?

چه نوع کیت ساختنی دارید؟

Ne tür banyo oyuncaklarınız var?

چه نوع اسباب بازی حمام دارید؟

Ne tür zeka oyunlarınız var?

چه نوع بازی فکری دارید؟

Ne tür çıngırdaklarınız var?

چه نوع جغجه‌ای دارید؟

Ne tür yürüteçleriniz var?

چه نوع روروکها دارید؟

Kova kürek takımı rica ediyorum.

من یک سطل و یک بیل می‌خواهم.

Satranç rica ediyorum.

من یک دست شطرنج می‌خواهم.

Oyuncak bebek rica ediyorum.

من یک عروسک می‌خواهم.

Elektronik oyun rica ediyorum.

من یک بازی الکترونیکی می‌خواهم.

Oyuncak ayı rica ediyorum.

من یک خرس عروسکی می‌خواهم.

Baloncuk makinesi rica ediyorum.

من یک حباب ساز می‌خواهم.

Oyuncak yemek seti rica ediyorum.

من یک دست ظروف غذاخوری می‌خواهم.

Oyuncak yapı kovaı rica ediyorum.

من یک سطل بازی می‌خواهم.

Oyuncak bebek evi rica ediyorum.

من یک خانه عروسکی می‌خواهم.

Oyun seti rica ediyorum.

من یک مجموعه اسباب بازی می‌خواهم.

کلمات مفید

banyo oyuncakları/küvetler

اسباب بازی حمام

yüzen	شناور
kolluk	شناورهای بازو
bebek kayığı	قایق بچه
şnorkel	لوله تنفس
zeka oyunları	بازی فکری
tavla	تخته نرد
dama	بازی چکر
satranç	شطرنج
dart	دارت
yap-boz	پازل
plastik oyuncaklar	اسباب بازی پلاستیکی
kova ve kürek	سطل و بیل
oyun seti	مجموعه اسباب بازی
blok seti	سری قطعه قطعه
yapı setleri/oyuncak yapı kovası	کیت ساختنی/سطل بازی
Lego	بازی لگو
çingirdaklar	جغجغه
yürüteç	روروک
oyuncak bebekler	عروسک
Barbie	باربی
oyuncak yemek takımı seti	ظروف غذاخوری
oyuncak bebek evi	خانه عروسکی
pelüş hayvanlar	حيوانات بازی
oyuncak askerler	سربازهای حلبی
transformerler	ترانسفرمر
top	توپ
futbol	توپ فوتبال
uçurtma	بادبادک
pinpon	پینگ پنگ
baloncuk makinesi	حباب ساز
balon	بادکنک

su tabancası

تفنگ آبی

eğitici elektronik oyuncaklar

اسباب بازی های الکترونیکی آموزشی

müzikli ve konuşan oyuncaklar

اسباب بازی های موزیکال و سخنگو

radio ve uzaktan kumandalı araçlar

ماشین های کنترل از راه دور

توتون / الکل (tütün ürünleri/alkol)

Bir paket sigara rica ediyorum.

من یک پاکت سیگار می خواهم.

Biraz puro rica ediyorum.

من چند تا سیگار برگ می خواهم.

Bir çakmak rica ediyorum.

من یک فندک می خواهم.

Kibrit rica ediyorum.

من چند تا کبریت می خواهم.

Biraz tütün rica ediyorum.

من مقداری توتون می خواهم.

Çiğnemek için tütün satıyor musunuz?

آیا توتون جویدنی دارید؟

Sigara ağızlığı satıyor musunuz?

آیا چوب سیگار دارید؟

Puro satıyor musunuz?

آیا سیگار برگ دارید؟

Çakmak satıyor musunuz?

آیا فندک دارید؟

Pipo satıyor musunuz?

آیا پیپ دارید؟

Pipo tütünü satıyor musunuz?

آیا توتون پیپ دارید؟

Filtreli hangi markalar var?

فیلتردار چه مارکی دارید؟

Bir paket filtreli sigara.

یک پاکت سیگار بدون فیلتر.

Bir paket filtresiz sigara.

یک پاکت سیگار بدون فیلتر.

Bir paket sert sigara.

یک پاکت سیگار قوی.

Bir paket mentollü sigara.

یک پاکت سیگار منتول.

Bir paket orta sigara.

یک پاکت سیگار متوسط.

Bir paket hafif sigara.

یک پاکت سیگار ملایم.

Bir paket çok hafif sigara.

یک پاکت سیگار فوق ملایم.

Bir paket büyük boy sigara.

یک پاکت سیگار بزرگ.

Bir paket ince sigara.

یک پاکت سیگار نازک.

Gümrükten ne kadar çikolata geçirebilirim?

چه مقدار شکلات می توانم با خودم از گمرک رد کنم؟

Gümrükten ne kadar tütün geçirebilirim?

چه مقدار توتون می توانم با خودم از گمرک رد

کنم؟

Gümrükten ne kadar alkol geçirebilirim?	چه مقدار الکل می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟
Gümrükten ne kadar parfüm geçirebilirim?	چه مقدار عطر می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟
Gümrükten ne kadar havyar geçirebilirim?	چه مقدار خاویار می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟
Deri tütün keseniz var mı?	آیا کیسه توتون چرمی دارید؟
İyi bir pipo görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک پیپ خوب ببینم.
İyi, büyük bir puronuz var mı?	آیا سیگار برگ بزرگ و خوب دارید؟
Ne marka porto şaraplarınız var?	پرت چه مارک‌هایی دارید؟
Hangi bağbozumu en iyisi?	شراب محصول کدام سال بهتر است؟
Orijinal konyağınız var mı?	آیا کنیاک اصل دارید؟
Yerel şarabınız var mı?	آیا شراب محلی دارید؟
Bu şarap tatlı mı?	آیا این شراب شیرین است؟
Bu şarap sek mi?	آیا این شراب گس است؟
Bir şişe brandi rica ediyorum.	من یک بطری براندی می‌خواهم.
Bir şişe votka rica ediyorum.	من یک بطری ودکا می‌خواهم.
Bir şişe viski rica ediyorum.	من یک بطری ویسکی می‌خواهم.
Bir şişe şeri rica ediyorum.	من یک بطری شری می‌خواهم.
İyi bir konyak tavsiye edebilir misiniz?	ممکن است یک کنیاک خوب توصیه کنید؟
İyi bir bira tavsiye edebilir misiniz?	ممکن است یک آبجوی خوب توصیه کنید؟
İyi bir şarap tavsiye edebilir misiniz?	ممکن است یک شراب خوب توصیه کنید؟
Bira bardağı görmek istiyorum.	من می‌خواهم چند تا لیوان آبجو ببینم.
Şarap kadehi görmek istiyorum.	من می‌خواهم چند تا گیلان شراب ببینم.
Kristal şarap sürahiniz var mı?	آیا تنگ کریستال شراب دارید؟

زیور آلات/ساعت مچی (mücevher/kol saatleri)

Bir yüzük istiyorum.	من یک انگشتر می‌خواهم.
Küpe istiyorum.	من گوشواره می‌خواهم.
Broş istiyorum	من یک سنجاق سینه می‌خواهم.
Zincir istiyorum.	من یک زنجیر می‌خواهم.

İğne istiyorum.	من یک سنجاق می‌خواهم.
Bilezik istiyorum.	من یک دست بند می‌خواهم.
Kolye istiyorum.	من یک گردن بند می‌خواهم.
Pendantif istiyorum.	من یک آویز می‌خواهم.
Kol saati istiyorum.	من یک ساعت مچی می‌خواهم.
Saat istiyorum.	من یک ساعت می‌خواهم.
Altın bir yüzük görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک انگشتر طلا ببینم.
Altın bir küpe görmek istiyorum.	من می‌خواهم گوشواره طلا ببینم.
Bayan için yüzük görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک انگشتر زنانه ببینم.
Alyans görmek istiyorum.	من می‌خواهم یک حلقه ازدواج ببینم.
18 kırat altın olan bir tane tercih ederim.	من طلای ۱۸ عیار را ترجیح می‌دهم.
O kolyenin tokası sıkı mı?	قلاب روی آن گردنبند محکم است؟
O kol saatinin tokası sıkı mı?	قلاب روی آن ساعت محکم است؟
Altın paranız var mı?	آیا سکه طلا دارید؟
Altın kol düğmeniz var mı?	آیا دکمه سر دست طلا دارید؟
Altın küpeniz var mı?	آیا گوشواره طلا دارید؟
El yapımı mı?	آیا دست ساز است؟
Bu altın mı?	آیا طلا است؟
Bu platin mi?	آیا پلاتین است؟
Bu gümüş mü?	آیا نقره است؟
Bu paslanmaz çelik mi?	آیا استیل است؟
Bunun için sertifika var mı?	آیا سند رسمی دارد؟
Bu taş ne?	این سنگ چیست؟
Bu desende gümüş takım var mı?	ظروف نقره‌ای با آن طرح دارید؟
Yeni çerçeve yapabilir misiniz?	ممکن است یک قاب جدید درست کنید؟
Saatimin ayarlanması gerekiyor.	ساعت من نیاز به تنظیم دارد.
Kurgusu kırıldı.	دکمه تنظیم خراب شده است.
Saatimi temizler misiniz lütfen?	ممکن است لطفاً ساعت مرا تمیز کنید؟
Saatimin pilini değiştirir misiniz?	ممکن است لطفاً باتری ساعت را عوض کنید؟
Tarihi gösteren bir kol saati görebilir miyim?	ممکن است یک ساعت مچی ببینم که تاریخ را نشان می‌دهد؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Kronometre görmek istiyorum. من می‌خواهم یک کرنومتر ببینم.
 Deri saat kayışı görmek istiyorum. من می‌خواهم یک بند ساعت چرمی ببینم.
 Nylon saat kayışı görmek istiyorum. من می‌خواهم یک بند ساعت نایلونی ببینم.
 Plastik saat kayışı görmek istiyorum. من می‌خواهم یک بند ساعت پلاستیکی ببینم.
 Beyaz porselen gösterebilir misiniz? ممکن است چند تا چینی سفید به من نشان بدهید؟
 Bu figürler kırılğan mı? آیا این مجسمه‌های کوچک خیلی شکننده هستند؟

کلمات مفید

kristal	کریستال	yeşim taşı	یشم
bakır	مس	fildişi	عاج
pırlanta	الماس	jasper	یشم سبز
emaye	لعاب	malakit	مرمر سبز
inci	مروارید	oniks	عقیق
gümüş kaplama	نقره داده	yakut	یاقوت سرخ
altın kaplama	طلا داده	safir	یاقوت کبود
platin	پلاتین	turkuvaz	فیروزه
kristal	بلور کریستال	gümüş	نقره
kehribar	کهربا	altın	طلا
ametist	یاقوت ارغوانی	değerli taşlar	سنگ جواهر
akuamarin	زمرد کبود	yarı değerli taşlar	سنگ‌های نیمه قیمتی
zümrüt	زمرد سبز	emitasyon mücevher	جواهر بدلی
opal	عین الشمس	stras	جواهر بدلی

در سوپر مارکت (süpermarkette)

Alışveriş arabaları nerede? چرخ دستی‌های خرید کجا هستند؟
 Alışveriş sepetleri nerede? سبدهای خرید کجا هستند؟
 Konserve gıda nerede bulabilirim? کجا می‌توانم غذای کنسرو شده پیدا کنم؟
 Kahve nerede bulabilirim? کجا می‌توانم قهوه پیدا کنم؟
 Çay nerede bulabilirim? کجا می‌توانم چای پیدا کنم؟
 Kahvaltılık gevrek nerede bulabilirim? کجا می‌توانم برشته‌ک پیدا کنم؟

Banyo malzemeleri nerede bulabilirim? کجا می‌توانم لوازم آرایش پیدا کنم؟

Hangi koridorda konserve gıda bulabilirim?

در کدام ردیف می‌توانم غذای کنسرو شده پیدا کنم؟

Burada fırın var mı?

آیا اینجا نانوايي هست؟

Burada eczane var mı?

آیا اینجا داروخانه هست؟

Burada mezeci dükkânı var mı?

آیا اینجا اغذیه فروشی هست؟

Biraz bundan rica ediyorum.

من مقداری از این را می‌خواهم.

Biraz şundan rica ediyorum.

من مقداری از این را می‌خواهم.

Biraz ondan rica ediyorum.

من مقداری از آن را می‌خواهم.

Bunu

این یکی.

Onu

آن یکی.

Bunlar.

این‌ها

Onlar.

آن‌ها.

Sola

به چپ.

Sağa

به راست.

Hepsi bu kadar, teşekkürler.

همین، متشکرم.

Yarım kilo elma rica ediyorum.

من نیم کیلو سیب می‌خواهم.

Yarım kilo domates rica ediyorum.

من نیم کیلو گوجه فرنگی می‌خواهم.

Yarım kilo patates rica ediyorum.

من نیم کیلو سیب زمینی می‌خواهم.

Yarım kilo vişne rica ediyorum.

من نیم کیلو آلبالو می‌خواهم.

Yarım kilo muz rica ediyorum.

من نیم کیلو موز می‌خواهم.

Yarım kilo şeftali rica ediyorum.

من نیم کیلو هلو می‌خواهم.

Yarım kilo tavuk göğsü rica ediyorum.

من نیم کیلو سینه مرغ می‌خواهم.

Yarım kilo salam rica ediyorum.

من نیم کیلو سالامی می‌خواهم.

Yarım kilo domuz eti rica ediyorum.

من نیم کیلو گوشت خوک قطعه قطعه می‌خواهم.

Yarım düzine yumurta rica ediyorum.

من شش تا (دوجین) تخم مرغ می‌خواهم.

Yarım düzine patates rica ediyorum.

من شش تا (دوجین) سیب زمینی می‌خواهم.

Birkaç dilim jambon verin, lütfen.

لطفاً چند برش گوشت ران خوک به من بدهید.

Birkaç dilim peynir verin, lütfen.

لطفاً چند برش پنیر به من بدهید.

Birkaç dilim salam verin, lütfen.

لطفاً چند برش سالامی به من بدهید.

Birkaç dilim domuz pastırması verin, lütfen.

لطفاً چند برش بیکن به من بدهید.

Bir kalıp sabun verin lütfen.	لطفاً یک قالب صابون به من بدهید.
Bir şişe meyve suyu verin lütfen.	لطفاً یک بطری آب میوه به من بدهید.
Bir kutu kahvaltılık gevrek verin lütfen.	لطفاً یک جعبه برشتوک به من بدهید.
Bir kavanoz kahve verin lütfen.	لطفاً یک شیشه قهوه به من بدهید.
Bir kutu kola verin lütfen.	لطفاً یک قوطی نوشابه به من بدهید.
Bir poşet patates çipsi verin lütfen.	لطفاً یک بسته چیپس سیب زمینی به من بدهید.
İki dilim, lütfen.	من دو برش می خواهم.
İki parça, lütfen.	من دو قطعه می خواهم.
İki paket, lütfen.	من دو بسته می خواهم.
İki şişe, lütfen.	من دو بطری می خواهم.
İki kutu, lütfen.	من دو جعبه می خواهم.
İki konserve, lütfen.	من دو قوطی می خواهم.
İki kalıp, lütfen.	من دو قالب می خواهم.
İki kavanoz, lütfen.	من دو شیشه می خواهم.
İki poşet, lütfen.	من دو بسته می خواهم.
Üç yüz gram tartın lütfen.	لطفاً ۳۰۰ گرم برای من بکشید.
Self servis mi?	سلف سرویس است؟
Piştirilmesi gerekiyor mu?	آیا باید پخته شود؟
Biraz tadabilir miyim?	ممکن است کمی بچشم؟
Biraz daha.	کمی دیگر
Daha az.	کمتر
Burada mı kasada mı ödüyorum?	آیا باید الان پولش را بدهم یا در زمان خروج از فروشگاه؟
Poşet alabilir miyim, lütfen?	لطفاً ممکن است یک کیسه به من بدهید؟

کلمات مفید

Ev eşyaları	کالاهای خانگی	Satış tarihi ...	فروش تا تاریخ ...
Sadece nakit	فقط پول نقد	Son kullanma tarihi ...	بهترین تاریخ مصرف تا ...
Mezeler	اغذیه فروشی	mikrodalgada yapılabilir	قابل استفاده در مایکروویو
Fırın	نانوایی	Yemekten önce ısıtınız	پیش از خوردن دوباره گرم شود.
yarım düzine	جین	kilo	کیلو
ons	اونس	gram	گرم

pound	پاوند	litre	لیتر
yarım pound	نیم پاوند	kupon	کوپن
düzine	دوجین	indirim	تخفیف
koridor	راهرو	fış	رسید
Kasa	صندوق	Buzdolabında tutunuz	در یخچال نگهداری شود

پرداخت (ödeme)

Ödemeyi nerede yapabilirim?	کجا باید پرداخت کنم؟
Kredi kartı kabul ediyor musunuz?	آیا کارت اعتباری قبول می‌کنید؟
Döviz kabul ediyor musunuz?	آیا ارز خارجی قبول می‌کنید؟
Seyahat çeki kabul ediyor musunuz?	آیا چک مسافرتی قبول می‌کنید؟
Çek kullanabilir miyim?	آیا می‌توانم چک شخصی بدهم؟
Bu ödeyebileceğimden fazla.	من این قدر نمی‌توانم پرداخت کنم.
Bu fiyat hiç mantıklı değil.	این قیمت مناسب نیست.
Bu fiyat harcamayı planladığım rakamın üstünde.	این قیمت بالاتر از آن است که در نظر داشتم هزینه کنم.
Vergisiz alabilir miyim?	آیا می‌توانم آن را بدون پرداخت مالیات بخرم؟
Taksitle alabilir miyim?	آیا می‌توانم آن را قسطی بخرم؟
Daha uygun bir fiyat verebilir misiniz?	ممکن است قیمت بهتری به من بدهید؟
Nakit indirimi verebilir misiniz?	ممکن است تخفیف نقدی به من بدهید؟
Fiş verebilir misiniz?	ممکن است رسید به من بدهید؟
Nakit indirimi olanağı var mı?	امکان گرفتن تخفیف نقدی وجود دارد؟
Taksit olanağı var mı?	امکان خرید قسطی وجود دارد؟
Faturada bir hata mı var?	در صورت حساب اشتباهی نشده است؟
Tekrar kontrol eder misiniz?	ممکن است دوباره آن را چک کنید؟
Yanlış para üstü verdiniz.	بقیه پول را اشتباه به من دادید.
Ben ödeme yaptım!	من پرداخت کردم!
Bugün almak istiyorum.	من آن را امروز می‌خواهم.
Bunu iade etmek istiyorum.	من می‌خواهم این را پس بدهم.
Buyurun faturam.	این فاکتور من است.
Buyurun ödeme belgem.	این رسید پرداخت من است.

Buyurun fişim. این رسید من است.
 Bu kırık. این خراب است.
 Hayır, bu benim için değil. خیر، مال من نیست.

ممکن است بشنوید:

Üzgünüm, kapalıyız. متأسفم، تعطیل است.
 Merhaba, nasıl yardımcı olabilirim? سلام، چطور می‌توانم به شما کمک کنم؟
 Özel bir şey mi arıyorsunuz? دنبال چیز خاصی می‌گردید؟
 İndirimdeyiz. ما حراج کرده‌ایم.
 İndirimde. حراج.
 Maalesef elimizde kalmamış. متأسفانه تمام کرده‌ایم.
 Sizin için sipariş edebiliriz. می‌توانیم برای شما سفارش دهیم.
 Ne aramıştınız? دنبال چه چیزی می‌گردید؟
 Karar verdiniz mi? تصمیم گرفتید؟
 Bir şey seçtiniz mi? چیزی انتخاب کردید؟
 Beğendiğiniz bir şeyler bulabildiniz mi? چیزی که خوشتان بیاید پیدا کردید؟
 Kaç beden aramıştınız? چه اندازه‌ای می‌خواهید؟
 Denemek ister misiniz? مایلید آن را پرو کنید؟
 Lütfen bunu deneyin. لطفاً این را امتحان کنید.
 Size çok yakıştı. خیلی به شما می‌آید.
 Beğendiniz mi? خوشتان آمد؟
 Tatmak ister misiniz? مایلید آن را بچشید؟
 Başka bir çift denemek ister misiniz? می‌خواهید یک جفت دیگر را پرو کنید؟
 Üzgünüm, bu sonuncusu. متأسفم، این آخرین دانه است.
 Bunu tavsiye ederim. توصیه می‌کنم این یکی را بردارید.
 Bu sizin bedeniniz değil. این اندازه شما نیست.
 Bunu sizin bedeninize göre ayarlayabiliriz. می‌توانیم آن را اندازه شما کنیم.
 Hepsi bu kadar. فقط همین‌ها را داریم.
 Orada bulabilirsiniz. ممکن است آنجا پیدا کنید.
 Nasıl ödemek istersiniz? چه طور پرداخت می‌کنید؟
 Kasa orada. صندوق آنجاست.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

İndirim kartınız var mı? کارت تخفیف ما را دارید؟
 Bu kart geçerli değil. این کارت اعتبار ندارد.
 Bu kart tarihi geçmiş. این کارت تاریخش گذشته است.
 İşlem yapılamadı. پرداخت تأیید نشده است.
 Bankamatik orada. عابر بانک آنجا است.
 Mağaza kapanıyor. فروشگاه دارد تعطیل می شود.
 Lütfen Müşteri Hizmetlerine sorun. لطفاً از قسمت خدمات مشتریان بپرسید.

istemek (خواستن)

Kalmak istiyorum. می خواهم بمانم.
 Kalmanızı istiyorum. می خواهم بمانید (ماندن شما را می خواهم).
 Kalabilmenizi istiyoruz. می خواهم بتوانید بمانید.
 Kalmamanızı istiyorular. آن ها می خواهند شما نمانید.
 Kalmanızı istemiyoruz. نمی خواهیم شما بمانید.
 Kalmasını istemiyorlar. نمی خواهند او بماند.
 Kalmamalarını istemiyorum. نماندن آن ها را نمی خواهم (می خواهم آن ها بمانند).

پوشیدنی ها و زیور آلات

ayakkabı	کفش	iç çamaşırkanı	لباس زیر
ceket	ژاکت	kemer	کمر بند
çorap	جوراب	şort	شرت
elbise	لباس	pantolon	شلوار
gömlek	پیراهن	küpe	گوشواره
bilezik	النگو، دستبند	yüzük	حلقه انگشتر
kolye	گردنبند		

زمان آینده: Gelecek zaman

در صرف این فعل بعد از ساختن فعل امر (که با حذف mak, mek از مصدر حاصل می شود) به جلوی آن علامت شاخص آینده، یعنی -ecek, -acak- می گذاریم و به دنبال آن با افزودن ضمایر متصل به فعل صیغه خود را صرف می کنیم.

علامت ضمایر شخصی + -ecek, -acak + مصدر بدون mak, mek + ضمیر فاعلی = زمان آینده

مثال:

Gelmek → gel + ecek + im = geleceğim

خواهم آمد

برای منفی کردن این زمان me و ma را قبل ecek و acak می‌آوریم. مثال:

Gelmek → gelme + (y) ecek + im = gelmeyeceğim نخواهم آمد
برای سؤالی کردن این زمان پیوند چهار شکلی mı, mi, mu, mü را بعد از پیوند دو شکلی ecek و acak می‌آوریم. مثال:

Gelmek → gelecek + mi + (y) im = gelecekmİYim آیا خواهم آمد

جدول صرف زمان آینده از مصدر bakmak (نگاه کردن)				
منفی سؤالی آیا نگاه نخواهم کرد؟	مثبت سؤالی آیا نگاه خواهم کرد؟	منفی نگاه نخواهم کرد	مثبت نگاه خواهم کرد	مفرد
bakmayacak mıyım	bakacakmıyım	bakmayacağım	bakacağım	1
bakmayacak mısın	bakacakmısın	bakmayacaksın	bakacaksın	2
bakmayacak mı	bakacak mı	bakmayacak	bakacak	3
جمع				
bakmayacak mıyız	bakacakmıyız	bakmayacağız	bakacağız	1
bakmayacak mısınız	bakacakmısınız	bakmayacaksınız	bakacaksınız	2
bakmayacaklar mı	bakacaklar mı	bakmayacaklar	bakacaklar	3

کاربرد زمان آینده

۱- بیان اعمالی که قرار است اتفاق بیافتند ولی هنوز رخ نداده‌اند.

می‌خواهم به دریا بروم، تو هم خواهی آمد؟ Ben denize gidiyorum, sen de gelecek misin?

۲- بیان چیزی که گوینده می‌خواهد اتفاق بی افتد.

تو سیگار را ترک خواهی کرد. Sigara içmekten vazgeçeceksin.

۳- بیان حدسیات مطمئن.

این که می‌آید احمد خواهد بود. Bu gelen Ahmet olacak.

برای آشنایی بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه شود

تبریک و تهنیت

Tebrik ederim
Gözünüz aydın

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Oğlum üniversiteye kabul edildi. پسر من در دانشگاه قبول شد.
 Öyle mi? Tebrik ederim. واقعاً؟ تبریک می‌گویم.
 Eşim terfi oldu. شوهر من ترفیع گرفت.
 Gözünüz aydın. Çok sevindim. چشم شما روشن. خیلی خوشحال شدم.

برخی اصطلاحات رایج

Gözünüz aydın چشم شما روشن
 در جواب کسی که خبرهای خوب گرفته است.
 Allah mesut etsin. خداوند سعادت بدهد.
 در تبریک یک زوج تازه ازدواج کرده.
 Allah analı babalı büyütsün خدا پدر و مادرش را به رایش حفظ کند.
 برای ولادت نوزاد.
 Kolay gelsin خدا قوت بده (خسته نباشید).
 برای شخصی که از نظر جسمی و فکری بسیار پر کار و سخت کوش است.
 İyi şanslar موفق باشید.
 Sağlık olsun سلامت باشید. (خیرش در آن باشد).
 زمانی که چیزی گم و یا شکسته می‌شود.
 Allah kavuştursun وعده وصل با خدا
 به کسی که محبوبه یا معشوقش دور شده باشد.
 Darısı başına خداوند به شما نیز توفیق دهد.
 آرزوی موفقیت کسی که آن را بدست آورده است برای شخص دیگر.
 Çok yaşa/Sen de gör زنده باشید/ شما هم برقرار باشید. (عافیت باشد).
 وقتی کسی عطسه می‌کند.
 Allah rahatlık versin/Sana da آسوده بخوابید/ تو نیز همین طور
 قبل از رفتن به رختخواب
 İyi geceler شب به خیر
 Nice senelere صد سال به این سال‌ها
 Yeni yılınız kutlu olsun. سال نو مبارک

اصطلاحات مربوط به can (جانان، دوست، رفیق، روح، جان)

can atmak تقلع کردن
 can çekişmek جان دادن

canı acımak	بدنش به درد آمدن
canı çekmek	آرزو کردن، تمایل داشتن
canını çıkarmak	روح از بدن خارج شدن
canı istemek	هوس داشتن، میل داشتن
canı sıkılmak	دل تنگ شدن
canını yanmak	احساس درد کردن
canına değmek	خوشش آمدن
canına kıymak	بدون ترحم کشتن
canına minnet	جانت سلامت باد
canına susamak	دنبال بلا گشتن
canına tak etmek/demek	بی صبر شدن
canını çıkarmak	کهنه کردن، خسته کردن
canını dişine takmak	جگر به دندان گرفتن
canını vermek	خود را فدا کردن
canını sokakta bulmak	از جان خود سیر نشدن
canın sağ olsun	سرت سلامت! جانت سلامت!
cana yakın	تو دل برو، دلنشین
can yoldaşı	همراه، سنگ صبور

حدس و گمان

Bana öyle geliyor ki ...
Sanmam/sanmıyorum
galiba/herhalde
anlaşılan
gibi görünüyor
gibi gözüküyor
gibi duruyor
demek
sanki

Elbiseyi burada giyip çıkartacağız herhalde.
Evet, orada deneyeceksiniz.

گویا در اینجا باید لباس‌ها را پرو کنیم.
بله، در آنجا پرو کنید.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Kredi kartıyla ödeyeceksiniz sanırım. فکر می‌کنم با کارت اعتباری پرداخت می‌کنید.
Hayır, çek yazacağım. نه، یک چک خواهم نوشت.

Bu yumurtalar süpermarkettekiler kadar taze anlaşılan.
Daha bile iyi.

احتمالاً این تخم مرغ‌ها به اندازه تخم مرغ‌های سوپرمارکت تازه هستند.
و حتی تازه‌تر.

Yemek hazır değil gibi görünüyor.
Henüz değil, Yarım saat sonra hazır olacak.

به نظر می‌رسد که غذا حاضر نیست.
هنوز نه. ظرف نیم ساعت حاضر خواهد شد.

Bana öyle geliyor ki büyüyünce satış müdürü olacak. Bir şeyler alıp satmaktan çok hoşlanıyor.

این طور فکر می‌کنم که او در بزرگی مدیر فروش خواهد شد. او از خرید و فروش چیزها خیلی لذت می‌برد.

Demek biraz indirim yapmıyorsunuz.
Yapmıyoruz efendim. Fiyatlarımız zaten indirimli.
öyleyse ben de almam.

پس (به نظر می‌آید) شما هیچ‌گونه تخفیفی نمی‌دهید.
خیر، خانم. در قیمت‌های ما، از قبل تخفیف مراعات شده است.
در این صورت من هم نمی‌خرم.

Bu kumaş çok yumuşak. Sanki ipek. این پارچه خیلی نرم است. مثل اینکه ابریشم است.
İyi bildiniz. İpeklidir bu kumaş. حق با شماست. این پارچه ابریشم است.

Siz hayat-ınız-dan memnun gibi dur-uyor-sunuz. شما از زندگی‌تان راضی به نظر می‌رسید.
Siz hayatınızdan memnun-sunuz gibi dur-uyor.

به نظر می‌رسد شما از زندگی‌تان راضی هستید.
Onlar bizi farkında değil sanıyorlar. آن‌ها تصور می‌کنند او متوجه ما نیست.

پیوند ki-

این پیوند از تکرار اسمی که حالت اضافه یا ملکی دارد جلوگیری می‌کند و به معنای «مالی، آنی که، از آن» است:

Benim arabam bozuk. Seninki çalışıyor mu?

ماشین من خراب است. آیا مال تو کار می‌کند؟

می‌توان به ki- پیوندهای دیگر هم افزود:

Bu kutuda bal var. Raftakinde ne var?

در این قوطی عسل هست. در آن که (آن قوطی) روی قفسه است چه چیز هست؟

Ağaçtaki elma büyüktür

سیب روی درخت بزرگ است.

Senin araban Ahmed'inkinden daha büyük mü?

آیا ماشین شما بزرگ‌تر از مال احمد است؟

Ki در نقش حرف ربط

ki اگر جدا نوشته شود دو جمله را بهم ربط می‌دهد و دقیقاً همانند زبان فارسی عمل می‌کند:

Gelmeyecek.

او نخواهد آمد.

Anladım.

فهمیدم.

Anladım ki gelmeyecek.

فهمیدم که او نخواهد آمد.

Yeni ev alıyorlar.

آن‌ها خانه جدید می‌خرند.

Herhalde paraları var.

احتمالاً آن‌ها پول دارند.

Herhalde paraları var ki yeni ev alıyorlar.

احتمالاً آن‌ها پول دارند که خانه جدید می‌خرند.

Ali, ki sen bugün gördün, benim en iyi arkadaşım

علی، که امروز دیدی بهترین دوست من است.

Biliyorum ki beni seviyorsun.

می‌دانم که من را دوست داری.

İnanıyorum ki herşey düzelecek.

باور دارم که همه چیز درست خواهد شد.

Sana bunu söylüyorum ki sonradan şaşırmayasın.

به تو این را دارم می‌گویم که بعدش متحیر نشوی.

Sanıyorum ki işini bırakmak istiyor

تصور می‌کنم که می‌خواهد کارش را رها کند.

Kapıyı açtım ki içerisi insan dolu.

در را باز کردم (و دیدم) که درون آنجا پر از انسان است.

O gün Suzan bana demişti ki: "Artık dayanamıyorum".

آن روز سوزان به من گفته بود که: «دیگر نمی‌توانم تحمل کنم».

Bana genellikle deniyordu ki: "Sen küçüksün, gelemesin"

معمولاً به من گفته می‌شد که: «تو کوچک هستی، نمی‌توانی بیایی»

Diyorlar ki New York ağustosta çekilmez.

می‌گویند که نیویورک در ماه اوت غیر قابل تحمل است.

Ben diyorum ki herkes kendi yiyeceklerini kendi getirsin.

من می‌گویم که هر کس خوردنی‌های خودش را بیاورد.

Anlaşıyor **ki** Fransızca'ya olan talep iyice azalmış.

واضح است که تقاضا برای زبان فرانسوی، به طور قابل توجهی کاهش یافته است.

Bir gün duyduk **ki** adam taşınıp gitmiş.

یک روز شنیدیم که آن مرد نقل مکان کرده و رفته است.

Öyle sanıyorum **ki** arkadaşlarımızın çoğu ağustosta gelemeyecekler.

من این طور تصویری کنم که بسیاری از دوستان ما قادر نخواهد بود در ماه اوت بیایند.

Bana öyle geliyor **ki** Zeynep'le ablasının araları pek iyi değil.

به نظرم می‌رسد که رابطه‌ی میان زینب و خواهرش خیلی خوب نیست.

İsteniyormuş **ki** birer birer girelim.

به نظر خواسته شده که یکی یکی وارد شویم.

Aslında istiyor **ki** her taraf mermerle kaplansın.

در واقع او می‌خواهد که همه جا با سنگ مرمر پوشیده شود.

Tabii **ki** ben hiç öyle bir şey kastetmemiş

البته که من اصلاً قصد چنین چیزی را نداشتم.

tim.

Belli **ki** birbirini çekemiyorlar.

معلوم است که آن‌ها نمی‌توانند یکدیگر را تحمل کنند.

زبان ترکی حرف ربط «**ki**» را از زبان فارسی وام گرفته است. هر چند این نوع ساخت زبان ترکی را (که از زبان‌های آلتائیک به حساب می‌آید) به زبان‌های هند و اروپایی نزدیک‌تر می‌کند و سازگاری بیشتری را نسبت به این زبان‌ها نشان می‌دهد اما مطابق با ساختار اصلی دستور زبان ترکی نمی‌باشد در مثال زیر جمله اول به شیوه‌ی دستور زبان فارسی ساخته شده، و جمله دوم بر طبق ساختار دستوری زبان ترکی:

Biliyorum ki beni seviyorsun.

Beni sevdiğini biliyorum.

می‌دانم که من را دوست داری

مثال دیگر:

eminim ki yarın gelecek
yarın geleceğine eminim

مطمئن هستم که فردا خواهد آمد.

سایر مثال‌ها از **ki**:

Anlayamıyorum ki!

متوجه نمی‌شوم که!

Londra sonbaharda o kadar güzel olur ki!

لندن در پاییز آن قدر زیبا می‌شود که نگو!

Bugün hava açarsa, ki açacağını pek sanmıyorum, bahçede mangal yakacaklarmış.

اگر امروز هوا باز شود، که تصور نمی‌کنم باز شود، آن‌ها می‌خواهند در باغ منقل روشن کنند.

Semra ki partileri sevmez, o bile eğlendi.

سمیرا که مهمانی‌ها را دوست ندارد حتی او هم شادی و تفریح کرد.

Bir şöför ki park etmeyi bilmesin, ona güvenip arabasına binilmez.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

یک راننده‌ای که پارک کردن را بلد نباشد، نمی‌شود به او اعتماد کرد و سوار ماشینش شد.

Bildiğim şu ki, herkesin tatile ihtiyacı var.

چیزی که می‌دونم این است که هر کس به تعطیلی احتیاج دارد.

Gibi: (مثل، مانند)

Ali Ahmet gibi asık suratlı.

Meryem Arzu gibi güzel.

علی مثل احمد عبوس است.

مریم مانند آرزو زیباست.

Sanki: (گویا، انگار)

این حرف معمولاً به همراه gibi می‌آید:

Sanki dünyada başka bir kadın yokmuş gibi hep Ayşe'yi düşünüyor

انگار تو دنیا زن دیگری وجود ندارد دائماً به عایشه فکر می‌کند.

sanki bilmiyor gibisiniz!

انگار نمی‌دانید!

sanki kabahat benimmiş!

انگار تقصیر من بوده!

ablanıza çok üzüntü verdiniz de iyi mi ettiniz sanki?

به خواهرتان کلی ناراحتی دادید فکر هم می‌کنید کار خوبی کردید؟

makine sabah akşam çocuğa elinin ve kafasının gücünü hesaplatıyor; sanki ona

"Benimle yapacağın her işten sen sorumlusun, ben karışmam" diyor

دستگاه شب و روز برای بچه قدرت دست و سرش را حساب می‌کند. انگار به او می‌گویند «تو مسئول هستی در قبال هر

کاری که می‌خواهی با من انجام بدهی من دخالت نمی‌کنم»

-(y)Inca :

این پیوند به ریشه افعال اضافه می‌شود و معنی «هنگامی که، وقتی که» را می‌دهد.

Kalkınca kahvaltı eder.

وقتی که از خواب برخیزد صبحانه‌اش را می‌خورد.

Hediyeyi alınca sevindi.

وقتی که هدیه را گرفت خوشحال شد.

(از هنگامی که، از وقتی که، از زمانی که) -eli, -eli beri, -eliden beri, -diX -eli

Biz İstanbul'a geleli hiç yağmur yağmadı.

از وقتی که ما به استانبول آمده‌ایم اصلاً باران نباریده است.

Biz İstanbul'a geleli beri hiç yağmur yağmadı.

از زمانی که ما به استانبول آمده‌ایم (تا کنون) هرگز باران نباریده است.

Biz İstanbul'a geleliden beri hiç yağmur yağmadı.

از وقتی که ما به استانبول آمده‌ایم (تا کنون) هرگز باران نباریده است.

(Biz) İstanbul'a geldik geleli hiç yağmur yağmadı.

از وقتی که (ما) به استانبول آمده‌ایم هرگز باران نباریده است.

madem, madem ki (مادام، مادامی که)

Madem (ki) anlamıyorsun niçin karışyorsun?

مادامی که (وقتی که) نمی‌فهمی برای چی دخال می‌کنی؟

توصیه کردن

Ne tavsiye edersiniz?

-(y)I tavsiye ederim

Sicimlerden hangisini tavsiye edersiniz?

Hepsi iyi ama ben gene de koyu renklisini tavsiye ederim.

Neden? Açık renkli sicim çürük mü?

Koyu renklisi sadece daha sağlam değil daha da ucuz.

Dükkandaki en iyi kalite mal bu. Bakın göstereyim.

Bu paketi bağlamak için kaç metre alayım?

Bence bir metre yirmibeş santim lam, yeter.

کدام یک از این نخ‌ها را توصیه می‌کنید؟

همه خوبند اما من رنگ تیره را توصیه می‌کنم.

چرا؟ آیا نخ رنگ روشن بد است؟

رنگ تیره نه تنها محکم‌تر بلکه ارزان‌تر نیز هست. آن بهترین جنس این مغازه است. نگاه کنید. بگذارید به شما نشان بدهم.

برای بستن این بسته چند متر باید بخرم؟

به نظرم یک متر و بیست و پنج سانتی متر کافی است.

عبارت‌های مربوط به مقادیر

hepsi همه، همه‌اش

çoğu اکثراً، بیشتر

bazısı بعضی از

bir kısmı برخی (قسمتی از)

yarası نیم، نصفش

biri یکی، یکی از

bir kaç tanesi چند تا (از آن)

daha fazlası بیشتر

azı

اندکی

en fazlası

اکثر

اصطلاحات

- Küçük görmek: کوچک دیدن. به معنای اهمیت ندادن و ارزش ندادن.
- Kuru iftira: افترا خشک. کنایه از اتهام وافترايي که هیچ گونه مدرکی برایش نیست.
- Kıl payı (kalmak): خیلی کم. باتفاوت اندک
- Kara gün dostu: کنایه از دوستی که همیشه چه در روز خوش چه در روز بد کنار دوستش میماند.
- Kara cahil: کنایه از انسانی که هیچ چیزی نمیداند. نادان کامل
- Kara gün: روز سیاه. کنایه از روز غم انگیز. ناراحت کننده
- Kara haber: خبر سیاه. کنایه از خبر خیلی ناراحت کننده. خبر مرگ وفلاکت
- Kel kâhya: کنایه از اشخاصی که چه اطلاع داشته باشند یا نداشته باشند تو همه کار دخالت میکنند.
- Kargacık burgacık: این عبارت برای نوشته های کج و معوج که خواندنشان خیلی سخت است به کار میرود.
- Kalburla su taşımak: کنایه از کار بیپهوده و بی فایده. مشغول شدن به کاری که شدنی نیست.

درس ۱۰

تصمیم گیری



karar vermek/vermemek
karar verememek
karar değiştirmek

A: Karar verdiniz mi efendim, ne alıyorsunuz?

B: Ben verdim. Sen Ayşe?

C: Henüz vermedim, daha doğrusu bir türlü karar veremiyorum. Et de güzel görünüyor, balıklar da. Nasıl, levreğiniz taze mi?

A: Evet efendim, bu sabah geldi, çok taze.

C: Pekiyi. o halde ben bir ızgara levrek alayım.

A: Siz, beyefendi?

B: Ben bir zeytinyağlı fasulya ile salata alacağım.

A: Başüstüne.

C: Aaa, pardon, kararımı değiştirdim. Bana da aynısı olsun lütfen.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

A: تصمیم گرفته‌اید چه چیز بخورید (بگیرید) آقا؟

B: من تصمیم نگرفته‌ام. تو چی عایشه؟

C: هنوز تصمیم نگرفته‌ام. راستش (دقیق‌تر این که) اصلاً نمی‌توانم تصمیم بگیرم. گوشت به نظرم خوب است، ماهی

نیز همین طور. ماهی سفیدتان چطور است، تازه است؟

A: بله خانم. امروز صبح آمده، بسیار تازه است.

C: بسیار خوب در آن صورت یک ماهی سفید سرخ شده می‌خواهم.

A: شما آقا؟

B: من لوبیا سبز سرخ شده در روغن زیتون با سالاد می‌خواهم.

A: چشم، اطاعت.

C: راستی ببخشید. تصمیمم را عوض کردم. برای من نیز همان را بیاورید لطفاً.

ناتوانی

پیوند منفی دو شکلی $a(y)$ - ، $a(y)$ - را برای نشان دادن ناتوانی به فعل می‌افزایند.

gel-e-me-m

نمی‌توانم بیایم.

uyu-ya-ma-dı-k

نتوانستیم بخوابیم.

aç-a-mı-yor-lar

نمی‌توانند باز کنند

otur-a-mı-yacak-sınız

نخواهید توانست بنشینید.

پیشنهاد انجام کاری

-Elim mi?
istersen -Elim
-sEk mi?

Bir paket çay alalım mı?

آیا (مایلید) یک پاکت چای بخریم؟

Evet, alalım.

بله، بخریم.

istersen tatlı yerine meyva ısmarlayalım.

اگر مایل باشی بجای شیرینی، میوه سفارش بدهیم.

Tamam, olur.

خوب است. موافقم.

Haydi, yemeli restoranda yiyelim.

Yiyelim, ama hep aynı restorana gidiyoruz. Bu akşam da bir başka yer

deneyelim.

بیا. بیا در یک رستوران غذا بخوریم.

بیا بخوریم. ولی ما همیشه به یک رستوران می‌رویم. این عصر یک رستوران دیگر برویم.

Artık hesabı istesek mi?

İstiyelim. tabii.

آیا حالا صورت حساب را بخواهیم؟

البته، بخواهیم.

ساختن جمله شرطی با ise

اگر انجام کاری به کار دیگر وابسته باشد جمله شرطی است و باید از واژه ise استفاده کرد.

Kızkardeşin hasta ise yatsın.

اگر خواهرت مریض است باید به بستر برود.

Hava güzel ise dışarıda oturalım.

اگر هوا خوب باشد بیرون بنشینیم.

حرف i (مصدر imek بدون -mek) در ise را می‌توان حذف نموده و به کلمه چسباند مانند. güzelse (اگر

زیبا/خوب است) اگر کلمه‌ای به حرف مصوت ختم شده باشد حرف y میانجی را بین کلمه و -sA قرار می‌دهیم مانند:

hastaysa (اگر بیمار است).

مثال از افعال شرطی:

istersen

اگر بخواهی

gitmezsem

اگر نروم

gidiyorsam

اگر می‌روم

gitmiyorsam

اگر نمی‌روم

gelecekse

اگر او بخواهد بیاید

koşuyorsa

اگر او بدود

gittiysen

اگر تو رفتی

gitmediysem

اگر نرفتم

gitseydim

اگر می‌رفتم

gitmeseydim

اگر نمی‌رفتم

gitmişsem

اگر رفته‌ام

gitmemişsem

اگر نرفته‌ام

gitmiş olsa

اگر رفته باشد

gitmemiş olsa

اگر نرفته باشد

gitmiş olsaydım

اگر رفته بودم

gitmemiş olsaydım

اگر نرفته بودم

gidebilirsem

اگر بتوانم بروم

gidemezsem

اگر نتوانم بروم

gidebilseydim

اگر می‌توانستم بروم

gidemeseydim

اگر نمی‌توانستم بروم

اگر فعل مختوم به ise به دنبال یک کلمه پرسشی قرار گیرد معنای آن به «هر» تغییر می‌یابد.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

ne zaman gelirseniz هر وقت بياييد.
nerede olursam هر جا باشم.
kimi görürsek هر کسی که ببينم
چند مثال ديگر:

Ne zaman İngilizce konuşmaya başlasam arkadaşım gülerdi.

هر وقت شروع به انگلیسی حرف زدن می کردم دوستم می خندید

Ne zaman İstanbul'a gelirsen bizi ziyaret edebilirsin.

هر وقت به استانبول بيايی می توانی ما را ببینی.

Ne zaman şarkı söylesem kız kardeşim derhal odadan dışarı çıkar.

هر وقت ترانه می خوانم خواهرم بلافاصله از اتاق بیرون می رود.

Ne zaman Bursa'ya gitsek dağa tırmanırız.

هر وقت به بورسا می رویم به کوه صعود می کنیم.

اگر احتمال پیش آمد، کمتر باشد خود SA- نقش زمان فعل را بازی می کند.

gelse به فرض اینکه آمد
gitsen اگر می رفتی
alsak اگر می خریدیم
zengin bir adam olsam اگر مرد ثروتمندی بودم

مثال های تکمیلی از جملات شرطی:

Erken varırsanız, beklemelisiniz اگر زود برسید باید منتظر شوید.

Erken varırsanız, beklersiniz اگر زود برسید معطل می شوید.

Erken varsaydınız, bekleyecektiniz اگر زود می رسیدید می خواستید منتظر شوید.

Sana yardım edebilirlerse, yardım edecekler اگر بتوانند به تو کمک کنند کمک خواهند کرد.

Sana yardım etseler, yardım ederler اگر بتوانند به تو کمک کنند کمک می کنند.

Sana yardım edebilseydiler, (yardım) ederlerdi اگر می توانستند به تو کمک کنند (کمک) می کردند.

Fazla içersen sarhoş olursun اگر زیاد بخوری مست می شوی.

Çok çalışmazsan, sınavı geçemeyeceksin اگر خیلی تلاش نکنی نمی توانی امتحان را رد کنی.

Sigara içmeyi bırakırsan, daha uzun yaşarsın اگر سیگار کشیدن را ترک کنی عمر بیشتری می کنی.

Yağmur yağmasaydı dışarı çıkacaktık اگر باران نمی بارید می خواستیم به بیرون برویم.

Eğer buradan gitseydim sana yazardım اگر از اینجا می رفتم برای تو می نوشتم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Şura-da otur-sa-nız daha rahat ed-er-siniz. اگر اینجا بنشینید راحت تر خواهید بود.

Öykü-yü daha bitir-me-di-niz-se daha sonra da oku-yabil-ir-im.

اگر هنوز (نوشتن) داستان را تمام نکرده اید بعداً هم می توانم آن را بخوانم.

Biraz erken gel-se-n iyi ol-ur. خوب می شود اگر یک کم زود بیایی.

Telefon et-se-ydi-k belki bekle-r-ler-di. اگر تلفن می کردیم شاید آن ها منتظر می ماندند.

Yabancı bir dil öğren-ir-se-niz dünya-nız genişle-r.

اگر یک زبان خارجی یاد بگیرید دنیای شما توسعه می یابد.

Yorgun-lar-sa yarın-a bırak-abil-ir-iz. اگر آن ها خسته هستند ما می توانیم بگذاریم برای فردا.

Para-sı var-dı-ysa ev-e neden hiç bak-ma-mış? اگر پول داشت چرا اصلاً به خانه نگاه نکرده؟

Arabayı sat-SA hepimiz rahatLARız. اگر ماشین را بفروشد همه ی ما راحت می شویم.

Arabayı sat-AR-sa hepimiz rahatLARız. اگر ماشین را بفروشد همه ی ما راحت می شویم.

Eğer çocuk yaşa-sa-ydı çok iyi bir mimar olacaktı.

اگر کود زندگی می کرد (زنده می ماند) معمار خیلی خوبی می شد.

Hasan bu mektubu okuduysa eğer, çok kötü olmuştur.

اگر حسن این نامه را خوانده، حتماً حالش خیلی بد شده است.

برای آشنایی بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه شود.

واحدهای شمارشی خوراکی ها

bir tutam tuz	یک انگشت نمک
iki paket çay	دو بسته چای
üç kilo elma	سه کیلو سیب
dört şişe rakı	چهار شیشه (بطری) راک
beş demet maydanoz	پنج بسته جعفری
altı kaşık şeker	شش قاشق شکر
yedi kutu lokum	هفت قوطی راحت الحلقوم
birkaç karpuz	چند عدد هندوانه

توجه داشته باشید که اسم بعد از واحدهای شمارشی همیشه به صورت مفرد است.

ابراز تأسف

Çok üzgünüm ama
Ne yazık ki
Korkarım
Maalesef

Farketmez
Bana göre hava hoş
Ne olacak, mühim değil
Bence hepsi bir
Olsa da olur, olmasa da.

Çok üzgünüm ama hiç sütümüz kalmadı. Gazoz veya meyva suyu içer misiniz?
Bence hepsi bir. Hangisi olursa.

خیلی متأسفم ولی هیچی شیر نمانده. آیا نوشابه و یا آب میوه می نوشید؟
برای من هر دو یکی است. هر کدام باشد (فرق نمی کند) .

Ne yazık ki buzumuz yok.

Ne olacak, mühim değil, Olsa da olur, olmasa da. Haydi içelim. şerefimize!

چه حیف شد که یخ نداریم.

اشکالی ندارد، مهم نیست. هر چه باشد می نوشیم. به سلامتی شما!

Korkanm şu anda masaların hepsi dolu.

Bana göre have hoş, Vaktim var. Beklerim.

متأسفم تمام میزها در حال حاضر، اشغالند.

برایم مهم نیست. وقت دارم. منتظر می شوم.

Maalesef çorba biraz tuzsuz.

Hiç farketmez. Tuz koyarız, olur biter.

متأسفانه سوپ کمی بی نمک است.

هیچ فرقی نمی کند. مقداری نمک اضافه می کنیم.

در ترکی بسته به نوع نوشیدنی که می نوشند اصطلاحات متفاوتی بکار می برند که همه را می توان ظاهراً «به سلامتی شما» معنی کرد.

Şerefimize

به افتخار شما

Sağlığınıza

به سلامتی شما

Sıhhatinize

به سلامتی شما

Mutluluğunuza

به سعادت شما

Başarınıza

به توفیق شما

غذا و نوشیدنی (yeyicek ve içecek)



میوه‌ها و سبزیجات (meyveler ve sebzeler)

meyve	میوه	fasulye	لوبیا
elma	سیب	lima fasulyesi	لوبیای لیما
kayısı	زردآلو	kırmızı barbunya	لوبیا قرمز
bakla	باقلا	kuru fasulye	لوبیا سفید
muz	موز	taze fasulye	لوبیا سبز
mısır	ذرت	yeşil fasulye	لوبیا سبز
üzüm	انگور	fasulye filizi	جوانه لوبیا
greyfurt	گریپ فروت	bezelye	نخود فرنگی
kivi	کیوی	lahana	کلم
limon	لیمو	havuç	هویج
lime	لیمو ترش	karnabahar	گل کلم
mango	انبه	patates	سیب زمینی
kavun	خریزه	bal kabağı	کدو تنبل
portakal	پرتقال	kabak	کدو مسما
kavunağacı meyvesi	پاپایا	dolmalık kabak	کدو
şeftali	هلو	patlıcan	بادمجان
armut	گلابی	avokado	آواکادو
erik	آلو	turp	تربچه
mandalina	نارنگی	domates	گوجه فرنگی

karpuz	هندوانه	salatalık	خیار
yaban mersini	زغال اخته	salatalık turşusu	خیار شور
kızılcık	کران بری	kapari	کپیر
kiraz	گیلاس	mantar	قارچ
ahududu	تمشک	zeytin	زیتون
çilek	توت فرنگی	mısır	ذرت
ravent	ریواس	marul	کاهو
kuru üzüm	کشمش	brokoli	کلم بروکلی
kuru erik	سیاه آلو	ıspanak	اسفناج
incir	انجیر	kıvırcık lahanası	کلم پیچ
sebze	سبزیجات	Brüksel lahanası	کلم بروکسل
yeşillik	سبزی	soğan	پیاز
enginar	کنگر فرنگی	kuşkonmaz	مارچوبه رسمی
kereviz	کرفس	dut	توت
vişne	آلبالو	germek	طالبی
hayva	به	ceviz	گردو
pırasa	تره	terhun	ترخون
kişniş	گشنیز	maydanoz	جعفری
fıstık	پسته	findık	فندق
nohut	نخود	ananas	آناناس
badem	بادام	nar	انار
marul	کاهو	bamya	بامیه
ıspanak	اسفناج	mercimek	عدس
domates	گوجه فرنگی	kereviz	کرفس

غذای دریایی (deniz ürünleri)

denizkulağı	صدف آبالون	yumuşakça kavkısı	صدف حلزونی
deniz tarağı	حلزون	dere pisi	سفره ماهی
sardin balığı	ماهی ساردین	Hamsi balığı	ماهی هامسی
yengeç	خرچنگ	ringa balığı	شاه ماهی

kerevit	خرچنگ	uskumru	ماهی خال مخالی
istakoz	لابستر	tatlısu levreği	ماهی لوتی
ahtapot	هشت پا	turna balığı	اردک ماهی
istiridye	صدف	palamuta	ماهی پامپانو
tarak	حلزون اسکالوپ	kırlangıç balığı	ماهی سرخو
karides/iri karides	میگو	somon	ماهی آزاد
kabuksuz yengeç	خرچنگ نرم پوسته	gümüş balığı	ماهی اسملت
kalamar	ماهی مرکب	çizgili levrek	ماهی راه راه
balık	ماهی	kılıç balığı	نیزه ماهی
yayınbalığı	گرچه ماهی	alabalık	ماهی قزل آلا
havyar	خاویار	ton balığı	ماهی تن
morina	ماهی کاد	beyaz balık	ماهی سفید
miyde yemeği	غذای صدف خوراکی	ton balığı	ماهی تن

ادویه ها و چاشنی ها (baharatlar)

anason	رازیانه	mercanköşk	مرزنجوش
fesleğen	ریحان	küçük hindistan cevizi	جوز
kimyon	زیره	dağ keçisi	پونه کوهی
kakule	هل	kırmızı biber	فلفل پاپریکا
kırmızı biber	فلفل هندی	maydanoz	جعفری
sarı papatya	بابونه	biber	فلفل
Frenk maydanozu	جعفری فرنگی	nane şekeri	نعناع بیابانی
radika kökü	ریشه کاسنی	haşhaş tohumu	دانه خشخاش
çili	فلفل قرمز	safran	زعفران
tarçın	دارچین	adaçayı	مریم گلی
karanfil	میخک	tuz	نمک
kişniş	گشنیز	susam	کنجد
köri	کاری	bahçe nanesi	نعنای تند
dereotu	شوید	baharatlar	ادویه ها
rezene	رازیانه	kekik	آویشن

sarımsak	سیر	hintsafıranı	زردچوبه
zencefil	زنجفیل	sumak	سماق
ginkgo	گینگو	nane	نعناع
yabanturpu	ترب کوهی	yapuz otu	پونه
esmer suvosunu	کتانجک	hardal	خردل

گوشت (et)

domuz pastırması	بیکن	tavşan	خرگوش
sığır eti	گوشت گاو	hindi	بوقلمون
tavuk	جوجه، مرغ	dana eti	گوشت گوساله
ördek	اردک	geyik eti	گوشت گوزن و آهو
kuzu eti	گوشت بره	kıyma	گوشت چرخکرده
domuz eti	گوشت خوک	şinitzel	شنیسل
kümes hayvanları	مرغ	bifte	استیک
yağsız et	گوشت بی چربی	koyun eti	گوشت گوسفند

خواربار (bakkal)

şeker	شکر	sos	سس
ekmek	نان	zeytin yağı	روغن زیتون
çavdar ekmeği	چاودار	Rus sosu	سس روسی
çavdar ekmeği	نان سیاه	Thousand Island sosu	سس هزار جزیره
yulaf ekmeği	نان جو	İtalyan sosu	سس ایتالیایی
muz ekmeği	نان موز	barbekü sosu	سس گوشت
beyaz ekmek	نان سفید	Tabasko (acı sos)	سس فلفل تاباسکو
tam buğday ekmeği	نان سفید کامل	soya sosu	سس سویا
rulo	نان ساندویچی	sirke	سرکه
top	نان کماج	çerez	آجیل
jambon	ژامبون	badem	بادام
jambon füme	ژامبون دودی	hindistan cevizi	نارگیل

dilimlenmiş	تکه تکه	findık	فندق
sucuk	سوسیس	yer fıstığı	بادام زمینی
peynir	پنیر	fıstık	پسته
rokfor	پنیر آبی	Brezilya kestanesi	آجیل برزیلی
Edam	پنیر ایدام	ceviz	گردو
Çedar	پنیر چدار	kestane	شاه بلوط
Gravyer	پنیر سوئیسی	pekan	گردوی آمریکایی
Provolone	پنیر پرولون	kahvaltılık gevrek	غلات و حبوبات
Mozzarella	پنیر ماتسولا	şeker	نبات
Muenster	پنیر مونس تر	çikolata	شکلات
krem peynir	پنیر خامه‌ای	çikolatalı puding	پودینگ شکلاتی
Brie	پنیر بری	çikolatalı kek	کیک شکلاتی
Camambert	پنیر کاممبر	krema	خامه
Monterrey Jack	پنیر مونتری جک	koyu krema	کاستارد
yağ	روغن	dondurma	بستنی
tere yağı	کره	top/kepçe	گلوله بستنی
yoğurt	ماست	kağıt tabak	بشقاب کاغذی
yumurta	تخم مرغ	kağıt bardak	لیوان کاغذی
süt	شیر	plastik kaşık	قاشق پلاستیکی
hardal	خردل	plastik çatal	چنگال پلاستیکی
mayonez	مایونز	plastik tabaklar	بشقاب پلاستیکی
ketçap	سس کچاپ	plastik bardaklar	لیوان پلاستیکی

نوشیدنی‌های غیر الکلی (meşrubat)

içecekler	نوشیدنی‌ها	milk shake	میلک شیک
çay	چای	yağsız süt	شیر خامه گرفته
bitkisel çaylar	جوشانده گیاهی	maden suyu	آب معدنی
yasemin çayı	جوشانده گل یاس	şişe su	آب معدنی

yeşil çay	چای سبز	maden sodası	آب گازدار
buzlu çay	چای سرد	memba suyu	آب چشمه کوهستان
meyve suyu	شربت، آب میوه	soda	(آب) سودا
portakal suyu	آب پرتقال	tonik	تنیک
kutu meyve suyu	قوطی شربت	kahve	قهوه
ezme	اسکواش	kakao	شیر کاکائو
limonata	لیموناد	kola	کوکاکولا

مشروبات الکلی (alkollu içecek)

bira	آبجو	vermut	شراب ورموت
dark bira	آبجو تیره	sek vermut	شراب ورموت گس
ithal bira	آبجو وارداتی	Martini	مارتینی
yerli bira	آبجو محلی	Bakardi	باکاردی
bir tür hafif bira	آبجو آلمانی	likör	لیکور
hafif bira	آبجو سبک	burbon	بوربن
sert	آبجو استاوت	brendi	براندی
buğday birası	آبجو گندم	konyak	کنیاک
siyah bira	آبجو پورتر	cin	جین
birinci kalite bira	آبجو ایل	skoç	اسکاچ
elma şarabı	شراب سیب	tekila	تکیلا
şampanya	شامپاین	votka	ودکا
şarap	شراب	viski	ویسکی
beyaz şarap	شراب سفید	tatlı şarap	شراب شیرین
sek şarap	شراب گس	kırmızı şarap	شراب قرمز
pembe şarap	شراب سرخ	Şiraz şarabı	شراب شیراز
alkol	الکل		

در رستوران: اشتها آورها (restoranda: apearitif)

tuzlu kraker	چوب شور	istiridye güveç	سوپ صدف
patates cipsi	چیپس سیب زمینی	omlet	املت

çerez	آجیل آبجو	rafadan yumurta	تخم مرغ عسلی
tost	نان تست	katı yumurta	تخم مرغ سفت
kıtır tost	نان سوخاری ترد	kahvaltılık gevrek	برشتوک
sarımsaklı ekmek	نان سیر	yulaf ezmesi	بلغور جو دوسر
salata	سالاد	tavuk kanadı	بال مرغ
salata barı	میز سالاد	hamburger	همبرگر
şefin salatası	سالاد سرآشپز	sandviç	ساندویچ
Grek salata	سالاد یونانی	somon sandviç	ساندویچ ماهی آزاد
yeşil salata	سالاد سبزیجات	sardalyeli sandviç	ساندویچ ساردین
Sezar salata	سالاد سزار	klüp sandviç	کلاب ساندویچ
meyve salatası	سالاد میوه	cheeseburger	چیزبرگر
patates salatası	سالاد سیب زمینی	sosisli sandviç	هات داگ
lahana salatası	سالاد کلم	kebap	کباب
karides kokteyl	کوکتل میگو	iştah açıcılar	اشتها آورها

در رستوران: سوپ (restoranda: çorba)

ordövr	پیش غذا	bezelye çorbası	سوپ نخود
et suyuna çorba	شوربا/آبگوشت	fasulye çorbası	سوپ لوبیا
nohut çorbası	سوپ نخود	sebze çorbası	سوپ سبزی
tavuk çorbası	سوپ مرغ	sığır kuyruğu çorbası	سوپ دم گاو
kremalı çorba	سوپ خامه‌ای	arpa çorbası	سوپ جو
brokoli çorbası	سوپ بروکلی	gaspacho	سوپ گاسپاچو
mantar çorbası	سوپ قارچ	sığır eti konsome	سوپ رقیق با گوشت گاو
kremalı karavide çorbası	سوپ غلیظ لایستر تیغی	mısır çorbası	آبگوشت ذرت
soğan çorbası	سوپ پیاز	domates çorbası	سوپ گوجه فرنگی
balkabağı çorbası	سوپ کدو تنبل	deniz tarağı çorbası	آبگوشت حلزون
kuşkonmaz çorbası	سوپ مارچوبه	et çorbası	سوپ گوشت

در رستوران: غذای اصلی (restoranda: ana yemekler)

ana yemekler	غذای اصلی
yağda yumurta	نیمرو
sahanada yumurta	نیمروی مهیتابه ای
menemen	املت
tavuk göğsü	سینه مرغ
hindi göğsü	سینه بوقلمون
göğüs	گوشت سینه
fileto	فیله
ciğer	جگر
böbrek	قلوه
fileto	گوشت گرده
pirzola	دنده
sırtın alt ucundan kesilmiş et	گوشت گرده
Kaburga	گوشت دنده خوک
bonfile	فیله
dil	زبان
pirzola	گوشت با استخوان
pirzola et	استیک قطعه قطعه
kotlet	کتلت
eskalop	گوشت بریان خوک
filet mignon	فیله مینیون
fileto biftek	استیک فیله
gulaş	گولاش
et dilimi	میت لوف
rosto	قورمه
sığır eti güveç	تاس کباب گاو
kuzu güveç	تاس کباب بره
tavşan güveç	تاس کباب خرگوش
böf straganof	بیف استروگانف
haşlanmış sığır eti	گوشت گاو آب پز

haşlanmış dil	زبان آب پز
haşlanmış ıstakoz	لابستر آب پز
haşlanmış sığır eti ve lahana	گوشت گاو آب پز و کلم
tavuk böreği	پای مرغ
roz bif	رست بیف
tavuk kızartma	جوجه کباب
ördek kızartma	گوشت اردک کباب شده
domuz kızartma	گوشت خوک کباب شده
hindi kızartma	گوشت بوقلمون کباب شده
kızartılmış dana eti	گوشت گوساله کباب شده
İsviçre biftek	استیک سویسی
T-kemikli biftek	استیک گوشت گاو با استخوان
domuz kaburga eti	استیک گوشت نرم بدون استخوان
fırında jambon	گوشت ران خوک پخته شده
tavuk kızartma	مرغ سرخ کرده
tavada et	استیک سرخ شده در ماهی تابه
garnitür	غذای جانبی/چاشنی
patates kızartması	سیب زمینی سرخ کرده
erişte	رشته فرنگی
kızarmış pırasa	تره فرنگی پخته
püre	پوره
pilav	برنج
fırında fasulye	لوبیای پخته
elma dilimli patates	سیب زمینی تنوری
haşlanmış patates	سیب زمینی آب پز
makarna	پاستا
makarna	ماکارونی
spagetti	اسپاگتی
ravioli	راویولی
linguini	لینگوینی
tel şehriye/şehriye	ورمیشل

pizza	پیتزا
pan pizza	پن پیتزا
kalın hamur	نان ضخیم
ince hamur	نان نازک
malzeme	چاشنی روی غذا
pepperoni	فلقلی
pişmiş	پخته
mangalda	کبابی
haşlanmış	آب پز
kavurma	ملایم پخته شده
kotletpane	پوشیده با نان
dondurulmuş	سرد شده
kıyılmış	قطعه قطعه شده
yemek siparişi	سفارشی پخته شده
bol yağda kızartılmış	کاملاً سرخ شده در روغن
taze	تازه
kızartılmış	سرخ کرده
ızgara	برایانی شده
ev yapımı	خانگی
eritilmiş	آب شده
püre	له شده، پوره
kıyılmış	خرد کرده
tavada kızartılmış	سرخ شده در ماهی تابه
sıcak suda pişirilmiş	آب پز شده
kavrulmuş	کبابی
füme	دودی
baharatlı/acı	تند
yahni	خورشتی
dolma	پر شده، دلمه
az pişmiş	خام
orta pişmiş	نیم پز

çok pişmiş	کاملاً پخته
iyi pişmiş	خوب پخته شده
yarım pişmiş	نیمه پخته

در رستوران: دسر (restoranda: tatlı)

tatlı	دسر	turta	پای
banana split	دسر بستنی موز با خامه	tart	تارت
vanilya	وانیلی	pekan tartı	پای گردو
meyve tabağı	میوه‌ها	elmalı tart	پای سیب
pişirilmiş elma	سیب پخته	elmalı turta	استرودل سیب
kurabiye	بیسکویت	cheesecake	کیک پنیر
kek	کیک	peynirli pasta	کیک پنیر
meyve pastası	کیک کابلر	zencefilli kek	شیرینی زنجفیلی
reçelli bir börek	کیک میوه	zencefil ekmek	نان زنجبیلی
Hamur işi	شیرینی فرانسوی	dondurma sandviç	بستنی حصیری
kruasan	کروسانت	şurup	شربت
çörek	کیک مافین	kızılıcak sosu	چاشنی کران بری
krep	کلوچه	akça ağaç şurubu	شربت افرا
reçel	مربا	jöle	ژله
puding	پودینگ	cevizli dondurma	بستنی گردویی
karışık dondurma	بستنی مخلوط	meyveli dondurma	بستنی میوه‌ای
meyveli pasta	کیک میوه‌ای		

در رستوران: نوشیدنی‌ها (restoranda: içecekler)

alkolsüz	بدون الکل	kola	کوکاکولا
kokteyl	کوکتل	ayran	دوغ
harmanlanmış	مخلوط	türk kahvesi	قهوه ترک
karıştırılmış	هم زده شده	fıçı bira	آبجوی بشکهای
çalkalanmış	زده شده	içkiler	نوشیدنی‌ها
aperatif	نوشابه پیش غذا	neskafe	قهوه فوری، نسکافه

uzun içimlik	نوشیدنی بزرگ	filtre kahve	قهوه فیلتر شده
kısa içimlik	نوشیدنی کوچک	siyah kahve	قهوه خالص
yudum	گیلاس	cappuccino	کاپوچینو
beyaz şarap	شراب سفید	kafeinsiz kahve	قهوه بدون کافئین
köpüklü şarap	شامپاین	espresso	اسپرسو
tatlı şarap	شراب شیرین	frappe	یخ در بهشت
sek şarap	شراب گس	sıcak çikolata	شکلات داغ
kırmızı şarap	شراب قرمز	tarçın ile	با دارچین
pembe şarap	شراب سرخ	krema ile	با خامه
buzlu	با یخ	limon ile	با لیمو
şeker ile	با شکر	muzlu süt	شیر موز
portakal suyu	آب پرتقال	nar suyu	آب انار

در رستوران: رزرو (restoranda: rezervasyon)

Buralarda iyi bir restoran var mı?	رستوران خوبی در این حوالی هست؟
Buralarda ucuz restoran var mı?	رستوران ارزانی در این حوالی هست؟
Buralarda yerel restoran var mı?	رستوران محلی در این حوالی هست؟
Buralarda otantik restoran var mı?	رستوران غذای ملی در این حوالی هست؟
Buralarda fast food restoran var mı?	رستوران فست فود در این حوالی هست؟
Buralarda vejetaryen restoran var mı?	رستوران گیاه خواری در این حوالی هست؟
Nerede bir sandviççi bulabilirim?	کجا می‌توانم یک ساندویچ فروشی پیدا کنم؟
Nerede bir kahvehane bulabilirim?	کجا می‌توانم یک قهوه خانه پیدا کنم؟
Nerede bir çay bahçesi bulabilirim?	کجا می‌توانم یک چایخانه پیدا کنم؟
Nerede bir pizzacı bulabilirim?	کجا می‌توانم یک پیتزا فروشی پیدا کنم؟
Nerede bir et lokantası bulabilirim?	کجا می‌توانم یک استیک فروشی پیدا کنم؟
Nerede bir kafeterya bulabilirim?	کجا می‌توانم یک غذاخوری پیدا کنم؟
Nerede bir arabaya servis yapan restoran bulabilirim?	کجا می‌توانم یک رستوران با سرویس در داخل ماشین پیدا کنم؟
Nerede bir fast-food restoran bulabilirim?	کجا می‌توانم یک رستوران فست فود پیدا کنم؟
Yemek yiyecek güzel bir yer tavsiye edebilir misiniz?	

- آیا می‌توانید یک جای خوب برای غذا خوردن توصیه کنید؟
 آیا می‌توانید یک رستوران خوب توصیه کنید؟
 آیا می‌توانید یک بار خوب توصیه کنید؟
 جایی که خیلی گران نباشد.
 آیا رستوران چینی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران ایرانی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران ایتالیایی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران ژاپنی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران هندی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران روسی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران فرانسوی در این نزدیکی هست؟
 آیا رستوران مکزیکی در این نزدیکی هست؟
 من می‌خواهم به یک رستوران ایرانی بروم.
 من می‌خواهم بهترین غذای محلی را بخورم.
 Orada yerel mutfağından örnekler tadabilir miyim?
 آیا می‌توانم یک نمونه از غذای محلی را آنجا بچشم؟
 Orada Türk mutfağından örnekler tadabilir miyim?
 آیا می‌توانم یک نمونه از غذای ترک را آنجا بچشم؟
 آیا باید رزرو کنیم؟
 Rezervasyon yaptırmamız gerekiyor mu?
 آیا امکان دارد ترتیب رزرو را برای من بدهید؟
 Benim için rezervasyon yaptırabilir misiniz?
 من می‌خواهم یک میز برای ۲ نفر رزرو کنم.
 İki kişilik bir masa ayırtmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک میز برای ۴ نفر رزرو کنم.
 Dört kişilik bir masa ayırtmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک میز برای ۶ نفر رزرو کنم.
 Altı kişilik bir masa ayırtmak istiyorum.
 Bu akşam için rezervasyon yaptırmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک میز برای امشب رزرو کنم.
 Yarın akşam için rezervasyon yaptırmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک میز برای فردا شب رزرو کنم.
 Saat 6'da geleceğiz.
 ساعت ۶ می‌آییم.
 Kahvaltı saatiniz kaçta başlıyor?
 برای صبحانه چه ساعتی باز می‌کنید؟
 İki kişilik bir masa istiyorum.
 من یک میز برای ۲ نفر می‌خواهم.
 Sigara içilen yerde bir masa istiyorum.
 من یک میز در قسمت سیگاری‌ها می‌خواهم.

Sigara içilmeyen yerde bir masa istiyorum.	من یک میز در قسمت غیر سیگاری ها می خواهم.
Pencere kenarında masanız var mı?	آیا میزی کنار پنجره دارید؟
Orada oturabilir miyim?	امکان دارد آنجا بنشینم؟
Dışarıda oturabilir miyim?	امکان دارد بیرون بنشینم؟
Pencere kenarında oturabilir miyim?	امکان دارد کنار پنجره بنشینم؟
Sigara içilen yerde oturabilir miyim?	امکان دارد در قسمت سیگاری ها بنشینم؟
Sigara içilmeyen yerde oturabilir miyim?	امکان دارد در قسمت غیر سیگاری ها بنشینم؟
Dört kişiyiz.	ما یک گروه ۴ نفره هستیم.
Rezervasyon yaptırmışım.	من رزرو کرده ام.

کلمات مفید

Lütfen bekleyin.	لطفاً منتظر بمانید.	öğle yemeği	ناهار
Rezerve	رزرو شده است.	branç	صبحانه دوم
Boş masa yok	میز خالی موجود نیست.	akşam yemeği	شام
Özel parti	میهمانی خصوصی	giriş ücreti	پول میز
kahvaltı	صبحانه	bekleme listesi	لیست انتظار

در رستوران: سفارش غذا (restoranda: yemek siparişi)

Garson!	ببخشید آقا!
Sipariş vermek istiyorum.	من می خواهم سفارش بدهم.
Mönüyü görmek istiyorum.	من می خواهم منو را ببینم.
Yemek siparişi vermek istiyorum.	من می خواهم غذا سفارش بدهم.
Yemek istiyorum.	من می خواهم غذا بخورم.
Hesabı ödemek istiyorum.	من می خواهم مبلغ را پرداخت کنم.
Sipariş vermek için hazırım.	من آماده ام سفارش دهم.
Kontinental kahvaltı rica ediyorum.	من یک صبحانه سبک می خواهم.
İçecek bir şeyler rica ediyorum.	من یک نوشیدنی می خواهم.
Atıştırmak için bir şeyler rica ediyorum.	من یک غذای سبک می خواهم.
Sadece salata rica ediyorum.	من فقط یک سالاد می خواهم.
Ne tavsiye ederseniz onu istiyorum.	من هر چیزی شما توصیه کنید می خورم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

- Ne tavsiye edersiniz? شما چه چیزی توصیه می کنید؟
- Spesiyaliniz nedir? غذای مخصوص شما چیست؟
- Mönüyü, lütfen. منو، لطفاً.
- Mönüyü ve şarap mөнüsünü alabilir miyim lütfen? امکان دارد لطفاً منو و فهرست شراب را به من بدهید؟
- Vejetaryen yemeğiniz var mı? آیا غذای گیاهخواری دارید؟
- Diyabet yemeğiniz var mı? آیا غذای دیابتی دارید؟
- İngilizce mөнünüz var mı? آیا منو به زبان انگلیسی دارید؟
- Günün kokteyli nedir? کوکتل روز چیست؟
- Günün çorbası nedir? سوپ روز چیست؟
- Henüz sipariş vermek için hazır değilim. من هنوز آماده سفارش دادن نیستم.
- Aynısından alacağım. من هم همین را می خواهم.
- Bunu istiyorum. من این را می خواهم.
- Lezzetli mi? آیا خوش طعم است؟
- Pahalı mı? آیا گران است؟
- Hafif mi? آیا سبک است؟
- Doyurucu mu? آیا شکم پر کن است؟
- Ne kadar sürer? چه قدر طول خواهد کشید؟
- Porsiyon sebze ile birlikte mi geliyor? آیا همراه غذا سبزیجات هست؟
- Porsiyon patates ile birlikte mi geliyor? آیا همراه غذا سیب زمینی هست؟
- Porsiyon garnitür ile birlikte mi geliyor? آیا همراه غذا مخلفات هست؟
- Jambonlu sandviç rica ediyorum. من فقط یک ساندویچ گوشت ران خوک می خورم.
- Tavuklu sandviç rica ediyorum. من فقط یک ساندویچ مرغ می خورم.
- Etli sandviç rica ediyorum. من فقط یک ساندویچ رست بیف می خورم.
- Biftek kızarmış patates ile rica ediyorum. من استیک با سیب زمینی سرخ کرده می خورم.
- Biftek fırında patates ile rica ediyorum. من استیک با سیب زمینی پخته می خورم.
- Biftek püre patates ile rica ediyorum. من استیک با سیب زمینی له شده می خورم.
- Orta, lütfen. نیم پز خام لطفاً.
- Çok pişmiş, lütfen. برشته لطفاً.
- Şarap listenizi gösterin lütfen. لطفاً فهرست شرابها را به من نشان دهید.
- Ne tür şaraplarınız var? چه نوع شرابی دارید؟

Bir şişe beyaz şarap rica ediyorum.	من یک بطری شراب سفید می‌خواهم.
Bir şişe kırmızı şarap rica ediyorum.	من یک بطری شراب قرمز می‌خواهم.
Bir şişe pembe şarap rica ediyorum.	من یک بطری شراب سرخ می‌خواهم.
Bir şişe şarap ne kadar?	یک بطری کامل چقدر می‌شود؟
Bir sürahi şarap ne kadar?	یک تنگ چقدر می‌شود؟
Bir kadeh şarap ne kadar?	یک لیوان چقدر می‌شود؟
Bir bardak kahve rica ediyorum.	من یک فنجان قهوه می‌خواهم.
Bir bardak çay rica ediyorum.	من یک فنجان چای می‌خواهم.
Bir bardak kahve daha rica ediyorum.	من یک فنجان دیگر قهوه می‌خواهم.
Tekrar doldurur musunuz?	لطفاً لیوان مرا دوباره پر کنید.
Bir bardak bira alabilir miyim?	امکان دارد یک لیوان آبجو به من بدهید؟
Bir bardak büyük boy bira alabilir miyim?	امکان دارد یک پاینت آبجو به من بدهید؟
Bir sürahi bira alabilir miyim?	امکان دارد یک تنگ آبجو به من بدهید؟
Bir şişe bira alabilir miyim?	امکان دارد یک بطری آبجو به من بدهید؟
Portakal suyu.	آب پرتقال.
Greyfurt suyu.	آب گریپ فروت.
Domates suyu.	آب گوجه.
Meyve suyu.	آب میوه.
Tatlı olarak ne var?	برای دسر چی دارید؟

در رستوران: سرویس (restoranda: Servis)

Ellerimi merde yıkaya bilirim?	دست‌هایم را کجا می‌توانم بشویم؟
Biraz tereyağı alabilir miyim?	امکان دارد مقداری کره به من بدهید؟
Biraz limon alabilir miyim?	امکان دارد مقداری لیمو به من بدهید؟
Biraz tatlandırıcı alabilir miyim?	امکان دارد مقداری ساخارین به من بدهید؟
Biraz yağ alabilir miyim?	امکان دارد مقداری روغن به من بدهید؟
Biraz sirke alabilir miyim?	امکان دارد مقداری سرکه به من بدهید؟
Biraz hardal alabilir miyim?	امکان دارد مقداری خردل به من بدهید؟
Biraz ekmek alabilir miyim?	امکان دارد مقداری نان به من بدهید؟
Biraz biber alabilir miyim?	امکان دارد مقداری فلفل به من بدهید؟

- Biraz tuz alabilir miyim? امکان دارد مقداری نمک به من بدهید؟
- Biraz şeker alabilir miyim? امکان دارد مقداری شکر به من بدهید؟
- Biraz sos alabilir miyim? امکان دارد مقداری سس به من بدهید؟
- Temiz bir tabak alabilir miyim? امکان دارد یک بشقاب تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir kaşık alabilir miyim? امکان دارد یک قاشق تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir çatal alabilir miyim? امکان دارد یک چنگال تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir bıçak alabilir miyim? امکان دارد یک کارد تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir kül tablası alabilir miyim? امکان دارد یک زیر سیگاری تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir peçete alabilir miyim? امکان دارد یک دستمال سفره تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir fincan alabilir miyim? امکان دارد یک فنجان تمیز به من بدهید؟
- Temiz bir bardak alabilir miyim? امکان دارد یک لیوان تمیز به من بدهید؟
- Bir porsiyon pilav daha lütfen. یک پرس دیگر برنج، لطفاً.
- Bir porsiyon patates kızartma daha lütfen. یک پرس دیگر سیب زمینی سرخ کرده، لطفاً.
- İki hamburger paket lütfen. دو تا همبرگر، لطفاً.
- Üç katlı sandviç ve süt lütfen. یک ساندویچ سه طبقه با شیر برای من بیاورید، لطفاً.
- Kola getirin lütfen. لطفاً نوشابه بیاورید.
- Fransız soslu yeşil salata. یک سالاد فصل با سس فرانسوی.
- Tereyağı ile. با کره.
- Limon ile. با لیمو.
- Şeker ile. با شکر.
- Biraz daha lütfen. لطفاً کمی دیگر.
- Başka bir şey yok, teşekkürler. متشکرم چیز دیگری نمی‌خواهم.
- Yeterli, teşekkürler. کافیست، متشکرم.
- Tuzu uzatır mısınız? امکان دارد لطفاً نمک را به من بدهید؟
- Tadı nasıl? مزه‌اش چطور است؟
- Çok lezzetliydi. خوشمزه بود.
- Bu benim yiyebileceğimden fazlaydı. بیشتر از ظرفیت من بود.
- Hemen alabilir miyim? امکان دارد فوراً آماده شود؟
- Acele eder misiniz lütfen? ممکن است لطفاً عجله کنید؟
- Sigara içebilir miyim? امکان دارد سیگار بکشم؟
- Bu benim siparişim değil. این سفارش من نیست.

Ben bu yemeği sipariş etmemiştim	من این غذا را سفارش نداده بودم.
Siparişim henüz gelmedi.	سفارش من هنوز نرسیده است.
Bunu nasıl yiyorsunuz?	این را چگونه می‌شود خورد؟
Yemek çok tuzludur.	غذا خیلی شور است.
Yemek çok soğuktur.	غذا خیلی سرد است.
Yemek çok yağlıdır.	غذا بسیار چرب است.
Et çok serttir.	گوشت خیلی سفت است.
Et pişmemiş.	گوشت نپخته است.
Balık taze değildir.	ماهی تازه نیست.
Bu çok soğuk.	سرد است.
Bu çok sıcak.	داغ است.
Bu çok sert.	سفت است.
Bu çok pişmiş.	بیش از حد پخته است.
Bu çok baharatlı.	خیلی تند است.
Bu çok tatlı.	خیلی شیرین است.
Bu çok tuzlu.	خیلی شور است.
Bu çok sert.	خیلی غلیظ است.
Yeterince pişmemiş.	این به اندازه کافی نپخته است.
Bu taze değil.	این خیلی تازه نیست.
Yeterince temiz değil.	این به اندازه کافی تمیز نیست.
Bunu ısıtır mısınız?	امکان دارد این را گرم کنید؟

کلمات مفید

ekmek	نان	mayonez	مایونز
yağ	کره	ketçap	سس کچاپ
margarin	کره گیاهی	biraz	یک کم
tuz	نمک	daha	باز هم
şeker	شکر	başka bir tane	دیگر
biber	فلفل	Servis dahil değil.	شامل سرویس نیست.
tabak	بشقاب	küçük	کوچک
fazladan tabak	بشقاب اضافی	orta	متوسط

peçete	دستمال سفره	büyük	بزرگ
sofra takımı	ظروف نقره	mönü	منو
bıçak	کارد	Günün mönüsü	منوی روز
çatal	چنگال	turist mönüsü	منوی جهانگردان
kaşık	قاشق	özel teklif	پیشنهاد ویژه
sürahi/testi	پارچ/تنگ	spesiyaliniz	غذای مخصوص رستوران
bal	عسل	hardal	خردل

در رستوران: پرداخت: (restoranda: Hesab)

Hesap lütfen.	صورتحساب، لطفاً.
Hesabı alabilir miyim lütfen?	امکان دارد صورتحساب را به من بدهید، لطفاً.
Hesabı şimdi ödemek istiyorum, lütfen.	می‌خواهم الان حساب کنم.
Toplam ne kadar?	جمعش چقدر می‌شود؟
Hesaba servis ücreti dahil mi?	آیا صورتحساب شامل هزینه سرویس هم می‌شود؟
Sanırım hesap yanlış toplanmış.	گمان می‌کنم در جمع صورتحساب اشتباهی شده باشد.
Bunu ben ısmarlamadım.	من این را سفارش ندادم.
Cüzdanımı unuttum.	من کیف پولم را فراموش کرده‌ام بیاورم.
Hesap benden.	پرداخت صورتحساب با من است.
Hesabı birlikte dikkata alınız.	صورتحساب را یکجا در نظر بگیرید.
Bu akşam yemeği ben ısmarlıyorum.	من امشب شما را به شام دعوت می‌کنم.
Benim hesabıma yazın, lütfen.	لطفاً آن را روی صورتحساب من بگذارید.
Herkes için ben ödüyorum.	من صورتحساب همه را حساب می‌کنم.
Ayrı ödüyoruz.	ما جداگانه حساب می‌کنیم.
Fatura ayrı ayrı olsun.	صورتحساب جداگانه باشد.
Hesabı bölelim.	بیایید صورتحساب را بین خودمان تقسیم کنیم.
Hesabı o ödeyecek.	صورتحساب را او حساب می‌کند.
Hesabı ben ödeyeceğim.	صورتحساب را من حساب می‌کنم.
Hesabı biz ödeyeceğiz.	صورتحساب را ما حساب می‌کنیم.
Hesabı o ödeyecek.	صورتحساب را او حساب می‌کند.
Hesabı onlar ödeyecek.	صورتحساب را آن‌ها حساب می‌کنند.
Kendi payımı ödememe izin verin.	اجازه بدهید سهم خودم را حساب کنم.

Üstü kalsın, lütfen. بقیه‌اش مال خودتان.

در باره: (Barda)

Size bir içki ısmarlamama izin verin. اجازه بدهید برای شما یک نوشیدنی بخرم.
 Size ısmarlayabilir miyim? اجازه دارم شما را مهمان کنم?
 Bir sonraki içkiler benden. دور بعد به حساب من است.
 Ne içmek istersiniz? چه چیزی مایلید بنوشید?
 Viski ve su, lütfen. ویسکی و آب، لطفاً.
 Double olsun, lütfen. لطفاً دوبله‌اش را بیاورید.
 Buzlu skoç, lütfen. اسکاچ با یخ، لطفاً.
 Cin tonik rica ediyorum. من جین و تنیک می‌خورم.
 Bir tane daha, lütfen. یکی دیگر، لطفاً.
 Size içelim! بیایید بنوشیم به سلامتی شما!
 İran'a içelim! بیایید بنوشیم به سلامتی ایران!
 Türkiye'ye içelim! بیایید بنوشیم به سلامتی ترکیه!
 Şerefe! به سلامتی!
 Biraz sarhoş oldum. کمی احساس مستی می‌کنم.
 Yiyecek bir şeyleriniz var mı? آیا چیزی هم برای خوردن دارید?
 Bir bira lütfen! یک آبجو لطفاً!
 Bir tane daha bira lütfen! یک آبجوی دیگر لطفاً!

در رستوران: ممکن است بشنوید: (restoranda: Duyabilecekleriniz)

Üzgünüm, tüm masalar dolu. متأسفم تمام میزها در حال حاضر پر هستند.
 On dakika beklemeniz gerekebilir. در حدود ده دقیقه باید منتظر بمانید.
 Beklemek ister misiniz? آیا مایلید منتظر بمانید?
 İsminizi alabilir miyim? امکان دارد لطفاً اسمتان را بفرمایید?
 Rezervasyon gerekli. لازم است که رزرو کنید.
 Nerede oturmak istersiniz? کجا دوست دارید بنشینید?
 Lütfen beni takip edin. لطفاً دنبال من بیایید.
 İşte masanız. این میز شماست.
 Şarap menümüzü görmek ister misiniz? اجازه دارم فهرست شراب‌هایمان را تقدیم کنم؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

İçecek bir şeyler ister misiniz? نوشیدنی میل دارید؟
 Sipariş vermek için hazır mısınız? آماده‌اید سفارش بدهید؟
 Ne alırdınız? چه چیزی مایلید بخورید؟
 Tatlı ister misiniz? با مقداری دسر چطورید؟
 Başka bir şey? چیز دیگری لازم دارید؟
 Afiyet olsun. نوش جان.
 Servis ücreti dahil değildir. شامل هزینه سرویس نیست.
 Üzgünüm kredi kartı kabul etmiyoruz. متأسفم ما کارت اعتباری قبول نمی‌کنیم.
 Üzgünüm döviz kabul etmiyoruz. متأسفم ما ارز خارجی قبول نمی‌کنیم.
 Üzgünüm seyahat çeki kabul etmiyoruz. متأسفم ما چک مسافرتی قبول نمی‌کنیم.
 Hesabınız بفرمایید این صورت‌حساب شماست.

دعوت

Selim ve Zeynep Dalli Sayın Bay ve. Bayan Ahmet Solmaz'. kokteyle davet ederler.			
Yer:	Hilton Oteli	LCV':	658491
Tarih:	15 Ocak 1991 18.		
Saat:	30-21. 00		

LCV مخفف Lütfen cevap veriniz (لطفاً جواب دهید) است.

Yarın akşam benimle sinemaya gider misin?

Çok özür dilerim, mümkün değil, tiyatroya biletim var.

آیا فردا شب با من به سینما می‌آیی؟

خیلی متأسفم، ممکن نیست، برای تئاتر بلیت دارم.

Bir gün, bize çaya buyrun.

Tabii. Memnuniyetle geliriz.

روزی نزد ما برای چای تشریف بیاورید.

البته. با کمال میل خواهیم آمد.

Ahmed'in partisine gidiyorum. Sen de gel.

Maalesef. Doktora randevum var. Bir başka gün inşallah

به مهمانی احمد می‌روم. تو هم بیا.

متأسفم. وقت دکتر دارم. یک روز دیگر انشاء الله.

Sizinle lobide buluşmak isterim.	مایلم با شما در لابی ملاقات کنم.
Yarın boş musunuz?	آیا فردا وقت شما آزاد است؟
Bu akşam boş musunuz?	آیا امشب وقت شما آزاد است؟
Benimle gelmek ister misiniz?	آیا می‌خواهید با من بیایید؟
Bizimle gelmek ister misiniz?	آیا می‌خواهید با ما بیایید؟
Bugün için planlarınız neler?	برنامه‌های شما برای امروز چیست؟
Bu gece için planlarınız neler?	برنامه‌های شما برای امشب چیست؟
Yarın için planlarınız neler?	برنامه‌های شما برای فردا چیست؟
Yürüyüş yapmak ister misiniz?	آیا دوست دارید برای پیاده روی بروید؟
Dans etmeye gitmek ister misiniz?	آیا دوست دارید برای رقص بروید؟
İçki içmeye gitmek ister misiniz?	آیا دوست دارید برای نوشیدنی بروید؟
Yemeğe çıkmak ister misiniz?	آیا دوست دارید برای غذا خوردن بیرون بروید؟
Alışverişe gitmek ister misiniz?	آیا دوست دارید به خرید بروید؟
Size yol göstereyim.	اجازه بدهید شما را راهنمایی کنم.
Benimle alışverişe gitmek ister misiniz?	با من خرید نمی‌آیید؟
Bizimle alışverişe gitmek ister misiniz?	با ما خرید نمی‌آیید؟
Yüzmeye gidelim.	برویم شنا.
Birşeyler yemek ister misiniz?	آیا میل دارید چیزی بخورید؟
Size bir içki ikram edebilir miyim?	اجازه دارم به شما یک نوشیدنی تعارف کنم؟
Bir içki ister misiniz?	با یک نوشیدنی چطورید؟
Size bir içki ısmarlayayım.	من شما را به یک نوشیدنی دعوت می‌کنم.
Kahve içelim.	بیایید قهوه بنوشیم.
Kendi eviniz gibi bulun.	اینجا را خانه خودتان بدانید.
Bu iyi bir fikir.	این فکر خیلی خوب است.
Çok sevindim.	خیلی خوشحال شدم.
İtiraz etmeyim.	مهم نیست.
Kesinlikle hayır!	اصلاً نمی‌شود!

اصطلاحات

Aba altından değnek göstermek:

از زیر عبا چماق نشان دادن .یعنی علیرغم آرام و نرم بودن به صورت مخفیانه در صدد ترساندن کسی باشی
Abacı, kebeci, ara yerde sen neci?

عبا فروش.نمد فروش تو این وسط تو چه فروشی؟در مواقعی این عبارت به کار می‌رود که کسی در کاری بهش
مربوط نیست دخالت کند.

Acemi çaylak: این اصطلاح به اشخاص ناشی .تازه کار.غیر ماهر .بی تجربه گفته میشود

Acı soğuk: سرمای خیلی شدید

Acı söz: سخن تلخ.سخنی که دل انسان را آزرده کند.

Açık seçik: واضح و روشن.خیلی برجسته(آشکار)

Açık saçık: هرگونه(سخن.رفتار.لباسی)که خلاف عرف و تربیت باشد.

Ağır başlı: جدی.سرسنگین.باوقار

Ağır aksak: بسیار آرام و آهسته.نامنظم

درس ۱۱

بیان الزام و اجبار



Gerek
Lazım
Şart
-mEli

Üç gece için rezervasyon yaptırmak istiyorum. Tek kişilik bir oda. Duşlu olması şart.

Tek kişilik odamız kalmadı efendim. Çift kişilik oda alır mısınız?

Alırım ama bu durumda çift kişilik fiyatı mı ödemem lazım?

Hayır, yalnız ikinci gün tek kişilik odaya geçmeniz gerekiyor.

Peki, anahtar en geç saat kaçta almalıyım?

Ne zaman isterseniz alın. Resepsiyon yirmi dört saat açık. Yalnız gece onikiden sonra bavullarınızı yukarıya kendiniz çıkarmanız gerekecek.

برای سه روز می‌خواهم اتاق رزرو کنم. یک اتاق تک نفره. به شرط داشتن دوش (حمام).

اتاق تک نفره نمانده است آقا. آیا اتاق دو نفره می‌گیرید؟

(خوب است) می گیرم ولی آیا در این شرایط باید پول اتاق دو نفره را بپردازم؟

نه، اما باید روز بعد به اتاق تک نفره برگردید.

بسیار خوب. دیرترین ساعتی که می توانم از شما کلید بگیرم کی است؟

هر زمان بخواهید. پذیرش ۲۴ ساعته باز است. اما بعد از نیمه شب، اسباب هایتان را باید خودتان به بالا حمل کنید.

انجام کار توسط دیگران (جملات سببی)

افعال اجبار به افعالی اطلاق می شود که در آنها حرکت و کنش به خواست و هدایت شخص به وسیله ی شخص ثانی اجرا می شود شما برخی کارها را خودتان انجام می دهید و برخی را دیگران برای شما انجام می دهند. در مورد اخیر باید پیوند -Dİr (-dür, -dur, -dır, -dir, -tır, -tir, -tür, -tur) را بعد از حروف صامت و -t را بعد از حروف مصوت قرار دهید:

almak:	Alacağım,	من خواهم خرید.
	Aldıracağım	من خواهم خرید (می دهم بخرند) .
yapmak:	Yaptık.	ما آن را انجام دادیم.
	Yaptırdık.	ما دادیم آن را انجام دادند.
uyumak:	Uyuyor.	او خواب است.
	Uyutuyor.	او بچه را می خواباند.
dinlemek:	Dinlerler.	آنها گوش می دهند.
	Dinletirler.	آنها از دیگران می خواهند گوش دهند.

به عنوان مثال شما هنگامی که به آرایشگاه مراجعه می کنید چون کارهایی که می خواهید انجام دهید، توسط آرایشگر انجام می شود، برای بیان خواسته هایتان از جمله های سببی استفاده می کنید. به مثال های زیر توجه کنید:

Saçımı kestirmek istiyorum.	من می خواهم مویم را کوتاه کنم. (برایم کوتاه کنید).
Saçımı yıkatmak istiyorum.	می خواهم موهایم را بشویم. (برایم بشوید)
Tırnaklarıma oje sürdürmek istiyorum.	من می خواهم ناخن هایم را لاک بزنم. (برایم بزنید).
Yüz bakımı yaptırmak istiyorum.	من می خواهم ماسک صورت بگذارم. (برایم بگذارید).

دو روش برای بیان اجبار وجود دارد:

۱- افزودن پیوند دو شکلی اجبار، -meli و -malı به فعل

Gelmelisin تو باید بیایی
Bugün işte olmalıydım امروز باید سرکار می بودم.

۲- به کار بردن یکی از کلمات نشان دهنده اجبار

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Gelmen lazım

تو باید بیایی (آمدنت لازم است) .

Gelmen gerek

آمدنت ضرورت دارد.

Gelmen şart

تو باید بیایی (آمدنت یک شرط است)

از میان افعال فوق‌الذکر، فقط gerek صرف می‌شود:

gelmen gerekti / gerekecek / gerekiyor / gerekir

به خاطر آوردن و فراموش کردن

... -Dİn (İz) mİ?
 ... -EcEktİn (İz) ... -Dİn (İz) mİ?
 ... (y) İ hatırlıyor musun (uz) ?
 unutmazsın (İz) , değil mi?
 unutma (yın) !

	gazı	گاز را	
	elektriği	برق را	
Evden çıkarken	televizyonu	تلویزیون را	kapattın mı?
آیا هنگام ترک خانه	ütüyü	اتو را	بستی (خاموش کردی) ؟
	radıyoyu	رادیو را	

	pul	تمبر	
	jeton	ژتون	
Postahaneden	kartpostal	کارت پستال	alacaktın, aldın mı?
قرار بود از پستخانه	zarf	پاکت نامه	آیا خریدی؟ بخری
	mektup kağıdı	کاغذ نامه	
	telgraf formu	فرم تلگراف	

Arızanın	خدمات تعمیر تلفن
Polisin	پلیس
Ambulansın	numarasını hatırlıyor musun?
İtfaiyenin	آتش نشانی
Şehirlerarasının	تلفن بین شهری

یادآوری‌ها

از بانک گرفتن (پول، دفتر چک، کارت اعتباری) را فراموش نکن، خوب؟

Bankadan çek defteri almayı unutmazsın, değil mi?
para
Kredi kartı

Aman temizleyiciye uğramayı سر زدن به نظافتچی را
امن
Sakın kalöriferi açmayı باز کردن سیستم حرارت مرکزی را
مبادا
Lütfen kapıcıyı çağırmayı صدا کردن دربان را unutma!
لطفاً
Gözünü seveyim çöprü dökmeyi زباله به بیرون ریختن را
لطفاً فراموش نکن

پیوند İken- یا (y)ken- (هنگام، زمانی که) مانند:

Mehmet kasabaya yürüyorken onu gördüm
هنگامی که محمد داشت در قصبه حومه شهر قدم می زد او را دیدم.
Sen kasabaya yürüyorken, seni gördüm
هنگامی که تو در قصبه حومه شهر قدم می زدی تو را دیدم.
İngiltere'ye gidecekken, Türkiye'de kaldık
به جای رفتن به انگلیس در ترکیه ماندیم.
Türkiye'de kalacakken, İngiltere'ye gidelim.
به جای ماندن در ترکیه به انگلیس برویم.
Biz tam evden çıkarken, yağmur yağmağa başladı
دقیقاً هنگامی که می خواستیم از خانه بیرون بیاییم باران شروع به باریدن کرد.
Onlar tam kapıyı açarken, anahtar koptu.
آن ها درست زمانی که داشتند در را باز می کردند کلید شکست.
Ben, tam evden ayrılırken telefon çaldı.
درست زمانی که خانه را ترک می کردم تلفن زنگ زد.
Tam onun hakkında konuşmaya başladığım zaman Mehmet kapıyı açtı.
درست زمانی که در مورد او شروع به صحبت کردن کردم محمد در را زد.
Ben, tam evden ayrılırken yağmur yağmaya başladı.
دقیقاً هنگامی که داشتم خانه را ترک می کردم باران شروع به باریدن کرد.
Tam öğretmen tahtayı silerken müfettiş sınıfa girdi.
درست زمانی که معلم داشت تخته را پاک می کرد بازرس وارد کلاس شد

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Çalışmazken susuzum

اگر چه من کار نکردم اما تشنه هستم.

Sürmezken yolu bilirim.

اگرچه من رانندگی نکردم اما راه را می دانم.

Galatasaray'ın yıldız futbolcularından Necati Ates, kendilerine ödeme yapılamazken, bazı yabancı oyuncuların alacaklarının verildiğini duymanın üzüntü verici olduğunu söyledi.

یکی از بازیکنان ستاره تیم گالاتاسرای، نجاتی آتس، گفت: این بسیار ناراحت کننده است وقتی می شنویم که بدهی های بعضی از بازیکنان خارجی پرداخت شده در حالی که توان انجام پرداختی های بازیکنان داخلی وجود ندارد.

Bu iş bitirilmişken, eve gidelim

حالا که این کار تمام شده است به خانه برویم

Aklıma gelmişken, söyleyeyim.

حالا که به فکر آمده بگویم

körkütük sarhoş olma. Öyle kalk ki, yolda giderken sarhoşluğun anlaşılmasın.

مست خراب مشو. چنان برخیز که اندر راه اثر مستی بر تو پیدا نبود.

Dün yolda giderken yıllardır görmediğim bir arkadaşşıma rastladım.

دیروز زمانی که تو راه قدم می زدم با یکی از دوستانم که سال ها ندیده بودم برخورد کردم.

a rağmen - (به رغم، علیرغم، با وجود این که)

Çalışmamama rağmen susuzum.

علیرغم اینکه کار نکردم امام تشنه هستم.

Ben sürmememe rağmen yolu bilirim

علیرغم اینکه من رانندگی نکردم اما راه را بلدم.

ancak, yalnız (فقط، اما، تنها، ولی، نهایت)

ancak iki buçuk liram var

فقط دو و نیم لیره دارم.

yollar çok kalabalıydı ancak geldim

راه ها خیلی شلوغ بود به سختی آمدم

yalnız şunu demek istiyorum

تنها می خواهم این را بگویم.

geldi yalnız bir az geç geldi

آمد فقط کمی دیر آمد.

kütüphanede çalışmam lazım, ancak bugün gidemem

باید در کتابخانه کار کنم اما (فقط) امروز نمی توانم بروم.

زمان های گذشته

به طور کلی idi یا (y)DI- همه افعال را به زمان گذشته تبدیل می کند :

geliyorsun	geliyordun	داشتی می آمدی.
gelir	gelirdi	او (عادتاً) می آمد.
geleceğiz	gelecektik	ما می خواستیم بیاییم.
geldim	geldiydim	آمده بودم.
gelmiş	gelmişti	آمده بود.
gelsem	gelseydim	اگر می آمدم.

اصطلاحات

Ana kuzusu:

این اصطلاح به ۱. بچه خیلی کوچک بغلی ۲. به جوان یا کودکی ناز نازی گفته میشه که به مشکلات و کارهای سخت عادت نداره

Apar topar:

با عجله و دست پاچگی

Allak bullak etmek

زیر و رو کردن. یا به حالت پیچیده و قره قاطی درآوردن

Allah Allah!:

بیشتر مواقع حیرت و تعجب را تعریف میکند

Allah adamı

به شخصی که حيله و بدی نمیکند و در راه خدا گام برمیدارد گفته میشود

Ağzı var dili yok: (به اشخاص خیلی آرام و ساکت گفته میشه که تو حال خودشانند)

Abur cubur:

غذای بی فایده (بدون ارزش غذایی) هل وهوله

Abayı yakmak:

عبا را آتش زدن. کنایه از دل دادن و عاشق شدن

درس ۱۲

بیان توانایی‌ها



... - (y) Ebilir misin (iz) ?

... - (y) Ebilir misin (iz) ?

İngilizce telefon konuşması yapabilir misiniz?

Yapabilirim.

Tercüme?

Teknik lisan değilse onu da yapabilirim.

Daktilo yazabilir misiniz?

Evet, daktilodan başka bilgisayar da kullanabilirim.

İş mektupları yazabilir misiniz?

Kendim yazamam. Siz dikte ederseniz mesele yok.

Stenonuz nasıl?

Yeterli değil, İşe girmeden önce biraz steno çalışmıştım, ama işe girdikten sonra pek kullanmadım. Onun için unuttum. Istiyorsanız ilerletebilirim.

آیا می‌توانید به انگلیسی مکالمه تلفنی بکنید؟
می‌توانم.

ترجمه چی؟

اگر زبان فنی نباشد آن را هم می‌توانم انجام دهم.

می‌توانید ماشین نویسی کنید؟

بله، علاوه بر ماشین نویسی، می‌توانم از رایانه هم استفاده کنم.

می‌توانید نامه‌های تجاری بنویسید؟

از خودم نمی‌توانم بنویسم. اما اگر خود شما دیکته کنید مسئله‌ای نیست.

تندنویسی شما چطور است؟

به اندازه کافی خوب نیست. قبل از کار کردن، مقداری تندنویسی کار کرده‌ام اما زمانی که سرکار رفته‌ام آن را خیلی مورد استفاده قرار نداده‌ام. آن را فراموش کرده‌ام. اگر بخواهید می‌توانم خودم را تقویت کنم.

Ebil(y)- پیوند توانایی که به ریشه فعل اضافه می‌شود و حالت توانایی را بیان می‌کند. همان طور که در درس ۱۰ ذکر شد عدم توانایی با پیوند Eme(y)- بیان می‌شود.

کار توانستن çalış-abil-mek

کار نتوانستن çalış-ama-mak

محاسبه توانستن hesapla-yabil-mek

محاسبه نتوانستن hesapla-yamamak

بعد از پیوندهای توانایی و عدم توانایی می‌توان پیوندهای شخصی و زمان‌ها را قرار داد.

Görebildik. ما توانستیم ببینیم.

Gelemliecekler. آن‌ها نخواهند توانست بیایند.

پیوند توانایی را می‌توان برای حالت پرسشی و امکان نیز بکار برد.

Bu pazartesi işe başlayabilecek misiniz? آیا این دوشنبه کار را می‌توانید شروع کنید؟

و یا برای اجازه خواستن و اجازه دادن

Burada sigara içebilir miyim? آیا می‌توانم اینجا سیگار بکشم؟

Tabii içebilirsiniz. البته که می‌توانید.

gidebiliyorum می‌توانم بروم.

gidebiliyoruz می‌توانیم برویم.

gitmeye biliyorum می‌توانم بروم.

gidebilirsin	می‌توانی بروی.
gidemiyorum	نمی‌توانم بروم.
gidemiyoruz	نمی‌توانیم برویم.
gidemeyiz	نمی‌توانیم برویم.
gidemezsin	نمی‌توانی بروی.
gidebildiler	توانستند بروند.
gidemediniz	نتوانستید بروید.
gidebiliyordum	می‌توانستم بروم.
gitmeye biliyordun	می‌توانستی بروی.
gidebilirdin	می‌توانستی بروی.
gidebiliyorlardı	می‌توانستند بروند.
gidebilirlerdi	می‌توانستند بروند.
gidebilmişiz	توانسته ایم برویم.
gidebilmişsek	اگر توانسته ایم برویم.
gidebilmişlerdi	توانسته‌اند بروند.
gidebilmiştim	توانسته بودم بروم.
gidebileceğim	خواهم توانست بروم.
gidebilecek	خواهد توانست برود.
gidebilecekmişsem	اگر قرار بوده بتوانم بروم.
gidebilirsem	اگر بتوانم بروم.
gidemezsem	اگر نتوانم بروم.
gidebilseydim	اگر می‌توانستم بروم.
gidemeseydim	اگر نمی‌توانستم بروم.

کاربرد DEN önce-(قبل از)، DEN sonra-(بعد از) را قبلاً ملاحظه کردید. به این‌ها می‌توان پیوندهای دیگری نیز (بر سر فعل) افزود که در آن صورت به mEdEn önce- و dİktEn sonra- تبدیل می‌شوند.

oku-duktan sonra	بعد از خواندن
yaz-madan önce	قبل از نوشتن

Akşam yemeğini yemeden önce dışarıya oynamaya çıktım.

قبل از اینکه شام را بخورم به را بازی کردن به بیرون رفتم.

Biz hedefimize varmadan önce güneş batıdan batmıştı.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

قبل از اینکه ما به هدفمان برسیم خورشید از غرب غروب کرده بود.

Hava karmadan önce eve gitmeliyiz.

قبل از تاریک شدن هوا باید به خانه برویم.

Tren Londraya varmadan önce öğlen yemeğimizi yiyecektik.

می خواستیم قبل از اینکه قطار به لندن برسد ناهارمان را بخوریم.

Ben dönmeden önce küçük erkek kardeşim bütün böreği yemişti.

قبل از اینکه من بر گردم برادر کوچکم تمام پراشکی ها را خورده بود.

Babam eve gelmeden önce her şeyi bitireceğim.

قبل از این که بابایم به خانه بر گردد هم چیز را تمام خواهم کرد .

Biz oraya varmadan önce parti sona erecek.

قبل از آنکه من به آنجا برسم مهمانی تمام خواهد شد.

Oraya varmadan önce toplantı başlamıştı bile.

حتی قبل از رسیدن به آنجا جلسه شروع شده بود.

Kız kardeşim yattıktan sonra ışıkları söndürdüm.

بعد از اینکه خواهرم به تختخواب رفت لامپها را خاموش کردم.

Uçak havalandıktan sonra öğle yemeğimizi yedik.

بعد از اینکه هواپیما بلند شد ناهارمان را خوردیم.

Ders bittikten sonra öğretmene bir soru soracağım.

پس از تمام شدن درس از معلم یک سؤالی خواهم پرسید.

Ankara'dan ayrıldıktan sonra sana mektup yazacağım.

پس از ترک کردن آنکارا برای تو نامه خواهم نوشت.

İşlerini bitirdikten sonra tiyatroya gittiler.

بعد از اینکه کارشان را تمام کردن به تئاتر رفتند.

Savaş çıktıktan sonra İtalya'ya gittik.

پس از آغاز جنگ به ایتالیا رفتیم.

DEn başka (علاوه بر، به غیر از)

daktilodan başka

به غیر از ماشین نویسی

çalışmak-tan başka

علاوه بر کار

مکالمه تلفنی

Alo?

... ile görüşebilir miyim (lütfen) ?

... - (y) I bağliabilir misiniz (lütfen) ?

Alo? /Buyurun?
Bir dakika efendim,
çağırayını/bağlıyayım

Alo?

Alo, buyrun?

Türk Hava Yolları mı? Hayır, değil,
Özür dilerim. Yanlış numara düştü herhalde.

Alo?

Alo, Türk Hava Yolları, buyrun.

Ahmet Bey'le görüşebilir miyim lütfen?

Ahmet Bey şu anda dışarıda efendim. Ben yardımcı olabilir miyim?

Teşekkür ederim ama sanmıyorum. Ne zaman döner acaba?

Bilmiyorum ama isterseniz mesaj alabilirim.

Bir zahmet alıverin o halde. Ben Mehmet Uçar. Beni ararsa memnun olurum.

Numaramı biliyor.

Gelir gelmez mesajınızı iletacağım efendim.

Teşekkür ederim. İyi günler.

Size de.

متشکرم. ولی فکر نمی کنم. چه وقت برمی گردد؟

نمی دانم. ولی اگر می خواهید پیام شما را می توانم برسانم.

بله لطفاً زحمت بکشید. من «محمد اوچار» هستم، خوشحال می شوم به من زنگ بزنند. او شماره من را بلد است.

به محض اینکه آمد پیام شما را می رسانم، آقا.



تشکر می‌کنم، روز خوش (خداحافظ).
روز شما هم خوش.

Alo? Buyurun.

532 numaralı odayı bağıyabilir misiniz lütfen?

Tabii beyefendi, bir dakika, bağıyayım.

الو؟

بفرمایید.

آیا می‌توانید به اتاق شماره ۵۳۲ وصل کنید لطفاً؟
البته آقای محترم، یک دقیقه، وصل می‌کنم.

Buralarda telefon kulübesi nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم در این حوالی یک تلفن عمومی پیدا کنم؟

Buralarda telefoncu nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم در این حوالی یک دفتر مخابراتی پیدا کنم؟

Ödemeli arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس با هزینه طرف مقابل بگیرم.

Uluslararası arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس بین المللی بگیرم.

Bire bir arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس نفر به نفر بگیرم.

Kredi kartıyla arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس با کارت اعتباری بگیرم.

Ülkelerarası arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس راه دور بگیرم.

Tahran'a telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با تهران تماس بگیرم.

İstanbul'a telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با استانبول تماس بگیرم.

New York'a telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با نیویورک تماس بگیرم.

Londra'ya telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با لندن تماس بگیرم.

Paris'e telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با پاریس تماس بگیرم.

Sidney'e telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با سیدنی تماس بگیرم.

Moskova'ya telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با مسکو تماس بگیرم.

Varşova'ya telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با ورشو تماس بگیرم.

Munih'e telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با مونیخ تماس بگیرم.

Dakika ücreti ne kadar?

دقیقه‌ای چند است؟

İki dakika ücreti ne kadar?

برای دو دقیقه چقدر می‌شود؟

Beş dakika ücreti ne kadar?

برای پنج دقیقه چقدر می‌شود؟

Bu hat meşgul.	خط اشغال است.
Bu numara listede yok.	این شماره در راهنمای تلفن موجود نیست.
Direkt arayabilir miyim?	آیا می توانم مستقیماً شماره بگیرم؟
Yönetici ile görüşebilir miyim?	آیا ممکن است با مدیر صحبت کنم؟
Telefonunuzu kullanabilir miyim?	آیا امکان دارد از تلفن شما استفاده کنم؟
Benim için arar mısınız?	آیا می توانید برای من شماره بگیرید؟
Benim için konuşur musunuz?	آیا می توانید برای من صحبت کنید؟
Pardon, yanlış numarayı çevirdiniz.	متأسفم شماره را اشتباه گرفته اید.
O şu anda burada değil.	او در حال حاضر اینجا نیست.
O şu anda başka hatta görüşüyor.	او در حال حاضر دارد با خط دیگر صحبت می کند.
Hattı tutun lütfen.	لطفاً پشت خط بمانید.
Hemen kapatmayın lütfen.	لطفاً گوشی را نگذارید.
Sizi sonra tekrar arayacağım.	من دوباره زنگ می زنم.
212 No.lu dahili hatı bağlayın lütfen.	لطفاً داخلی ۲۱۲ را وصل کنید.
Kim arıyor sorabilir miyim?	می توانم بپرسم اسم شما چیست؟
Heceler misiniz?	ممکن است آن را هجی کنید؟
Yanlış numarayı aramışım.	من شماره را اشتباه گرفتم.
Ona beni aramasını söyleyin lütfen.	آیا امکان دارد پیغام بگذارم؟
Mesaj bırakabilir miyim?	آیا امکان دارد پیغام بگذارم؟
Ne zaman döner?	چه موقع بر می گردد؟
Aradığınız için teşekkürler.	از تماس شما متشکرم.
Kontürüm bitiyor.	شارژم دارد تمام می شود.
Aradığınız kişi şu anda ulaşılamıyor lütfen daha sonra tekrar deneyiniz.	مشترک مورد نظر در دسترس نمی باشد. لطفاً بعداً دوباره امتحان کنید.

کلمات مفید

şehir içi konuşma	تماس محلی	ülke kodu	کد کشور
uluslararası konuşma	تماس بین المللی	bölge kodu	کد منطقه
telefon kartı	کارت تلفن	telefon rehberi	راهنمای تلفن
telefoncu	دفتر خدمات مخابراتی	ücretsiz arama	تلفن رایگان
santral	اپراتور	arızalı	خراب

uluslararası desteği خدمات بین المللی

ممکن است بشنوید

Merhaba! الو!

Efendim ... خودم هستم ...

Kiminle görüşüyorum? جنابعالی؟

Kiminle görüşmek istemiştiniz? با چه کسی می‌خواهید صحبت کنید؟

Telefon numaranız ne? شماره تلفن شما چیست؟

Lütfen yarın tekrar arayın. لطفاً فردا دوباره تماس بگیرید.

Aradığınızı söylerim. من می‌گویم که شما تماس گرفتید.

Ona sizi aramasını söylerim از او می‌خواهم که با شما تماس بگیرد.

Tekrar edin lütfen. لطفاً دوباره تکرار کنید.

Size nasıl yardım edebilirim? چه کمکی از دست من بر می‌آید؟

Mesaj bırakmak ister misiniz? آیا مایلید پیغام بگذارید؟

İsminizi kodlar mısınız? امکان دارد لطفاً اسم خود را هجی کنید؟

E-mail adresinizi bırakır mısınız? ممکن است لطفاً نشانی پست الکترونیکی خود را بفرمایید؟

اینترنت

Nereden Internet'e bağlanabilirim? کجا می‌توانم به اینترنت دسترسی داشته باشم؟

Burada Internet'e bağlanabilir miyim? آیا می‌توانم اینجا به اینترنت دسترسی داشته باشم؟

E-mailimi kontrol edebilir miyim? آیا امکان دارد پست الکترونیکی خودم را چک کنم؟

E-mail yoluyla mesaj göndermek istiyorum. من می‌خواهم یک پیغام با پست الکترونیکی بفرستم.

Faks yoluyla mesaj göndermek istiyorum. من می‌خواهم یک پیغام با فاکس بفرستم.

E-mail adresinizi öğrenebilir miyim? نشانی پست الکترونیکی شما چیست؟

Saat başına ücretiniz ne kadar? هزینه ساعتی چند است؟

Nasıl bağlanıyorum? چطور می‌توانم وارد شوم؟

Veri aktarım hızı nedir? سرعت انتقال اطلاعات چقدر است؟

کلمات مفید

eyt	ات	website	سایت اینترنتی
nokta	نقطه	bağlantı	پیوند
web sayfası	صفحه اینترنتی	giriş	ورود به سیستم
kullanıcı adı	نام کاربر	domain	دامنه
şifre	رمز عبور	trafik	ترافیک
giriş engellendi	امکان دسترسی وجود ندارد	sistem yöneticisi	مدیر سیستم
hata	خطا	ayarlar	تنظیمات

فوریت و اضطرار

با قرار دادن İver- بین فعل و پیوند فعلی، می‌توان اهمیت عمل و یا سریع انجام شدن آن را نشان داد.
 (فوری) این نامه را پست کن.
 Şu mektubu postaya atıver.
 (حتماً) هنگام برگشتن یک روزنامه بخرید.
 Dönerken bir gazete alıverin.

Ir ... -mEz - (به محض اینکه) :

به محض وارد شدن، او را دیدم.
 girer girmez onu gördüm
 به محض اینکه فارغ‌التحصیل شود شغلی پیدا خواهد کرد.
 Mezun olur olmaz iş bulacak
 به محض اینکه بابم بیاید چای خواهیم نوشید.
 Babam eve gelir gelmez çay içeceğiz.
 به محض تمام شدن فیلم لامپ‌ها را روشن کردند.
 Film biter bitmez ışıkları açtılar.
 به محض شروع شدن تعطیلات برای دیدن شما خواهیم آمد.
 Tatil başlar başlamaz sizi görmeye geleceğiz.
 عایشه بلافاصله بعد از تمام کردن تکالیف خانه‌اش به بیرون برای بازی کردن رفت.
 Ayşe ev ödevini bitirir bitirmez dışarıya oynamaya çıktı.
 به محض این که بابایم حاضر شود خواهیم رفت.
 Babam hazır olur olmaz gideceğiz.
 به محض اینکه تو این رمان را بخری آن را از تو قرض خواهیم گرفت.
 Sen bu romanı satın alır almaz onu senden ödünç alacağım.

حالت‌های دیگر:

تا نشستم (نشسته نشسته) تلفن زنگ زد.
 oturdum oturmam telefon çaldı
 به محضی که آمد به من خبر بده.
 o geldi mi geldi bana haber ver

-masıyla... bir oldu

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Dansın başlamasıyla ışıkların sönmesi bir oldu.

شروع شدن رقص با خاموش شدن لامپها هم زمان شد.

Ankara'dan geri dönmemle Paris'e hareket etmem bir oldu.

بر گشتن از آنکارا با حرکتم به سوی پاریس یکی شد.

Yatağa girmesiyle pencerenin açılması bir oldu.

رفتن او به تختخواب با باز کردن پنجرهها همزمان شد.

Selda'nın odaya girmesi ile telefonun tekrar çalması bir oldu.

رفتن سelda به اتاق با زنگ خوردن مجدد تلفن یکی شد

Hasan'ın ahizeyi yerine koyması ile telefonun tekrar çalması bir oldu.

گذاشتن دسته تلفن توسط حسن سر جایش با زنگ خوردن مجدد تلفن هم زمان شد

نامه نگاری

یک نامه رسمی

Sayın Osman Türkmen,

Gazetemizdeki abone kaydınız 31. 12. 1991 tarihinde sona ermektedir. Yüzde onluk (10) tenzilattan faydalanmak istiyorsanız bir an evvel abone yenilemek üzere başvurunuzu tavsiye eder, saygılar sunarız.

Abone Kayıt Kabul Müdürü

یک نامه نیمه رسمی

Hakkı Bey Kardeşim,

Notunu aldım, sağolasın. Durumunu anlıyorum ama mallar depoya gelinceye kadar beklememiz gerekiyor. Gecikme arabaların yolda bozulmasından dolayı oldu. Bir kaç gün daha sabretmeni rica eder, gözlerinden öperim.

Nuri.

یک نامه غیر رسمی

Sevgili Ayşe'ciğim,

Raporu bitirip postaya verdim. Müdür Bey ilk fırsatta okuyup cevap verise memnun olurum Sevgiler.

Tülin

لغات نامه رسمی

abone	آبونه، اشتراک
kayıt	ثبت نام
sona ermek	تمام کردن
tenzilat	تخفیف
faydalanmak	استفاده کردن از
yenilemek	تجدید کردن
başvurmak	به کار بردن
saygı sunmak	احترامات کسی را رساندن

لغات نامه نیمه رسمی

not	یادداشت
durum	موقعیت
mal	کالا
depo	انبار
gecikme	تأخیر
bozulma	خراب شدن، شکستن
sabretmek	تحمل کردن
rica etmek	خواهش کردن
öpmek	بوسیدن

لغات نامه غیر رسمی

sevgili	عزیز، محبوب
rapor	گزارش
postalamak	پست کردن
sevgiler	عشق‌ها

برخی از عبارت‌های پایانی نامه، دربردارنده اصطلاح بوسیدن است که در چهارچوب پذیرفته شده اجتماعی به عنوان احترام ذکر می‌شود.

Gözlerinden öperim.	چشمانتان را می‌بوسم (برای زن و مرد و افراد جوان) .
Yanaklarından öperim.	(گونه) روی‌تان را می‌بو سم (برای زن و مرد) .
Ellerin (iz) den öperim.	دست بوستان هستم (به عنوان احترام برای سالخورده‌ها) .

اداره پست

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

En yakın postane nerede? نزدیکترین اداره پست کجاست؟

En yakın Internet kafe nerede? نزدیکترین کافی نت کجاست؟

Postaneye nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد لطفاً راه اداره پست را به من نشان دهید؟

Internet kafeye nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد لطفاً راه کافی نت را به من نشان دهید؟

Genel teslimat hangi gişede? کدام باجه برای دریافت نامه است؟

Para havalesi hangi gişede? کدام باجه برای حواله پستی است؟

Pul hangi gişede? کدام باجه برای تمبر است؟

Koleksiyoncu pulları hangi gişede? کدام باجه برای تمبر مجموعه‌ای است؟

Genel teslimat nerede? شعبه دریافت نامه کجاست؟

Posta kutusu nerede? صندوق پستی کجاست؟

Bunu taahhütlü mektup ile göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این را با پست سفارشی بفرستم.

Bunu ekspres posta ile göndermek istiyorum. من می‌خواهم این را با پست پیشتاز بفرستم.

Bunu havayolu ile göndermek istiyorum. من می‌خواهم این را با پست هوایی بفرستم.

Bunu özel gönderim ile göndermek istiyorum. من می‌خواهم این را با تحویل ویژه بفرستم.

Bu mektuplar için pul ücreti ne kadar? تمبر این نامه‌ها چقدر می‌شود؟

Bunu taahhütlü mektup ile gönderme ücreti ne kadar?

ارسال این با پست سفارشی چقدر می‌شود؟

Bunu ekspres posta ile gönderme ücreti ne kadar? ارسال این با پست پیشتاز چقدر می‌شود؟

Bunu havayolu ile gönderme ücreti ne kadar? ارسال این با پست هوایی چقدر می‌شود؟

Bunu özel gönderim ile gönderme ücreti ne kadar? ارسال این با تحویل ویژه چقدر می‌شود؟

Mektup gönderme posta ücreti ne kadar? هزینه پست یک نامه چقدر است؟

Havayolu ile gönderilen mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه با پست هوایی چقدر است؟

Sigortalı mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه بیمه شده چقدر است؟

Taahhütlü mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه سفارشی چقدر است؟

Özel gönderim mektubu gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه با تحویل ویژه چقدر است؟

Koli gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک بسته چقدر است؟

Kart gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک کارت پستال چقدر است؟

Basılı malzeme gönderme posta ücreti ne kadar? هزینه پست کتاب و مطبوعات چقدر است؟

Amerika'ya gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا ایالات متحده آمریکا چقدر است؟

İran'a gönderim posta ücretini biliyor musunuz? آیا می‌دانید هزینه پست تا ایران چقدر است؟

İngiltere'ye gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا انگلستان چقدر است؟

Avrupa'ya gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا اروپا چقدر است؟

Rusya'ya gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا روسیه چقدر است؟

Asya ülkelerine gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا کشورهای آسیایی چقدر است؟

Kart ve pul nerede alabilirim?

از کجا می‌توانم تمبر و کارت پستال بگیرم؟

Lütfen bunu sigortalayın.

لطفاً این را بیمه کنید.

Bu koliyi tartar mısınız?

امکان دارد لطفاً این بسته پستی را وزن کنید؟

Bu çok mu ağır?

آیا خیلی سنگین است؟

Mektuplarımı İstanbul adresime gönderir misiniz?

ممکن است نامه‌هایم را به نشانی من در استانبول بفرستید؟

Mektuplarımı Tahran adresime gönderir misiniz?

ممکن است نامه‌هایم را به نشانی من در تهران بفرستید؟

Bunu İran'daki bu adrese gönderir misiniz? ممکن است این را به این نشانی در ایران بفرستید؟

Bu koliyi Tahran'a göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این بسته را به تهران بفرستم.

Bu koliyi hemen gönderir misiniz?

ممکن است لطفاً این بسته را در اسرع وقت بفرستید؟

Bu küçük paketi hemen gönderir misiniz?

ممکن است لطفاً این بسته را در اسرع وقت بفرستید؟

Bu mektubu hemen gönderir misiniz?

ممکن است لطفاً این نامه را در اسرع وقت بفرستید؟

Kaç gün sürer?

چند روز طول خواهد کشید؟

Zarfa ihtiyacım var.

من یک پاکت نامه لازم دارم.

Mektup kağıdına ihtiyacım var.

من یک برگ کاغذ برای نوشتن لازم دارم.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Kaleme ihtiyacım var. من یک خودکار لازم دارم.
 Pula ihtiyacım var. من یک تمبر لازم دارم.
 Telgraf göndermek istiyorum. من می‌خواهم یک تلگراف بفرستم.
 Kelime başına ücreti ne kadar? قیمت هر کلمه چقدر است؟

کلمات مفید

koli	بسته	kime/kimden	به/از
kutu	جعبه	posta kodu	کد پستی
posta kutusu	صندوق پستی	genel teslimat	دریافت نامه
mektup adresi	نشانی پستی	telgraf	تلگراف
cevap adresi	نشانی بازگشت	içerik	محتویات
taahhütlü	سفارشی	kırılabilir	شکستنی
sigortalı	بیمه شده	pul	تمبر
kart	کارت پستال	zarf	پاکت نامه
mektup	نامه		

mEk üzere – (به منظور، برای)

istanbul'a gitmek üzere uçağa bindiler. آن‌ها برای رفتن به استانبول سوار هواپیما شدند.
 Beni geçirmek üzere kapıya kadar gelir. به منظور مشایعت کردن من تا دم در می‌آید.

(y) İncEyE kadar – (تا، تا زمانی که)

İyileşinceye kadar hastahane de kalmalısın تا بهبودی یافتن باید در بیمارستان بمانید.
 Maaşım artıncaya kadar araba almayacağım تا زمانی که اضافه حقوق نگیرم ماشین نخواهم خرید.

DEn dolayı – (به علت، به خاطر)

Kazadan dolayı sigortadan para aldık به علت تصادف، از بیمه پول گرفتیم.
 Enflasyondan dolayı şirket zararda. به خاطر تورم، شرکت در حال ورشکستگی است. (ضرر و زیان)

استفاده از ip- برای جلوگیری از تکرار

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

وقتی که دو یا چند عمل توسط یک فرد پشت سر هم انجام شده باشد به فعل یا عمل اول پیوند -ip می‌افزاییم:

Borsadaki hisselerini sattı ve yazlık bir ev aldı (Borsadaki hisselerini satıp yazlık bir ev aldı)

او سهام بورس خود را فروخت و یک خانه تابستانی خرید.

Sinemaya gid-ip güzel bir film seyretsek.

پیشنهاد می‌کنم به سینما برویم و یک فیلم خوب ببینیم.

Kendin gel-ip gör-ünce anlayacaksın. وقتی خودت بیایی و ببینی خواهی فهمید.

Bu havada herhalde evde otur-up televizyon seyret-me-yeceğ-iz!

احتمالاً در این هوا نمی‌خواهیم در خانه بنشینیم و فیلم تماشا کنیم!

Ahmet mesajı bul-up da anla-ma-mış mı acaba?

(من تعجب می‌کنم) احمد پیغام را پیدا کرده و نفهمیده است؟!

Bu havada evde otur-ma-yıp yürüyüşe çık-malı-yız.

در این هوا نباید در خانه بنشینیم و باید به پیاده روی برویم.

Yemek yi-yip de geldim.

غذا را خوردم و آمدم.

Tam o saat-te Ali iş-i bırak-ıp Ahmet işbaşı yap-ıyor.

دقیقاً در آن ساعت علی کار را رها کرده، احمد شروع به انجام وظیفه می‌کند.

باهم متن زیر را به فارسی ترجمه می‌کنیم.

İstanbul 'da iken kartvisit bastırmak istedim. 'Hürriyet Matbaasından başka bir yer yok bu iş için' dediler. Matbaaya gitmek üzere yola çıktım. Adresi buluncaya kadar bir hayli dolaşım. Matbaaya hava karardıktan sonra varabildim. Ben kapıyı çalar çalmaz yaşlı bir adam pencereden baktı. 'Gelmeden önce randevu almanız lazımdı. Şimdi kapalıyız' deyip kayboldu

وقتی در استانبول بودم خواستم کارت ویزیت به رایم چاپ کنند. می‌گفتند: «جای دیگری بجز چاپخانه حریت برای این کار وجود ندارد.» برای رفتن به چاپخانه از خانه خارج شدم. برای یافتن آدرس صحیح خیلی گشتم. بعد از تاریک شدن هوا به چاپخانه رسیدم. وقتی که در زدم یک پیرمرد از پنجره نگاه کرد. «قبل از آمدن به اینجا می‌بایستی قرار ملاقات می‌گذاشتی. فعلاً بسته است»: این را گفت و ناپدید شد.

درس ۱۳

درباره کسی / چیزی پرسیدن



Biliyor musun (uz) ?
Tanıyor musun (uz)

Şurada oturan adamı tanıyor musun?

Ayşe'nin konuştuğu adamı mı? Tanıyorum. Bizim komşumuzdur.

فردی را که آنجا نشسته می‌شناسی؟

مردی که عایشه با او دارد صحبت می‌کند؟ او را می‌شناسم. همسایه ما است.

Bitince atılan çakmakları biliyor musun?

Hani şu plastik çakmaklar mı?

Ha onlar. Hava alanından bir kaç tane alıver bana.

آن فندک‌هایی را که بعد از مصرف تمام می‌شوند می‌شناسی؟

منظورت آن فندک‌های پلاستیکی است؟

آره آنها. (حتماً) یک یا دو تا از فرودگاه، برایم بخر.

Mühürdar'a giden yolu biliyor musun?

Evet?

İşte o yol üzerindeyim. Çay bahçesinin karşısında.

جاده‌ای را که به «موهوردار» می‌رود می‌شناسی؟

بله؟

الآن در همان جاده هستم. روبه روی باغ چایی (قهوه خانه باغ) .

افعال مجهول

برای ساختن فعل مجهول، بسته به اینکه ریشه فعل به حرف مصوت یا صامت ختم شده باشد. -il /-ıl /-ul /-ül یا -n استفاده می‌شود.

مختوم شدن ریشه فعل به یک حرف صامت -il /-ıl /-ul /-ül		مختوم شدن ریشه فعل به یک حرف مصوت -n	
kır-mak	شکستن	ye-mek	خوردن
kır-ıl-mak	شکسته شدن	ye-n-mek	خورده شدن
tut-mak	گرفتن	iste-mek	خواستن
tut-ul-mak	گرفته شدن	iste-n-mek	خواسته شدن

«که»: موصولی فاعلی و مفعولی

به دو مثال زیر توجه کنید:

مردی که برای شام می‌آید...

مردی که من برای شام دعوت کردم...

در مثال اول، (می‌آید) توسط مرد انجام می‌گیرد به عبارت دیگر، مرد فاعل است ولی در مثال دوم عمل (دعوت کردم) بر روی مرد توسط شخص دیگر انجام شده است. به بیانی دیگر، مرد در اینجا نقش مفعولی دارد. در زبان ترکی، حرف «که» سه شکل مختلف در حالات فاعلی، مفعولی و... به خود می‌گیرد؟ که عبارتند از:

1- (y)En (فاعلی) که

2- DİĞİ (مفعولی برای گذشته و حال) که

3- (y)EcEĞİ (مفعولی برای آینده) که

برای موصول‌های مفعولی، شخص انجام دهنده کار یا فاعل باید پیوند ملکی بگیرد. این نکته را می‌توان از مثال‌های زیر فهمید.

Gökte uçan kuşu görebilirim

پرنده‌ای که در آسمان پرواز می‌کند را می‌توانم ببینم.

Masaya oturan adamı tanırım

مردی که رو میز نشسته را می‌شناسم

kapıyı kapayan çocuk

بچه‌ای که در را می‌بندد.

çocuğun kapadığı kapı

دری که بچه می‌بندد/ بست.

çocuğun kapayacağı kapı	دری که بچه خواهد بست.
bizi gören kadın	زنی که ما را دید.
gördüğümüz kadın	زنی که او را دیدیم.
göreceğimiz kadın	زنی که او را خواهیم دید.
gideceğim yer güzeldir	جایی که می‌خواهم بروم حتماً زیبا است.
sevdiğim kız evlenmiş	دختری که دوست دارم/داختم ازدواج کرده
Ferişte geldiği gün yağmur yağdı	روزی که فرشته آمد باران بارید.
oyuncak-lar-ın-ı kır-an küçük kız	دخترکی که اسباب بازی‌هایش را می‌شکند.
her gün okul-da gör-düğ-üm kız	دختری که هر روز در مدرسه می‌بینم
anne-si-yle tanış-acağ-ım kız	دختری که می‌خواهیم با مادرش آشنا شویم.
baş-ın-da şapka ol-an kız	دختری که روی سرش کلاه دارد
ağır yaralı ol-an hastalar	بیمارانی که زخم‌های شدید دارند
çocukların evde olacağı bir gün	روزی که کودکان در خانه خواهند بود.
iç-in-de üç top bulun-an/ol-an kutu	جعبه‌ای که در آن سه توپ پیدا می‌شود/ هست
burada sat-ıl-an kitap-lar	کتاب‌هایی که در اینجا فروخته می‌شود
öğretmen ol-an Haydar	حیدر که معلم است
araba-sı çal-ın-an komşu-muz	همسایه‌ی ما که ماشینش دزدیده شد
rolü büyük olmayan oyuncu	بازیگری که نقشش بزرگ نیست
koyun-lar-ın-ı kurt kap-an köylü-ler	دهاتی‌هایی که گرگ گوسفندهایشان را درید
çatı-sın-dan birkaç küçük kiremit düş-en ev	خانه‌ای که از سقفش چند تا سفال کوچک می‌افتد
arka-sın-da adam ol-an çocuk	کودکی که در پشتش یک مرد هست
komşu-muz-un çal-ın-an araba-sı	ماشین همسایه‌مان که دزدیده شد
kitap imzala-n-an yer	جایی که کتاب در آنجا امضا می‌شود
içki iç-il-ebil-ecek ol-an lokantalar	رستوران‌هایی که بشود در آن‌ها مشروب خورد
Fatma'nın yarın gör-eceğ-i film	فیلمی که فردا فاطمه خواهد دید
bil-diğ-im bir turizm şirketi	یک شرکت توریستی که من می‌دانم
gönderecekleri temsilci	نماینده‌ای که آن‌ها خواهند فرستاد
benim korktuğum bazı hayvanlar	بعضی از حیوانات که من از آن‌ها می‌ترسم/می‌ترسیدم
Turhan-ın et-i kes-eceğ-i bıçak	چاقویی که «تورهان» گوشت را با آن خواهد برید
Ali-nin kendi-si-yle konuş-abil-eceğ-i birisi	کسی که علی بتواند با او صحبت کند
bizim kendilerinden nefret ettiğimiz kişiler	کسانی که ما از آن‌ها نفرت داریم/داشتیم

usta-nın kapı-sın-ı deđiřtir-eceđ-i amařır makinası

ماشین لباسشویی که استاد کار در آن را تعویض خواهد کرد

kız-ın-a piyano ders-i ver-diđ-im hanım

خانمی که به دخترش درس پیانو می‌دهم/ می‌دادم

ön-ün-den köprü-nün ge-tiđ-i ev-ler

خانه‌هایی که از جلوی آن‌ها پل می‌گذرد

ön-ün-den köprü ge-en ev-ler

خانه‌هایی که از جلوی آن‌ها پل می‌گذرد

arkasında Semra-nın oturduđu ocuk

کودکی که در پشتش «سمرا» نشسته است/ بود

iine birkaç iek konmuř olan bir vazo

گلدانی که در آن چند تا گل گذاشته شده است/ بود

iine birkaç ieđin konmuř olduđu bir vazo

گلدانی که در آن چند تا گل گذاشته شده است/ بود

iine Zeynep'in bahesinden toplanmıř birkaç ieđin konmuř olduđu bir vazo

گلدانی که درون آن از گل‌هایی که از باغ زینب یده شده بود، گذاشته شده است

araba-nın kır-dıđ-ın sol ayna-sı

ماشینی که آینه یش را تو شکستی

ev sahib-in-in kork-tuđ-um köpeđ-i

سگ صاحب خانه‌ای که من از آن می‌ترسم

ayla yiyecek bir řeyler

چیزهایی که به همراه ای خورده می‌شوند

seni anlayacak yařta deđil

در سنی نیست که (بخواهد) تو را بفهمد

Hasan'a ynelt-ecek soru

سؤالی که به حسن سوق داده خواهد شد

Hasan'a ynelt-il-ecek soru

سؤالی که می‌شود به حسن سوق داد

İstanbul-da otur-duđ-u san-ıl-an kız

دختری که تصور می‌شود/ می‌شد در استانبول می‌نشیند

herkesin bilmesi gereken bir konu

موضوعی که لازم است هرکس بداند

gelmeleri beklenen misafirler

مهمانانی که انتظار آمدنشان کشیده می‌شد

ben-im İstanbul-da otur-duđ-un-u san-dıđ-ım kız

دختری که من تصور می‌کنم/ می‌کردم در استانبول زندگی می‌کند/ می‌کرد

Ali-nin evlen-eceđ-in-i san-dıđ-ı kız

۱-دختری که تصور می‌کند/ می‌کرد علی می‌خواهد ازدواج کند ۲-دختری که علی تصور می‌کرد/ می‌کند ازدواج خواهد کرد

Ali-nin evleneceđin-i dřündüğüm kız

دختری که من فکر می‌کردم علی با او ازدواج خواهد کرد

al-ma-nız-ı tavsiye et-tiđ-im ilaç

دارویی که من توصیه کردم بگیری

sev-diđ-im ağa-lar

درختانی که دوست دارم

Halil'in evleneceđi Ayře, iřte bu Ayře.

این همان عایشه است که خلیل می‌خواهد با او ازدواج کند.

Bugün yurda dönen Cumhurbaşkanı, saat 16'da bir basın toplantısı düzenleyecek.

کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور که امروز دارد به کشور بر می‌گردد، در ساعت ۱۶ تشکیل خواهد شد.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

opera-yı sev-me-yen-ler-e şaşıyorum. من تعجب می‌کنم از کسانی که اپرا را دوست ندارند.
 Biz-im dik-ecek-ler-imiz-de hata var. در چیزهایی که ما می‌خواهیم بدوزیم خطا وجود دارد.
 biz-im dik-eceğ-imiz elbise-ler-de... در لباس‌هایی که ما خواهیم دوخت...
 Öğleden sonra ara-yan ol-ma-dı. بعد از ظهر تماسی گرفته نشد.
 Bu konuda bil-diğ-im yok. در رابطه با این موضوع اطلاعی ندارم.
 dün başla-yan fırtına طوفانی که دیروز شروع شد
 iki yıldır süren kuraklık خشکسالی که دو سال به طول می‌انجامد.
 şu anda çalan parça قطعه موسیقی که اکنون در حال نواخته شدن است
 geçen hafta bitir-diğ-im roman رمانی که هفته پیش تمام کردم
 şu sırada okuduğum roman رمانی که در این لحظه دارم می‌خوانم
 Sonunda git-tiğ-in okul nasıl olsa bir spor akademi-si ol-acak. سرانجام مدرسه‌ای به آن رفتی هر طور هم که باشد در آن آکادمی ورزش وجود خواهد داشت.
 yarın oku-yacağ-ım makale مقاله‌ای که فردا می‌خواهم بخوانم
 Dün oku-yacağ-ım makale-yi ancak bugün oku-yabil-di-m. مقاله‌ای که قرار بود دیروز بخوانم در نهایت امروز توانستم بخوانم.
 Geçen hafta göreceğim film Mavi Kadife'ydi. فیلمی که هفته پیش می‌خواستم ببینم مخمل آبی بود.
 Oku-duğ-u kitabı kaybetti. او کتابی که می‌خواند/ خوانده بود را گم کرد.
 Oku-muş ol-duğ-u kitabı kaybetti. او کتابی که خوانده بود را گم کرد.
 yarın bitireceğim kitap کتابی که فردا می‌خواهم تمامش کنم
 yarın bitirmiş olacağım kitap کتابی که فردا تمام خواهم کرد
 kızı dün gelen kadın/kızı dün gelmiş olan kadın زنی که دیروز دخترش آمد
 Sizin dün gördüğünüz/görmüş olduğunuz filmi ben yarın göreceğim. فیلمی که شما دیروز دیدید من فردا می‌خواهم ببینم.
 Yarın çık-acak ol-an gazete-de önemli bir yazı bulun-acak. در روزنامه که فردا بیرون خواهد آمد نوشته مهمی وجود خواهد داشت.
 Dün gösterilecek olan filmde sakıncalı sahneler bulunmuş. در فیلمی که بنا بود دیروز نشان داده شود صحنه‌های مورد دار پیدا شده است.
 arkadaş-lar-ın al-acak-ları televizyon تلویزیونی که دوستان می‌خواهند/ می‌خواستند بخرند
 arkadaş-lar-ın al-acak ol-duk-ları televizyon تلویزیونی که دوستان می‌خواهند/ می‌خواستند بخرند

Oku-makta ol-duğ-u kitabı kaybetti. کتابی که در حال خواندنش بود را گم کرد.
 şu anda Ali-ye mektup yaz-makta ol-an kız دختری که اکنون دارد به علی نامه می نویسد
 şu anda Ali-ye mektup yaz-an kız دختری که اکنون دارد به علی نامه می نویسد
 o sırada seyret-mekte ol-duğ-um videolar ویدئوهایی که من در آن لحظه تماشا می کردم
 o sırada seyret-tiğ-im videolar ویدئوهایی که من در آن لحظه تماشا می کردم
 Ali geldiği sırada seyrediyor olacağım film eskilerden biri olacak(tı). فیلمی که می خواهم وقتی علی آمد تماشا کنم یکی از فیلم های قدیمی خواهد بود.

Yakında her gün görüyor olacağım terapist acaba bana dayanabilecek mi? درمانگری که به زودی هر روز می خواهم او را ببینم آیا می تواند مرا تحمل کند

Artık sık sık görüşür olduğumuz komşularımızı başta hiç sevmemiştik. همسایه های ما که حالا دیگر تند تند ملاقاتشان می کنیم اول اصلاً دوستشان نداشتیم.

Zeynep yakında giy-e-mez ol-acağ-ı giysilerini bu günlerde özellikle giymek istiyor. زینب لباس هایی که به این زودی ها نمی توانست آن ها را بپوشد مخصوصاً در این روزها می خواهد بپوشد.

kömür-de piş-miş patlıcan بادمجان های پخته شده در ذغال
 iki kilometre yüz-ecek birisi کس که می تواند دو کیلومتر شنا کند
 iki kilometre yüz(ebil)ecek olan birisi کس که می تواند دو کیلومتر شنا کند
 kapağ-ı boyalı (olan) bir kutu قوطی که درش رنگ شده است
 önü bahçeli (olan) ev خانه ای که در جلوش باغ دارد
 Notu düşük (olan) bir öğrenci bu sınavı alamaz. دانش آموزی که نمره ی پایینی دارد نمی تواند این امتحان را اخذ کند.

Yemeğ-in-i ye-miş bebek ağlamaz. نوزادی که غذایش را خورده گریه نمی کند.
 Sınava girecek öğrenciler burada. دانش آموزانی که می خواهند وارد امتحان شوند اینجا هستند.
 Yemeğini yemiş olan bebek ağlamaz. نوزادی که غذایش را خورده گریه نمی کند.
 Yemeğini yemiş olan bebek hemen uykuya daldı. نوزادی که غذایش را خورده بود سریع به خواب فرو رفت.

عباراتی که برای «و غیره» به کار می روند

Falan Filan Vesaire Havlu mavlu
--

Hatice Hanım'ın kızına düğün hediyesi ne alacağız?

Gümüş tabak veya tepsî falan alsak?

Yoo, gümüşü mümüşü çok var.

Porselen çay takımı alalım. Pasta servisi, çatal bıçağı, vesaire.

Olmaz. Çay takımı da çok var.

Tencere, tava cinsinden bir şey?

Mutfağında tencere tava dağ gibi.

Havlu takımı? Masa örtüsü? Peçete filan?

Havlu mavlu, onların hepsini Bursa'dan getirdiler.

Bir mendil?

Fesüphanallah! O kadar zengin kız. Bir mendili ne yapsın?

Bu yaşta herşeye sahip olduğu için otursun ağlasın.

برای دختر خدیجه خانم هدیه عروسی چه بخریم؟

نظرت چیه اگر بشقاب نقره‌ای و یا سینی و این جور چیزها بخریم؟

نه، نقره و مقره (سینی و مینی) زیاد دارد.

بیا یک دست چای خوری چینی بخریم. سرویس کیک خوری، قاشق چنگال و غیره...

نمی‌شود. سرویس چای خوری نیز زیاد دارد.

چیزهای مثل قابلمه، تابه چطور؟

در آشپزخانه‌اش قابلمه و تابه تل انبار (مثل کوه) است.

سرویس حوله چطور؟ رومیزی؟ دستمال سفره و مانند آن؟

حوله موله، آن‌ها همه آن‌ها را از «بورسا» (اسم شهری در ترکیه) تهیه کردند.

دستمال چی؟

سبحان الله! یک چنین دختر ثروتمندی به یک دستمال چه نیازی دارد؟

(برای اینکه) او باید بنشیند و به خاطر اینکه در این سن کم صاحب همه چیز است، گریه کند.

در زبان ترکی استانبولی مانند زبان فارسی برای «و غیره»، غالباً کلمات را دو بار تکرار می‌کنند بدین ترتیب که عیناً

مانند فارسی اولین حرفی کلمه دوم را به M (م) تبدیل می‌کنند که این کلمه دوم در حقیقت به معنی «و غیره، الی

آخر،...» است.

kitap mitap

کتاب متاب (غیره)

uzun muzun

دراز مراز (غیره)

geldi meldi

آمد مامد (غیره)

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

لازم به تذکر است که قاعده فوق برای کلماتی که اولین حرف آن‌ها M (م) است صدق نمی‌کند در این مورد باید filan, falan (و گاهی با هم falan filan یا اصطلاحاً فلان بهمان) و یا vesaire (و سایر) را به کار برد که این واژه‌ها را می‌توان بجای هم استفاده کرد.

mektup falan

کتاب و فلان

mürekkep filan

مرکب و فلان

mutfak vesaire

آشپزخانه و غیره (و سایر)

شکل و مواد

kağıt	کاغذ	daire	دایره
yün	پشم	yuvarlak	گرد
muşamba	شمع	küp	مکعب
metal	فلز	dikdörtgen	مربع مستطیل
tahta	تخته	üçgen	مثلث
cam	شیشه	kare	چهار گوش، مربع
hasır	حصیر	silindir	استوانه
kumaş	پارچه	piramit	هرم
deri	چرم	plastik	پلاستیک

قرض گرفتن، قرض دادن، قول دادن

Ödünç/borç alabilir mi (yim) / verir mi (sin) ?

söz (vermek)
vallaha (billaha)
yemin etmek

Ahmet, çim biçme makınanı bir kaç gün için verir misin?

Ama işin bitince getireceksin.

Yemin ederim ki getiririm.

احمد، ماشین چمن زنیات را برای چند روز به من قرض می‌دهی؟

ولی وقتی که کارت تمام شد آن را برمی گردانی.

قسم می‌خورم که بر می‌گردانم.

Bisiklet pompanı alabilir miyim?

Al ama ödünç ha.

Tamam canım. Yarına kadar. Söz. Vallaha.

می‌توانم تلمبه دوچرخه‌ات را قرض بگیرم؟

می‌توانی. ولی فقط برای قرض‌ها.

بسیار خوب. تا فردا. قول می‌دهم. قسم می‌خورم.

Suzan. çok affedersin ama bana eldivenlerini verebilir misin?

Aman lafi mı olur? Gayet tabii.

سوزان، بسیار متأسفم اما می‌توانی دستکش‌هایت را به من قرض بدهی؟

این حرف‌ها چیه قابل ندارد. صد البته.

Ali, hiç param kalmadı. 10,000 lira borç verebilir misin?

Kusura bakma. Bende de hiç yok.

علی، هیچی پول به رایم نمانده. می‌توانی ۱۰۰۰۰ لیر به من قرض بدهی؟

متأسفم. من هم هیچی ندارم.

Borç almak/vermek

قرض کردن / دادن فقط در مورد پول بکار می‌رود.

اشیاء مفقوده

I kaybettim/bulamıyorum ...

نمونه یک آگهی روزنامه مبنی بر مفقود شدن اسناد و مدارک:

Nüfus cüzdanımı, üniversite kimlik kartımı, araba ehliyetimi kaybettim.

Hükümsüzdür, Hayri Aslan.

شناسنامه‌ام، کارت شناسایی دانشگاهم، گواهینامه رانندگی‌ام را گم کردم.

آنها دیگر معتبر نیستند، «هایری اصلان».

Otelin lobisinde çantamı kaybettim. Birisi alıp gitti herrhalde. Size kimse çanta getirdi mi?

Getirmedi ama araştırılım efendim. Tarif eder misiniz nasıl bir çanta idi?

Siyah, küçük, dikdörtgen bir çanta. Metalden fermuru var.

İçinde ne var?

Her şey. Para cüzdanım, tarak ve fırçam, bir ufak ayna, bir dolma-kalem, bir kutu, bir çift küpe, çakmağım, bir anahtarlık, adres defteri, iki-üç jeton, iki çengelli-iğne,

Aferin! Hepsini birer birer nasıl hatırladınız?

Çantamı hiç boşaltmam, açtıkça görüyorum tabii.

در راهرو هتل کیفم را گم کردم. کسی احتمالاً آن را برداشته برده است. کسی کیف برای شما نیاورده است؟

نه نیاورد. اما بگذارید تحقیقی بکنم، خانم. می‌توانید بگویید چطور کیفی بود؟

یک کیف سیاه، کوچک و مستطیلی بود. یک زیپ فلزی دارد.

در داخل آن چیست؟

همه چیز. کیف پولم، شانه و برسم، یک آینه کوچک، یک خودنویس، یک قوطی، یک جفت گوشواره فندکم، یک جاکلیدی، دفتر آدرس، دو سه تا ژتون تلفن، دو تا سنجاق قفلی.
آفرین! همه را یکی یکی چطور در خاطر دارید؟
هرگز کیفم را خالی نمی‌کنم؛ و البته با هر بار آن را باز می‌کنم همه چیز را می‌بینم.

خبر کردن پلیس

Yardım!	کمک!
Bana yardım edin!	به من کمک کنید!
Acil bir durum!	فوری است!
Lütfen hemen polisi arayın.	لطفاً فوراً با پلیس تماس بگیرید.
Bir kaza bildirmek istiyorum.	من می‌خواهم یک حادثه را گزارش دهم.
Bir saldırı bildirmek istiyorum.	من می‌خواهم یک حمله را گزارش دهم.
Gasp olayı bildirmek istiyorum.	من می‌خواهم یک ضرب و شتم را گزارش دهم.
Tecavüz bildirmek istiyorum.	من می‌خواهم یک تجاوز به عنف را گزارش دهم.
Saldırıya uğradım.	من مورد حمله قرار گرفتم.
Soyuldum.	من مورد سرقت قرار گرفتم. (لختم کردند).
Tecavüze uğradım.	من مورد تجاوز قرار گرفتم.
Lütfen hırsızlık raporunu doldurun.	لطفاً یک گزارش سرقت پر کنید.
Lütfen soygun raporunu doldurun.	لطفاً یک گزارش راه زنی پر کنید.
En yakın polis merkezi nerede?	نزدیک‌ترین مرکز پلیس کجاست؟
Pasaportumu kaybettim.	من گذرنامه‌ام را گم کرده‌ام.
Biletimi kaybettim.	من بلیطم را گم کرده‌ام.
Valizimi kaybettim.	من وسایلم را گم کرده‌ام.
Çantamı kaybettim.	من کیفم را گم کرده‌ام.
Cüzdanımı kaybettim.	من کیف پولم را گم کرده‌ام.
Pasaportumu hiçbir yerde bulamıyorum.	نمی‌توانم گذرنامه‌ام را پیدا کنم.
Biletimi hiçbir yerde bulamıyorum.	نمی‌توانم بلیطم را پیدا کنم.
Valizimi hiçbir yerde bulamıyorum.	نمی‌توانم وسایلم را پیدا کنم.
Çantamı hiçbir yerde bulamıyorum.	نمی‌توانم کیفم را پیدا کنم.

Cüzdanımı hiçbir yerde bulamıyorum.	نمی توانم کیف پولم را پیدا کنم.
Yeniden çıkartabilir miyim?	آیا می توانم درخواست صدور مجدد کنم؟
Pasaportum çalındı.	گذرنامه من به سرقت رفته است.
Biletim çalındı.	بلیط من به سرقت رفته است.
Valizim çalındı.	وسایل من به سرقت رفته است.
Çantam çalındı.	کیف من به سرقت رفته است.
Cüzdanım çalındı.	کیف پول من به سرقت رفته است.
Kameram çalındı.	دوربین من به سرقت رفته است.
Saatim çalındı.	ساعت مچی من به سرقت رفته است.
Metroda pasaportum çalındı.	گذرنامه ام را در مترو از من دزدیدند.
Evraklarım elimden alındı.	مدارکم را به زور از من سرقت کردند.
Kredi Kartlarım elimden alındı.	کارت های اعتباری ام را به زور از من سرقت کردند.
Kimi bilgilendirmeliyim?	باید به چه کسی اطلاع دهم؟
Kayıp eşya bürosu nerede?	دفتر اشیاء پیدا شده کجاست؟
Elçiliği aramam lazım.	من باید با سفارتخانه تماس بگیرم.
Avukatımı aramam lazım.	من باید با وکیل تماس بگیرم.
Arkadaşlarımı aramam lazım.	من باید با دوستانم تماس بگیرم.
Akrabalarımı aramam lazım.	من باید با خویشاوندانم تماس بگیرم.
İngilizce konuşan bir avukata ihtiyacım var.	من به یک وکیل انگلیسی زبان نیاز دارم.
Hiçbir şey görmedim.	من چیزی ندیدم.
Bunu kimin yaptığını bilmiyorum.	نمی دانم چه کسی این کار را انجام داد.

ممکن است بشنوید

İyi misiniz?	حالتان خوب است؟
Ne oldu?	چه اتفاقی افتاد؟
Bir sorun mu var?	اتفاقی افتاده است؟
Polisi aradınız mı?	آیا با پلیس تماس گرفته اید؟
Polisi kim aradı?	چه کسی با پلیس تماس گرفت؟
Nerede oldu?	کجا اتفاق افتاد؟
Ne zaman oldu?	چه موقع اتفاق افتاد؟
Nasıl oldu?	چطور اتفاق افتاد؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Yaralı var mı?	کسی صدمه دیده است؟
Kayıp mı?	چه چیزی مفقود شده است؟
Sinirli olduğunuzu biliyorum.	می دانم که ناراحت هستید.
Aşırı hız yüzünden durdurdum sizi.	من شما را به خاطر سرعت زیاد متوقف کردم.
Pasaportunuzu görebilir miyim lütfen?	ممکن است گذرنامه شما را ببینم؟
Kimliğinizi görebilir miyim lütfen?	ممکن است کارت شناسایی شما را ببینم؟
Ehliyetinizi görebilir miyim lütfen?	ممکن است گواهینامه رانندگی شما را ببینم؟
Sigortanızı görebilir miyim lütfen?	ممکن است کارت بیمه شما را ببینم؟
Ruhsatınızı görebilir miyim lütfen?	ممکن است کارت ماشین شما را ببینم؟
Adresiniz ne?	نشانی شما چیست؟
Telefon numaranız ne?	شماره تلفن شما چند است؟
Dilinizi bilmiyorum.	زبان شما را نمی دانم.
Resmi rapor tutturmanız gerekiyor.	باید یک گزارش رسمی تهیه کنید.
Kayıp eşya bürosuna baktınız mı?	آیا به دفتر اشیاء پیدا شده مراجعه کرده اید؟
Tanığınız var mı?	آیا شاهدی دارید؟
Ceza ödemeniz gerekiyor.	شما باید جریمه بپردازید.

Dikça - (هر بار، هر زمان، بیشتر)

Bebek ağladıkça ben telaşlandım.	هرچه بیشتر بچه گریه کرد بیشتر نگران شدم.
Ankara'ya gittikçe halamı ziyaret ederim.	در هر بار رفتن به آنکارا، عمه ام را ملاقات می کنم.
Bize her geldikçe çiçek getiriyor	هر بار که به منزل ما می آید گل می آورد.
İstedikçe yazarım	هر چقدر بخواهم می نویسم.
Biz konuştukça olmaz	ما هر چقدر صحبت کنیم نمی شود.
O güldükçe ben de güldüm	هر چه او بیشتر خندید من هم بیشتر خندیدم.
Sen o mektubu yazmağı geçiktirdikçe başlaması güç olur	تو هر چه بیشتر در نوشتن آن نامه تأخیر کنی آغاز کردنش سخت خواهد شد.
Devlet yardım etmedikçe fert ne yapabilir?	تا زمانی که دولت کمک نکند فرد چه کار می تواند بکند.
Çikolata yedikçe kilo alırsın.	هر چقدر بیشتر شکلات بخوری (به همان مقدار) وزنت بالا می رود.

-diğince

Herkes, elden geldiğince fakirlere yardım etmeli.

هرکس باید هر قدری که از دستش می‌آید به فقیرها کمک کند.

Uzağı görmediğimizce, manzara hakkında bir fikrimiz yok.

از آن جایی که ما نتوانستیم دور دست را ببینیم، در مورد منظره فکری نداریم.

-dikte

Her mektup aldıkta yüzü güler.

او هر وقت نامه می‌گیرد صورتش خندان می‌شود.

Her geldikte kavga eder.

او هر وقت می‌آید دعوا می‌کند.

(§) Er ... - (§) Er (پیوند توالی)

birer birer

üçer üçer یک به یک

سه تا سه تا

ikişer ikişer

dörder dörder دو به دو

چهارتا چهارتا

birisi و kimse (کسی)

این دو واژه هم معنی هستند، اما اولی در جملات منفی و سؤالی و دومی در جملات مثبت بکار می‌روند.

مثبت Birisi var.

کسی هست

منفی Kimse yok.

کسی نیست

سؤالی Kimse var mı?

آیا کسی هست؟

(و) ve

Odaya girdi ve bir sandalyeye oturdu.

وارد اتاق شد و بر روی یک صندلی نشست.

همین جمله به شکل‌های زیر نیز می‌تواند نوشته شود:

Odaya girip bir sandalyeye oturdu.

یا

Odaya girdi, bir sandalyeye oturdu.

ben ve sen

من و تو

این جمله نیز به شکل زیر می‌تواند نوشته شود:

benimle sen

sen, ben ve kardeşin

تو، من و برادرت

sen, ben, kardeşin de

sen, ben, kardeşin

شکل فارسی این حرف نیز در زبان ترکی وجود دارد:

abuhava

آب و هوا

hercümerc

هرج و مرج

kaza vü kader

قضا و قدر

yarü ağyar

یار و دشمن

مثال‌های تکمیلی:

siyah beyaz bir film

یک فیلم سیاه (و) سفید

Öğleyin ekmek peynir yedim.

نهار نان (و) پنیر خوردم

Gece gündüz çalışıyoruz.

شب و روز کار می‌کنیم.

güzel, büyük, deniz manzaralı bir oda

اتاقی زیبا، بزرگ و با منظره‌ای رو به دریا

Zeynep pabuçlarını, paltosunu giydi, eline şemsiyesini aldı, işe gitti.

زینب کفش‌ها و پالتویش را پوشید، چتر در دست گرفت و به سر کار رفت.

Arapça ve Farsça

عربی و فارسی

Ahmet'in bu kitabı okuması-yla okumaması arasında bir fark olacağını

sanmıyorum.

تصور نمی‌کنم فرقی بکند بین این که احمد این کتاب را بخواند یا نخواند

با هم متن زیر را به فارسی برمی‌گردانیم.

Hasan'ın aldığı yeni araba çok güzel. 1991 Model. Dört kapılı. Rengi yeşil. Koltukları sarı deriden, geniş ve rahat. Benzin biterken, önde bir ışık yanıp sönüyor. Arkada oturan çocuklar için bile emniyet kemerleri var. Anne, baba öndeki kapılan kilitlerse arkadaki kapılar açılmıyor. İdeal aile arabası.

ماشین جدیدی که حسن خریده خیلی قشنگ است. مدل ۱۹۹۱ است. چهار در است. سبز است. صندلی‌هایش بزرگ و راحتند و روکش آن چرم زرد رنگ است. با تمام شدن بنزین در جلو یک چراغ روشن می‌شود. حتی برای بچه‌هایی که

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

در پشت می‌نشینند کمر بندهای ایمنی دارد. اگر والدین درهای جلو را قفل کنند، درهای عقب هم باز نمی‌شوند. آن یک ماشین ایده آل برای خانواده است.

درس ۱۴

نقل قول (۱)



... diyor/dedi
 diye ısrar etti/diye ısrar ediyor
 diye ekledi/diye ekliyor
 ... imiş/-miş

Yarın hava Ege ve Akdeniz bölgelerinde açık ve güneşli. Orta ve Doğu Anadolu'da bulutlu, Karadeniz bölgesinde sağanak yağışlı olacak. Marmara bölgesindeki sis sabaha doğru kuzeybatıdan gelen rüzgarla dağılacak. Bütün bölgelerde ısı derecesi oniki ile onsekiz arasında değişecek

فردا در مناطق اژه و دریای مدیترانه هوا صاف و آفتابی، در آناتولی مرکزی و شرقی ابری و در منطقه دریای سیاه همراه با رگبارهای پراکنده است. صبح هنگام، مه در منطقه مرمره به خاطر بادی که از شمال شرقی می آید (می وزد) کنار می رود. گرما در تمام مناطق بین دوازده و هجده درجه متغیر است.

Radyo ne diyor?

Yarın yağmur yağacak' diyor.

Yağmur mu yağacak? Hani güneşli olacaktı?

Güneş Akdenizde olacak' diyor.

Burada hava soğuk mu olacakmış?

Ne soluk ne sıcak. Bütün bölgelerde ısı en az 12 en fazla derece olacakmış, ılık yani.

رادیو چه می گوید؟

می گوید: «فردا باران خواهد بارید» .

باران می خواهد ببارد؟ چی شد قرار بود آفتابی باشد؟

می گوید: «آفتاب در مدیترانه خواهد بود» .

آیا در اینجا هوا سرد خواهد بود؟

نه سرد، نه گرم. در تمام مناطق حداقل گرما ۱۲ و حداکثر ۱۸ درجه خواهد بود. یعنی معتدل.

نقل قول:

گفته اشخاص را می توان یا مستقیماً و بدون تغییر ذکر کرد و یا در آن تغییراتی ایجاد کرد که در مورد اخیر معمولاً پیوند imiş را به پیوند زمان اضافه می کنند.

Haritayı takip ediyoruz.

نقشه را دنبال می کنیم.

1 'Haritayı takip ediyoruz' diyor

۱- «نقشه را دنبال می کنیم» ، او می گوید.

2 Haritayı takip ediyormuşuz.

۲- او می گوید (به نظر می رسد) که نقشه را دنبال می کنیم.

Kar yağmadan gideceğim.

قبل از بارش برف خواهیم رفت

1 'Kar yağmadan gideceğim' dedi.

۱- «قبل از باریدن برف خواهیم رفت» ، او گفت.

2 Kar yağmadan gidecekmiş.

۲- می گویند (به نظر می رسد) او می خواهد قبل از باریدن برف برود.

Hergün dışarıya gideriz.

هر روز بیرون می رویم.

1 'Hergün dışarıya gideriz' der.

۱- می گوید: «ما هر روز بیرون می رویم».

2 Hergün dışarıya giderlermiş.

۲- او می گوید که آن ها هر روز بیرون می روند.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

تنها استثنایی که وجود دارد مربوط به گزارش کردن وقایع گذشته ساده است که در آن صورت پیوند زمانی Dİ - حذف و بجای آن mİş - گذاشته می شود.

Atlı arabada gittik. با درشکه رفتیم.

1 'Altı arabada gittik' dedi. «با درشکه رفتیم» ، او گفت.

2 Atlı arabada gitmişler می گویند (به نظر می رسد) که آن ها با درشکه رفتند. (رفته اند).

اگر نقل قول ما در حالت سؤالی باشد، ساخت دوم فوق به کار نمی رود، بلکه از ساخت دیگری مشابه با ساخت اول استفاده می شود.

Kışlıkları sandığa kaldıralım mı?

آیا لباس های زمستانی را در جامه دان صندوق (نگه داریم؟)

'Kışlıkları sandığa kaldıralım mı?' diye sordu.

«آیا لباس های زمستانی را در جامه دان (صندوق) نگه داریم؟» او پرسید.

در درس ۱۵ یکی از روش های پیشرفته تر در نقل قول جملات پرسشی ذکر شده است.

Saçı sakalı ağaran ilk insanın kim olduğunu söyle, dediler.

و گفتند: بگو اول کسی کبود از آدمیان که موی سر و ریش او سپید گشت؟

تأیید یک عمل

Nasıl (olmuş) / (buldun) ?

İyi! Güzel/ Doğru/ Yakışmış ... mı?

Ne diyorsun?

Doğru/iyi/ Güzel ... yapmış mıyım?

Büyük Ada'da ev kiraladım. İyi yapmış mıyım?

Çok iyi yapmışsın. Çok sevindim.

در «بیوک آدا» خانه ایی اجاره کردم. آیا کار درستی انجام دادم؟

کار خیلی خوبی کرده ای. خیلی خوشحال شدم.

Bu sene tarlaya bakla ekeceğim, Ne diyorsun?

Vallaha çok akıllı bir iş olur.

امسال در مزرعه می خواهم باقلا بکارم. چه می گویی (نظرت چیست) ؟

والله کار عاقلانه ای است.

Gül, karanfil ve laleden bir buket yaptırdım. Doğru yapmış mıyım?

Bukette toplam kaç çiçek var?

Yirmi.

Aa, çift sayılı çiçek göndermek ayıptır. Tek sayılı göndermeli idin. Ya ondokuz ya da yirmibir.

دادم یک دسته گل حاوی رز، میخک، و لاله درست کردند. آیا کار درستی کردم؟
روی هم رفته چند تا گل در دسته هست؟
بیست تا.

آه، فرستادن گل در تعداد زوج صحیح نیست (عیب است). شما می‌بایست آن‌ها را در تعداد فرد می‌فرستادید. یا نوزده و یا بیست و یک.

Çadırı gölün kenarına kurdum. Nasıl olmuş?

Bravo. En ideal yeri bulmuşsun.

چادر را کنار دریاچه برپا کردم. چطور شده؟
احسنت. بهترین جا را پیدا کرده‌ای.

لغات مربوط به محیط

ada	جزیره	kaya	صخره
ağaç	درخت	kıyı	ساحل
bitki	گیاه	köprü	پل
bulut	ابر	körfez	خلیج
çalılık	بوته	köy	دهکده
dağ	کوه	taş	سنگ
çayır	علف زار	kum	شن
çiçek	گل	nehir	نهر
çim	چمن	ova	دشت
deniz	دریا	tarla	مزرعه
gök	آسمان	tepe	تپه
gezegen	سیاره	uzay	فضا
göl	دریاچه	vadi	دره
arı	زنبر	kedi	گربه
aslan	شیر	köpek	سگ
at	اسب	koyun	گوسفند

balık	ماهی	kurbağa	قورباغه
domuz	خوک	kuş	پرنده
eşek	خر	maymun	میمون
fil	فیل	örümcek	عنکبوت
inek	گاو	sinek	مگس
kaplumbağa	لاک پشت	tavuk	مرغ
ay	ماه	güneş	خورشید
dünya	دنیا	yıldız	ستاره

آب و هوا (Hava durumu)

Bugün hava nasıl?	امروز هوا چطور است؟
Bugün hava iyi.	امروز هوا خوب است.
Bugün hava kötü.	امروز هوا بد است.
Bugün hava sıcak.	امروز هوا گرم است.
Bugün hava çok sıcak.	امروز هوا خیلی گرم است.
Bugün hava ılık.	امروز هوا معتدل است.
Bugün hava soğuk.	امروز هوا سرد است.
Bugün hava çok soğuk.	امروز هوا خیلی سرد است.
Bugün hava serin.	امروز هوا خنک است.
Güzel bir gün.	روز خوبی است.
Kötü bir gün.	روز مزخرفی است.
Hava sıcak.	هوا گرم است.
Hava soğuk.	هوا سرد است.
Hava rüzgarlı.	الان دارد باد می‌وزد.
Hava nemli.	هوا گرم و شرجی است.
Hava güneşli.	هوا آفتابی است.
Hava bulutlu.	هوا ابری است.
Sıcak	هوا مثل آتش است.
Bugün hava fırın gibi.	امروز مثل یک کوره است.
Sis başlıyor.	هوا دارد مه آلود می‌شود.

Gökyüzü açılıyor.	آسمان دارد صاف می‌شود.
Gökyüzü bulutlanıyor.	آسمان دارد با ابر پوشیده می‌شود.
Güneş açıyor.	خورشید دارد بیرون می‌آید.
Güneş doğuyor.	خورشید دارد طلوع می‌کند.
Güneş battı.	خورشید غروب کرد.
Bulutlar dağılıyor.	ابرها دارند تکه تکه می‌شوند.
Yağmur yağıyor.	باران می‌آید.
Kar yağıyor.	برف می‌آید.
Yarın güneşli bir gün olacak.	فردا آفتابی خواهد شد.
Yarın yağmurlu bir gün olacak.	فردا بارانی خواهد شد.
Yarın rüzgarlı bir gün olacak.	فردا باد تندی خواهد وزید.
Yarın bulutlu bir gün olacak.	فردا ابری خواهد شد.
Fırtına mı çıkacak acaba?	نمی‌دانم طوفانی خواهد شد یا نه.

کلمات مفید

kar	برف	buz fırtınası	کولاک
yağmur	باران	tipi	کولاک شدید
güneş	خورشید	sağanak	طوفان رعد و برق
sis	مه	fırtına	طوفان
rüzgâr	باد	kasırga	تندباد
felaket	فاجعه	deprem	زمین لرزه
hortum	گردباد	şiddetli hava koşulları	هوای خراب
sel	سیل/طغیان	ısı	گرما
heyelan	بهمن	yoğun yağış	باران شدید
orman yangını	آتش جنگل	yoğun sis	نم نم باران
toprak kayması	گلرود	çiğdem	شبنم

ورزش / اوقات فراغت (spor/boş vakit)

اردو زدن (kamp yapmak)

Buraya yakın kamp bölgesi var mı?

آیا این اطراف اردوگاه هست؟

- Burada kamp yapabilir miyiz? امکان دارد اینجا اردو بزنیم.
- Geceyi burada geçirebilir miyiz? امکان دارد شب را اینجا بمانیم؟
- Çadır için yeriniz var mı? آیا برای یک چادر جا دارید؟
- Karavan için yeriniz var mı? آیا برای یک کاروان جا دارید؟
- Günlük ücretiniz ne kadar? هزینه روزانه چقدر است؟
- Haftalık ücretiniz ne kadar? هزینه هفته‌ای چقدر است؟
- Çadır için ücretiniz ne kadar? هزینه یک چادر چقدر است؟
- Karavan için ücretiniz ne kadar? هزینه یک کاروان چقدر است؟
- Kamp alanında yemek pişirme tesisleri var mı? آیا در این ادوگاه امکانات آشپزی هست؟
- Kamp alanında elektrik prizi var mı? آیا در این ادوگاه پریز برق هست؟
- Kamp alanında çöp bidonu var mı? آیا در این ادوگاه سطل زباله هست؟
- Kamp alanında çamaşırhane var mı? آیا در این ادوگاه امکانات لباسشویی هست؟
- Kamp alanında duş var mı? آیا در این ادوگاه دوش هست؟
- İçme suyu nereden bulabilirim? کجا می‌توانم آب آشامیدنی پیدا کنم؟
- Bütan gazı nereden bulabilirim? کجا می‌توانم گاز بوتان پیدا کنم؟
- Şehir buradan çok mu uzak? آیا شهر از اینجا خیلی دور است؟
- Balık tutmayı seviyorum. من ماهیگیری را دوست دارم.
- Avlanmayı seviyorum. من شکار را دوست دارم.
- Burada balık tutmak serbest mi? آیا اینجا ماهیگیری مجاز است؟
- Burada avlanmak serbest mi? آیا اینجا شکار مجاز است؟
- Burası çok güneşli. اینجا بیش از حد آفتابی است.
- Burası çok gölge. اینجا بیش از حد سایه است.
- Burası çok kalabalık. اینجا بیش از حد شلوغ است.
- Yer çok sert. زمین خیلی سفت است.
- Yer düzgün değil. زمین خیلی ناهموار است.
- Başka biraz düzgün yer var mı? جای صاف تری دارید؟
- Bu bölgenin yürüyüş yollarının haritasını rica ediyorum. من یک نقشه مسیرهای پیاده روی این منطقه را می‌خواهم.
- Bu bölgenin bisiklet yollarının haritasını rica ediyorum. من یک نقشه مسیرهای دوچرخه سواری این منطقه را می‌خواهم.

کلمات مفید

kamp yapmak	اردو زدن	yatak	تشکچه
kibrit	کبریت	kamp ateşi	آتش اردو
kömür	زغال	kamp bölgesi	اردوگاه
bütan gazı	گاز بوتان	kamp alanı	اردوگاه
çadır direği	تیر چادر	Kamp Yapılmaz	اردو زدن ممنوع
çekiç	چکش	İçme Suyu	آب آشامیدنی
şişme yatak	تشک بادی	Ateş yakılmaz	روشن کردن آتش
parafin	پارافین	mangal yakılmaz	کباب کردن ممنوع
çadır kazığı	میخ چادر	çadır	چادر
gaz ocağı	اجاق نفتی	uyku tulumu	زیرانداز

در ساحل (kumsalda)



Orada su kayağı yapabilir miyim?

می‌توانم آنجا اسکی روی آب کنم؟

- Orada skydiving yapabilir miyim? می‌توانم آنجا چتربازی کنم؟
- Orada sky gliding yapabilir miyim? می‌توانم آنجا با هواپیمای بی موتوری پرواز کنم؟
- Orada bungee jumping yapabilir miyim? می‌توانم آنجا با طناب از ارتفاع بپریم؟
- Orada parasailing yapabilir miyim? می‌توانم آنجا با طناب چتربازی کنم؟
- Orada surf yapabilir miyim? می‌توانم آنجا موج سواری کنم؟
- Orada dalış yapabilir miyim? می‌توانم آنجا غواصی کنم؟
- Nereden bir surfboard kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک تخته موج سواری کرایه کنم؟
- Nereden bir yelkenli kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک قایق بادبانی کرایه کنم؟
- Nereden bir motorbot kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک قایق موتوری کرایه کنم؟
- Nereden bir su kayağı kiralayabilirim? کجا می‌توانم چوب اسکی روی آب کرایه کنم؟
- Nereden bir dalış ekipmanı kiralayabilirim? کجا می‌توانم وسایل غواصی کرایه کنم؟
- Nereden bir paraşüt kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک چتر نجات کرایه کنم؟
- Nereden bir şezlong kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک تخت مخصوص ساحل کرایه کنم؟
- Nereden bir şemsiye kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک چتر کرایه کنم؟
- En yakın yat klubu nerede? نزدیک‌ترین باشگاه قایق رانی کجاست؟
- En yakın kiralama bürosu nerede? نزدیک‌ترین دفتر کرایه کجاست؟
- En yakın dalış merkezi nerede? نزدیک‌ترین مرکز غواصی کجاست؟
- En yakın golf sahası nerede? نزدیک‌ترین زمین گلف کجاست؟
- En yakın tenis kortu nerede? نزدیک‌ترین زمین تنیس کجاست؟
- En yakın su parkı nerede? نزدیک‌ترین پارک آبی کجاست؟
- Surfboard kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک تخته موج سواری چقدر است؟
- Yat kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک قایق بادبانی چقدر است؟
- Motorbot kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک قایق موتوری چقدر است؟
- Su kayağı kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه چوب اسکی روی آب چقدر است؟
- Dalış ekipmanı kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه وسایل غواصی چقدر است؟
- Paraşüt kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک چتر نجات چقدر است؟
- Şezlong kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک تخت مخصوص ساحل چقدر است؟
- Şemsiye kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک چتر چقدر است؟
- Daha büyük bir bot kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک قایق بزرگ‌تر کرایه کنم.
- Daha küçük bir bot kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک قایق کوچک‌تر کرایه کنم.
- Depozito bırakmak şart mı? گذاشتن ودیعه لازم است؟

- Bu motor kaç beygir? موتور چند اسب بخار قدرت دارد؟
- Bu botun ne tür navigasyon aletleri var? قایق چه نوع وسایل ناوبری دارد؟
- Botun azami hızı ne kadar? حداکثر سرعت قایق چقدر است؟
- Botu ne zaman iade etmem gerekiyor? چه موقع باید قایق را برگردانم؟
- Yat acil durum için sigortalı mı? آیا این قایق بادبانی برای شرایط اضطراری بیمه شده است؟
- Bot acil durum için sigortalı mı? آیا این قایق برای شرایط اضطراری بیمه شده است؟
- Motorbot acil durum için sigortalı mı? آیا این قایق موتوری برای شرایط اضطراری بیمه شده است؟
- Hava durumu tahmini ne? پیش بینی وضع هوا چیست؟
- Burada kayalık veya akıntı var mı? آیا اینجا صخره‌های دریایی یا جریان‌های قوی دارد؟
- Bu regataya kaç tane bot dahil? چند قایق در این مسابقه قایق رانی شرکت دارد؟
- Bu regataya kaç tane yat dahil? چند قایق بادبانی در این مسابقه قایق رانی شرکت دارد؟
- Dalış kıyafeti ve aletleri kiralayabilir miyim? امکان دارد یک لباس و وسایل غواصی کرایه کنم؟
- Dalış kıyafetinin günlük kirası ne kadar? هزینه کرایه یک لباس غواصی روزانه چقدر است؟
- Dalış kıyafetinin saatlik kirası ne kadar? هزینه کرایه یک لباس غواصی ساعتی چقدر است؟
- Hangi oksijen yediğiniz var? چه نوع ذخیره اکسیژن دارید؟
- Tüp ne kadar süre dayanır? کپسول اکسیژن برای چه مدت است؟
- Nerede eğitmen bulabilirim? کجا می‌توانم یک مربی پیدا کنم؟
- Ders alabilir miyim? امکان دارد آموزش ببینم؟
- Bu tulum ile ne kadar derine dalabilirim? تا چه عمقی می‌توانم با این لباس غواصی بروم؟
- Burası ne kadar derin? عمق اینجا چقدر است؟
- Bu sularda köpek balığı ya da tehlikeli balıklar var mı? آیا در این آب‌ها کوسه یا ماهی‌های خطرناک دیگر وجود دارد؟
- Sualtı akımı var mı? آیا جریان‌های زیر آب وجود دارد؟
- Buradan kumsala nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به ساحل بروم؟
- Buradan stadyuma nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به استادیوم بروم؟
- Buradan hipodroma nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به زمین مسابقه بروم؟
- Buradan golf sahasına nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به زمین گلف بروم؟
- Buradan tenis kortuna nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به زمین تنیس بروم؟
- Kumsal taşlık mı kum mu? ساحل ریگی است یا شنی؟

Burada yüzmek güvenli mi? آیا اینجا برای شنا کردن بی خطر است؟
 Buraya yakın açık havuz var mı? آیا این اطراف استخر روباز هست؟
 Burada spor salonu var mı? آیا اینجا مرکز امادگی جسمانی هست؟
 Yüzmeyi severim. من شنا را دوست دارم.

مسابقه اسب دوانی/استادیوم (at yarışları/stadium)

Bilet gişesi nerede? باجه فروش بلیط کجاست؟
 Bilet ücreti ne kadar? قیمت بلیط چقدر است؟
 Orta tribünde bir bilet verin lütfen. لطفاً یک بلیط در جایگاه وسط به من بدهید.
 Sağ tribünde bir bilet verin lütfen. لطفاً یک بلیط در جایگاه سمت راست به من بدهید.
 Sol tribünde bir bilet verin lütfen. لطفاً یک بلیط در جایگاه سمت چپ به من بدهید.
 Oyun kaçta başlayacak? چه موقع بازی شروع می‌شود؟
 Maç kaçta başlayacak? چه موقع مسابقه شروع می‌شود؟
 At yarışı kaçta başlayacak? چه موقع مسابقه سوارکاری شروع می‌شود؟
 Kaç kaç? نتیجه چیست؟
 Kim yeniyor? چه کسی دارد برنده می‌شود؟
 Hangi taraf sayı aldı? کدام طرف گل زد؟
 Hangi takım sarı forma giyiyor? کدام تیم لباس زرد پوشیده است؟
 Hangi takım beyaz forma giyiyor? کدام تیم لباس سفید پوشیده است؟
 Hangi takım kırmızı forma giyiyor? کدام تیم لباس قرمز پوشیده است؟
 Hangi takım mavi forma giyiyor? کدام تیم لباس آبی پوشیده است؟
 Hangi takım yeşil forma giyiyor? کدام تیم لباس سبز پوشیده است؟
 Siz hangi takımı tutuyorsunuz? طرفدار کدام تیم هستید؟
 Sizce maç kaç kaç bitecek? به نظر شما مسابقه چند چند تمام خواهد شد؟
 Sizce bugün kim kazanacak? فکر می‌کنید امروز چه کسی برنده می‌شود؟
 Bu yarışa hangi atlar katıldı? چه اسب‌هایی در این مسابقه شرکت دارند؟
 Bugün kaç yarış var? امروز چند تا مسابقه هست؟
 Bu yarışta kaç at koşuyor? چند تا اسب در این مسابقه شرکت دارند؟
 Bu yarışta hangi at favori? کدام اسب در این مسابقه شانس برنده شدن دارد؟
 Bahis gişesi nerede? باجه شرط بندی کجاست؟
 En az ne kadar bahis yatırabilirim? کمترین مقداری که می‌توانم شرط ببندم چقدر است؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Bir sonraki yarışta kaç tane bahis yatırılabilir? چند تا شرط در مسابقه بعدی می توان بست؟
 Favoriye hangi bahis var? احتمال برنده شدن شانس اول چقدر است؟
 Bu cokey kaç yarış kazandı? این سوارکار چند مسابقه را برده است؟
 Bu at ne cins? این اسب از چه نژادی است؟
 Bu at kaç yaşında? این اسب چند ساله است؟

کلمات مفید

cokey	سوارکار	yürüyüş	قدم رورفتن
antrenör	مربی	tırıs	یورتمه رفتن
seyis	مهتر	dörtal	چهار نعل
at yarışı	مسابقه اسب دوانی	yarış	مسابقه
engelli at yarışı	سوارکاری با مانع	ahır	اصطبل
engelsiz at yarışı	سوارکاری بدون مانع		

تنیس/گلف (tenis/golf)

Golf sopalarını ve arabayı nereden kiralayabilirim?

از کجا می توانم چوب گلف و یک چرخ دستی کرایه کنم؟
 Saha ücreti ne kadar? هزینه بازی گلف چقدر است؟
 Bugün rüzgar sert mi? آیا امروز باد تند است؟
 Bu delik için kaç vuruş yapmalıyım? برای این حفره چند امتیاز باید ببارم؟
 O atışla topu ne kadar uzağa attınız? با آن ضربه توپ را تا کجا فرستادید؟
 Tennis raketi kiralayabilir miyim? آیا ممکن است یک راکت تنیس اجاره کنم؟
 Kendi raketimi getirmem gerekiyor mu? آیا باید راکت خودم را بیاورم؟
 Bu kortun kirası ne kadar? هزینه اجاره زمین چقدر است؟
 Benimle oynamak ister misiniz? آیا می خواهید با من بازی کنید؟
 Çiftler oynayalım. بیایید دو به دو کنیم.

ممکن است بشنوید

Koça ihtiyacınız var mı? آیا مربی لازم دارید؟
 Yüzebiliyor musunuz? آیا می توانید شنا کنید؟

- Can yeleğinizi takmayı unutmayın. اطمینان حاصل کنید که جلیقه نجات پوشیده‌اید.
- Tehlikeli olabilir. ممکن است خطرناک باشد.
- Ski ve botlar kiralanabilir. چوب و کفش اسکی را می‌توانید اجاره کنید.
- Bahis yatırmak ister misiniz? آیا مایلید شرط ببندید؟
- Burada avlanmak yasak. شکار اینجا ممنوع است.
- Burada balık tutmak yasak. ماهیگیری اینجا ممنوع است.
- Dinlenme odası. محل استراحت.

زمان ماضی نقلی: -miş 'li -geçmiş zaman

نتیجه‌ی وقوع یا حدوث حرکت و کنشی را که در گذشته انجام پذیرفته درحین تکلم بیان می‌دارد. فرق اساسی ماضی نقلی با ماضی مطلق در آن است که ماضی نقلی علاوه بر اعلام اجرا و خاتمه‌ی فعل، نتیجه آنرا نیز در حین تکلم بیان می‌دارد.

در ساختن این فعل بعد از ایجاد فعل امر به جلوی آن شاخص ماضی نقلی، یعنی *miş* و در منفی نیز بدین ترتیب عمل می‌کنیم.

علامت ضمیر شخصی + *miş,miş,muş,müş* + مصدر بدون *mak, mek* + ضمیر فاعلی = زمان ماضی نقلی

مثال:

gelmek → *gel + miş + im = gelmişim* آمده‌ام

gelmemek → *gelme + miş + im = gelmemişim* نیامده‌ام

در سؤالی منفی و یا مثبت نیز علامت استفهامی یعنی *mi* را جلوی کلمه *-miş* گذاشته و فعل را صرف می‌کنیم.

مثال:

gelmiş + mi + (y) im = gelmiş miyim? آیا آمده‌ام؟

gelmemiş + mi + (y) im = gelmemiş miyim? آیا نیامده‌ام؟

جدول صرف زمان ماضی نقلی از مصدر <i>bakmak</i> (نگاه کردن)				
مفرد	مثبت نگاه کرده‌ام	منفی نگاه نکرده‌ام	مثبت سؤالی آیا نگاه کرده‌ام؟	منفی سؤالی آیا نگاه نکرده‌ام؟
1	<i>bakmışım</i>	<i>bakmamaşım</i>	<i>bakmış mıyım</i>	<i>bakmamış mıyım</i>
2	<i>bakmışsın</i>	<i>bakmamışsın</i>	<i>bakmış mısın</i>	<i>bakmamış mısın</i>
3	<i>bakmış (tır)</i>	<i>bakmamış (tır)</i>	<i>bakmış mı</i>	<i>bakmamış mı</i>

1	bakmışsınız	bakmamışsınız	bakmış mıyız	bakmamış mıyız
2	bakmışsınız	bakmamışsınız	bakmış mısınız	bakmamış mısınız
3	bakmışlar (dır)	bakmamışlar (dır)	bakmışlar mı	bakmamışlar mı

کاربرد زمان ماضی نقلی:

برای ذکر عملی که در گذشته اتفاق افتاده اما شخص مورد نظر در لحظه وقوع شاهد آن نبوده است و بعداً از وقوع آن خبردار شد. است باید از زمان ماضی نقلی استفاده کرد.

Karanlık olmuş.

شب فرا رسیده است (به طوری که شخصاً ناظر آن نبوده‌ام بلکه کس بعد از وقوع متوجه شده‌ام) عدم آگاهی از کارهای خود شخص را می‌توان به روش مشابه ذکر کرد.

Çamura basmışım.

(به نظر می‌رسد که، گویا) در گل پا گذاشته‌ام.
زمانی که بخواهیم تایید کسی را جلب کنیم ادب و تواضع اقتضا می‌کند تا خودمان را شخصاً در عمل وارد نکنیم تا شاید احتمال تایید عمل را بیشتر کنیم.

Nasıl yapmışım?

چطور آن را انجام داده‌ام؟
اگر عدم اطمینان با توقعات شدید درهم آمیخته باشد یک ضمیر اضافی -Dir- را جهت قطعیت دادن به مطلب می‌افزاییم.

Güneyde çiçekler açmıştır.

گل‌ها می‌بایستی در جنوب شکوفه کرده باشند.

Bahçeyi sulamışlardır.

آن‌ها می‌بایستی به گل‌ها آب داده باشند.

از آنجایی که کلیه روایات قصه‌ها و شایعات، اطلاعات دست دوم هستند، برای ذکر و انتقال آن‌ها پیوند -miş- را بکار می‌برند به شعر زیر توجه کنید.

Ya Rabbim ne aksi dünya,

ای پروردگار چه دنیای بر عکسی (ناعادلانهای)،

Zenginlere at vermişsin.

به توانگران اسب داده‌ای.

Kuşlara kanat vermişsin,

به پرندگان بال داده‌ای.

Bana bir merkep yok mu ya!

آیا برای من یک قاطر هم وجود ندارد!

Güzel mavi gökyüzünde uçmak, kartallardan daha yükseğe çıkmak ve bulutları geçmek istemiştir.

می‌خواسته است که در آسمان زیبای آبی پرواز کند، از عقاب‌ها بالاتر رود و از ابرها بگذرد.

روایات

Bir sabah bir karadenizli bir penguen bulmuş ama daha önce hiç penguen görmediği için ne yapacak, bilmemiş, Yolda bir arkadaşına rastlamış.

'Ben bunu ne yapayım' diye sormuş. Arkadaşı cevap vermiş:

'Hayvanat bahçesine götür. '

Akşamüzeri arkadaşı gene Karadenizli ile karşılaşmış. Bakmış hala yanında penguen, yolda yürüyor.

'Ben sana bunu hayvanat bahçesine götür demedim mi?' demiş. Karadenizli cevap vermiş:

'Götürdüm, ondan sonra sirke gittik, şimdi de sinemaya götürüyorum. '

یک صبح، یک کارا دنیزلی (اهل شهر کارا دنیز) یک پنگوئن پیدا می‌کند اما به خاطر اینکه قبلاً پنگوئن ندیده بوده نمی‌داند چه کار کند، در راه با یکی از دوستانش بر خورد می‌کند و می‌پرسد که من این را چه کار کنم. دوستش جواب می‌دهد:

«به باغ وحش ببر»

سر شب دوستش دوباره با کارا دنیزلی رو برو می‌شود و می‌بیند پنگوئن هنوز در کنارش دارد راه می‌رود.

می‌گوید مگر من به تو نگفتم که این را به باغ وحش ببر. کارا دنیزلی جواب می‌دهد:

بردم، بعد از آن به سیرک رفتیم، و حالا هم دارم به سینما می‌برم.

واژه‌های روایت فوق

penguen

پنگوئن

rastlamak

تصادف کردن، برخورد کردن

hayvanat bahçesi

باغ وحش

karşılaşmak

به هم رسیدن، روبرو شدن

درس ۱۵

نقل قول (۲)



Söyledi		
Bildirdik		
Kabul		
ettiler		
... yIp ...	-mEdİğİnİ	sordu
	-mEyEcEğİnİ	öğrenmek istiyor
		merak ediyoruz

نقل قول جملات امری

Ev ödevnizi yapın.

تکلیفان را انجام دهید.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Ev ödevimizi yapmamızı söyledi. او به ما گفت تکلیف مان را انجام بدهیم.

Takrarlayın. آن را تکرار کنید.

Takrarlamamızı söyledi. او به ما گفت آن را تکرار کنیم.

o kelimeyi bilmiyorum. آن کلمه را نمی دانم.

o kelimeyi bilmediğini kabul etti. او قبول کرد آن کلمه را نمی داند.

İmtihanı geçeceğim. در امتحانات قبول خواهم شد.

İmtihanı geçeceğini söylüyor. او می گوید که در امتحانات قبول خواهد شد.

نقل قول جملات سؤالی

Öğretmen geldi mi? آیا معلم آمد؟

Öğretmenin gelip gelmediğini sordu. او پرسید آیا معلم آمده (یا نه)

Bir daha söyler misiniz lütfen? ممکن است لطفاً یک بار دیگر آن را بگویید؟

Bir daha söyleyip söylemeyeceğimi sordu. وی از من خواست آن را دوباره بگویم.

Biraz yavaş konuşabilir misiniz acaba? می شود کمی آرام تر صحبت کنید؟

Biraz yavaş konuşup konuşamayacağımı sordu. او پرسید که آیا من می توانم کمی آرام تر صحبت کنم.

نقل قول سؤالی با kimin, kim, nasıl, zaman, ne, و ...

Bunu nasıl telaffuz edersiniz? چگونه این را تلفظ می کنید؟

Bunu nasıl telaffuz edeceğimi sordu. او پرسید چگونه این را تلفظ می کنم.

Bunun İngilizcesi nedir? انگلیسی این چیست؟

Bunun İngilizcesinin ne olduğunu sordu. او پرسید این را به انگلیسی چه می گویند.

Türkçeyi nerede öğrendiniz.

ترکی را کجا یاد گرفتید؟

Türkçeyi nerede öğrendiğimi sordu.

او پرسید ترکی را کجا یاد گرفته‌ام.

Demek و Söylemek :

Söylemek در نقل قول غیر مستقیم بکار می‌رود.

Ankaraya gideceğini söyledi.

او گفت که به آنکارا می‌رود.

Demek را در نقل قول مستقیم بکار می‌برند.

'Ankara' ya gideceğim' dedi.

«من به آنکارا خواهم رفت» ، او گفت.

اظهار تناقضی در جملات

halde
yerde
aksine
-mEktEnsE

Çok çalıştığı halde tercümeyi zamanında bitiremedi.

اگرچه سخت کار کرد ولی نتوانست ترجمه را به موقع تمام کند.

Kütüphane duvarında "Konuşmayınız " diye bir yazı olduğu halde. Ali konuştu.

اگرچه روی دیوار کتابخانه نوشته بود «صحبت نکنید» ، علی صحبت کرد.

Lugata bakacağı yerde kelimelerin anlamını benden soruyor.

بجای نگاه کردن به فرهنگ لغت، معنی لغتها را از من می‌پرسد.

Kursa gideceği yerde zamanını gezerek geçirdi.

بجای تحصیل کردن، وقت خود را با ولگردی می‌گذراند.

Bir Avrupa dili öğrenmektense Türkçe öğrenmeyi tercihettim.

در عوض یادگیری یک زبان اروپایی، ترجیح دادم ترکی یاد بگیرم.

Kimsenin beğenmediği bir filmi seyretmektense evde kalmayı tercih ederim.

ترجیح می‌دهم بجای دیدن فیلمی که هیچ کس نمی‌پسندت، در خانه بمانم.

Pratiği laboratuvarında yapmaktansa, kendine bir Türk arkadaş bul

بجای آنکه در آزمایشگاه زبان کار عملی انجام دهی یک دوست ترک برای خودت پیدا کن.

Tahminlerin aksine, altı ayda bu lisanı fevkalade öğrendim

بر خلاف انتظارات، در ظرف شش ماه این زبان را بسیار عالی یاد گرفتم.

Söylenenlerin aksine, Türkçeyi çok kolay buldular.

برخلاف آنچه که گفته شده بود، آن‌ها ترکی را خیلی آسان یافتند.

Bay	آقا
Bayan	خانم
Dikkat	توجه
Dur	ایست
Dolu	پر
Girilmez	ورود ممنوع
Giriş	ورود
Hastahane	بیمارستان
İmdat Yeleği	جلیقه نجات
İtiniz	فشار دهید
Jandarma	ژاندارم
Karakol	کلانتری
Kayıp Eşya Bürosu	دفتر اشیاء مفقوده
Meşgul	مشغول
Ormanları koruyalım	جنگل‌ها را مواظبت کنیم
PTT	اداره پست
Satılık	برای فروش
Sigara İçilmez	سیگار کشیدن ممنوع
Tehlike	خطر
Çimlere basmayın	از چمن عبور نکنید
Danışma	اطلاعات
boş	خالی
Çekiniz	بکشید
Çıkış	خروج
Kiralık	برای اجاره
Polis	پلیس
Tenzilatlı Satışlar	حراج
Vezne	صندوق پرداخت پول

Yangın Merdiveni

پله فرار از آتش سوزی

Yasak

ممنوع

Yasak Bölge

منطقه ممنوعه

نکات بیشتری در مورد Diye

Diye را می‌توان برای توضیح دلایل یک عمل یا حالت بکار برد.

Anlasın diye yavaş konuşuyorum.

دارم آرام (شمرده) حرف می‌زنم تا او بتواند بفهمد.

İmtahanı geçemedi diye çok üzgün.

او خیلی پریشان است زیرا نتوانست در امتحان قبول شود.

همچنین این کلمه در ذکر عناوین، نشانه‌ها یا پیام‌های کتبی کاربرد دارد.

Bir Türk Ailesinin Portresi' diye bir kitap okuyorum.

در حال خواندن کتابی به اسم «تصویری از یک خانواده ترک» هستم

بانک**واریز/برداشت (para yatırmak/para çekmek)**

En yakın banka nerede?

نزدیک‌ترین بانک کجاست؟

En yakın döviz bürosu nerede?

نزدیک‌ترین صرافی کجاست؟

Banka saat kaçta kadar açık?

بانک تا کی باز است؟

Döviz bürosu saat kaçta kadar açık?

صرافی تا کی باز است؟

Hesap açtırmak istiyorum.

من می‌خواهم یک حساب باز کنم.

Vadeli hesap açtırmak istiyorum.

من می‌خواهم یک حساب پس انداز باز کنم.

Çek hesabı açtırmak istiyorum.

من می‌خواهم یک حساب جاری باز کنم.

1.000 Amerikan Doları çekmek istiyorum.

من می‌خواهم لطفاً ۱۰۰۰ دلار آمریکا برداشت کنم.

Biraz para yatırmak istiyorum.

من می‌خواهم مقداری پول واریز کنم.

Biraz para çekmek istiyorum.

من می‌خواهم مقداری پول برداشت کنم.

Para çekme formu almam gerekiyor.

من یک قبض برداشت می‌خواهم.

Para yatırma formu almam gerekiyor.

من یک قبض واریز می‌خواهم.

Nereye imza atıyorum?

کجا را باید امضاء کنم؟

Pasaportum gerekli mi?

آیا گذرنامه من لازم است؟

Buyurun kimlik kartım.

این کارت شناسایی من است.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

- انجام این کار چقدر طول می کشد؟
 Ne kadar çabuk yapılabilir?
 دستگاه های خودپرداز کجا هستند؟
 Bankamatikler nerede?
 آیا می توانم از کارت اعتباریم اینجا برداشت کنم؟
 Burada kredi kartımdan para çekebilir miyim?
 به کارت ویزای من واریز کنید.
 Visa kartıma koyun.
 به مسترکارت من واریز کنید.
 MasterCard kartıma koyun.
 به کارت امریکن اکسپرس من واریز کنید.
 American Express kartıma koyun.

کلمات مفید

ATM (Bankamatik)	دستگاه خودپرداز	fış	رسید
Kasa	تحویلدار	komisyon	حق کمیسیون
Tüm İşlemler	تمام تراکنش ها	seyahat çeki	چک مسافرتی
banka	بانک	Visa	ویزا
para	پول	MasterCard	مسترکارت
nakit	پول نقد	American Express	امریکن اکسپرس
fatura	اسکناس	faiz oranı	نرخ بهره
madeni para	سکه		

مبادله ارز (döviz bozdurmak)

- کجا می توانم ارز مبادله کنم؟
 Nerede döviz değiştirebilirim?
 من می خواهم دلار آمریکا با یورو مبادله کنم.
 Amerikan doları ile Euro almak istiyorum.
 من می خواهم پوند انگلیس با یورو مبادله کنم.
 İngiliz poundu ile Euro almak istiyorum.
 نرخ مبادله برای دلار چیست؟
 Dollar için döviz kuru ne?
 من می خواهم این چک مسافرتی را نقد کنم.
 Bu seyahat çekini nakide çevirmek istiyorum.
 حق کمیسیون چقدر است؟
 Komisyon ne kadar?
 لطفاً اسکناس درشت به من بدهید.
 Büyük para rica ediyorum lütfen.
 آیا امکان دارد پنج پوند پول خرد به من بدهید؟
 Beş pound için bozuk para verir misiniz?
 آیا امکان دارد این اسکناس ۱۰۰ دلاری را خرد کنید؟
 Bu 100 doları bozukluk olarak verebilir misiniz?
 آیا امکان دارد این اسکناس را برای من خرد کنید؟
 Bu para için bozukluk verir misiniz?
 آیا امکان دارد مقداری از آن را پول خرد به من بدهید؟
 Biraz bozuk para da verebilir misiniz?

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Her boyutta madeni para istiyorum lütfen.

من همه اندازه سکه می‌خواهم.

کلمات مفید

döviz bürosu	صرافی	dinar	دینار
alış/satış	ما می‌خریم/می‌فروشیم	şekel	شکل
dolar	دلار	lari	لاری
Euro	یورو	yuan	یوان
pound	پوند	real	ریل
pezo	پزو	yen	ین
lira	لیره	won	وان
frank	فرانک	ruble	روبل
rupi	روپیه		

ممکن است بشنوید

Pasaportunuz lütfen.	گذرنامه شما لطفاً.
Kimliğiniz lütfen.	کارت شناسایی شما لطفاً.
Buraya imza atın lütfen.	لطفاً اینجا را امضا کنید.
Komisyon ücreti ...	حق کمیسیون ... است.
Hesabınızda para yok.	شما در حسابتان موجودی ندارید.
Para yatırmak mı istiyorsunuz?	آیا می‌خواهید واریز کنید؟
Komisyon dahil edilmiştir.	شامل حق کمیسیون است.
Bu para sahte.	این اسکناس تقلبی است.
Bu sahte kopya.	این نسخه تقلبی است.

ترجمه متون پیچیده

در زیر متن اعلامیه جهانی حقوق بشر آورده شده است که جزو متون دشوار به حساب می‌آید. متن زیر را بدون آن که به ترجمه‌ی فارسی آن‌ها نگاه بی‌اندازید با دقت بخوانید و خود را در میزان فهم متون ترکی بیازمایید.

İnsan Hakları Evrensel Beyannamesi

اعلامیه جهانی حقوق بشر

Önsöz

İnsanlık ailesinin bütün üyelerinde bulunan haysiyetin ve bunların eşit ve devir kabul etmez haklarının tanınması hususunun, hürriyetin, adaletin ve dünya barışının temeli olmasına,

مقدمه

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد،

İnsan haklarının tanınmaması ve hor görülmesinin insanlık vicdanını isyana sevkeden vahşiliklere sebep olmuş bulunmasına, dehşetten ve yoksulluktan kurtulmuş insanların, içinde söz ve inanma hürriyetlerine sahip olacakları bir dünyanın kurulması en yüksek amaçları oralak ilan edilmiş bulunmasına,

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است،

İnsanın zulüm ve baskıya karşı son çare olarak ayaklanmaya mecbur kalmaması için insan haklarının bir hukuk rejimi ile korunmasının esaslı bir zaruret olmasına,

از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد،

Uluslararası dostça ilişkiler geliştirilmesini teşvik etmenin esaslı bir zaruret olmasına,

از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد،

Birleşmiş Milletler halklarının, Antlaşmada, insanın ana haklarına, insan şahsının haysiyet ve değerine, erkek ve kadınların eşitliğine olan imanlarını bir kere daha ilan etmiş olmalarına ve sosyal ilerlemeyi kolaylaştırmaya, daha geniş bir hürriyet içerisinde daha iyi hayat şartları kurmaya karar verdiklerini beyan etmiş bulunmalarına,

از آنجا که مردمِ ملل متحد ایمانِ خود را به حقوقِ اساسی بشر و مقام و ارزشِ فرد انسانی و تساوی حقوقِ مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیمِ راسخ گرفته‌اند که به پیشرفتِ اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضعِ زندگی بهتری به وجود آورند،

Üye devletlerin, Birleşmiş Milletler Teşkilatı ile işbirliği ederek insan haklarına ve ana hürriyetlerine bütün dünyada gerçekten saygı gösterilmesinin teminini taahhüt etmiş olmalarına,

از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترامِ جهانی و رعایتِ واقعی حقوقِ بشر و آزادی‌هایِ اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند،

Bu haklar ve hürriyetlerin herkesçe aynı şekilde anlaşılmasının yukarıdaki taahhüdün yerine getirilmesi için son derece önemli bulunmasına göre,

از آنجا که حسنِ تفاهمِ مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد،

Birleşmiş Milletler Genel Kurulu, İnsanlık topluluğunun bütün fertleriyle uzuvlarının bu beyannameyi daima gözönünde tutarak öğretim ve eğitim yoluyla bu haklar ve hürriyetlere saygıyı geliştirmeye, gittikçe artan milli ve milletlerarası tedbirlerle gerek bizzat üye devletler ahalisi gerekse bu devletlerin idaresi altındaki ülkeler ahalisi arasında bu hakların dünyaca fiilen tanınmasını ve tatbik edilmesini sağlamaya gayret etmeleri amacıyla bütün halklar ve milletler için ulaşılabilecek ortak ideal olarak işbu İnsan Hakları Evrensel Beyannamesi'ni ilan eder.

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند، تأمین گردد.

Madde 1

Bütün insanlar hür, haysiyet ve haklar bakımından eşit doğarlar. Akıl ve vicdana sahiptirler ve birbirlerine karşı kardeşlik zihniyeti ile hareket etmelidirler.

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

Madde 2

Herkes, ırk, renk, cinsiyet, dil, din, siyasi veya diğer herhangi bir akide, milli veya içtimai menşe, servet, doğuş veya herhangi diğer bir fark gözetilmeksizin işbu Beyanname'de ilan olunan tekmil haklardan ve bütün hürriyetlerden istifade edebilir.

Bundan başka, bağımsız memleket uyruğu olsun, vesayet altında bulunan, gayri muhtar veya sair bir egemenlik kayıtlamasına tabi ülke uyruğu olsun, bir şahıs hakkında, uyruğu bulunduğu memleket veya ülkenin siyasi, hukuki veya milletlerarası statüsü bakımından hiçbir ayrılık gözetilmeyecektir.

ماده دوم

هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه ی آزادی های که در اعلامیه ذکر حاضر شده است، بهره مند گردد.

بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضائی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

Madde 3

Yaşamak, hürriyet ve kişi emniyeti her ferдин hakkıdır.

ماده سوم

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

Madde 4

Hiç kimse kölelik veya kulluk altında bulundurulamaz; kölelik ve köle ticareti her türlü şekliyle yasaktır.

ماده چهارم

احدی را نمی‌توان در بردگی نگاهداشت و داد و ستدِ بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

Madde 5

Hiç kimse işkenceye, zalimane, gayriinsani, haysiyet kırıcı cezalara veya muamelelere tabi tutulamaz.

ماده پنجم

احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلافِ انسانیت و شئونِ بشری یا موهن باشد.

Madde 6

Herkes her nerede olursa olsun hukuk kişiliğinin tanınması hakkını haizdir.

ماده ششم

هر کس حق دارد که شخصیتِ حقوقی او در همه‌جا به عنوانِ یک انسان در مقابلِ قانون شناخته شود.

Madde 7

Kanun önünde herkes eşittir ve farksız olarak kanunun eşit korumasından istifade hakkını haizdir. Herkesin işbu Beyanname'ye aykırı her türlü ayırddedici mualeleye karşı ve böyle bir ayırddedici muamele için yapılacak her türlü kısıktırmaya karşı eşit korunma hakkı vardır.

ماده هفتم

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایتِ قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابلِ هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طورِ تساوی از حمایتِ قانون بهره‌مند شوند.

Madde 8

Her şahsın kendine anayasa veya kanun ile tanınan ana haklara aykırı muamelelere karşı fiilli netice verecek şekilde milli mahkemelere müracaat hakkı vardır.

ماده هشتم

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه دارد.

Madde 9

Hiç kimse keyfi olarak tutuklanamaz, alıkonulanamaz veya sürülemez.

ماده نهم

احدی نمی تواند خودسرانه توقیف - حبس یا تبعید بشود.

Madde 10

Herkes, haklarının, vecibelerinin veya kendisine karşı cezai mahiyette herhangi bir isnadın tespitinde, tam bir eşitlikle, davasının bağımsız ve tarafsız bir mahkeme tarafından adil bir şekilde ve açık olarak görülmesi hakkına sahiptir.

ماده دهم

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.

Madde 11

1. Bir suç işlemekten sanık herkes, savunması için kendisine gerekli bütün tertibatın sağlanmış bulunduğu açık bir yargılama ile kanunen suçlu olduğu tespit edilmedikçe masum sayılır.

2. Hiç kimse işlendikleri sırada milli veya milletlerarası hukuka göre suç teşkil etmeyen fiillerden veya ihmallerden ötürü mahkum edilemez. Bunun gibi, suçun işlendiği sırada uygulanabilecek olan cezadan daha şiddetli bir ceza verilemez.

ماده یازدهم

(۱) هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.

(۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.

Madde 12

Hiç kimse özel hayatı, ailesi, meskeni veya yazışması hususlarında keyfi karışmalara, şeref ve şöhretine karşı tecavüzlere maruz bırakılamaz. Herkesin bu karışma ve tecavüzlere karşı kanun ile korunmaya hakkı vardır.

ماده دوازدهم

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

Madde 13

1. Herkes herhangi bir devletin sınırları dahilinde serbestçe dolaşma ve yerleşme hakkına haizdir.
2. Herkes, kendi memleketi de dahil, herhangi bir memleketi terketmek ve memleketine dönmek hakkına haizdir.

ماده سیزدهم

- (۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.
- (۲) هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

Madde 14

1. Herkes zulüm karşısında başka memleketlerden mülteci olarak kabulü talep etmek ve memleketler tarafından mülteci muamelesi görmek hakkını haizdir.
2. Bu hak, gerçekten adi bir cürüme veya Birleşmiş Milletler prensip ve amaçlarına aykırı faaliyetlere müstenit kovuşturmalar halinde ileri sürülemez.

ماده چهاردهم

- (۱) هر کس حق دارد در برابر تعقیب شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

(۲) در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود.

Madde 15

1. Her ferdin bir uyrukluk hakkı vardır.
2. Hiç kimse keyfi olarak uyrukluğundan ve uyrukluğunu değiştirmek hakkından mahrum edilemez.

ماده پانزدهم

- (۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.
- (۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

Madde 16

1. Evlilik çağına varan her erkek ve kadın, ırk, uyrukluk veya din bakımından hiçbir kısıtlamaya tabi olmaksızın evlenmek ve aile kurmak hakkına haizdir. Her erkek ve kadın evlenme konusunda, evlilik süresince ve evliliğin sona ermesinde eşit hakları haizdir.
2. Evlenme akdi ancak müstakbel eşlerin serbest ve tam rızasıyla yapılır.
3. Aile, cemiyetin tabii ve temel unsurudur, cemiyet ve devlet tarafından korunmak hakkını haizdir.

ماده شانزدهم

- (۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشوئی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می‌باشند.
- (۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.
- (۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

Madde 17

- Her şahıs tek başına veya başkalarıyla birlikte mal ve mülk sahibi olmak hakkını haizdir.
- Hiç kimse keyfi olarak mal ve mülkünden mahrum edilemez.

ماده هفدهم

- (۱) هر شخص منفرداً یا به طور اجتماعی حق مالکیت دارد.
- (۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

Madde 18

Her şahsın, fikir, vicdan ve din hürriyetine hakkı vardır; bu hak, din veya kanaat değiştirmek hürriyeti, dinini veya kanaatini tek başına veya topluca, açık olarak veya özel surette, öğretim, tatbikat, ibadet ve ayinlerle izhar etmek hürriyetini içerir.

ماده هیجدهم

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.

Madde 19

Her ferдин fikir ve fikirlerini açıklamak hürriyetine hakkı vardır. Bu hak fikirlerinden ötürü rahatsız edilmemek, memleket sınırları mevzubahis olmaksızın malûmat ve fikirleri her vasıta ile aramak, elde etmek veya yaymak hakkını içerir.

ماده نوزدهم

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

Madde 20

1. Her şahıs saldırsız toplanma ve dernek kurma ve derneğe katılma serbestisine maliktir.
2. Hiç kimse bir derneğe mensup olmaya zorlanamaz.

ماده بیستم

- (۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.
- (۲) هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

Madde 21

1. Her şahıs, doğrudan doğruya veya serbestçe seçilmiş temsilciler vasıtasıyla, memleketin kamu işleri yönetimine katılmak hakkını haizdir.
 2. Her şahıs memleketin kamu hizmetlerine eşitlikle girme hakkını haizdir.
- Halkın iradesi kamu otoritesinin esasıdır; bu irade, gizli şekilde veya serbestliği
3. sağlayacak muadil bir usul ile cereyan edecek, genel ve eşit oy verme yoluyla yapılacak olan devri ve dürüst seçimlerle ifade edilir.

ماده بیست و یکم

- (۱) هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.
- (۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید.
- (۳) اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تأمین نماید.

Madde 22

Her şahsın, cemiyetin bir üyesi olmak itibariyle, sosyal güvenliğe hakkı vardır; haysiyeti için ve şahsiyetinin serbestçe gelişmesi için zaruri olan ekonomik, sosyal ve kültürel hakların milli gayret ve milletlerarası işbirliği yoluyla ve her devletin teşkilatı ve kaynaklarıyla mütenasip olarak gerçekleştirilmesine hakkı vardır.

ماده بیست و دوم

هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمود آزادانه شخصیت او است با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.

Madde 23

1. Her şahsın çalışmaya, işini serbestçe seçmeye, adil ve elverişli çalışma şartlarına ve işsizlikten korunmaya hakkı vardır.
2. Herkesin, hiçbir fark gözetilmeksizin, eşit iş karşılığında eşit ücrete hakkı vardır.

3.Çalışan her kimsenin kendisine ve ailesine insanlık haysiyetine uygun bir yaşayış sağlayan ve gerekirse her türlü sosyal koruma vasıtalarıyla da tamamlanan adil ve elverişli bir ücrete hakkı vardır.

4.Herkesin menfaatlerinin korunması için sendikalar kurmaya ve bunlara katılmaya hakkı vardır.

ماده بیست و سوم

(۱) هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

(۲) همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

(۳) هر کس که کار می کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذی حق می شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

(۴) هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.

Madde 24

Her şahsın dinlenmeye, eğlenmeye, bilhassa çalışma müddetinin makul surette sınırlandırılmasına ve muayyen devrelerde ücretli tatillere hakkı vardır.

ماده بیست و چهارم

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری با اخذ حقوق ذی حق می باشد.

Madde 25

1.Her şahsın, gerek kendisi gerekse ailesi için, yiyecek, giyim, mesken, tıbbi bakım, gerekli sosyal hizmetler dahil olmak üzere sağlığı ve refahını temin edecek uygun bir hayat seviyesine ve işsizlik, hastalık, sakatlık, dulluk, ihtiyarlık veya geçim imkânlarından iradesi dışında mahrum bırakacak diğer hallerde güvenliğe hakkı vardır.

2.Ana ve çocuk özel ihtimam ve yardım görmek hakkını haizdir. Bütün çocuklar, evlilik içinde veya dışında doğsunlar, aynı sosyal korunmadan faydalanırlar.

ماده بیست و پنجم

(۱) هر کس حق دارد که سطح زندگانی و سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

Madde 26

1. Her şahsın öğrenim hakkı vardır. Öğrenim hiç olmazsa ilk ve temel safhalarında parasızdır. İlköğretim mecburidir. Teknik ve mesleki öğretimden herkes istifade edebilmelidir. Yüksek öğretim, liyakatlerine göre herkese tam eşitlikle açık olmalıdır.

2. Öğretim insan şahsiyetinin tam gelişmesini ve insan haklarıyla ana hürriyetlerine saygının kuvvetlenmesini hedef almalıdır. Öğretim bütün milletler, ırk ve din grupları arasında anlayış, hoşgörü ve dostluğu teşvik etmeli ve Birleşmiş Milletler'in barışın idamesi yolundaki çalışmalarını geliştirmelidir.

3. Ana baba, çocuklarına verilecek eğitim türünü seçmek hakkını öncelikle haizdirler.

ماده بیست و ششم

(۱) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدائی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدائی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید با شرایط تساوی کامل بروی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

(۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را بعد اكمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.

(۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

Madde 27

1. Herkes, topluluğun kültürel faaliyetine serbestçe katılmak, güzel sanatları tatmak, ilim sahasındaki ilerleyişe iştirak etmek ve bundan faydalanmak hakkını haizdir.

2. Herkesin yarattığı, her türlü bilim, edebiyat veya sanat eserlerinden mütevellit manevi ve maddi menfaatlerin korunmasına hakkı vardır.

ماده بیست و هفتم

(۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماعی شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

(۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

Madde 28

Herkesin, işbu Beyanname’de derpiş edilen hak ve hürriyetlerin tam tatbikini sağlayacak bir sosyal ve milletlerarası nizama hakkı vardır.

ماده بیست و هشتم

هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آن‌ها را به مورد عمل بگذارد.

Madde 29

1. Her şahsın, şahsiyetinin serbest ve tam gelişmesi ancak bir topluluk içinde mümkündür ve şahsın bu topluluğa karşı görevleri vardır.

2. Herkes, haklarının ve hürriyetlerinin kullanılmasında, sadece, başkalarının haklarının ve hürriyetlerinin gereğince tanınması ve bunlara saygı gösterilmesi amacıyla ve ancak demokratik bir cemiyette ahlâkın, kamu düzeninin ve genel refahın haklı icaplarını yerine getirmek maksadıyla kanunla belirlenmiş sınırlamalara tabi tutulabilir.

3. Bu hak ve hürriyetler hiçbir veçhile Birleşmiş Milletler’in amaç ve prensiplerine aykırı olarak kullanılamaz.

ماده بیست و نهم

(۱) هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

(۲) هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

(۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

Madde 30

İşbu Beyanname'nin hiçbir hükmü, herhangi bir devlete, zümreye ya da ferde, bu Beyanname'de ilan olunan hak ve hürriyetleri yoketmeye yönelik bir faaliyete girişme ya da eylemde bulunma hakkını verir şekilde yorumlanamaz.

ماده سیام

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند و یا در آن راه فعالیت بنمایند.

نمودار صرف افعال

در این بخش، کلیه صرف‌های ممکن افعال، حتی آن‌هایی که در این کتاب مورد بحث قرار نگرفته‌اند، ارائه شده است. برای جلوگیری از تکرار، فقط به ترجمه فارسی اول شخص مفرد اکتفا شده است. نوآموز باید این نکته را مدنظر داشته باشد که افعال ذکر شده در این بخش در متون مختلف، معانی متفاوت به خود می‌گیرند و ترجمه فارسی که برای این افعال نوشته شده صرفاً یکی از جلوه‌های معنایی آن‌هاست و نقصان زبان‌های دیگر در صرف افعال نسبت به زبان ترکی سبب می‌شود که این زبان‌ها نتوانند معنای معادل و کاملی برای افعال ترکی داشته باشند و فقط در صورت قرار گرفتن در محیط و با تکرار و تمرین مستمر می‌توانید درک صحیح از افعال داشته باشید.

زمان حال استمراری				
مفرد	مثبت (دارم) می‌آیم	منفی نمی‌آیم	مثبت سؤالی آیا (دارم) می‌آیم؟	منفی سؤالی آیا نمی‌آیم؟
۱	geliyorum	gelmiyorum	geliyor muyum	gelmiyor muyum
۲	geliyorsun	gelmiyorsun	geliyor musun	gelmiyor musun
۳	geliyor	gelmiyor	geliyor mü	gelmiyor mu
جمع				
۱	geliyoruz	gelmiyoruz	geliyor muyuz	gelmiyor muyuz
۲	geliyorsunuz	gelmiyorsunuz	geliyor musunuz	gelmiyor musunuz
۳	geliyorlar	gelmiyorlar	geliyorlar mı	gelmiyorlar mı

زمان حال استمراری				
مفرد	مثبت در حال آمدن هستم	منفی در حال آمدن نیستم	مثبت سؤالی آیا در حال آمدنم؟	منفی سؤالی آیا در حال آمدن نیستم؟
۱	gelmekteyim	gelmekte değilim	gelmekte miyim	gelmekte değil miyim
۲	gelmektesin	gelmekte değilsin	gelmekte misin	gelmekte değil misin
۳	gelmektedir	gelmekte değil	gelmekte mi	gelmekte değil mi
۱	gelmekteyiz	gelmekte değiliz	gelmekte miyiz	gelmekte değil miyiz
۲	gelmektesiniz	gelmekte değilsiniz	gelmekte misiniz	gelmekte değil misiniz
۳	gelmekteiler	gelmekte değiller	gelmekteiler mi	gelmekte değiller mi

زمان ماضی استمراری				
مفرد	مثبت (داشتم) می آمدم	منفی نمی آمدم	مثبت سؤالی آیا (داشتم) می آمدم؟	منفی سؤالی آیا نمی آمدم؟
۱	geLİyordum	GELmiyordum	geLİyor muydum	GELmiyor muydum
۲	geLİyordun	GELmiyordun	geLiyor muydun	GELmiyor muydun
۳	geLiyordu	GELmiyordu	geLiyor muydu	GELmiyor muydu
جمع				
۱	geLiyorduk	GELmiyorduk	geLiyor muyduk	GELmiyor muyduk
۲	geLİyordunuz	GELmiyordunuz	geLiyor muydunuz	GELmiyor muydunuz
۳	geLiyorlardı	GELmiyorlardı	geLiyorlar mıydı	GELmiyorlar mıydı

زمان ماضی استمراری				
مفرد	مثبت (داشتم) می آمدم	منفی نمی آمدم	مثبت سؤالی آیا (داشتم) می آمدم؟	منفی سؤالی آیا نمی آمدم؟
۱	gelmekteydim	gelmekte değildim	gelmekte miydim	gelmekte değil miydim
۲	gelmekteydin	gelmekte değildin	gelmekte miydin	gelmekte değil miydin
۳	gelmekteydi	gelmekte değildi	gelmekte miydi	gelmekte değil miydi
۱	gelmekteydik	gelmekte değildik	gelmekte miydik	gelmekte değil miydik
۲	gelmekteydiniz	gelmekte değildiniz	gelmekte miydiniz	gelmekte değil miydiniz
۳	gelmektelardı	gelmekte değildiler	gelmekte miydiler	gelmekte değil miydiler

ise با (کمکی شرطی)		
مفرد	مثبت اگر (دارم) می آیم	منفی اگر نمی آیم
۱	geLiyorsam	GELmiyorsam
۲	geLiyorsan	GELmiyorsan
۳	geLiyorsa	GELmiyorsa
جمع		
۱	geLiyorsak	GELmiyorsak
۲	geLiyorsanız	GELmiyorsanız
۳	geLiyorlarsa	GELmiyorlarsa

ise با (کمکی شرطی)		
مفرد	مثبت اگر در حال آمدن هستم/بودم	منفی اگر در حال آمدن نیستم/نبودم
۱	gelmekteysem	gelmekte değilsem
۲	gelmekteysen	gelmekte değilsen
۳	gelmekteyse	gelmekte değilse
جمع		
۱	gelmekteysek	gelmekte değilsek
۲	gelmekteyseniz	gelmekte değilseniz
۳	gelmektelerse	gelmekte değilserse (değilseler)

ماضی نقلی مستمر –miş'li geçmiş zaman				
مفرد	مثبت می آمده‌ام (می گویند) می آیم	منفی نمی آمده‌ام (می گویند) نمی آیم	مثبت سؤالی آیا می آمده‌ام؟ آیا (می گویند) می آیم	منفی سؤالی آیا نمی آمده‌ام؟ آیا (می گویند) نمی آیم
۱	geLİyormuşum	GELmiyormuşum	geLİyor muymuşum	GELmiyor muymuşum
۲	geLİyormuşsun	GELmiyormuşsun	geLİyor muymuşsun	GELmiyor muymuşsun
۳	geLİyormuş	GELmiyormuş	geLİyor muymuş	GELmiyor muymuş
جمع				
۱	geLİyormuşuz	GELmiyormuşuz	geLİyor muymuşuz	GELmiyor muymuşuz
۲	geLİyormuşsunuz	GELmiyormuşsunuz	geLİyor muymuşsunuz	GELmiyor muymuşsunuz
۳	geLİyorlarmış	GELmiyorlarmış	geLİyorlar mıydı	GELmiyorlar mıymış

ماضی نقلی مستمر –miş'li geçmiş zaman				
مفرد	مثبت در حال آمدن بوده‌ام (می گویند) در حال آمدن هستم ظاهراً در حال آمدن هستم	منفی نمی آمده‌ام (می گویند) نمی آیم ظاهراً در حال آمدن نیستم	مثبت سؤالی آیا داشتم می آمده‌ام؟ آیا (می گویند) دارم می آیم؟ آیا (به نظر می‌رسد) دارم می آیم؟	منفی سؤالی در حال آمدن نبوده‌ام؟ آیا (می گویند) در حال آمدن نیستم آیا (به نظر می‌رسد) در حال آمدن نیستم
۱	gelmektemişim	gelmekte değilmişim	gelmekte miymişim	gelmekte değil miymişim
۲	gelmektemişsin	gelmekte değilmişsin	gelmekte miymişsin	gelmekte değil miymişsin
۳	gelmektemiş	gelmekte değilmiş	gelmekte miymiş	gelmekte değil miymiş
۱	gelmektemişsiz	gelmekte değilmişsiz	gelmekte miymişsiz	gelmekte değil miymişsiz
۲	gelmektemişsiniz	gelmekte değilmişsiniz	gelmekte miymişsiniz	gelmekte değil miymişsiniz
۳	gelmektemişler	gelmekte değilmişler	gelmekte miymişler	gelmekte değil miymişler

با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی)		
مفرد	مثبت	منفی
	اگر می گویند (دارم/داشتم) می آیم / می آمدم اگر داشتم می آمده ام اگر می آمده ام اگر ظاهراً می آیم	اگر می گویند نمی آیم / نمی آمدم اگر در حال آمدن نبوده ام اگر نمی آمده ام اگر ظاهراً نمی آیم
۱	geliyormuşsam	gelmiyormuşsam
۲	geliyormuşsan	gelmiyormuşsan
۳	geliyormuşsa	gelmiyormuşsa
جمع		
۱	geliyormuşsak	gelmiyormuşsak
۲	geliyormuşsanız	gelmiyormuşsanız
۳	geliyormuşsalar (geliyorlarmışsa)	gelmiyormuşsalar (gelmiyorlarmışsa)

با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی)		
مفرد	مثبت	منفی
	اگر می گویند در حال آمدن هستم/بودم اگر در حال آمدن بوده ام	اگر می گویند نمی آیم / نمی آمدم اگر در حال آمدن نبوده ام
۱	gelmektemişsem	gelmekte değilmişsem
۲	gelmektemişsen	gelmekte değilmişsen
۳	gelmektemişse	gelmekte değilmişse
جمع		
۱	gelmektemişsek	gelmekte değilmişsek
۲	gelmektemişseniz	gelmekte değilmişseniz
۳	gelmektemişseler	gelmekte değilmişseler

زمان حال ساده				
مفرد	مثبت آیم	منفی نمی آیم	مثبت سؤالی آیا آیم؟	منفی سؤالی آیا نمی آیم؟
۱	geLiRim	gelMEM	geLiR miyim	gelMEZ miyim
۲	geLiRsin	gelMEZsin	geLiR misin	gelMEZ misin
۳	geLiR	gelMEZ	geLiR mi	gelMEZ mi
جمع				
۱	geLiRiz	gelMEYiz	geLiR miyiz	gelMEZ miyiz
۲	geLiRsiniz	gelMEZsiniz	geLiR misiniz	gelMEZ misiniz
۳	gelirLER	gelmezLER	gelirLER mi	gelmezLER mi

با idi (کمکی گذشته)				
مفرد	مثبت می آمدم	منفی نمی آمدم	مثبت سؤالی آیا می آمدم؟	منفی سؤالی آیا نمی آمدم؟
۱	geLiRdim	gelMEZdim	geLiR miydim	gelMEZ miydim
۲	geLiRdin	gelMEZdin	geLiR miydin	gelMEZ miydin
۳	geLiRdi	gelMEZdi	geLiR miydi	gelMEZ miydi
جمع				
۱	geLiRdik	gelMEZdik	geLiR miydik	gelMEZ mlydik
۲	geLiRdiniz	gelMEZdiniz	geLiR miydiniz	gelMEZ miydiniz
۳	gelirLERdi	gelmezLERdi	gelirLER miydi	gelmezLERmiydi

ise با (کمکی شرطی)		
مفرد	مثبت اگر بیایم	منفی اگر نیایم
۱	geLiRsem	gelMEZsem
۲	geLiRsen	gelMEZsen
۳	geLiRse	gelMEZse
جمع		
۱	geLiRsek	gelMEZsek
۲	geLiRseniz	gelMEZseniz
۳	gelirLERse	gelmezLERse

imiş با (کمکی فرضی)				
مفرد	مثبت (می گویند) می آیم می آمده ام.	منفی (می گویند) نمی آیم نمی آمده ام.	مثبت سؤالی (می گویند) آیا می آیم؟ آیا می آمده ام؟	منفی سؤالی (می گویند) آیا نمی آیم؟ آیا نمی آمده ام؟
۱	geLiRmişim	gelMEZmişim	geLiR miymişim	gelMEZ miymişim
۲	geLiRmişsin	gelMEZmişsin	geLiR miymişsin	gelMEZ miymişsin
۳	geLiRmiş	gelMEZmiş	geLiR miymiş	gelMEZ miymiş
جمع				
۱	geLiRmişiz	gelMEZmişiz	geLiR miymişiz	gelMEZ miymişiz
۲	geLiRmişsiniz	gelMEZmişsiniz	geLiR miymişsiniz	gelMEZ miymişsiniz
۳	gelirLERmiş	gelmezLERmiş	gelirLER miymiş	gelmezLER miymiş

زمان گذشته ساده یا ماضی مطلق				
مفرد	مثبت آدم	منفی نیامدم	مثبت سؤالی آیا آدم؟	منفی سؤالی آیا نیامدم؟
۱	gelDiM	GELmedim	gelDIM mi	GELmedim mi
۲	gelDiN	GELmedin	gelDiN mi	GELmedin mi
۳	gelDi	GELmedi	gelDİ mi	GELmedi mi
جمع				
۱	gelDiK	GELmedik	gelDİK mi	GELmedik mi
۲	geldNİZ	GELmediniz	geldiNiZ mi	GELmediniz mi
۳	geldiLER	GELmediler	geldiLER mi	GELmediler mi

با idi (کمکی گذشته)				
مفرد	مثبت آمده بودم	منفی نیامده بودم	مثبت سؤالی آیا آمده بودم؟	منفی سؤالی آیا نیامده بودم؟
۱	gelDİYdim	GELmediydim	gelDİ miydim	GELmedi miydim
۲	gelDİYdin	GELmediydin	geıDİ miydin	GELmedi miydin
۳	gelDİYdi	GELmediydi	gelDİ miydi	GELmedi miydi
جمع				
۱	gelDİYdik	GELmediydik	gelDİ miydik	GELmedi miydik
۲	gelDİYdiniz	GELmediydiniz	gelDİ miydiniz	GELmedi miydiniz
۳	geldiLERdi	GELmedilerdi	geldiLER miydi	GELmediler miydi

ise (کمکی شرطی)		
مفرد	مثبت اگر آمدم، آمده‌ام	منفی اگر نیامدم، نیامده‌ام
۱	gelDIYsem	GELmediysem
۲	gelDiYsen	GELmediysen
۳	gelDiYse	GELmediyse
جمع		
۱	gelDiYsek	GELmediysek
۲	gelDIYseniz	GELmediyseniz
۳	geldiLERse	GELmedilerse

زمان ماضی نقلی				
مفرد	مثبت آمده‌ام	منفی نیامده‌ام	مثبت سؤالی آیا آمده‌ام؟	منفی سؤالی آیا نیامده‌ام؟
۱	gelMIŞım	GELmemişim	gelMIŞ miyim	GELmemiş miyim
۲	gelMIŞsin	GELmemişsin	gelMIŞ misin	GELmemiş misin
۳	gelMIŞ	GELmemiş	gelMIŞ mi	GELmemiş mi
جمع				
۱	gelMIŞız	GELmemişiz	gelMIŞ miyiz	GELmemiş miyiz
۲	gelMIŞsiniz	GELmemişsiniz	gelMIŞ misiniz	GELmemiş misiniz
۳	gelmişLER	GELmemişler	gelmişLER mi	GELmemişler mi

زمان ماضی بعید				
مفرد	مثبت آمده بودم	منفی نیامده بودم	مثبت سؤالی آیا آمده بودم؟	منفی سؤالی آیا نیامده بودم؟
۱	gelMIŞtim	GELmemiştim	gelMIŞ miydim	GELmemiş miydim
۲	gelMIŞtin	GELmemiştin	gelMIŞ miydin	GELmemiş miydin
۳	gelMIŞti	GELmemişti	gelMIŞ miydi	GELmemiş miydi
جمع				
۱	gelMIŞtik	GELmemiştik	gelMIŞ miydik	GELmimiş miydik
۲	gelMIŞtiniz	GELmemiştiniz	gelMIŞ miydiniz	GELmemiş miydiniz
۳	gelmişLERdi	GELmemişlerdi	gelmişLER miydi	GELmemişler miydi

زمان ماضی ابعـد (دورتر)				
مفرد	مثبت آمده بوده‌ام	منفی نیامده بوده‌ام	مثبت سؤالی آیا آمده بوده‌ام؟	منفی سؤالی آیا نیامده بوده‌ام؟
۱	gelmişmişim	gelmemişmişim	gelmişmiş miyim	gelmemişmiş miyim
۲	gelmişmişsin	gelmemişmişsin	gelmişmiş misin	gelmemişmiş misin
۳	gelmişmiş	gelmemişmiş	gelmişmiş mi	gelmemişmiş mi
جمع				
۱	gelmişmişiz	gelmemişmişiz	gelmişmiş miyiz	gelmemişmiş miyiz
۲	gelmişmişsiniz	gelmemişmişsiniz	gelmişmiş misiniz	gelmemişmiş misiniz
۳	gelmişmişler	gelmemişmişler	gelmişmişler mi	gelmemişmişler mi

ise (کمکی شرطی) با		
مفرد	مثبت اگر آمده‌ام	منفی اگر نیامده‌ام
۱	gelMiŞsem	GELmemişsem
۲	gelMiŞsen	GELmemişsen
۳	gelMiŞse	GELmemişse
جمع		
۱	gelMiŞsek	GELmemişsek
۲	gelMiŞseniz	GELmemişsniz
۳	gelMiŞLERse	GELmemişlerse

زمان آینده				
مفرد	مثبت خواهم آمد	منفی نخواهم آمد	مثبت سؤالی آیا خواهم آمد؟	منفی سؤالی آیا نخواهم آمد؟
۱	geleCEğim	GELmeyeceğim	GELecek miyim	GELmeyecek miyim
۲	geleCEksin	GELmeyeceksin	GELecek misin	GELmeyecek misin
۳	geleCEK	GELmeyecek	GELecek mi	GELmeyecek mi
جمع				
۱	geleCEğiz	GELmeyeceğiz	geleCEK miyiz	GELmeyecek miyiz
۲	gelCEksiniz	GELmeyeceksiniz	geleCEK misiniz	GELmeyecek misiniz
۳	geleCEKler	GELmeyecekler	gelecekLER mi	GELmeyecekler mi

زمان گذشته در آینده (ماضی مستقبل)				
مفرد	مثبت می خواستم بیایم بنا بود بیایم قرار بود بیایم	منفی نمی خواستم بیایم بنا بود بیایم قرار بود بیایم	مثبت سؤالی آیا می خواستم بیایم؟ آیا بنا بود بیایم؟ آیا قرار بود بیایم؟	منفی سؤالی آیا نمی خواستم بیایم؟ آیا بنا نبود بیایم؟ آیا قرار نبود بیایم؟
۱	geleCEKtim	GELmeyecektim	geleCEK miydim	GELmeyecek miydim
۲	geleCEKtin	GELmeyecektin	geleCEK miydin	GELmeyecek miydin
۳	geleCEKti	GELmeyecekti	geleCEK miydi	GELmeyecek miydi
جمع				
۱	geleCEKtik	GELmeyecektik	geleCEK miydik	GELmeyecek miydik
۲	geleCEKtiniz	GELmeyecektiniz	geleCEK miydiniz	GELmeyecek miydiniz
۳	geleCEKlerdi	GELmeyeceklerdi	geleCEKler miydi	GELmeyecekler miydi

با ise (کمکی شرطی)		
مفرد	مثبت اگر بخواهم بیایم اگر بنا باشد بیایم اگر قرار باشد بیایم	منفی اگر بخواهم نیایم اگر بنا باشد نیایم اگر قرار باشد نیایم
۱	geleCEKsem	GELmeyeceksem
۲	geleCEKsen	GELmeyecekse
۳	geleCEKse	GELmeyecekse
جمع		
۱	geleCEKsek	GELmeyeceksek
۲	geleCEKseniz	GELmeyecekse
۳	gelecekLERse	GELmeyeceklerse

با imiş (کمکی فرضی)				
مفرد	مثبت (می گویند) خواهم آمد می خواسته ام بیایم	منفی (می گویند) نخواهم آمد نمی خواسته ام بیایم	مثبت سؤالی (آیا می گویند) خواهم آمد؟ آیا می خواسته ام بیایم؟	منفی سؤالی (آیا می گویند) نخواهم آمد؟ آیا نمی خواسته ام بیایم؟
۱	geleCEKmişim	GELmeyecekmişim	geleCEK miymişim	GELmeyecek miymişim
۲	geleCEKmişsin	GELmeyecekmişsin	geleCEK miymişsin	GELmeyecek miymişsin
۳	geleCEKmiş	GELmeyecekmiş	geleCEK miymiş	GELmeyecek miymiş
جمع				
۱	geleCEKmişiz	GELmeyecekmişiz	geleCEK miymişiz	GELmeyecek miymişiz
۲	geleCEKmişsiniz	GELmeyecekmişsiniz	geleCEK miymişsiniz	GELmeyecek miymişsiniz
۳	gelecekLERmiş	GELmeyeceklermiş	gelecekLER miymiş	GELmeyecekler miymiş

با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی)		
مفرد	مثبت اگر (می گویند/ گفتند) خواهم آمد اگر می خواسته ام بیایم	منفی اگر (می گویند/ گفتند) نخواهم آمد اگر نمی خواسته ام بیایم
۱	gelecekmişsem	gelmeyecekmişsem
۲	gelecekmişsen	gelmeyecekmişsen
۳	gelecekmişse	gelmeyecekmişse
جمع		
۱	gelecekmişsek	GELmeyecekmişsek
۲	gelecekmişseniz	GELmeyecekmişseniz
۳	gelecekmişlerse	GELmeyecekmişlerse

وجه شرطی				
مفرد	مثبت چنانچه بیایم اگر بیایم	منفی چنانچه نیایم اگر نیایم	مثبت سؤالی (فکر می کنی) من بیایم؟	منفی سؤالی (فکر می کنی) من نیایم؟
۱	gelSEM	gelmeSEM	gelSEM mi	gelmeSEM mi
۲	gelSEn	GELmesen	gelSEn mi	GELmesen mi
۳	gelSE	GELmese	gelSE mi	GELmese mi
جمع				
۱	gelSEK	GELmesek	gelSEK mi	GELmesek mi
۲	gelseNiZ	GELmeseniz	gelseNiZ mi	GELmeseniz mi
۳	gelseLER	GELmeseler	gelseLER mi	GELmeseler mi

با idi (کمکی گذشته)				
مفرد	مثبت اگر آمده بودم	منفی اگر نمی آمدم	مثبت سؤالی (فکر می کنی) می بایستی می آمدم؟	منفی سؤالی (فکر می کنی) نمی بایستی می آمدم؟
۱	gelSEYdim	GELmeseydim	gelSE miydim	GELmese miydim
۲	gelSEYdin	GELmeseydin	gelSE miydin	GELmese miydin
۳	gelSEYdi	GELmeseydi	gelSE miydi	GELmese miydi
جمع				
۱	gelSEYdik	GELmeseydik	gelSE miydik	GELmese miydik
۲	gelSEY diniz	GELmeseydiniz	gelSE miydiniz	GELmese miydiniz
۳	gelSElerdi	GELmeselerdi	gelSEler miydi	GELmeseler miydi

با imiş (کمکی فرضی)				
منفی سؤالی (می گویند) آیا نمی آیم؟	مثبت سؤالی (می گویند) آیا می آیم؟	منفی (می گویند) بهتر است نیایم	مثبت (می گویند) بهتر است بیایم	مفرد
GELmese miymişim	gelSE miymişim	GELmeseymişim	gelSEYmişim	۱
GELmese mlymişsin	gelSE miymişsin	GELmeseymişsin	gelSEYmişsin	۲
GELmese miymiş	gelSE miymiş	GELmeseymiş	gelSEYmiş	۳
جمع				
GELmese miyrmişiz	gelSE miymişiz	GELmeseymişiz	gelSEYmişiz	۱
GELmese miymişsiniz	gelSE miymişsiniz	GELmeseymişsiniz	gelSEYmişsiniz	۲
GELmeseler miymiş	gelSEler miymiş	GELmeselermiş	gelSElermiş	۳

وجه اجبار				
منفی سؤالی آیا نباید بیایم؟	مثبت سؤالی آیا باید بیایم؟	منفی نبايد بیایم	مثبت باید بیایم	مفرد
gelmemeli miyim	gelmeli miyim	gelmemeliyim	gelmeliyim	۱
gelmemeli misin	gelmeli misin	gelmemelisin	gelmelisin	۲
gelmemeli mi	gelmeli mi	gelmemeli	gelmeli	۳
gelmemeli miyiz	gelmeli miyiz	gelmemeliyiz	gelmeliyiz	۱
gelmemeli misiniz	gelmeli misiniz	gelmemelisiniz	gelmelisiniz	۲
gelmemeliler mi	gelmeliler mi	gelmemeliler	gelmeliler	۳

وجه اجبار با idi (کمکی گذشته)				
مفرد	مثبت باید می آمدم	منفی باید نمی آمدم	مثبت سؤالی آیا باید می آمدم؟	منفی سؤالی آیا نباید می آمدم؟
۱	gelmeLİYdim	GELmemeliydim	gelmeLİ miydim	GELmemeli miydim
۲	gelmeLİYdin	GELmemeliydin	gelmeLİ miydin	GELmemeli miydin
۳	gelmeLİYdi	GELmemeliydi	gelmeLİ miydi	GELmemeli miydi
۱	gelmeLİYdik	GELmemeliydik	gelmeLİ miydik	GELmemeli miydik
۲	gelmeLİYdiniz	GELmemeliydiniz	gelmeLİ miydiniz	GELmemeli diydiniz
۳	gelmeLİYdiler	GELmemeliydiler	gelmeLİ miydiler	GELmemeli miydiler

با ise (کمکی شرطی)		
مفرد	مثبت اگر مجبور شوم بیایم.	منفی اگر مجبور نشوم بیایم.
۱	gelmeliysem	gelmemeliysem
۲	gelmeliysen	gelmemeliysen
۳	gelmeliyse	gelmemeliyse
جمع		
۱	gelmeliysek	gelmemeliysek
۲	gelmeliyseniz	gelmemeliyseniz
۳	gelmeliyseler	gelmemeliyseler

با imiş (کمکی فرضی)				
مفرد	مثبت (می گویند) باید بیایم باید می آمده ام	منفی (می گویند) نباید می آمدم نباید می آمده ام	مثبت سؤالی (آیا می گویند) باید بیایم؟ آیا باید می آمده ام؟	منفی سؤالی (آیا می گویند) نباید می آمدم؟ آیا باید نمی آمده ام؟
۱	gelmeliymişim	gelmemeliymişim	gelmeli miymişim	gelmemeli miymişim
۲	gelmeliymişin	gelmemeliymişin	gelmeli miymişin	gelmemeli miymişin
۳	gelmeliymiş	gelmemeliymiş	gelmeli miymiş	gelmemeli miymiş
جمع				
۱	gelmeliymişiz	gelmemeliymişiz	gelmeli miymişiz	gelmemeli miymişiz
۲	gelmeliymişsiniz	gelmemeliymişsiniz	gelmeli miymişsiniz	gelmemeli miymişsiniz
۳	gelmeliymişler	gelmemeliymişler	gelmeli miymişler	gelmemeli miymişler

وجه آرزو				
مفرد	مثبت (بهتر است) بیایم	منفی (بهتر است) نیایم	مثبت سؤالی (آیا بهتر است) بیایم؟	منفی سؤالی (آیا بهتر است) نیایم؟
۱	geleYİM	GEImeyeyim	geleYİM mi	GEImeyeyim mi
۲	geleSİN	GEImeyesin		
۳	geLE	GEImeye		
جمع				
۱	geleLİM	GEImeyelim	geleLİM mi	GEImeyelim mi
۲	geLEsiniz	GEImeyesiniz		
۳	geLER	GEImeyeler		

با idi (کمکی گذشته)		
مفرد	مثبت ای کاش می آمدم.	منفی ای کاش نمی آمدم.
۱	geLEYdim	Gelmeyeydim
۲	geLEYdin	Gelmeyeydin
۳	geLEYdi	Gelmeyeydi
جمع		
۱	geLEYdik	Gelmeyeydik
۲	geLEYdiniz	Gelmeyeydiniz
۳	geLEYdiler	Gelmeyeydiler

وجه امری		
مفرد	مثبت بیا!	منفی نیا!
۱	-	-
۲	gel	Gelme
۳	gelsin	Gelmesin
جمع		
۱	GElin/GEliniz	GELmeyin/GELmeyiniz
۲	-	-
۳	gelsinLER	GELmesinler